



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
الصلوة
والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

استقامت

جلد اول (عبادات)

حضرت آیت اللہ العظمیٰ

آقای حاج سید عبدالکریم موسوی ریویںی

کراچی، پاکستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استفتاءات آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

نویسنده:

عبدالکریم موسوی اردبیلی

ناشر چاپی:

نجابت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۵	استفتائات آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی
۲۵	مشخصات کتاب
۲۶	تکلیف، اجتهاد و تقلید
۲۶	اشاره
۲۷	تکلیف
۲۷	اشاره
۲۷	بلوغ، رشد و تمیز
۳۰	عقل
۳۰	اجتهاد و مرجعیت
۳۳	تقلید
۳۳	اشاره
۳۸	تقلید از مجتهد اعلم
۴۵	به دست آوردن فتوای مجتهد
۴۶	تبعیض در تقلید
۴۸	عدول در تقلید
۵۰	تقلید ابتدایی از میّت
۵۱	بقا بر تقلید میّت
۵۴	سؤالات دیگر تقلید
۵۷	عمل به احتیاط
۵۹	طهارت
۵۹	اشاره
۶۱	احکام آب ها
۶۳	نجاسات

۶۳	چیزهای نجس
۶۳	بول (ادرار)
۶۴	غانط (مدفوع)
۶۶	مَنی
۶۷	خون
۷۰	مردار
۷۲	کافر
۷۲	اشاره
۷۵	اهل کتاب
۷۷	شراب، الکل و...
۷۸	حیوان نجاستخوار
۷۹	ثابت شدن نجاست
۸۱	نجس شدن چیزهای پاک
۸۴	دیگر احکام نجاسات
۸۶	تخلّی
۸۷	پاک شدن چیزهای نجس
۸۷	اشاره
۸۹	پاک شدن خوردنی ها
۹۱	پاک شدن بدن انسان
۹۳	پاک شدن لباس، فرش و...
۹۳	پاک شدن ساختمان، زمین و خاک
۹۴	وضو
۹۴	افعال وضو
۹۴	نیّت و غایت در وضو
۹۶	شستن صورت و دست ها
۹۸	مسح سر و پاها

- شرایط وضوی صحیح ۱۰۲
- پاک بودن آب ۱۰۲
- پاک بودن اعضای وضو ۱۰۲
- نبودن مانع در اعضای وضو ۱۰۳
- غصبی نبودن مکان و آب وضو ۱۰۵
- ضرر نداشتن وضو ۱۰۶
- وضوی جبیره ای و وضوی بیماران ۱۰۷
- وضوی مقطوع العضو ۱۱۱
- چیزهایی که وضو را باطل می کند ۱۱۲
- استحباب وضو و مستحبات و مکروهات آن ۱۱۲
- شک در وضو ۱۱۳
- دیگر احکام وضو ۱۱۴
- غسل ۱۱۷
- احکام کلی مربوط به غسل ۱۱۷
- غسل ترتیبی و ارتماسی ۱۱۷
- شرایط و موانع غسل ۱۱۷
- خصوصیات مکان و آب غسل ۱۱۷
- جاری شدن آب بر بدن ۱۱۹
- وجود مانع در اعضای غسل ۱۲۰
- کمک گرفتن در غسل ۱۲۰
- تأخیر غسل از وقت نماز ۱۲۱
- شک در غسل ۱۲۱
- موارد دیگر ۱۲۱
- غسل های واجب ۱۲۲
- جنابت ۱۲۲
- خروج منی از مرد ۱۲۲

۱۲۵	خروج منی و استمناء در زنان
۱۲۵	جنابت از حرام
۱۲۶	دیگر احکام جنابت
۱۲۸	حیض
۱۲۸	اشاره
۱۳۰	موارد حرام و مکروه بر جنب و حائض
۱۳۱	استحاضه
۱۳۳	نفاس
۱۳۴	مست میت
۱۳۸	غسل های مستحبتی
۱۴۰	تیمم
۱۴۰	موارد متعین شدن تیمم
۱۴۱	موارد صحت و عدم صحت تیمم
۱۴۲	چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است
۱۴۳	اموری که رعایتش در وقت تیمم لازم است
۱۴۵	تیمم مقطوع العضو
۱۴۵	تیمم دادن غیر مماتل، نامحرم و مریض
۱۴۶	مقدار تأثیر و بقای تیمم
۱۴۷	دیگر احکام تیمم
۱۴۸	احکام محتضر و اموات
۱۴۸	اشاره
۱۴۹	غسل، کفن، نماز و دفن میت
۱۴۹	اشاره
۱۵۲	غسل میت
۱۶۰	کفن
۱۶۰	نماز میت

- ۱۶۰ اشاره
- ۱۶۲ شرایط و واجبات نماز میت
- ۱۶۴ مکروهات نماز میت
- ۱۶۴ شک در نماز میت
- ۱۶۵ دفن میت
- ۱۶۸ نبش قبر
- ۱۷۰ رسومات، مجالس و خیرات برای اموات و زیارت اهل قبور
- ۱۷۵ تشریح و فروش جنازه میت
- ۱۷۷ قرآن و اسامی متبرکه
- ۱۷۷ آیات کریمه قرآن
- ۱۸۱ اسامی پروردگار متعال
- ۱۸۲ اسامی و القاب معصومین علیهم السلام
- ۱۸۳ محو نمودن آیات قرآن و اسما متبرکه
- ۱۸۵ نماز
- ۱۸۵ اشاره
- ۱۸۷ قبله
- ۱۸۸ پوشش بدن در نماز
- ۱۸۸ اشاره
- ۱۸۹ شرایط پوشش نمازگزار
- ۱۸۹ اشاره
- ۱۹۰ پاک بودن لباس
- ۱۹۰ اشاره
- ۱۹۰ نماز بدون طهارت بدن و لباس
- ۱۹۶ مباح بودن لباس
- ۱۹۷ پوشش از اجزای میته نباشد
- ۱۹۷ پوشش از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد

- پوشش مرد از طلا نباشد ۱۹۸
- پوشش مرد از حریر نباشد ۱۹۹
- مستحبات و مکروهات پوشش در نماز ۲۰۰
- احکام دیگر پوشش در نماز ۲۰۱
- مکان نمازگزار ۲۰۱
- شرایط مکان نمازگزار ۲۰۱
- مباح بودن مکان ۲۰۱
- بی حرکت بودن مکان ۲۰۴
- پاک بودن مکان ۲۰۵
- جلوتر یا مساوی نبودن زن نسبت به مرد ۲۰۶
- دیگر مسائل مکان نمازگزار ۲۰۶
- احکام مسجد ۲۰۷
- نجس شدن مسجد ۲۰۷
- انجام دادن غیر عبادات در مسجد ۲۰۹
- تزئین مسجد ۲۱۰
- نصب عکس در مسجد ۲۱۰
- ساخت، توسعه و تخریب مسجد ۲۱۱
- احکام دیگر مسجد ۲۱۳
- نمازهای یومیه ۲۱۴
- وقت نمازهای یومیه ۲۱۴
- رعایت ترتیب در خواندن نمازهای یومیه ۲۱۶
- واجبات نماز ۲۱۸
- نیت ۲۱۸
- تکبیره الاحرام ۲۲۰
- قیام ۲۲۰
- قرائت ۲۲۳

- ۲۲۳ قرائت حمد و سوره از روی قرآن
- ۲۲۳ قرائت های مختلف قرآن در نماز
- ۲۲۳ قرائت سوره توحید و کافرون در نماز
- ۲۲۴ قرائت در نماز جمعه و نماز ظهر و عصر روز جمعه
- ۲۲۴ رعایت قواعد تجوید
- ۲۲۵ تکرار سوره و آیات و اذکار در نماز
- ۲۲۶ ترک سهوی قرائت
- ۲۲۶ غلط خواندن نماز
- ۲۲۷ قرائت قرآن و ذکر و دعا در بین نماز
- ۲۲۸ قرائت قرآن در غیر نماز
- ۲۲۸ تسبیحات اربعه
- ۲۲۸ رکوع
- ۲۳۰ سجود
- ۲۳۰ اشاره
- ۲۳۲ چیزهایی که می توان بر آن سجده کرد
- ۲۳۴ سجده واجب قرآن
- ۲۳۶ سجده شکر
- ۲۳۶ تشهد
- ۲۳۷ سلام
- ۲۳۷ موالات
- ۲۳۸ مستحبات و مکروهات نماز
- ۲۳۸ اذان و اقامه
- ۲۴۰ قنوت
- ۲۴۲ تکبیرات مستحب در نماز
- ۲۴۲ توڑک
- ۲۴۳ بستن چشم هنگام نماز

- ۲۴۳ تعقیبات نماز
- ۲۴۴ مبطلات نماز
- ۲۴۴ خلل در طهارت
- ۲۴۵ تکتف
- ۲۴۵ انحراف از قبله
- ۲۴۷ قصد غیر ذکر از اذکار نماز
- ۲۴۸ حرف زدن عمدی
- ۲۴۸ اشاره
- ۲۴۸ جواب سلام در بین نماز
- ۲۴۹ به هم خوردن صورت نماز
- ۲۵۰ شکّیات
- ۲۵۰ اشاره
- ۲۵۱ شک هایی که نباید به آنها اعتنا کرد
- ۲۵۱ شکّ کثیر الشک
- ۲۵۲ شک در نماز جماعت
- ۲۵۲ شک در نماز مستحبّی
- ۲۵۲ شک های صحیح
- ۲۵۳ شک در شرایط و اجزا
- ۲۵۴ شک در صحت
- ۲۵۵ نماز احتیاط
- ۲۵۸ سجده سهو
- ۲۵۹ قضای سجده و تشهد فراموش شده
- ۲۶۱ کم و زیاد کردن شرایط و اجزای نماز
- ۲۶۳ نماز قضا
- ۲۶۳ اشاره
- ۲۶۵ نماز قضای خویشان که بر انسان واجب می شود

۲۶۷ نماز قضای استیجاری و تبزعی
۲۷۱ نماز جماعت
۲۷۱ شرایط، وظایف و امور مربوط به امام جماعت
۲۷۱ بلوغ
۲۷۲ طهارت
۲۷۲ عدالت
۲۷۳ قرائت صحیح
۲۷۴ امامت جانباز، معلول و فرد ناتوان
۲۷۵ امامت غیر روحانی
۲۷۶ امامت بانوان
۲۷۶ امور دیگر مربوط به امام جماعت
۲۷۹ شرایط، وظایف و امور مربوط به مأوم
۲۷۹ مکان مأوم
۲۸۱ اتصال
۲۸۴ نیت
۲۸۵ تکبیرة الاحرام
۲۸۵ قرائت
۲۸۶ رکوع و سجود
۲۸۷ تشهد
۲۸۷ سلام
۲۸۸ تبعیت
۲۸۸ امور دیگر مربوط به مأوم
۲۹۰ احکام دیگر مربوط به نماز جماعت
۲۹۱ نماز جمعه
۲۹۱ اشاره
۲۹۱ شرایط و وظایف امام جمعه

۲۹۳ نماز آیات
۲۹۴ نماز عید فطر و قربان
۲۹۵ نماز نذری
۲۹۵ نماز مستحبی
۲۹۹ احکام دیگر مربوط به نماز
۳۰۵ روزه و اعتکاف
۳۰۵ اشاره
۳۰۷ رؤیت هلال و ثبوت اول ماه
۳۰۸ نیت روزه
۳۰۸ تبدیل نیت روزه
۳۰۹ تداخل در روزه
۳۰۹ نیت روزه نیابتی
۳۱۰ شروع و پایان امساک در روزه
۳۱۰ مبطلات روزه
۳۱۰ قصد افطار
۳۱۱ ارتکاب مفطرات به واسطه جهل به مسأله یا سهو
۳۱۲ خوردن و آشامیدن
۳۱۳ استعمال دارو و تزریق خون
۳۱۵ بی هوشی
۳۱۵ جنابت، حیض و استحاضه
۳۲۱ اماله کردن
۳۲۲ فرو بردن سر در آب
۳۲۳ استعمال دود
۳۲۳ دروغ بستن به خدا، پیامبر و ائمه علیهم السلام
۳۲۵ موارد جواز افطار
۳۲۵ احتمال ضرر و بیماری

- ۳۲۶ ----- بارداری و شیر دادن به بچه -----
- ۳۲۷ ----- مشقت و سختی -----
- ۳۲۷ ----- اضطرار و حرج -----
- ۳۲۸ ----- روزه نذری -----
- ۳۲۸ ----- عذر و مانع در روزه نذری -----
- ۳۳۰ ----- موالات در ادای روزه نذری -----
- ۳۳۰ ----- شک در زمان نذر معین -----
- ۳۳۰ ----- تداخل در روزه نذری -----
- ۳۳۱ ----- قضا و کفارة روزه نذری -----
- ۳۳۱ ----- روزه استیجاری -----
- ۳۳۲ ----- روزه مستحبی و مکروه -----
- ۳۳۳ ----- قضا و کفارة روزه -----
- ۳۳۳ ----- قضای روزه -----
- ۳۳۳ ----- اشاره -----
- ۳۳۴ ----- روزه قضای میت -----
- ۳۳۵ ----- کفارة روزه -----
- ۳۳۹ ----- مواردی که نه قضای روزه واجب است و نه کفارة روزه -----
- ۳۴۰ ----- مواردی که فقط قضای روزه واجب است -----
- ۳۴۴ ----- مواردی که هم قضای روزه واجب است و هم کفارة روزه -----
- ۳۴۶ ----- دیگر احکام روزه -----
- ۳۴۸ ----- اعتکاف -----
- ۳۴۸ ----- صحت اعتکاف -----
- ۳۴۹ ----- نیت اعتکاف -----
- ۳۵۰ ----- روزه اعتکاف -----
- ۳۵۱ ----- مکان اعتکاف -----
- ۳۵۲ ----- نیابت در اعتکاف -----

- ۳۵۲ محرمات اعتکاف
- ۳۵۳ احکام دیگر مربوط به اعتکاف
- ۳۵۷ احکام مسافر
- ۳۵۷ اشاره
- ۳۵۹ نماز مسافر
- ۳۵۹ اشاره
- ۳۵۹ شرایط سفر شرعی
- ۳۵۹ پیمودن هشت فرسخ راه
- ۳۶۰ سفرش سفر معصیت نباشد
- ۳۶۱ شغل او سفر کردن نباشد
- ۳۶۱ وطن و جایی که در حکم وطن است
- ۳۶۱ اشاره
- ۳۶۶ بلاد کبیره
- ۳۶۷ چیزهایی که سفر را قطع می کند
- ۳۶۷ قصد ده روز
- ۳۶۹ سی روز توقّف به حال تردید
- ۳۶۹ مسائل دیگر نماز مسافر
- ۳۷۰ روزه مسافر
- ۳۷۰ روزه کسانی که ناچارند برای شغل خود سفر کنند
- ۳۷۴ روزه نذری در سفر
- ۳۷۶ روزه مستحّی در سفر
- ۳۷۶ سوالات دیگر روزه مسافر
- ۳۷۹ اعتکاف مسافر
- ۳۸۱ خمس
- ۳۸۱ اشاره
- ۳۸۳ خمس و وجوب آن

۳۸۴	خمس اموال و هزینه های گوناگون
۳۸۴	درآمد حاصل از معدن
۳۸۶	مالی که از غَوَاصی به دست آید
۳۸۶	مال حلال مخلوط به حرام
۳۸۸	سرمایه، ابزار و وسایل کسب و کار
۳۹۲	سهام شرکت ها
۳۹۳	مغازه
۳۹۵	سرقفلی
۳۹۶	زمین
۳۹۸	خانه
۴۰۸	وسیله نقلیه
۴۱۱	حقوق حقوق بگیران
۴۱۴	دامداری، کشاورزی و باغداری
۴۱۴	اشاره
۴۱۵	دامداری
۴۱۵	دام
۴۱۷	وسایل نگهداری دام
۴۱۷	کشاورزی
۴۱۷	زمین کشاورزی
۴۱۸	محصولات کشاورزی
۴۲۰	وسایل و آلات کشاورزی
۴۲۰	باغداری
۴۲۰	باغ
۴۲۱	محصول باغ
۴۲۱	اسباب و وسایل زندگی
۴۲۴	جهیزیه دختر و لوازم زندگی آینده پسر

- ۴۲۶ مهریه
- ۴۲۷ مخارج ازدواج
- ۴۲۷ طلا، جواهر و زینت آلات
- ۴۲۹ درآمد زنی که ازدواج کرده
- ۴۳۱ مخارج تحصیل و خرید کتاب
- ۴۳۲ هزینه حج و سفرهای زیارتی
- ۴۳۵ اموال شخص غیر مکلف
- ۴۳۷ هبه، هدیه و جایزه
- ۴۳۷ اشاره
- ۴۳۷ گرفتن هبه، هدیه و جایزه
- ۴۴۰ دادن هدیه
- ۴۴۱ طلب
- ۴۴۳ سپرده
- ۴۴۳ پس انداز
- ۴۴۵ ودیعه مسکن
- ۴۴۵ قرض و دین
- ۴۴۷ اجرتی که در مقابل آن کاری انجام نشده است
- ۴۴۸ کفن، قبر و مجلس ترحیم
- ۴۴۹ ترکه، ارث و مال وصیت شده
- ۴۵۵ مال نذر شده
- ۴۵۶ وجوه شرعی دریافت شده
- ۴۵۷ اموال هیئت ها، صندوق ها و انجمن های خیریه
- ۴۵۸ مالیات حکومتی
- ۴۵۹ پولی که به بیمه داده یا از بیمه گرفته می شود
- ۴۶۰ دیه
- ۴۶۰ امور دیگر مربوط به خمس

- شک در تعلق و پرداخت خمس ۴۶۰
- سال خمسی و زمان محاسبه خمس ۴۶۱
- خمس را به چه کسی تحویل بدهیم؟ ۴۶۴
- وظیفه کسی که تاکنون خمس نداده ۴۶۵
- گرفتن خمس مال کسی که خمس نمی دهد ۴۶۷
- شراکت با کسی که خمس نمی دهد ۴۶۷
- پرداخت خمس از درآمد سال های بعد ۴۶۸
- تصرف در خمس و مالی که خمسه داده نشده ۴۶۹
- تلف شدن خمس یا مال متعلق خمس ۴۷۲
- مخلوط شدن مال مخمس و غیر مخمس ۴۷۳
- جبران نمودن پولی که خمسه داده شده ۴۷۳
- مبنای قیمت اموال در محاسبه خمس ۴۷۴
- کاهش ارزش پول ۴۷۶
- تأخیر در پرداخت خمس ۴۷۶
- مصالحه ۴۷۶
- دستگردان ۴۷۷
- مصرف خمس ۴۷۹
- اشاره ۴۷۹
- سهام سادات ۴۸۱
- سیادت ۴۸۱
- مصرف سهم سادات ۴۸۲
- سهام مبارک امام علیه السلام ۴۸۶
- اشاره ۴۸۶
- مصرف سهم مبارک امام علیه السلام و بعضی وجوه شرعی دیگر ۴۸۶
- دیگر مسائل خمس ۴۸۹
- زکات ۴۹۱

- ۴۹۱ اشاره
- ۴۹۳ زکات مال
- ۴۹۳ وجوب زکات
- ۴۹۳ نیت زکات
- ۴۹۴ اموالی که زکاتشان واجب است
- ۴۹۴ زکات غلات
- ۴۹۷ زکات دام
- ۴۹۸ زکات طلا و نقره
- ۴۹۹ مصرف زکات
- ۴۹۹ صرف کردن زکات بدون اجازه مجتهد
- ۴۹۹ زکات را در چه راه هایی می توان صرف نمود؟
- ۵۰۳ چه مقدار از زکات را می توان به فقیر داد؟
- ۵۰۳ دیگر احکام زکات
- ۵۰۳ اشاره
- ۵۰۴ گرفتن زکات از کسی که زکات نمی دهد
- ۵۰۴ زکات اموال وقفی
- ۵۰۴ زکات طلب
- ۵۰۵ زکات مستحب
- ۵۰۵ تصرف در مالی که زکاتش داده نشده
- ۵۰۵ تصرف در زکات جدا شده
- ۵۰۵ زکات فطره
- ۵۰۵ پرداخت زکات فطره بر عهده چه کسی است؟
- ۵۰۷ واسطه در پرداخت زکات فطره
- ۵۰۸ دادن جنس دیگر و یا پول به جای زکات فطره
- ۵۰۹ مصرف زکات فطره
- ۵۱۰ دیگر مسائل زکات فطره

۵۱۳	حج
۵۱۳	اشاره
۵۱۵	حَجَّةُ الْاِسْلَام
۵۱۵	اشاره
۵۱۷	استطاعت
۵۱۷	استطاعت مالی
۵۱۷	اشاره
۵۲۳	حج بذلی
۵۲۵	استطاعت بدنی
۵۲۶	استطاعت طریقی و زمانی
۵۲۷	رجوع به کفایت
۵۲۷	مسائل دیگر استطاعت
۵۲۸	استقرار حج
۵۳۰	حج نذری
۵۳۱	حج استجبایی
۵۳۲	وصیت به حج
۵۳۴	نیابت در حج
۵۳۹	میقات
۵۳۹	احرام قبل از میقات
۵۴۰	میقات عمره تمتع و عمره مفرده
۵۴۱	میقات مسجد شجره
۵۴۲	میقات یلملم
۵۴۲	احرام از وادی السیل
۵۴۲	احرام از جدّه و رائغ
۵۴۲	احرام از مکه
۵۴۴	احرام از غیر میقات

۵۴۵	اعمال عمره و حج
۵۴۵	احرام
۵۴۵	مستحبات و واجبات احرام
۵۴۵	غسل احرام
۵۴۵	تیت احرام
۵۴۷	لباس احرام
۵۴۹	تلبیه (لیک گفتن)
۵۴۹	محرمات احرام
۵۴۹	اشاره
۵۵۰	مسائل زناشویی
۵۵۰	استعمال بوی خوش
۵۵۰	مالیدن روغن به بدن
۵۵۱	زینت کردن
۵۵۱	نگاه کردن در آینه
۵۵۱	جدال
۵۵۲	پوشیدن لباس دوخته
۵۵۳	پوشاندن تمام روی پا
۵۵۳	پوشاندن سر
۵۵۴	پوشاندن صورت
۵۵۵	سایه بر سر قرار دادن
۵۵۶	حمل سلاح
۵۵۶	کشتن حیوانات
۵۵۶	مسائل دیگر احرام
۵۵۷	کفّارات
۵۵۸	طواف
۵۵۸	شرایط و واجبات طواف

۵۵۸	پاک بودن از حدث اکبر و اصغر
۵۶۱	پاک بودن بدن و لباس از نجاست
۵۶۱	ستر
۵۶۱	بیرون بودن از کعبه و اجزای آن
۵۶۱	گردیدن به دور حجر اسماعیل
۵۶۲	هفت دور طواف کردن
۵۶۲	مستحبات طواف
۵۶۲	اشاره
۵۶۳	حدّ مطاف
۵۶۳	شک در طواف
۵۶۳	انجام دادن کارهای حرام در حال طواف
۵۶۴	مسائل دیگر طواف
۵۶۶	طواف نساء
۵۶۷	نماز طواف
۵۶۷	شرایط و واجبات نماز طواف
۵۶۷	مکان نماز طواف
۵۶۷	قرائت در نماز طواف
۵۶۸	موالات بین طواف و نماز طواف
۵۶۸	شک در نماز طواف
۵۶۹	نماز طواف نایب
۵۶۹	مسائل دیگر نماز طواف
۵۷۱	سعی
۵۷۳	مسائل بین عمره تمتع و حج تمتع
۵۷۴	تقدیم اعمال مکه
۵۷۵	عرفات، مشعر الحرام و منی
۵۷۸	واجبات منی

۵۷۸	رمی
۵۸۱	قربانی
۵۸۱	اشاره
۵۸۲	وقت قربانی
۵۸۳	شرایط حیوان قربانی
۵۸۳	نیابت در قربانی
۵۸۳	مصرف قربانی
۵۸۴	مسائل دیگر قربانی
۵۸۴	حلق و تقصیر
۵۸۴	وقت حلق و تقصیر در حج
۵۸۵	مکان حلق و تقصیر در حج
۵۸۵	مسائل دیگر حلق و تقصیر در حج و عمره
۵۸۶	بیتوته در منی
۵۸۷	مسائل دیگر مربوط به عمره تمتع، عمره مفرده و حج
۵۹۱	مساجد مکه و مدینه و نماز در آنها
۵۹۵	لغات و اصطلاحات فقهی
۶۸۱	درباره مرکز

استفتائات آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی

مشخصات کتاب

سرشناسه: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، 1304 - 1395.

عنوان و نام پدیدآور: استفتائات/ عبدالکریم موسوی اردبیلی؛ گردآوری و تنظیم رضا قبادلو.

مشخصات نشر: قم: نجابت، 1428ق. = 1385.

مشخصات ظاهری: 615 ص

شابک: 20000 ریال : 6-01-2891-964-978

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد اول.

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه -- پرسش ها و پاسخ ها

فتواهای شیعه -- قرن 14

رده بندی کنگره: BP183/9 / م86 الف5 1385

رده بندی دیویی: 297/3422

شماره کتابشناسی ملی: 1159840

اطلاعات رکورد کتابشناسی: رکورد کامل

ص: 1

تکلیف، اجتهاد و تقلید

اشاره

ص: 2

[1] سؤال 1: آیا غیر از سکنه کشور جمهوری اسلامی ایران (اعم از مسلمان و کافر)، افراد ساکن کشورهای دیگر و بخصوص کفار آنها، ملزم به احکام اسلامی می باشند یا خیر؟

پاسخ: مسلمانان در هر جا که باشند، ملزم به رعایت احکام اسلامی می باشند.

مکلف بودن کفار به فروع دین معلوم نیست؛ ولی هنگام ورود به جامعه اسلامی، می توان آنها را ملزم به رعایت شئونات جامعه اسلامی، مثل حفظ حجاب و جلوگیری از شرب خمر علنی نمود.

[2] سؤال 2: آیا حکم جاهل و ناسی (فراموش کننده) و غیر ملتفت، در عمل به احکام شرعی، با یکدیگر و با شخص عالم متفاوت است؟

پاسخ: معیاری نسبت به تمام احکام وجود ندارد و ممکن است به حسب موارد فرق کند.

بلوغ، رشد و تمیز

[3] سؤال 3: دین مبین اسلام برای پسران، سنّ بلوغ را اتمام پانزده سال قمری و برای دختران، اتمام نه سال قمری معین نموده است و از طرفی نظر فقهای عظام این است که بعد از فرارسیدن سنّ بلوغ، نمی توان کسی را به عنوان جنون یا عدم رشد،

مجبور نمود، مگر این که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد. آیا مراد از بلوغ، همان بلوغ طبیعی (آمادگی جسمی برای عمل زناشویی و حاملگی) است یا بلوغ عقلی و رشد عقلانی؟ و آیا می توان بین بلوغ در تکالیف فردی (عبادات) و بلوغ در روابط اجتماعی از قبیل معاملات و... تفاوت قائل شد؟

پاسخ: بلوغ شرعی (رسیدن به حد و سنّ تکلیف) برای پسر، پانزده سال تمام قمری و برای دختر، نه سال تمام قمری است. در مورد نماز که مشکلی وجود ندارد و در مورد امور مالی و معاملات، رشد فکری مناسب لازم است و در مورد ازدواج و توابع آن بهتر است رشد فکری و جسمانی لحاظ شود، اگر چه در بعضی از احکام، رعایت آنها لازم است و در مورد روزه، چنانچه باعث عسر و حرج (مشقت زیاد) باشد، لازم نیست روزه بگیرد و اگر بتواند یک روز یا چند روز در میان روزه بگیرد، باید آن روزها را روزه بگیرد و اگر نتوانست، تا ماه رمضان سال آینده، روزه های نگرفته را قضا نماید و اگر نتوانست، در سال های بعد قضا نماید. در اجرای حدود الهی و مجازات، اضافه بر بلوغ سنی، رشد عقلی به حسب مورد و علم به حرمت نیز لازم است و با احراز این شرایط، جای تخفیف نیست، مگر این که خطر مرگ یا مرض شدید در بین باشد. در سایر موارد می توان تخفیف قائل شد؛ ولی در حقّ الناس، چنانچه مستند به او باشد، ضامن است.

[4] سؤال 4: اگر منظور از پانزده سال در پسر و نه سال در دختر، سال قمری است، فرق آن با سال شمسی چیست؟

پاسخ: پانزده سال قمری، حدود 164 روز کمتر از پانزده سال شمسی و نه سال قمری، حدود 98 روز کمتر از نه سال شمسی است.

[5] سؤال 5: آیا برای دختر از حیث بلوغ، می توان بین عبادات و معاملات تفاوتی قائل شد؟

پاسخ: در صورتی که رشد داشته باشد، تفاوتی نیست و اگر رشد نداشته باشد، باید در امور مالی و بعضی امور دیگر که درك كافی در آنها شرط است، رشد را در نظر گرفت.

[6] سؤال 6: دربارهٔ رابطهٔ بلوغ و رشد بفرمایید:

الف. آیا بین دو صفت بلوغ و رشد، شرعاً ملازمه وجود دارد؟

پاسخ: ملازمه نیست.

ب. در صورت جدا بودن صفت بلوغ از وصف رشد، آیا سنّ بلوغ می تواند امارهٔ رشد قرار گیرد؟

پاسخ: بلوغ، امارهٔ رشد نیست.

[7] سؤال 7: یتیم در چه سنّی دارای رشد می شود؟

پاسخ: رشد، غیر از بلوغ است و گاهی به همراه بلوغ و گاهی بعد از بلوغ، حاصل می شود و سنّ خاصّی را نمی توان برای آن تعیین کرد و زمان آن به حسب استعداد افراد، مختلف است.

[8] سؤال 8: بچه در چه سنّی ممیّز می شود؟

پاسخ: این امر، دارای معیار واحدی نیست و به حسب اختلاف استعداد بچه ها و اختلاف زمان و مکان متفاوت است.

[9] سؤال 9: بعضی از علما و مجتهدین فتوا داده اند که نماز بچهٔ ممیّز، مخصوصاً در زمان فعلی و بعد از انقلاب که رشد فکری و فرهنگی بالا رفته است، محکوم به صحّت است و با بزرگ سالان در صحّت فرقی ندارد. نظر حضرت عالی در این مورد چیست؟

پاسخ: به نظر این جانب، عبادت طفل ممیّز صحیح است.

ص: 5

[10] سؤال 10: آن مقدار عقب ماندگی ذهنی که قدرت درك و تمیز را مختل کند، آیا مانند جنون، رافع تکالیف شرعی است؟

پاسخ: اگر عرف و افراد خبره چنین شخصی را مجنون بدانند، حکم مجنون را دارد.

[11] سؤال 11: چه حدی از بیماری ها و اختلالات روحی و روانی، باعث ساقط شدن تکلیف (نماز و روزه و...) از بیمار می شود؟

پاسخ: چنانچه پزشک متخصص مورد اطمینان، بیمار مذکور را مجنون تشخیص دهد، تکالیف از او ساقط است.

[12] سؤال 12: دانش آموزان استثنایی (کم توان ذهنی)، با توجه به این که سنّ عقلی آنان در مقایسه با افراد عادی همسنّ خود پایین تر است (به عنوان مثال سنّ آنها دوازده سال، ولی سنّ عقلی آنها هشت سال است)، آیا سنّ تکلیف این دانش آموزان، مانند افراد عادی، همان نُه سال قمری در دختران و پانزده سال قمری در پسران است یا خیر؟

پاسخ: سنّ تکلیف، به حسب افراد فرق نمی کند؛ لکن برای این که تکلیف، متوجه کسی شود، باید مجنون نباشد. بنا بر این افرادی که درکشان خیلی پایین باشد، مادامی که توان فهم دستورات الهی و لزوم اطاعت و درك عواقب نافرمانی را ندارند و شبیه مجانین هستند، تکلیف از آنان ساقط است.

اجتهاد و مرجعیت

[13] سؤال 13: مجتهد چه کسی است؟

پاسخ: مجتهد کسی است که توان علمی او در استخراج احکام دین به حدی است که می تواند با کوشش و سعی خود، احکام دین را از منابع آن (قرآن،

سنت، اجماع و عقل) به دست آورد.

[14] سؤال 14: آیا تمسک به مقاصد شریعت اسلام، در استنباط احکام شرعی ممکن است؟

پاسخ: ما از مقاصد شریعت و مصالح و مفاسد احکام شرعی به طور قطعی در اغلب موارد اطلاع نداریم. به همین جهت، برای استنباط احکام شرعی باید به کتاب و سنت و اجماع و عقل که منابع استنباط احکام هستند، مراجعه کنیم.

[15] سؤال 15: آیا رسیدن زن را به مرتبه اجتهاد و مرجعیت و افتاء صحیح می دانید؟

پاسخ: تقلید از زن، بنا بر مشهور صحیح نیست؛ ولی رسیدن زن به مرتبه اجتهاد اشکالی ندارد.

[16] سؤال 16: اگر فتوای مجتهد در مسأله ای تغییر کرد، آیا لازم است که به مقلدین خود اعلام نماید؟

پاسخ: اگر فتوای سابق، خلاف احتیاط و یا موجب عسر باشد، لازم است اعلام نماید و در هر حال، برای اصلاح رساله چاپ شده اقدام نماید.

[17] سؤال 17: فرق بین مرجع تقلید و ولی فقیه چیست؟

پاسخ: مجتهدی که شرایط مذکور در رساله عملیه را داشته باشد، صلاحیت دارد که مرجع تقلید شود و اگر به عنوان رهبر برگزیده شود، امور مربوط به رهبری را که در قانون اساسی ذکر شده، عهده دار می شود.

[18] سؤال 18: در رساله مراجع درگذشته، مانند آیات عظام امام خمینی رحمه الله، آقای گلپایگانی رحمه الله و آقای خویی رحمه الله و رساله مراجع حاضر، یکی از شرایط مرجع تقلید را عاقل بودن دانسته اند. منظور از عاقل بودن چیست؟ آیا منظور همان قوة ادراك و تشخیص خوب و بد است؟ مراد از دیوانه چیست؟ آیا تشخیص این موارد با عرف است یا این که تعریف فقهی دارد؟

پاسخ: عاقل و دیوانه بودن، عرفی است و تعریف فقهی ندارد.

[19] سؤال 19: چرا علما و مراجع تقلید و پیشوایان مسلمانان در يك زمان و عصر، از يك نفر بیشتر هستند، در صورتی که در زمان حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از آن حضرت، در زمان امامان علیهم السلام يك نفر به عنوان امام و پیشوای مؤمنان حکومت می کرد؟

پاسخ: علما و پیشوایان دین با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام فرق می کنند. خداوند، آنها را در هر زمان یکی بیشتر قرار نداده بود؛ ولی علما این چنین نیستند، چنان که پیامبران پیشین هم این چنین نبودند؛ یعنی در يك زمان بیش از يك پیغمبر وجود داشت.

[20] سؤال 20: سؤالی که ذهنم را مشغول کرده این است که امروزه تعداد زیادی توضیح المسائل در جامعه دیده می شود که اکثر آنها مانند هم هستند. آیا بهتر نبود مانند گذشته، چهار پنج مرجع و توضیح المسائل می بود تا مردم به راحتی بتوانند مرجع خود را انتخاب کنند؟

پاسخ: امروز عصر پیشرفت و ترقی علم و دانش است و در رشته های مختلف، مانند طب و...، صاحب نظران فراوانی می باشند و بسیاری بر خود لازم می دانند که نظریات و دانش خود را ارائه کنند. در عین حال دغدغه شما موضوع قابل توجهی است و مناسب ترین راه برای رسیدن به این هدف، آن است که مردم در انتخاب مرجع تقلید، تحقیق بیشتری بنمایند و افراد برتر و صاحب تخصص بیشتر را برای مرجعیت برگزینند.

[21] سؤال 21: توهین نمودن به مجتهد جامع الشرائط چه حکمی دارد و آیا موجب خروج از دین و حد می شود؟

پاسخ: توهین به هر مؤمنی، تا چه رسد به مجتهد جامع الشرائط، حرام است؛ ولی موجب کفر و حد نمی شود؛ بلکه قابل تعزیر است.

[22] سؤال 22: تقلید چیست؟

پاسخ: تقلید در احکام، التزام به پیروی از فتوای مجتهد، در هنگام عمل است و همین معنا مبنای جواز بقا بر تقلید میّت و عدم جواز احتیاطی در عدول به مجتهد زنده مساوی است.

[23] سؤال 23: چرا در مسائل شرعی باید تقلید کرد؟

پاسخ: پس از آن که انسان به دین و مذهبی اعتقاد پیدا کرد و نیز فهمید که در آن، دستورات و تکالیفی وجود دارد، ناچار باید نسبت به آنها یا احتیاط کند یا مجتهد شود و یا تقلید نماید و چون اجتهاد برای همه مقدور نیست و راه احتیاط را همه افراد نمی دانند و یا دچار مشکل می شوند، بنا بر این بعضی مجتهد می شوند و بقیه تقلید می کنند و رجوع غیر عالم به عالم در همه امور و فنون، در میان عقلا معمول است.

[24] سؤال 24: لطفاً قلمرو تقلید را در زندگی انسان بیان فرمایید؛ یعنی در چه مواردی باید از مرجع تقلید تبعیت کرد؟

پاسخ: کلیه عبادات و معاملات، بلکه تمامی کارهای انجام دادنی یا ترك کردنی که مورد احتیاج است، اگر از مسائل ضروری و اعتقادات نباشد و مکلف، یقین به حکم آنها نداشته باشد، قلمرو تقلید محسوب می شود.

[25] سؤال 25: نام سوره و آیاتی را که بر انسان مکلف واجب کرده تا در احکام دین، تقلید نماید، ذکر فرمایید.

پاسخ: آیه «سؤال» (1) و آیه «نقر» (2)، در سوره های قرآن مورد تمسک قرار

ص: 9

1- (1) - «فاسئلوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون» سوره نحل، آیه 43 و سوره انبیاء، آیه 7.

2- (2) - «فلو لا نفر من کل فرقة منهم طائفة لیفتقها فی الدین ولینذروا قومهم إذا رجعوا إلیهم لعلهم یحذرون» سوره توبه، آیه 122.

[26] سؤال 26: اگر علم به اجتهاد کسی حاصل شد، ولی عدالت او ثابت نشد و همچنین اگر عدالت شخصی محرز گشت، ولی اجتهاد او ثابت نگشت، آیا می توان بنا را بر عادل یا مجتهد بودن این شخص گذاشت و از او تقلید نمود؟

پاسخ: اجتهاد و عدالت، باید از طرق شرعی ثابت شوند، و الا نمی شود تقلید نمود.

[27] سؤال 27: آیا تقلید از زنی که مجتهد است، صحیح است؟ تقلید زنان از وی چه صورتی دارد؟

پاسخ: بنا بر مشهور، صحیح نیست.

[28] سؤال 28: آیا تقلید که استناد عمل به مجتهد معینی است، در مسائل متفق علیه (مانند نماز) هم صدق می کند یا باید در مسائل اختلافی باشد؟

پاسخ: تقلید، التزام به فتوای مجتهد در حین عمل است و در مسائل ضروری، تقلید لازم نیست. در مسائل اجماعی هم تعیین شخصی که از او تقلید می شود، لزومی ندارد.

[29] سؤال 29: اگر فردی یتیم این باشد که من از فلانی تقلید می کنم و توجه به این موضوع ندارد که تقلید، انجام عمل مستند به فتوای مجتهد است، آیا به واسطه یتیم، تقلید محقق شده است یا خیر؟ و آیا می تواند در این جا از مجتهد دیگری تقلید کند؟

پاسخ: به نظر این جانب تقلید، التزام در حین عمل است، نه عمل. اگر التزام در حین عمل صدق کند، تقلید انجام شده است و نمی تواند از دیگری تقلید کند.

[30] سؤال 30: با توجه به بعضی از مسائل سیاسی موجود، آیا تقلید یا بقا بر تقلید از بعضی مراجع جایز است و آیا با توجه به مسائل مذکور، می توان به ایشان اهانت نمود یا خیر؟

پاسخ: شرایط تقلید و بقا بر تقلید، در رساله توضیح المسائل نوشته شده است؛ اما اهانت کردن، نه تنها به مرجع تقلید، بلکه به هر مسلمان دیگری جایز نیست.

[31] سؤال 31: شخصی از یکی از فرقه های درویش اظهار می دارد که من در احکام تقلید، از قطب خودم که مجتهد جامع الشرائط است، تقلید می نمایم و قطب هم فرموده اند: چون رساله ندارم، شما تحقیق کنید و رساله هر مجتهدی را که می خواهید تهیه و به آن عمل نمائید؛ ولی در خصوص خمس و زکات و سؤالات جدید، به اذن خودم عمل نمائید. آیا چنین حکمی از طرف قطب جایز است یا خیر؟ آیا شخصی که به رساله يك مجتهد عمل می نماید، می تواند خمس را به اذن مجتهد دیگر محاسبه و پرداخت نماید یا خیر؟

پاسخ: اگر قطب، مجتهد جامع الشرائط و عادل باشد، می شود از او تقلید کرد و من چنین قطبی را نمی شناسم و کسی که مجتهدی را اعلم و عادل تشخیص داده است و از او تقلید می نماید، باید در تمام احکام، به فتوای او عمل نماید.

[32] سؤال 32: بنده تا زمان حیات امام خمینی رحمه الله چهارده سال بیشتر نداشتم و خیال می کردم که بالغ نشده ام، غافل از این که دو علامت دیگر بلوغ (احتلام و در آوردن مو) را دارا بودم و تصمیم داشتم هنگام رسیدن به سن بلوغ (پانزده سالگی) از امام تقلید کنم. با توجه به این که تصمیم به تقلید را مؤثر می دانید، آیا بنده می توانم از امام خمینی رحمه الله تقلید نمایم؟

پاسخ: به نظر این جانب تقلید، التزام به هنگام عمل است. بنا بر این در فرض سؤال، نمی توانید از ایشان تقلید کنید و باید از مجتهد زنده تقلید نمایید.

[33] سؤال 33: آیا زن شوهردار می تواند مرجع تقلیدی غیر از مرجع شوهرش داشته باشد و آیا این امر، منافاتی با لزوم اطاعت زن از شوهر ندارد؟

پاسخ: داشتن مرجع تقلید دیگر، منافاتی با لزوم اطاعت زن از شوهر ندارد.

[34] سؤال 34: آیا افراد خانواده، در امر تقلید، تابع سرپرست خانواده هستند؟

پاسخ: هر فرد مکلف باید شخصاً تحقیق و تفحص کند و از مجتهد واجد شرایط تقلید کند، مگر این که تقلید سرپرست خانواده، موجب اطمینان افراد خانواده شود.

[35] سؤال 35: مدتی از تقلید گذشته و مقلد شك می کند که آیا اعمالش برطبق تقلید صحیح بوده یا خیر. در این صورت نسبت به اعمال گذشته و اعمالی که از این به بعد می خواهد انجام دهد، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: برای اعمال آینده، جهت تقلید، باید تحقیق و تفحص نماید. نسبت به گذشته، اعمال او صحیح است. البته اگر شك، از جهت عدم التفات مکلف یا جهل او به حکم باشد، مسأله محل اشکال است.

[36] سؤال 36: اگر در چند سال اول بعد از بلوغ، عمل به تقلید نکرده باشد و این تقلید نکردن از روی جهل و عدم آگاهی به مسائل واجب باشد، آیا بعد از آگاهی و شروع به تقلید، واجبات قبلی، مانند نماز و روزه را باید قضا کند؟

پاسخ: تکالیفی را که انجام نداده، باید انجام دهد و تکالیفی را که بی تقلید انجام داده، اگر اعمالش مطابق فتوای کسی باشد که در آن زمان وظیفه اش تقلید از او بوده یا مطابق فتوای کسی باشد که فعلاً وظیفه اش تقلید از اوست، کافی است و در خصوص نماز، اگر خللی در ارکان نماز واقع نشده، اعاده لازم نیست.

[37] سؤال 37: مکلفی که مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده و حالا تقلید می کند، آیا لازم است تحقیق کند که اعمال گذشته اش مطابق فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده یا مطابق فتوای مجتهدی که فعلاً وظیفه اش تقلید از اوست، بوده یا خیر؟

پاسخ: لازم است تحقیق کند و اگر اطمینان پیدا کرد که موافق فتوای هیچ کدام از آن دو نفر نبوده، باید اعاده کند و در مورد نماز، اگر ارکان نماز مختل نبوده،

اعاده لازم نیست.

[38] سؤال 38: در مسأله پانزده توضیح المسائل جناب عالی آمده است: «اگر مقلدی که اهل فضل و آگاه به فقه است، در مسأله ای یقین و یا ظن پیدا کند که نظر مرجع تقلید او خلاف واقع است، نمی تواند در آن مسأله از او تقلید نماید». سؤال این است که اگر مرجع تقلید، در آن مسأله احتیاط نکرده باشد تا بتوان به مرجع دیگر رجوع کرد، بلکه فتوا داده باشد، مقلد مذکور وظیفه اش چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر به حکم مسأله یقین ندارد، احتیاط کند و یا به مرجع دیگری که یقین و ظن بر خلاف نظر او ندارد، با رعایت الأعلم فالأعلم مراجعه نماید.

[39] سؤال 39: تقلید بچه ممیز از مجتهد جامع الشرائط چه صورتی دارد؟

پاسخ: تا بالغ نشده، تقلید بر او واجب نیست؛ ولی اگر تقلید کند، اشکال ندارد.

[40] سؤال 40: آیا تقلید در احکام شرعی از مراجع غیر از رهبر، اعم از این که ولایت عامه فقیه را قبول داشته باشند یا نداشته باشند، جایز است؟

پاسخ: چنانچه واجد شرایط مذکور در رساله باشند، جایز است.

[41] سؤال 41: آیا در مسأله ولایت فقیه نیز باید تقلید کرد و نظر مبارك در مورد آن چیست؟

پاسخ: چون مسأله ولایت فقیه، مسأله ای فقهی است، باید هر کس از مرجع خود پرسد. به نظر این جانب ولایت فقیه ثابت است، لکن مسأله دارای تفصیلاتی است که موکول به محل خود است.

[42] سؤال 42: اگر انسان در رساله عملیه مرجع تقلید دیگری غیر از مرجع خودش یا در کتب مراجع گذشته یا فقهای قدیم، به عمل مستحبی برخورد کند، آیا عمل به آن مطلوب و صحیح است و ثوابی دارد یا خیر؟ اگر مرجع تقلید ما آن عمل را مستحب نداند، چه

پاسخ: در فرض مذکور در سؤال، جایز است عمل مذکور را به قصد رجا به جا بیاورد و ثواب هم به او داده می شود، ان شاء الله.

تقلید از مجتهد اعلم

[43] سؤال 43: می گویند: «امروزه تقلید اعلم لازم نیست، چون اعلم را نمی شود تعیین کرد و چیزهای دیگری هست که از اعلم بودن لازم تر است، مانند آگاهی از مبانی سیاسی و مسائل برون مرزی». آیا به نظر شما می شود از غیر اعلم تقلید کرد؟

پاسخ: تقلید اعلم در هر دوره واجب است. اگر تعیین اعلم ممکن باشد، مکلف او را معین نماید و به فتوای او عمل کند و اگر ممکن نشد، از آن کس که گمان به اعلیت او می رود، تقلید کند و اگر آن نیز امکان نداشت، از کسی که احتمال اعلیت او را می دهد، تقلید کند و اگر چند نفر در احتمال اعلیت مساوی باشند، در تقلید از افراد مورد شبهه اعلیت، مخیر است و چیزهای دیگر را به جای اعلیت نمی توان گذاشت.

[44] سؤال 44: در بین علمای موجود، کدام مرجع، اعلم است و تقلید از کدام يك از آقایان محترم مبرئ ذمه است؟

پاسخ: تحقیق درباره این مطلب، به عهده مکلف است.

[45] سؤال 45: آیا تصدیك عالم برای مرجعیت، به معنی اعتقاد او به اعلیت خود است؟ نظر شما در مورد کسی که می گوید: «اعلمیت، موردش علوم محسوسه است، نه خصوص عقلیات»، چیست؟

پاسخ: بین نوشتن رساله و اعتقاد به اعلیت خود ملازمه ای نیست. مرجعیت، محقق نمی شود، جز با مراجعه کردن مقلدین به مرجع و مراجعه کردن به شخصی و تقلید از او جایز نیست، مگر این که واجد شرایط تقلید باشد. راه های

شناختن اعلم در رساله های عملیه آمده است و مراد از اعلم کسی است که آشناتر به قواعد و مدارك مسأله و دارای اطلاعات بیشتر در نظائر آن و دارای فهم بهتر و خوب تر در مورد اخبار و روایات و درك و تشخیص بیشتر در موضوعات باشد و محلّ رجوع برای تعیین اعلم، اهل خبره است.

[46] سؤال 46: امروزه ملاك اصلی برای تشخیص مجتهد اعلم، برای عامّه مردم چیست؟

پاسخ: ملاك، همان راه های سه گانه است که در رساله ها نوشته شده و فرقی بین زمان حاضر و گذشته نیست.

[47] سؤال 47: مجتهد و اعلم بودن کسی را از کجا می توان فهمید؟

پاسخ: مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت:

اول: آن که خود انسان اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

دوم: آن که دو عالم خبره و عادل، در شرایط آزاد و بدون ترس و طمع، مجتهد بودن یا اعلم بودن او را گواهی دهند، مشروط به آن که دو نفر عالم خبره و عادل دیگر، با نظر آنان مخالفت ننمایند.

سوم: شهرت او در میان علما و محافل علمی به طوری باشد که از این شهرت، برای انسان علم حاصل شود و اگر شناختن اعلم مشکل باشد، به احتیاط واجب باید از مظنون الأعلمیة تقلید کند؛ بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که مجتهدی اعلم است و بداند کس دیگری از او اعلم نیست، به احتیاط واجب باید از او تقلید نماید و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلید کند و احتیاط مستحب این است که از باتقواترین آنها تقلید نماید.

[48] سؤال 48: اهل خبره که به شهادت آنان اعلمیت مجتهدی ثابت می شود، چه کسانی هستند؟

پاسخ: افرادی که در اثر تحصیل و تحقیق در علوم دینی، توانایی تشخیصِ اعلم را پیدا کرده و عادل باشند.

[49] سؤال 49: آیا به شهادت يك نفر از اهل خبره که مورد وثوق و اطمینان است، اعلمیت ثابت می شود؟

پاسخ: برای ثبوت اعلمیت، شهادت دو نفر خبره عادل شرط است، مگر این که انسان از گفته يك نفر اطمینان پیدا کند.

[50] سؤال 50: در صورت تعارضِ اهل خبره، نسبت به اعلمیت مجتهدین، تکلیف چیست؟

پاسخ: در صورت تعارض، اگر يك بیّنه از حیث علم بالاتر باشد، مقدّم است، وگرنه هر دو بیّنه ساقط می شوند و باید به ترتیبی که در مسأله دهم توضیح المسائل ذکر شده، عمل کرد.

[51] سؤال 51: اگر مثلاً سی نفر یا بیشتر از اهل خبره شهادت دهند که تقلید از فردی جایز است و عدّه معدودی، مثلاً پنج نفر اهل خبره دیگر بگویند که تقلید از او جایز نیست، می توان از وی تقلید کرد یا خیر؟ و اگر انسان از وی تقلید کرد و بعد متوجه شد که عدّه کمی تقلید از او را جایز نمی دانند، آیا لازم است برگردد؟

پاسخ: در صورت تعارض بیّنه ها، اگر يك طرف مُرجّحی داشته باشد، مقدّم است و اگر طرف تجویز کننده، بر طرف دیگر ترجیحی نداشته باشد، نمی توان تقلید نمود و زیادی و کمی افراد، همیشه مُرجّح نیست.

[52] سؤال 52: کسی از روی روزنامه ها و اعلامیه تقلید کرده و بعد که به اهل خبره رجوع کرده، کسی دیگر را تعیین کرده اند و اکنون تصمیم گرفته از شخصی که اهل خبره تعیین کرده اند، تقلید کند. اولاً آیا می تواند چنین کاری بکند یا خیر؟ و ثانیاً تکلیف اعمال گذشته اش چیست؟

پاسخ: اگر صاحبان اعلامیه ها را خودش می شناخته و آنها را به عنوان اهل خبره عادل قبول داشته، گفتن آنها خود، بیّنه و حجّت است و رجوع لازم نیست و اگر نمی شناخته و فقط به عنوان عمومی شنیده و یا شنیده که علما یا مدرّسان یا فضلا چنین گفته اند، بدون آن که شخص آنها را بشناسد و صلاحیت آنها را بداند، باید از کسی که بیّنه، معین کرده، تقلید نماید و راجع به اعمال گذشته، اگر با فتوای کسی که اکنون از او تقلید می کند یا با فتوای کسی که در آن زمان وظیفه اش تقلید از او بوده، مطابق باشد، کفایت می کند و اگر مخالف باشد، باید اعمال مخالفش را از نو به جا آورد. البته در خصوص نماز، اگر خللی به ارکان آن وارد نشده باشد، اعاده لازم نیست.

[53] سؤال 53: آیا در بیّنه (شهادت دو نفر عادل) لازم است گمان به صدق آن پیدا کنیم تا در حقّ ما معتبر شود و اگر به واسطه قرائنی گمان بر خلاف بیّنه پیدا کردیم، آیا باز هم بیّنه معتبر است؟ اگر علم بر خلاف بیّنه پیدا کردیم، چه طور؟

پاسخ: بیّنه معتبر است، مگر آن که معارض با بیّنه دیگر باشد، یا علم بر خلاف آن داشته باشیم.

[54] سؤال 54: کسی از روی شیاع و شهرت تقلید کرده است و بعد، اهل خبره شخص دیگری را معین کرده اند. حال از کدام باید تقلید کند؟

پاسخ: اگر شیاع، مفید علم و اطمینان باشد، مقدّم است، و الا باید به گفته اهل خبره عمل کند.

[55] سؤال 55: آیا می توان از مجتهدی که از نظر علم، پایین تر از دیگری، ولی از نظر تقوا بالاتر است، تقلید نمود؟

پاسخ: در مورد اختلاف فتوا باید از اعلم تقلید کرد و تقلید از غیر اعلم جایز نیست، گرچه اتقی باشد.

[56] سؤال 56: کسی که مدتی از مجتهدی تقلید نموده و سپس متوجه شده که مجتهد دیگری اعلم است، آیا اعمال گذشته اش صحیح است؟

پاسخ: در صورتی که تقلید از مجتهد اول، بر اساس تحقیقات و موازین شرعی بوده و یا عمل مقلد، مطابق با فتوای اعلم باشد، صحیح است.

[57] سؤال 57: بعضی از اعمال مقلد، مانند نماز، روزه و حج یا بعضی از معاملات وی، بر طبق فتوای مرجع تقلیدش باطل بوده است؛ ولی همین اعمال بعد از فوت مرجع و رجوع به حیّ اعلم، بر طبق نظر مرجع دوم صحیح است. آیا با این فرض، می توان حکم به صحّت این اعمال نمود؟

پاسخ: در فرض سؤال که مرجع تقلید فعلی، اعلم است و حکم به صحّت نموده، صحیح است.

[58] سؤال 58: اگر عملی از مقلد، مطابق با فتوای مرجع تقلیدش باشد و پس از فوت مرجع و تقلید از مجتهد حیّ اعلم، همان عمل از نظر مجتهد ثانی باطل باشد، آیا اعاده عمل واجب است؟

پاسخ: در صورتی که تقلید از مجتهد قبلی، طبق موازین بوده، صحیح است و اعاده ندارد.

[59] سؤال 59: آیا تقلید کردن از مجتهد غیر اعلم، در مسائلی که فتوای او موافق فتوای اعلم است یا مخالفت فتوای او با فتوای اعلم معلوم نیست، جایز است؟

پاسخ: در صورت علم به موافقت، جایز است و در غیر این صورت جایز نیست.

[60] سؤال 60: اگر مجتهد اعلم، تقلید از اعلم را واجب نداند، آیا می توان از غیر اعلم تقلید کرد؟

پاسخ: در فرض سؤال، اشکال ندارد.

[61] سؤال 61: آیا بعد از تقلید نمودن از غیر اعلم (به واسطه این که امکان شناخت اعلم

را پیدا نکرده است)، رجوع به اعلم (بعد از امکان شناخت اعلم)، واجب است یا خیر؟

پاسخ: بعد از آن که اعلم را از طرق شرعی تشخیص داد، باید به اعلم مراجعه نماید.

[62] سؤال 62: شخصی مدتی قبل، برای شناخت مجتهد اعلم به اهل خبره مراجعه کرد؛ ولی کسی به عنوان اعلم یا محتمل الأعلمیه برایش ثابت نشد و سپس از یکی از مجتهدین جامع الشرائط که مساوی با دیگران در علم بود، تقلید کرد. اکنون پس از گذشت چند سال، احتمال می دهد و یا این که اطمینان دارد که با تحقیق دوباره از اهل خبره، می تواند اعلم را تشخیص دهد، آیا بر چنین شخصی تحقیق کردن واجب است؟

پاسخ: در صورتی که اطمینان دارد با تحقیق کردن، اعلم مشخص می شود، لازم است مجدداً تحقیق کند.

[63] سؤال 63: آیا در مرجع تقلید بجهت ممیز، اعلم بودن نیز شرط است؟

پاسخ: چون تقلید بر او واجب نیست، از غیر اعلم هم می تواند تقلید کند؛ ولی بعد از بلوغ، باید به اعلم رجوع کند.

[64] سؤال 64: آیا اثبات اعلمیت به خبر عدل واحد، مشروط به افاده ظن است یا خیر؟

پاسخ: با خبر عدل واحد، اعلمیت ثابت نمی شود، مگر این که موجب حصول اطمینان شود.

[65] سؤال 65: آیا ظنی که در ثبوت اعلمیت مجتهد حجّت است و همان، سبب لزوم تقدّم وی بر غیر او می شود، از ظنون خاصّه است یا ظنّ مطلق؟

پاسخ: با ظن، اعلمیت ثابت نمی شود؛ ولی اگر نتوانست اعلم را بشناسد، مظنون الأعلمیه بر دیگران مقدّم است.

[66] سؤال 66: اگر کسی که غیر عالم، ولی مورد وثوق و اطمینان انسان است، با استفاده از راه های شناخت مجتهد اعلم که در اول رساله عملیه آمده، مجتهد اعلم را بشناسد و یا

احتمال قوی بدهد که يك يا دو نفر از مجتهدین اعلم هستند، آیا با گفته او اعلمیت یا احتمال اعلمیت ثابت می شود و می توان به گفته او عمل نمود؟

پاسخ: نمی توان به گفته او عمل کرد، مگر بدانیم که آن فرد در کارش خیلی با دقت و احتیاط است و برای انسان، اطمینان به صحت گفته های او حاصل شود.

[67] سؤال 67: تقلید از مجتهدی که با ولایت فقیه مخالف است، با فرض اعلم بودن او چه حکمی دارد؟

پاسخ: شرایط مرجع تقلید، در توضیح المسائل به طور مفصل نوشته شده است. به آن جا مراجعه فرمایید.

[68] سؤال 68: اگر مرجع تقلید، عملی را به احتیاط واجب نهی کرده باشد و ما بدانیم که در میان مراجع زنده دیگر، کسی هست که این عمل را جایز می داند، ولی آن مرجع را مشخصاً نشناسیم، آیا می توانیم در این مسأله به مرجع غیر مشخص رجوع کنیم؟

پاسخ: در فرض سؤال، رجوع به مرجع غیر مشخص که واجد شرایط است، با رعایت الأعلّم فالأعلّم جایز است؛ یعنی اعلم از او فتوای به عدم جواز نداده باشد.

[69] سؤال 69: اگر فقها در علم مساوی باشند، آیا برای مکلف جایز است از یکی از آنها تقلید نماید و در احتیاطات واجب به دیگری رجوع کند؟

پاسخ: اگر در علم با هم مساوی باشند و واجد سایر شرایط دیگر تقلید نیز باشند، جایز است.

[70] سؤال 70: در احتیاطهای واجب شما به کدام يك از آیات عظام مراجعه کنیم؟

پاسخ: احتیاط واجب را به مجتهد مساوی و اگر نبود به الأعلّم فالأعلّم مراجعه کنید. راه تشخیص آن در رساله عملیه آمده است.

[71] سؤال 71: اگر مقلّد به حکم شرعی صادر شده از طرف مرجع تقلید خود، ظن یا اطمینان پیدا کرد، آیا برای عمل کردن، کافی و مُجْزِی است یا این که باید به فتوای مجتهد، یقین حاصل نماید؟

پاسخ: ظن و گمان کافی نیست؛ ولی اطمینان از هر طریق حاصل شود، کفایت می کند.

[72] سؤال 72: دو عالم از يك مرجع تقلید واحد، دو فتوای متضاد نقل می کنند، وظیفه ما تحقیق کامل است یا با عمل به یکی از آنها تکلیف ساقط می شود؟

پاسخ: اگر هر دو تقه و مورد اعتماد باشند، باید تحقیق کامل نمایید تا اطمینان به يك طرف حاصل شود.

[73] سؤال 73: با توجه به سرعت بالای اینترنت در انتقال مطالب و احتمال جعل، آیا استفتائاتی که با اینترنت جواب داده می شود، حجّیت شرعی و قابلیت استناد به حضرت عالی را دارد؟

پاسخ: اگر اطمینان آور باشد، حجّت است و اگر احتمال جعل بدهند، تحقیق کنند و از دفتر این جانب سؤال نمایند.

[74] سؤال 74: اگر فتوای حضرت عالی در کتاب «استفتائات» با رساله توضیح المسائل اختلاف داشت، کدام يك مقدم است؟

پاسخ: در موارد اختلاف فتوا، آخرین نظر معتبر است و اگر نتوانستید نظر آخر را به دست آورید، از دفتر این جانب سؤال نمایید.

[75] سؤال 75: تشخیص موضوعاتی که مربوط به مستنبطات ادله شرعی نیست، آیا با عرف است؟ و اگر چنین است، آیا مجتهد می تواند تعیین مصداق کند؟ و اگر نظر مجتهد و مقلّد، در تعیین مصداق متفاوت بود، چه باید کرد؟

پاسخ: در این موارد، تشخیص با عرف است و در مورد اختلاف، اگر مقلد، اهل تشخیص باشد، نظرش برای خودش معتبر است و اگر مقلد، اهل تشخیص نباشد، می تواند از گفته مجتهد تبعیت کند.

[76] سؤال 76: تشخیص ضرورت که عمل به بعضی از مسائل شرعی به آن بستگی دارد، آیا بر عهده خود مکلف است؟

پاسخ: ضرورت، در معانی مختلفی استعمال می شود. معنای مورد نظر مجتهد را باید از او پرسید؛ ولی تطبیق بر مورد، بر عهده خود مکلف است.

تبعیض در تقلید

[77] سؤال 77: آیا تبعیض در تقلید در يك باب (مثلاً مصرف خمس) جایز است؟ و آیا تبعیض، استمراری است؛ یعنی در همان مسأله که عمل کرده، می تواند به مجتهد مساوی رجوع کند؟

پاسخ: تبعیض در تقلید، در ابتدا در صورت تساوی مجتهدین، بی اشکال است؛ ولی اگر در مسأله ای تقلید کرد، احتیاطاً نمی تواند به مجتهد دیگر رجوع کند، مگر دومی اعلم از اولی باشد که در این صورت، رجوع واجب است.

[78] سؤال 78: فردی که مقلد يك مرجع است، آیا می تواند در عین حال که به فتوای مرجع خود عمل می کند، به فتوای مرجع دیگر هم عمل نماید؟

پاسخ: اگر مرجعی که از ایشان تقلید می کنید، اعلم باشد و فتوا بدهد، نمی توانید به فتوای دیگری عمل کنید و اگر فتوا نداده و احتیاط واجب فرموده، می توانید به فتوای مجتهد دیگر با رعایت الأعلم فالأعلم عمل نمایید و در صورت تساوی، در مسائلی که از یکی از آنان تقلید کرده اید، احتیاطاً نمی توانید از دیگری تقلید نمایید.

[79] سؤال 79: آیا کسی که مقلد يك مرجع است، می تواند در يك یا دو یا چند مسأله

محدود، از مرجع دیگر تقلید کند؟

پاسخ: اگر هر دو مرجع از لحاظ علمی مساوی باشند و قبلاً در این مسأله از مرجع اول، تقلید نکرده است، می تواند از او تقلید کند.

[80] سؤال 80: در تحریر الوسيله امام خمینی رحمه الله (مسأله هشتم از فروع تقلید) آمده است:

«چنانچه دو مجتهد از نظر علمی با هم مساوی باشند، مقلد مخیر است به هر کدام از آن دو که بخواهد رجوع کند، همچنان که می تواند بعضی از مسائل را از یکی و بعضی دیگر را از دیگری تقلید کند». آیا این گونه تقلید را صحیح و جایز می دانید؟

پاسخ: در تقلید از دو مجتهد مساوی، مکلف مخیر است و نیز می تواند در ابتدا بعضی از مسائل را از یکی و بعضی دیگر را از مجتهد دیگری تقلید نماید؛ ولی اگر از یکی از آنان در مسأله ای تقلید کرده باشد، رجوع به دیگری در آن مسأله احتیاطاً جایز نیست، مگر ثابت شود که دیگری اعلم است.

[81] سؤال 81: آیا مقلد می تواند در مسائلی که در رساله مرجعش موجود نیست و نمی تواند نظر مرجعش در آن مسائل را به دست آورد، از مجتهد دیگری که از نظر علم با مرجعش مساوی است، تقلید کند؟

پاسخ: چنانچه در آن مسائل تا کنون از مرجع خود تقلید نکرده باشد، می تواند در آن مسائل از مجتهدی که از نظر علم مساوی با مرجع تقلیدش است، تقلید کند.

[82] سؤال 82: آیا مقلد می تواند در نماز و روزه از دو نفر تقلید کند، به این صورت که به فتوای يك مرجع در محل کار، نماز را شکسته بخواند و به فتوای مرجع دیگر روزه بگیرد یا به عکس، نماز را تمام بخواند و روزه نگیرد؟

پاسخ: تبعیض در تقلید، در مجتهدین مساوی جایز است؛ ولی باید موجب علم به بطلان عمل، ولو به صورت علم اجمالی نباشد.

[83] سؤال 83: آیا عدول از مرجع تقلید حی به حیّ مساوی جایز است؟

پاسخ: در فرض سؤال، در مسائلی که از مرجع خودش تقلید نکرده، جایز است.

[84] سؤال 84: مقلّد مرجعی هستم و بنا به دلایلی به این نتیجه رسیده ام که از آن مرجع بزرگوار به مرجع بزرگوار دیگری عدول نمایم. آیا این کار را می توانم انجام دهم؟

پاسخ: اگر پس از تحقیق کافی، به اعلمیت دومی رسیده باشید یا این که مرجع تقلید اول شما واجد تمام شرایط تقلید نباشد، نمی توانید به تقلید اولی باقی باشید و باید به دیگری که واجد شرایط باشد، رجوع کنید و در صورت تساوی، در خصوص مسائلی که تقلید نکرده اید، می توانید از دومی تقلید کنید؛ اما در مسائلی که تقلید کرده اید، بنا بر احتیاط نمی توانید. ضمناً شرایط لازم مرجع تقلید و شناخت اعلم و راه های رسیدن به آن در اوایل توضیح المسائل بیان شده است.

[85] سؤال 85: کسی از مجتهدی تقلید کرده و اکنون می خواهد از او رجوع کند. آیا جایز است یا خیر؟

پاسخ: اگر تقلید اولش از روی میزان صحیح بوده و اکنون نیز در اجتهاد و اعلمیت و عدالت او شك نکرده، نمی تواند رجوع کند و اگر تقلید اولش از روی میزان صحیح نبوده یا اکنون اعلمیت و عدالت او در نظرش زیر سؤال رفته است و دومی را عادل و اعلم می داند، واجب است رجوع کند.

[86] سؤال 86: اگر شخصی از مجتهدی تقلید می کند که عدول را حتی به مجتهد اعلم حرام می داند، آیا می تواند به مجتهد اعلم رجوع کند یا باید بر تقلید این مجتهد باقی بماند؟

پاسخ: باید به مجتهد اعلم رجوع کند، مگر آن که مجتهد اعلم، تقلید غیر اعلم

را جایز بداند که در این صورت می تواند از غیر اعلم تقلید نماید.

[87] سؤال 87: فردی مقدّم آیت الله خوئی رحمه الله بوده و پس از وفات ایشان به آیت الله سبزواری رحمه الله عدول نموده و بعد از فوت ایشان به آیت الله گلپایگانی رحمه الله عدول کرده و پس از درگذشت آیت الله گلپایگانی رحمه الله با اجازه یکی از آقایان، به تقلید از آیت الله خوئی رحمه الله بازگشته است. آیا این کار صحیح بوده و تکلیف اعمالی که در مدت عدول از آیت الله خوئی رحمه الله تا رجوع مجدد انجام شده است، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر معتقد به اعلمیت آیت الله خوئی رحمه الله نسبت به سایر علمای ذکر شده است، لازم است بر تقلید ایشان باقی بماند و در صورت عدول نمودن نیز رجوع واجب است و اعمالی که در این مدت انجام داده، اگر خللی در آن وارد نشده و مطابق با فتوای ایشان باشد، صحیح است و در خصوص نماز، اگر خللی به رکن نماز وارد نشده باشد، اعاده واجب نیست.

[88] سؤال 88: آیا خوف و واهمه از باطل بودن اعمال گذشته، می تواند مجوّز عدول نکردن از يك مرجع به مرجع دیگر باشد؟

پاسخ: عدول جایز نیست، مگر با شرایطی که در رساله ها ذکر شده است و اگر شرایط عدول موجود باشد، توهم فوق، تأثیری در حکم عدول ندارد.

[89] سؤال 89: آیا عدول از تقلید يك مجتهد حی به مجتهد حی دیگر را که فاقد رساله عملیه است و لیکن امکان سؤال در کلیه احکام اختلافی از وی وجود دارد، جایز می دانید؟

پاسخ: داشتن رساله عملیه شرط نیست؛ لکن در عدول از مجتهدی به مجتهدی دیگر و یا در اصل تقلید، شرایطی وجود دارد که در رساله های عملیه آمده است.

[90] سؤال 90: با توجه با این که رجوع به مجتهد، برای به دست آوردن احکام الهی از باب طریقت است نه این که خودش موضوعیت داشته باشد و وجوب تقلید از اعلم هم از این باب است که مطمئن ترین طریق برای رسیدن به احکام واقعی است، چگونه است که فقهای عظام، تقلید ابتدایی را از مجتهد میّتی مانند علامه حلّی و مقدّس اردبیلی که ممکن است از حیث علم و تقوا، نسبت به فقهای عظام فعلی بالاتر باشند و اعتماد و اطمینان برای به دست آوردن حکم واقعی از طریق ایشان بیشتر باشد، جایز نمی دانند؟

پاسخ: برای جواب تفصیلی به کتب استدلالی مراجعه شود و لکن تحقیق چنین امری (اعلمیت از تمامی احیاء) در خارج، با توجه به آسان تر شدن طریق تحصیل علم، بعید به نظر می رسد. علاوه بر آن که مرجعیت، فقط برای بیان امور و سؤالات جزئی نیست؛ بلکه زعامت دینی نیز مطرح است و لازم است زعیم امت زنده باشد.

[91] سؤال 91: تقلید ابتدایی از مجتهد میّتی که اعلم از فقهای زنده است، چه صورتی دارد؟ در فرض حرمت، اگر شناخت فقیه زنده اعلم مشکل باشد و موجب عسر و حرج گردد، تقلید ابتدایی از مجتهد میّتی که اعلم از فقهای زنده است، جایز است یا خیر؟

پاسخ: تقلید ابتدایی از میّت اعلم جایز نیست. اگر حیّ اعلم را تشخیص داد، از او تقلید کند، و الاّ از مظنون الأعلمیه و اگر آن را هم نتوانست تشخیص دهد، از محتمل الأعلمیه در بین فقهای زنده تقلید نماید.

[92] سؤال 92: آیا تقلید ابتدایی از مجتهد میّتی، نظیر امام خمینی رحمه الله جایز است؟ در صورت اعلمیت مجتهد میّت نسبت به مجتهدین حیّ، برای کسانی که تازه به تکلیف رسیده اند، وظیفه چیست؟

پاسخ: نمی شود ابتدائاً از میّت تقلید کرد، هر چند مجتهد میّت از مجتهد حیّ، اعلم باشد.

[93] سؤال 93: آیا می توان بر تقلید مجتهدی که از دنیا رفته و نسبت به مجتهدین زنده اعلم است، باقی ماند؟ در صورت جایز بودن، در مسائل جدیدی که نمی توان نظر او را به دست آورد، چگونه باید عمل کرد؟

پاسخ: بقا بر تقلید میّت اعلم واجب است و در مسائل جدید یا مسائلی که در آنها از مجتهد متوقفاً تقلید نکرده، باید از اعلم در بین مجتهدین زنده تقلید کند.

[94] سؤال 94: این جانب در زمان حیات مرحوم آیت الله گلپایگانی رحمه الله از ایشان تقلید می کردم و بعد از فوت ایشان، بدون اذن مجتهدی بر تقلید ایشان باقی ماندم. با توجه به فتاوی حضرت عالی و فتاوی آن مرحوم مبنی بر جواز بقا بر تقلید میّت، آیا تقلید این جانب صحیح است یا خیر؟ و آیا باید از مجتهد زنده ای اجازه بگیرم یا این که باید از مجتهد زنده تقلید کنم؟

پاسخ: در مسائلی که در زمان حیات ایشان در آنها از ایشان تقلید کرده اید، می توانید بر تقلید آن مرحوم باقی بمانید و از زمان وفات آن مرحوم تا حال، اگر در غیر از مسائلی که در زمان حیات ایشان در آنها از ایشان تقلید کرده بودید، به فتاوی آن مرحوم عمل کرده باشید، عمل شما به شرطی درست است که مطابق با فتاوی کسی باشد که در آن زمان وظیفه شما تقلید از وی بوده است و یا مطابق با فتاوی کسی باشد که فعلاً وظیفه شما تقلید از اوست.

[95] سؤال 95: کسی که قبلاً از حضرت امام خمینی رحمه الله تقلید می کرده و بعد از رحلت ایشان مقلد آیت الله اراکی رحمه الله شده و در قسمتی از مسائل، باقی بر امام رحمه الله بوده است، حال که مقلد حضرت عالی شده، آیا می تواند در برخی مسائل از امام تقلید کند و در برخی از مسائل از آیت الله اراکی و در برخی از حضرت عالی؟

پاسخ: در مسائلی که تقلید کرده اید، می توانید بر تقلید خود از آن دو مرحوم باقی بمانید.

[96] سؤال 96: آیا در فرض اعلمیت مجتهد میّت نسبت به مجتهدین حی و وجوب تقلید از او، می توان در بعضی از مسائل از مجتهد حی تقلید نمود؟

پاسخ: در مسائلی که از مجتهد میّت اعلم تقلید کرده، نمی تواند از حی تقلید نماید.

[97] سؤال 97: آیا در بقا بر تقلید میّت، مکلف می تواند در مسائلی که در آنها تقلید ننموده، از میّت تقلید کند؟

پاسخ: نمی تواند باقی بماند.

[98] سؤال 98: آیا بقا بر تقلید میّت را مطلقاً جایز می دانید؟

پاسخ: چنانچه مجتهدی که از دنیا رفته است، اعلم از مجتهدین زنده باشد، بقا بر تقلید او در مسائلی که در آنها از او تقلید کرده، واجب است و چنانچه مساوی با احیا باشد، رجوع اشکال ندارد و اگر مجتهد زنده اعلم باشد، بقا بر تقلید میّت جایز نیست.

[99] سؤال 99: تا چه زمانی بقا بر تقلید میّت جایز است؟

پاسخ: تا زمانی که مجتهد زنده اعلم اجازه بدهد، بقا جایز است.

[100] سؤال 100: اگر مجتهدی را به عنوان مرجع تقلید برگزیدیم و ملتزم شدیم که در تمام احکام شرعی از او تقلید نماییم، آیا می توانیم در مسائلی که فتوای آن مجتهد را اصلاً نشنیده و یاد نگرفته ایم، پس از فوت وی، به شرط اعلمیت، از او تقلید نماییم؟

پاسخ: نسبت به مسائلی که در آنها از آن مجتهد تقلید نکرده اید، باید به مجتهد زنده رجوع نمایید.

[101] سؤال 101: شخصی با اجازه مجتهد زنده، بر فتوای مجتهدی که فوت کرده، باقی مانده است. آیا اکنون می تواند از مجتهد دیگری تقلید نماید؟

پاسخ: اگر مجتهد زنده اول، اعلم از دوم باشد، نمی تواند از دومی تقلید کند و

اگر دومی اعلم باشد، باید به تقلید او عدول کند و اگر مجتهد زنده اول و دوم مساوی باشند، در مسأله بقا بر تقلید میّت، بنا بر احتیاط نمی تواند از مجتهد اول به دوم عدول کند؛ ولی در بقیه مسائل، جایز بودن تقلید از مجتهد دوم یا عدم جواز آن، بستگی به نظر مجتهد اول در مسأله بقا بر تقلید میّت و فروع مسأله دارد.

[102] سؤال 102: تقلید و عمل به رساله های مراجع محترم تقلید متوقفاً، بخصوص حضرت امام خمینی رحمه الله جایز است؟

پاسخ: در مسائلی که در زمان زنده بودن، از ایشان در آن مسائل تقلید کرده اند، جایز است.

[103] سؤال 103: آیا در بقا بر تقلید میّت نیز رجوع به مجتهد حیّ اعلم لازم است؟

پاسخ: اگر اعلم با غیر اعلم در این مسأله موافق باشند و هر دو عادل باشند، تعیین لازم نیست.

[104] سؤال 104: همه مراجع تقلید فعلی، بقا بر تقلید میّت را جایز می دانند. آیا می شود بدون رجوع به مرجع خاصّی بر تقلید میّت باقی ماند؟

پاسخ: اگر بداند که بقا بر تقلید میّت را همه جایز می دانند، رجوع به مجتهد معین لازم نیست؛ ولی در کیفیت بقا، باید به نظر مجتهد اعلم عمل نماید.

[105] سؤال 105: بنده مقلّد امام خمینی رحمه الله بوده ام و بعد از ایشان به فتوای آیت الله اراکی رحمه الله بر تقلید از امام باقی ماندم. آیا الآن هم می توانم بر تقلید امام باقی بمانم؟

پاسخ: در مسائلی که از ایشان در زمان حیاتشان تقلید کرده اید، می توانید باقی بمانید.

[106] سؤال 106: شخصی مقلّد امام خمینی رحمه الله بوده و پس از ارتحال ایشان با تقلید از آیت الله اراکی رحمه الله در مسأله بقا بر تقلید میّت، بر تقلید از امام رحمه الله باقی مانده است. در

صورتی که این فرد در زمان حیات آیت الله اراکی رحمه الله به جز مسأله بقا بر تقلید مجتهد میّت، در مسأله دیگری از ایشان تقلید ننموده باشد، آیا می تواند در حال حاضر در مسائل دیگر، نظیر تمام بودن نماز شخص کثیر السفر از آیت الله اراکی رحمه الله تقلید نماید، در صورتی که بر اصل تقلید خود از امام رحمه الله نیز باقی باشد؟

پاسخ: نمی تواند.

[107] سؤال 107: حکم کسی که از روی جهل، بدون اجازه مجتهد زنده، بر تقلید میّت باقی بماند، چیست؟ اگر عمداً باقی بماند، عمل او صحیح است یا خیر؟

پاسخ: بقا بر تقلید میّت در مسائلی که در زمان حیات مجتهد در آنها از وی تقلید کرده، جایز است، مگر این که مجتهد زنده، اعلم باشد.

سؤالات دیگر تقلید

[108] سؤال 108: اگر کسی در مسأله ای از فتوای مرجع تقلیدش جو یا شد، آیا می توانیم با این که فتوای مرجع مورد نظر را می دانیم، جواب سؤال را بر طبق فتوای مرجع دیگری که به نظر ما اعلم است، بدهیم یا باید فتوای مرجع خودش را بگوییم؟

پاسخ: خیر، نمی توانید؛ ولی می توانید پاسخ او را ندهید.

[109] سؤال 109: اگر کسی از طرف میّت، عملی را انجام دهد، مثل حج نیابتی یا نماز استیجاری، آیا در مسائل مربوط، باید از مرجع خود تقلید نماید یا از مرجع تقلید میّت؟

پاسخ: در فرض سؤال، به رأی مرجع خود عمل نماید؛ ولی بهتر است به رأی از میان رأی این دو مرجع که با احتیاط موافق تر است، عمل کند.

[110] سؤال 110: فتوا و حکم چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

پاسخ: فتوا را مجتهد می دهد و برای خود مجتهد و مقلدین او واجب الإلتباع است نه برای دیگران؛ اما حکم را مجتهد بر طبق مصالح وقت صادر می کند و

بر همه لازم است عمل کنند؛ ولی برای کسی که مدرک حکم را می داند و به نظر او صحیح نیست، حکم وجوب عمل، نافذ نیست. فتوا بیان حکم کلی شرعی و از قبیل اخبار است؛ ولی حکم از قبیل انشاء است. تفاوت های دیگری هم بین فتوا و حکم وجود دارد که در محلّ خودش مورد بحث قرار گرفته است.

[111] سؤال 111: اگر در بین نماز مسأله ای پیش آید که مقلّد حکم آن را نمی داند، چه باید بکند؟

پاسخ: اگر یکی از دو طرف، موافق با احتیاط باشد و مکلف آگاهی به راه احتیاط داشته باشد، همان طرف را انتخاب کند، و گرنه به یکی از دو طرف عمل نماید. چنانچه عمل او موافق با فتوای مرجعش بوده، صحیح است و اگر مخالف بوده، نماز را اعاده کند.

[112] سؤال 112: اگر دو طرف معامله، مقلّد دو مرجع باشند که یکی حکم به صحّت این معامله و مجتهد دیگر حکم به بطلان آن می کند، متعاملین چگونه رفتار کنند؟

پاسخ: ترتیب آثار صحّت، نسبت به قائل به صحّت، جایز است.

[113] سؤال 113: به فتوای مرجع تقلید زن، کاری واجب یا حرام نیست؛ ولی به فتوای مرجع تقلید شوهرش آن کار، واجب یا حرام است. آیا در این صورت شوهر می تواند همسر خود را به انجام دادن یا ترك کردن آن کار مجبور نماید؟

پاسخ: در فرض سؤال، شوهر حق مجبور کردن ندارد.

[114] سؤال 114: فردی که از مرجع تقلید، دارای اجازه در بعضی از امور است، آیا پس از فوت نمودن مرجع، لازم است که برای ابقای اجازه خود به مجتهد زنده رجوع کند یا خیر؟

پاسخ: لازم است.

[115] سؤال 115: آیا مقلّد می تواند به روایات شریفه ای که در مثل کتب اربعه شیعه در

مسائل حلال و حرام وجود دارد، عمل نماید؟

پاسخ: غیر مجتهد، در باب تکالیف، نمی تواند رأساً به فهم خود از روایات عمل کند.

[116] سؤال 116: نظرتان را در مورد مسأله ولایت فقیه و مطلقه یا عدم مطلقه بودن آن بیان فرمایید.

پاسخ: اصل ولایت فقیه مسلم است؛ ولی تفصیل آن در این جا میسر نیست.

[117] سؤال 117: آیا تبعیت از ولایت فقیه در احکام موضوعات سیاسی لازم است؟

پاسخ: تبعیت از فقیه اعلم جامع الشرائط، در تمام احکام لازم است.

[118] سؤال 118: اگر در جایی (مانند شرکت در انتخابات) بین ولی فقیه و دیگر مراجع، اختلاف نظر پیش آید، حکم چیست؟

پاسخ: هر کس از مرجع تقلید خودش کسب تکلیف نماید.

[119] سؤال 119: اگر زن انسان یا غیر او، تقاضای تعلیم مسائل اعتقادی و احکام شرعی را نمایند، آیا تعلیم دادن، واجب است؟

پاسخ: تعلیم مسائل اعتقادی و واجبات و محرّمات شرعی، هنگام طلب کردن، واجب کفایی است و در این مسأله فرقی بین زن انسان و دیگران نیست.

[120] سؤال 120: اگر زن یا بچه یا ارحام و فامیل کسی، آموزش و تعلیم مسائل فقهی و احکام شرعی را از او طلب نکنند، آیا آموزش بر او واجب می شود؟

پاسخ: اگر از او طلب نکنند، تعلیم و آموزش دادن بر او واجب نمی شود.

[121] سؤال 121: آیا عمل نکردن به دستور احتیاط واجب، موجب گناه و عقاب است؟

پاسخ: اگر احتیاط، مطابق با واقع نباشد، عقاب ندارد؛ لیکن چون واقع برای ما معلوم نیست، عمل به احتیاط لازم است.

[122] سؤال 122: الف. آیا احتیاط واجب، به معنی احتمال واجب یا حرام بودن يك مسأله در نظر فقیه است؟ مثل این که احتمال واجب یا حرام بودن آن، بین چهل تا شصت در صد است؟

پاسخ: احتیاط واجب، گاهی احتیاط در فتواست و گاهی فتوا به احتیاط. فتوا به احتیاط در مورد شك در مکلف به، و شك در سقوط تکلیف قطعی است؛ اما احتیاط در فتوا به معنای احتیاط فقیه در فتوا به خاطر عدم اطمینان به دلیل شرعی است و تفصیل آن را در کتاب های اصول فقه می توان ملاحظه کرد.

ب. فرق بین احتیاط در فتوا و فتوای به احتیاط چیست و در کدام يك از آنها مقلد می تواند به غیر مراجعه کند؟

پاسخ: فرق آن دو در پاسخ قسمت «الف» آمده است. در احتیاط در فتوا می توان به غیر رجوع کرد؛ اما در فتوای به احتیاط نمی توان به دیگری رجوع نمود و باید به فتوای مرجع عمل شود.

عمل به احتیاط

[123] سؤال 123: آیا برای فرد غیر مجتهد، عمل به احتیاط نیز احتیاج به تقلید دارد؟

پاسخ: لازم است مکلف، در خصوص مسأله جواز و عدم جواز احتیاط، مجتهد یا مقلد باشد و لکن اگر بدون اجتهاد و تقلید احتیاط کند، مجزی است.

[124] سؤال 124: آیا احتیاط نمودن به نحوی که مستلزم تکرار عمل باشد، جایز است یا خیر؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[125] سؤال 125: در برخی موارد، مجتهدی در بیان مسأله ای نظر قطعی می دهد؛ اما مجتهدین دیگر احتیاط می کنند. در این گونه موارد، آیا می توان از مجتهدی پیروی

کرد که نظر قطعی داده یا باید به رأی اکثریت توجه کرد؟ و در این حالت کسی که می خواهد عمل به احتیاط کند، چگونه باید عمل کند؟

پاسخ: عمل به احتیاط، عبارت از این است که مقلد عملی را انجام دهد که بدانند برئ الذمه شده است و اگر آن ممکن نشد یا نتوانست آن را تشخیص دهد، در مواردی که برخی از مجتهدین فتوا می دهند و برخی احتیاط می کنند، می تواند از آن که فتوا می دهد، تقلید کند و اکثریت مرجح نیست.

[126] سؤال 126: در فاصله فوت مرجع تقلید و تعیین مرجع جدید، مکلف چگونه باید عمل کند؟

پاسخ: می تواند عمل به احتیاط کند و اگر احتیاط ممکن نباشد، می تواند تا علم به اعلم پیدا کند، در تقلید میّت باقی بماند.

[127] سؤال 127: آیا برای شخصی که عمل به احتیاط می کند، حدود دایره احتیاط، بین فتاوی همه فقهای زنده است یا این که داخل کردن فتاوی فقهای گذشته نیز واجب است؟

پاسخ: کسی که عمل به احتیاط می کند، اگر خواهان درک واقع است، باید در میان جمیع احتمالات، احتیاط کند و اگر مقصودش درک حجت است، احتیاط بین فتاوی مجتهدین زنده که احتمال اعلمیت آنان وجود دارد، کافی است.

طهارت

اشاره

ص: 35

[128] سؤال 1: آب چاهی که با پمپ کشیده و در جوی آب جاری می شود، در حکم آب چاه است یا آب جاری؟

پاسخ: آب چاه با آب جاری، يك حکم دارند.

[129] سؤال 2: اگر در ظرفی آب قلیل باشد و بعد با آب بسیار باریکی که از شیر می ریزد به آب کر وصل شود، آیا این مقدار اتصال، کافی است تا حکم کر را پیدا کند یا خیر؟

پاسخ: به هر صورتی که اتصال صدق کند، کافی است و حکم آب کر را پیدا می کند.

[130] سؤال 3: گاهی آبی که از شیر منازل خارج می شود، به سبب اضافه کردن کُلمر برای ضد عفونی نمودن، رنگ آن کاملاً تغییر می کند؛ ولی با مختصری مکث کردن به رنگ طبیعی بر می گردد. آیا تطهیر، وضو و غسل با این آب (در حالت اول) صحیح است؟

پاسخ: آب به واسطه اضافه کردن کُلمر از مطلق بودن خارج نمی شود و وضو و غسل و تطهیر با آن صحیح است، مگر آن که به حدی اضافه شده باشد که به مخلوط آن دو (به نحو مطلق و بدون قید) آب گفته نشود.

[131] سؤال 4: آب کر یا قلیلی که به سبب نجاست، بو یا رنگ یا مزه آن تغییر کرده است، اگر به خودی خود، بو و رنگ و مزه آن به حالت سابق برگردد، پاک می شود یا نه؟

پاسخ: پاك نمى شود.

[132] سؤال 5: آیا با آبی که شك در مضاف یا غصبی بودن آن داریم، می توانیم رفع حَدَث یا خَبَث کنیم؟

پاسخ: اگر شك در مضاف و مطلق بودن آب وجود داشته باشد، نمی شود با آن رفع حَدَث و خَبَث نمود، مگر آن که آب، قبلاً مطلق باشد؛ اما نسبت به غصبی بودن، اگر آب، صاحب داشته باشد، باید احراز رضایت شود، مگر در نه‌های بزرگ که در صورت شك هم تصرف جایز است و اگر معلوم نباشد آب، صاحب دارد یا نه و صرفاً احتمال غصبی بودن و مباح بودن وجود داشته باشد، می توان از آن استفاده کرد. البته روشن است که منع استفاده از آب غصبی برای رفع نجاست، صرفاً تکلیفی است، و الا نجاست رفع می شود.

[133] سؤال 6: در نجاست آب پاکی که در اختیار ما بوده است، شك کرده ایم. آیا می توانیم با آن آب، غسل و وضو به جا آوریم یا ازاله نجاست کنیم؟

پاسخ: بلی، می توانید.

[134] سؤال 7: در بعضی از کشورهای خارجی، آب فاضلاب را تصفیه نموده، دوباره مورد استفاده قرار می دهند. آیا خوردن این آب جایز است؟ وضو و غسل با آن و استفاده های دیگر چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر آب نجس شده را تصفیه کنند و به کُر و یا آب لوله کشی جاری متصل نمایند، پاك می شود و وضو و غسل و آشامیدن مانعی ندارد و اگر یقین به نجاست آن ندارند، محکوم به طهارت است.

[135] سؤال 8: اگر بعد از تطهیر بدن، با آب قلیل غسل جنابت کنیم، حکم آبی که به سبب غسل کردن از بدن جدا می شود، از نظر نجاست و پاکی و از جهت استعمال دوباره چیست؟

ص: 38

پاسخ: نجس نیست و استعمال دوباره آن در غسل و یا وضو اشکال ندارد، مگر این که پس از غسل، مضاف شود.

[136] سؤال 9: آیا با آب استنجا، می توان وضو و غسل به جا آورد یا نجاستی را برطرف نمود؟

پاسخ: با آب استنجا، وضو گرفتن و غسل کردن صحیح نیست. رفع نجاست هم با آب استنجا، خالی از اشکال نیست.

نجاسات

چیزهای نجس

بول (ادرار)

[137] سؤال 10: کسی که حتی بعد از استبراء، قطراتی بول از او خارج می شود، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: اگر یقین دارد که بول است، باید تطهیر کند؛ ولی اگر وسوسه باشد، نباید به آن اعتنا کند.

[138] سؤال 11: اگر در لباس انسان رطوبتی پیدا شود، از کجا بفهمد که بول است یا رطوبتی دیگر؟

پاسخ: اگر يك طرف احتمال، رطوبتِ پاك باشد، اجتناب لازم نیست. البته اگر بعد از بول یا منی استبراء نکرده باشد و رطوبت مشتبهی خارج شود، اجتناب لازم است، حتی اگر به لباس هم نرسیده باشد.

[139] سؤال 12: حکم رطوبت یا چرك هایی که از مخرج بول و غائط خارج شده و می دانیم که بول و غائط و منی نیست یا شك داریم که یکی از این سه تاست یا شك

داریم که مخلوط با یکی از اینهاست، از نظر طهارت و پاکی و باطل کردن وضو و غسل چگونه است؟

پاسخ: اگر می دانید که بول و غائط نیست، ولو احتمال اختلاط بدهید، محکوم به طهارت است و مبطل نیست و اگر احتمال بول یا منی بدهید، به حسب استبراء فرق می کند. اگر استبراء نکرده، نجس و مبطل است و با احتمال غائط بودن، حکم به طهارت می شود و مبطل نیست.

[140] سؤال 13: اگر ترشحاتی از داخل توالیت به لباس انسان سرایت کند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر اطمینان به نجاست آن رطوبت نداشته باشد، محکوم به پاکی است.

[141] سؤال 14: آیا گذاردن پا بر مکانی که با بول نجس شده، باعث نجاست پا می شود؟

پاسخ: اگر رطوبتی از پا به آن مکان یا از آن مکان به پا سرایت کند، پا نجس می شود، وگرنه تماس بدون سرایت رطوبت، باعث نجاست نمی گردد.

[142] سؤال 15: شنا کردن در استخرهایی که احیاناً ممکن است آلوده به بول باشد، چه صورتی دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

غائط (مدفوع)

[143] سؤال 16: وطی حیوان حلال گوشت، توسط حیوان دیگری غیر از جنس خودش از حلال گوشت یا حرام گوشت یا توسط انسان غیر بالغ، تأثیری در حکم بول و غائط و گوشت آن حیوان دارد یا خیر؟

پاسخ: حیوان حلال گوشت، به وطی حیوان دیگر، گوشتش حرام نمی شود؛ ولی به وطی انسان، گوشت آن حرام می شود و فرقی بین انسان بالغ و غیر بالغ نیست و بول و غائط آن نیز بنا بر احتیاط واجب به واسطه وطی انسان، نجس

می شود.

[144] سؤال 17: اگر چیزی را که انسان فرو می برد، بدون هضم شدن و به صورت اولیه از مخرج غائط خارج شود (مثل، نخود، لپه، هسته خرما و هسته بعضی میوه ها، مانند گیلاس و آلبالو)، آیا این چیزها غائط محسوب می شود و نجس است و وضو را باطل می کند یا این طور نیست؟

پاسخ: خود آنها غائط حساب نمی شوند و مبطل وضو و غسل نیستند؛ ولی اگر همراه با نجاست باشند، نجس هستند و قهراً وضو نیز به جهت خارج شدن نجاست، باطل می شود.

[145] سؤال 18: آبی که گاهی از مخرج غائط خارج می شود، ولی رنگ و بوی نجاست را ندارد، پاك است یا نجس؟

پاسخ: چنانچه مخلوط به نجاست نباشد، پاك است.

[146] سؤال 19: گندم یا برنجی که در آن فضله موش پیدا شده است، آیا لازم است قبل از آرد کردن آنها مورد جستجو قرار گیرند تا اگر فضله دیگری در آنها وجود دارد، جدا شود یا لازم نیست؟

پاسخ: با شك در بودن فضله موش دیگری در بقیه گندم و یا برنج و یا حبوبات دیگر، جستجو و تفحص لازم نیست و آرد آن، محکوم به طهارت است.

[147] سؤال 20: اگر در نان پخته شده، فضله موش یا چیز نجس دیگری پیدا شود، حکم آن چیست؟

پاسخ: اگر احتمال عقلایی داده شود که فضله موش و یا نجاست دیگر، روی نان افتاده است، در این صورت از موضع ملاقات اجتناب شود و بقیه نان، محکوم به طهارت است.

ص: 41

[148] سؤال 21: فضله لاک پشت از نظر نجاست و پاکی چه حکمی دارد؟

پاسخ: چون ظاهراً لاک پشت دم سائله ندارد، فضله اش نجس نیست؛ ولی احتیاط، در اجتناب کردن است.

[149] سؤال 22: مدتی قبل استفتایی درباره فضله لاک پشت پرسیدم و جواب فرمودید:

«چون لاک پشت دم سائله ندارد، فضله اش نجس نیست؛ ولی احتیاط، در اجتناب کردن است». اکنون بفرمایید که آیا این احتیاط، از باب شبهه موضوعیه است (که اگر علمای طبیعی لاک پشت را دارای دم سائله بدانند، فضله اش نجس می شود) یا شبهه حکمیه است؟

پاسخ: این احتیاط از باب شبهه موضوعیه است و اگر ثابت شود که دم سائله دارد، فضله اش نجس است.

منی

[150] سؤال 23: گاهی بعد از بول، آبی غلیظ و هم رنگ با منی خارج می شود. حکم آن چیست؟

پاسخ: اگر یقین ندارد که منی است، غسل ندارد و اگر می داند بول هم نیست، پاک است؛ ولی اگر استبراء ننموده و احتمال می دهد بول است، حکم بول را دارد.

[151] سؤال 24: کسی بعد از خروج منی بول نموده؛ ولی استبراء نکرده و بعد، آب مشکوکی که مشتبه بین بول و منی و آب پاک است، خارج شده است. آیا باید غسل کند یا وضو بگیرد یا این که وظیفه ای ندارد؟

پاسخ: آب مشکوک در فرض سؤال، در حکم بول است؛ ولی اگر یقین داشته باشد که بول نیست، محکوم به طهارت است و وظیفه ای ندارد.

[152] سؤال 25: آیا مایع زلال و بی رنگی که قبل از منی و معمولاً با شهوت از انسان خارج

می شود، پاك است یا باعث جنابت می شود؟

پاسخ: مایعی که قبل از منی خارج می شود، پاك است و موجب جنابت نمی شود.

[153] سؤال 26: جوانی هستم که تازه ازدواج کرده و در حال عقد به سر می برم. گاهی بر اثر ملاعبه با همسر، آبی بدون فشار و به صورت قطره قطره خارج می شود. آیا این آب، پاك است یا نجس است و غسل لازم دارد یا خیر؟

پاسخ: آبی که از مرد به هنگام ملاعبه خارج می شود، اگر نشانه های منی را که در توضیح المسائل آمده، نداشته باشد، حکم منی را ندارد.

[154] سؤال 27: مایع سفید لزج مانندی که به مقدار کم از رحم زن، به هنگام ملاعبه با همسر خارج می شود، حکم منی را دارد یا خیر؟

پاسخ: رطوبتی که از زن خارج می شود، چنانچه نشانه های منی را که در رساله ذکر شده، نداشته باشد، حکم منی را ندارد و پاك است.

[155] سؤال 28: خصوصیات «مَدَى»، «وَدَى» و «وَدَى» چیست و آیا پاك هستند یا نجس و خروج آنها موجب بطلان وضو می شود یا خیر؟

پاسخ: راجع به خصوصیات، به توضیح المسائل (مسأله 245) مراجعه کنید؛ ولی این آب ها طاهرند و وضو را باطل نمی کنند.

[156] سؤال 29: اگر کسی در میهمانی جنب شد و به واسطه آن، رختخواب نجس گردید، آیا واجب است میزبان را مطلع کند؟

پاسخ: واجب نیست.

خون

[157] سؤال 30: مایعی که پس از طهارت و برطرف کردن خون، محل زخم را فرا می گیرد، چه حکمی دارد؟

ص: 43

پاسخ: اگر خون و یا مایعی که با خون مخلوط است، نباشد، محکوم به طهارت است.

[158] سؤال 31: آیا رطوبت ها یا چرکی که از زخم یا دمل خارج می شود، نجس است؟

پاسخ: اگر خونی به همراه آن نباشد و با خون و نجاست اطراف زخم برخورد نکرده باشد، محکوم به طهارت است.

[159] سؤال 32: آیا جداری که روی زخمها به وجود می آید و معمولاً متشکل از خون و ترشحات زخم است، حکم نجاست را دارد یا نه؟

پاسخ: چنانچه خون در زیر پرده ای (ولو نازک) قرار گرفته یا استحاله شده باشد و لایه ای که به آن خون گفته نمی شود، تشکیل شده باشد، حکم نجاست ندارد.

[160] سؤال 33: تماس با خون خشک شده روی زخم، چه حکمی دارد؟

پاسخ: تماس بدون رطوبت، باعث نجس شدن نمی شود؛ ولی تماس با رطوبت با خود خون، موجب نجس شدن می شود، مگر این که خون در زیر پوست باشد.

[161] سؤال 34: تماس با خون مرده زیر ناخن یا زیر پوست چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر زیر ناخن یا زیر پوست است و تماس مستقیم با آن حاصل نمی شود، تماس با آن باعث نجاست نمی شود.

[162] سؤال 35: گاهی در عمل خونگیری، سوزن سرنگ به داخل رگ فرو می رود و به خون آغشته می شود؛ ولی به علت این که خون به داخل سرنگ جریان نمی یابد یا مقدار آن کافی نیست، لازم می شود که از محلّ دیگری مبادرت به خونگیری شود. آیا در این صورت سوزن نجس می شود؟

پاسخ: اگر خون به همراه سوزن سرنگ بیرون نیامده باشد و بر روی سوزن مشاهده نشود، تماس در داخل اشکال ندارد و سوزن سرنگ نجس نمی شود.

[163] سؤال 36: فرو بردن خونی که از لای دندان ها (به واسطه بیماری یا مسواک کردن) می آید، چه حکمی دارد؟

پاسخ: خوردن خون، حرام است و چنانچه در آب دهان از بین برود، بنا بر احتیاط باید از خوردن آب دهان نیز اجتناب شود.

[164] سؤال 37: خونی که از بین دندان ها بیرون می آید یا خونی که از خارج دهان وارد آن می شود و هر کدام با آب دهان مخلوط می شود و از بین می رود، آیا باعث نجس شدن دهان و آب دهان می شود و آیا می توان آب دهان را فرو برد یا باید بیرون ریخت؟

پاسخ: در هر دو صورت، اگر در آب دهان مستهلك شود، پاك است؛ ولی فرو بردن آن، محلّ اشکال است و در صورت دوم بهتر است که دهان نیز آب کشیده شود.

[165] سؤال 38: اگر حیوان حلال گوشتی را با تیراندازی صید کنیم، آیا خونی که در بدن حیوان باقی مانده است، پاك است یا نجس؟

پاسخ: احتیاط واجب، اجتناب از آن است.

[166] سؤال 39: بعد از ذبح حیوان حلال گوشت، شك می کنیم خونی که در بدن حیوان است، باقی مانده خون حیوان است یا خون هنگام ذبح است که به داخل بدن حیوان برگشته است. در این صورت، وظیفه چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، اقوی پاك بودن خون است.

[167] سؤال 40: اگر حیوان حرام گوشت را ذبح شرعی کنیم و خون متعارف از بدن او خارج شود، آیا خون باقی مانده در بدن حیوان (مانند خون باقی مانده در بدن حیوان حلال گوشت)، پاك است؟

پاسخ: خون باقی مانده در بدن حیوان حرام گوشت، به احتیاط واجب نجس است.

[168] سؤال 41: گاهی بافت های مُردهٔ مجاور عضو زنده و سالم، برای مراقبت و جلوگیری از عفونت، بریده و جدا می شود. تماس با این بافت ها چه حکمی دارد؟

پاسخ: اجزای جدا شده از زنده، نجس است، هر چند قبل از جدا شدن، مرده باشد، مگر اجزایی که روح در آنها دمیده نشده باشد، مثل مو و ناخن.

[169] سؤال 42: آیا بیخ مویی که به واسطهٔ کندن از بدن و به همراه احساس درد، جدا شده، پاك است یا نجس؟

پاسخ: بیخ مو، مثل بقیهٔ آن پاك است، مگر آن که همراه جزئی که روح دارد کنده شده باشد که با جدا کردن آن و آب کشیدن، مو پاك می شود.

[170] سؤال 43: گاهی جدا کردن پوست هایی که کاملاً به بدن متصل است و لازم می شود که آنها را جدا کنیم (مثل پوست پاشنه یا پوست های کنارهٔ ناخن ها)، به مانند چیدن مو است و با هیچ گونه درد و سوزشی همراه نیست. آیا این پوست های جدا شده، نجس است؟

پاسخ: اگر بسیار کوچک باشد، نجس نیست.

[171] سؤال 44: بچهٔ سقط شده که چهار ماه آن تمام نشده است، پاك است یا نجس؟ و آیا لمس نمودن آن، موجب غسل می شود یا خیر؟

پاسخ: بنا بر احتیاط نجس است؛ ولی غسل مسِّ میّت، به جهت لمس نمودن آن، مستحب است، نه واجب.

[172] سؤال 45: آیا تماس اشیای خیس با بدن میّت، قبل و بعد از سرد شدن بدن، باعث نجاست آن چیزها می شود؟

پاسخ: تماس چیزهای خیس با بدن میّت، موجب نجاست آنها می شود، خواه قبل از سرد شدن بدن میّت باشد و یا بعد از سرد شدن بدن او، به شرط این که

قبل از اغسال ثلاثه باشد.

[173] سؤال 46: اگر در بیابان به استخوانی برخورد کردیم که معلوم نیست مربوط به انسان است یا حیوان، نجس است یا پاك؟ و همچنین اگر به پوست حیوانی برخورد کردیم، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در مفروض سوال، استخوان محکوم به طهارت است. همچنین اگر احتمال بدهیم پوست حیوان، از حیوانی است که خون جهنده ندارد، پاك است.

[174] سؤال 47: حیوان مرده ای (مثل مار) که نمی دانیم خون جهنده داشته است یا نه، پاك است یا نجس؟

پاسخ: پاك است.

[175] سؤال 48: آیا پوست حیوانی که ذبح شرعی نشده، با دباغی پاك می شود؟ در صورت پاك نشدن، آیا راهی برای پاك شدن آن وجود دارد؟

پاسخ: پوست حیوانی که ذبح شرعی نشده، راهی برای پاك شدن ندارد.

[176] سؤال 49: آیا می توان گوشت یا پوست حیوان حلال گوشت را از شخصی که معلوم نیست کافر است یا مسلمان، خریداری نموده و مورد استفاده قرار داد؟

پاسخ: در مملکت اسلامی، در حکم خرید از مسلمان است و در مملکت غیر اسلامی، در حکم خرید از کافر است.

[177] سؤال 50: حکم استفاده از کفش و کیف ساخته شده از چرم طبیعی که در کشورهای اروپایی ساخته می شود، چگونه است و آیا پاك هستند یا خیر؟

پاسخ: کفش و کیف ساخته شده از چرم طبیعی که از بازار مسلمانان خریداری می شود و یا از دست مسلمانانی که مقید به جهات شرعی است، گرفته می شود، پاك است؛ ولی اگر از کافر یا بازار کفار گرفته شود و خریدار، رسیدگی نکند که از حیوانی است که به دستور شرع ذبح شده یا نه، محکوم به نجاست است.

[178] سؤال 51: بعضی از بلاد کفر، پوست و چرم فراوانی از کشورهای اسلامی خریداری می کنند و با آن کیف و کفش و... می سازند، به نحوی که احتمال داده می شود این گونه وسایل که در بازار آنها موجود است، از پوست حیوان مذگی تهیه شده باشد. با این فرض، این وسایل پاک هستند یا نجس؟

پاسخ: در حکم میته و نجس است.

[179] سؤال 52: آیا با شکار کردن، حیوان حرام گوشت، تذکیه می شود و می توان از پوست آن استفاده کرد؟ خونی که در بدن حیوان باقی مانده، پاک است یا نجس؟

پاسخ: در غیر سگ و خوک، اگر حیوان حرام گوشتی را که مانند گرگ و پلنگ، درنده و گوشتخوار است، به دستوری که در احکام سربریدن ذکر شده، سر بزنند یا با تیر و مانند آن شکار کنند، تمام بدن، حتی اجزای داخلی آن پاک است؛ ولی از خون باقی مانده، بنا بر احتیاط باید اجتناب شود. البته گوشت آن حلال نمی شود؛ اما سایر انتفاعات، جایز است، مگر به حسب مورد، منع خاصی داشته باشد؛ ولی اگر با سگ شکاری آن را شکار کرده باشند، پاک شدن بدن هم محل اشکال است.

کافر

اشاره

[180] سؤال 53: آیا مطلقاً قاتل به طهارت انسان هستید؟

پاسخ: نظر این جانب این گونه نیست و تفصیل مطلب، در توضیح المسائل (بحث کافر در بخش نجاسات) آمده است.

[181] سؤال 54: آیا انکار ضروری دین یا ضروری مذهب، به جهت این که ضروری دین یا ضروری مذهب است، موجب ارتداد می شود یا به جهت این که موجب تکذیب پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؟

پاسخ: انکار ضروری دین یا ضروری مذهب از طرف مسلمان، در صورتی که انکار کننده بداند که ضروری دین یا ضروری مذهب است و موجب انکار خدا

ص: 48

یا توحید یا نبوت گردد، موجب ارتداد است.

[182] سؤال 55: آیا انکار معاد، موجب کفر می گردد؟

پاسخ: وقتی موجب کفر می شود که منکر معاد، ملتفت باشد که معاد از ضروریات دین است و انکار آن، موجب انکار خدا، توحید و یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گردد.

[183] سؤال 56: آیا احکام سبّ الائمه با سبّ النبی یکی است؟

پاسخ: سبّ الائمه، مانند سبّ النبی نجس است؛ چون سب، مستلزم ناصبی شدن است و واجب است سب کننده، کشته شود، مگر آن که خطری خود کشنده را تهدید کند.

[184] سؤال 57: آیا صرف گفتار، موجب کفر و ارتداد است یا عمل هم موجب ارتداد می گردد؟

پاسخ: قول، دلالت بر ارتداد می کند؛ ولی صرف عمل به تنهایی، دلالت بر ارتداد ندارد.

[185] سؤال 58: مسلمان مکلفی (مرد یا زن) کلماتی را بر زبان جاری می کند که موجب ارتداد می شود؛ ولی ملتفت این مطلب نیست و اگر ملتفت بود، هرگز این کلمات را بر زبان جاری نمی کرد. آیا بعد از گفتن این کلمات، حکم به ارتداد او می شود یا در جمیع احکام، حکم مسلمان را دارد؟

پاسخ: مجرد گفتن این کلمات، با عدم توجه به معنای آن، موجب ارتداد نمی شود؛ بلکه انکار خداوند متعال یا وحدانیت خداوند یا نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا انکار چیزی که از دین است و علم دارد که جزء دین است و انکار آن مستلزم انکار خدا، توحید یا نبوت باشد، باعث ارتداد می گردد.

[186] سؤال 59: کسی که به طور شوخی و نه از روی قصد واقعی، بعضی از کارهای

خداوند یا پیامبر اکرم یا ائمه اطهار علیهم السلام را مسخره می کند، پاك است یا نجس؟

پاسخ: گفتار و یا کارهای شوخی او اگر موجب شك در كفر او گردد، به كفر او حکم نمی شود - نعوذ باللّٰه من إضلال الشيطان و التمسخر بأفعال اللّٰه - و این کار خوبی نیست.

[187] سؤال 60: مردی که بی دین است یا از بین اصول دین، فقط خدا را قبول دارد، در صورتی که اظهار عقیده نکند، آیا به صرف داشتن موی بلند سر، می توان او را مؤاخذه نمود؟

پاسخ: در فرض سؤال، احکام مرتد بر او جاری نمی گردد و صرف بلندی موی سر، موجب مؤاخذه نمی شود.

[188] سؤال 61: پدرم که پدر و مادر او مسلمان بودند، در اواخر عمر در يك مقطع از زمان، متهم به بهائیت می شود و سپس فوت می نماید و در قبرستان مسلمانان دفن می گردد. با توجه به مسلمان بودن او قبل از اتهام، و دفن در قبرستان مسلمانان، آیا وی محکوم به اسلام است یا خیر؟

پاسخ: در مفروض سؤال، اگر بهائیت او ثابت نشده باشد، محکوم به اسلام است.

[189] سؤال 62: رابطه مسلمانان با دو گروه وهابیت و بهائیت، چگونه باید باشد؟

پاسخ: اگر افراد، آگاهی و توانایی لازم را نداشته باشند و خطر انحراف وجود داشته باشد، اشکال دارد و بهایی ها نجس هستند.

[190] سؤال 63: با شخصی که نمی دانیم کافر است یا مسلمان، از جهت نجاست و پاکی چگونه برخورد کنیم؟

پاسخ: تفحص لازم نیست و بنا بر طهارت، گذارده می شود.

[191] سؤال 64: بچه ای که از زن و مرد مسلمان و به سبب زنا به وجود می آید، آیا مانند

دیگر مسلمانان، پاك است؟

پاسخ: پاك است.

[192] سؤال 65: در مسأله 93 توضیح المسائل آمده است که بچه مرتد ملّی و مرتد فطری پاك است. آیا بچه مورد نظر، فرزندی است که قبل از ارتداد به دنیا آمده است یا فرزند بعد از ارتداد را هم شامل می شود؟

پاسخ: شامل موردی که مرتد، کافر غیر کتابی شود و پس از آن، نطفه منعقد شده باشد، نمی گردد.

[193] سؤال 66: آیا ولد الزنا که از دو کافر به وجود آمده، پاك است یا نجس؟

پاسخ: اگر ولد الزنا از دو کافر غیر اهل کتاب به وجود آمده باشد، بنا بر احتیاط محکوم به نجاست است تا وقتی که مسلمان یا اهل کتاب شود.

[194] سؤال 67: در مسأله 95 توضیح المسائل فرموده اید: «نجاست کافر يك دستور فرهنگی و سیاسی برای پرهیز از معاشرت و تحت تأثیر واقع شدن و آلودگی اندیشه ها و سلطه کفار بر مسلمانان است». حال اگر در رابطه با بعضی از کفار، قضیه به عکس باشد و شخص مسلمان بتواند کافر را تحت تأثیر قرار دهد، آیا حکم نجاست چنین کافری در رابطه با این مسلمان برداشته می شود؟

پاسخ: خیر؛ زیرا همان طور که در رساله ذکر شده، این جهت، حکمت است نه علت، و حکمت، در غالب و نوع افراد است؛ ولی حکم، در جمیع موارد جاری است، بر خلاف علت منحصر که حکم، دایر مدار آن است.

اهل کتاب

[195] سؤال 68: تعریف و محدوده اهل کتاب و مصادیق آن را بیان فرمایید.

پاسخ: یهودی و اقسام آن و نصرانی و اقسام آن و زرتشتی و اقسام آن، اهل کتاب هستند.

ص: 51

[196] سؤال 69: آیا اهل کتاب پاك اند یا نجس؟ هندوها، بودایی ها، مشرکین، کفار، وهابی ها، دراویش، و خوارج چه طور؟

پاسخ: به نظر این جانب اهل کتاب، یعنی یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان پاك اند و مشرکین به تمام اقسامشان نجس اند. وهابی ها و صوفیان نیز اگر ناصبی نباشند و همچنین چیزی را که می دانند جزء دین است و انکار آن موجب انکار توحید یا رسالت می شود، انکار نکنند، نجس نیستند.

[197] سؤال 70: نظر حضرت عالی در ارتباط با طهارت و یا نجاست اهل کتاب چیست؟

پاسخ: اهل کتاب طهارت ذاتی دارند و نجاست آنها عرضی است. پس اگر شخصی علم نداشته باشد که آنها به وسیله شراب یا نجاسات دیگر نجس شده اند، می تواند معامله طهارت با آنها بکند.

[198] سؤال 71: معاشرت مسلمانان با پیروان دیگر ادیان الهی (مسیحی، یهودی و زرتشتی)، از نظر شارع مقدس چگونه است؟ آیا از غذاها و نان آنها می توان مصرف کرد؟

پاسخ: به نظر این جانب، اهل کتاب طهارت ذاتی دارند. بنا بر این اگر غذای آنها متنجس نشده باشد، استفاده از آن بی اشکال است، مگر در مورد گوشت که باید اطمینان به مأكول بودن و تذکیه آن وجود داشته باشد و معاشرت با آنها در صورتی که خطر تأثیر پذیری و انحراف نداشته باشد، اشکال ندارد.

[199] سؤال 72: معاشرت با اهل کتاب و هم غذا شدن با آنها چه حکمی دارد؟

پاسخ: اهل کتاب پاك هستند و نجاست عرضی دارند و معاشرت زیاد و هم غذا شدن با آنها روا نیست.

[200] سؤال 73: فرقه ای از صابئین در خوزستان می باشند، آیا این افراد، اهل کتاب هستند؟ نظر مبارکتان در مورد پاکی و نجاست آنان چیست؟

ص: 52

پاسخ: این فرقه، در اول انقلاب به تهران آمدند و ادعا کردند که ما از صابئین هستیم و اهل کتابیم و ما را نیز جزء اقلیت های مذهبی به حساب آورید. چون دلیل کافی برای گفته هایشان نداشتند، سخنانشان مورد قبول واقع نشد و اگر کافر غیر کتابی بودن آنها معلوم نباشد، محکوم به طهارت هستند.

شراب، الکل و...

[201] سؤال 74: اگر با شراب، کاری کنیم که دیگر مست کننده نباشد، آیا پاک و خوردن آن حلال می شود؟ و اگر با مایع پاکی که مست کننده نیست، کاری کنیم که مست کننده شود، آیا نجس و خوردنش حرام می شود؟

پاسخ: در فرض اول، پاک نمی گردد و خوردنش حرام است و در فرض دوم، نجس می شود و خوردن آن حرام است.

[202] سؤال 75: اگر با مخلوط کردن الکل سفید با آب، مایع مست کننده به دست آید، با این فرض، آیا الکل سفید، پاک است یا نجس؟

پاسخ: در خصوص حالتی که مست کنندگی داشته باشد، حرام و نجس است و تشخیص موضوع، با خود مکلف و کارشناس مورد وثوق است.

[203] سؤال 76: الکل صنعتی و طبی و الکل اتیلیک خالص، پاک است یا نجس؟

پاسخ: نجاستش معلوم نیست؛ ولی احتیاط، بهتر است.

[204] سؤال 77: آیا الکلی که جهت ضد عفونی در تزریقات به کار برده می شود، نجس است؟

پاسخ: ظاهراً نجس نیست؛ ولی احتیاط، بهتر است.

[205] سؤال 78: اگر در غذا یا خوراکی دیگر از الکل استفاده شود، آیا نجس است؟ استفاده از آن، چه حکمی دارد؟

پاسخ: چنانچه اطمینان حاصل شود که این الکل از نوع الکل مست کننده

است، نجس است و بر غذای مذکور، احکام متنجّس مترتب است، و الا اشکال ندارد و تحقیق و تفحص هم واجب نیست.

[206] سؤال 79: اودکلن هایی که از کشورهای خارجی وارد می شود، پاك است یا نجس؟

پاسخ: محکوم به طهارت است.

[207] سؤال 80: آیا آبی که در آن دانه های انگور ریخته شده و جوشانده شده، پاك است؟ خوردن این آب و دانه های انگور جوشانده شده، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر آبی که دانه های انگور در آن جوشانده شده، با آب انگور جوشیده، مخلوط شده باشد، پاك، ولی خوردن آن قبل از کم شدن دو ثلث آن حرام است.

[208] سؤال 81: کشمشی را که در روغن سرخ می کنند یا در پختن بعضی از غذاها از آنها استفاده می کنند، به طوری که به جوش می آید، از حیث نجاست و پاکی و خوردن چه حکمی دارد؟

پاسخ: کشمش اگر با پختن جوش بیاید، به احتیاط واجب، خوردن آن حرام است و اگر مُسکر نباشد، پاك است.

[209] سؤال 82: طبق مسأله 194 توضیح المسائل، اگر آب انگور، خود به خود جوش بیاید، خوردن آن حرام و احتیاط واجب، اجتناب از آن است. آیا این حرمت و وجوب اجتناب، در صورتی که آب انگور جوش آمده، مست کننده هم نباشد، ثابت است؟

پاسخ: فرض سؤال (ذیل مسأله 194 توضیح المسائل)، در موردی است که مست کننده نباشد؛ ولی اگر مست کننده باشد، قطعاً نجس و حرام است.

حیوان نجاستخوار

[210] سؤال 83: آیا عرق شتر نجاستخواری که به خوردن نجاستی غیر از مدفوع انسان عادت کرده، نجس است یا خیر؟ و عرق شتری که به خوردن بول انسان عادت کرده، چه

ص: 54

پاسخ: عرق شتری که به خوردن نجاستی غیر از مدفوع انسان (ولو بول انسان) عادت کرده، نجس نیست.

[211] سؤال 84: آیا گوشت حیوان حلال گوشت که نجاستخوار شده است، پاك است یا نجس و خوردن آن چه حکمی دارد؟

پاسخ: گوشت حیوان نجاستخوار پاك است؛ ولی قبل از استبراء، خوردن آن جایز نیست.

[212] سؤال 85: اگر حیوان حلال گوشتی را به خوردن نجاستی مانند شراب عادت دهند، آیا بول و غائط او پاك است و می توان از گوشت او استفاده کرد یا خیر؟

پاسخ: به جهت عادت به خوردن شراب، بول و غائط حیوان، نجس نمی شود و گوشتش هم حرام نمی گردد.

[213] سؤال 86: حکم عرق، ادار، مدفوع، گوشت و تخم حیوانی که به خوردن مدفوع حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد (غیر انسان)، عادت کرده است، چگونه است؟

پاسخ: به واسطه اعتیاد به خوردن مدفوع غیر انسان، نجاست و حرمت عارض نمی شود.

ثابت شدن نجاست

[214] سؤال 87: اگر در باب نجاست یا پاکی چیزی، دو نفر شهادت بر پاکی و دو نفر دیگر شهادت بر نجاست دهند، آن چیز پاك است یا نجس؟ و اگر در يك طرف دو نفر و در طرف دیگر سه یا چهار نفر باشند، حکم آن چیست؟

پاسخ: اگر شهادت یکی از بیّنه ها مستند به علم باشد، مقدم است، وگرنه هر دو ساقط می شوند. بنا بر این آن شیء محکوم به طهارت است، مگر آن که علم به نجاست سابق آن داشته باشیم؛ و زیادی و کمی نفرات بیّنه، در اعتبار آن

[215] سؤال 88: اگر فقط يك نفر به ما خبر دهد که چیزی نجس است، وظیفه ما در آن مورد چیست؟

پاسخ: اگر از گفته او اطمینان حاصل شود، نجاست ثابت می شود.

[216] سؤال 89: اگر همسر انسان بگوید که چیزی در خانه نجس است، ولی خادم خانه بگوید پاك است، حرف کدام يك مقدم است؟

پاسخ: اگر فقط يك نفر از آنها نسبت به آن چیز ذوالید است و متهم نیست، قول او مقدم است، وگرنه قول هر دو ساقط می شود و محکوم به طهارت است، مگر این که بدانیم قبلاً نجس بوده است.

[217] سؤال 90: اگر خانم خانه به مرد خانه بگوید که لباس های داخل كمد پاك است، ولی خدمتکار خانه بگوید یکی از لباس ها نجس است، آیا مرد می تواند با آن لباس ها نماز بخواند؟

پاسخ: قول هر کدام که اطمینان آور است، به آن عمل کند و اگر هر دو مثل هم هستند، چنانچه یکی از آنها ذوالید است و متهم نیست، قول او مقدم است، و الا قول هر دو ساقط می شود و اصل، طهارت است.

[218] سؤال 91: شخص کافر یا فاسقی خبر از نجاست یا پاکی چیزی می دهد که در دست اوست و شخص مسلمان و عادل بر خلاف او خبر می دهد، ما با آن چیز باید معامله پاکی کنیم یا نجاست؟

پاسخ: اگر به واقع امر (ولو به قرآنی) وثوق حاصل نشود، قول ذوالید مقدم است، مگر آن که متهم باشد.

[219] سؤال 92: در مواردی که استعمال چیزی مشروط به طهارت آن است و شك در طهارت آن چیز داریم و به راحتی می توانیم به پاك یا نجس بودن آن پی ببریم، آیا

جستجو کردن از پاکی و نجاست آن واجب است یا می توانیم بنا را بر پاکی گذاشته و آن چیز را مورد استفاده قرار دهیم؟

پاسخ: در مورد شك در طهارت و نجاست چیزی در شبهه موضوعیه، تفحص لازم نیست، اگر چه خیلی راحت باشد و بنا بر طهارت آن چیز گذاشته می شود.

[220] سؤال 93: اگر ما باعث نجس شدن بدن یا لباس یا وسایل کسی شویم، آیا لازم است که به او اعلام کنیم؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر شیء مورد نظر در جایی که طهارت در آن شرط است، استفاده شود، احتیاطاً باید به او بگویید.

نجس شدن چیزهای پاک

[221] سؤال 94: گفته شده که با تماس يك نقطه از مایع (غیر از آب گُر) با نجاست، تمام آن مایع نجس می شود؛ ولی در جامد، به شرط سرایت رطوبت، تنها محلّ برخورد، نجس می شود. لطفاً بفرمایید که میزان در جامد یا مایع بودن چیست؟ و مواردی مانند شیر و ماست و عسل و روغن که گاهی سفت و گاهی شل است، ملحق به جامد است یا مایع؟

پاسخ: میزان در مایع بودن، این است که اگر از چیزی مقداری برداشته شود، چنانچه فوراً جایش پر شود و اصلاً خالی نماند، مایع است، و الا جامد است و اگر شیئی در حال جامد بودن، با نجس ملاقات کند و محلّ ملاقات، نجس و سپس مایع شود، لازم است از هر مقدار که مایع شده و اطراف آن اجتناب شود.

[222] سؤال 95: زمین یا چیزی که رطوبت مختصری روی آن وجود دارد، آیا به واسطه نجس شدن بخشی از آن، نجاست به جاهای دیگر هم سرایت می کند؟

پاسخ: در فرض سؤال، سرایت نمی کند.

[223] سؤال 96: آیا ملاقات با نجاست در باطن بدن، باعث نجس شدن می شود یا خیر،

مثل فرو بردن دست در دهان و بینی و تماس با خون، بدون این که موقع بیرون آوردن دست، خونی بر آن مشاهده شود؟

پاسخ: اگر نجاست در قسمتی از ابتدای دهان یا بینی است که به طور معمول دیده می شود، بنا بر احتیاط باید از آن اجتناب کرد، وگرنه اجتناب کردن لازم نیست.

[224] سؤال 97: اگر دندان مصنوعی، در خارج از دهان متنجس شود و عین نجاست بر روی دندان موجود نباشد، آیا آب دهان که با این دندان تماس پیدا می کند، نجس است یا پاك و آیا می توان آب دهان را فرو داد؟

پاسخ: دندان مصنوعی باید آب کشیده شود؛ ولی در فرض سؤال که عین نجاست وجود ندارد، آب دهان پاك است و می شود آن را فرو داد.

[225] سؤال 98: آیا شخصی که غذا یا مایع نجسی را خورده، دهانش نجس شده است و باید آب بکشد یا اصلاً دهان، نجس نمی شود؟

پاسخ: اگر عین نجاست در دهان باقی مانده باشد، باید آن را خارج کند و آب کشیدن دهان لازم نیست؛ ولی قسمت جلوی دهان را که معمولاً دیده می شود، بنا بر احتیاط باید آب بکشد و چنانچه در دهان جسم خارجی، مثل دندان مصنوعی یا دندان پر کرده وجود داشته باشد، آن نیز بنا بر احتیاط واجب باید آب کشیده شود.

[226] سؤال 99: آیا چشم انسان با ریختن قطره نجس در آن، متنجس می شود و آب کشیدن لازم دارد یا از باطن بدن محسوب می شود و با برطرف شدن قطره نجس، پاك می شود و آب کشیدن لازم ندارد؟

پاسخ: داخل چشم، از باطن است و نجس نمی شود؛ اما محلّ تلاقی پلك های چشم مشکل است که از باطن حساب شود. بنا بر این به احتیاط واجب آب بکشند.

[227] سؤال 100: زمین مرطوبی که بخشی از آن نجس است و فردی بر روی آن راه می رود و کفش یا پایش مرطوب می شود، آیا کفش یا پای او پاك است یا نجس؟

پاسخ: اگر یقین نداشته باشد که پا یا کفش را بر قسمت نجس گذاشته، پا و کفش، محکوم به طهارت اند.

[228] سؤال 101: اگر شخصی دو ظرف یا دو لباس نجس داشته باشد و یکی از دو ظرف یا دو لباس را آب بکشد و بعد فراموش کند که کدام است، آیا می تواند از ظرف ها استفاده نماید یا با لباس ها نماز بخواند؟ و اگر چیز دیگری که مرطوب است با یکی از دو ظرف یا دو لباس تماس پیدا کند، پاك است یا نجس؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر چیز دیگری فقط با یکی از این دو ظرف یا دو لباس ملاقات کند، نجس نمی شود. اگر بخواهد از این لباس در چیزی که شرط آن طهارت است، استفاده کند، مثلاً با آن نماز بخواند، باید در هر دو لباس، نماز را تکرار کند؛ ولی از هیچ يك از ظرف ها نمی تواند برای خوردن یا آشامیدن استفاده کند.

[229] سؤال 102: در کلاس درسی که يك صندلی غیر معین آن نجس است، روی يك صندلی می نشینیم و به واسطه عرق کردن، رطوبت از بدن ما به صندلی منتقل می شود.

آیا وظیفه ای بر عهده ما ثابت می شود؟

پاسخ: ملاقات کننده با بعضی از اطراف شبهه، نجس نمی شود.

[230] سؤال 103: شخصی از دو ظرف جداگانه، پلو و خورش برداشت و با هم مخلوط نمود و بعد متوجه فضلۀ موشی شد که نمی داند از کدام ظرف بوده است. اکنون وظیفه اش چیست؟

پاسخ: باید از همه آنها (پلو، خورش و مخلوط) اجتناب کند.

[231] سؤال 104: آیا احکام شرعی در مورد افراد وسواسی، در مقایسه با افراد معمولی، یکسان است یا متفاوت؟

پاسخ: وسوسه از شیطان است و انسان جایز نیست به آن اعتنا کند؛ بلکه باید در طهارت و نجاست و غسل و وضو، مثل مردم متعارف رفتار کند.

[232] سؤال 105: کسی که در بسیاری از مسائل، دچار شك یا وسوسه می شود، برای رهایی از این مشکل که گاهی زندگی را بر انسان بسیار تنگ می کند، چه باید بکند؟

پاسخ: وسواسی به شك و وسوسه اعتنا نکند و مثل مردم متعارف رفتار نماید.

[233] سؤال 106: لطفاً تفاوت شبهه محصوره و غیر محصوره و حکم هر کدام را بیان نمایید.

پاسخ: اگر شبهه دارای جوانبی باشد که تمام آنها مورد ابتلا باشد و در آن، احتمال انطباق معلوم بالا جمال، با فرد مختار، به جهت کثرت اطراف شبهه، ضعیف باشد، به گونه ای که عقلاً به آن اعتنا نکنند، شبهه غیر محصوره است، وگرنه شبهه محصوره است. در شبهه محصوره، باید از تمام اطراف شبهه اجتناب شود؛ ولی در شبهه غیر محصوره، ارتکاب فرد مختار، جایز است.

[234] سؤال 107: اگر در يك کیسه بزرگ گندم یا برنج، چند دانه نجس گندم یا برنج مخلوط شود، چه باید کرد؟

پاسخ: با توجه به این که گندم ها و برنج ها متفرق نیستند و دانه دانه مصرف نمی شوند، بلکه مثلاً کیلو کیلو مصرف می شوند و همه آنها در معرض ابتلا قرار دارند، از قبیل شبهه محصوره است و اجتناب از آن لازم است، مگر این که تصرفات دیگری انجام دهد، مثل این که برای زراعت به زمین پاشد و یا امثال آن؛ ولی از آرد کردن و خوردن آن پرهیز نماید.

[235] سؤال 108: رطوبت های گوناگونی که از مخرج بول و غائط خارج می شود و غیر از بول و غائط و منی است، چه حکمی دارد؟ آیا وضو و غسل را باطل می کند یا نه؟ این رطوبت ها هنگامی که شك داریم در داخل بدن با بول و غائط و منی برخورد کرده یا این که می دانیم برخورد نموده، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در فرض سؤال، چنانچه با بول و غائط و منی مخلوط نباشند، پاك اند و مبطل وضو و غسل نیستند، و ملاقات با نجاست در داخل بدن، باعث نجس شدن آنها نمی شود.

[236] سؤال 109: چیزهایی که از شیء نجس متصاعد می شود، مانند بخار و دود، پاك است یا نجس؟

پاسخ: دود پاك است و همچنین بخار؛ لکن اگر بخار، دوباره تبدیل به مایع شود، احوط، اجتناب است.

[237] سؤال 110: اگر آب نجس، به بخار تبدیل شود و دوباره به صورت آب درآید، بخار مذکور و آب جدید، پاك است یا نجس؟ و اگر بخار به یخ تبدیل شود، مانند بخارات داخل یخچال، و بعد به آب تبدیل شود، حکم یخ و این آب چیست؟

پاسخ: بخار، پاك است؛ ولی اگر بعد، بخار تبدیل به یخ و یا آب شود، بنا بر احتیاط واجب از آن اجتناب شود.

[238] سؤال 111: اگر درخت یا زراعت را با آب متنجس آبیاری کنند، ثمره آن پاك است یا نجس؟

پاسخ: پاك است.

[239] سؤال 112: استفاده از حنای نجس برای رنگ کردن موی سر و ریش چگونه است و رنگ باقی مانده، پاك است یا نجس؟

پاسخ: استفاده از حنای نجس، برای رنگ کردن اشکال ندارد و خود مو و

رنگی که باقی مانده، با آب قابل تطهیر است.

[240] سؤال 113: دادن لباس به مغازه های لباسشویی، با توجه به این که بسیاری از افرادی که رعایت پاکی و نجاست را نمی کنند، لباس خود را به این مغازه ها می دهند، چه صورتی دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[241] سؤال 114: آیا رفت و آمد به منزل شخصی لأبالی که مقید به رعایت نجاست و پاکی نیست و هم غذا شدن با او و خوردن غذا از منزل او جایز است؟

پاسخ: اگر یقین نداشته باشید که در اثر ملاقات با نجاست، نجس شده است، پاك است و رفت و آمد نمودن و هم غذا شدن، مانعی ندارد و بهتر آن است که اگر رفت و آمد و معاشرت، موجب نهی از منکر نمی شود، رفت و آمد ترك شود.

[242] سؤال 115: آیا شخص مسلمان، طعام متنجس را می تواند به کافر بخوراند یا برای خوردن به او بفروشد؟

پاسخ: خوراندن طعام متنجس به کافر احتیاطاً جایز نیست؛ ولی فروش آن به کافر، ولو با علم به این که او آن را خواهد خورد، جایز است.

تخلی

[243] سؤال 116: اگر مدفوع سفت باشد و پس از تخلی اثری از نجاست در ظاهر مخرج غائط دیده نشود، تطهیر مخرج غائط، لازم است یا خیر؟

پاسخ: احتیاط، در تطهیر است.

[244] سؤال 117: مقدار انحراف سنگ توالت در منزلی، نسبت به قبله کم و حدود 25 تا 30 درجه است، آیا می توان از این توالت استفاده کرد یا خیر؟

ص: 62

پاسخ: اگر عرفاً صدق نکند که این شخص رو به قبله است، اشکال ندارد.

[245] سؤال 118: تخلی یا وضو گرفتن در مسجد یا مدرسه ای که نمی دانیم وقف نمازگزاران یا محصلین شده است یا نه، چه صورتی دارد؟

پاسخ: جایز نیست، مگر آن که اطمینان به عمومیت وقف و یا اذن متولی پیدا کنیم.

[246] سؤال 119: اگر به علتی، موقع تخلی مجبور شویم که رو یا پشت به قبله باشیم، آیا رو به قبله بنشینیم یا پشت به قبله؟

پاسخ: اگر مضطر به یکی از دو امر شوید، مخیر هستید، اگر چه احتیاط استحبابی، استدبار (پشت به قبله بودن) است.

[247] سؤال 120: آیا کسی که در بیابان است و نمی داند قبله در کدام طرف است، هنگام تخلی وظیفه ای دارد یا نه؟

پاسخ: اگر قبله، مردد بین چهار طرف باشد، تکلیف ساقط است.

پاك شدن چیزهای نجس

اشاره

[248] سؤال 121: اگر بچه ممیزی که آشنای به احکام است، چیز نجسی را آب بکشد، تطهیر دوباره لازم است یا همان تطهیر اول، کافی است؟

پاسخ: اگر اطمینان حاصل نشود که درست آب کشیده، کفایت نمی کند.

[249] سؤال 122: آیا با ریختن آب به صورت قطرات مداوم بر روی چیز نجس، می توان آن را پاك کرد؟

پاسخ: چنانچه قطرات، به صورت فشرده و پیوسته باشد، به طوری که آب، بر آن چیز نجس احاطه پیدا کند، ظاهراً پاك می شود.

[250] سؤال 123: اگر چیزی را که به بول نجس شده، يك بار بشویند، ولی شستن آن را طول دهند، به طوری که مقدار آب و زمان این يك بار شستن، از دو بار شستن به صورت عادی بیشتر شود، چیز نجس پاك می شود یا نه؟

پاسخ: زیاد بودن آب و طول دادن زمان شستن، ملاك نیست و در موارد لزوم، باید تعدد مراعات گردد.

[251] سؤال 124: چیز نجسی را که نمی دانیم توسط بول، نجس شده است یا غیر بول، آیا برای پاك شدن آن، يك بار شستن کافی است یا باید دو بار شسته شود؟

پاسخ: باید مراعات احتیاط را کند و حکم نجسی که نجاستش بیشتر است (بول) را رعایت نماید و آن چیز را دو بار بشوید.

[252] سؤال 125: آیا جیوه متنجس را می توان تطهیر کرد و اگر در ظرفی ریخته شود، آیا ظرف نجس می شود یا خیر؟

پاسخ: چون جیوه به حالت مایع است، اگر بتوان آن را به صورت جامد درآورد، ظاهر آن قابل تطهیر است، وگرنه قابل تطهیر نیست و اگر جیوه متنجس در ظرفی ریخته شود که رطوبت داشته باشد، ظرف، نجس می شود، و الا نجس نمی شود.

[253] سؤال 126: فرق استحاله، انقلاب و استهلاك که در بحث مطهرات به کار برده می شود، چیست و آیا از نظر حکم با هم تفاوت دارند؟

پاسخ: استحاله آن است که شیء، تبدیل به جنس دیگری گردد، مثل این که سگ در نمکزار به نمک تبدیل شود. انقلاب آن است که از نظر صفات و خاصیت تبدیل شود، مثل این که شراب به سرکه تبدیل شود. استهلاك آن است که اجزای يك شیء در شیء دیگری به نحوی متفرق شود و از بین برود که اصلاً معلوم نباشد، مثل خون در دهان که با آب دهان، مخلوط و معدوم شود. احکام هر يك تفاوت دارد و در رساله توضیح المسائل آمده است.

[254] سؤال 127: مقدار زیادی بادام را در آب کمتر از کُر خیس می کنیم تا آب به داخل آن نفوذ کند. سپس دست نجس ما با آب برخورد می کند و آب نجس می شود؛ ولی بلافاصله آب را خالی می کنیم. در این صورت فقط ظاهر بادام ها نجس است یا باطن آنها هم نجس شده است و چگونه پاك می شود؟

پاسخ: در فرض مذکور، باطن آن نجس نمی شود و فقط با شستن ظاهر، پاك است.

[255] سؤال 128: اگر در آبگوشتی که در حال جوشیدن است، قطره ای نجاست بیفتد، آیا بعد از پختن، می توان گوشت آن را تطهیر نمود و مورد استفاده قرار داد؟

پاسخ: در مفروض سؤال، می توان گوشت را تطهیر نمود، به شرط آن که آب پاك کُر، به مقداری که آب نجس نفوذ کرده، نفوذ کند.

[256] سؤال 129: آیا روغن متنجس، قابل تطهیر است؟ اگر قابل تطهیر است، طریقه آن را بیان فرمایید.

پاسخ: روغن نجس، قابل تطهیر نیست، مگر جامد باشد، و اگر جامد باشد، محلّ نجس شده را بردارند و بقیه پاك است.

[257] سؤال 130: چرا روغن نجسی که در آب کُر داغ، ریخته شده و تمام اجزای آن، از یکدیگر جدا شده و با آب کُر ملاقات می کند، با این کار پاك نمی شود؟

پاسخ: زیرا آب به عمق ذرات روغن نفوذ نمی کند، ولو ظاهر آن با آب ملاقات کند، و بر فرض آن که نفوذ پیدا کند، ظاهراً مطلق باقی نمی ماند و مضاف خواهد شد، و نیز روغن، در آب مستهلك نمی شود.

[258] سؤال 131: اگر داخل خربزه یا هندوانه یا موارد مانند آن، نجس شود، چگونه تطهیر می شود؟

پاسخ: اگر موضع نجس شده را در آب گُر یا جاری قرار دهند، به طوری که آب به صورت مطلق (نه مضاف) تا آن جا که نجاست نفوذ کرده، برسد، پاك می شود؛ ولی بهتر این است که محلّ نجس شده را جدا کنند و بقیه پاك است.

[259] سؤال 132: اگر شیره را با آب انگور مخلوط کنیم و بجوشانیم، شیره جدیدی که به دست می آید، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر آب انگور به واسطه پختن جوش بیاید، به نظر این جانب قبل از ذهاب ثلثین، پاك، ولی خوردن آن حرام است. بنا بر این در فرض سؤال، اگر ذهاب ثلثین بشود، پاك و خوردنش جایز است و اگر قبل از ذهاب ثلثین باشد، پاك، ولی خوردن آن حرام است.

[260] سؤال 133: آب انگوری که بر اثر غلظت و شیرینی زیاد، قبل از این که 23 آن کم شود، تبدیل به شیره می شود، آیا حلال است؟ در صورت حرام بودن، آیا راهی برای حلّیت آن وجود دارد؟

پاسخ: خوردن آن حرام است و برای حلال شدن (اگر کم شدن 23 موجب سوختگی شیره نشود) چنانچه مقداری آب اضافه کنند تا 23 آن کم شود، حلال می شود.

[261] سؤال 134: آیا شیر نجس با پنیر شدن، و آرد نجس با نان شدن، پاك می شوند؟

پاسخ: پاك نمی شوند.

[262] سؤال 135: آیا راهی برای تطهیر و استفاده از شیر نجس (ولو با تغییر دادن آن) وجود دارد؟

پاسخ: تطهیر شیر نجس ممکن نیست، مگر این که در آب گُر یا جاری مستهلک شود.

[263] سؤال 136: از طرف همسایه این جانب که کافر است و اهل کتاب نیست، مقداری

شیر گاو به من هدیه شده که یقین دارم با دست افرادی که نجس هستند، دوشیده شده است. آیا می توان شیر را تبدیل به پنیر کرد و با قرار دادن در آب کر و یا جاری، به طوری که به تمام اعماق آن نفوذ کند، آن را تطهیر نمود و مورد استفاده قرار داد؟

پاسخ: تطهیر پنیر مورد سؤال، چنانچه یقین به نجاست شیر دارید، مورد اشکال است.

[264] سؤال 137: اگر قالب یخ، نجس شود و قسمت نجس شده، به تدریج آب شده، از یخ جدا گردد، آیا در پاك شدن یخ کافی است یا این که آب کشیدن هم لازم دارد؟

پاسخ: در فرض سؤال، آب کشیدن لازم است.

[265] سؤال 138: یخی که ظاهر آن نجس شده است، آیا با آب قلیل، پاك می شود؟ اگر آب قلیل، گرم باشد و به هنگام ریختن روی یخ، مقداری از آن را آب کند، آیا یخ، پاك می شود؟

پاسخ: اگر ظاهر یخ نجس شود، با آب کشیدن با آب قلیل (ولو گرم باشد)، طبق شرایط تطهیر، پاك می شود.

پاك شدن بدن انسان

[266] سؤال 139: اگر دست را کاملاً خیس کنیم و بر چیز نجسی که فشردن لازم ندارد (مثل بدن خودمان)، بکشیم، به طوری که کمی آب هم جاری شود، چیز نجس پاك می شود؟

پاسخ: در مورد سؤال، تطهیر با آن خصوصیات که ذکر شده، مشکل است؛ بلکه باید آب بریزید که غسله آن به طور متعارف منفصل شود.

[267] سؤال 140: اگر قسمتی از بدن انسان نجس گردد و پس از داخل شدن در آب گُر، ازالهُ نجاست شود، آیا برای پاك شدن، بیرون آمدن از آب لازم است یا خیر؟

پاسخ: بیرون آمدن از آب لازم نیست.

[268] سؤال 141: اگر به واسطهٔ خونی شدن دهان، دندان مصنوعی نیز با خون تماس پیدا کند، آیا لازم است برای تطهیر نمودن، آن را از دهان خارج کرد؟

پاسخ: در فرضی که تطهیر لازم باشد، اگر نتوان آن را در دهان آب کشید، بیرون آوردن لازم است، وگرنه ضرورتی ندارد.

[269] سؤال 142: اگر داخل دهان به واسطهٔ خون دهان یا نجاست بیرونی نجس شود، آیا با خوردن آب کر یا جاری، پاك می شود؟

پاسخ: احتیاجی به آب کشیدن دهان نیست و اگر عین نجاست از بین رفته باشد، کافی است.

[270] سؤال 143: اگر موی سر و ریش، زیاد بلند باشد و نجس شود، آیا برای برطرف کردن نجاست آن، علاوه بر آب کشیدن، فشردن هم لازم دارد؟

پاسخ: فشردن، لازم ندارد.

[271] سؤال 144: گاهی موقع خونگیری از بیمار، خون با دست گیرندهٔ خون تماس پیدا می کند، آیا با پنبهٔ الکلی می توان محل را تطهیر کرد؟

پاسخ: اگر خون با دست، تماس پیدا کرده و آن را نجس نموده، باید دست را با آب تطهیر کرد و الکل، نجاست را برطرف نمی کند.

[272] سؤال 145: آیا می توان مخرج بول و غائط را با یخ یا برف تطهیر کرد؟

پاسخ: با یخ و برف نمی توان مخرج بول و یا غائط را تطهیر نمود. بلی، اگر یخ و برف بماند و به آب تبدیل شود، با آن می توان تطهیر کرد.

[273] سؤال 146: آیا برای پاك شدن مخرج بول، دست مالیدن هم لازم است یا خیر؟

پاسخ: اگر آب کافی به پوست برسد، دست مالیدن لازم نیست.

پاك شدن لباس، فرش و...

[274] سؤال 147: در مواردی که برای پاك کردن چیز نجس، لازم است آن را فشار دهند تا غساله آن خارج شود (مثل تطهیر فرش و تطهیر لباس با آب قلیل)، اگر به جای فشار دادن، آن را رها کنند تا خشك شود، آیا کافی است و باعث تطهیر می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر غساله، با آویزان کردن یا كج قرار دادن چیزی که شسته شده، خارج شود، كفايت می کند؛ ولی اگر خارج نشود، بلکه تبخیر شود و آن چیز خشك شود، كفايت نمی کند.

[275] سؤال 148: اگر ماشین لباسشویی، بعد از شستن لباس و تخلیه آب، معلوم نباشد که بر اثر فشار دادن یا چرخش سریع دستگاه، غساله لباس را خارج می کند یا خیر، آیا لباس نجس را پاك می کند؟

پاسخ: در مورد سؤال، اگر آب لوله كشي جاری که به وسیله ماشین لباسشویی به لباس می رسد و آن را می شوید، پس از زوال عین نجاست، در حال اتصال، به همه اجزای لباس برسد، کافی است و لباس پاك می شود و محتاج به فشار نیست.

[276] سؤال 149: لباس و فرشی که گرد و خاك نجس بر آن نشسته و هر دو خشك هستند، چگونه پاك می شود و آیا با این لباس، می توان نماز خواند؟

پاسخ: برای تطهیر، به هر صورتی که گرد و خاك نجس برطرف شود، کافی است و برطرف کردن، منحصر به شستن نیست. نماز با چنین لباسی که گرد و خاك نجس دارد، محل اشكال است؛ ولی نسبت به فرش، اگر سرایت نجاست به لباس و بدن نمازگزار در بین نباشد و بر مظهر پاك سجده نماید، اشكال ندارد.

پاك شدن ساختمان، زمین و خاك

[277] سؤال 150: آیا سقف نجس با باریدن باران و چکیدن قطرات باران از سقف پاك

می شود یا خیر؟ و قطراتی که از سقف می چکد، پاك است یا نجس؟

پاسخ: اگر در حال باریدن باران، قطرات از سقف بریزد، پاك است، به شرط آن که عین نجس در قطرات نباشد و در فرض سؤال، سقف نیز اگر عین نجاست در آن نباشد، پاك می شود.

[278] سؤال 151: اگر سگ از حوض کوچکی که آب آن کمتر از گُر است، آب بخورد، آیا برای پاك شدن حوض (مانند ظروف) احتیاج به خاك مالی هست یا خیر؟

پاسخ: حوض كوچك، حكم ظرف را ندارد و خاك مالی لازم نیست و اگر شیر باز شود و متصل به آب حوض گردد، پاك می شود.

[279] سؤال 152: آیا خاك یا گل نجس، با بارش باران پاك می شود یا نه؟ در صورت پاك نشدن، چگونه می توان آن را پاك کرد؟

پاسخ: اگر باران به صورت آب، به قسمت نجس خاك و گل برسد، نه این که فقط رطوبت باشد، پاك می شود.

[280] سؤال 153: آیا زمین سختی که امکان گود کردن ندارد و جایی هم برای خروج آب در آن موجود نیست، پس از آب کشیدن با آب قلیل و جمع کردن غسله آن، پاك می شود؟

پاسخ: بلی، پاك می شود.

وضو

افعال وضو

نیت و غایت در وضو

[281] سؤال 154: بعضی از روحانی ها می گویند که برای نیت در وضو و نماز، نه لازم

ص: 70

است نیت را به زبان بیاوریم و نه لازم است که آن را از ذهن و قلب خود بگذرانیم. لطفاً این مطلب را توضیح دهید و بگویید نیت کردن چه طور حاصل می شود؟

پاسخ: نیت، قصد انجام دادن فعل است؛ و نشانه آن این است که اگر سؤال شود: «چه کار می کنی؟»، مثلاً بگوید: «وضو می گیرم» و اگر به طوری غافل باشد که در وقت سؤال مذکور، متحیر بماند، در این صورت، نیت حاصل نشده است و وضو باطل است.

[282] سؤال 155: آیا همان طور که در غسل، چندین غسل واجب و مستحب را می توان با چندین نیت و در قالب يك غسل به جا آورد، در وضو هم می توان این کار را انجام داد یا خیر؟

پاسخ: يك وضو با چند غایت، کافی و صحیح است.

[283] سؤال 156: کسی که فقط برای با طهارت بودن، وضو گرفته است و هیچ چیز دیگری را در نظر نداشته، آیا می تواند با این وضو نماز بخواند؟

پاسخ: با آن وضو می تواند نماز بخواند.

[284] سؤال 157: آیا کسی که چند ساعت قبل از داخل شدن وقت نماز وضو می گیرد، به قصد این که پس از داخل شدن وقت، با آن وضو نماز بخواند، وضویش صحیح است یا خیر؟

پاسخ: صحیح است؛ چون وضو استحباب نفسی دارد و قصد خواندن نماز بعد، ضرری نمی رساند.

[285] سؤال 158: کسی که وضو را به امید این که مطلوب پروردگار و مستحب باشد به جا می آورد (مثل این که احتمال می دهد وضو گرفتن بعد از خروج مَدی، مستحب باشد و وضو می گیرد)، آیا با این وضوی احتمالی، نماز خواندن، صحیح است؟

پاسخ: وضویش صحیح است و می تواند با آن نماز بخواند.

[286] سؤال 159: آیا وضو گرفتن در موقعی که علاوه بر آب وضو، آب باران هم بر روی اعضای وضو می ریزد، صحیح است یا نه؟

پاسخ: اگر در حال وضو گرفتن، قصد کند که هم با آب معمولی و هم با آب باران که از آسمان به اعضای وضو می رسد، وضو بگیرد و این نیت تا آخر وضو باقی باشد و بعد از شستن دست چپ، نگذارد آب باران به کف دست ها برسد، وضویش صحیح است و اشکال ندارد. البته به هنگام مسح نمودن باید محل آن خشک باشد.

[287] سؤال 160: شستن سهوی از پایین به بالا در وضو، مخل وضو است یا نه؟

پاسخ: این طور شستن، باطل است و هر عضوی که این طور شسته شده باشد، باید دوباره از بالا به پایین شسته شود.

[288] سؤال 161: آیا می توانیم در وضو، موقع شستن دست، به جای آب ریختن و دست کشیدن، دستمان را زیر شیر آب بگیریم؟

پاسخ: اگر دست و یا صورت را به نیت وضو زیر شیر آب قرار دهید، به طوری که آب از بالا به پایین به همه جای آن برسد و جاری شود، اشکال ندارد و کشیدن دست برای جاری کردن آب لازم نیست.

[289] سؤال 162: آیا با ریختن آب بر وسط یا پایین صورت و دست ها، ولی کشیدن دست از قسمت بالا به پایین، وضوی صحیح محقق می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر ریختن آب به عنوان شستن دست یا صورت نباشد، بلکه مقدمه شستن باشد و شستن از بالا به پایین تحقق پیدا کند، وضو صحیح است، وگرنه صحیح نیست.

[290] سؤال 163: شستن بار سوم صورت یا دست ها به قصد وضو، باطل کننده وضو است

یا فقط معصیت است؟

پاسخ: اگر صورت و دست راست را به قصد وضو، برای مرتبه سوم بشوید، حرام است؛ ولی وضو باطل نیست و اگر دست چپ را برای مرتبه سوم به قصد وضو بشوید، هم حرام است و هم وضو باطل می شود؛ زیرا مسح، اشکال پیدا می کند.

[291] سؤال 164: اگر در وضو بعد از شستن دست ها تا نوك انگشتان، انگشتر را حرکت دهیم تا آب به زیر آن برسد، آیا شستن از بالا به پایین صدق می کند یا این که در وضو مشکل ایجاد می شود؟

پاسخ: نسبت به آن انگشتی که انگشتر دارد، پس از رساندن آب به زیر انگشتر، باید پایین تر از انگشتر را تا سر انگشت به قصد وضو بشوید.

[292] سؤال 165: اگر در وضو، دست انسان به حالتی شود که آب وضو به طرف آرنج دست برگردد، ایرادی به وضو وارد می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر تمام عضو با شرایط وضو شسته شود، بازگشت آب ضرری نمی رساند.

[293] سؤال 166: اگر در وضو، هنگام شستن صورت، اشک از چشم ها جاری شده و با آب وضو مخلوط شود، وضو چه حکمی دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[294] سؤال 167: اگر کسی در شستن دست و صورت به هنگام وضو، به طور مرتب دستش را پایین و بالا ببرد، ولی نیتش این گونه باشد که فقط وقتی دستش از بالا به پایین می آید، قصد شستن به عنوان وضو را داشته باشد، وضویش صحیح است یا خیر؟

پاسخ: اگر طوری می شوید که عرفاً صدق می کند که دستهایش را از آرنج به پایین می شوید، اشکال ندارد.

ص: 73

[295] سؤال 168: کسی که در وضو، هر مسح را عمداً بیش از يك بار انجام می دهد، وضویش چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر قصد تشریح کند، باطل است و اگر به قصد احتیاط مسح کند، برای تحقق احتیاط، باید مسح بعدی را پس از خشک کردن محلّ مسح و یا بر محلّ دیگری که خشک است، انجام دهد و اشکال ندارد؛ ولی باید از وسواس اجتناب کند.

[296] سؤال 169: زنی غیر ملتفت، در وضو سرش را دو بار و پاهایش را دو یا سه یا چهار بار مسح می کرده است. حکم نمازهایی که خوانده، چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، خواندن دوباره نمازهای گذشته، واجب نیست.

[297] سؤال 170: اگر بعد از شستن صورت و دست ها، کف دو دست را به هم بمالد، به طوری که رطوبت از هر يك به دیگری منتقل شود، آیا مسح اشکالی پیدا می کند؟

پاسخ: خالی از اشکال نیست.

[298] سؤال 171: اگر پس از شستن صورت و دست ها با این که رطوبت کافی در کف دست ها برای مسح کردن وجود دارد، باز هم کف دست ها را به صورت یا دست خود بکشد، به طوری که رطوبت جدید، وارد کف دست شود و بعد مسح کند، وضویش چه حکمی دارد؟

پاسخ: خالی از اشکال نیست.

[299] سؤال 172: اگر در وضو پس از شستن صورت و دست ها، مقداری از آب صورت به کف دست ها بریزد و یا مقداری آب از يك دست به کف دست دیگر ریخته شود، آیا مسح اشکالی پیدا می کند؟

پاسخ: چنانچه پس از ریخته شدن آب به کف دست، با قسمت دیگری از کف

دست که آب بر آن ریخته نشده، مسح کند، مطلقاً صحیح است و اشکالی ندارد؛ ولی اگر بخواهد با همان قسمتی از کف دست که آب بر آن ریخته شده، مسح کند، اگر مقدار آب ریخته شده به قدری کم باشد که به حساب نیاید و در آب کف دست مستهلک شود، مسح با آن بی اشکال است، وگرنه بنا بر احتیاط واجب مسح با آن صحیح نیست.

[300] سؤال 173: اگر قبل از مسح کردن در وضو، کف دست نجس شود، آیا می توان دست را آب کشید و خشک کرد و سپس با گرفتن رطوبت از اعضای دیگر، مسح را انجام داد یا بعد از رفع نجاست باید دوباره وضو گرفت؟

پاسخ: اگر کف دست همه اش نجس نشده و مقداری نجس و مقداری پاک است، چنانچه با قسمت پاک، مسح بکشد، جایز است و اگر همه اش نجس شده، باید تطهیر کند و مجدداً وضو بگیرد.

[301] سؤال 174: در مورد موهایی که در سر کاشته می شود، از لحاظ مسح چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر جزء بدن شده است، حکم موی طبیعی را دارد.

[302] سؤال 175: اشخاصی که موی سرشان بلند است، چگونه باید مسح بکشند؟

پاسخ: اگر به موی جلو سر که از حدّ سر خارج نشده است، مسح کنند، کافی است.

[303] سؤال 176: اگر کسی که موی سرش بلند نیست و می تواند بر موی جلو سر مسح نماید، مانند کسی که موهایش بلند است، بیخ مو یا پوست سر را مسح نماید، آیا مسح صحیح است؟

پاسخ: مسح بر بیخ مو و پوست سر، برای این فرد نیز جایز و صحیح است.

[304] سؤال 177: در مسح سر، وضو گیرنده چه مقدار باید دستش را پایین بکشد تا کافی

پاسخ: به مقداری که مسمای مسح، صدق کند.

[305] سؤال 178: آیا وضو گیرنده باید در مسح پا، از پایین به بالا مسح کند یا از بالا به پایین نیز کفایت می کند؟

پاسخ: هر دو صورت کفایت می کند؛ ولی بهتر است از پایین به بالا مسح کند.

[306] سؤال 179: بعضی از نمازگزاران هنگام وضو گرفتن، هر دو پا را با هم مسح می کنند، حکم وضو و نماز آنها چیست؟

پاسخ: به احتیاط واجب در مسح پاها باید ترتیب را رعایت نمایند، وگرنه وضویشان اشکال دارد.

[307] سؤال 180: اگر هنگام مسح سر، دست انسان با رطوبت صورت تماس پیدا کند، آیا می تواند با آن پای خود را مسح کند؟

پاسخ: با جایی از دست که رطوبت آن با رطوبت صورت مخلوط نشده است، می توان مسح نمود.

[308] سؤال 181: محلّ انتهایی در مسح پا، برآمدگی روی پاست یا تا محلّ اتصال روی پا با انتهای استخوان ساق پا (مفصل) را باید

مسح کرد؟ ابتدای محل مسح پا، نوک ناخن پاست یا نوک انگشت پا را هم باید داخل مسح کرد؟ و آیا مسح از نوک انگشت پا و با عرض بسیار باریک کافی است یا نه؟

پاسخ: محلّ انتهایی مسح پا، برآمدگی روی پا است و بهتر است تا مفصل را مسح کند و ابتدای محلّ مسح از نوک انگشتان شروع می شود

و باید ناخن بلندی را که مانع مسح نوک انگشت است، برطرف کند و احتیاط واجب آن است که به پهنای سه انگشت مسح نماید؛ بلکه بهتر است تمام روی پا را مسح کند.

[309] سؤال 182: اگر قبل از مسح پاها آب کف دست ها خشک شود، برای مسح پاها رطوبت را از صورت بگیرد یا دست ها؟ و اگر ریش نداشته باشد، گرفتن رطوبت از سبیل و ابرو کافی است یا خیر؟

پاسخ: بنا بر احتیاط باید از ابرو، مژگان یا ریشی که داخل در حدّ صورت است، رطوبت بگیرد و گرفتن رطوبت از سبیل نیز کافی است.

[310] سؤال 183: اگر در وضو هنگام مسح نمودن، رطوبت دست ها به علت گرما و غیر آن خشک شود، حکم مسح سر و پاها چه می شود؟

پاسخ: بنا بر احتیاط از ریش و ابرو و مژه ها که داخل در حدّ صورت هستند، رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.

[311] سؤال 184: اگر روی سر یا پاها به واسطه سوختگی، جراحی پلاستیک شده باشد، آیا در هنگام وضو باز هم مسح کردن، لازم است یا خیر؟

پاسخ: مسح نمودن، لازم است.

[312] سؤال 185: اگر کسی برای تقویت موهایش، روغن بادام به موهایش بمالد، آیا مسح کردن سر او در وضو اشکال پیدا می کند؟

پاسخ: اگر موی سر طوری چرب شود که مانع رسیدن آب به مو گردد، برای مسح باید آن را برطرف کند.

[313] سؤال 186: آیا در مواقع ضروری، مسح کردن از روی کفش یا جوراب یا مقنعه و روسری صحیح است؟ اگر امکان تیمّم هم باشد، در صورت صحّت این گونه وضو، کدام يك مقدّم است؟

پاسخ: در فرض سؤال، این گونه وضو، صحیح و بر تیمّم مقدّم است.

[314] سؤال 187: در وضو گرفتن، شستن صورت و مسح سر با دست چپ و همچنین مسح هر يك از پاها با دست مخالف آن، صحیح است یا نه؟

پاسخ: شستن صورت در وضو با هر يك از دو دست اشكالی ندارد و احتیاط لازم این است که سر و پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ، مسح نمایند.

شرایط وضوی صحیح

پاك بودن آب

[315] سؤال 188: آیا می توان با استفاده از ظروف كفّار یا افرادی که نسبت به نجاست و پاکی بی اعتنا هستند، غسل و وضو به جا آورد؟

پاسخ: اگر به نجاست ظروف كفّار و افراد بی اعتنا علم حاصل نشود، پاك است.

پاك بودن اعضای وضو

[316] سؤال 189: اعضای وضو که باید پاك باشند، آیا لازم است قبلاً پاك شوند و بعد از پاك شدن، وضو گرفته شود، یا قرار گرفتن آنها زیر آب وضو کفایت می کند؟

پاسخ: اگر آب وضو به نحوی باشد که محلّ نجس شده را تطهیر کند، کفایت می کند و شستن قبل از وضو لازم نیست.

[317] سؤال 190: اگر در بین وضو گرفتن، خون از بینی جاری شود، آیا وضو را باید از سر گرفت؟

پاسخ: وضو باطل نمی شود؛ ولی اگر خون به عضوی که هنوز شسته نشده، سرایت کند، باید آن عضو را تطهیر کرد.

[318] سؤال 191: کسی که لبش ترك خورده و از آن خون خارج شده، بعد از نماز شك می کند که آیا قبل از وضو گرفتن، لبش را آب کشید و وضو گرفت یا این کار را نکرد. الآن نسبت به وضو، نماز مذکور و آب کشیدن بدن، وظیفه ای دارد یا نه؟

پاسخ: وضو و نماز او صحیح است، مگر این که بداند در حین وضو التفاتی به

طهارت و نجاست بدن خویش نداشته و در هر حال باید موضع نجس را برای اعمال بعدی تطهیر کند.

نبودن مانع در اعضای وضو

[319] سؤال 192: اگر در بین وضو مانعی ببیند، آیا باید مانع را برطرف کند و وضو را از سر بگیرد یا این که می تواند مانع را برطرف کند و وضو را ادامه دهد؟ در حکم این مسأله، آیا بررسی یا عدم بررسی قبل از وضو دخیل است؟ و آیا غسل هم مانند وضو است؟

پاسخ: چنانچه موالات به هم نمی خورد، می تواند مانع را برطرف کند و وضو را ادامه دهد، و الا وضو را از سر بگیرد؛ ولی چون در غسل موالات شرط نیست، پس از برطرف کردن مانع، حتی اگر زمان زیادی فاصله شود، بقیه غسل را انجام دهد و بررسی کردن و نکردن قبل از وضو یا غسل اثری در حکم این مسأله ندارد.

[320] سؤال 193: اگر بعد از وضو چیزی در اعضای وضو مشاهده کنیم که نمی دانیم مانع رسیدن آب به بدن می شود یا خیر و بدانیم که موقع وضو گرفتن موجود بوده، چه وظیفه ای داریم؟

پاسخ: اگر اطمینان به رسیدن آب به عضو وضو ندارید، وضو صحیح نیست.

[321] سؤال 194: شخصی که مشغول رنگ کردن منزل خود بوده، بعد از نماز متوجه وجود رنگی که مانع وضو است، می شود؛ ولی نمی داند که قبل از رنگ کاری وضو گرفته یا بعد از آن. در این صورت حکم وضو و نماز او چیست؟

پاسخ: بنا بر صحّت می گذارد، مگر علم پیدا کند که در وقت وضو التفتات نداشته که در این صورت باید وضو و نماز را اعاده کند.

[322] سؤال 195: اگر در جراحی پلاستیک از ماده ای استفاده شود که مانع از رسیدن آب به

پوست شود، چگونه باید غسل و وضو را به جا آورد؟

پاسخ: اگر آن مانع فرضی، ولو بعد از مدتی، عرفاً جزء بدن حساب شود، از آن زمان، حکم بدن را دارد، و الاً اگر برطرف کردن آن، بدون مشقّت غیر قابل تحمّل ممکن است، برطرف کند و اگر ممکن نیست، چنانچه در محلّ تیمّم نباشد، تیمّم کند و اگر در محلّ تیمّم باشد، علاوه بر تیمّم، وضو نیز بگیرد یا غسل کند.

[323] سؤال 196: کسی که شغلش طوری است که همیشه رنگ و چسب به اعضای وضوی او می چسبد و جدا کردن آنها برای هر نماز امکان ندارد، چه طور وضو بگیرد یا غسل کند؟

پاسخ: تا ممکن است با يك وضوی کامل، چند نماز بخواند، مثلاً نماز ظهر و عصر را نزدیک آخر وقت بخواند که بتواند با وضوی آنها نماز مغرب و عشا را نیز بخواند و اگر ممکن نیست، چنانچه مانع در اعضای تیمّم نباشد، باید تیمّم کند و اگر در اعضای تیمّم باشد، باید بین تیمّم و وضو جمع نماید.

[324] سؤال 197: اگر صورت و موی سر انسان به نحوی از خود، چربی تراوش می کند که آب روی آن می غلظد، آیا وضو با این چربی که مانع از رسیدن آب به پوست و مو می شود، ولی چربی خارجی نیست و مربوط به خود بدن است، صحیح است یا خیر؟

پاسخ: اگر حالت و سواسی ندارد و واقعاً چربی، مانع رسیدن آب است، باید آن را برطرف کند تا آب به پوست صورت و موی سر برسد.

[325] سؤال 198: کسی که ریش دراز دارد و در آن به اندازه کوچکی مانع رسیدن آب، مانند رنگ وجود دارد، حکم وضویش چیست؟

پاسخ: اگر ریش، بیش از حدّ معمول و متعارف باشد، چنانچه رنگ، در قسمت اضافی باشد، شستن آن قسمت لازم نیست و همچنین اگر رنگ، در حدّ معمول ریش واقع شود، ولی در ظاهر ریش نباشد و پوست صورت هم از لای مو پیدا

نباشد، باز هم برطرف کردن رنگ و شستن آن قسمت لازم نیست؛ ولی اگر در حدّ معمول و در ظاهر ریش باشد، باید برطرف و آن قسمت شسته شود.

[326] سؤال 199: آیا جوهر خودکار، مانع از وضو محسوب می شود و باید برطرف شود؟

پاسخ: اگر جرم داشته باشد، باید برطرف شود و مجرد رنگ بدون جرم، مانع نیست.

[327] سؤال 200: روغن بادام و انواع روغن های دیگر که استعمال آنها مستحب است، آیا مانع وضو یا غسل نیستند؟

پاسخ: تشخیص این که چه چیز مانع است، با خود مکلف است.

[328] سؤال 201: اگر کسی بخواهد وضو بگیرد و روی ناخن دستش مقداری خمیر باشد، آیا برای وضو مزاحمتی ایجاد می کند یا خیر؟

پاسخ: سؤال از موضوع است نه حکم شرعی. اگر خمیر، مانع از رسیدن آب به بدن و جریان آن باشد، اشکال دارد، وگرنه اشکالی ندارد و تشخیص موضوع، با خود مکلف است.

غصبی نبودن مکان و آب وضو

[329] سؤال 202: کسی که چاره ای جز گرفتن وضو در مکان غصبی ندارد، مثل این که او را در جای غصبی زندانی کرده اند، آیا در این وضعیت باید وضو بگیرد یا تیمّم کند؟

پاسخ: تیمّم و وضو برای این شخص، مانند سایر حرکات و سکنات اوست.

پس اگر امر، به حدّ ضرورت نرسد، نمی تواند وضو بگیرد یا تیمّم کند و اگر به حدّ ضرورت برسد، بعید نیست که وضو و تیمّم او صحیح باشد.

[330] سؤال 203: اگر کسی با آبی که از دولت اسلامی غصب کرده، وضو بگیرد، نمازش صحیح است یا باطل؟

پاسخ: اظهر این است که وضو و نمازش باطل است.

[331] سؤال 204: فردی مدتی در يك جا وضو گرفته و نماز خوانده است و بعداً متوجه شده که آن جا غصبی بوده است، وضو و نمازهای قبلی او صحیح است یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، صحیح است.

[332] سؤال 205: منزل مسکونی ما در يك شهرک تازه تأسیس واقع شده است و ما به علت کمبود مالی، قادر به خرید امتیاز آب نشده ایم. آیا خوردن، آشامیدن، وضو، غسل و... اشکال شرعی ندارند؟

اشکال شرعی ندارند؟

پاسخ: لازم است به مقررات دولتی عمل شود.

[333] سؤال 206: ما در مجتمع 192 واحدی یکی از شهرها زندگی می کنیم که هزینه خدمات آن به صورت مشاع است، از قبیل آب مصرفی آپارتمان ها، برق حیاط، موتورخانه، راه پله ها، گازوئیل، نگهبان، نظافتچی و غیره. خواهشمند است نظر حضرت عالی را در مورد کسی که در این مجتمع زندگی می کند و هزینه خدمات فوق را پرداخت نمی نماید، از لحاظ وضو و غسل و نماز بیان فرمایید.

پاسخ: باید آنهایی که در این گونه مجتمع ها زندگی می کنند، مطیع مقررات باشند، و الا عملشان اشکال دارد.

ضرر نداشتن وضو

[334] سؤال 207: اگر وضو گرفتن به صورت معمولی و متعارف برای ما ضرر داشته باشد، ولی وضو گرفتن به صورت غیر معمولی و با آبی بسیار کم برای ما بی ضرر باشد، در این حالت آیا موظف به انجام دادن وضو هستیم یا تیمم؟

پاسخ: اگر وضو گرفتن با کمترین مقداری که برای شستن کافی است، ضرر نداشته باشد، وظیفه شما وضو گرفتن است و اگر آن اندازه هم ضرر دارد، موظف به تیمم هستید.

[335] سؤال 208: شخصی معتقد است آب برای او ضرر دارد؛ ولی باز هم به جای تیمم

کردن وضو یا غسل به جا می آورد و بعد از انجام دادن آن متوجه می شود که اشتباه می کرده و آب ضرری برای او نداشته است. آیا وضو یا غسل مجدد لازم است یا همان را که انجام داده، کافی است؟

پاسخ: اگر توانسته باشد قصد قربت کند، صحیح است.

[336] سؤال 209: اگر کسی احتمال بسیار کمی بدهد که آب برایش ضرر داشته باشد یا اصلاً این احتمال را هم ندهد و وضو بگیرد و بعد از آن بفهمد که آب، ضرر زیادی برای او داشته است، آیا وضویش درست است یا نه؟

پاسخ: اگر ضرر به اندازه ای زیاد بوده که در واقع، حرام و مبعوض شارع بوده، در این صورت احتیاطاً باطل است، و الاً صحیح است.

وضو جیره ای و وضو بیماران

[337] سؤال 210: آیا تفاوتی بین وضوی جیره ای کسی که با اختیار خودش بر بدنش جراحت وارد کرده، با کسی که بدون اختیار بر او جراحت وارد شده، وجود دارد؟

پاسخ: میان این دو صورت، تفاوتی نیست.

[338] سؤال 211: کسی که يك دستش شکسته و تمام دست او را از بالای آرنج گچ گرفته اند و فقط مقداری از انگشتان او بیرون از گچ است، وظیفه اش وضوی جیره ای است یا تیمم؟

پاسخ: وظیفه اش وضوی جیره ای است.

[339] سؤال 212: کسی که دستش از مچ تا نوک انگشتان به جهت جراحت یا سوختگی به طور کامل پانسمان شده است، برای مسح نمودن یا تیمم کردن چه باید بکند؟

پاسخ: اگر وضوی جیره گرفته، مسح را با همان رطوبت پانسمان که از وضوی جیره است، انجام دهد و اگر وظیفه اش تیمم است، با همان دست پانسمان شده، اعمال تیمم را انجام دهد.

[340] سؤال 213: بیماری که به دست او «آنژیوکت» (لوله ای پلاستیکی که از يك طرف به شیلنگ سرم وصل می شود و از طرف دیگر در داخل رگ قرار داده شده، به وسیله چسب به بدن چسبانده می شود) بسته شده است، چگونه غسل و وضو و تیمم را انجام دهد؟ با توجه به این که در اغلب موارد، داخل این لوله پلاستیکی و در قسمت خارجی آن خون جمع می شود، وجود خون، مشکلی برای نماز ایجاد می کند یا نه؟

پاسخ: اگر برطرف کردن موانع وضو، غسل و تیمم یا تطهیر مواضع آنها سخت و حرجی است و یا ضرر دارد، غسل و وضو و تیمم را به صورت جبیره ای انجام دهد و به همان صورت نماز بخواند.

[341] سؤال 214: بیمارانی که زخم باز (مثل زخم های شکمی) دارند و ترشحات مرتباً از زخم ها خارج می شود، در مورد طهارات ثلاث (وضو، غسل و تیمم) و نماز چه تکلیفی دارند؟

پاسخ: اگر ترشحات دائمی، همراه با نجاست باشد، چنانچه وظیفه غسل است، غسل جبیره ای انجام دهد و اگر وظیفه وضو است و زخم در موضع وضو است، وضوی جبیره ای انجام دهد و اگر این هم ممکن نیست و یا به جهت دیگر، وظیفه تیمم است، تیمم کند، ولو این که به نحو جبیره ای باشد؛ و سپس نماز بخواند.

[342] سؤال 215: کسی که گمان می کرده آب برای عضو مجروح او ضرر دارد و به همین جهت وضوی جبیره ای گرفته است و بعداً متوجه شده که آب ضرری برای آن عضو نداشته، آیا وضویش صحیح است؟

پاسخ: بنا بر احتیاط باید دوباره وضو بگیرد.

[343] سؤال 216: بیماری که مبتلا به خونریزی در زیر پوست است و گاهی به علل گوناگون خون از زیر پوست، بر روی پوست جاری می شود، تکلیف طهارت و نماز او در حال جاری شدن خون چیست؟

پاسخ: اگر قبل از خروج خون، وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده، خروج خون، آنها را باطل نمی کند؛ ولی برای خواندن نماز، اگر مجموع سطحی که به واسطه خارج شدن خون، نجس شده، کمتر از درهم باشد، نماز خواندن با آن اشکال ندارد و اگر بیشتر باشد، چنانچه تطهیر موضع نجس برای او مشقت نداشته باشد، باید آن جا را تطهیر کند و نماز بخواند، وگرنه تطهیر آن لازم نیست و اگر بعد از خروج خون، بخواهد وضو یا غسل یا تیمم را انجام دهد، چنانچه امکان دارد، باید صبر کند تا خون قطع شود و بعد موضع نجس را تطهیر کند و طهارت بگیرد، وگرنه باید به دستوری که در رساله گفته شده، غسل یا وضو یا تیمم جبیره ای نماید.

[344] سؤال 217: وجود زخمی که آب برای آن ضرر ندارد، ولی خون آن هم بند نمی آید و در اعضای وضو واقع شده و در صورت گرفتن وضو به طور معمول باعث نجاست اعضای وضو می شود، آیا باعث وجوب تیمم می شود یا راهی برای وضوی صحیح وجود دارد؟

پاسخ: می تواند محلّ زخم را در آب کرفرو برد و یا زیر شیر آب بگیرد و دست بکشد تا خون تمام شود و بلافاصله با نیت وضو، آب را بر آن محل جاری کند و بعد محل را خشک کند تا نجاست سرایت نکند و اگر این طور هم ممکن نیست، وضوی جبیره ای بگیرد.

[345] سؤال 218: مریضی است که اگر دیگران به او کمک کنند و به حالت نشسته او را نگه دارند، در آن حالت خودش می تواند وضو بگیرد، وگرنه قادر به گرفتن وضو نیست. وظیفه چنین مریضی وضو است یا تیمم؟

پاسخ: باید کمک بگیرد و در حال نشسته، خودش وضو را انجام دهد و اگر با کمک گرفتن هم نمی تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد تا او را وضو دهد، و الا تیمم کند.

[346] سؤال 219: برای بیماران قلبی که در حال استراحت مطلق هستند (چه توان حرکت دست را داشته یا نداشته باشند)، نحوه گرفتن وضو و خواندن نماز و روزه قبله بودن در نماز به چه صورت است؟

پاسخ: اگر توان وضو گرفتن (ولو با کمک دیگری) را دارند، وضو بگیرند و اگر توان وضو گرفتن (ولو به کمک دیگری) را ندارند، تیمم نمایند. نسبت به نماز، هر مقدار که قادر هستند و خطر ندارد (ولو با رکوع و سجود اشاره ای)، نماز بخوانند و مراعات قبله چنانچه خطر نداشته باشد، لازم است و به طور کلی اصل نماز ساقط نیست و هر کدام از شرایط و اجزای آن، خطر داشته باشد، لازم نیست رعایت شود.

[347] سؤال 220: شخصی است که به علت مشکل مفاصل کمر، نمی تواند مسح پاها را انجام دهد. البته با سختی و درد زیاد، می تواند بنشیند و با دست چپ، پای راست و با دست راست، پای چپ را مسح نماید و در این صورت هم ممکن است موالات به هم بخورد. تکلیف این فرد چیست؟

پاسخ: این شخص معذور است و چنانچه مسح پا برایش میسر نیست، نایب بگیرد که دست معذور را بر پایش مسح دهد و اگر این هم میسر نباشد، نایب با رطوبت دست معذور، مسح را انجام دهد. البته خود معذور باید قصد مسح داشته باشد.

[348] سؤال 221: بیماری که يك یا هر دو دست خود را به دلایل پزشکی و یا عدم توانایی، نمی تواند حرکت دهد و یا برای او مشکل است، وظیفه غسل و وضو و تیمم را چگونه انجام دهد؟

پاسخ: باید از دیگری کمک بگیرد تا دست او را حرکت دهد و اگر این هم امکان ندارد، نایب با دست خود، او را وضو و غسل و تیمم دهد.

[349] سؤال 222: اشخاصی که دست یا پای خود را از دست داده اند، برای نماز چگونه وضو بگیرند؟

پاسخ: هر کدام از اعضای وضو که باقی است، باید شسته و یا مسح شود.

[350] سؤال 223: بیماری که قطع عضو شده، در چهار فرض زیر، حکم غسل و وضوی او چیست؟

الف. قطع شدن هر دو دست و هر دو پا؛

ب. قطع شدن دو دست یا دو پا؛

ج. قطع شدن يك دست و يك پا؛

د. قطع شدن يك دست یا يك پا.

پاسخ: در تمام صورت های ذکر شده، به هنگام غسل کردن، باقی مانده اعضای بدن را غسل دهد و موقع وضو گرفتن، باقی مانده اعضای وضو را بشوید و مسح نماید و افعال مذکور را در صورت عدم توانایی، به کمک دیگران انجام دهد.

[351] سؤال 224: زن یا مرد مسلمانی نه دست دارد و نه پا، یا دست و پای او به کلی فلج است و قادر به حرکت نیست، یا يك دست و يك پا دارد. آیا بر چنین فردی وضو واجب است؟ و اگر واجب نیست، آیا می تواند بدون وضو نماز بخواند؟

پاسخ: در اعضایی که موجود است، وضو واجب است. مواضع شستن، شسته شود و بر مواضع مسح، مسح کشیده شود، اگر چه با کمک دیگران باشد.

[352] سؤال 225: فردی که دو دست او از بالای آرنج قطع شده است، می تواند به این صورت وضو بگیرد که اول صورت خود را در آب فروبرد و به طور ارتماسی وضو دهد و بعد صورت خود را بر چیزی که آماده کرده است، بمالد تا رطوبت صورت به آن منتقل شود و بعد با کشیدن سر و پا بر آن چیز، مسح را انجام دهد. آیا این فرد باید برای وضو

گرفتن نایب بگیرد یا به همین صورتی که گفته شد، وضو را به جا آورد؟

پاسخ: صورتش را در آب فرو برد، به نحوی که شستن از بالا به پایین تحقق پیدا کند و برای مسح ها نایب بگیرد.

چیزهایی که وضو را باطل می کند

[353] سؤال 226: اگر بعد از بول کردن، وضو بگیرد و سپس رطوبت مشکوکی از او خارج شود و شك کند که بعد از بول، استبراء نموده است یا نه، حکم آن چیست؟

پاسخ: رطوبت مشکوک، محکوم به نجاست (بول) است و وضویش نیز باطل می شود.

[354] سؤال 227: بدن شخصی نجس است و آبی دارد که فقط برای آب کشیدن بدنش کافی است؛ ولی او به جای آب کشیدن بدن، وضو می گیرد و با بدن نجس نماز می خواند، حکم وضو و نماز او چیست؟

پاسخ: بنا بر احتیاط وضو و نماز چنین شخصی باطل است، مگر این که چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است، وجود نداشته باشد که در آن وقت باید با آن آب، وضو بگیرد و نماز را با بدن نجس بخواند.

[355] سؤال 228: آیا هوایی که از بیرون بدن وارد مخرج غائط شده و دوباره خارج می شود، مبطل وضو است؟

پاسخ: اگر صدق نکند که از معده و یا از امعای داخلی خارج شده، مبطل وضو نیست.

استحباب وضو و مستحبات و مکروهات آن

[356] سؤال 229: آیا وضو گرفتن به خودی خود، عمل مستحبی است و ثواب دارد یا اگر برای انجام دادن کاری وضو بگیریم، آن وقت مستحب می شود و یا این که ثواب، اصلاً

مربوط به وضو نیست؛ بلکه مربوط به غایتی است که برایش وضو می گیریم؟

پاسخ: وضو خودش مستحب است و ثواب هم دارد.

[357] سؤال 230: وضوی تجدیدی تا چند بار مستحب است؟

پاسخ: وضوی تجدیدی تا چهار مرتبه، بلکه بالاتر و بیشتر هم مستحب است و اشکال ندارد، مگر به حدی برسد که لعب و بازی حساب شود.

[358] سؤال 231: آیا در وسعت وقت، وضو گرفتن به دو صورت ترتیبی و ارتماسی جایز است؟ کدامیک افضل از دیگری است؟

پاسخ: هر دو جایز است؛ ولی وضوی ترتیبی افضل است.

[359] سؤال 232: از طرفی گفته می شود که اسراف صحیح نیست و از طرف دیگر گفته شده که مستحب است وضو را پر آب و شاداب بگیریم. جمع این دو چگونه است؟

پاسخ: در اسراف و در اسباغ وضو، صدق عرفی میزان است و ملازمه ای با یکدیگر ندارند.

[360] سؤال 233: امروزه در بسیاری از خانه ها توالت و حمام در يك مکان مشترك ساخته می شود. آیا وضو گرفتن در آن کراهت دارد؟

پاسخ: در صورت امکان، بهتر است در جایی وضو بگیرید که آب وضو در توالت ریخته نشود.

شك در وضو

[361] سؤال 234: می دانیم که شخص كثير الشك نباید به شك خود اعتنا کند. آیا این مطلب فقط مربوط به نماز است یا در غسل و تیمم و وضو هم باید رعایت شود؟

پاسخ: حکم عدم اعتنای كثير الشك به شك خود، اختصاص به نماز ندارد؛ بلکه در وضو و غسل و تیمم هم جاری است.

[362] سؤال 235: اگر بعد از اتمام وضو شك كنيم كه بعضى از كارهاى وضو را صحيح انجام داده ايم يا نه، چه كنيم؟ اگر در بين وضو نسبت به كارهاى قبلى، اين شك پيش آمد، وظیفه ما چیست؟

پاسخ: اگر بعد از اتمام و فراغ از وضو شك كند، محكوم به صحت است و اگر در اثنای وضو شك كند، بايد برگردد و جزء مشكوك و اجزای بعد از آن را به جا آورد.

[363] سؤال 236: اگر هنگام مسح پا شك كنيم كه يكى از اعضاى وضو را شسته يا مسح سر را انجام داده ايم يا خير، چه بايد بكنيم؟

پاسخ: اگر در اثنای وضو، در شستن يا مسح كردن عضو قبلى شك كند، بايد به شكش اعتنا نمايد، مگر اين كه كثير الشك باشد و اگر بعد از فراغ از وضو شك كند، به آن اعتنا نكند.

ديگر احكام وضو

[364] سؤال 237: آيا در وضو و تیمم، خشك بودن اعضاى وضو و تیمم، قبل از انجام دادن آنها و خشك بودن چيزى كه بر آن تیمم می كنند، شرط است؟

پاسخ: خشك بودن اعضاى وضو و تیمم، قبل از انجام دادن آنها شرط صحت آنها نيست و خشك بودن آن چيزى كه بر آن تیمم می كند، لازم نيست؛ ولى نبايد گِل باشد.

[365] سؤال 238: اگر در حوضى كه مقدار آب آن كمتر از كر است، وضو يا غسل ارتماسى به جا آوريم، آيا می توانيم با همان آب، وضو و غسل هاى بعدى را هم انجام دهيم يا نه؟

پاسخ: اگر اعضاى وضو يا غسل را كه در آب فرو می برید، پاك باشد، اشكال ندارد كه با همان آب مستعمل در وضو و غسل، دوباره وضو بگيريد يا غسل

کنید.

[366] سؤال 239: آیا با آبی که برای گرفتن وضو یا غسل استعمال شده یا آب قلیلی که برای برطرف کردن نجاست به کار رفته است، می توان دوباره وضو یا غسل به جا آورد یا نجاستی را برطرف نمود؟

پاسخ: استفاده از آبی که برای گرفتن وضو و غسل استعمال شده، برای رفع حدث و خبث جایز است و آبی که برای استنجاء استفاده شده، احتیاطاً نجاست را دفع نمی کند و بنا بر اقوی وضو و غسل با آن نمی توان به جا آورد و آب قلیلی که برای رفع خبث (غیر از استنجاء) استفاده شده باشد، نجس است.

[367] سؤال 240: تکلیف شخصی که به دلایلی انجام دادن غسل و وضو و تیمم برای خودش یا نایبش غیر مقدور و یا مشکل باشد، چیست؟

پاسخ: اگر تحصیل طهارت، حرجی باشد و یا مقدور نباشد، احتیاطاً با همان وضع، نماز را بخواند و بعد از آن هر وقت توانست، نماز را با طهارت اعاده نماید.

[368] سؤال 241: اگر شك داریم مقدار آبی که در دسترس ماست، برای غسل یا وضو کافی است یا خیر، باید تیمم کنیم یا اقدام به غسل و وضو نماییم؟

پاسخ: باید برای وضو یا غسل اقدام نماییم.

[369] سؤال 242: گاهی مختصری از پوست اطراف ناخن ها از جای خود کنده می شود و در جای خود به طور متصل باقی می ماند. آیا وضو گرفتن در این حالت اشکال ندارد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[370] سؤال 243: کسی که وضو دارد و نمازش را هنوز نخوانده است و اگر وضویش را باطل کند، به جهت مانعی (مانند سرما و یا ترس از دزد و درنده) نمی تواند کفشهایش را درآورد و دوباره وضو بگیرد، آیا حق باطل کردن وضوی خود را قبل از خواندن نماز

پاسخ: احوط این است که اگر موجب عسر و حرج یا ضرر نباشد، وضو را باطل نکند.

[371] سؤال 244: به جهت تنگی وقت، باید تیمم کنیم؛ ولی اقدام به غسل و وضو می کنیم و نماز می خوانیم. غسل و وضو و نمازی که این طور برگزار شده است، صحیح است یا باطل؟

پاسخ: در فرض مذکور، به نظر این جانب وضو و یا غسل و نماز چنین شخصی باطل است.

[372] سؤال 245: اگر لازمه وضو گرفتن یا غسل کردن، انجام دادن کار حرامی باشد، کدام يك مقدم است (وضو و غسل را به جا آوردن یا ترك کار حرام و انجام دادن تیمم به جای وضو و غسل)؟

پاسخ: در فرض مذکور، باید تیمم بکند؛ ولی اگر با تأخیر انداختن زمان غسل و وضو و یا تغییر مکان غسل و وضو و امثال آن، امکان تحقق غسل و وضو بدون آن کار حرام باشد، آن وقت، غسل و وضو مقدم است.

[373] سؤال 246: آیا وضو گرفتن مرد، در مکانی که زن نامحرم دست و بازوی او را می بیند و وضو گرفتن زن، در جایی که مرد نامحرم اعضای وضوی او را می بیند، وضو را باطل می کند؟

پاسخ: وضو را باطل نمی کند؛ ولی لازم است که زمینه معصیت کردن دیگران را فراهم نکنند.

[374] سؤال 247: آبی که در اختیار مکلف قرار دارد، فقط برای وضو یا برای شستن بخشی از نجاست بدن یا لباس کافی است. در این جا وضو مقدم است یا رفع نجاست؟

پاسخ: تخییر، بعید نیست، اگر چه بهتر این است که آن آب را برای رفع

نجاست مصرف کند.

غسل

احکام کلی مربوط به غسل

غسل ترتیبی و ارتماسی

[375] سؤال 248: آیا می توانیم در بین غسل ترتیبی، آن را رها کنیم و به جای آن، غسل ارتماسی به جا آوریم؟

پاسخ: صحّت آن خالی از اشکال نیست.

[376] سؤال 249: اگر اول، سر و گردن و بعد طرف راست و بعد طرف چپ بدن را در آب فرو ببریم، غسل ما صحیح است یا نه؟

پاسخ: صحیح است و اشکال ندارد.

[377] سؤال 250: آیا در غسل ترتیبی می توان يك عضو یا قسمتی از يك عضو را با فرو بردن در آب شست؟

پاسخ: جایز است.

شرایط و موانع غسل

خصوصیات مکان و آب غسل

[378] سؤال 251: آیا غسل کردن در مکان غصبی و یا در مکانی که غیر غصبی است، ولی صاحبش راضی به غسل کردن در آن مکان

نیست، صحیح است؟

پاسخ: صحیح نیست.

[379] سؤال 252: غسل کردن در زمینی که با پول غیر مخمس خریداری شده، چه حکمی دارد؟ اگر حمامی را با پول خمس نداده

خریده یا ساخته باشند، حکم غسل در آن

پاسخ: غسل کردن در مکان های مذکور اشکال ندارد؛ ولی باید به زودی و بدون تأخیر، خمس پرداخت شود.

[380] سؤال 253: کسی در منزل پدرش که اهل خمس نیست، زندگی می کند. اگر در این منزل جنب شود، آیا غسل، نماز و روزه او صحیح است؟

پاسخ: اگر علم ندارد که عین آنچه را مورد استفاده قرار می دهد، متعلق خمس یا زکات است، اشکال ندارد.

[381] سؤال 254: کسی که مزد حمامی را از پولی که خمس و زکات آن را نداده، می پردازد و غسل به جا می آورد، آیا غسل او صحیح است؟ و چنانچه بعداً پول مخمس به جای پول قبلی بپردازد، تأثیری دارد یا خیر؟ و آیا می تواند به خط قرآن دست بزند؟ و نماز او چه حکمی دارد؟

پاسخ: ظاهراً غسلش صحیح است؛ ولی باید خمس و زکات را بپردازد و می تواند به خط قرآن دست بزند و نمازش از این جهت اشکال ندارد.

[382] سؤال 255: کسی که برای شنا بلیت تهیه می کند و به استخر می رود، آیا با آب استخر می تواند غسل کند؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[383] سؤال 256: گاهی در آب استخر آن قدر کلر می زنند که چشم ها را می سوزاند. آیا با این آب، غسل کردن صحیح است؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[384] سؤال 257: بعضی از آب ها آن قدر شور هستند که پس از شستشو، اثر نمک بر روی بدن دیده می شود. آیا طهارت (غسل و وضو) و تطهیر از نجاست، با این آب درست است؟

پاسخ: غسل کردن و وضو گرفتن با چنین آبی اشکال ندارد و همچنین تطهیر

نمودن، مگر این که به حدی برسد که به آن، آب گفته نشود و به عبارت دیگر آب مضاف باشد.

[385] سؤال 258: ظرف آبی داریم. از آن ظرف آب بر می داریم و غسل می کنیم و در هنگام این کار مقداری از آب غسل به داخل ظرف می ریزد. آیا غسل، اشکالی پیدا می کند یا خیر؟

پاسخ: غسل، اشکال پیدا نمی کند.

[386] سؤال 259: به دلایلی آب منزل مسکونی شخصی شبیه ناک است. به همین علت، ایشان علاوه بر غسل در منزل، در حمام عمومی نیز غسل می کند. آیا غسل دوم، رافع شبهه غسل اولی می شود و آیا با غسل دوم، بدون وضو می توان نماز خواند؟

پاسخ: در مفروض سؤال، غسل دوم احتیاطی است و بعد از آن، حدث قطعاً رفع می شود و شبهه ای باقی نمی ماند و اگر جنب شده باشد و پس از شروع به غسل اول تا بعد از غسل دوم حدثی از اوصاف نشده باشد، برای نماز، احتیاج به وضو نیست.

[387] سؤال 260: کسی که آب برای انجام دادن غسل و وضو ندارد و پول و وسیله ای هم برای تهیه آب نزدش موجود نیست، آیا لازم و واجب است که از همراهان خود (ولو با درخواست هدیه دادن آب به او) طلب آب نماید یا این کار، حکم دیگری مثل استحباب یا کراهت یا مباح بودن را دارد؟

پاسخ: اگر ذلت و خواری در طلب اهدای آب نباشد، لازم است آب را به دست آورد، و آلا لازم نیست؛ بلکه در بعضی از صور ذلت، خالی از اشکال نیست.

جاری شدن آب بر بدن

[388] سؤال 261: آیا بین غسل و وضو تفاوتی از جهت جاری شدن آب بر بدن وجود دارد؟

پاسخ: در بین غسل و وضو تفاوتی نیست و در هر دو باید آب بر بدن جاری شود و صدق عرفی جاری شدن کافی است.

[389] سؤال 262: اگر برای غسل کردن، پارچه ای را مرطوب کنیم و به بدن بکشیم، به طوری که رطوبت بسیار مختصری به بدن برسد و آب هم جاری نشود، غسل ما صحیح است یا باطل؟

پاسخ: اگر جاری نشود، صحیح نیست.

وجود مانع در اعضای غسل

[390] سؤال 263: اگر قبل از غسل و پس از بررسی کردن بدن، یقین یا اطمینان کند که مانعی در بدنش نیست، ولی بعد از غسل بفهمد که مانعی موجود بوده، حکمش چیست؟

پاسخ: اول مانع را بر طرف می کند و همان طور که در مسأله 373 توضیح المسائل ذکر شده، اگر مانع در طرف چپ باشد، شستن همان مقدار کافی است و اگر در طرف راست باشد، باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف چپ را بشوید و اگر در قسمت سر و گردن باشد، بعد از شستن آن مقدار، اول طرف راست و بعد طرف چپ را دوباره بشوید.

[391] سؤال 264: آیا استفاده از لنز (عدسی) که داخل چشم قرار داده می شود و قابل بیرون آوردن است، صدمه ای به غسل و وضو می زند؟

پاسخ: اگر در داخل چشم قرار داده شده، برای غسل و وضو اشکالی ندارد.

کمک گرفتن در غسل

[392] سؤال 265: آیا در غسل واجب، فرد دیگری می تواند کمک کند و آب لازم را بر بدن انسان بریزد یا این که لازم است این عمل توسط خود فرد صورت گیرد؟ و در فرضی که برای شخصی چنین امکانی وجود نداشته باشد، تکلیفش چیست؟

پاسخ: اگر آب توسط فرد دیگری ریخته شود و غسل کننده خودش اعضای

غسل را بشوید و آب را بر آنها جاری کند، بنا بر احتیاط واجب غسل او باطل است، مگر این که خودش توانایی این کار را نداشته باشد که در این صورت می تواند به مقدار لازم از فرد دیگری کمک بگیرد.

تأخیر غسل از وقت نماز

[393] سؤال 266: کسی می داند که به اندازه غسل کردن وقت ندارد و با این حال غسل می کند. حال بعد از غسل، چه وقت باقی مانده باشد یا نباشد، این غسل چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر علمش مطابق واقع بوده است و وقت برای غسل نبوده، غسلش باطل است، و الا اگر قصد قربت محقق شده باشد، غسلش صحیح است.

[394] سؤال 267: کسی به گمان این که وقت نماز داخل شده، به نیت نماز غسل کرده و بعد از غسل متوجه شده که هنوز وقت نماز نشده است. آیا می تواند با این غسل نماز بخواند؟

پاسخ: می تواند.

شك در غسل

[395] سؤال 268: کسی که به قصد غسل کردن به حمام می رود، ولی بعد از حمام کردن شك می کند که غسل را انجام داده یا نه، چه کار باید بکند؟

پاسخ: بنا بر غسل نکردن بگذارد و برای نماز و اعمال مشروط به طهارت، غسل کند.

موارد دیگر

[396] سؤال 269: می دانیم که در غسل ترتیبی، می توان بین شستن سر و گردن و شستن سمت راست و شستن سمت چپ فاصله انداخت. آیا این کار را در يك قسمت هم می توان انجام داد؟ مثلاً آیا می تواند نیمی از سر و گردن را بشوید و پس از مدتی نیمه

ص: 97

دیگر را بشوید و همین طور در طرف راست یا چپ بدن این کار را انجام دهد؟

پاسخ: می تواند؛ چون در غسل، موالات شرط نیست.

[397] سؤال 270: اگر در بین غسل جنابت یا غسل های واجب دیگر یا غسل های مستحبی حدث اصغر پیش بیاید، چه اثری بر این غسل ها دارد و آیا مقدار انجام شده از غسل را باطل می کند؟

پاسخ: غسل را باطل نمی کند؛ لکن غسل جنابتی که حدث اصغر در بین آن پیش آمده، کفایت از وضو نمی کند.

[398] سؤال 271: در جایی که هم غسل لازم است و هم وضو، مثل کسی که مسّ میّت نموده و می خواهد نماز بخواند، آیا ترتیبی بین غسل و وضو یا تیمّم بدل از آن دو لازم است رعایت شود یا خیر؟

پاسخ: مخیر است و هر کدام از غسل و وضو را جلوتر و یا عقب تر انجام دهد، کافی است؛ ولی بهتر این است که وضو را مقدم کند و همچنین مقدم کردن تیمّم بدل از وضو بر تیمّم بدل از غسل بهتر است.

غسل های واجب

جنابت

خروج منی از مرد

[399] سؤال 272: کسی که گاهی دیوانه می شود و یا بر اثر بیماری گاهی غش می کند، اگر در آن حال، بدون این که خودش بفهمد، منی از او خارج شود، آیا جنب محسوب می شود؟

پاسخ: اگر یقین کند منی از او بیرون آمده، جنب است و باید برای نماز و اعمالی که طهارت برای آنها شرط است، غسل کند.

[400] سؤال 273: کسی که بر اثر مریضی و بدون اختیار، منی از او خارج می شود و خروج منی از روی شهوت نبوده و با جستن و سست شدن بدن همراه نیست، وظیفه اش در امر

پاسخ: اگر یقین کند که منی است، وظیفه اش تطهیر محلّ آلوده شده به منی و غسل نمودن است و اگر نمی تواند غسل کند و عذر شرعی دارد، تیمّم کند و نماز بخواند.

[401] سؤال 274: مردی که به سبب بیماری به طور دائم از او منی خارج می شود، برای غسل و نماز چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: اگر یقین کند آنچه خارج می شود، منی است، باید تا می تواند برای نماز غسل کند و اگر حرجی باشد و با مداوا و راه های دیگر خوب نشود، به مقدار ممکن غسل کند و ادای نمازها را تا می تواند طوری قرار دهد که با غسل واقع شود و اگر غسل کردن ممکن نیست و یا حرجی است، با تیمّم بدل از غسل نماز بخواند.

[402] سؤال 275: اگر مردی در لباس خود منی مشاهده کند، ولی نداند که از خود اوست یا از دیگری، آیا باید غسل جنابت کند؟ و اگر بداند که منی از خود اوست، ولی نداند که منی سابق است که برای آن غسل کرده است یا منی جدید است که برایش غسل نکرده، چه باید بکند؟

پاسخ: در صورت اول، بر او غسل واجب نیست؛ ولی در صورتی که در لباس مختصّ به او منی پیدا شود، بنا بر احتیاط واجب باید غسل کند و در صورت دوم نیز غسل واجب نیست؛ ولی احتیاط مستحب این است که غسل کند.

[403] سؤال 276: بیماری ادرارش در داخل کیسه ادراری که متصل به خودش است، جمع می شود. اگر داخل کیسه ادرار، مایعی مشاهده کند و شك کند که منی است یا نه، تکلیفش چیست؟

پاسخ: اگر یقین نکند که منی است و از او بیرون آمده، غسل بر او واجب نیست، مگر در موردی که قبلاً منی از او بیرون آمده و استبراء به بول نکرده

باشد که در این صورت حکم منی را دارد.

[404] سؤال 277: اگر در آزمایش ادرار شخصی اسپرم مشاهده شود، آیا جنب محسوب می شود و تکلیف نمازها و روزه های او در مدتی که مطلع نبوده، چیست؟

پاسخ: صرف مشاهده اسپرم در ادرار، اگر موجب اطمینان بر خروج منی نباشد، باعث جنابت نیست.

[405] سؤال 278: کسی که بعد از خروج منی، استبراء به بول کرده و بعد غسل نموده و بعد از غسل، رطوبتی که مشکوک بین بول و منی است، از او خارج شده، این رطوبت را باید بول قرار دهد یا منی؟

پاسخ: محکوم به بول است.

[406] سؤال 279: فردی بعد از خارج شدن منی، بدون استبراء کردن غسل جنابت می کند و بعد از غسل جنابت، بول و استبراء می نماید و بعد از استبراء، آب مشکوکی مشاهده می کند که مردّد بین بول و منی است. حالا باید غسل کند یا وضوی تنها کافی است؟

پاسخ: اگر بعد از بول و استبراء کردن و قبل از خروج آب مشکوک وضو نگرفته باشد، وضو کافی است و غسل لازم نیست، اگر چه بهتر است غسل را هم انجام دهد.

[407] سؤال 280: شخصی که بعد از غسل جنابت، رطوبت مشکوکی را می بیند و شك دارد که قبل از غسل جنابت، استبراء کرده یا نه، چه حکمی دارد؟

پاسخ: بنا را بر استبراء نکردن بگذارد و غسل کند و احتیاط این است که وضو هم بگیرد.

[408] سؤال 281: اگر آبی از انسان در حال خواب خارج شود و انسان در حال خواب یا بعد از بیداری نفهمد که علانم سه گانه مربوط به منی را داراست یا خیر، تکلیفش چیست؟

پاسخ: اگر به واسطه بعضی علانم و سایر قرائن و خصوصیات، اطمینان پیدا

نکند که منی است، حکم منی ندارد، مگر این که بعد از جنابت باشد و استبراء به بول نکرده باشد.

خروج منی و استمناء در زنان

[409] سؤال 282: گفته شده: «آبی که از زن خارج شود و دارای علامات منی باشد، موجب غسل می گردد و نجس است». اکنون سؤال این است که آیا این غسل، کفایت از وضو می کند یا نه؟

پاسخ: اگر آبی که از زن خارج می شود، با شهوت همراه باشد و پس از آن بدن وی سست شود، بنابر احتیاط باید هم غسل کند و هم وضو بگیرد.

[410] سؤال 283: اگر زن بر اثر ملاعبه با همسر، بدنش کاملاً سست شود، آیا غسل جنابت بر او واجب می شود؟

پاسخ: اگر آبی که از زن خارج می شود، با شهوت همراه باشد و پس از آن بدن وی سست شود، بنابر احتیاط باید هم غسل کند و هم وضو بگیرد.

[411] سؤال 284: آیا ممکن است زنان و دختران (بدون عمل مقاربت) در خواب یا بیداری جنب شوند؟ در صورت امکان و وقوع این امر، چه وظیفه ای دارند؟

پاسخ: جنب شدن زن ها و دخترها (بدون مقاربت) ممکن است و در صورتی که به بیرون آمدن منی از خودشان یقین کنند، باید غسل جنابت کنند.

[412] سؤال 285: آیا امکان استمناء در زنان وجود دارد؟

پاسخ: استمناء برای زن امکان دارد و حرام است و اگر یقین کند منی خارج شده، باید غسل کند.

جنابت از حرام

[413] سؤال 286: آیا بعد از غسل جنابت از حرام، وضو هم لازم است یا غسل به تنهایی کافی است؟

پاسخ: وضو لازم نیست و غسل جنابت، کافی است.

[414] سؤال 287: اگر کسی از حرام جنب شود، با آب سرد باید غسل کند یا آب گرم؟

پاسخ: با هر آبی (سرد یا گرم) می تواند غسل کند و عرق جنب از حرام، نجس نیست و مانع غسل و نماز نمی شود.

[415] سؤال 288: آیا وطی کردن حیوان، بدون انزال، غسل جنابت دارد؟ و در این صورت، غسل جنابت کفایت از وضو می کند؟

پاسخ: در وطی کردن حیوان، بدون انزال، احتیاطاً باید بین غسل جنابت و وضو جمع نماید.

[416] سؤال 289: کسی که از راه استمناء جنب می شود، در چه شرایطی باید اعمال واجب خود، مانند نماز و روزه را انجام دهد؟

پاسخ: استمناء، حرام است و نباید انجام دهد و چنانچه از راه استمناء جنب شود، باید بعد از غسل جنابت، نماز و روزه خود را به جا آورد.

دیگر احکام جنابت

[417] سؤال 290: زنی که در حال جنابت است، اگر قبل از غسل کردن حیض شود، آیا می تواند در حال حیض، غسل جنابت را انجام

دهد و بعد از پاك شدن از حیض، فقط تیت غسل حیض را بنماید یا باید صبر کند و بعد از پاکی از حیض، تیت هر دو غسل را کند؟

پاسخ: اقوی این است که غسل جنابت زن حائض در حال حیض، صحیح است و اشکال ندارد؛ ولی می تواند صبر کند و پس از پاك شدن

از حیض، هر دو غسل را يك جا انجام دهد.

[418] سؤال 291: اگر کسی در مسجد بخوابد و محتلم شود، آیا برای غسل کردن باید از مسجد خارج شود یا در داخل مسجد هم می

تواند غسل کند؟

پاسخ: اگر وقت خروج از مسجد، کمتر از مکث برای تیمم است، باید زود بیرون بیاید و اگر مکث برای تیمم، مساوی و یا کمتر از وقت خروج از مسجد است، تیمم کند و سپس از مسجد خارج شود و اگر زمان غسل، مساوی با زمان تیمم و یا کمتر از آن است، غسل کند.

[419] سؤال 292: اگر دو نفر باشند که یکی جنب و دیگری بدون وضو است و آبی که موجود است، فقط برای یکی از آنها کافی است، کدام يك در استعمال آب، بر دیگری مقدم است؟

پاسخ: اگر یکی از آنها مالك آب باشد و یا این که مالك آب، فقط به یکی از آنها اجازه استفاده از آب را داده باشد، باید همان فرد آب را در وضو یا غسل مصرف کند، وگرنه فرد جنب، بنا بر احتیاط در مصرف آب برای غسل کردن مقدم است.

[420] سؤال 293: کسی غسل جنابت کرده و نمی داند که بعد از غسل، حدثی که وضو را باطل می کند از او سر زده یا خیر و احتیاطاً وضو می گیرد. تکلیف او چیست؟

پاسخ: در مفروض سؤال، وضوی احتیاطی اشکال ندارد، اگر چه لازم نیست.

[421] سؤال 294: بدن فردی بعد از غسل جنابت هنوز خیس است. اگر این شخص بول کند، آیا غسل وی باطل می شود؟

پاسخ: باطل نیست؛ ولی برای نماز باید وضو بگیرد.

[422] سؤال 295: اگر انسان بداند که در وقت نماز، امکان غسل کردن ندارد، آیا اجازه نزدیکی با همسر خود را دارد؟

پاسخ: مانعی ندارد.

[423] سؤال 296: کسی که در مهمانی، جنب می شود و از روی حیا و شرم به حمام این منزل نمی رود، آیا جایز است در قسمت دیگری از خانه، بدون این که صاحب خانه متوجه

شود، غسل کند و در صورت جایز نبودن، آیا تیمم کردن صحیح است؟

پاسخ: خجالت و شرم نمودن از صاحب خانه عذر شرعی نیست. باید در محلی که میزبان راضی است، غسل کند و نماز را در وقت بخواند و اگر تأخیر کرد و وقت تنگ شد، باید تیمم نماید و نماز را بخواند.

[424] سؤال 297: اگر شخص جنب وارد مسجد شود، آیا بیرون کردن او واجب است یا نه؟ و اگر شخص جنب، دیوانه یا بچه یا غیر ملتفت باشد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: بیرون کردن جنب از مسجد از باب نهی از منکر و یا جلوگیری از هتك مسجد و یا سرایت نجاست به مسجد واجب است.

حیض

اشاره

[425] سؤال 298: رحم زنی را طیّ يك عمل جراحی خارج نموده اند، خونی که از مجرای عادی خارج می شود، محکوم به چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، مسأله محلّ اشکال است.

[426] سؤال 299: زنی جهت جلوگیری از حاملگی از دستگاه DUI استفاده می کند، اگر خونریزی برایش پیش بیاید، تکلیفش چیست؟

پاسخ: اگر در ایّام عادت است و یا صفات حیض را دارد، باید به احکام حیض عمل نماید و اگر این طور نیست و خون دمل و جراحت هم نیست، محکوم به استحاضه است.

[427] سؤال 300: زنی که همیشه فاصله دیدن دو خون حیض برای او چهل روز است، صاحب عادت وقتیه است یا خیر؟

پاسخ: صاحب عادت وقتیه است.

[428] سؤال 301: با توجه به این که در آخر حیض، معمولاً لکه بینی و ترشحات وجود دارد، چه موقع حکم می شود که زن از حیض

پاك شده است؟

پاسخ: پاك شدن، منوط به این است که خون بند بیاید و هیچ لك و ترشّحی از خون نبیند و در داخل هم خون نباشد.

[429] سؤال 302: زنی که احتمال پاك شدن از حیض را می دهد، آیا می تواند غسل کند و نماز بخواند یا باید صبر کند تا یقین به پاکی پیدا نماید و بعد غسل کند؟

پاسخ: در مورد سؤال، باید خود را واریسی کند، به این نحو که پنبه ای در فرج وارد کند، اگر پاك بیرون آمد، غسل کند و نماز بخواند و اگر آلوده به خون بیرون آمد، باید صبر کند تا پاك شود و یا ده روز بگذرد. بلی، اگر به قصد رجا غسل کند و نماز بخواند و بعد معلوم شود که پاك بوده، غسل و نماز او صحیح است.

[430] سؤال 303: در بعضی از مسائل حیض و نفاس و استحاضه، برای به دست آوردن حکم شرعی، لازم می شود که چیزی مانند پنبه، داخل فرج شود تا مکلف از وضعیت خود اطلاع پیدا کند. امروزه شاید بسیاری از زنان به جهت جلوگیری از بیماری و ورود میکروب، حاضر به انجام این کار نباشند. در این صورت چگونه وظیفه خود را باید تشخیص دهند؟

پاسخ: انجام دادن این کار با پارچه و یا هر چیز تمیز و بهداشتی دیگر که می توانند وضعیت خود را با آن تشخیص دهند، اشکال ندارد.

[431] سؤال 304: زنی که در اواخر وقت نماز، از خون حیض پاك شده و نمی داند که آیا فرصت کافی برای تحصیل طهارت و خواندن نماز دارد یا نه، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: وظیفه اش این است که تیمّم کند و سپس نماز بخواند.

[432] سؤال 305: زنی که از خون حیض پاك شده و می خواهد نماز بخواند، ولی آب کافی برای غسل و وضو ندارد، بلکه آب، برای انجام دادن یکی کافی است، چه کند؟ اگر آب کافی دارد، ولی وقت انجام دادن هر دو را ندارد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در هر دو صورت، بنا بر احتیاط غسل مقدم است.

[433] سؤال 306: زنی جنب شده است و قبل از غسل جنابت، حیض می شود. اگر بعد از پاکی از خون حیض، تنها به نیت حیض یا تنها به نیت جنابت غسل کند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: چنانچه با نیت غسل جنابت و یا با نیت هر دو (جنابت و حیض) و یا با نیت رفع حدث موجود، غسل را انجام دهد، کافی است و اگر تنها حیض را نیت کند، بنا بر احتیاط کفایت از غسل جنابت نمی کند.

[434] سؤال 307: برای حلال شدن کارهایی که به سبب حیض بر زن حرام شده است، آیا تنها غسل حیض کافی است یا باید به همراه آن، وضو نیز گرفته شود؟

پاسخ: غسل حیض کافی است.

[435] سؤال 308: زنی که حیض نمی شود، نسبت به نماز و روزه و مقاربت با همسر و ورود به مسجد و مس خط قرآن، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: اگر خون حیض نمی بیند، وظیفه اش این است که وضو بگیرد و نماز بخواند و روزه بگیرد و نزدیکی با همسر و ورود به مسجد اشکال ندارد و اگر وضو داشته باشد، مس خط قرآن برایش جایز است.

[436] سؤال 309: شروع سنّ یائسگی، با سال قمری محسوب می شود یا با سال شمسی؟

پاسخ: با سال قمری محسوب می شود، نه با سال شمسی.

موارد حرام و مکروه بر جنب و حائض

[437] سؤال 310: آیا جنب یا حائض می تواند در حرم های ائمه معصومین علیهم السلام از يك در داخل و از در دیگر خارج شود و در حین عبور کردن زیارت نامه بخواند یا نه؟

پاسخ: احتیاط این است که مشاهد ائمه معصومین علیهم السلام در حرمت مکث نمودن، مانند مساجد است؛ اما عبور کردن و خواندن زیارت نامه (در حال عبور)، به شرط این که باعث مکث نمودن نشود، اشکال ندارد.

[438] سؤال 311: ورود و توقّف شخص جنب یا حائض در حرم امام زادگان چه صورتی دارد؟

پاسخ: ورود و یا توقّف شخص جنب یا حائض در حرم امام زادگان اشکال ندارد، مگر آن که افراد دیگر از موضوع مطلع باشند و احیاناً نسبت به بعضی از امام زادگان، هتک حرمت محسوب شود.

[439] سؤال 312: همراه بودن قرآن با شخص جنب یا حائض، مباح است یا مکروه؟

پاسخ: همراه بودن قرآن با جنب و حائض اشکال ندارد و مسّ خطّ قرآن، حرام و مسّ جلد قرآن و حواشی آن مکروه است.

[440] سؤال 313: این که گفته می شود: «خواندن بیش از هفت آیه از قرآن مجید برای حائض و جنب مکروه است»، آیا به این معناست که نخواندن آن بهتر از خواندن است یا مراد این است که ثواب قرائت او از غیر حائض و غیر جنب کمتر است؟

پاسخ: به این معناست که ثواب کمتر از ثواب خواندن قرآن در غیر حالت جنابت و حیض است، نه این که نخواندن، بهتر از خواندن است.

[441] سؤال 314: شخصی جنب شده و می خواهد بخوابد و برای رفع کراهت خوابیدن در حالت جنابت، نمی تواند وضو بگیرد. اگر بخواد تیممی برای رفع کراهت خوابیدن انجام دهد، باید بدل از غسل جنابت باشد یا بدل از وضوی رافع کراهت؟

پاسخ: تیمم باید بدل از غسل جنابت باشد، اگر چه می تواند بدون این که قصد بدلیت کند، تیمم را به قصد قربت مطلقه به جا آورد.

استحاضه

[442] سؤال 315: به چه خونی، خون استحاضه گفته می شود؟

پاسخ: خون استحاضه به طور اغلب، خونی زرد رنگ و سرد و رقیق است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید؛ ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم

ص: 107

و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون بیاید، و هر خونی که از قروح و جروح نیست و به حیض و نفاس بودن او حکم نشده، محکوم به استحاضه است، مگر رحم را خارج کرده باشند که در آن صورت جاری کردن حکم استحاضه بر آن، محلّ اشکال است.

[443] سؤال 316: اگر زنی بعد از پنجاه سالگی هنوز حامله می شود، خون هایی که به طور ماهانه و بیش از سه روز می بیند، خون حیض است یا استحاضه؟

پاسخ: خون هایی که بعد از تمام شدن پنجاه سال دیده می شود، حکم استحاضه را دارد، مگر این که آن زن، قرشیّه باشد که در این صورت باید بعد از پنجاه سال تا شصت سالگی احتیاط کند و بین تروک حیض و واجبات استحاضه را جمع نماید.

[444] سؤال 317: خونی که می دانیم خون حیض نیست و مشتبه بین خون استحاضه و خون دمل و زخم است، چه خونی محسوب می شود و چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر با سایر امارات، معلوم نشود که خون دمل و یا خون زخم است، بنا بر احتیاط محکوم به استحاضه است.

[445] سؤال 318: اگر زن مستحاضه ای که وظیفه اش غسل استحاضه است، جنب شود و فقط یت غسل جنابت کند، کفایت از غسل استحاضه می کند یا خیر؟

پاسخ: غسل جنابت، از همه اغسال کفایت می کند و احتیاج به غسل استحاضه نیست.

[446] سؤال 319: لکه بینی خانم ها، حکم حیض را دارد یا استحاضه؟

پاسخ: اگر کمتر از سه روز باشد، حیض نیست و اگر بیشتر از ده روز باشد و خون دمل و جراحت نباشد، محکوم به حکم استحاضه است و در غیر این دو صورت، مسأله دارای تفصیلاتی است که در توضیح المسائل ذکر شده است.

[447] سؤال 320: زنی که بعد از زایمان، مدتی طولانی خون می بیند، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: به مقدار ایام عادت در حیض را نفاس قرار دهد و بعد از آن محکوم به حکم استحاضه است، اگر چه احتیاط، جمع بین تروك نفساء و اعمال مستحاضه تا هجده روز است.

[448] سؤال 321: زن حامله ای که به علت تصادف با ماشین، چند روز از رحمش خون می آید و سپس بچه اش سقط می شود و بعد هم چندین روز خون می بیند، حکم این خون ها چیست؟

پاسخ: خون هایی که پس از سقط بچه می بیند، اگر از ده روز بیشتر نباشد، خون نفاس است و باید به احکام نفاس عمل کند و اما خون های پیش از ولادت، خواه ایام عادت باشد و یا نباشد و خواه متصل به خون نفاس باشد - چنانچه ظاهر سؤال است - و یا نباشد، در همه اینها اگر بدانند که خون قروح و جروح نیست، باید احتیاط کند؛ یعنی از محرّمات اجتناب نماید و واجبات را با انجام دادن اغسال انجام دهد.

[449] سؤال 322: اگر به واسطه جراحی یا سقط طبیعی، بخشی از جنین خارج شود و بخش دیگر، مثلاً بیست روز بعد خارج شود، خونی که در این بیست روز و پس از آن مشاهده می شود، چه خونی محسوب می شود؟

پاسخ: اگر به خونی که در این مدت (مثلاً بیست روز) دیده، عرفاً خون ولادت گفته شود و استمرار نیز داشته باشد، همه آن محکوم به نفاس است و خونی که بعد از خارج شدن تمام طفل دیده می شود، فقط تا ده روز خون نفاس محسوب می شود.

[450] سؤال 323: اگر بچه در شکم مادر بمیرد و بعد از مردن، از شکم خارج شود، آیا خونی که بعد از خروج جنین مرده دیده می شود، نفاس است؟

پاسخ: احکام نفاس بر آن جاری است.

[451] سؤال 324: در بسیاری از موارد به هنگام تولد، بچه را با عمل جراحی و پاره کردن شکم از غیر مجرای طبیعی به دنیا می آورند. آیا خونی که بعد از تولد او از مجرای طبیعی خارج می شود، حکم نفاس را دارد یا خیر؟

پاسخ: خونی که در وقت ولادت بچه - اگر چه به وسیله جراحی بیرون آورده شود - از مجرای طبیعی بیرون می آید، خون نفاس است؛ ولی خونی که به سبب جراحی از محل جراحی بیرون می آید، خون نفاس نیست.

[452] سؤال 325: آیا کارهایی که بر زن حائض حرام است، بر زنی که خون استحاضه یا نفاس هم دیده، حرام است یا خیر؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب کارهایی که بر زن حائض حرام است، بر نفساء نیز حرام است و زنی که در استحاضه متوسطه یا کثیره است، قبل از غسل واجب، نزدیکی شوهر با او بنا بر احتیاط جایز نیست و بنا بر احتیاط حتی اگر غسل و وظایف دیگر خود را انجام داده باشد، نمی تواند جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند.

[453] سؤال 326: در صورت شك بین خون نفاس و خون زخم، وظیفه زن چیست؟ و چنانچه لباسش آغشته به این خون شود، حکم خون نفاس را دارد یا زخم را؟

پاسخ: اگر پس از ولادت بچه و قبل از گذشتن ده روز باشد، محکوم به حکم نفاس است و اگر پس از ده روز از ولادت بچه باشد، نفاس نیست.

مسئله

[454] سؤال 327: اگر انسان چند میّت را لمس کند، يك غسل مسّ میّت بر او واجب می شود یا چند غسل؟

پاسخ: يك غسل برای مس های متعدد کافی است.

[455] سؤال 328: چنانچه دست پزشك با جنين مرده در داخل شكم مادر تماس پيدا كند، آيا غسل مسّ ميّت بر او واجب مي شود؟ و آيا زير چهار ماه يا بالای چهار ماهه بودن جنين مرده، تأثيری در حكم دارد يا خير؟

پاسخ: بنا بر اظهر، موجب غسل نمی شود.

[456] سؤال 329: اعضای داخلی بدن شخص زنده که با عمل جراحی جدا می شوند یا اعضای داخلی میّت که به سبب تشریح خارج می شوند، آیا سبب نجاست و وجوب غسل مسّ میّت به جهت تماس با آنها می شوند؟

پاسخ: عضو جدا شده از انسان زنده یا انسان مرده ای که غسل یا تیمّم داده نشده، نجس است و موجب نجاست نیز می شود؛ اما نسبت به غسل مسّ میّت، چنانچه از انسان زنده جدا شده و مشتمل بر استخوان باشد، سبب وجوب غسل می شود؛ ولی اگر گوشت بدون استخوان باشد، موجب غسل مسّ میّت نمی شود؛ اما اگر از میّت جدا شده، بنا بر احتیاط واجب، مطلقاً غسل لازم است.

[457] سؤال 330: گاهی عمل RPC (احیای قلبی - ریوی) در فردی که مرده، ولی امید به بازگشتش وجود دارد، یکی دو ساعت ادامه می یابد. با توجه به این که بدن بیمار در طول این مدت سرد می شود، آیا تماس با بدن مذکور، نیاز به غسل مسّ میّت دارد؟

پاسخ: در صورتی که زهاق روح شده و بدن فرد مذکور سرد شده باشد، غسل دارد.

[458] سؤال 331: در دو فرض زیر، مادری که در شكم خود جنين مرده ای دارد، جهت انجام فریضة نماز، آیا لازم است غسل مسّ میّت انجام دهد يا خير؟ در صورت لزوم، آیا برای هر نماز، غسل به جا آورد يا يك غسل تا خارج شدن جنين كافی است؟

الف. سنّ جنين زير چهار ماه باشد.

ب. سنّ جنين بالای چهار ماه باشد.

پاسخ: در هر دو فرض، بر مادر غسل مسّ میّت واجب نیست و مادامی که جنین مرده بیرون نیامده و مسّ مادر بر بدن او صدق نکند، چیزی بر مادر واجب نیست.

[459] سؤال 332: آیا مسّ بچّه سقط شده (چهار ماهه)، نیاز به غسل مسّ میّت دارد؟ آیا علاوه بر مسّ کننده، این غسل بر مادر نیز واجب است؟

پاسخ: اگر بچّه سقط شده، چهار ماه کامل داشته باشد، غسل مسّ میّت دارد و بنا بر احتیاط واجب مادرش نیز غسل مسّ میّت نماید.

[460] سؤال 333: آیا بچه ای که پس از مرگ مادر متولد می شود، نیاز به غسل مسّ میّت در هنگام بلوغ دارد؟

پاسخ: وقتی که بالغ شد، بنا بر احتیاط باید غسل مسّ میّت کند.

[461] سؤال 334: هنگام غسل میّت، يك نفر آب را از نهر بر می دارد و به دیگری می دهد و او آب را می ریزد و شخص سوم میّت را غسل می دهد. آیا به آن دو نفر دیگر نیز غسل مسّ میّت واجب است یا خیر؟

پاسخ: آن دو نفر دیگر اگر دستشان به میّت نخورده باشد، غسل مسّ میّت بر آنها واجب نیست و اگر دستشان به میّت خورده باشد، بر آنان نیز غسل مسّ میّت واجب می شود.

[462] سؤال 335: آیا غسل مسّ میّت بر کسی که جنازه شهید را لمس می کند، واجب است؟

پاسخ: غسل مسّ میّت واجب است. البته این حکم نسبت به مسّ بدن شهیدی که غسل دادن او واجب نیست، بنا بر احتیاط است.

[463] سؤال 336: اگر کسی بدون اختیار، بدنش با میّت تماس پیدا کند (مثلاً در حالت خواب یا بی هوشی)، آیا باید غسل مسّ میّت کند؟ اگر بدن بچه با میّت تماس پیدا کند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در وجوب غسل مسّ میّت، اختیار و بیداری و بلوغ و عقل شرط نیست و اگر بچه مس کند، اگر ممیّز باشد، غسلش صحیح است، و آلا پس از بلوغ و یا ممیّز شدن، غسل را انجام دهد.

[464] سؤال 337: از نظر حکم شرعی، چه فرقی است بین این که کسی میّت را با دست خشک لمس کند یا با دست مرطوب؟

پاسخ: در هر دو صورت مذکور و پیش از غسل دادن میّت، غسل مسّ میّت واجب می شود؛ ولی اگر رطوبتی از دست به بدن میّت یا از بدن میّت به دست منتقل شود، موجب سرایت نجاست به دست نیز می گردد.

[465] سؤال 338: اگر عضوی از بدن میّت غیر مسلمان به بدن مسلمان زنده وصل و منجر به حلول حیات شود، لمس محلّ مذکور چه حکمی دارد؟

پاسخ: در مفروض سؤال، پس از حلول حیات، حکم بدن مسلمان زنده را دارد.

[466] سؤال 339: آیا در صورت مسّ دندان مصنوعی و موی مرده، غسل مسّ میّت واجب می شود؟

پاسخ: برای مسّ دندان مصنوعی، غسل واجب نمی شود؛ اما در مسّ موی میّت، چنانچه مسّ میّت صدق کند، بعید نیست غسل واجب شود.

[467] سؤال 340: آیا غسل مسّ میّت بر کسی که اسکلت کامل يك انسان را لمس می کند، واجب است یا خیر؟

پاسخ: چنانچه قرینه ای مبنی بر این که پس از مرگ غسل داده شده، وجود نداشته باشد، احتیاط واجب آن است که پس از لمس آن، غسل مسّ میّت نماید.

[468] سؤال 341: آیا می توان از استخوان های کشف شده در قبور مسلمانان، برای یادگیری مسائل پزشکی استفاده کرد؟ و آیا لمس این استخوان ها غسل دارد؟

پاسخ: بعید نیست که قبور مسلمانان اماره باشد برای تحقیق مسلمان بودن صاحب استخوان و برای مسّ استخوان مفروض در سؤال، غسل واجب نباشد؛ ولی استخوان ها باید دفن شوند و استفاده از آنها برای یادگیری مسائل پزشکی جایز نیست، مگر این که راه یادگیری منحصر به استفاده از آنها باشد.

[469] سؤال 342: آیا تماس بدن انسان با چیزهایی مثل خون میّت، نه بدن او، باعث غسل مسّ میّت می شود یا نه؟

پاسخ: اگر صدق کند که میّت را مس کرده، باید غسل کند، وگرنه موجب غسل نمی شود.

[470] سؤال 343: اگر در بین غسل مسّ میّت حدثی پیش بیاید، آیا غسل باطل می شود؟

پاسخ: در فرض سؤال، غسل مسّ میّت باطل نمی شود.

[471] سؤال 344: کسی که مشغول غسل مسّ میّت است، اگر در بین غسل مسّ میّت جنب شود، آیا باید غسل را رها کند یا آن را ادامه دهد و بعداً غسل جنابت کند؟

پاسخ: می تواند اتمام کند و بعد غسل جنابت را انجام دهد و نیز می تواند غسل مسّ میّت را رها کند و يك غسل به تیّت غسل جنابت و یا رفع حدث موجود انجام دهد.

[472] سؤال 345: با واجب شدن غسل مسّ میّت، چه چیزی بر انسان حرام می شود؟ آیا داخل شدن و توقّف در مسجد و امثال آن که بر جنب و حائض حرام بود، جایز است یا نه؟

پاسخ: داخل شدن و توقّف در مساجد و امثال آن که بر جنب و حائض و نفساء حرام است، بر مس کننده میّت حرام نیست.

غسل های مستحبّی

[473] سؤال 346: اگر نتوانیم غسل های مستحبّی را که در شرع وارد شده است، انجام دهیم

یا انجام دادن آن، مقداری مشکل باشد، آیا می‌توانیم برای کسب ثوابِ غسل، به جای آن تیمم کنیم؟

پاسخ: بدل بودن تیمم از غسل های غیر رافع حدث، ثابت نیست.

[474] سؤال 347: آیا غسل جمعه، مجزی از وضو است یا خیر؟

پاسخ: غسل جمعه، بنا بر احتیاط واجب، مجزی از وضو نیست و لازم است به قصد احتیاط، وضو نیز گرفته شود.

[475] سؤال 348: اگر بدانیم که در روز جمعه نمی‌توانیم غسل جمعه را انجام دهیم، چه کنیم تا بتوانیم ثواب غسل جمعه را کسب کنیم؟

پاسخ: در فرض مذکور، روز پنجشنبه غسل جمعه را انجام بدهید. ان شاء الله ثواب آن را درک می‌کنید.

[476] سؤال 349: آیا غسل های مستحبی (مثل غسل جمعه) نیز مانند غسل های واجب، باطل می‌شوند یا نه؟ مثلاً اگر پس از انجام غسل جمعه، در همان روز جمعه، حدث اصغر یا اکبر پیش آمد، آیا لازم است برای درک ثواب غسل جمعه، دوباره آن را انجام داد؟

پاسخ: تدارک پس از وقوع حدث اکبر و یا حدث اصغر لازم نیست؛ بلکه با انجام دادن غسل، امثال امر الهی را کرده است.

[477] سؤال 350: شخصی که نمی‌داند جنب شده است، آیا اگر غسل مستحبی انجام دهد، کفایت از غسل جنابت می‌کند یا خیر؟

پاسخ: کفایت غسل مستحبی از اغسال دیگر که قصد آنها را (ولو اجمالاً) نکرده باشد، مشکل است.

[478] سؤال 351: کسی که جنب شده یا از حیض و نفاس پاک شده، ولی غسل نکرده، در صورتی که يك غسل مستحبی (مثل غسل جمعه) انجام دهد و به همراه آن، تبت غسل

واجب را نکند، آیا کفایت از غسل های واجب می کند یا نه؟

پاسخ: کفایت کردن غسل جمعه از سایر اغسال، مورد اشکال است.

تیمم

موارد متعین شدن تیمم

[479] سؤال 352: دو ظرف آب داریم که یکی از آنها نجس است؛ ولی نمی دانیم که کدام يك نجس است و آب دیگری هم نداریم. در این صورت باید وضو بگیریم یا تیمم کنیم؟

پاسخ: اگر یقین به نجاست یکی از آنها داشته باشید، باید تیمم کنید.

[480] سؤال 353: اگر عضوی از وضو را که سالم و نجس است، نتوان آب کشید، وظیفه ما در این حال، تیمم است یا وضوی جبیره ای؟

پاسخ: وظیفه، فقط تیمم است، نه وضوی جبیره ای.

[481] سؤال 354: کسی که چشمش را جراحی نموده و باید روی آن مدتی بسته باشد، چه طور غسل و وضو را انجام دهد؟

پاسخ: در مفروض سؤال، تیمم کفایت می کند.

[482] سؤال 355: بیمارانی هستند که مبتلا به بیماری پوستی اند و جهت انجام دادن آزمایش برای تشخیص بیماری، لازم دانسته شده که روی آن نواحی آب ریخته نشود. چنانچه از گذاردن پارچه بر روی آن نواحی نیز منع شده باشند، چگونه غسل یا وضو به جا آورند؟

پاسخ: در مفروض سؤال، باید با تیمم نماز بخوانند.

[483] سؤال 356: وقتی که شك داریم به اندازه وضو یا غسل وقت داریم یا نه، آیا اقدام به انجام دادن آنها کنیم یا تیمم نماییم؟

پاسخ: باید تیمم کنید.

[484] سؤال 357: در مواردی که به دلیل پوشانده شدن اعضای متعدد وضو به وسیله جیره و نجس بودن بعضی از زخم ها و شرایط خارجی دیگر از قبیل وصل بودن سرم و امثال آن، انجام دادن وضوی جیره دارای حرج نوعی یا شخصی و یا احتمال ضرر برای زخم است، تکلیف چیست و آیا تیمم کافی است؟

پاسخ: اگر مشتمل بر حرج شخصی و یا ضرر باشد، تیمم کافی است.

[485] سؤال 358: شخصی می داند که با انجام دادن وضو، مقدار کمی از نمازش در خارج وقت خوانده می شود، با این حال، تیمم مقدم می شود یا وضو؟

پاسخ: تقدّم تیمم بر وضو، در صورت درك يك ركعت از نماز در وقت با وضو، خالی از اشکال نیست؛ بلکه بعید نیست بین وضو و تیمم مخیر باشد؛ ولی احتیاط استحبابی این است که تیمم کند.

موارد صحت و عدم صحت تیمم

[486] سؤال 359: در مواردی که تیمم کردن صحیح است، آیا می توان برای انجام کارهای مستحبی (مثل خواندن نماز شب) نیز تیمم کرد یا این که تیمم، مخصوص انجام واجبات است؟

پاسخ: جواز تیمم در مورد مذکور، خالی از قوت نیست.

[487] سؤال 360: با توجه به این که غسل، استحباب نفسی دارد، اگر کسی در اوقاتی که معمولاً نمی تواند غسل کند (مثل اوقاتی که در محل کار خود مشغول است)، به جای آن تیمم کند، آیا این کار مستحب است و به آن ثوابی تعلق می گیرد؟

پاسخ: بدل بودن تیمم از اغسالی که رافع حدث نیستند، ثابت نیست.

[488] سؤال 361: آیا می توان به جای غسل های مستحبی تیمم کرد؟ و آیا تیمم کردن کسی که دوست دارد همیشه با طهارت باشد، ولی همیشه نمی تواند بعد از حدث اصغر وضو بگیرد، صحیح است یا خیر؟

پاسخ: بدل بودن تیمم از غسل های مستحبی، آن هم در جایی که عذر شرعی از غسل کردن وجود ندارد، معلوم نیست؛ بلکه عدم آن معلوم است و همچنین است بدل بودن تیمم از وضو در صورت نبودن عذر شرعی از وضو، مگر در چند مورد که این مورد از آنها نیست.

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

[489] سؤال 362: آیا تیمم بر موزائیک و سنگفرش صحیح است؟

پاسخ: تیمم بر موزائیک صحیح نیست و بر سنگ اشکال ندارد.

[490] سؤال 363: آیا می توان بر روی زمین مرطوب یا خاک مرطوبی که هنوز به گل تبدیل نشده است، تیمم کرد؟ اگر زمین خشک یا

خاک خشک در اختیار ما باشد، تیمم بر خاک مرطوب چه حکمی دارد؟

پاسخ: تیمم بر خاک و یا زمین مرطوب اشکالی ندارد، اگر چه احتیاط، تقدیم زمین خشک بر آن است.

[491] سؤال 364: آیا تیمم بر گل صحیح است؟ در صورت صحت، هنگام زدن دو دست بر روی گل، مقداری از آن به دست ها می

چسبد که اگر آن را به صورت بکشد، صورت نیز گلی می شود. لطفاً کمی در مورد تیمم با گل که کمتر در رساله های عملیه به آن اشاره شده است، توضیح دهید.

پاسخ: اگر زمین خشک، مثل خاک و امثال آن و همچنین گرد و غبار وجود نداشته باشد و گل را نیز نتوان خشک نمود، تیمم بر گل جایز

است، وگرنه نمی توان بر گل تیمم کرد و کیفیت آن این طور است که دست هایش را به گل بزند، بعد گل را برطرف نموده، بر پیشانی مسح کند و سپس دست ها را مسح نماید و اما برطرف کردن گل با شستن با آب، جایز نیست.

[492] سؤال 365: آیا تیمم کردن بر گلی که مقداری سفت شده، به طوری که اگر دست بر آن

بزینیم، چیزی از گِل به دست ما نمی چسبد، صحیح است یا خیر؟ و در صورت صحّت، آیا می توان با وجود زمین خشك بر این گِل تیمم کرد؟

پاسخ: اگر عرفاً به آن گِل گفته شود، با وجود خاك، سنگ، كلوخ، ریگ و گرد و غبار نمی توان بر آن تیمم کرد، وگرنه اشكال ندارد.

[493] سؤال 366: آیا می توانیم بر خاکی که در پاکی و نجاست آن شك داریم، تیمم کنیم یا نه؟ اگر دو خاك در اختیار داریم که نمی دانیم کدام يك نجس شده است، تیمم با آنها صحیح است یا خیر؟

پاسخ: در مورد اول، جایز است به همان خاکی که شك در نجاست و طهارت آن دارد، تیمم کند و در مورد دوم، حکم مسأله این است که به هر دو تیمم کند و احتیاط این است که پس از تیمم اول، خاك و غبار را از اعضای تیمم پاك کند و سپس تیمم دوم را انجام دهد و اعضا را باز از خاك و غبار پاك نماید و نماز بخواند.

[494] سؤال 367: فردی مدتی با غبار تیمم نموده، در صورتی که خاك، سنگ و... وجود داشته است. آیا اعمال او صحیح است؟

پاسخ: باید اعمالی را که یقین دارد با این گونه تیمم به جا آورده، قضا کند.

اموری که رعایتش در وقت تیمم لازم است

[495] سؤال 368: آیا در تیمم بدل از وضو، به مانند خود وضو، موالات و پشت سر هم انجام دادن کارها شرط است یا نه؟ در غسل که موالات در آن شرط نیست، موالات در تیمم بدل از آن چه حکمی دارد؟

پاسخ: موالات در تیمم لازم است، اگر چه بدل از غسل باشد.

[496] سؤال 369: اگر به هنگام مسح صورت و دست ها در تیمم، زمان کوتاهی دست خود را از محلّ مسح برداریم و دوباره بگذاریم و بقیه مسح را انجام دهیم، تیمم صحیح است

پاسخ: در صورت صدق عرفی موالات، تیمم صحیح است، اگرچه احتیاط، در اعاده کردن تیمم است.

[497] سؤال 370: در تیمم، آیا لازم است تمام عضو مسح کننده، بر تمام عضو مسح شونده کشیده شود یا مسح شدن تمام عضو مسح شونده کافی است؟ مثلاً وقتی با کف دست راست باید پشت دست چپ را مسح کنیم، آیا همین که تمام پشت دست چپ (ولو با قسمتی از کف دست راست) مسح شود، کافی است یا باید همه کف دست راست و انگشتان آن بر تمام پشت دست چپ کشیده شود؟

پاسخ: اگر عرفاً صدق کند که کف دست بر عضو تیمم کشیده شده است، کافی است و دقت عقلی لازم نیست.

[498] سؤال 371: موقع تیمم کردن، اگر چیزی که تیمم بر آن صحیح است (مثل سنگ)، کوچک باشد، به طوری که نتوان هر دو دست را با هم بر روی آن زد، آیا صحیح است که هر دست را به تنهایی بر آن زد و بعد تیمم کرد؟

پاسخ: تیمم به این صورت، حتی در حال اختیار نیز جایز است.

[499] سؤال 372: اگر در تیمم، موقع زدن دو دست بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است، فقط کف دو دست (بدون انگشتان) با آن چیز برخورد کند و بعد همان قسمت برخورد کرده را بر پیشانی و بر پشت دو دست و انگشتان بکشیم، تیمم ما صحیح است یا نه؟

پاسخ: این گونه تیمم، صحیح نیست.

[500] سؤال 373: آیا چیزهایی مثل چسب، خمیر و... که مانع وضو محسوب می شوند، مانع تیمم هم هستند و باید برطرف شوند یا فقط چیزهایی مثل انگشتر، مانع تیمم هستند؟

پاسخ: مواردی که در سؤال آمده (چسب، خمیر و...)، مانند انگشتر، مانع تیمم

هستند و باید برطرف شوند، و الا تیمم باطل می شود.

تیمم مقطوع العضو

[501] سؤال 374: کسی که فاقد يك یا دو دست است، چگونه تیمم کند؟

پاسخ: اگر هر دو دست او قطع شده باشد، پیشانی خود را به زمین مسح کند و اگر یکی از دست ها قطع شده و یکی باقی است، بعد از زدن همان دست به خاک، پیشانی را با آن مسح کند و پشت خود آن دست را هم به خاک مسح نماید.

تیمم دادن غیر مماثل، نامحرم و مریض

[502] سؤال 375: آیا کسی که می خواهد دیگری را تیمم دهد، لازم است مماثل و همجنس او باشد یا لازم نیست؟

پاسخ: لازم نیست ولکن نامحرم نباشد.

[503] سؤال 376: شخصی می خواهد فرد دیگری را تیمم دهد و لازم است که تیمم دهنده دستان خودش را به پیشانی و دست های او بکشد. آیا در این فرض، زن و مرد نامحرم می توانند یکدیگر را تیمم دهند؟ اگر لازم شد که تیمم دهنده دست خود تیمم شونده را بگیرد و به صورت و دست او بکشد، آیا در صورتی که نامحرم است، اگر دستکش به دست کند، این کار جایز است یا خیر؟

پاسخ: در مورد سؤال اول، جایز نیست و در مورد سؤال دوم، با همان کیفیتی که در سؤال ذکر شده است، عیبی ندارد.

[504] سؤال 377: کسی که به علت ناتوانی یا شکستگی یا درد زیاد، به هیچ صورتی نتواند يك دست خود را بر پیشانی بکشد، برای تیمم باید نایب بگیرد یا کشیدن يك دست دیگر بر پیشانی کافی است؟

پاسخ: اگر ممکن است احتیاطاً نایب، دست ناسالم معذور را هنگامی که خود معذور دست سالمش را بر پیشانی می کشد، به همراه دست سالم معذور بر پیشانی او بکشد و اگر ممکن نباشد، هر کدام جدا جدا کشیده شود و اگر کشاندن دست ناسالم معذور ممکن نیست، احتیاط این است يك بار خود معذور با دست سالم، تمام پیشانی را مسح نماید و يك بار نیز نایب، دست خودش را به همراه دست سالم معذور بر پیشانی معذور بکشد.

مقدار تأثیر و بقای تیمم

[505] سؤال 378: آیا با تیممی که برای نماز ظهر و عصر انجام شده، می توان نماز مغرب و عشا را هم خواند یا تیمم جدید لازم است؟

پاسخ: چنانچه به جهت تنگی وقت نماز، تیمم کرده باشد، نمی تواند با آن تیمم نمازهای دیگر خود را بخواند و اگر به جهت عذر دیگری تیمم کرده باشد، چنانچه تا وقت نماز بعدی عذر او باقی باشد و حدیثی هم صادر نشده است، آن تیمم برای نمازهای آینده کافی است و تیمم جدید لازم نیست.

[506] سؤال 379: اگر کسی در شب های ماه مبارك رمضان در تنگی وقت (قبل از اذان صبح) تیمم کند، در صورتی که تا طلوع آفتاب آب پیدا نکند، آیا شرعاً می تواند با آن تیمم که کرده، نماز بخواند یا باید تیمم دیگری کند؟

پاسخ: اگر از هنگام تیمم تا طلوع آفتاب آب نداشته باشد یا به جهت دیگری معذور از غسل باشد و تیممش بدل از غسل جنابت بوده و باطل نشده باشد، می تواند با آن تیمم نماز بخواند و تیمم دیگری لازم نیست.

[507] سؤال 380: شخصی که به علت بیماری نمی تواند برای وضو و غسل از آب سرد استفاده کند، اگر به علت در دسترس نبودن آب گرم تیمم نماید و سپس امکان استفاده از آب گرم برای او (قبل یا بعد یا هنگام خواندن نماز) فراهم شود، چه باید بکند؟

پاسخ: در مفروض سؤال، چنانچه قبل از نماز، آب گرم پیدا شود، باید وضو یا غسل انجام دهد و نماز بخواند و اگر بعد از نماز، امکان استفاده از آب گرم فراهم شود، اعاده نماز لازم نیست و اگر در بین نماز این امکان فراهم شود، چنانچه پیش از رکوع رکعت اول باشد، نمازش باطل است و اگر بعد از آن باشد، نمازش صحیح است و آن را به اتمام برساند.

[508] سؤال 381: کسی که به جای غسل و وضو، تیمم کرده (مثل زن حائضی که از خون حیض پاک شده و آب برای غسل حیض و وضو ندارد) و قبل از خواندن نماز، مقداری آب به دست آورده که برای غسل تنها یا وضوی تنها کافی است، آیا لازم است که اقدام به غسل یا وضو کند یا تیمم بدل از آنها کافی است؟

پاسخ: شخص جنب که تیمم بدل از غسل کرده، اگر فقط به مقدار وضو آب به دستش بیاید، تیمم او باطل نمی شود و اما زن حائض که باید در صورت فقدان آب، احتیاطاً دو تیمم کند، در صورتی که فقط به مقدار وضو، آب به دست آورد، تیمم بدل از وضوی او باطل می شود و باید وضو بگیرد و اگر فقط به مقدار غسل، آب به دستش بیاید، بنا بر احتیاط باید آب را در غسل مصرف کند و تیمم بدل از غسلش باطل می شود.

[509] سؤال 382: کسی که به جهت تنگی وقت، تیمم بدل از غسل جنابت یا حیض کرده، آیا کارهایی که بر جنب و حائض حرام است، برای او حلال می شود؟

پاسخ: بنا بر احتیاط در تیمم بدل از غسلی که به جهت ضیق وقت انجام شده، فقط آن نمازی که به قصد آن، تیمم واقع شده، مباح است و سایر کارهایی که مشروط به رفع حدث جنابت یا حیض باشند، مباح نمی شوند و صحیح نیستند.

دیگر احکام تیمم

[510] سؤال 383: می دانیم که اگر چند غسل بر عهده مکلف باشد، می تواند با تیت کردن

همه آنها فقط يك غسل انجام بدهد و كافي است. آیا این حکم، در تیمم بدل از غسل هم جاری می شود؟

پاسخ: حکم تداخل، به آن گونه که در اغسال جاری است، در تیمم، محل اشکال است.

[511] سؤال 384: کسی که آب برای وضو گرفتن و غسل کردن و خاک برای تیمم کردن ندارد و در داخل وقت است، وظیفه اش نسبت به نماز چیست؟

پاسخ: چنانچه چیزی را که تیمم بر آن صحیح است، پیدا نکند، فاقد الطهورین است و احتیاطاً نماز خود را بدون طهارت به جا آورد و پس از امکان تطهیر، نماز را دوباره بخواند.

[512] سؤال 385: اگر بعد از تیمم بدل از غسل، حدث اصغر پیش آمد و امکان غسل هم فراهم نشد، برای خواندن نماز، وضو یا تیمم بدل از وضو کافی است یا تیمم بدل از غسل هم باید تکرار شود؟

پاسخ: تیمم بدل از غسل نیز احتیاطاً تکرار شود.

[513] سؤال 386: زنی بعد از پاک شدن از حیض، عذری دارد و امکان غسل برایش فراهم نیست. به همین جهت، تیمم بدل از غسل حیض می کند. حال برای نماز تکلیفش چیست؟

پاسخ: اگر بدل از غسل های غیر جنابت تیمم کند، بنا بر احتیاط واجب باید برای نماز، وضو هم بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری بدل از وضو نماید.

احکام مختصر و اموات

اشاره

[514] سؤال 387: با توجه به این که دیدار و عیادت کردن از مریض مؤمن و مسلمان، ثواب زیادی دارد، خواهشمند است اگر از طرف شرع مقدس اسلام در این مورد مطلبی وارد

شده است، آن را بیان فرمایید.

پاسخ: عیادت مریض از مستحبات مؤکده است و در بعضی از روایات است که عیادت مریض، مانند عیادت خداست؛ زیرا خدا پیش بنده مؤمن است.

[515] سؤال 388: آیا پزشک یا پرستاری که در پیش بیمار محتضر است، واجب است بیمار را رو به قبله کند؟ و انجام دادن این کار نیاز به اجازه ولیّ او دارد یا خیر؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب باید رو به قبله نماید و اجازه ولیّ، شرط نیست.

غسل، کفن، نماز و دفن میت

اشاره

[516] سؤال 389: اگر زن حامله ای بر اثر حادثه ای همراه با فرزند در شکمش از دنیا برود، آیا برای کفن و دفن آنها نسبت به بچه در شکم هم وظیفه ای داریم یا خیر؟

پاسخ: نسبت به بچه در شکم وظیفه ای نداریم.

[517] سؤال 390: آیا غسل و کفن و دفن بچه ای که از زن و مرد کافر متولد شده است (حلال زاده)، مانند غسل و کفن و دفن کافر جایز نیست؟

پاسخ: غسل و کفن و دفن او واجب نیست؛ ولی اگر در تحت ید مسلمانان و سلطه آنها باشد، بنا بر احتیاط غسل دادن و کفن نمودن او واجب است، مگر این که ممیز باشد و مایل به کفر شود.

[518] سؤال 391: میتی که امکان دفن کردن او وجود ندارد، آیا لازم است که کارهای دیگر او، مثل غسل و کفن را انجام داد؟ اگر امکان غسل و کفن کردن نباشد، آیا نماز خواندن بر میت لازم است یا نه؟

پاسخ: لازم است آن کارهایی که ممکن است، انجام داده شود و کارهایی که ممکن نیست، ساقط است.

[519] سؤال 392: تارك الصلاة، شارب الخمر و کسی که خودکشی کرده، حکم کفن و دفن و

شرکت در مراسم تشییع و مراسم بزرگداشت آنها چیست؟

پاسخ: تجهیزات میّت مسلمان، هر چند فاسق باشد (مانند مسلمان تارك الصلاة)، واجب است.

[520] سؤال 393: اگر ترتیب کارهای میّت به هم بخورد، مثلاً حنوط را قبل از غسل و دفن را قبل از نماز انجام دهند، چه باید کرد؟

پاسخ: اگر قبل از دفن، این ترتیب به هم بخورد، باید دوباره با ترتیب انجام داده شود و اگر بعد از دفن کشف شود که نماز خوانده نشده، به قبرش نماز خوانده شود و اما در غیر نماز، اگر موجب هتک نباشد و بدن نیز متلاشی نشده باشد، نبش کنند و ترتیب را رعایت نمایند.

[521] سؤال 394: مخارج مربوط به میّت، اعم از غسل و کفن و دفن و دیگر امور، بر عهده چه کسی است؟

پاسخ: در غیر زوجه، مقدار واجب از کفن، به مقدار متعارف و به حسب شأن میّت، از اصل ترکه و پیش از ادای دیون و وصایا برداشته می شود و همچنین است مقدار متعارف از سایر مخارج از سدر و کافور و آب غسل و قیمت زمین دفن؛ بلکه آنچه برای دفن در زمین مباح گرفته می شود و اجرت حمّال و کسی که قبر را آماده می کند و اما در مقدار زاید بر آن، در همه اینها موقوف به اجازه ورثه مکلف است. اگر اجازه دادند، نسبت به سهم خودشان نافذ است؛ اما نسبت به سهم صغیر، کسی حقّ تصرّف ندارد و اگر میّت وصیت کرده باشد، مقدار زیادی را از ثلث بر می دارند و اما کفن زوجه بر عهده زوج است و بنا بر احتیاط واجب سایر مخارج مذکور نیز در حدّ متعارف بر عهده اوست.

[522] سؤال 395: اگر میّت، هیچ مالی از خود باقی نگذارد، مخارج کفن و دفن او از کجا باید تأمین شود؟

پاسخ: در غیر مورد زوجه، احتیاط لازم این است که کسی که نفقه میّت بر او

واجب بوده مخارج کفن و دفن او را نیز بپردازد و اگر آن شخص هم ندارد، بر مسلمانان لازم است کفن و سایر مخارج متعارف را بپردازند.

[523] سؤال 396: میّتی که بر اثر بروز حادثه تشخیص داده نمی شود که مرد است یا زن، توسط چه کسی باید غسل و کفن و دفن او انجام شود؟ توسط مرد یا زن؟

پاسخ: شخصی که در حادثه ای مرده و مرد یا زن بودنش تشخیص داده نمی شود، اگر غسلش ممکن باشد، او را از زیر لباس، يك بار مرد غسل می دهد و يك مرتبه دیگر زن و کفن و دفن او تفاوتی نمی کند؛ یعنی هم مرد می تواند کفن کند و هم زن جایز است کفن نماید و دفنش هم همین طور است.

[524] سؤال 397: دست یا پایی که از بدن میّت جدا شده و معلوم نیست که متعلق به میّت مرد بوده یا میّت زن، چه کسی باید آن را غسل دهد و کفن کند؟

پاسخ: پارچه ای بر روی آن بیندازند و هم مرد و هم زن، از زیر پارچه آن را غسل دهند و سپس مرد یا زن، آن را در پارچه ای بپیچد و پس از آن دفن شود.

[525] سؤال 398: خنثای مشکل را چه کسی باید غسل بدهد و کفن کند؟

پاسخ: اگر عمرش بیش از سه سال باشد، احتیاط واجب این است که اگر مَحْرَم وجود نداشته باشد، يك بار مرد و يك بار زن، از زیر لباس او را غسل بدهند؛ ولی کفن کردن هر کدام از زن یا مرد کافی است.

[526] سؤال 399: اگر به قطعه ای که از بدن میّت جدا شده است، برخورد کنیم، غسل و کفن و دفن و نماز او به چه صورت است؟ اگر قطعه ای مثل دست، پا، گوش و بینی از انسان زنده جدا شده باشد، آیا حکمش با قطعه جدا شده از میّت، یکسان است یا متفاوت؟

پاسخ: اگر در قطعه جدا شده از میّت، استخوانی نباشد، غسل و نماز ندارد؛ بلکه در پارچه ای پیچیده می شود و دفن می گردد و اگر گوشت به همراه استخوان غیر از سینه و یا استخوان خالی غیر از سینه باشد، احتیاط این است که غسل داده

شود و در پارچه ای پیچیده و دفن شود، و اگر تنها سینه و یا مشتمل بر سینه و یا بخشی از سینه باشد که مشتمل بر قلب است و یا استخوان خالی سینه (بدون گوشت) باشد، غسل و کفن و نماز به جا آورده و سپس دفن شود و در کفن کردن، به پیراهن و سرتاسری می توان اکتفا کرد مگر این که بعضی از محلّی که باید با لنگ پوشیده شود نیز موجود باشد و تکفین آن با قطعه های سه گانه (لنگ، پیراهن و سرتاسری) بهتر است و حنوطش هم واجب است و احتیاط این است که قطعه جدا شده از زنده، ملحق به قطعه جدا شده از میت است.

[527] سؤال 400: اگر از میتی فقط اسکلت کامل او باقی مانده و بقیه بدن او از بین رفته باشد، آیا احکام آن با احکام جسد سالم میت (مثل وجوب غسل مس میت به هنگام مس کردن اسکلت و وجوب غسل و کفن و نماز و دفن) یکی است؟ اگر اسکلت ناقص باشد، مثلاً فقط جمجمه باقی مانده باشد، چه احکامی دارد؟

پاسخ: اگر همه اسکلت باشد و یا مقدار قابل توجهی که همه اسکلت بر آن صدق نماید، همه احکام میت، از قبیل غسل میت، حنوط، کفن، نماز، دفن و غسل مس میت لازم است و اگر قسمتی از اسکلت باشد، حکم قطعه جدا شده از میت را دارد که احکام آن در سؤال قبلی بیان شد.

[528] سؤال 401: آیا کسی را که شك داریم مسلمان است یا نه، می توانیم در قبرستان مسلمانان دفن کنیم؟ و آیا نسبت به غسل و کفن و نماز او وظیفه ای داریم یا خیر؟

پاسخ: اگر در کشور اسلامی باشد، حکم مسلمان را دارد و باید همه احکام اسلام (غسل دادن، حنوط کردن، کفن نمودن، نماز خواندن و دفن کردن) را درباره او عمل نمایید، مگر این که علم و یا ظن معتبر به کافر بودن او داشته باشید و اگر در کشور غیر اسلامی باشد، چنانچه در آنجا مسلمانی وجود داشته باشد و احتمال دهید که این میت از آنها باشد، بنا بر احتیاط همین حکم را دارد.

[529] سؤال 402: اگر در بیابان و به دور از شهر و روستا و منطقه مسکونی، به میتی

برخورد کردیم، آیا وظیفه ای در مورد کفن و دفن او بر عهده ما می آید یا خیر؟

پاسخ: اگر در کشور یا منطقه اسلامی باشد، باید کفن کرده و نماز خوانده و دفن کنید.

[530] سؤال 403: نسبت به اسکلت و استخوان انسان که در وسط بیابان پیدا می شود و معلوم نیست که هنگام مردن، غسل و کفن و دفن شده یا این که همین طور در بیابان افتاده و تبدیل به اسکلت گردیده، چه وظیفه ای وجود دارد؟

پاسخ: احتیاطاً مراسم غسل و کفن و دفن انجام داده شود.

[531] سؤال 404: آیا داماد می تواند مادر زن خود را غسل دهد و کفن کند و او را در قبر بگذارد؟

پاسخ: کفن کردن و در قبر گذاشتن جایز است؛ ولی بنا بر احتیاط غسل دادن، موقوف بر عدم وجود زنی جهت انجام غسل وی است و باید از زیر لباس باشد.

[532] سؤال 405: آیا جنب یا حائض یا کسی که غسل مس میت بر عهده اوست، می تواند میت را غسل دهد و کفن و دفن نماید؟

پاسخ: جنب و حائض و کسی که غسل مس میت نکرده، می تواند میت را غسل دهد و کفن نماید و بعد از نماز، دفن کند؛ ولی بهتر این است که این کارها را پس از به جا آوردن غسل خودش انجام دهد.

غسل میت

[533] سؤال 406: آیا می توان سه غسل میت را به صورت ارتماسی انجام داد یا خیر؟

پاسخ: بنا بر احتیاط در صورت امکان غسل ترتیبی، غسل ارتماسی کافی نیست.

[534] سؤال 407: میتی که دارای موهای بلند است، آیا شستن موهای او در غسل های

سه گانه لازم است؟ اگر موهای میّت بافته شده باشد، باید آنها را باز کرد یا خیر؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب شستن موهای بلند لازم است و اگر آب به موهای بافته شده می رسد، باز کردن آنها لازم نیست.

[535] سؤال 408: میّتی را دفن می کنند. بعد از دفن کشف می شود که میّت را با آب سدر غسل نداده اند. آیا در آوردن میّت از قبر و غسل دادن با آب سدر کافی است یا باید کلّ اغسال را تکرار کرد تا ترتیب حاصل شود؟

پاسخ: باید هر سه غسل را انجام بدهند و ترتیب را مراعات کنند؛ ولی نیش قبر و تکرار اغسال در صورتی واجب است که اهانت به میّت نباشد و بدن نیز متلاشی نشده باشد.

[536] سؤال 409: اگر سهواً ترتیب غسل های سه گانه میّت بهم بخورد، آیا تکرار آن لازم است یا همان اغسال کفایت می کند؟

پاسخ: باید دوباره اغسال را به گونه ای تکرار کنند که ترتیب رعایت شود.

[537] سؤال 410: اگر جنازه ای که غسل داده شده و پاك است، با جنازه ای که غسل داده نشده، تماس پیدا کند، آیا لازم است جنازه غسل داده شده، دوباره به میّت غسل میّت، غسل داده شود یا فقط باید موضع تماس شسته شود؟

پاسخ: در فرض سؤال، دوباره غسل دادن جنازه پاك لازم نیست و اگر موضع تماس، نجس شده باشد، باید تطهیر شود.

[538] سؤال 411: آیا لازم است که میّت و کسی که او را غسل می دهد، همجنس باشند؟ و آیا در این مسأله استثنا هم وجود دارد یا خیر؟

پاسخ: همجنس بودن بین غسل دهنده و میّت واجب است، مگر در چند مورد:

الف. طفلی که از سه سال بیشتر نداشته باشد؛ ب. زوجه و زوج؛ ج. محارم، ولی بنا بر احتیاط واجب جواز غسل محارم منوط به این است که مماثل نباشد

و غسل نیز از زیر لباس باشد.

[539] سؤال 412: مرد مسلمان و شیعه ای در شهری فوت نموده است و مرد مسلمانی یافت نمی شود تا او را غسل دهد؛ ولی زن مسلمان نامحرمی وجود دارد. آیا این زن می تواند آن مرد را غسل دهد یا خیر؟ و اگر می تواند، چگونه باید غسل دهد؟

پاسخ: اگر مرد یهودی یا مسیحی یا زرتشتی وجود داشته باشد، با راهنمایی زن مسلمان، اول باید خود را شستشو دهد و سپس میت را غسل دهد. همچنین اگر زن مسلمان بمیرد و زن مسلمان دیگری نباشد تا او را غسل دهد و مرد مسلمان محرم نیز وجود نداشته باشد، زن اهل کتاب می تواند به نحوی که گفته شد، با راهنمایی مرد مسلمان او را غسل دهد و در هر دو فرض، مسلمانی که راهنمایی می کند، باید نیت غسل دادن میت و قصد قربت نماید.

[540] سؤال 413: برای غسل دادن مرد میت، زن محرم و یا مردی موجود نیست و برای غسل دادن زن میت، مرد محرم و یا زنی در دسترس نیست. در این صورت چه باید کرد؟

پاسخ: در فرض سؤال، چنانچه تأخیر غسل امکان ندارد، احوط ترك غسل و دفن میت در لباس خود اوست.

[541] سؤال 414: پس از گذشت چندین سال، هنوز جنازه مطهر تعدادی از شهدا گاه به گاه به میهن اسلامی باز گردانده می شود. با توجه به این که غسل و کفن از شهید در معرکه جنگ ساقط است، می خواستم سؤال کنم که آیا غسل و کفن نکردن شهید، امری واجب است یا جایز؟ و اگر بخواهیم غسل و کفن را انجام دهیم، مانعی دارد یا خیر؟ سؤال دیگر این که لباس این شهدا بر اثر مرور ایام از بین رفته است، آیا با این حال، باز هم کفن لازم ندارند؟

پاسخ: سقوط غسل از شهید در معرکه جنگ، عزیمت است نه رخصت و چنانچه لباس بر تن داشته باشد، در آوردن لباس و کفن کردن او جایز نیست و کفن کردن از روی لباس نیز خالی از اشکال نیست؛ ولی اگر لباس نداشته

باشد، تکفین او لازم است.

[542] سؤال 415: کسی که در معرکه جنگ با دشمن اسلام کشته می شود، ولی نه به دست دشمنان، بلکه به سبب حادثه دیگری که برایش پیش می آید (مثل تصادف کردن)، آیا غسل و کفن از او ساقط می شود؟

پاسخ: ان شاء الله ثواب شهدا را دارد؛ ولی غسل و کفن از او ساقط نمی شود.

[543] سؤال 416: اگر در معرکه جنگ، میتی را ببینیم که معلوم نیست به واسطه جنگ و جهاد به شهادت رسیده است یا به جهت دیگری از دنیا رفته، غسل دادن و کفن کردن او ساقط می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر با سایر امارات، شهادت او معلوم نشود، غسل دادن و کفن کردن او، احتیاطاً واجب است.

[544] سؤال 417: اگر در بین غسل دادن میت، از میت بول یا غائط یا منی یا خون حیض خارج شود، چه باید کرد؟

پاسخ: در فرض سؤال، باید صبر کنند تا بول، غائط، منی و یا خون حیض بیرون بیاید و بعد میت را پاک و تطهیر کنند و سپس غسل را ادامه بدهند.

[545] سؤال 418: میتی که بر اثر بیماری از دنیا رفته و به طور مداوم خون از دهان او خارج می شود، آیا می توان راه دهان او را با چیزی مانند چسب یا گچ مسدود کرد و سپس میت را غسل داد و کفن کرد؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر خون قطع نمی شود، موضع خون، یعنی دهان را مسدود نمایند و غسل بدهند، به شرط این که تمامی ظاهر بدن میت شسته شود و اگر مقداری از ظاهر بدن، مثل بیرون لب ها شسته نمی شود، چنانچه بتوانند با فرو بردن در آب گُر و مانند آن، موضعی را که از آن خون می آید، ولو به طور موقت تطهیر کنند، همین کار را بکنند و آن موضع را غسل دهند و

خارج شدن خون بعدی ضروری به غسل نمی زند و در هر سه غسل این کار را کنند و پس از سه غسل، موضعی را که از آن خون می آید، با چیزی (مثل چسب و پلاستیک) ببندند تا نجاست به کفن سرایت نکند.

[546] سؤال 419: میّتی که تکه تکه شده است، آیا باید همه تکه ها را با هم غسل دهند و با هم کفن کنند و در يك جا دفن کنند یا هر تکه را باید جداگانه غسل دهند و کفن و دفن نمایند؟

پاسخ: احتیاط این است که اگر امکان دارد، همه قطعه های میّت را با هم غسل دهند و با هم کفن کنند و بعد از خواندن نماز، در يك مکان دفن کنند.

[547] سؤال 420: اگر برای غسل دادن میّت، آب کافی جهت هر سه غسل نداشته باشیم، میّت را چگونه باید غسل دهیم؟

پاسخ: اگر آب، فقط برای يك غسل کافی است، آب را با سدر مخلوط کرده، میّت را با آن غسل بدهید و سپس بدل از هر يك از دو غسل دیگر، میّت را تیمّم بدهید و اگر آب، برای دو غسل کافی باشد، بعد از غسل با آب مخلوط به سدر، میّت را با آب مخلوط به کافور نیز غسل داده، سپس بدل از غسل سوم او را تیمّم بدهید.

[548] سؤال 421: مقدار کمی آب داریم که فقط برای تطهیر بدن میّت یا تطهیر مواضع تیمّم کافی است و چیزی هم برای کفن کردن نداریم، در این صورت وظیفه ما چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، چنانچه آب، برای تطهیر بدن و غسل کافی نیست، پس از تطهیر مواضع تیمّم، تیمّم کافی است و اگر هیچ چیزی برای کفن کردن (اگر چه با تأخیر غیر مستلزم هتک و حتی به مقدار ستر عورت) وجود نداشته باشد، تکلیف ساقط است، و الا بنا بر احتیاط واجب به مقدار میسور، خصوصاً ستر عورت، کفن شود.

[549] سؤال 422: میّتی را به جای غسل، تیمّم داده اند و کفن کرده و بر او نماز خوانده اند؛ ولی قبل از دفن کردن، امکان غسل دادن او فراهم شده است. آیا در این حالت، غسل دادن واجب است؟ در صورت وجوب، پس از غسل و کفن باید نماز مجدّداً خوانده شود یا نماز اول کافی است؟

پاسخ: واجب است غسل بدهند و حنوط نمایند و کفن بکنند و احتیاطاً، این است که نماز را دوباره بخوانند و دفن کنند.

[550] سؤال 423: اگر مقدار کافوری که در دسترس است، فقط برای غسل یا حنوط میّت کافی باشد، کدام را باید مقدّم کرد؟ اگر لازم است که غسل را مقدّم کنیم، برای حنوط چه کاری باید انجام دهیم؟

پاسخ: باید غسل را مقدّم کرد و در این صورت، حنوط ساقط می شود.

[551] سؤال 424: اگر مقدار خیلی کمی سدر و کافور داشته باشیم که برای غسل میّت کافی نیست، دو غسل اول میّت را چه طور باید انجام دهیم؟

پاسخ: بنا بر احتیاط باید همان مقدار را مخلوط کنند و دو غسل را انجام دهند و نیز بدل هر يك از دو غسل، میّت را تیمّم نیز بدهند.

[552] سؤال 425: اگر دو غسل اول میّتی را به جهت نبودن سدر و کافور با آب خالص انجام دهند، آیا لازم است تیمّم هم بدهند؟

پاسخ: احتیاطاً لازم است.

[553] سؤال 426: میّتی از دنیا رفته و به خاطر نذر کردن، غسلی بر او واجب شده؛ ولی انجام نداده است. آیا باید خود میّت را علاوه بر غسل میّت، به تیّت غسل نذری هم غسل داد یا انجام دادن غسل نذری (مثل نمازهای قضا) به پسر بزرگتر میّت منتقل می شود؟

پاسخ: در فرض سؤال، تکلیفی متوجه کسی نیست.

[554] سؤال 427: اگر بعد از تطهیر و غسل جسد میّت مسلمان، عضوی مانند دست یا پای

او جدا شود، پاك است يا نجس؟ حكم اعضاي داخلي (مثل قلب و كليه) پس از جدا شدن چيست؟

پاسخ: بعد از تطهير و غسل، جسد ميّت و تمام اعضاي داخلي آن، مانند قلب و كليه، پاك است، چه متصل باشند و چه متفرق، به شرط اين كه عين نجس (مثل خون) بر آنها نباشد.

[555] سؤال 428: آیا بدن ميّت كافر (كتابي يا غير كتابي)، به واسطه اغسال ثلاثه پاك مي شود؟

پاسخ: غسل دادن غير مسلمان جايز نيست و غسل دادن موجب پاكي بدن ميّت كافر نمي شود.

[556] سؤال 429: آبي كه هنگام غسل دادن ميّت و قبل از پايان سه غسل از بدن ميّت جدا مي شود و به زمين مي ريزد، پاك است يا نجس؟ اگر نجس است، اين آب گاهي به هنگام غسل دادن ميّت به وسيله سطل آب، به اطراف پاشيده مي شود. آیا بعد از پاك شدن ميّت به واسطه سه غسل، زمين اطراف ميّت هم پاك مي شود؟ حكم ليف و صابوني كه قبل از غسل دادن، ميّت را با آن مي شويند و آن را كنار مي گذارند، از جهت پاكي و نجاست چيست؟

پاسخ: وقتی كه اغسال تمام شد، ميّت پاك مي شود و همين طور است تخته يا سنگي كه هنگام شستشو ميّت را روي آن گذاشته اند. ليف و صابوني كه تا آخر اغسال به كار رفته است نيز پاك مي شود؛ ولي ليف و صابوني كه تا آخر اغسال سه گانه مورد استفاده قرار نگرفته و زمين اطراف كه آب بر آن پاشيده شده، پاك نمي شود.

[557] سؤال 430: اگر كسي كه مرده را غسل مي دهد، قبل از غسل، مرده را با ليف و صابون بشويد و بعد با همان دست خيس، مقداري سدر و سپس كافور برداشته و در سطلي مخلوط كند و مرده را غسل دهد، آیا غسل دادن او صحيح است يا اين كه آب مخلوط با

سدر و کافور نجس محسوب می شود و غسل میّت باطل است؟

پاسخ: اگر دستش را پس از شستن میّت و تماس دستش با بدن میّت، نشسته باشد، متنجّس است و اگر آبی که سدر و کافور را با آن مخلوط می کند، قلیل باشد، قهراً آن آب سدر و آب کافور هم متنجّس و غسل میّت باطل می شود؛ ولی اگر متصل به آب لوله کشی باشد، عیب ندارد.

کفن

[558] سؤال 431: نوشتن آیات شریفه قرآنی و ادعیه مبارکه و اسماء پروردگار و چهارده معصوم علیهم السلام بر روی کفن، استحباب دارد یا مکروه است؟

پاسخ: استحباب دارد، نه کراهت و اگر بر پارچه دیگری بنویسند و روی سینه و یا بالای سر میّت بگذارند، بهتر از نوشتن بر روی کفن است.

[559] سؤال 432: اگر موقعی که میّت را در قبر قرار داده ایم، کفن به واسطه نجاست خارجی یا خود میّت نجس شود، آیا باز هم ازاله نجاست لازم است یا خیر؟ اگر امکان ازاله نجاست از کفن یا تعویض کفن نبود، چه باید کرد؟ در صورتی که بتوان ازاله نجاست از کفن نمود، آیا باید قسمت نجس شده بدن میّت را هم آب کشید؟

پاسخ: ازاله نجاست از کفن و بدن میّت واجب است، حتی پس از گذاشتن در قبر و پیش از دفن و اگر ازاله نجاست از کفن ممکن نشد، باید با بریدن محلّ نجاست، آن را برطرف نمود. اینها در صورتی است که کفن از بین نرود، والاّ اگر ممکن باشد، کفن را تعویض نمایند و اگر هیچ کدام ممکن نشد، به همان صورت دفن کنند.

نماز میّت

اشاره

[560] سؤال 433: اگر بچه ممیزی که آشنای به احکام دینی است، نماز میّت را به طور صحیح بخواند، کافی است یا نه؟

پاسخ: کفایت می کند.

[561] سؤال 434: آیا می توان برای چندین میّت، فقط يك نماز میّت خواند و در صورت جایز بودن، نحوه قرار گرفتن اجساد در موقع نماز به چه صورت باید باشد؟

پاسخ: جایز است برای چند میّت يك نماز بخوانند و می توانند همه آنها را موازی هم در جلوی نمازگزار قرار دهند و بر آنها نماز بخوانند؛ ولی بعد از تکبیر چهارم، تشنیه و جمع بودن ضمایر باید رعایت شود.

[562] سؤال 435: در جایی که نماز میّت به صورت جماعت خوانده می شود، آیا می توان در بین نماز به این جماعت ملحق شد؟ و در صورت جایز بودن، آیا باید از امام، در اذکار نماز تبعیت کرد یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، جایز است در اثنای نماز میّت، به جماعت ملحق شود و در گفتن تکبیرها با امام همراهی نماید؛ ولی بعد از گفتن هر تکبیر، دعائی را که وظیفه خودش است، باید بخواند، نه دعای امام را، مثلاً اگر تکبیر سوم امام و تکبیر اول مأموم است، مأموم باید دعایی را که بعد از تکبیر اول خوانده می شود، بخواند، نه دعایی را که بعد از تکبیر سوم خوانده می شود و وقتی امام، نماز و تکبیراتش را تمام کرد، مأموم بقیه نماز را به صورت فردی (ولو مختصر) بخواند و اگر فرصت پیدا نکرد، بقیه تکبیرها را پشت سر هم و بدون خواندن دعا بگوید و نماز را تمام کند و نیز جایز است بقیه نماز را پشت سر جنازه به اتمام برساند، در صورتی که بتواند رو به قبله بودن و سایر شرایط نماز میّت را حفظ کند.

[563] سؤال 436: نماز میّتی که بدون اجازه ولیّ میّت خوانده می شود، اما بعداً ولیّ میّت می گوید که راضی هستم، کافی است یا باید نماز را دوباره بخوانند؟

پاسخ: اجازه گرفتن از ولیّ میّت لازم نیست؛ اما در صورتی که ولیّ میّت بخواهد خودش نماز بخواند یا کسی را معین کند تا نماز بخواند، مزاحمت او جایز نیست. بنا بر این در فرض سؤال، نماز میّت صحیح و کافی است.

[564] سؤال 437: در بعضی از امور مربوط به میّت (مثل نماز میّت) اجازه گرفتن از ولیّ میّت لازم است. لطفاً بفرمایید که به چه کسی ولیّ میّت گفته می شود؟

پاسخ: اجازه گرفتن از ولیّ میّت واجب نیست؛ ولی مزاحمت او هم جایز نیست و آنچه که منصوص است، ولایت زوج بر زوجه است و در غیر این مورد، هر يك از خویشان که عرفاً نزدیک تر به میّت باشد، متولیّ امور او می شود و فرقی نمی کند که از لحاظ ارث نیز در طبقه مقدّم باشد یا مؤخر.

[565] سؤال 438: در جایی شاهد خواندن نماز میّت هستیم و نماز طوری خوانده می شود که به فتوای مرجع تقلید ما باطل است؛ اما به اعتقاد نماز گزار و بر طبق فتوای مرجع تقلیدش این نماز صحیح است. آیا در این صورت ما باید نماز میّت را دوباره بخوانیم یا لازم نیست؟
پاسخ: در فرض مذکور، خواندن دوباره نماز میّت لازم نیست.

[566] سؤال 439: آیا خواندن نماز میّت برای میّتی که فاسق است، با توجه به وجود داشتن جمله «اللّهمّ إنّنا لانعلم منه إلّا خیراً» (1) صحیح است و آیا گفتن این جمله، دروغ به حساب نمی آید و حرام نیست؟

پاسخ: ظاهراً این عبارت اشاره به ایمان میّت دارد، نه اعمال او. بنا بر این گفتن آن اشکال ندارد و معصیت محسوب نمی شود.

شرایط و واجبات نماز میّت

[567] سؤال 440: آیا می توان نماز میّت را از راه دور و در محلی که میّت در آن جا نیست، به جا آورد؟

پاسخ: باید میّت در حضور نماز گزار باشد و غایب از او نباشد و سپس نماز خوانده شود.

ص: 138

1- (1) - یعنی «پروردگارا ما از او جز خیر، چیزی نمی دانیم».

[568] سؤال 441: آیا رعایت نکردن ضمیرهای مذکر و مؤنث در نماز میّت، باعث بطلان نماز می شود؟

پاسخ: اگر به لحاظ لفظ «میّت» و یا لفظ «بدن» و نظایر آن، ضمیر مذکر به کار برود و یا به لحاظ لفظ «جثّه» و «جنازه» و امثال آن، ضمیر مؤنث بگوید، اشکال ندارد؛ ولی بدون لحاظ کردن آن دو، اگر جهلاً یا نسیاناً بر خلاف بگوید، صحّت نماز، محلّ اشکال است.

[569] سؤال 442: آیا خواندن نماز میّت به زبان فارسی یا هر زبان دیگری غیر از عربی جایز است یا نه؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب در مقدار واجب از دعاها، عربی بودن لازم است و در مقدار زیادتر از واجب، فارسی و غیر آن هم جایز است.

[570] سؤال 443: آیا در صورت نبودن روحانی شیعی، عالم سنی می تواند نماز میّت شیعه را بخواند و با نبودن عالم سنی، آیا عالم شیعی می تواند بر میّت سنی نماز بخواند یا خیر؟

پاسخ: نماز میّت شیعه، باید توسط شیعه به جا آورده شود و هر کسی که بتواند آن را به جا آورد، روحانی باشد یا غیر روحانی، مرد باشد یا زن (ولو از روی توضیح المسائل) باید آن را بخواند؛ ولی اگر زن نماز میّت بخواند، مرد نمی تواند به او اقتدا کند و خواندن نماز میّت سنی توسط شیعه جایز است.

[571] سؤال 444: آیا حرف زدن و خندیدن و خوردن و آشامیدن و انحراف از قبله و دیگر مبطلات نماز، در بین نماز میّت هم باعث باطل شدن نماز است؟

پاسخ: اگر موجب به هم خوردن شکل نماز شود، احتیاط واجب، ترك این کارها است.

[572] سؤال 445: بعد از خواندن نماز میّت معلوم می شود که نماز میّت به صورت اشتباه و غلط خوانده شده است. آیا خواندن نماز مجدّد لازم است یا نه؟ و نحوه آن چه طور است؟

پاسخ: اگر دفن نشده، دوباره بر میّت نماز خوانده شود و اگر دفن شده، بر قبرش نماز بخوانند، مگر این که اشتباه به جهت این باشد که سر میّت به سمت راست نمازگزار نبوده، بلکه به سمت چپ وی بوده است که در این صورت اگر دفن شده، نماز خواندن بر قبر لازم نیست.

مکروهات نماز میّت

[573] سؤال 446: اگر يك بار نماز میّت به جماعت یا فرادی خوانده شده باشد، آیا جایز است کس دیگری که علاقه دارد بر میّت نماز بخواند، دوباره نماز میّت را به جماعت یا فرادی بخواند؟

پاسخ: جایز است؛ ولی کراهت دارد، مگر این که میّت از اهل علم و تقوا باشد.

[574] سؤال 447: آیا خواندن نماز میّت در شب کراهت دارد؟

پاسخ: کراهت ندارد.

شک در نماز میّت

[575] سؤال 448: کسی که در نماز میّت شك می کند که دو تکبیر گفته یا سه تکبیر و یا این که شك می کند بعد از تکبیرات قبلی دعا و ذکر پس از آن را خوانده یا نه، چه کند؟

پاسخ: بنا را بر اقل بگذارد؛ ولی اگر مشغول به دعا است و مثلاً بعد از تکبیر دوم، شك در گفتن تکبیر اول کند و یا در دعای بعد از تکبیر سوم، شك در گفتن تکبیر دوم بکند، به شکش اعتنا نکند و بنا را بر گفتن آن بگذارد، اگر چه احتیاط کردن بهتر است و اگر بعد از تکبیر، شك در خواندن دعای قبلی کند، بنا را بر خواندن دعا بگذارد.

[576] سؤال 449: اگر میت مسلمان، به طور عمدی یا سهوی رو به قبله دفن نشود، چه باید کرد؟

پاسخ: واجب است قبر او را نبش کرده، میت را رو به قبله کنند، مگر این که بدن میت متلاشی شده یا موجب هتك حرمت او بشود.

[577] سؤال 450: آیا جایز است انسان جسد مورث خود را چه زن باشد و چه مرد، به جای دفن در قبر، به صورت مومیایی و یا در شیشه الكل نگهداری نماید؟ اگر جایز نیست، آیا این موضوع، مشمول تعقیب و تعزیر است؟

پاسخ: مرده مسلمان را باید دفن کرد و نمی شود آن را به هر صورت، بدون دفن نگهداری کرد و این کار معصیت است و اگر کسی با علم به حرام بودن، این کار را بکند، قابل تعزیر است.

[578] سؤال 451: آیا نگهداری جنین سقط شده (چه از حیث جسمی سالم، ناقص الخلقه و یا عقب مانده باشد، چه مال خود شخص باشد و چه آن را با رضایت از صاحبش گرفته باشد)، به عنوان کلکسیون، در شیشه الكل جایز است؟

پاسخ: دفن جنین سقط شده، مطلقاً واجب است.

[579] سؤال 452: ما مسلمانان مقیم کشور سوئیس با مشکل دفن اموات روبرو هستیم.

بدین صورت که قبرستان مخصوصی برای مسلمانان وجود ندارد و دولت سوئیس تا کنون اجازه اختصاص قطعه ای از يك قبرستان عمومی را به مسلمانان نداده و همچنین اجازه داده نمی شود که میت، رو به قبله و در خاک دفن شود؛ چون موظفند بر طبق روش مسیحیان، میت را در جعبه بگذارند. لذا با توجه به این مشکلات بفرمایید.

الف. آیا تمکین به این مقررات جایز است؟

ب. با توجه به این که از طریق مراجع مربوط به این کار، در صدد رفع این مشکل هستیم، آیا تا حصول نتیجه می توان اجساد مسلمانان را در سردخانه نگهداری کرد؟

ج. نظر به هزینه زیاد نگهداری در سردخانه به مدت بیش از يك سال، آیا می توان میّت را به طور موقت، طبق مقرّرات آنها دفع نمود و سپس در صورت رفع مشکل، نبش قبر نمود و مجدداً دفن کرد؟

پاسخ: به هنگام دفن، گذاردن جسد در تابوت اشکال ندارد و در مقام ضرورت نیز دفن در قبرستان غیر مسلمانان بی اشکال است؛ اما سایر تشریفات، مانند غسل و کفن و نماز باید انجام شود. رو به قبله کردن جسد هم اگر به هیچ صورتی ممکن نباشد، ساقط است؛ ولی بر مسلمانان لازم است که قبرستانی مختصّ به خود تهیه کنند.

[580] سؤال 453: وقتی که تکه ای از بدن میّت (مثل سر یا دست یا پا) را دفن می کنیم، آیا باز هم رو به قبله بودن لازم است یا خیر؟ آیا ملحق کردن این تکه به اصل جسد، واجب است یا آن را در هر جای دیگر می توان دفن کرد؟

پاسخ: احتیاط این است که رو به قبله دفن کنند و بنا بر احتیاط، اگر الحاق به بدن موجب نبش نشود، واجب است آن جزء را به میّت ملحق کنند.

[581] سؤال 454: دفن کردن چند میّت مسلمان به طور دسته جمعی در يك قبر چه صورتی دارد؟ و اگر جایز است، آیا باید مردها و زن ها جداگانه دفن شوند؟

پاسخ: دفن اموات با حفظ جهات شرعی، در يك قبر و به صورت دسته جمعی جایز، ولی مکروه است؛ اما اگر به جهتی (مثل اختلاف در جنسیت) موجب هتک شود، حرام است.

[582] سؤال 455: زن کافری که از شوهر مسلمان حامله است، به همراه فرزندش می میرد.

این زن را باید در قبرستان مسلمانان دفن کرد یا قبرستان کفار؟

پاسخ: احتیاط لازم این است که در قبرستان کفار دفن نشود و پشت به قبله دفن شود تا بچه در شکم زن کافر رو به قبله باشد و احتیاط مستحب این است که در مکانی غیر از قبرستان مسلمانان با همان کیفیت دفن شود.

[583] سؤال 456: اگر میت در مورد محلّ دفن خود وصیتی نکرد و بین اولیای میت در این مسأله اختلاف نظر پیش آمد، میت را در کجا باید دفن نمود؟

پاسخ: اگر بر طبق مراتب ولایت بر میت، یکی از آنها مقدّم بر دیگران باشد، حرف او مقدّم است.

[584] سؤال 457: میتی را در زمینی دفن کرده اند و پس از ده روز فرزندان او متوجه شده اند که این زمین غصبی است و صاحب زمین هم امر کرده که میت را از زمین خارج کنند. این مشکل را چگونه باید حل کرد؟

پاسخ: باید میت را از این زمین خارج کنند و یا این که رضایت مالک زمین را به دست آورند.

[585] سؤال 458: گورستان عمومی شهری در شرق آن شهر قرار دارد. اخیراً جمعی از اهالی یکی از محلات غرب این شهر با در نظر گرفتن باغی به عنوان گورستان (در محدوده محل و حدود صد متری بافت مسکونی)، اقدام به دفن یک مرده در آن نموده اند که این امر باعث نارضایتی شدید ساکنین همجوار گردیده و درگیری مختصری هم پیش آمده است. لذا با توجه به مخالفت شهرداری جهت احداث این گورستان، خواهشمند است نظر خود را در مورد احداث این گونه گورستان ها و ادامه دفن اموات بیان نمایید.

پاسخ: احداث قبرستان و دفن میت در زمین غیر غصبی و مباح، فی نفسه از نظر شرعی اشکال ندارد؛ ولی کاری که باعث اختلاف و نارضایتی مردم می شود، شایسته نیست انجام شود. البته مخالفت با مقررات حکومتی نیز جایز نیست.

[586] سؤال 459: سنگ فرش کردن قبر چه حکمی دارد؟

پاسخ: مستحب است که قبر را محکم بسازند تا زود خراب نشود.

[587] سؤال 460: استفاده از سنگ قبر گران چه حکمی دارد؟

پاسخ: شایسته نیست، مگر این که در مورد خاصی تحت عنوان شعائر قرار گیرد.

[588] سؤال 461: آیا ساختن بنا بر روی قبر و تعمیر قبر و تجدید بنای آن بعد از خراب شدن جایز است؟

پاسخ: ساختن بنا بر روی قبر و تجدید و تعمیر آن بعد از خراب شدن مکروه است، مگر در مورد قبور انبیاء و ائمه طاهرين عليهم السلام و علما و اولیا و صلحا که اشکال ندارد؛ بلکه مطلوب است.

نبش قبر

[589] سؤال 462: با توجه به این که گفته شده نبش قبر مسلمان جایز نیست، آیا لازم است که اجزای جدا شده از میت را که بعد از دفن او پیدا می شود، به همراه میت دفن نمود؟

پاسخ: احتیاط این است که اجزای جدا شده از میت را طوری با او دفن کنند که جسد او ظاهر نشود.

[590] سؤال 463: اگر پس از دفن میت، از او وصیت نامه ای به دست آمد که در آن خواستار دفن خود در محل دیگری شده است، وظیفه اطرافیان او چیست؟

پاسخ: اگر ثابت شد که وصیت نامه مربوط به میت است، نبش قبر او جایز است؛ بلکه باید به وصیت او عمل کنند.

[591] سؤال 464: مرحوم پدرم روحانی و از اهل علم بود. بیست سال قبل فوت نمود و در قبرستان عمومی شهرمان به خاک سپرده شد. اکنون شهرداری، قصد تخریب و ساختمان سازی در آن قبرستان را دارد. با توجه به فضیلت و شرافت شهر قم و این که از مشاهد مشرفه است و مرحوم پدرم علاقه زیادی به دفن شدن در این سرزمین مقدس داشتند، آیا نبش قبر و انتقال میت به قم جایز است؟

پاسخ: در فرض سؤال، چنانچه شهرداری تخریب کند، می توانید جسد میت را به جای دیگر (در همان شهر یا مناطق دیگر) انتقال دهید و دفن نمایید.

[592] سؤال 465: در منطقه ما قبرستان مخروبه ای وجود دارد که فعلاً در آن هیچ مرده ای دفن نمی شود و سند و مدرکی مبنی بر این که وقف یا ملك شخصی یا مرتع است، در دست نیست؛ ولی نظر قاطبه اهالی این است که از اراضی مرتع است. دولت در وسط این قبرستان، سه باب مدرسه احداث نموده و بنا دارد در بقیه آن ساختمان های آموزشی و فضای سبز ایجاد نماید. چون محله ما از لحاظ مسجد در مضیقه است و مکان مناسبی غیر از این قبرستان که در وسط قرار دارد، در دسترس اهالی نیست، لذا اهالی می خواهند مسجدی در آن جا بنا کنند و قسمتی را که برای این کار در نظر گرفته اند، صد سال است که هیچ مرده ای در آن جا دفن نشده و آثار و علائمی از قبور احتمالی وجود ندارد.

الف. آیا شرعاً در این قبرستان متروکه و مخروبه می توان مسجد ساخت؟

پاسخ: در مفروض سؤال، اشکالی ندارد.

ب. اگر در زمین فوق الذکر، به هنگام کندن زمین جهت ساختن پی و اساس ساختمان مسجد، به قبر و استخوان مرده برخورد کردیم، چه باید بکنیم؟

پاسخ: اگر استخوان بیرون بیاید، باید آن را دفن کرد.

ج. در قسمتی از این قبرستان، آثار و علائم قبور، کاملاً پیدا و نمایان است؛ ولی مرده ای در آن جا دفن نمی شود و قرار است که دولت این قسمت را به فضای سبز یا فضای آموزشی تبدیل کند و فعلاً محل توپ بازی بچه ها است و در آن آشغال هم ریخته می شود. آیا در این بخش می توان مسجد ساخت؟

پاسخ: اگر احتمال داده می شود که جنازه ای در آن قبور باشد که پوسیده نشده و شکلش به هم نخورده، در صورتی که ساختن مسجد مستلزم نیش آن قبور باشد، ساختن مسجد جایز نیست.

[593] سؤال 466: آیا برای زنان، شرکت کردن در تشییع جنازه و راه افتادن به دنبال تابوت به همراه مردان و شرکت در مجلس ترحیم در مسجد که غالباً توأم با سر و صدا و جیغ و فریاد است، جایز است؟

پاسخ: با مراعات جهات شرعی، حرام نیست، اگرچه شرکت در تشییع جنازه برای زنان مکروه است.

[594] سؤال 467: فامیل‌ها و منسوبان میّت، از قبیل زن و دختر و پسر و برادر و خاله و عمّه، وقتی میّت را می‌بینند، جیغ می‌کشند و با صدای بلند گریه می‌کنند یا صورت خود را می‌خراشند و یا لباس‌های خود را پاره می‌کنند و چادر از سر زن‌ها (در میان مردان نامحرم) کنار می‌رود. برای افراد مذکور، چنین کارهایی جایز است یا خیر؟

پاسخ: کارهایی که خلاف شرع است، مانند برهنه شدن سر زنها پیش مردهای نامحرم و گفتن کلمات اعتراض آمیز نسبت به خداوند منّان و فریاد کشیدنی که خارج از حدّ اعتدال است، اگر با اختیار باشد، جایز نیست. همچنین پاره کردن لباس و خراشیدن بدن، بنا بر احتیاط جایز نیست و گاهی کفّاره نیز دارد.

[595] سؤال 468: چه حکمی در رابطه با لطماتی که اطرافیان میّت در عزای میّت به خود وارد می‌کنند، وجود دارد؟

پاسخ: سیلی زدن و خدشه وارد کردن و بریدن و کندن موی سر و بدن، بلکه صدای بلندی که از حدّ اعتدال خارج باشد و همچنین پاره کردن لباس در غیر از عزای پدر و برادر، احتیاطاً جایز نیست و بهتر است در عزای پدر و برادر نیز لباس خود را پاره نکند و اگر زن در مصیبت، موی خود را ببرد، احتیاطاً باید کفّاره افطار عمدی روزه ماه رمضان را بدهد و اگر موی خود را بکند و یا صورت خود را به گونه‌ای بخراشد که خون بیاید، احتیاطاً باید کفّاره قسم را پرداخت کند و اگر مرد در عزای همسر و یا فرزندش پیراهن خود را پاره کند،

احتیاطاً باید کفارهٔ قسم را بدهد.

[596] سؤال 469: در بعضی از روستاها رسم است بعد از این که شخصی از دنیا می رود و او را دفن می کنند، خانواده و فامیل میت، لباس سیاه به تن کرده، بعد از چند روز دیگر به حمام رفته، غسل کرده، و لباس خود را عوض می کنند. آیا این عمل (به عنوان يك عمل شرعی) درست است؟

پاسخ: دستوری از جانب شارع مقدّس، بدین عنوان وارد نشده است؛ ولی انجام دادن این اعمال نیز حرام نیست. البته اگر غسل مسّ میت باشد، واجب است.

[597] سؤال 470: حکم پوشیدن لباس سیاه چیست؟

پاسخ: پوشیدن لباس سیاه فی نفسه مکروه است، مگر این که برای تعظیم شعائر (مثل شرکت در مراسم عزا و مصیبت بزرگان دین) باشد که به عنوان تعظیم شعائر پسندیده است و اگر برای فوت بستگان و دوستان مرسوم باشد، بی اشکال است.

[598] سؤال 471: آیا برگزار نکردن مراسم هفتم و چهلم و سالگرد برای کسی که از دنیا رفته است، اشکال شرعی دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[599] سؤال 472: آیا برگزاری مراسم هفتم و چهلم و سالگرد برای اموات، وجه شرعی دارد؟ و آیا استفاده از دسته گل، دوربین فیلمبرداری و حجله در مراسم عزاداری برای اموات، اجر اخروی دارد یا خیر؟

پاسخ: در این باره دستوری نرسیده است.

[600] سؤال 473: اگر برپایی مراسم عزاداری، سبب اذیت همسایگان شود، چه حکمی دارد؟

ص: 147

پاسخ: لازم است حق همسایگان رعایت شود.

[601] سؤال 474: کیفیت و مقدار حضور ما در مجالس عزا برای درك استحباب آن، چگونه باید باشد؟

پاسخ: برای تسلیت گویی و خواندن قرآن، مستحب است.

[602] سؤال 475: جلسه ترحیم گرفتن، مستحب است یا مباح؟

پاسخ: اگر در مجلس ترحیم، قرآن بخوانند و برای میت طلب رحمت کنند، عنوان استحباب پیدا می کند.

[603] سؤال 476: اگر خرج کردن برای مراسم عزاداری توسط افراد متمکن، باعث چشم و هم چشمی دیگران گردد و دیگران، خصوصاً فقرا را برای مراسم عزاداری اموات خود به زحمت و مخارج بیهوده بیندازد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: سزاوار نیست.

[604] سؤال 477: در منطقه ما رسم بدی وجود دارد که برای میت، مجلس سوم، هفتم، چهلم و سالگرد می گیرند و مبلغ کلانی خرج می کنند که در بعضی مواقع باعث ورشکسته شدن بازماندگان میت می شود. آیا این رسم از نظر شرعی صحیح است؟

پاسخ: از مال صغیر نباید خرج شود و از مال وراثت دیگر نیز بدون اجازه نباید خرج شود؛ ولی اگر خرج کننده ها از مال خود خرج کنند و کبیر باشند و رضایت داشته باشند، اشکالی ندارد؛ ولی در هر صورت اسراف و تبذیر حرام است و باید از تحمیل به بازماندگان پرهیز شود.

[605] سؤال 478: آیا غذا و چای خوردن از خانه میتی که تازه از دنیا رفته است، در شب های اول و دوم و سوم پس از فوت جایز است؟

پاسخ: اگر ورثه راضی باشند و میت، صغیر نداشته باشد و یا اگر داشته باشد، قیم صغیر اجازه دهد، اشکالی ندارد. البته اجازه قیم صغیر مشروط به این

است که مال او را جبران نماید.

[606] سؤال 479: صرف غذا در خانه میّت چه حکمی دارد؟

پاسخ: مستحب است تا سه روز برای اهل خانه میّت غذا بفرستند و غذا خوردن در نزد آنان و منزلشان مکروه است.

[607] سؤال 480: نقش کارهایی که زنده ها برای اموات انجام می دهند، چیست؟ و چه اثری در وضع و سرنوشت آنان دارد؟

پاسخ: برای زنده ها موجب خیر و برکت و توفیق در زندگی و برای اموات، موجب تخفیف عذاب یا ترفیع درجات می شود.

[608] سؤال 481: اگر کار خیری برای شادی روح میّت انجام گیرد و ثواب آن کار به میّت اهدا شود، آیا فاعل آن کار نیز ثواب می برد؟

پاسخ: فاعل آن کار نیز در پیشگاه خداوند در ثواب آن کار خیر شریک است.

[609] سؤال 482: برای اهدای ثواب به اموات و شادی روح آنان، بهتر است چه کارهایی انجام شود؟

پاسخ: هر کار مستحب و نیکویی را انجام بدهند، خوب است و اگر مرده، واجباتی بر عهده دارد، مقدّم بر کارهای دیگری است که بخواهند از طرف او به جا آورند. در عین حال، اطعام فقرا و نیازمندان، برای میّت دارای ثواب زیادی است.

[610] سؤال 483: اگر شخص فقیری از دنیا برود، برای خشنود نمودن روح میّت و نجات وی از مشکلات عالم قبر، آیا گرفتن جلسه ترحیم برای او بهتر است یا این که هزینه جلسه ترحیم، صرف ساختمان مسجد و حمام و معابر عمومی و رسیدگی به فقرا و کارهای خیر دیگر شود؟

پاسخ: همه اینها خوب است؛ ولی اگر میّت، مدیون باشد یا واجبات دیگر بر

عهده داشته باشد، رسیدگی به آنها بهتر است.

[611] سؤال 484: شخصی که تازه از دنیا رفته است، آیا به جا آوردن واجبات و پرداختن دیونی که برعهده اوست (مثل نماز، روزه، خمس، زکات و مظالم)، مقدّم است یا غذا دادن به مردم و برگزاری مجلس ترحیم و هفتم و چهلم با خرج سنگین؟

پاسخ: مقدّم کردن واجباتی که از میّت فوت شده، بهتر است. البته اگر خمس، دین، مظالم و حجّ واجب برعهده میّت باشد و مالی از او باقی مانده باشد، باید از اصل ترکه میّت خارج گردد و همچنین اگر میّت برای نماز و روزه وصیت کرده باشد، واجب است از ثلث اموال او به جا آورده شود.

[612] سؤال 485: نظر به این که در بعضی از بلاد ایران اسلامی، احسان و خیرات برای اموات، در قالب نهار و شام در مساجد، حسینیه ها و هتل ها با هزینه گزاف و سرسام آور مرسوم است، لذا جهت رفع ابهام در موارد ذیل، راهنمایی های لازم را ارائه فرمایید.

الف. خیراتی که در آن، صرفاً اطعام فقرا مورد نظر نبوده و روابط و الگوهای دیگر تعیین کننده اند.

ب. خیراتی که باعث تنگناهای مالی برای خانواده متوفّا می گردد.

ج. مشروع ترین طرق احسان و خیرات برای اموات چیست؟

پاسخ: اطعام و خیرات، نباید موجب تضییق خانواده متوفّا گردد و بهترین مورد آن هم فقرا و نیازمندان متدین هستند و شاید مشروع ترین احسان به متوفّا، انجام دادن واجباتی باشد که احیاناً ترك کرده یا صحیح انجام نداده است و همچنین است ردّ مظالم نمودن از طرف او از باب احتیاط.

[613] سؤال 486: انسانی که می خواهد برای میّتی پولی را هزینه کند، بهتر است نیت صدقه کند یا ردّ مظالم؟

پاسخ: اگر می داند یا احتمال می دهد ذمه میّت به ردّ مظالم مشغول است، در ردّ مظالم صرف کند.

[614] سؤال 487: رفتن به سر قبر میّت مؤمن، چه حکمی دارد؟ و در چه شرایط و زمان هایی بهتر است؟

پاسخ: زیارت اهل قبور در هر موقع باشد، ثواب دارد؛ ولی در ایّام متبرکه، مثل شب و روز جمعه ثوابش بیشتر است.

[615] سؤال 488: رفتن به زیارت اهل قبور و مزار شهدا به هنگام شب چه حکمی دارد؟

پاسخ: جایز است.

[616] سؤال 489: آیا تلاوت قرآن بر سر قبر میّت، از تلاوت در حرم ائمه علیهم السلام یا مسجد یا منزل به نیت میّت، ثواب بیشتری دارد؟

پاسخ: در هر کجا حضور قلب و خلوص بیشتر باشد، ثوابش بیشتر است.

[617] سؤال 490: به طور کلی آیا انجام کار خیر و نیک برای میّت، در سر قبر او موضوعیّت دارد و بهتر از جاهای دیگر است؟

پاسخ: احسان درباره اموات، در هر کجا باشد، خوب است و زیارت اهل قبور نیز مستحب است و ثواب دارد.

تشریح و فروش جنازه میّت

[618] سؤال 491: آیا کالبد شکافی جهت تشخیص علت مرگ جایز است؟

پاسخ: اگر غرض عقلایی بر آن مترتب باشد، اشکال ندارد.

[619] سؤال 492: تشریح مرده مسلمان برای اهداف آموزشی چه حکمی دارد؟

پاسخ: در صورتی که تهیه بدن غیر مسلمان ممکن نباشد، اشکال ندارد؛ ولی باید موجب هتک نباشد و احتیاطاً باید با رضایت اولیای میّت باشد و باید پس از تشریح دفن شود.

[620] سؤال 493: گاهی از اجساد مجهول الهویه، جهت تشریح استفاده می شود. آیا چنین

پاسخ: نظر به این که اجساد مجهول الهویه در کشور اسلامی محکوم به اسلام است، حکم جسد مسلمان را دارد.

[621] سؤال 494: آیا تفاوتی بین شیعه و سُنی، در عدم جواز تشریح جسد وجود دارد؟

پاسخ: با وجود جسد غیر مسلمان، از جسد مسلمان (شیعه یا سُنی) استفاده نشود.

[622] سؤال 495: مسلمانی در یکی از بلاد کفر فوت می کند و طبق مقررات آن کشور، جسد میت بدون تشریح کامل به اولیای میت تحویل داده نمی شود و از طرفی عدم موافقت اولیای میت با تشریح، باعث ماندن جسد در سردخانه می گردد. آیا در این جا وجوب دفن و در نتیجه رضایت دادن اولیای میت به تشریح، مقدم است یا حرمت تشریح مقدم است و اولیای میت نباید با تشریح موافقت کنند؟

پاسخ: در مفروض سؤال، برای انتخاب هر کدام مختار هستند.

[623] سؤال 496: شخصی مرده است و دندان طلا در دهان و میله طلایی در پا دارد. آیا می شود دندان و میله طلایی را از دهان و پای او خارج کرد یا خیر؟

پاسخ: بیرون آوردن دندان طلا و میله طلا و مانند آنها که با ارزش است و در صورت بیرون نیاوردن آنها حقی از ورثه ضایع می گردد، در صورتی که هتک حرمت میت نشود، مانعی ندارد.

[624] سؤال 497: آیا فروش میت مسلمان، پس از اغسال ثلاثه و تطهیر جسد میت، برای اغراض عقلایی جایز است؟

پاسخ: اگر ضرورت ایجاب کند که از جسد میت مسلمان استفاده شود، بدین معنا که نجات زندگی و یا احیای عضوی از اعضای مسلمانی به آن بستگی داشته باشد و جایگزین هم نداشته باشد، می توان از آن استفاده کرد؛ ولی

احتیاطاً باید رضایت اولیای میّت را جلب کنند.

قرآن و اسامی متبرکه

آیات کریمه قرآن

[625] سؤال 498: نوشتن و ایجاد نمودن آیات شریفه قرآن کریم و اسامی پروردگار متعال و حضرات معصومین علیهم السلام بدون داشتن طهارت از حدث اصغر یا حدث اکبر، چه صورتی دارد؟

پاسخ: اگر تماس بدنی با نوشته حاصل نشود، اشکال ندارد.

[626] سؤال 499: انگشترهایی که سوره ای از قرآن کریم بر روی آنها حک و نگاشته شده است، اگر سهواً بدون طهارت مس شود، اشکال دارد یا نه؟

پاسخ: نوشته چنین انگشترهایی را عمداً نباید بدون طهارت مس نمود و لازم است ترتیبی داد که نجس نگردد و بدون طهارت مس نشود؛ اما اگر سهواً بدون طهارت مس کند، گناه نکرده است.

[627] سؤال 500: این که گفته شده: «مس نمودن آیات شریفه قرآن و اسامی پروردگار بدون طهارت جایز نیست»، آیا لمس نمودن با دست مراد است یا تماس هر قسمتی از بدن باشد، اشکال دارد؟ لمس نمودن با دستکش چه حکمی دارد؟

پاسخ: هر قسمتی از بدن انسان که بدون طهارت با آیات قرآن و اسامی پروردگار تماس پیدا کند و آنها را لمس نماید، حرام است و لمس نمودن با دستکش اشکال ندارد.

[628] سؤال 501: گاهی آیات کریمه قرآن مجید را در فرش های ابریشمی می بافند. آیا هنگام بافتن آیات کریمه، دست زدن به کلمات و حروف بافته شده آیات قرآنی حرام

پاسخ: در موقع بافتن، تا وقتی به حدی نرسیده که حروف و کلمه قرآنی به حساب آید، بافتن و دست زدن بدون طهارت اشکالی ندارد؛ ولی پس از آن، نباید بدن فرد مکلف، بدون طهارت با آن قسمت تماس پیدا کند.

[629] سؤال 502: گاهی سایه آیاتی که بر روی پارچه یا شیشه یا امثال آنها نوشته شده است، بر روی دیوار می افتد و کاملاً نوشته های قرآن بر روی دیوار که از سایه درست شده است، قابل خواندن است و گاهی تصاویر پرژکتوری آیات قرآنی بر روی دیوار منعکس می شود. دست کشیدن روی این سایه ها و تصاویر منعکس شده بر روی دیوار، بدون وضو چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر لمس آیات شریفه قرآن صدق نماید، بدون طهارت جایز نیست؛ ولی اگر با جلو بردن دست، سایه و یا تصویر، محو شود، اشکال ندارد.

[630] سؤال 503: آیا دست کشیدن روی صفحه تلویزیون، هنگامی که آیات قرآن را نشان می دهد، بدون وضو اشکال دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[631] سؤال 504: امروزه در بیشتر مجلات و روزنامه ها و نشریات، به مناسبت های مختلف آیات شریفه قرآن و اسامی مبارکه پروردگار و حضرات معصومین علیهم السلام را به چاپ می رسانند و از طرفی کاغذ این نشریات در زیر دست و پا ریخته می شود یا در کارهایی مثل بسته بندی اجناس و یا پاک کردن شیشه و... مورد استفاده قرار می گیرد. در این موارد چه کار باید کرد؟

پاسخ: چاپ و نشر آنها حرام نیست. اگر ممکن است از ترجمه آیات استفاده کنند، تا هتک حرمت نشود و خریداران از انداختن در جاهایی که موجب هتک حرمت می شود، باید خودداری نمایند و اگر کسی آیات قرآن و یا اسماء متبرکه را در مثل آن جاها ببیند، باید بردارد و در جایی بگذارد که محفوظ

[632] سؤال 505: در اطلاعیه هایی که برای تبلیغات مختلف چاپ می شود، مشاهده می شود که عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» یا «بسمه تعالی» را می نویسند و پس از مدتی این ورق ها زیر دست و پا قرار می گیرد، حکم این مسأله چیست؟

پاسخ: باید از زیر دست و پا انداختن و هتك حرمت، جلوگیری شود.

[633] سؤال 506: معمولاً فروش و یا صادر نمودن فرش هایی که آیات شریفه قرآن در آنها نقش بسته، به کشورهای غیر مسلمان بدون مانع است. با علم به این که كفّار به آیات قرآن دست می زنند و یا حرمت آیات را نگه نمی دارند، فروش این گونه فرش ها چه حکمی دارد؟

پاسخ: مسلمانان از در اختیار گذاشتن قرآن نسبت به افرادی که احترام آن را رعایت نمی کنند، اجتناب نمایند و در موقع فروش، اگر فروشنده احتمال بدهد که خریدار، رعایت امور شرعی را خواهد کرد، اشکال ندارد، و آلا محلّ اشکال است.

[634] سؤال 507: آیا می توان بچه را در حالت تخلّی، رو به قبله یا پشت به قبله نگه داشت؟ و اگر بچه بدون طهارت، دست به قرآن یا اسامی خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و مقدّسات بزند، واجب است او را منع کنند؟

پاسخ: نگه داشتن بچه در حال تخلّی، رو به قبله و پشت به آن حرام نیست و ممانعت او از دست زدن بدون طهارت به قرآن و اسامی مقدّس واجب نیست، مگر این که باعث هتك شود؛ ولی خوب است از اول، بچه را با آداب دین آشنا کنند.

[635] سؤال 508: آیا همراه داشتن زیارت عاشورا و یا قرآن در دستشویی ها اشکال دارد یا خیر؟

پاسخ: همراه داشتن اشکال ندارد؛ ولی مواظبت شود که موجب هتك یا نجس شدن آنها گردد.

[636] سؤال 509: با توجه به فصل سرما، در صورتی که با لوازم همراه خود وارد مستراح شویم و در بین آنها کتب دعا و قرآن باشد، آیا اشکالی متوجه عمل ماست؟

پاسخ: همراه داشتن کتب ادعیه و یا قرآن به هنگام رفتن به مستراح، در صورتی که جای آنها محفوظ باشد و احتمال افتادن آنها بر زمین و یا - نعوذ بالله - به داخل مستراح داده نشود، اشکالی ندارد.

[637] سؤال 510: آیا تطهیر قرآن کریم، بر عهده نجس کننده آن است یا برعهده همه مکلفین؟ و اگر مستلزم صرف وقت زیاد و یا صرف مال باشد، تطهیر را چه کسی باید انجام دهد؟

پاسخ: گرچه تطهیر قرآن به نحو واجب کفایی بر هر مکلفی واجب است، ولیکن اختصاص به نجس کننده نیز دارد و لذا حاکم، حق دارد او را به تطهیر و صرف مال ملزم نماید.

[638] سؤال 511: در تعدادی از کلمات قرآن، حرف «الف» به صورت کوتاه و بر روی حروف دیگر قرار می گیرد، مانند «أصفيكم، صلوة، رحمن، إله، سموات، ذلك، هذا، هكذا، لكن، هولاء، اولئك و...». نوشتن این کلمات با «الف بلند» به صورت «أصفاكم، صلاة، رحمان، إله، سموات، ذالك، هاذا، هاكذا، لاکن، هاؤلاء، اولائك و...» در قرآن های آموزشی و به منظور روان خوانی و جلوگیری از غلط خواندن مبتدیان، چه حکمی دارد؟

پاسخ: برای کتابت قرآن، دستور خاصی وارد نشده است. بنا بر این در صورتی که این نحوه نوشتن، از نظر خبرگان رسم الخطّ عربی غلط محسوب نشود و باعث ایجاد اختلاف قرائت نگردد، اشکال ندارد؛ ولی باید رسم الخطّ قرآنی تا حدّ امکان حفظ گردد.

[639] سؤال 512: آیا مخالفت با مقتضای استخاره (با قرآن کریم یا تسبیح)، در مواردی که استخاره گرفته می شود، جایز است؟

پاسخ: سزاوار است به مقتضای استخاره عمل کند، مگر آن که برایش واضح شود که عمل نکردن اولی است.

اسامی پروردگار متعال

[640] سؤال 513: انگشتری که اسم جلاله بر آن نقش بسته است، آیا واجب است هنگام دست دادن با مؤمنین، به جهت این که دست بی وضوی آنها با انگشتر تماس پیدا نکند، از دست خارج شود؟ و آیا واجب است صاحب انگشتر، همیشه به هنگام لمس انگشتر، با طهارت باشد؟

پاسخ: برای دست دادن، خارج کردن انگشتر و مانند آن بر صاحب انگشتر واجب نیست، مگر این که بداند دست افراد، بدون طهارت با آن تماس پیدا می کند؛ ولی برای لمس نمودن نقش انگشتر، خودش باید با طهارت باشد.

[641] سؤال 514: آیا تماس بدن شخص جنب و یا شخص بدون وضو با جواهرات منقش به تصویر «خانه کعبه» یا آرم «الله» جایز است؟

پاسخ: تماس با اسم «الله» بر شخص جنب حرام است و برای شخص بی وضو، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست؛ اما لمس نمودن تصویر خانه کعبه بی اشکال است.

[642] سؤال 515: آیا برای مس نمودن ترجمه لفظ جلاله، داشتن وضو واجب است؟

پاسخ: احتیاطاً واجب است.

[643] سؤال 516: لمس نمودن اسماء جلاله که به زبانهای غیر عربی و فارسی و یا احیاناً با خط بریل (خط مخصوص نابینایان) نگاشته شده، چه صورت دارد؟

پاسخ: لمس نمودن اسامی و صفات مخصوص خداوند به هر زبان و طریقی

که نوشته شده باشد، بر شخص بی وضو، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و بر شخص جنب و حائض حرام است.

[644] سؤال 517: آیا ضمیری که مربوط به اسماء جلاله و اسماء متبرکه است، مانند ضمیر در «بسمه تعالی»، «یا هو»، «صلی الله علیه وآله»، «علیه السلام» و... حکم اسم ظاهر را دارد یا خیر؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب، ضمیری که مرجع آن ضمیر، خداوند یا یکی از معصومین علیهم السلام است، در حکم اسم ظاهر است.

اسامی و القاب معصومین علیهم السلام

[645] سؤال 518: آیا القاب و صفات معصومین علیهم السلام (مثل امیرالمؤمنین، سجاد، زین العابدین، باقر، صادق، کاظم، رضا، جواد، تقی، هادی، نقی، عسکری، امام زمان، ولی عصر و صاحب الزمان)، حکم اسماء ایشان را دارد؟ و لمس نمودن اسم اشخاصی که از اضافه کردن يك کلمه به نام پروردگار یا معصومین علیهم السلام درست شده است (مثل عبدالله، عبدالعلی و عبدالرضا)، چه حکمی دارد؟

پاسخ: لمس القاب و اسماء مخصوص معصومین علیهم السلام در حال جنابت یا حیض یا نفاس، بنا بر احتیاط واجب و بدون وضو، بنا بر احتیاط مستحب ترك شود؛ ولی اگر اسم و یا القاب ایشان جزء نام افراد شود، لمس آن جایز است. لمس القاب و صفات مخصوص خداوند، حتی اگر جزء نام افراد شده باشد، بر جنب و حائض حرام است و برای شخص بی وضو بنا بر احتیاط جایز نیست.

[646] سؤال 519: آیا شخص جنب می تواند نقش روی بلیط اتوبوس های شهری در قم را که گنبد حضرت معصومه علیها السلام و مسجد مقدس جمکران است، لمس کند؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[647] سؤال 520: آیا آیات شریفه قرآن و اسماء متبرکه را که لمس نمودن آنها بدون طهارت جایز نیست (جهت این که زیر دست و پا نیفتد و به آن بی احترامی نشود)، می توان محو نمود یا از بین برد؟ در صورت جایز بودن، به چه صورت می توانیم این کار را انجام دهیم؟ آیا جدا کردن حروف آنها از یکدیگر، باعث جواز لمس بدون طهارت می شود؟

پاسخ: محو کردن و از بین بردن به هدف مذکور، به هر نحوی که عرفاً هتک حرمت نباشد، اشکال ندارد و اگر به نحوی متفرق شوند که کلمه قرآنی و اسماء متبرکه بر اجزای آن صدق نکند، لمس آنها بدون طهارت جایز است.

[648] سؤال 521: حکم خرد کردن کاغذهایی که در آنها آیه ای از قرآن کریم یا اسماء حسنی نوشته شده باشد، با دستگاه کاغذ خردکن چیست؟ در صورت مجاز بودن، آیا می توان با کاغذهای خرد شده، مانند کاغذهای معمولی رفتار کرد؟

پاسخ: چنانچه خرد کردن این گونه کاغذها به حسب شرایط، هتک نباشد - که در اغلب موارد، هتک نیست - اشکال ندارد، و اگر به قدری خرد شود که کلمه قرآنی بر نوشته های روی آنها صدق نکند، مانند کاغذهای معمولی است.

[649] سؤال 522: آیا می توان کاغذهایی را که در آنها آیه ای از قرآن یا اسماء حسنی نوشته شده باشد، سوزاند؟

پاسخ: سوزاندن، طریقه مناسبی برای محو کردن نیست و ظاهراً هتک، صدق می کند. بنا بر این با شیوه دیگری عمل شود که هتک صدق نکند.

[650] سؤال 523: کسی که بر روی بدنش اسم جلاله پروردگار یا دیگر اسامی خداوند متعال یا آیه ای از آیات قرآن کریم خالکوبی شده است، با توجه به این مطلب که گاهی جنابت به او دست می دهد و یا بی وضو می شود، آیا واجب است که خالکوبی را از بین ببرد یا لازم نیست؟

پاسخ: احتیاط این است که آنها را از بدنش محو نماید، اگر چه واجب نیست.

[651] سؤال 524: آیا اجازه می دهید لفظ جلاله یا آیه قرآن را که روی سنگ قبر نوشته شده است و عابران بر روی آن قدم می گذارند، بدون اجازه صاحب آن (که پیدا کردنش ممکن نیست) محو کنیم؟

پاسخ: در مفروض سؤال، محو کردن به صورتی که صدمه ای برای سنگ قبر نداشته باشد و یا در صورت عدم امکان، کمترین صدمه را وارد کند، اشکال ندارد و چنانچه امکان دارد محو کردن با اجازه مسئولان مربوط به این کار انجام داده شود.

ص: 160

نماز

اشاره

ص: 161

[652] سؤال 1: گاهی وارد جایی می شویم و جهتی را به عنوان قبله به ما نشان می دهند؛ ولی خودمان جهت قبله را غیر از آن جهتی که با ما نشان داده اند، تشخیص می دهیم. در این موقع، کدام يك را ترجیح دهیم؟

پاسخ: اگر یقین یا اطمینان به جهت قبله پیدا کردید، به یقین و اطمینان خودتان عمل کنید، وگرنه اگر بی‌تنبه بر خلاف اجتهاد شما باشد، چنانچه آن بی‌تنبه، اخبار از حس باشد، بر اجتهاد شما مقدم است، وگرنه اقوی عمل به مقتضای اجتهاد است و در هر صورت تکرار نماز وجهی ندارد.

[653] سؤال 2: گاهی تعیین قبله توسط نمازگزار، موافق با جهت قبله در محراب ها و قبرهای آن منطقه نیست. آیا نمازگزار، می تواند به طرف قبله ای که خودش تعیین کرده، نماز بخواند؟

پاسخ: ظاهر این است که عمل به اجتهاد خودش کافی است؛ چون دلیلی بر حجیت امور ذکر شده در سؤال، جز سیره نیست و سیره از شمول این صورت قاصر است.

[654] سؤال 3: اگر مکلف، در حال خواندن نماز گمان پیدا کند که قبله در جهتی غیر از آن جهتی است که به سوی آن نماز می خواند، آیا می تواند جهت خود را به سوی طرفی که گمان پیدا کرده، تغییر دهد؟

پاسخ: باید جهت خود را به آن طرفی که ظن پیدا کرده، تغییر دهد، مگر این که به مقتضای ظنّ فعلی او جهت اولی، پشت به قبله و یا به طرف راست و یا چپ قبله باشد که در آن صورت، باید نماز را اعاده کند.

[655] سؤال 4: شغل کسی تجارت به وسیله کشتی است و گاهی کشتی به مدت طولانی (مثلاً يك هفته) توقّفی ندارد و به ساحل نمی رسد. با توجه به این که این شخص می تواند به شغل دیگری پردازد، آیا ترك این شغل بر او واجب است یا می تواند نماز را بدون رو به قبله بودن، در کشتی بخواند. البته در طول مسیر، همیشه می تواند جهت قبله را تشخیص دهد؟

پاسخ: باید در زمانی که حرکت کشتی به طور مستقیم است و می توان نماز را رو به قبله خواند، در آن حال، نماز را رو به قبله بخواند.

پوشش بدن در نماز

اشاره

[656] سؤال 5: اگر دختر غیر بالغ بخواهد نماز را به طور صحیح بخواند، آیا رعایت مقدار پوشش لازم در نماز، برای او هم لازم است؟

پاسخ: پوشاندن سر و گردن برای دختر غیر بالغ لازم نیست؛ ولی بقیه بدنش را بپوشاند.

[657] سؤال 6: تکلیف بیمارانی که دچار سوختگی بدن شده و برای انجام نماز، قادر به پوشاندن قسمت هایی از بدن که پوشاندن آنها واجب است، نمی باشند، چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر استفاده کردن از ساتر به هیچ صورتی ممکن نیست، همان گونه بدون ساتر و طبق دستوری که برای نماز برهنگان در رساله توضیح المسائل آمده است، نماز بخواند و اشکالی ندارد.

[658] سؤال 7: بعضی از زنان، نماز را با چادر سفید می خوانند. اگر چادرشان نازک باشد

و بدن از زیر آن نمایان شود (اعم از این که نامحرم حضور داشته باشد یا خیر)، چه حکمی دارد؟

پاسخ: چنانچه خود بدن از زیر چادر نمایان باشد، برای نماز اشکال دارد، هر چند بیننده ای نباشد.

[659] سؤال 8: وظیفه زنی که در هنگام نماز، مرد اجنبی به او نظر به ریه می کند، چیست؟

پاسخ: اگر مرد اجنبی به وجه و کفین زنی که در حال نماز است، نظر به ریه کند، بنابر احتیاط بر زن واجب است آنها را بپوشاند؛ ولی این احتیاط به جهت نماز نیست. بنا بر این اگر خودش را فقط به اندازه پوششی که در نماز لازم است، بپوشاند، نمازش باطل نمی شود.

شرایط پوشش نمازگزار

اشاره

[660] سؤال 9: يك نفر دو لباس دارد که می داند نماز با یکی از آنها صحیح است و با یکی دیگر صحیح نیست، مثل این که غصبی است یا از جنس ابریشم و طلا- است یا از اجزای حیوان حرام گوشت تهیه شده است یا نجس است. در این حالت، اگر نتواند دو لباس را از یکدیگر تشخیص دهد، چه طور نماز بخواند؟

پاسخ: اگر علم دارد که یکی از دو لباس، ابریشمی و یا طلا باف و یا غصبی است و یکی دیگر، لباسی است که نماز در آن صحیح است، در این صورت باید عریان نماز بخواند و اگر علم دارد که یکی از دو لباس، متنجس و یا از اجزای حیوان حرام گوشت است و یکی دیگر، لباسی است که نماز در آن صحیح است، در این صورت، در هر دو لباس، به طور جداگانه نماز بخواند؛ یعنی دو نماز خوانده شود و اگر وقت تنگ باشد، به قدری که فقط برای يك نماز وقت داشته باشد، عریان نماز بخواند و بنا بر احتیاط بعداً نمازش را قضا نماید.

[661] سؤال 10: آیا نماز خواندن در لباس تطهیر شده با آب غصبی یا با آبی که از پول حرام تهیه شده، صحیح است یا باطل؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر بعد از خشك شدن لباس نماز بخواند، اشكالی ندارد و اگر در حال رطوبتِ لباس نماز بخواند، ظاهر این است که باز هم نماز، صحیح است؛ ولی بهتر است که تا خشك شدن لباس، نماز در آن لباس را ترك کند.

[662] سؤال 11: کسی که چندین لباس دارد و تعدادی از آنها نجس شده و نمی داند که کدام يك از آنهاست، آیا برای نماز، باید تمام آنها را آب بکشد و با یکی از آنها نماز بخواند یا این که با تکرار نماز در این لباس ها وظیفه اش را انجام داده است؟ و در صورت دوم، باید چند نماز بخواند تا به تکلیفش عمل کرده باشد؟

پاسخ: در فرض سؤال، بهتر است یکی از لباس ها را بشوید و با آن نماز بخواند، اگر چه می تواند نماز را در لباس های مختلف تکرار کند، تا اندازه ای که بداند یکی از نمازها در لباس پاك خوانده شده است.

[663] سؤال 12: آیا نماز در لباس های معطر به عطرهاى امروزی که محتوی الكل است، صحیح است؟

پاسخ: اشكالی ندارد، مگر آن که علم به نجاست داشته باشد.

نماز بدون طهارت بدن و لباس

[664] سؤال 13: آیا با خون هموروئید (بواسیر) داخلی یا خارجی، می توان نماز خواند؟

پاسخ: خون بواسیر خارجی اشكال ندارد؛ ولی خون بواسیر داخلی، اگر به لباس یا ظاهر بدن سرایت کند، محلّ اشكال است.

[665] سؤال 14: بیماری که هموروئید (بواسیر) عمل کرده و یا آلت تناسلی وی دچار

سوختگی شده و یا به دلیل دیگری نمی تواند طهارت بگیرد.

الف. برای نماز چه تکلیفی دارد؟

پاسخ: در مفروض سؤال، با همان کیفیت نماز بخواند.

ب. نمازهایی که بدون طهارت عورتین خوانده، آیا بعد از بهبودی باید قضا نماید؟

پاسخ: قضا لازم نیست؛ ولی بنا بر احتیاط، اگر پس از خواندن نماز توانست خود را تطهیر کند، چنانچه وقت نماز باقی باشد، آن را اعاده نماید.

ج. اگر در بین نماز به خاطر این که نمی توانسته استبراء کند، قطراتی بول از وی خارج شود، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: در فرض سؤال، باید نماز را قطع کند و پس از گرفتن وضو، نماز را دوباره بخواند.

[666] سؤال 15: در مواردی که علاوه بر خون جروح، نجاست دیگری مانند (بول و غائط) در نجس کردن قسمت مجروح بدن دخالت دارد و تطهیر آن حرجی است، آیا عفو، شامل آن می شود یا خیر؟

پاسخ: مورد سؤال، از موارد عفو قروح و جروح نیست؛ ولی اگر تطهیر ممکن نباشد یا حرجی باشد، مادامی که حرجی است، تطهیر لازم نیست.

[667] سؤال 16: آیا عفو از خون قروح و جروح، در مواردی که رطوبات خارجی وارد منطقه زخم شود و برای درمان لازم باشد (مانند مواد ضد عفونی کننده و دارویی) و باعث متنجس شدن قسمت مشتمل بر زخم ها گردد و تطهیر آن حرجی باشد نیز صدق می کند یا نه؟

پاسخ: عفو، غیر مورد زخم را شامل نمی شود و اگر تطهیر حرجی باشد، مادامی که حرجی است، تطهیر لازم نیست.

[668] سؤال 17: اگر در حال نماز از بینی نمازگزار خون بیاید، آیا نمازش باطل می شود؟

پاسخ: اگر خون به ظاهر بدن سرایت نکند و یا در صورت سرایت کردن، کمتر

از اندازه درهم باشد، برای نمازش اشکالی ندارد؛ ولی اگر بیشتر از اندازه درهم باشد، در صورتی که بتواند بدون بر هم خوردن صورت نماز، در بین نماز تطهیر کند، باید همین کار را انجام دهد، وگرنه باید نماز را قطع نماید و پس از تطهیر، نماز را از سر بگیرد.

[669] سؤال 18: اگر در دو جای بدن یا لباس، لکه خون و هر کدام کمتر از اندازه یک درهم باشد، آیا نماز خواندن اشکال دارد؟

پاسخ: اگر جمعاً به اندازه درهم باشد، بنا بر احتیاط نمی توان در آن لباس نماز خواند.

[670] سؤال 19: در لباس نمازگزار مقداری خون هست؛ ولی نمی داند که به اندازه درهم است یا کمتر از آن. آیا نماز با آن صحیح است؟

پاسخ: احتیاط واجب، عدم عفو است، مگر آن که سابقاً کمتر از درهم بوده و شك کند که زیادتز شده است یا نه.

[671] سؤال 20: خونی به مقدار کمتر از درهم، در لباس وجود دارد که معلوم نیست خون حیض و نفاس و استحاضه است یا خونی که از رگ بریده خارج شده است. آیا نماز با آن مجزی است یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، مشکل است.

[672] سؤال 21: در مواردی که تطهیر بدن یا لباس به دلیل زخم یا بیماری، دارای حرج شخصی یا نوعی باشد و از موارد عفو قروح و جروح محسوب نشود، نماز را چگونه باید خواند؟

پاسخ: اگر بدن نجس باشد و تطهیر آن، حرج شخصی داشته باشد، نماز را همان طور بخواند و کافی است و اگر لباس نجس باشد و تطهیر لباس برای او حرجی باشد، در صورت امکان لباس را درآورد و به دستوری که برای نماز

برهنگان گفته شده، نماز بخواند و احتیاطاً با همان لباس، نماز را دوباره بخواند و اگر خارج کردن لباس برایش مقدور نباشد، با همان لباس، نماز بخواند و این نماز کافی است. البته هر مقدار از نجاست بدن یا لباس که تطهیر آن برای بیمار حرجی نباشد، بنا بر احتیاط واجب تطهیر شود.

[673] سؤال 22: بدن یا لباس برخی از بیماران بستری در بیمارستان به واسطه خونگیری و... نجس می شود. در صورتی که امکان شستن بدن و تهیه لباس پاک نباشد، برای ادای نماز چه باید بکنند؟

پاسخ: در فرض سؤال، چنانچه محذوری برای بیمار نداشته باشد، باید لباس های نجس خود (حتی ساتر عورت) را در آورد و بنا بر احتیاط در حد امکان بدن را نیز تطهیر کند و نماز بخواند و سپس بنا بر احتیاط در صورتی که حرجی نباشد، نماز را در لباس نجس نیز تکرار کند و اگر خارج کردن لباس محذور داشته باشد، بنا بر احتیاط در حد امکان لباس و بدن را تطهیر نماید و نمازش را بخواند.

[674] سؤال 23: در صورتی که ملافه یا وسایل درمانی که همراه بیمار است، متنجس باشد و یا احتمال نجاست داشته باشد و تطهیر و تعویض آن برای بیمار، غیر ممکن یا موجب مشقت باشد، چگونه باید نماز بخواند؟

پاسخ: در مفروض سؤال، نماز خواندن به همان صورت صحیح است.

[675] سؤال 24: شخصی در محلّی زندانی شده و لباس و بدنش نجس است و مقدار آبی که به او داده اند، فقط برای آب کشیدن لباس و بدن یا برای وضو گرفتن کافی است و از طرفی وسیله ای هم برای تیمّم کردن ندارد تا بعد از آب کشیدن لباس و بدن، با تیمّم نماز بخواند. در این صورت چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: باید با آن آب، وضو بگیرد و اگر آبی باقی ماند، بنا بر احتیاط تا آن جا که ممکن است نجاست بدن را با آن برطرف یا کم کند و اگر آبی برای تطهیر

لباس باقی نماند، چنانچه نماز برهنه محذور داشته باشد، در همان لباس نجس نمازش را بخواند و اشکالی ندارد.

[676] سؤال 25: کسی که دو یا چند جا از بدنش و یا لباسش نجس شده و آب به اندازه کافی برای پاک کردن همه نجاست از بدن و یا لباس ندارد، آیا تطهیر کردن از او ساقط می شود و به همان صورت می تواند نماز بخواند یا خیر؟

پاسخ: در مفروض سؤال، بنا بر احتیاط واجب تا آن حد که می تواند از مقدار نجس کم کند.

[677] سؤال 26: پرستارانی که لباس آنها آغشته به خون و یا ادرار است و امکان تطهیر را ندارند، چگونه نماز بخوانند؟ و اگر با این حال نماز بخوانند، آیا باید اعاده و قضا نمایند یا خیر؟

پاسخ: باید با لباس پاک نماز بخواند و اگر لباس پاک نداشته باشند، باید به دستوری که در توضیح المسائل، برای نماز برهنگان ذکر شده (مسألة 823 توضیح المسائل) عمل نمایند و سپس احتیاطاً با همان لباس نجس نیز نماز را اعاده کنند؛ ولی اگر به خاطر سرما یا عذر دیگری نمی توانند برهنه نماز بخوانند، نماز خواندن آنان در همان لباس نجس، صحیح است. البته در این صورت بنا بر احتیاط به هر مقدار که ممکن است و حرجی نیست باید از نجاست لباس کم کنند.

[678] سؤال 27: بیماری که توانایی طهارت گرفتن خود را ندارد، آیا جایز است طهارت عورتین او توسط شخص دیگری انجام شود؟ در صورت جواز، آیا طهارت گرفتن، واجب است یا خیر؟

پاسخ: در مفروض سؤال، اگر همسر نباشد و شخص دیگر مرتکب حرام نشود، جایز است و بلکه بر خود بیمار، چنانچه مستلزم حرج نیست، نایب گرفتن لازم است.

[679] سؤال 28: آیا نماز با دستبند یا انگویا دیگر زیور آلاتی که نجس شده است، صحیح است یا نه؟

پاسخ: در موارد ذکر شده در سؤال، اگر نمازگزار زن باشد و نجاست از زیور آلات به لباس و یا بدن زن سرایت نکند، نمازش صحیح است، و اگر مرد باشد، نمازش از جهت نجاست اشکال ندارد؛ ولی اگر زیور آلات از جنس طلا باشد، از جهت طلا بودن اشیای مذکور، اشکال پیدا می کند.

[680] سؤال 29: شخصی بول کرد و خود را طاهر نکرد و برای نماز وضو گرفت و نماز خواند و بعد از نماز یادش آمد. آیا صرف تطهیر مخرج بول کافی است یا باید وضو نیز بگیرد؟ و در هر دو صورت، نمازی که خوانده، صحیح است یا خیر؟

پاسخ: وضو صحیح است؛ اما نمازش باطل است؛ چون فراموش نموده است که خود را تطهیر کند و با بدن نجس وارد نماز شده است. پس از به یاد آوردن نجاست، باید مخرج بول را تطهیر و نمازهایی را که با بدن نجس خوانده، اعاده نماید.

[681] سؤال 30: اگر مخرج بول، به جهت ندانستن مسأله با آب قلیل يك بار آب کشیده شود و لباس نیز با تماس با مخرج بول مرطوب شود، حکم نمازهایی که با این حالت خوانده شده، چه می شود؟

پاسخ: در فرض سؤال، چنانچه جاهل قاصر باشد، نمازهای خوانده شده قضا ندارد؛ ولی برای نمازهای بعد، باید از لباس پاك استفاده کند و مخرج بول، هنگام آب کشیدن با آب قلیل، به احتیاط واجب باید دو بار شسته شود.

[682] سؤال 31: اگر کسی می داند که چیزی نجس است و فراموش می کند و بعد با لباس یا بدن مرطوب، با آن چیز نجس ملاقات می کند و نماز می خواند و بعد از نماز به یاد می آورد که آن چیز نجس بوده و در نتیجه لباس یا بدنش در هنگام نماز نجس بوده است.

حکم این نماز چیست؟

پاسخ: در مفروض سؤال، اگر از ناحیه وضو و غسل اشکالی پیدا نشده باشد، نماز صحیح است؛ ولی برای نمازهای بعد، موضع نجس را بشوید.

مباح بودن لباس

[683] سؤال 32: آیا نماز خواندن با لباسی که خمس به آن تعلق پیدا کرده یا با لباسی که از مالی تهیه شده که خمس آن را نداده اند، صحیح است یا باطل؟

پاسخ: اگر به عین لباس، خمس تعلق بگیرد و خمس آن به ذمه گرفته شود، تصرف در آن و از جمله نماز خواندن با آن اشکال ندارد؛ ولی بدون به ذمه گرفتن و یا پرداختن خمس آن، نماز در آن لباس صحیح نیست؛ و اگر با پولی که خمس به آن تعلق گرفته، لباس تهیه شده باشد، نماز با آن صحیح است؛ ولی باید فوراً خمس پرداخت شود.

[684] سؤال 33: اگر کسی در وسط نماز بفهمد که لباس او غصبی است، آیا می تواند نمازش را ادامه دهد؟

پاسخ: اگر غیر از آن لباس، ساتر دیگری که غصبی نیست داشته باشد، چنانچه بتواند بدون بر هم خوردن موالات فوراً لباس غصبی را در آورد، باید لباس را بیرون آورد و سپس نماز را ادامه دهد و صحیح است، اگرچه بیرون آوردن لباس در غیر ساتر فعلی، مبنی بر احتیاط است؛ ولی اگر این گونه ممکن نیست و وقت وسعت دارد، نماز را قطع کند و بعد با لباس مباح، نماز بخواند و اگر وقت تنگ است، در حال اشتغال به نماز، لباس را بیرون آورد و نماز را قطع نکند.

[685] سؤال 34: کسی که لباس غصبی پوشیده و موقع نماز نمی تواند لباس دیگری تهیه کند، چه طور نماز بخواند، با لباس غصبی یا عریان؟

پاسخ: اگر ناچار به پوشیدن لباس غصبی باشد، مثل این که بخواهد خود را از سرما و مانند آن حفظ کند و یا لباس را حفظ کند تا تلف نشود، می تواند در

همان لباس، نماز بخواند و نماز او صحیح است، مگر این که خودش آن لباس را غصب کرده باشد و لباس نیز ساتر بالفعل باشد که در این صورت، نماز او خالی از اشکال نیست و بنا بر احتیاط باید در همان لباس نماز بخواند و بعداً در لباس مباح نیز آن نماز را دوباره به جا آورد. البته اگر غرض از حفظ کردن لباس غصبی، برگرداندن آن به مالک اصلی باشد، دوباره خواندن نماز لازم نیست؛ ولی اگر مضطر به پوشیدن لباس غصبی نباشد و غیر از این لباس هم ساتر دیگری نداشته باشد، باید عریان نماز بخواند و دستور نماز خواندن شخص عریان، در رساله توضیح المسائل (مسأله 823) بیان شده است.

پوشی از اجزای میتة نباشد

[686] سؤال 35: اگر لباس نمازگزار از اجزای میتة حیوانی تهیه شده باشد که خون جهنده ندارد و میتة آن پاك است، آیا باز هم نمازش باطل است؟

پاسخ: اختصاص منع، به اجزای میتة ای که خون جهنده دارد، خالی از قوت نیست.

[687] سؤال 36: آیا می توان در چرم های وارداتی از خارج که با آنها بند ساعت یا جلد دفتر درست می کنند، نماز خواند؟

پاسخ: در چرم هایی که از خارج و کشورهای غیر اسلامی وارد می شوند و نمازگزار نمی داند تذکیر شرعی شده اند یا خیر، نمی توان نماز خواند. البته این در صورتی است که بدانند این اشیاء حتماً چرم هستند؛ ولی اگر ندانند که چرم هستند یا خیر، نماز خواندن در آنها اشکال ندارد.

پوشی از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد

[688] سؤال 37: حیوان حرام گوشتی که ذبح شرعی شده است، آیا نماز خواندن در لباسی که از اجزای این حیوان تهیه شده، صحیح است یا خیر؟

پاسخ: نماز خواندن در لباس مذکور صحیح نیست.

[689] سؤال 38: گربه ای از کنار شخصی که در حال نماز است، رد می شود و لباس او به مو و بدن گربه برخورد می کند. آیا نماز او درست است یا باطل؟

پاسخ: مالیده شدن بدن گربه به لباس یا بدن نمازگزار (ولو این که بدن گربه یا بدن و لباس نمازگزار خیس و مرطوب هم باشند)، اشکال ندارد، مگر این که موهای گربه کنده شده، به بدن یا لباس نمازگزار بچسبد، که در این صورت باید آنها را برطرف نماید و نماز را ادامه دهد و الا نمازش باطل می شود.

[690] سؤال 39: نماز خواندن در لباسی که در آن مقداری پوست خز یا سنجاب یا مار به کار رفته است، اشکال دارد یا بی مانع است؟

پاسخ: نماز خواندن با پوست خز اشکالی ندارد؛ ولی نماز خواندن با پوست سنجاب، خالی از اشکال نیست و نماز خواندن با پوست مار صحیح نیست.

[691] سؤال 40: در بعضی از مناطق از موی شتر و سایلی تهیه می شود. حال اگر شتر نجاستخوار شود، آیا با لباسی که از موی این شتر تهیه شود، می شود نماز خواند؟

پاسخ: بنا بر احتیاط نمی تواند با آن لباس نماز بخواند.

[692] سؤال 41: آیا با لباسی که نمی دانیم جنس آن از پوست حیوان است یا چیز دیگر، می توانیم نماز بخوانیم؟

پاسخ: نماز خواندن در لباس مذکور اشکال ندارد.

پوشش مرد از طلا نباشد

[693] سؤال 42: مردی با انگشتر طلا نماز می خواند، در حالی که نمی داند نماز با انگشتر طلا باطل است یا می داند، ولی فراموش کرده یا الان غفلت دارد که نباید با انگشتر طلا نماز بخواند. در صورت های مطرح شده، نمازش صحیح است یا باطل؟

پاسخ: در سه صورت فرض شده، نمازش صحیح است. البته در جهل به حکم، اگر در یادگرفتن مسأله کوتاهی کرده باشد، نمازش باطل است.

[694] سؤال 43: آیا مرد می تواند با ساعت یا گردنبند طلائی که کاملاً در زیر لباس پنهان شده و معلوم نیست، نماز بخواند؟

پاسخ: اگر اشیای ذکر شده در زیر لباس هم مخفی باشند، نماز با آنها صحیح نیست.

[695] سؤال 44: اگر چیزهایی مثل انگشتر یا دستبند یا ساعت که از جنس طلا ساخته شده، در جیب مردی که در حال نماز خواندن است، باشد، نمازش باطل است یا صحیح؟

پاسخ: نمازش صحیح است.

[696] سؤال 45: در مدارس پسرانه، گاهی مشاهده می شود که دانش آموزان از گردنبندهای طلا و غیر طلا استفاده می کنند که روی بعضی از آنها کلمات قرآنی و یا اسم ائمه اطهار علیهم السلام نوشته شده است و معمولاً در همه جا و همه حال به همراه دارند. حکم شرعی این عمل چگونه است؟

پاسخ: استفاده از طلای زینتی برای مردان جایز نیست و نماز خواندن با آن باطل است، مگر این که در جیب بگذارند؛ و اگر کلمات قرآن و اسم ائمه علیهم السلام بر آن نوشته شده باشد، نجس کردن و هتک حرمت آن جایز نیست.

[697] سؤال 46: آیا مرد می تواند با ساعت یا انگشتر یا گردنبندی که معلوم نیست از جنس طلاست یا نه، نماز بخواند؟

پاسخ: در فرض سؤال، اشکال ندارد.

[698] سؤال 47: استفاده از انگشتر پلاتین و نقره، در حین نماز اشکال دارد یا خیر؟

پاسخ: اشکال ندارد.

پوشش مرد از حریر نباشد

[699] سؤال 48: نماز خواندن برای مردان در پارچه هایی که فعلاً مشهور است که حریر

هستند، ولی انسان نمی داند که حریر واقعی و طبیعی هستند یا مصنوعی، چه صورتی دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

مستحبات و مکروهات پوشش در نماز

[700] سؤال 49: علاوه بر عقیق، به کار بردن چه سنگ های دیگری جهت نگین انگشتری مستحب است؟

پاسخ: راجع به استحباب انگشتر عقیق، یاقوت، زمرد، فیروزه، جزع یمنی و بلور، روایاتی چند در «ابواب احکام ملبس» از کتاب «وسائل الشیعه» وارد شده است.

[701] سؤال 50: آیا عطر زدن و آرایش نمودن و استفاده از گردنبند به هنگام نماز، برای زنان مستحب است یا خیر؟

پاسخ: عطر زدن و گردنبند به گردن آویختن در نماز، برای زنان استحباب دارد.

[702] سؤال 51: نماز خواندن با انگشتر و لباسی که دارای صورت و عکس جاندار و غیر جاندار است، چه حکمی دارد؟

پاسخ: نماز خواندن در لباس مفروض جایز است، اگرچه بهتر است اینها را به امید این که ترك کردنش مطلوب باشد، نپوشد.

[703] سؤال 52: پوشیدن لباس سیاه در نماز چه حکمی دارد؟

پاسخ: مکروه است.

[704] سؤال 53: آیا در ایام عزاداری ائمه معصومین و سید الشهداء علیهم السلام، پوشیدن لباس سیاه در هنگام نماز، مکروه است؟

ص: 176

پاسخ: چنانچه جزء شعائر محسوب شود، ظاهراً کراهت نداشته باشد.

احکام دیگر پوشش در نماز

[705] سؤال 54: نماز مرد در لباس مخصوص بانوان و نماز زن در لباس مخصوص به مردان، چه حکمی دارد؟

پاسخ: نماز در این حالت صحیح است؛ ولی بهتر است ترك شود.

[706] سؤال 55: بعضی از لباس ها مانند شلوار کمري مدتی قبل لباس مخصوص به مردان محسوب می شد؛ ولی امروزه بر اثر کاربرد زیاد توسط خانم ها، لباس مشترك محسوب می شود. آیا خانم ها می توانند در لباسی که قبلاً لباس مخصوص مردان بوده، ولی حالا لباس مشترك محسوب می شود، نماز بخوانند؟

پاسخ: بلی، می توانند.

[707] سؤال 56: نماز خواندن با کفش یا دستکشی که پاك است، چه حکمی دارد؟

پاسخ: با دستکش اشکالی ندارد؛ ولی نماز خواندن با کفش، اگر مانع رسیدن سر انگشت بزرگ پا به زمین شود، اشکال دارد، وگرنه جایز است.

مکان نمازگزار

شرایط مکان نمازگزار

مباح بودن مکان

[708] سؤال 57: نماز خواندن در وسیله نقلیه غصبی (مثل اتوبوس)، چه در حال حرکت یا ایستاده، آیا ضرری برای نماز دارد یا خیر؟ آیا در این صورت، اتوبوس، مکان نمازگزار محسوب می شود یا زمینی که اتوبوس بر روی آن ایستاده، مکان نمازگزار است؟

پاسخ: نماز خواندن در اتوبوس غصبی باطل است و اتوبوس، مکان نمازگزار

[709] سؤال 58: اگر وارد منزل کسی شویم که اطمینان داریم اهل خمس دادن نیست، نماز ما در آن منزل صحیح است یا باطل؟

پاسخ: اگر روی همان مکان و فرشی که نماز می خوانید، ندانید که خمس به آن تعلق گرفته یا نه، نمازتان در آن مکان صحیح است و اشکالی ندارد.

[710] سؤال 59: شخص رباخوار با پول ربوی، خانه ای می خرد یا می سازد. آیا نماز خواندن در آن خانه صحیح است؟

پاسخ: اگر رباخوار، برای تهیه خانه (خریدن یا ساختن) معامله را به صورت کلی انجام دهد، یعنی ثمن به ذمه باشد؛ ولی موقع پرداخت کردن، آن را از پول ربا بپردازد، معامله، صحیح و نماز در آن خانه صحیح است و اگر معامله، شخصی باشد، یعنی قصد آنها این باشد که خانه را در مقابل این پول (پول ربا) معامله کنند، معامله باطل و در صورت عدم رضایت مالک اول، نماز در آن هم باطل است.

[711] سؤال 60: شخص ربا گیرنده، برای ساخت یا خرید خانه، قرض ربوی می گیرد. آیا نماز خواندن در این منزل اشکال دارد؟

پاسخ: کسی که برای تهیه خانه، قرض ربوی می گیرد، اگر معامله را به صورت کلی انجام دهد، یعنی ثمن به ذمه باشد، ولی در موقع پرداخت، ثمن را از آن پول بپردازد، مالک خانه می شود و نماز هم در آن صحیح است؛ اما اگر معامله، شخصی باشد، یعنی قصد آنها این باشد که خانه را در مقابل این پول معامله کنند، صحت معامله خالی از اشکال نیست و نماز هم در آن خانه، در صورت عدم رضایت مالک اصلی، بنا بر احتیاط صحیح نیست.

[712] سؤال 61: آیا ایستادن، غذا و چای خوردن و نماز خواندن در خانه کسی که تازه از

دنیا رفته و اموال او بین ورثه تقسیم نشده، جایز است؟

پاسخ: در صورت عدم وصیت میّت، اگر در میان ورثه، صغیر و یا قاصر دیگری نباشد، با اجازه همه ورثه جایز و صحیح است؛ ولی اگر صغیر و قاصر دیگری باشد، ولی شرعی آنها در صورت مصلحت صغیر و قاصر می تواند نسبت به کارهایی که مستلزم صرف اموال نیست، اجازه دهد؛ اما در مورد صرف اموال، نسبت به سهم صغیر نمی تواند اجازه دهد و باید از مال بزرگ ترها و یا دیگران صرف شود.

[713] سؤال 62: دو نفر در خانه یا مغازه ای با هم شریک هستند. آیا هر يك از آنها می تواند با این حساب که مالک مقداری از خانه یا مغازه است، بدون اجازه دیگری در آن نماز بخواند؟ و اگر بدون اجازه شریک خود نماز بخواند، آیا وجهی برای تصحیح نمازش وجود دارد؟

پاسخ: با اذن شریک می تواند در خانه یا مغازه مشترک نماز بخواند و بدون اذن، صحیح نیست.

[714] سؤال 63: آیا انسان حق دارد در خانه ای که از مالی تهیه کرده که خمس یا زکات آن را نداده، نماز بخواند؟

پاسخ: اگر خمس بر عهده او بوده، نمازش در آن خانه صحیح است، مگر آن که اصلاً پایبند به پرداخت خمس نباشد و معامله را به نحو شخصی انجام دهد و اگر زکات بر عهده اش بوده، در صورتی که معامله اش معامله کلی باشد و یا اگر معامله شخصی بوده، پرداخت زکات را به ذمه گرفته باشد، نماز او در آن خانه صحیح است و در هر حال، باید فوراً خمس یا زکات را پرداخت کند.

[715] سؤال 64: کسی که در مکان غصبی زندانی شده است، آیا لازم است نماز بخواند؟ و اگر لازم است، کیفیت آن همانند نماز معمولی است یا خیر؟

پاسخ: لازم است نماز بخواند و نمازش همان نماز متعارف و معمول است؛

بلکه این شخص، مانند مضطر است و در صحّت نمازش اشکالی نیست.

[716] سؤال 65: اگر در منزلی که میهمان هستیم، احتمال دهیم که صاحب خانه راضی به نماز خواندن ما در آن خانه نیست، چه باید بکنیم؟

پاسخ: باید احراز کنیم که صاحب خانه راضی است که می توانیم آن را با اذن صریح یا اذن فحوی و یا به شاهد حال به دست آوریم و اگر ظن و گمان به رضایت هم پیدا کنیم، کافی است، وگرنه نماز خواندن در آن خانه اشکال دارد.

[717] سؤال 66: در اماکن عمومی (مانند مدارس)، محلی را برای سرایداران جهت نگهداری و حفظ اموال دولتی می سازند تا در آن جا مسکن گزینند؛ ولی گاهی مشاهده می شود در همان اماکن عمومی، از بودجه بیت المال محلی را برای اسکان کارمندان دیگر (به غیر از سرایداران یا خدمتگزاران) می سازند و آن اماکن عمومی را منزل موقت قرار می دهند. آیا خواندن نماز در چنین مکانی اشکال ندارد؟

پاسخ: تصرف در بیت المال صحیح نیست، مگر این که حاکم شرع اذن داده باشد. البته اگر این کار، طبق مقررات انجام شود، اشکال ندارد.

بی حرکت بودن مکان

[718] سؤال 67: آیا نماز خواندن در حال حرکت در وسایل نقلیه (هواپیما، قطار، کشتی و...) نیاز به اعاده دارد؟

پاسخ: اگر به خاطر تنگی وقت یا جهت دیگر، ناچار شود در وسایل نقلیه که در حال حرکت است، نماز بخواند، باید به قدری که ممکن است، در حال استقرار بدن نماز بخواند و به طرف قبله باشد، و اگر نمی تواند در تمام طول نماز استقرار بدن خود را حفظ کند، باید در صورت امکان، هنگام قرائت و ذکرهای واجب، بدن او مستقر باشد و در حال عدم استقرار، آنها را نگوید، مگر این که این امر موجب سکوت و فاصله زیاد بین کلمات شود و صورت نماز را به هم بزند که در این صورت باید اذکار را در همان حال عدم استقرار بگوید و نماز او

صحیح است.

[719] سؤال 68: آیا می توان نماز واجب را در حال اختیار، در وسیله نقلیه در حال حرکت یا در حال پیاده راه رفتن، به شرط این که بتوان جهت قبله را رعایت کرد، خواند؟

پاسخ: در حال اختیار، بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست.

[720] سؤال 69: آیا نماز خواندن روی تخت بیمارستان و در حال ایستاده، صحیح است یا نه؟

پاسخ: در صورتی که تخت حرکت نکند و محل سجده، ثابت و آرام باشد، نماز خواندن روی آن اشکال ندارد.

پاك بودن مكان

[721] سؤال 70: با توجه به این که نجاست کف اتاق های بیمارستان به وسیله «تی» شسته می شود، آیا موجب طهارت کف می شود یا نه؟ در صورت عدم پاکی، بیماران در این اتاق چگونه نماز بخوانند؟

پاسخ: در مفروض سؤال، اگر شرایط ذکر شده در توضیح المسائل برای تطهیر زمین مراعات نشود، کشیدن وسیله مذکور، موجب طهارت نمی شود؛ اما اگر یقین به نجاست آن مکان نداشته باشند یا مکان و بدن، خشك باشند، در صورتی که جای سجده (مثل مهر) پاك باشد، می توانند نماز بخوانند.

[722] سؤال 71: فردی را در اتاقی زندانی کرده اند و تمام کف اتاق که سجده بر آن صحیح است، نجس است و چیز دیگری هم برای سجده کردن ندارد. آیا واجب است باز هم نماز بخواند؟ و در صورت خواندن، باید اعاده کند یا خیر؟

پاسخ: در مفروض سؤال، واجب است نماز بخواند و بر همان موضع نجس سجده کند و اعاده لازم نیست.

[723] سؤال 72: اگر شخصی به نجاست چیزی علم نداشته یا نجاست آن را فراموش کرده باشد و در نماز، بر آن سجده کند و پس از نماز بفهمد، وظیفه او چیست؟

پاسخ: اگر دو سجده از يك ركعت را به این نحو به جا آورده باشد، بنا بر احتیاط واجب نماز خود را اعاده کند.

[724] سؤال 73: گاهی مشاهده می شود در مدارس که نمازخانه دارند و کف نمازخانه موقت شده است، دانش آموزان با کفش به داخل نمازخانه می روند. آیا در چنین نمازخانه ای افراد بالغ می توانند نماز بخوانند یا خیر؟

پاسخ: می توانند نماز بخوانند.

جلوتر یا مساوی نبودن زن نسبت به مرد

[725] سؤال 74: آیا جایز است در هنگام نماز، زن جلوتر از مرد یا موازی مرد بایستد؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست، مگر این که بین آنها حائل وجود داشته و یا این که ده ذراع فاصله باشد.

دیگر مسائل مکان نمازگزار

[726] سؤال 75: نماز خواندن در خانه ای که مجسمه یا عکس جاندار، بر در و دیوار آن نصب شده، چگونه است؟

پاسخ: نماز خواندن در مکانی که مجسمه یا عکس انسان یا حیوان در آن جا وجود دارد، مکروه است؛ ولی صحیح و مجزی است.

[727] سؤال 76: آیا خواندن نماز در مراکز تجمع دراویش و حسینیه های متعلق به دراویش، اشکال دارد یا خیر؟

پاسخ: نماز خواندن در محلّ مباح و طاهر اشکال ندارد؛ ولی باید محلّ معصیت نباشد و حضور در مجلس معصیت، گناه است.

نجس شدن مسجد

[728] سؤال 77: اگر در بین نماز، مسجد به واسطه خود نماز گزار یا شخص دیگری نجس شود، نماز گزار باید خواندن بقیه نماز را مقدم کند یا پاک کردن مسجد را از نجاست؟

پاسخ: در وسعت وقت نماز، اگر در وسط نماز باشد و نجس باقی ماندن مسجد، مخلّ به فوریت عرفی رفع نجاست مسجد باشد، قطع نماز و ازاله نجاست لازم است و اگر وقت ضیق باشد، نماز را تمام کند و بعد مسجد را تطهیر نماید.

[729] سؤال 78: کسی که مسجد را نجس کرده، آیا تطهیر آن در ابتدا برعهده اوست و در صورت کوتاهی کردن او بر عهده دیگران است یا او و دیگران در این مسأله فرقی ندارند؟ اگر تطهیر مسجد، مستلزم وقت و کار زیاد و یا مستلزم هزینه مالی باشد، در این صورت برعهده چه کسی است؟

پاسخ: اگر چه وجوب کفایی تطهیر مسجد بر عهده هر مکلف است، لکن اختصاصی هم به نجس کننده دارد. بقای نجاست، اثر کار اوست. پس باید آن را برطرف کند، ولو مستلزم مخارج باشد و اگر به وظیفه خود عمل نکند، حاکم می تواند او را الزام نماید.

[730] سؤال 79: می دانیم که جایی از مسجد نجس شده است، ولی مشکوک بین چند مکان از مسجد است و یا این که قطره ای نجاست روی فرش مسجد افتاده، ولی نمی دانیم کجای فرش است، آیا در این صورت وظیفه ای داریم یا خیر؟

پاسخ: هر جا را که احتمال می دهیم موضع نجس، آن جا باشد، لازم است تطهیر شود، مگر این که مستلزم حرج باشد که در این صورت وجوب تطهیر تا این حد نسبت به او ساقط است و بنا بر احتیاط واجب، فرش مسجد نیز از جهت لزوم تطهیر، حکم مسجد را دارد.

[731] سؤال 80: آیا احداث محلّ تخلّی (دستشویی) در پشت بام یا طبقهٔ دوم یا سوم مسجد، جایز است یا خیر؟

پاسخ: اگر طبقهٔ دوم یا سوم آن، جزء مسجد نباشد؛ یعنی به عنوان مسجد، وقف نشده باشد و احداث محلّ تخلّی، موجب تنجیس مسجد و یا اهانت به آن و یا موجب تصرّف در مسجد نباشد، اشکال ندارد؛ ولی در پشت بام مسجد (طبقهٔ بالای مسجد که ساخته نشده باشد)، این کار جایز نیست.

[732] سؤال 81: ورود غیر مسلمان (مسیحی، یهودی، زرتشتی، بی دین و...) به مسجد، جهت عرض تسلیت و اظهار همدردی با صاحبان مجلس ترحیم، چه حکمی دارد و آیا ممانعت از ورود او لازم است؟

پاسخ: داخل شدن کافر، در مسجد اشکال دارد و این گونه مجالس فاتحه را که در معرض شرکت غیر مسلمانان است، در غیر مسجد برگزار نمایند.

[733] سؤال 82: هنگام تعمیر و بازسازی مسجدی، درب و پنجره و تعدادی آجر از ساختمان مسجد جدا شده و هنوز در این مسجد یا مسجد دیگری به کار نرفته است. آیا این وسایل جدا شده از ساختمان مسجد، حکم خود مسجد را دارد و نجس کردن آنها حرام است یا این حکم، فقط مخصوص زمین مسجد است؟

پاسخ: احتیاط این است که وسایل و آجرهای جدا شده از مسجد را تنجیس نکنند، مگر این که بدانند واقف آن وسایل و آجرها را برای مسجد بودن، وقف نکرده است.

[734] سؤال 83: آیا منبر مسجد، در حرمت نجس نمودن و لزوم تطهیر فوری، حکم مسجد را دارد؟

پاسخ: منبر، حکم مسجد را ندارد.

[735] سؤال 84: آیا مشاهد مشرفهٔ ائمهٔ اطهار علیهم السلام، احکامش مانند احکام مسجد است؟

پاسخ: بعضی از احکام مسجد، مانند حرمت تنجیس را دارند و بنا بر احتیاط واجب توقّف جنب و حائض در آن اماکن جایز نیست و نیز بنا بر احتیاط مستحب، تطهیر آنها لازم است، مگر آن که باقی ماندن آنها بدون تطهیر، موجب هتک حرمت آنها شود که در این صورت تطهیر آنها واجب است.

[736] سؤال 85: مشاهد مشرفه، دارای قسمت های مختلف، مثل حیاطها و صحن ها، رواق ها، مکانی که ضریح مطهر در آن واقع شده و خود ضریح مطهر و داخل آن و قبور مطهره هستند. کدام يك از این بخش ها مشمول احکامی هستند که نسبت به مشاهد مشرفه بیان شده است؟

پاسخ: این احکام نسبت به قبر مطهر و ضریح و روضه مقدسه (محوطه ای که قبر مطهر و ضریح در آن واقع شده است)، جاری است و در بقیه قسمت های مسقف متصل به آنها نیز احتیاط مراعات شود.

انجام دادن غیر عبادات در مسجد

[737] سؤال 86: در یکی از روستاهای استان اصفهان، در کنار مسجد جامع روستا که اکثریت مردم در آن جا نماز می خوانند، مسجد دیگری وجود دارد که در و دیوار و فرش های آن پر از گرد و خاک است و گاه و بی گاه يك نفر به آن جا رفته و نماز می خواند.

الف. آیا می توان مسجد کم جمعیت را به عنوان کانون فرهنگی و بسیج مسجد جامع انتخاب کرد و در آن جا کتابخانه، سالن مطالعه، نوارخانه مذهبی و نیز غرفه عرضه کننده پوستر شهدا و علما و اسامی ائمه علیهم السلام ایجاد کرد؟

پاسخ: مسجد را به غیر مسجد نمی توان تبدیل کرد و احکام مسجد را دارد و درباره آموزش احکام و کارهای فرهنگی، باید شئون مسجد حفظ و رعایت شود.

ب. آیا می توان بودجه کانون فرهنگی را که کم است، با بودجه مسجد مخلوط کرد؟

پاسخ: پولی که برای مسجد داده می شود، باید بر طبق نظر دهنده پول و در

مواردی که منظور نظر او بوده، مصرف شود.

[738] سؤال 87: آموزش ورزش های رزمی در داخل مساجد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در صورتی که با شئون مساجد منافات نداشته باشد و موجب هتک حرمت مسجد و ایجاد مزاحمت برای نمازگزاران نشود، با رعایت مصلحت وقف و مسجد و با اذن متولی اشکال ندارد.

[739] سؤال 88: نمایش فیلم و ویدئو در مسجد و برگزاری کلاس های آموزش قرآن و احکام و برنامه های فرهنگی دیگر برای نوجوانان، چه حکمی دارد؟

پاسخ: آموزش قرآن و احکام دین و فرهنگ سالم اسلامی در مسجد، با هر وسیله مناسب و با حفظ شئون مسجد و به طوری که برای نمازگزاران مزاحمت ایجاد نکند، مانعی ندارد.

[740] سؤال 89: استعمال سیگار در مکان های مقدّس، مانند حرم ائمه اطهار علیهم السلام، مسجد، حسینیه و امام زاده ها چه حکمی دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد، مگر آن که اهانت محسوب شود و یا موجب اذیت و یا ضرر برای دیگران باشد.

تزئین مسجد

[741] سؤال 90: تزئین و زینت کاری مساجد، با نقاشی و کاغذ دیواری عکسدار، همچنین نصب قاب عکس و منظره در این مکان ها، چه حکمی دارد؟

پاسخ: تزئین مساجد، مکروه است و نصب قاب عکس و منظره در مساجد، اگر مستهجن نباشد، مکروه است و اگر مستهجن و اهانت آمیز باشد، حرام است.

نصب عکس در مسجد

[742] سؤال 91: نصب تصاویر شخصیت های مذهبی و سیاسی، در مکان های مقدّس

مذهبی (مانند امام زادگان و مساجد)، چه حکمی دارد؟

پاسخ: نماز خواندن در مکان هایی که تصویر و عکس انسان و یا حیوان نصب شده، مکروه است. لذا نصب عکس در جاهایی که محلّ عبادت است، خوب نیست.

[743] سؤال 92: حکم نصب تماثیل شهدای گرانقدر در مساجد، به گونه ای که پیش روی نمازگزاران (طرف قبله) نباشد، چیست؟ و آیا تفاوتی بین تمثال منقّش شده روی کاشی (دائمی) و تمثال روی کاغذ یا پارچه (موقت) وجود دارد؟

پاسخ: تزئین مساجد با عکس انسان و حیوان (مثل کاشی کاری و مانند آن)، بنا بر احتیاط باید ترك شود و بهتر است از نصب عکس انسان و حیوان نیز در مسجد خود داری شود.

[744] سؤال 93: آیا کشیدن پرده بر روی عکسی که در مسجد نصب شده، به طوری که در هنگام برگزاری نماز جماعت، عکس رؤیت نشود، تأثیری بر حکم کراهت نصب عکس در مسجد دارد؟

پاسخ: در این صورت، کراهت نماز خواندن در آن مکان برداشته می شود.

ساخت، توسعه و تخریب مسجد

[745] سؤال 94: آیا در صورت عدم امکان گسترش ساختمان يك مسجد، می توان مسجد را در محلّ دیگری غیر از مکان مسجد فعلی بنا نهاد یا خیر؟

پاسخ: می توان در محلّ دیگری مسجد ساخت؛ ولی مسجد قبلی بر مسجدیت باقی است و تخریب آن جایز نیست (ولو کم استفاده شود) و بر فرض تخریب، زمین آن، حکم مسجد را دارد.

[746] سؤال 95: اهالی ده «وَدَّك»، حَقّ اعیانی و کشاورزی يك قطعه زمین را برای احداث مسجد، از کشاورزی که ملك در تصرف اوست و طبق اسناد، حَقّ ریشه و اعیانی دارد،

خریداری نموده اند؛ لیکن عرصه آن به شخص دیگری که زرتشتی است، تعلق دارد.

خواهشمندیم نظر مبارك را در رابطه با اقامه نماز جماعت و تصرف در آن بیان فرمایید.

پاسخ: در فرض مذکور، نماز خواندن اشکال دارد، مگر این که از صاحب زمین اجازه بگیرند و یا زمین را از او خریداری نمایند.

[747] سؤال 96: آیا از آب استفاده شده (فاضلاب)، می توان در بنای مسجد استفاده کرد؟

پاسخ: اگر علم به نجاست آن آب نباشد، اشکال ندارد؛ اما با وجود آب تمیز و بدون شبهه، شایسته است که از آب تمیز استفاده کنند.

[748] سؤال 97: بعد از ساخته شدن مسجدی، معلوم شد دو نفر که یکی آجر و دیگری سنگ و موزائیک مسجد را داده اند با ربا سر و کار دارند. تکلیف مردم با این مسجد چیست؟

پاسخ: نظر به این که عموماً خرید و فروش مصالح، بر ذمه است و عین پول ربوی، عوض و معوض نیست، از این جهت اشکالی بر مسجد نیست و احکام مسجد را دارد.

[749] سؤال 98: اگر با پول خمس نداده مسجد بسازند، نماز در آن مسجد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: نماز در آن صحیح است؛ ولی باید صاحبان پول، خمس را فوراً پرداخت کنند.

[750] سؤال 99: در بعضی از مساجد، بخصوص مساجد بزرگ یا توسعه یافته، نمی دانیم که بعضی از قسمت ها جزء مسجد است یا نه.

آیا با این قسمت ها به عنوان مسجد برخورد کنیم؟ و آیا لازم است تحقیق کنیم تا بفهمیم که این قسمت ها جزء مسجد است یا خیر؟

پاسخ: اگر اماره ای (مانند ظاهر حال و یا معامله مسلمانان با آن به مانند

معامله با مسجد) نباشد، حکم مسجد بر آن جاری نیست، اگر چه احتیاط این است که حکم مسجد را بر آن جاری کنند، مادامی که علم بر خلاف ندارند.

[751] سؤال 100: مسجدی که خراب شده و از بین رفته و حالا تبدیل به زمین و بیابان شده و یا جزء خیابان و پارک و امثال آن گشته، آیا باز هم حکم مسجد را دارد یا نه؟ اگر این گونه مسجدی در بلاد کفر واقع شده باشد، حکمش با بلاد اسلامی متفاوت است یا خیر؟

پاسخ: احتیاط این است که حتی در مسجدی که ویران شده و اکنون به نام پارک و یا چیز دیگری است، احکام مسجد رعایت شود و فرقی نیست در بلاد اسلامی باشد یا در بلاد کفر. بلی، در زمین مفتوح به عنوه، اگر آثار مسجد بودن به طور کلی از میان برود، ممکن است از مسجد بودن خارج شود.

احکام دیگر مسجد

[752] سؤال 101: شخصی در مسجد برای نماز جا می گیرد و برای وضو گرفتن بیرون می رود. اگر شخصی دیگری جای او را اشغال کند و در جای او نماز بخواند، آیا نمازش صحیح است؟

پاسخ: احتیاطاً نماز را اعاده کند.

[753] سؤال 102: آیا جایز است پرده حائل بین مردان و زنان در مسجد برداشته شود و مردان و زنان، در کنار هم نماز بخوانند؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب زن در هنگام نماز نباید جلوتر یا مساوی با مرد بایستد، مگر این که به اندازه ده ذراع فاصله داشته باشند یا بین آنها حائلی وجود داشته باشد. بنا بر این در فرض سؤال (در کنار هم نماز خواندن)، با توجه با این که در جماعت، اتصال شرط است، وجود حائل لازم است و در هر حال سزاوار است صف های نماز مردان و زنان تا حدی که ممکن است به نحوی جدا تشکیل شود که زمینه توجه به خدا و نماز و رعایت شئون مسجد و نمازگزاران بیشتر محقق شود.

[754] سؤال 103: بعضی از مساجد، پس از اقامه نماز جماعت بسته می شود. آیا این کار اشکال شرعی ندارد؟

پاسخ: با توجه به این که بازبودن نیز ممکن است محذوراتی داشته باشد، بستن آن اشکال شرعی ندارد؛ ولی اگر بتوانند مسجد را باز بگذارند تا مردم نماز بخوانند، بهتر است.

[755] سؤال 104: آیا مکان هایی که در دانشگاه ها به عنوان نمازخانه برای اقامه نماز انفرادی یا جماعت اختصاص داده می شوند، حکم مسجد را دارند یا با يك اتاق معمولی از نظر احکام شرعی یکسان هستند؟

پاسخ: اگر به عنوان مسجد وقف نشده باشند، احکام مسجد را ندارند؛ ولی مناسب است محترم شمرده شوند.

نمازهای یومیه

وقت نمازهای یومیه

[756] سؤال 105: نظر حضرت عالی در مورد ساعات شرعی که از رسانه ها اعلام می شود، چیست؟

پاسخ: مکلف برای خواندن نماز و گرفتن روزه باید به اوقات شرعی علم پیدا کند، چه از طریق رسانه های خبری باشد و چه از طریق دیگر.

[757] سؤال 106: آیا در طلوع فجر بین لیالی مُقمره و غیر مُقمره فرقی وجود دارد؟

پاسخ: میزان در طلوع فجر در لیالی مقمره و غیر مقمره، قابل رؤیت بودن سفیدی در عرض افق است و فرقی بین آن دو نیست؛ ولی اگر قابل رؤیت بودن سفیدی (طلوع فجر) مشخص و معلوم نباشد، باید در روزه احتیاطاً قدری زودتر امساک نمود و نماز را قدری با تأخیر خواند.

[758] سؤال 107: آیا خواندن نمازهای یومیه در پنج وقت، رجحان دارد؟

پاسخ: رجحان دارد و مستحب است.

[759] سؤال 108: انجام دادن چه کاری در بین نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا، باعث فاصله شدن بین دو نماز می شود تا بتوانیم ثواب خواندن نمازهای یومیه در پنج وقت را درک کنیم؟ آیا خواندن نماز نافله و یا تعقیبات نماز، باعث فاصله می شود؟

پاسخ: مسماى فاصله كافی است؛ ولی برای درك بیشترین ثواب، باید هر نماز، در وقت فضیلت خودش خوانده شود.

[760] سؤال 109: شخصی با یقین به این که وقت نماز شده است، وارد نماز می شود؛ ولی در بین نماز شك می کند که وقت نماز شده یا نه. در این جا چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: می تواند به امید دخول وقت، نماز را به اتمام برساند. اگر بعد از اتمام، یقین حاصل کرد که نمازش در وقت واقع شده و یا در اثنای نماز و قبل از شك، وقت داخل شده است، نماز، محکوم به صحّت است و اعاده ندارد، و الا باید نماز را اعاده نماید.

[761] سؤال 110: کسی که اطمینان دارد وقت نماز داخل شده و شروع به نماز خواندن می کند و بعد از نماز می فهمد که هنگام شروع نماز، وقت نماز نشده بود، آیا نمازش صحیح است؟

پاسخ: اگر بعد از نماز، معلوم شد که تمام نماز، قبل از دخول وقت واقع شده، نماز باطل است؛ ولی اگر معلوم شد که در وسط نماز، وقت نماز داخل شده، نماز صحیح است.

[762] سؤال 111: کسی که بعد از نماز شك می کند که نماز را در داخل وقت خوانده یا قبل از داخل شدن وقت، آیا نمازش صحیح است یا خیر؟

پاسخ: اگر در وقت شك کردن (بعد از تمام کردن نماز)، باز هم شك دارد که

اکنون وقت داخل شده است یا نه، در این صورت نمازش صحیح نیست؛ ولی اگر در وقت شك کردن (بعد از تمام کردن نماز)، وقت داخل شده باشد، چنانچه هنگام شروع نماز التفتات به داخل شدن وقت داشته و یا الآن شك دارد که التفتات داشته یا نه، در این صورت نمازش صحیح است؛ اما اگر می داند که موقع شروع نماز التفتات به داخل شدن وقت نداشته، باید نمازش را دوباره بخواند.

[763] سؤال 112: کسی که وقت نمازش بسیار تنگ شده، به طوری که فقط برای خواندن يك رکعت نماز و آن هم به اندازه گفتن تکبیرة الاحرام و خواندن حمد و انجام دادن يك رکوع و دو سجده با گفتن يك سبحان الله در رکوع و سجده فرصت دارد، آیا نمازش قضا شده است یا باید به همین صورت نمازش را بخواند؟

پاسخ: نمازش قضا نشده و باید در همان وقت، با همان کیفیت، نمازش را به تیت ادا بخواند؛ ولی جایز نیست خواندن نماز را عمداً تا این وقت به تأخیر بیندازد.

[764] سؤال 113: حکم نماز و روزه در قطب شمال و جنوب و حکم نماز و روزه فضانوردان در ماهواره هایی که به طور ثابت به دور زمین می چرخند و شاهد طلوع و غروب خورشید نیستند، چیست؟

پاسخ: بر طبق ایام و لیالی معتدله عمل نماید؛ یعنی در 24 ساعت، نصف را شب و نصف را روز فرض نماید، بدین نحو که زمان فعالیت خود را روز و زمان استراحت خود را شب قرار دهد و با ابزاری مثل ساعت، زمان فرضی طلوع، زوال و غروب آفتاب را مشخص کند و يك ساعت و نیم قبل از طلوع آفتاب را طلوع فجر و بیست دقیقه بعد از غروب آفتاب را اذان مغرب قرار دهد و با این کیفیت، می تواند نماز و روزه را انجام دهد.

رعایت ترتیب در خواندن نمازهای یومیه

[765] سؤال 114: وظیفه نمازگزارى که در وسط نماز عصر متوجه می شود که نماز ظهر را

پاسخ: اگر در وقت مختص به عصر است، نماز عصر را که مشغول آن است تمام کند و سپس قضای نماز ظهر را به جا آورد و اگر در وقت مشترك است، نیت خود را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و سپس چهار رکعت نماز به نیت «ما فی الذمه» یا به نیت عصر بخواند.

[766] سؤال 115: کسی که مدتی طولانی نماز عشا را قبل از نماز مغرب خوانده است، وظیفه اش چیست؟

پاسخ: چنانچه در یادگیری مسأله مقصر نبوده باشد، اعاده لازم نیست.

[767] سؤال 116: کسی که نماز عصر خود را می خواند، با این اعتقاد که نماز ظهرش را خوانده است و بعد از نماز عصر می فهمد که نماز ظهرش را نخوانده، نماز دوم را به چه نیتی باید بخواند (ظهر یا عصر)؟ و نماز اولش را باید نماز ظهر قرار دهد یا نماز عصر؟

پاسخ: نمازی را که خوانده، ظهر قرار می دهد و نماز عصر را می خواند و اشکالی ندارد؛ ولی بهتر است چهار رکعت دوم را به نیت «ما فی الذمه» بخواند.

[768] سؤال 117: اگر در بین نماز ظهر یا در بین نماز عصر، شك کند که نماز ظهر را قبلاً خوانده یا نه، چه کار باید انجام دهد؟

پاسخ: اگر در نماز ظهر و در وقت مشترك است، نماز را به عنوان ظهر تمام می کند و اگر در وقت مختص عصر است، باید نماز را قطع کند و نماز عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند و اگر در نماز عصر است، چنانچه در وقت مشترك باشد، نیت خود را به نماز ظهر برمی گرداند و پس از اتمام آن، نماز عصر را می خواند و اگر در وقت مختص به نماز عصر باشد، نماز عصر خود را تمام می کند و نماز ظهر را قضا می نماید.

[769] سؤال 118: لطفاً مقداری راجع به قصد قربت که روح نماز و سایر عبادات محسوب می شود، توضیح دهید.

پاسخ: قصد قربت، یعنی انسان عبادت را برای امتثال امر خدا و تحصیل رضایت او انجام دهد و به عبارت روشن تر، انگیزه الهی، او را به سوی عمل عبادی حرکت دهد و تا آخر عمل، این انگیزه همراه با او باشد. البته این موضوع دارای مراتب و درجاتی است که بالاترین همان است که امیرالمؤمنین علیه السلام داشت که عبادت او از روی خوف جهنم و یا طمع بهشت نبود، بلکه از آن جهت بود که خدا را سزاوار پرستش می دانست و بدین جهت خداوند را عبادت می کرد.

[770] سؤال 119: چنانچه انسان در بین نماز، در مورد تیت نماز دچار مشکل شود، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: در تیت نماز، نباید وسوسه به خرج داد. همین قدر که توجه داشته باشد که برای انجام فرمان خداوند نماز می خواند، کافی است و لازم نیست تیت را به زبان جاری کند یا از قلب بگذراند.

[771] سؤال 120: تیت نماز صبح، زمانی که هوا ابری است، چگونه است؟

پاسخ: اگر منظور از ابری بودن هوا، شك در طلوع آفتاب است، می تواند نماز را به قصد «ما فی الذمه» بخواند.

[772] سؤال 121: کسی می داند که يك نماز خوانده، ولی نمی داند که تیت نماز ظهر را کرده یا تیت نماز عصر را و یا این که نمی داند

نماز مغرب را خوانده یا نماز عشا را. این فرد، نماز دوم را به چه تیتی باید بخواند؟

پاسخ: در نماز ظهر و عصر، باید يك نماز چهاررکعتی بخواند و بنا بر احتیاط واجب آن نماز باید به نیت ما فی الذمه باشد و در نماز مغرب و عشا باید هر دو نماز را بخواند و اگر فقط سه رکعت یا کمتر به پایان وقت نماز عشا باقی مانده، مخیر است هر يك از نماز مغرب یا عشا را در آن وقت بخواند و دیگری را در خارج وقت قضا کند.

[773] سؤال 122: آیا بازگرداندن نیت نماز، از نافله به نافله دیگر یا از نافله به واجب، صحیح و جایز است؟

پاسخ: در هر دو صورت، عدول کردن صحیح نیست.

[774] سؤال 123: آیا می توان در نماز، نیت را از نماز ادا به نماز قضا و یا از نماز قضا به نماز ادا برگرداند؟

پاسخ: برگرداندن نیت از نماز قضا به نماز ادا جایز نیست؛ ولی برگرداندن نیت از نماز ادا به نماز قضا اشکالی ندارد؛ یعنی اگر نماز ادا را شروع کند و در بین نماز به خاطر آورد که نماز قضایی برعهده اوست، می تواند نیت خود را به آن نماز قضا برگرداند؛ بلکه اگر نماز قضای همان روز باشد، عدول به نماز قضا بنا بر احتیاط لازم است.

[775] سؤال 124: آیا واجب است در نیت نماز، تعیین کنیم که نماز ما واجب است یا مستحب یا قصد قربت به تنهایی کافی است؟

پاسخ: قصد وجوب و یا ندب، لازم نیست، مگر در موردی که تعیین یکی از آنها متوقف بر قصد یکی از آنهاست، مثل این که در اول طلوع صبح می خواهد هم نافله صبح بخواند و هم فریضه صبح را که در این صورت باید با قصد، تعیین کند که کدام نماز را می خواند.

[776] سؤال 125: کسی که در بین نماز برای او حالت عجب پیش می آید، اما با توجه

دوباره این حالت زائل می شود، آیا ایرادی بر نمازش وارد می شود یا خیر؟

پاسخ: نمازش صحیح است.

[777] سؤال 126: آیا عجب و ریایی که بعد از نماز برای انسان حاصل می شود، اشکالی در اصل نماز ایجاد می کند یا خیر؟ عجب و ریای قبل از نماز چه طور؟

پاسخ: در هر دو صورت، چنانچه هنگام نماز ریا نداشته باشد، نمازش صحیح است و اشکالی به نماز وارد نمی شود.

تکبیرة الاحرام

[778] سؤال 127: دختر 23 ساله ای در نمازهایش «تکبیرة الاحرام» را نگفته است. حکم آن نمازها چیست؟

پاسخ: نمازهایی را که بدون «تکبیرة الاحرام» خوانده است، اعاده کند.

[779] سؤال 128: گاهی بعد از گفتن تکبیرة الاحرام، شك می کنیم که حرف «راء» در کلمة «اکبر» را تلفظ کردیم یا خیر. در این جا چه کنیم تا نمازمان را صحیح خوانده باشیم؟

پاسخ: بنا را بر صحیح گفتن می گذارید و لازم نیست تکبیرة الاحرام را دوباره بگویید.

قیام

[780] سؤال 129: کسی که فقط با استفاده از پای مصنوعی، قادر به ایستادن است، آیا لازم است با استفاده از پای مصنوعی (به شکل ایستاده) نماز بخواند یا نشسته هم می تواند نماز بخواند؟

پاسخ: لازم است با پای مصنوعی و ایستاده نماز بخواند.

[781] سؤال 130: کسی که به صورت معمولی نمی تواند بایستد و اگر بخواهد بایستد، باید این کار را به شکل بسیار غیر طبیعی انجام دهد، آیا وظیفه اش در نماز، ایستادن است یا

پاسخ: وظیفه اش خواندن نماز در حال قیام است و قیام با همه اقسامش (اگر ایستادن بر آن صدق کند)، بر نشستن مقدم است.

[782] سؤال 131: کسی که قادر نیست ایستاده نماز بخواند، ولی می تواند بر روی زانوهای خود بایستد، آیا باید به این صورت نماز بخواند یا به حالت نشسته؟

پاسخ: می تواند نشسته نماز بخواند، اگر چه احتیاط این است که مانند شخص ایستاده بر روی زانوهای خود بایستد و به همان صورت، نماز خود را بخواند.

[783] سؤال 132: فردی در بین نماز، مدت کوتاهی از روی عمد يك پای خود را بلند کرده و دوباره به زمین می گذارد. آیا نمازش صحیح است؟

پاسخ: در موقع عدم اشتغال به قرائت نماز و تسیحات اربعه، نمازش صحیح است؛ ولی هنگام اشتغال، بنا بر احتیاط واجب باید هر دو پا روی زمین باشد.

[784] سؤال 133: آیا ایستادن در نماز بر روی يك پا یا بر روی انگشتان یا پاشنه پا، به جهت درد پا یا در حال اختیار، صحیح است یا نماز را باطل می کند؟

پاسخ: در حال اشتغال به حمد و سوره و تسیحات اربعه ایستادن بر روی يك پا در حال اختیار، بنا بر احتیاط جایز نیست و در حال اضطرار اشکال ندارد و در بقیه موارد ذکر شده در سؤال، در حال اضطرار و اختیار بلا مانع است، به شرط آن که از حال انتصاب و استقرار خارج نشود.

[785] سؤال 134: اگر انسان در حالت ایستاده، قادر به انجام رکوع نباشد، نماز را باید ایستاده بخواند یا نشسته؟

پاسخ: نماز را نشسته بخواند و در حال نشسته رکوع کند و بنا بر احتیاط واجب يك نماز نیز در حال ایستاده بخواند و رکوع را با اشاره به جا آورد.

[786] سؤال 135: اگر شخصی در صورت ایستاده نماز خواندن، قادر به انجام دادن رکوع و سجود نباشد و مجبور باشد آنها را با اشاره به جا آورد، ولی در صورت نشسته به جا آوردن نماز، بتواند رکوع در حال نشسته و سجود را به جا آورد، وظیفه اش چیست؟
پاسخ: نماز را به صورت نشسته و به همان کیفیت ذکر شده بخواند.

[787] سؤال 136: مکلفی که به علت ناتوانی، قدرت بر ایستادن در طول نماز را ندارد، ولی مقداری از آن را می تواند ایستاده بخواند، به چه صورت باید نماز بخواند؟ نشسته یا ایستاده یا ترکیبی از هر دوی آنها؟

پاسخ: باید نماز را در حال ایستاده شروع کند و هر گاه که از ایستادن عاجز شد، بنشیند و اگر دوباره قدرت بر ایستادن پیدا کرد، بایستد. به عبارت دیگر، هر موقع که قادر به ایستادن است، نماز را ایستاده می خواند و هر موقع که نتواند ایستاده بخواند، آن را نشسته به جا می آورد.

[788] سؤال 137: کسی که بر اثر سرگیجه در بین نماز، مجبور می شود که مدتی را بنشیند، چگونه نمازش را ادامه دهد؟

پاسخ: اگر مدت سرگیجه مقدار کمی است که موالات نماز به هم نمی خورد، پس از نشستن و رفع شدن سرگیجه برخیزد و نمازش را ادامه دهد و اگر مدت آن طولانی است، در مدتی که نمی تواند ایستاده نماز بخواند، نشسته نمازش را ادامه دهد.

[789] سؤال 138: شخصی که می تواند به طور ایستاده نماز بخواند، ولی به جهت وضعیت جسمی خود، احتمال زیاد می دهد که ایستاده نماز خواندن در دراز مدت به او صدمه وارد کند، آیا جایز است که نشسته نماز بخواند؟

پاسخ: اگر تشخیص پزشکان موثق، برای او خوف ضرر قابل اعتنا در مورد نماز ایستاده را در پی داشته باشد، به صورت نشسته نماز بخواند.

قرائت حمد و سوره از روی قرآن

[790] سؤال 139: در نماز، خواندن حمد یا سوره از روی قرآن، چه در حالاتی، مثل حفظ نبودن حمد یا سوره، نسیان و... و چه در حال اختیار، چه حکمی دارد؟

پاسخ: احتیاط لازم این است که حمد و سوره در نماز واجب، در حال اختیار از روی قرآن خوانده نشود؛ ولی در حالات ذکر شده در سؤال، اشکال ندارد و در نماز مستحبی، خواندن از روی قرآن مطلقاً جایز است.

[791] سؤال 140: بنده می خواهم در نمازهای یومیه خود، بعضی از سوره های قرآن را بخوانم که حفظ نیستم، مثل سوره جمعه، اعلی و شمس. آیا می توانم این سوره ها را با در دست گرفتن قرآن بخوانم؟

پاسخ: اشکال ندارد.

قرائت های مختلف قرآن در نماز

[792] سؤال 141: با توجه به این که کلمه «کفواً» در آیه شریفه «ولم یکن له کفواً احد»، به چهار صورت، حتی به تشدید «واو» خوانده شده است، آیا هر کدام از این چهار صورت، در نماز جایز است؟

پاسخ: می توانید این کلمه را به صورت «کُفُوّاً» یعنی با ضمّ فاء و با همزه و یا به صورت «کُفُوّاً» یعنی با فاء ساکن و با همزه و یا به صورت «کُفُوّاً» یعنی با ضمّ فاء و با واو و یا به صورت «کُفُوّاً» یعنی با فاء ساکن و با واو بخوانید، اگر چه احتیاط مستحب این است که به صورت اخیر قرائت نکنید؛ ولی خواندن آن به تشدید واو جایز نیست.

قرائت سوره توحید و کافرون در نماز

[793] سؤال 142: آیا این حکم شرعی که بعد از شروع به خواندن سوره توحید و کافرون در نماز، نمی توان این دو سوره را رها کرد و سوره دیگری خواند، مخصوص نمازهای

واجب است یا در نماز مستحبی هم همین حکم وجود دارد؟

پاسخ: احتیاط این است که در غیر حال ضرورت، در نمازهای مستحبی هم عدول از سوره جحد (کافرون) و توحید، به سوره دیگر جایز نیست.

قرائت در نماز جمعه و نماز ظهر و عصر روز جمعه

[794] سؤال 143: این که گفته می شود: «بر مرد واجب است قرائت در نماز ظهر، به غیر از روز جمعه، آهسته باشد»، آیا نظرشان این است که بلند خواندن در نماز ظهر روز جمعه برای مرد، جایز است یا مستحب یا واجب؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب، حمد و سوره در نماز جمعه باید بلند خوانده شود و در نماز ظهر روز جمعه باید آهسته خوانده شود.

[795] سؤال 144: بنده می خواهم در نماز ظهر و عصر روز جمعه، سوره های جمعه و منافقون را بخوانم، آیا می توانم با صدای بلند قرائت کنم یا باید آهسته بخوانم؟

پاسخ: قرائت نماز عصر، حتی در روز جمعه باید آهسته باشد و قرائت نماز ظهر روز جمعه نیز بنا بر احتیاط واجب باید آهسته باشد.

رعایت قواعد تجوید

[796] سؤال 145: آیا رعایت قواعد تجوید، در نماز واجب است؟ اگر واجب است تا چه مقدار؟

پاسخ: معیار، صدق تلفظ حروف به نحو صحیح در عرف عرب زبانان، به حسب امکان نمازگزار است و مقدار واجب از قواعد تجوید که باید رعایت شود، در بحث قرائت نماز، در رساله عملیه ذکر شده است.

[797] سؤال 146: آیا در نماز، رعایت کردن قواعد تجوید که در کتاب های تجویدی آمده است، استحبابی دارد یا خیر؟

پاسخ: رعایت آنچه که علمای تجوید به عنوان محسنات ذکر کرده اند، واجب

نیست، اگر چه رعایت آن بهتر است.

[798] سؤال 147: آیا در نماز، ادغام کردن نون ساکنه و تنوین، در حروف «یرملون» (مثل «ولم یکن له») واجب است؟

پاسخ: احتیاط، در ادغام کردن است، اگر چه لازم نیست.

[799] سؤال 148: آیا رعایت دو مد لازم که در «ولا الضَّالِّین» وجود دارد، واجب است؟

پاسخ: بنا بر احتیاط باید رعایت شود.

[800] سؤال 149: آیا در نماز، خواندن کلمه های «صراط» و «صَلِّ» با حرف «س» نیز جایز و صحیح است؟

پاسخ: «صراط» را می توان با حرف «س» نیز تلفظ کرد؛ ولی در کلمه «صَلِّ» صحیح نیست.

[801] سؤال 150: منظور از «وقف به حرکت» یا «وصل به سکون» در قرائت نماز چیست؟ و معیار، برای عدم تحقق «وصل به سکون»

چیست؟ و آیا مکث یک ثانیه ای یا ذره ای نفس کشیدن کافی است؟

پاسخ: منظور از وقف و وصل، مکث و اتصال عرفی است. برای توضیح بیشتر، به مسأله 1027 رساله عملیه مراجعه شود.

[802] سؤال 151: «وصل به سکون» و «وقف به حرکت»، در حمد و سوره و اذکار مستحبی و اذکار واجب و تشهد و سلام، چه حکمی

دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

تکرار سوره و آیات و اذکار در نماز

[803] سؤال 152: آیا در نمازهای واجب هم می توان، مانند نمازهای مستحبی، به جای یک سوره، چند سوره در یک رکعت نماز

خواند، یا نمی توان؟

ص: 201

پاسخ: احتیاط واجب، ترك قرائت بیشتر از يك سوره در نماز واجب است.

[804] سؤال 153: آیا تکرار آیات شریفه و اذکار و دعاهایی که در نماز خوانده می شود، جایز است؟ و در صورت جایز بودن، آیا فضیلتی دارد یا خیر؟

پاسخ: جایز است و اشکال ندارد و قهراً ثواب و فضیلت هم دارد.

ترك سهوی قرائت

[805] سؤال 154: شخصی در نماز بعد از تکبیرة الاحرام، بدون خواندن حمد و سوره سهواً به رکوع می رود. آیا نماز او درست است یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، نمازش را ادامه دهد؛ یعنی بعد از رکوع ذکر شده، دو سجده به جا آورد و سپس برای رکعت دوم بلند شود و بعد از نماز، به احتیاط مستحب دو سجده سهو به جا آورد و نمازش صحیح است.

غلط خواندن نماز

[806] سؤال 155: شخصی زحمت کشیده و قرائت نماز را یاد گرفته است؛ ولی يك یا دو حرف را اشتباه تلفظ می کرده و گمان خودش این بوده که به طور صحیح تلفظ می کرده است. اکنون که متوجه اشتباه خود شده است، چه باید بکند؟

پاسخ: در فرض سؤال، نمازهایی که خوانده کفایت می کند و اعاده لازم نیست.

[807] سؤال 156: کسی در اوایل دوران بلوغ، قرائت نمازش صحیح نبوده و مثلاً حرف «ص» را «س» و یا حرف «ح» را «ه» تلفظ می کرده، ولی به گمان خودش نمازهایش صحیح بوده است. حال، تکلیفش نسبت به آن نمازها چیست؟

پاسخ: اگر جاهل مقصّر نباشد، نمازهایش صحیح است و اعاده و قضا ندارد.

[808] سؤال 157: کسی که در اوایل تکلیف خود نمازهایش را خوانده، ولی مخارج حروف را رعایت نکرده و مانند فارسی زبانان کلمات نماز را ادا کرده و اصلاً به این مسأله

توجهی نداشته و گمانش بر این بوده که نمازهایش صحیح است، آیا باز هم تکلیفی در این باره دارد یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، نمازهای قبلی او صحیح است؛ ولی پس از این در حد امکان باید به نحو صحیح تلفظ نماید.

[809] سؤال 158: کسی که هر چه تلاش می کند، باز هم نمازش را غلط می خواند، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: وظیفه اش خواندن نماز به همان صورت است که می تواند؛ ولی اگر غلط در حمد و سوره باشد، بنا بر احتیاط مستحب در نماز جماعت شرکت کند.

[810] سؤال 159: شخصی مدتی در بعضی از اجزای واجب نماز، با اعراب غلط، نماز را خوانده است. تکلیفش چیست؟

پاسخ: اگر مسأله را نمی دانسته و در ندانستن مسأله مقصر نبوده و اعراب غلط، در تکبیرة الاحرام نماز نبوده، اعاده لازم ندارد.

[811] سؤال 160: اگر نمازگزار مدتی سهواً يك ذکر مستحبی در نماز را اشتباه تلفظ کرده باشد، آیا نمازهایی که خوانده است، نیاز به اعاده و قضا دارد؟

پاسخ: اعاده و قضا ندارد.

[812] سؤال 161: اگر کسی در نماز سهواً ذکر مستحبی را غلط بگوید، آیا واجب است آن را تکرار کند یا مستحب است؟

پاسخ: اگر از محل آن نگذشته باشد، بهتر است آن را به نحو صحیح ادا کند؛ ولی این کار، واجب نیست.

قرائت قرآن و ذکر و دعا در بین نماز

[813] سؤال 162: آیا می توانیم در بین حمد یا سوره یا تسبیحات اربعه یا تشهد و یا سلام، به ذکر و دعا و قرائت قرآن مشغول شده، سپس بقیه حمد و... را بخوانیم؟ در صورت صحیح

بودن، آیا می توانیم به فارسی یا زبان دیگری غیر از عربی دعا نموده یا ذکر بگوییم؟

پاسخ: خواندن قرآن در نماز، به قصد قرائت قرآن (غیر از چهار آیه از قرآن که سجده واجب دارند) اشکال ندارد و همچنین ذکر گفتن به قصد ذکر مطلق و دعا کردن در بین نماز بی اشکال است، اگر چه به فارسی یا به زبان دیگری غیر از عربی باشد.

قرائت قرآن در غیر نماز

[814] سؤال 163: تردد در حیاط مدرسه، هنگام قرائت قرآن، چه حکمی دارد؟

پاسخ: هنگام قرائت قرآن، لازم است همه احترام کنند و هر عملی که موجب هتک شود، اشکال دارد.

[815] سؤال 164: گاهی در مدارس مشاهده می شود که دانش آموزان در مراسم صبحگاهی یا دیگر مراسم، قرآن را به صورت غلط می خوانند. نظرتان در این خصوص چیست؟

پاسخ: شایسته است از افرادی که قرائت بهتر دارند، استفاده شود.

تسبیحات اربعه

[816] سؤال 165: نمازگزار در رکعت سوم و چهارم نماز، یقین دارد که يك مرتبه تسبیحات را گفته؛ ولی نمی داند دو مرتبه یا سه مرتبه را هم گفته یا نه. آیا در این صورت باید تسبیحات را از اول بگوید یا به همین تسبیحات اکتفا کند؟

پاسخ: يك بار گفتن تسبیحات اربعه کافی است؛ ولی چنانچه می خواهد ثواب سه بار گفتن را درك کند، اگر به رکوع وارد نشده است، دو مرتبه دیگر تسبیحات را بگوید.

رکوع

[817] سؤال 166: شخصی که بعد از سجده اول متوجه می شود که رکوع را انجام نداده،

آیا نمازش باطل است؟

پاسخ: به نظر این جانب، نمازش باطل است.

[818] سؤال 167: اگر کسی بعد از اتمام سوره، بدون هیچ مکث و فاصله ای به رکوع برود، آیا اشکالی دارد؟ به عبارت دیگر، آیا باید بین رکوع و جزء قبلی آن فاصله شود یا لازم نیست؟

پاسخ: مکث میان آخر سوره و رکوع، لازم نیست.

[819] سؤال 168: در بسیاری از اوقات دیده می شود که افرادی مقداری از اول یا آخر ذکر رکوع و سجود را در حال حرکت می گویند. نماز این افراد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر سهوی باشد، اشکال ندارد و اگر عمدی باشد، نماز باطل است.

[820] سؤال 169: کسی که به علت مریضی نمی تواند در رکوع آرامش بدنش را حفظ کند و مجبور است ذکر رکوع را به همراه حرکت بدن بگوید، چه کار باید بکند؟

پاسخ: اگر در رکوع می تواند يك «سبحان الله» را هم در حال آرامش بگوید، همان را بگوید و کافی است و اگر از گفتن يك «سبحان الله» هم در حال آرامش بدن عاجز است، با همان حالتی که دارد، ذکر را بگوید و کفایت می کند.

[821] سؤال 170: اگر کسی نتواند تا پایان ذکر رکوع در حال رکوع باقی بماند، وظیفه اش چیست؟

پاسخ: اگر می تواند يك «سبحان الله» را در حال رکوع بگوید، همان کافی و مجزی است و اگر از گفتن حتی يك «سبحان الله» هم در حال رکوع عاجز است، احتیاط این است که ذکر رکوع را در حال برخاستن از رکوع و قبل از این که از حد رکوع خارج شود و به قصد قربت مطلقه بگوید.

[822] سؤال 171: کسی که مثلاً ذکر «سبحان ربی العظیم و بحمده» را در رکوع، سهواً غلط بخواند و یا اینکه سهواً در حال گفتن این ذکر، بدنش حرکت کند، آیا موقعی که

می خواهد ذکر رکوع را دوباره به صورت صحیح تکرار کند، می تواند به جای آن ذکر، سه بار «سبحان الله» بگوید؟

پاسخ: گفتن يك ذکر صحیح، با شرایط آن کافی است.

[823] سؤال 172: اگر در رکوع و سجود، افزون بر ذکر واجب صحیح، دعا و ذکر غلط خوانده شود، آیا به نماز صدمه می زند؟ اگر در قنوت، ذکر و دعای اشتباه خوانده شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر غلط فاحش و تغییر دهنده معنا نباشد، نماز را باطل نمی کند؛ ولی بنا بر احتیاط واجب عمداً به این نحو نخواند.

سجود

اشاره

[824] سؤال 173: در هنگام سجده، آیا گذاشتن کف دست بر روی زمین، بدون گذاشتن انگشتان، کفایت می کند یا انگشتان هم باید بر زمین گذاشته شود؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب باید تمام کف دست به همراه انگشتان بر روی زمین قرار گیرد و صدق عرفی، کفایت می کند.

[825] سؤال 174: آیا می توان در سجده، انگشتان دست را حرکت داد؟

پاسخ: اگر کف دست و انگشتان، بر روی زمین باشد، ظاهراً حرکت دادن آنها اشکالی ندارد.

[826] سؤال 175: آیا نشستن بعد از سجده اول و همچنین نشستن بعد از سجده دوم که اصطلاحاً به آن «جلسه استراحت» گفته می شود، واجب است؟ ترك کردن آن دو که دیده می شود بعضی از افراد، آنها را در نماز مستحبی ترك می کنند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: نشستن بعد از سجده اول و قبل از سجده دوم (به حالت اطمینان و استقرار)، لازم است و اگر عمداً ترك شود، نماز باطل است؛ ولی نشستن بعد از سجده دوم (جلسه استراحت)، واجب نیست، اگر چه بهتر است ترك نشود.

[827] سؤال 176: می دانیم که در سجده، باید هفت موضع از بدن روی زمین قرار بگیرد. آیا زیاد و کم شدن سجده، به تعداد قرار گرفتن پیشانی بر زمین بستگی دارد یا وابسته به تعداد قرار گرفتن همه هفت موضع بدن با هم، بر روی زمین است؟

پاسخ: ملاك در زیادى و يا كمى سجده، گذاردن و يا نگذاردن پیشانی بر زمین است و اعضاى دیگر در این مسأله دخالتی ندارند.

[828] سؤال 177: معمولاً کسانی که نمی توانند سجده کنند، مهر نماز را با دست بلند می کنند و پیشانی را بر آن می گذارند و در این حال نوك انگشتان بزرگ پا را هم بر زمین نمی گذارند، در حالی که می توانند با درست کردن سکویی و قرار دادن مهر بر آن، پیشانی را بر مهر و کف هر دو دست را بر زمین بگذارند. در این حالت، آیا درست کردن سکو برای این که بتوان کف هر دو دست را بر زمین گذاشت و همچنین گذاشتن نوك انگشتان بزرگ پا لازم است یا همان صورتی که به طور معمول انجام می شود، کافی است؟

پاسخ: در فرض سؤال، باید نمازگزار تا جایی که می تواند برای سجده خم شود و مهر را بر روی سکو یا چیز دیگری قرار دهد تا بتواند پیشانی را بر آن بگذارد و بقیه مواضع سجده را نیز هر کدام را که می تواند باید بر روی زمین قرار دهد.

[829] سؤال 178: کسی که وظیفه اش این است که سجده را با اشاره به جا آورد، در صورتی که بتواند بعضی از مواضع سجده را بر زمین بگذارد، آیا این کار واجب است؟

پاسخ: لازم نیست.

[830] سؤال 179: کسی بیماری و درد شدیدی در گردن دارد و نمی تواند در حالت سجده سر بر مهر بگذارد. اگر به علت درد شدید، نتواند روی چیزی مثل چهار پایه کوچک نیز مهر بگذارد و سجده کند، آیا می تواند مهر را بردارد و بر پیشانی قرار دهد؟

پاسخ: اگر اصلاً نمی تواند برای سجده خم شود، باید با سرش برای سجده

اشاره کند و اگر آن هم امکان ندارد، با چشمانش اشاره کند و بنا بر احتیاط باید مهر را نیز بردارد و به نزدیکی پیشانی خود آورد و سر را بر آن بگذارد.

[831] سؤال 180: گاهی در پیشانی انسان جوش‌هایی پیدا می‌شود که هنگام سجده کردن درد می‌گیرد. آیا می‌توان در سجده، پیشانی را به صورت کج روی مهر گذاشت؟

پاسخ: لازم نیست جای جوش را بر مهر بگذارد، اگر ممکن است، جای دیگر پیشانی را بر روی مهر بگذارد.

[832] سؤال 181: خانمی مدتی در نماز، چادرش بین پیشانی او و مهر نماز حائل شده است.

با توجه به این که حکم مسأله را نمی‌دانسته، نمازهایی که این طور خوانده، چه صورتی دارد؟

پاسخ: همه نمازهایی را که می‌داند در هر دو سجده از یک رکعت آن نمازها، چادر حائل شده - به طوری که به مقدار لازم، پیشانی به مهر نرسیده - باید اعاده کند؛ ولی در مورد نمازهایی که یقین دارد یک یا چند سجده از آن نمازها را به این نحو به جا آورده است، اما یقین ندارد که دو سجده از یک رکعت را به این ترتیب به جا آورده است، برای آن تعداد از سجده‌ها که به فوت شدن آنها به خاطر حائل شدن چادر یقین دارد، باید قضای سجده به جا آورد و بعد از قضای هر سجده، بنا بر احتیاط دو سجده سهو نیز بنماید.

چیزهایی که می‌توان بر آن سجده کرد

[833] سؤال 182: مهر نمازی را که نجس شده، می‌توان تطهیر کرد یا نه؟ اگر بخشی از مهر پاك باشد (قسمت پاك به اندازه ای است که سجده بر آن صحیح است)، آیا در این صورت می‌توان بر قسمت پاك این مهر سجده نمود؟

پاسخ: اگر نجاست نفوذ کرده باشد، باید آب پاك مطلق و غیر قلیل در آن نفوذ کند تا پاك شود و سجده بر قسمت پاك مهر صحیح است.

[834] سؤال 183: حکم سجده بر روی مهرهایی که دارای عکس بارگاه معصومین علیهم السلام هستند، چیست؟

پاسخ: اگر از آن تفسیر بد و ناصحیح نکنند و مانع رسیدن پیشانی به مهر نباشد، بی اشکال است.

[835] سؤال 184: یکی از دو طرف مهرهای نماز، مقداری برجستگی دارد. آیا سجده بر سطح ناهموار آن صحیح است؟

پاسخ: اگر برجستگی، مانع رسیدن مقدار لازم پیشانی به مهر باشد، اشکال دارد.

[836] سؤال 185: با توجه به این که سجده بر چیزهای خوردنی صحیح نیست، سجده کردن بر چیزهایی که در بعضی از کشورها از

چیزهای خوردنی است، ولی در کشوری دیگر خوردنی نیست، چه حکمی دارد؟ سجده کردن بر گیاهی که از غذاهای حیوانات است،

ولی در موارد کمی، انسان نیز از آن استفاده می کند، چه صورتی دارد؟

پاسخ: در فرض اول، سجده کردن بر چیزهایی که در بعضی از کشورها خوردنی است، صحیح نیست؛ ولی در فرض دوم، یعنی در گیاهی

که حیوانات می خورند، مانند یونجه و امثال آن، ولی انسان در بعضی اوقات آنها را می خورد، اشکال ندارد و سجده بر آن صحیح است.

[837] سؤال 186: سجده کردن روی برگ چای، قبل از پختن و بعد از آن، چه حکمی دارد؟

پاسخ: بنا بر احتیاط صحیح نیست.

[838] سؤال 187: آیا سجده کردن بر قسمتی از میوه ها که معمولاً خورده نمی شوند (مثل پوست خربزه و هندوانه)، صحیح است؟

پاسخ: بنا بر احتیاط جایز نیست.

[839] سؤال 188: گیاهان و میوه هایی که خوراکی هستند، مراحل مختلفی را طی می کنند و

تنها در بعضی از مراحل، قابلیت خوردن را دارند، مثلاً قبل از رسیدن و یا بعد از رسیدن و خراب شدن، خوراکی محسوب نمی شوند. آیا سجده بر این چیزها در مراحلی که غیر خوراکی هستند، صحیح است؟

پاسخ: در فرض مذکور، سجده بر آنها جایز نیست.

[840] سؤال 189: سجده بر حصیر تهیه شده از برگ درخت نخل و همچنین سجده بر نخ کنف (نخ گونی بافی)، چه حکمی دارد؟

پاسخ: مورد اول (حصیر برگ نخل)، اشکال ندارد؛ ولی مورد دوم، خالی از اشکال نیست.

[841] سؤال 190: آیا سجده بر دستمال کاغذی صحیح است؟

پاسخ: اگر احراز شود که دستمال کاغذی از چیزهایی ساخته شده که سجده بر آنها صحیح است، اشکال ندارد؛ ولی این موضوع در نزد این جانب محرز نیست.

[842] سؤال 191: آیا سجده نمودن بر پول کاغذی و کاغذ رنگی و یا کاغذ سفیدی که بعداً به وسیله چاپ، رنگ آن عوض شده، صحیح است؟

پاسخ: اگر کاغذ یا پول کاغذی از موادی ساخته شده که سجده بر آن صحیح است، سجده کردن اشکال ندارد، وگرنه جایز نیست، و در موارد مشکوک، احتیاط، در ترك است و رنگ کاغذ، اگر دارای جرمی نباشد که بین کاغذ و پیشانی سجده کننده حائل شود، در این صورت سجده بر آن کاغذ اشکالی ندارد.

سجده واجب قرآن

[843] سؤال 192: آیا حکم کسی که آیه سجده را می نویسد و یا از روی قرآن، بدون این که بر زبان جاری کند، می خواند، مانند کسی است که آن را بر زبان جاری می کند یا آن را

می شنود؟

پاسخ: حکم وجوب سجده، به قاری و گوش کننده اختصاص دارد و در بقیه موارد، واجب نیست، اگرچه بر شنونده نیز سجده کردن مستحب است.

[844] سؤال 193: آیا با خواندن یا گوش دادن به مقداری از آیه سجده و نه تمام آیه، خواننده و یا کسی که گوش به آیه می کند، باید سجده کند؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب باید سجده کند، خصوصاً اگر لفظ سجده خوانده شود.

[845] سؤال 194: بچه غیر ممیزی با تعلیم والدین خود سوره علق را حفظ کرده و گاهی آن را بر زبان خود جاری می کند. آیا کسانی که آیه آخر سوره علق (آیه سجده) را از زبان او گوش می کنند، واجب است سجده کنند؟

پاسخ: چنانچه در خواندن آیه سجده، قصد قرآن خواندن نداشته باشد و بدون این قصد، آیه بر زبانش جاری شود، سجده واجب نیست.

[846] سؤال 195: اگر کسی به آیه سجده از رادیو، تلویزیون یا بلندگو گوش بدهد، آیا سجده بر او واجب است یا خیر؟

پاسخ: اگر قاری قرآن در همان موقع، در حال قرائت کردن باشد و شنونده از رادیو، تلویزیون یا بلندگو به آن گوش فرا دهد، ظاهراً سجده کردن واجب است و اگر صدای ضبط شده باشد که از ضبط صوت یا رادیو و تلویزیون پخش می شود، بنا بر احتیاط سجده کردن واجب است.

[847] سؤال 196: انسانی که گوشش سنگین است و در مجلسی حاضر است که آیه سجده خوانده می شود، ولی او به خوبی آیه را نمی شنود، سجده بر او واجب می شود یا نه؟

پاسخ: در مورد سؤال، سجده بر این شخص واجب نیست، اگر چه مطابق احتیاط است.

ص: 211

[848] سؤال 197: نمازگزارى که در بين نماز، آيه سجده را مى شنود، چه وظيفه اى برعهده اش مى آيد؟

پاسخ: اگر آيه را بشنود، ولى به آن گوش ندهد، چيزى بر او نيست؛ ولى اگر به آن گوش فرا دهد، در حکم قرائت عمدى است.

سجده شکر

[849] سؤال 198: سجده شکر چه سجده اى است؟ و آيا شرايطى که در سجده نماز بايد رعایت شود، در سجده شکر هم معتبر است و بايد رعایت شود؟

پاسخ: سجده شکر، سجده اى است که در وقت تجدد نعمت و يا برطرف شدن بلا و يا براى يادآورى آنها و يا براى اداى فريضه و يا نافله و يا براى انجام دادن کار خير (از قبيل صلح دادن بين دو نفر) انجام داده مى شود و در آن به جز گذاشتن پيشانى بر زمين و اباحه مکان، چيز ديگرى معتبر نيست، اگر چه مستحب است سه بار و يا صد بار ذکر «شکراً لله» گفته شود.

تشهد

[850] سؤال 199: كسى که مدتی در نماز چهار رکعتی، تشهد دوم را به جا نیاورده و جاهل قاصر است، چه وظیفه اى دارد؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب بايد قضای هر تشهد را به جا آورده و براى هر تشهد، دو سجده سهو نیز انجام دهد.

[851] سؤال 200: آیا در تشهد، جایز است بگويد: «أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً صلى الله عليه وآله عبده ورسوله»؟

پاسخ: این گونه تشهد، كافی نیست.

[852] سؤال 201: اگر در تشهد نماز واجب، بعد از صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جمله «وعجل فرجهم» را بگوئیم، نماز ما صحيح است یا باطل؟

ص: 212

پاسخ: چنانچه به قصد جزئیت نباشد، بلکه به قصد دعا و قربت مطلقه باشد، ظاهراً اشکال ندارد و موجب بطلان نماز نمی شود؛ ولی بهتر است در تشهد نماز، به همان نحوی که وارد شده و مأثور است، اکتفا شود.

[853] سؤال 202: آیا خواندن شهادت ثلثه (شهادت بر ولایت حضرت علی علیه السلام)، در نماز جایز است؟

پاسخ: نباید چیزی بر نماز اضافه شود. بنا بر این، شهادت ثلثه در تشهد به قصد این که جزء نماز باشد، صحیح نیست و بدون قصد جزئیت هم چون منشأ اختلاف است، ترك شود.

سلام

[854] سؤال 203: یکی از مؤمنین مدتی در نمازش به جای «السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته» عبارت «السلام على النبي ورحمة الله وبركاته» را گفته است. حکم نمازهایی که این طور خوانده است، چیست؟

پاسخ: نمازهای قبلی او باطل نیست؛ ولی پس از این همان طور که در توضیح المسائل نوشته شده است، بخواند.

[855] سؤال 204: آیا در سلام های آخر نماز، می توان به جای کلمه «السلام» کلمه «سلام» را به کار برد؟

پاسخ: جایز نیست.

موالات

[856] سؤال 205: کسی که بر اثر حواس پرتی، مدتی طولانی در بین نماز چیزی نمی گوید و کاری هم انجام نمی دهد و بعد از جمع شدن حواس، به ادامه نماز می پردازد، آیا به موالات نمازش صدمه ای وارد می شود یا خیر؟

ص: 213

پاسخ: اگر سکوت، به قدری باشد که صورت نماز را به هم نزنند، اشکال ندارد؛ ولی اگر به قدری باشد که صورت نماز را به هم بزنند، چه عمدی باشد و چه سهوی، نماز باطل می شود، مگر این که حالت این شخص طوری است که نمی تواند به غیر از این صورت نماز بخواند و اگر تکرار نماید باز هم به همین صورت و با فاصله نماز را می خواند که در این حال می تواند به همان نماز اکتفا کند.

مستحبات و مکروهات نماز

اذان و اقامه

[857] سؤال 206: آیا گفتن اذان و اقامه، در نمازهای مستحبی یا در غیر حالت نماز، باز هم

مستحب است یا خیر؟

پاسخ: در نمازهای واجب یومیه، اذان و اقامه، مستحب مؤکد است؛ ولی در دیگر نمازهای واجب و نمازهای نافله استحباب ندارد و در غیر نماز، گفتن اذان به گوش راست بجهت تازه متولد شده و گفتن اقامه به گوش چپ مستحب است و گفتن اذان تنها در مواردی از قبیل اذان گفتن به گوش کسی که چهل روز گوشت نخورده و همچنین کسی که خلق و خویش بد است، استحباب دارد.

[858] سؤال 207: با عنایت به این که اذان و اقامه در نماز مستحب است، آیا می توان به جای آنها ترجمه آن دو را قبل از نماز بر زبان

جاری کرد یا خیر؟

پاسخ: باید با عربی صحیح خوانده شوند و ترجمه آنها کافی نیست.

[859] سؤال 208: آیا لازم است هنگام گفتن اذان و اقامه، انسان با طهارت باشد و بدن و لباسش از نجاست پاک باشد؟

پاسخ: پاک بودن لباس و بدن، در اذان و اقامه شرط نیست. طهارت از حدث نیز در اذان لازم نیست؛ ولی در اقامه، بنا بر احتیاط طهارت از

حدث شرط

ص: 214

است؛ بلکه خالی از قوت نیست.

[860] سؤال 209: آیا می توان بعضی از جملات اذان را کمتر یا بیشتر از آن چیزی که معین شده است، تکرار کرد، مثل این که «حیّ علی الصلاة» یا شهادتین را یک بار یا سه بار گفت؟

پاسخ: نمی توان به قصد اذان، جملات آن را کمتر یا بیشتر کرد؛ ولی تکرار «حیّ علی الصلاة»، «حیّ علی الفلاح» یا شهادتین، به جهت تأکید و تشویق مردم و جمع شدن آنها برای نماز اشکالی ندارد؛ ولی آنچه زیاده تر گفته می شود، جزء اذان نیست.

[861] سؤال 210: حکم شهادت ثالثه در اذان و اقامه چیست؟

پاسخ: گفتن شهادت ثالثه در اذان و اقامه، به عنوان جزئیّت جایز نیست؛ ولی گفتن در اذان و اقامه، به قصد قربت مطلقه، خوب است.

[862] سؤال 211: جابه جا شدن سهوی اذان و اقامه در نماز، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر عمدأ و یا سهواً و یا جهلاً اقامه را بر اذان مقدّم نماید، برای درك کردن اقامه، باید بعد از اذان، اقامه را اعاده کند.

[863] سؤال 212: هنگام گفتن اقامه نماز، نمی دانیم که اذان را گفتیم یا نه. اگر بخواهیم ثواب گفتن اذان را درك کنیم، آیا باید دوباره اذان و اقامه بگوییم یا همین که نیت گفتن را داشته ایم و الآن شك در گفتن داریم، کافی است؟

پاسخ: بعد از دخول و ورود به اقامه، به شك خود اعتنا نکند؛ ولی اگر شك او قبل از آن باشد، اذان و سپس اقامه را بگوید.

[864] سؤال 213: آیا کسی که در حال گفتن اذان اعلام است، می تواند همان اذان را اذان نماز خود قرار دهد و بعد از آن اقامه بگوید و نمازش را بخواند یا لازم است برای نماز، اذان دیگری بگوید؟

پاسخ: اگر برای اذان اعلام قصد قربت کرده باشد، می تواند به اذان اعلام،

برای نمازش کفایت کند و بعد از آن اقامه را بگوید و نماز را شروع نماید.

[865] سؤال 214: شخصی قبل از نماز فرادی، اذان و اقامه می گوید و مشغول نماز می شود.

اگر ما در آن مکان حاضر باشیم و بعد از اذان و اقامه آن شخص بخواهیم نماز بخوانیم، آیا لازم است باز هم اذان و اقامه بگوییم یا می توانیم به همان اذان و اقامه اکتفا کنیم؟

پاسخ: می توانید به همان اذان و اقامه اکتفا کنید، به شرط این که هنگام گفتن آن شخص، همه فصول اذان و اقامه را بشنوید.

[866] سؤال 215: در بسیاری از مواقع، به هنگام نماز جماعت در مساجد، بچه های نابالغ اذان می گویند. آیا می توان به همین اذان برای نماز اکتفا کرد یا خیر؟

پاسخ: اگر ممیز باشند، اذان آنها کفایت می کند.

[867] سؤال 216: در مواردی که اذان، در نماز ساقط می شود، آیا سقوط اذان، لازم است یا جایز؟

پاسخ: در نماز عصر روز عرفه (در صورت جمع با نماز ظهر) و در نماز عشاء مزدلفه (در صورت جمع با نماز مغرب)، و بنا بر احتیاط واجب در نماز عصر روز جمعه (در صورت جمع نماز عصر با نماز جمعه و یا با نماز ظهر) اذان را ترك کند؛ ولی در بقیه موارد، می تواند اذان بگوید.

[868] سؤال 217: اذان گفتن دختران در مدارس دخترانه، جهت حضور دانش آموزان در نماز جماعت مدرسه، چه حکمی دارد؟

پاسخ: فی نفسه اشکال ندارد؛ ولی کفایت از اذان برای اقامه نماز جماعت نمی کند.

قنوت

[869] سؤال 218: آیا بالا بردن دست ها در قنوت، جزء قنوت است یا امر مستحبی جداگانه

ص: 216

است که می توان آن را ترك كرد؟ بالا بردن دست ها به هنگام تكبيرة الاحرام و ديگر تكبيرهاى نماز چه طور؟

پاسخ: اگر بخواهد قنوت بخواند، احتياط واجب آن است كه دست ها را بلند كند و مستحب است دست ها را تا مقابل صورت بلند نمايد و در تكبيرات نماز، بالا بردن دست ها تا مقابل گوش ها مستحب است.

[870] سؤال 219: آیا غلط خواندن قنوت و یا ذکرهای مستحبی نماز، مبطل نماز است؟

پاسخ: اگر غلط خواندن آنها به حدی نباشد که از ذکر بودن خارج شود، مبطل نیست؛ ولی بنا بر احتیاط واجب نباید عمداً آنها را به این صورت بخواند.

[871] سؤال 220: آیا دعا کردن در قنوت، به زبان فارسی و یا هر زبان دیگری غیر از عربی، صحیح است و موجب بطلان نماز نمی شود؟

پاسخ: اگر قادر به خواندن دعا به عربی باشد، سزاوار است که به عربی بخواند؛ ولی خواندن دعا به زبان غیر عربی هم اشکال ندارد.

[872] سؤال 221: آیا در قنوت، خواندن شعری که دارای مضامین دعا و مناجات است، جایز است؟ و در صورت جواز، عربی بودن در آن شرط است یا به هر زبانی باشد، مانعی ندارد؟

پاسخ: خواندن شعر مذکور در سؤال، اشکال ندارد و عربی بودن در آن شرط نیست و به هر زبانی می شود قنوت را خواند.

[873] سؤال 222: کسی که در قنوت نماز این دعا را می خواند: «فاصفح عني بحسن توکلي عليك» و بعد شك می کند که درست خوانده یا نه؟!

الف. آیا می تواند «إليك» بگوید، به این نیت که هر کدام («عليك» یا «إليك») درست است، همان محسوب شود؟

پاسخ: نمی تواند.

ب. اگر «إلیک» را گفته باشد، نمازی را که این گونه خوانده، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر جاهل مقصر نبوده، اعاده لازم نیست؛ ولی باید دو سجده سهو به جا آورد.

ج. اگر این مسأله در جاهای دیگر نماز اتفاق افتاد، حکمش چیست؟

پاسخ: در هر جای نماز، اگر در اذکار مستحبی اتفاق بیفتد، همان حکم قبلی را دارد.

[874] سؤال 223: بعضی اوقات در قنوت، سمت نگیں انگشتر عقیق را به طرف صورت می گیرند، آیا این عمل، سنت است و ثوابی دارد؟

پاسخ: اگر کسی به امید مطلوب بودن، آن را انجام دهد، مانعی ندارد.

تکبیرات مستحب در نماز

[875] سؤال 224: بعضی از افراد، تکبیرات قبل و بعد از رکوع و سجده را در حال حرکت می گویند. آیا نماز این افراد صحیح است؟

پاسخ: اگر از تکبیرات مذکور قصد ذکر مطلق کنند و آنها را به قصد تکبیرات وارد شده در نماز که قبل و بعد از رکوع و سجده گفته می شود، نگویند، نمازشان صحیح است.

تورک

[876] سؤال 225: تورک که در بعضی از کتاب ها یکی از اعمال مستحب نماز شمرده شده است، به چه معنا است؟

پاسخ: تورک این است که نمازگزار، در حال نشستن، بر روی ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ قرار دهد.

ص: 218

[877] سؤال 226: آیا بستن چشم در هنگام نماز، برای حضور قلب پیدا کردن، باز هم مکروه است؟

پاسخ: به حسب موارد فرق می کند. اگر این کار واقعاً تأثیر در حضور قلب بیشتر و یا زیاد کردن خضوع و خشوع داشته باشد، بعید نیست کراهت آن برطرف شود.

تعقیبات نماز

[878] سؤال 227: گاهی موقع گفتن تسیحات حضرت زهرا علیها السلام در تعقیب نماز، در تعداد آن شك می کنیم. در این صورت، آیا تسیحات را از سر بگیریم یا خیر؟

پاسخ: اگر در عدد تکبیرات و تحمیدات و تسیحات شك کند، چنانچه از محل، تجاوز نکرده باشد؛ یعنی وارد ذکر بعدی یا کار دیگری نشده باشد، بنا را بر کمتر می گذارد و اگر تجاوز کرده باشد، بنا را بر انجام دادن آنها می گذارد.

[879] سؤال 228: مرسوم است که مؤمنین به یکدیگر التماس دعا می گویند. آیا این کار، مستحب است؟

پاسخ: کار خوبی است.

[880] سؤال 229: آیا خواندن عبارت «یا محمد یا علی، یا علی یا محمد، اکفیانی فإتکما کافیان وانصرانی فإتکما ناصران» که بخشی از دعای معروف فرج است، جایز است؟

پاسخ: منظور از فراز مذکور در دعا، ممکن است «یاذن الله» (با اذن و اجازه خداوند) باشد. بنا بر این بی اشکال به نظر می رسد.

[881] سؤال 230: آیا در زیارت عاشورا، گفتن يك سلام به جای صد سلام و يك لعن به جای صد لعن، به قصد رجا جایز است؟

پاسخ: جایز است.

[882] سؤال 231: اگر کسی در وسط نماز یا بعد از نماز شك کند که وضو گرفته است یا نه، چه باید بکند؟

پاسخ: اگر بعد از نماز، در وضو شك کند، نمازش محکوم به صحّت است؛ ولی برای نمازهای آینده باید وضو بگیرد و اگر در اثنای نماز، در وضو شك کند، نماز را رها کند، وضو بگیرد و دوباره نماز بخواند و احتیاط این است که آن نماز را به آخر برساند و تمام کند و دوباره وضو گرفته، نماز را اعاده نماید.

[883] سؤال 232: اگر در بین نماز شك کنیم که وضو را درست انجام داده ایم یا نه، آیا نماز را ادامه دهیم یا رها کنیم و بعد از وضوی جدید دوباره نماز بخوانیم؟ اگر تقریباً اطمینان پیدا کردیم که وضوی ما صحیح نبوده، چه باید بکنیم؟

پاسخ: در صورت شك در صحیح بودن وضو، نماز شما محکوم به صحّت است و اگر اطمینان دارید که وضو صحیح نبوده، نماز باطل است و باید وضو و نماز را اعاده کنید.

[884] سؤال 233: شخصی وضو گرفته و بعد هم وضویش باطل شده است. حال که توجه می کند، نمی داند که باطل شدن وضو، قبل از خواندن نماز بوده یا بعد از آن. آیا لازم است این نماز را دوباره بخواند؟

پاسخ: اقوی صحّت نماز است؛ ولی برای نمازهای بعدی باید وضو بگیرد.

[885] سؤال 234: زنی که مستحاضه قلیله است و در وسط نماز، استحاضه او متوسطه یا کثیره می شود، نمازش را باید ادامه دهد یا باید قطع کند و به وظیفه جدید عمل نماید؟

پاسخ: باید نماز را قطع کند و به وظیفه جدید عمل کند.

[886] سؤال 235: زنی که استحاضه متوسطه است، پس از عمل به وظیفه خود مشغول نماز صبح شده است و در حین نماز استحاضه او کثیره شده، وظیفه اش چیست؟ اگر این اتفاق در بین نماز ظهر، عصر، مغرب و یا عشا پیش بیاید، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر مورد ذکر شده در سؤال، در نماز صبح پیش بیاید، چنانچه بدن یا لباسش نجس نشود و یا در صورت نجاست، بتواند در حین نماز بدن و لباسش را تطهیر کند، نمازش را ادامه دهد و صحیح است؛ ولی اگر در نماز ظهر، عصر، مغرب و یا عشا پیش بیاید، در این صورت نمازش را قطع کند و پس از عمل به وظیفه مستحاضه کثیره نماز را از سر بگیرد.

[887] سؤال 236: فردی که در نماز، حالت خواب او را فرا گرفته و بعد از بیدار شدن از خواب شك می کند که در بین نماز خوابیده یا بعد از اتمام نماز، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: باید نماز را اعاده کند.

تکثف

[888] سؤال 237: آیا تکثف برای حصول خضوع و خشوع و تسلیم بیشتر در برابر پروردگار در نماز جایز است؟

پاسخ: احتیاطاً جایز نیست.

انحراف از قبله

[889] سؤال 238: نمازگزاری به واسطه برخورد شخص دیگری با او صورت و یا بدنش از قبله منحرف می شود. در این صورت نمازش صحیح است یا باطل؟

پاسخ: اگر به طرف راست یا چپ قبله و یا طرف مقابل قبله برگردد (انحراف نمازگزار از قبله به اندازه نود درجه یا بیشتر از آن شود)، نمازش باطل است؛ ولی اگر قبله ما بین طرف چپ و راست نمازگزار (انحراف کمتر از نود درجه) باشد، نماز باطل نمی شود.

ص: 221

[890] سؤال 239: شخصی در قیام نماز، به جهت سنگینی وزن و پا به پا کردن، به طرف راست و چپ قبله منحرف می شود. آیا نمازش صحیح است؟

پاسخ: انحراف غیر عمدی از قبله، اگر به حدّ طرف راست یا چپ قبله برسد، مبطل نماز است؛ ولی اگر جزئی باشد، اشکال ندارد.

[891] سؤال 240: چنانچه برای بیمار، خواندن نماز به سوی قبله امکان نداشته و یا مشکل باشد (مثل این که روی تختی خوابیده که جهت آن مخالف قبله است و نمی توان جهت آن را تغییر داد و یا تغییر دادن آن بسیار مشکل است)، چگونه باید نماز بخواند؟ و آیا جهات دیگر برایش یکسان است؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر تا آخر وقت امکان رو به قبله خواندن نماز برایش وجود نداشته باشد، به هر مقدار که ممکن است به طرف قبله نماز بخواند و نمازش صحیح است.

[892] سؤال 241: شخصی که به واسطه بسته شدن به جایی (مثل بسته شدن به درخت) نمی تواند رو به قبله شود و نماز بخواند، تکلیفش چیست؟

پاسخ: اگر در تمام وقت نماز نتواند رو به قبله نماز بخواند، به هر مقدار که امکان دارد رو به قبله شود و نماز بخواند و کافی است.

[893] سؤال 242: اگر کسی که نمی تواند علم یا ظن به جهت قبله پیدا کند، به يك جهت دلخواه نماز بخواند و در وقت یا خارج وقت نماز بفهمد که قبله در جهت دیگری بوده است، تکلیفش چیست؟

پاسخ: اگر به هنگام نماز خواندن، قبله بین طرف راست و چپ نمازگزار بوده، نمازش صحیح است و اگر قبله در طرف راست یا چپ نمازگزار بوده، چنانچه در وقت نماز متوجه شود، باید نماز را دوباره بخواند و اگر پس از وقت نماز متوجه شود، قضا لازم نیست و اگر قبله در طرف پشت نمازگزار بوده، چنانچه در وقت نماز متوجه شود، نماز را اعاده کند و اگر پس از وقت متوجه شود، بنا

بر احتیاط آن را قضا نماید.

[894] سؤال 243: شخصی خانه جدیدی می خرد. در ابتدای امر برای یافتن قبله از همسایه ها جهت قبله را می پرسد و به آن جهت نماز می خواند؛ اما بعدها با گذاشتن قبله نما اطمینان پیدا می کند جهتی را که سال ها به طرف آن نماز می خوانده، اشتباه بوده است. با توجه به این که این فرد از راه های معتبر، برای یافتن قبله استفاده نکرده است، آیا باید نماز هایی که در این سال ها خوانده، قضا نماید؟

پاسخ: اگر انحراف نمازگزار از قبله به حدّ مشرق و مغرب (چپ یا راست قبله) نرسد، اعاده و قضا ندارد و اگر به این حد برسد، اعاده لازم است؛ ولی قضا ندارد و اگر انحراف بیش از آن باشد که در نتیجه قبله در پشت نمازگزار واقع شده، اعاده واجب است و بنا بر احتیاط واجب قضا نیز لازم است و چنانچه امثال این افراد ملتفت باشند و احتمال جدّی انحراف از قبله را بدهند، لازم است تحقیق کنند تا برای آنها اطمینان حاصل شود و نباید نسبت به مسائل شرعی با سهل انگاری برخورد شود.

قصد غیر ذکر از اذکار نماز

[895] سؤال 244: گاهی کسی که مشغول نماز است، برای متوجه کردن دیگران به امری، تکبیر در نماز را بلند می گوید، این کار چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر به قصد ذکر، تکبیر می گوید و در حال گفتن تکبیر، صدا را بلند می کند تا دیگری را متوجه کند، اشکال ندارد و اگر به نیت متوجه کردن دیگری تکبیر می گوید، ولی قصد ذکر هم می کند، نمازش باطل است و در صورتی که هر دو را در عرض هم قصد کند، صحّت نماز، محلّ تأمل است.

[896] سؤال 245: من مادر سه فرزند هستم که یکی از آنها کلاس اول دبستان است و دو تای دیگر به مدرسه نمی روند و دوست دارم که بچه هایم از کوچکی نمازشان را

ص: 223

بخوانند. آیا می توانم نماز مغرب و عشاء خود را بلند و شمرده بخوانم تا آنها یاد بگیرند؟

پاسخ: اگر تیت شما این باشد که نماز خود را بخوانید و در ضمن آن می خواهید به بچه های خود نماز را آموزش دهید، اشکال ندارد؛ ولی بهتر این است که بعد از خواندن نماز، به فرزندان آموزش دهید.

حرف زدن عمدی

اشاره

[897] سؤال 246: آیا گفتن يك حرف از حروف الفبا در بین نماز که دارای معنا نیست، باطل کننده نماز است یا نه؟ اگر نمازگزار از این حرف بدون معنا، قصد معنایی را نماید (مثل این که با کسی قرار گذاشته که هر وقت من فلان حرف از حروف الفبا را بگویم، تو فلان کار را بکن)، آیا این کار نماز را باطل می کند؟

پاسخ: اگر در بین نماز يك حرف یا بیشتر بگوید، چه دارای معنا باشد یا نباشد، چنانچه عمدی باشد، نماز را باطل می کند و اگر سهوی باشد، نماز باطل نمی شود؛ ولی سجده سهو دارد.

جواب سلام در بین نماز

[898] سؤال 247: بچه غیر ممیزی در بین نماز به نمازگزار سلام می دهد. آیا جواب سلام او واجب است؟

پاسخ: جواب سلام بچه غیر ممیزی واجب نیست و نباید در بین نماز به قصد جواب سلام، به سلام او جواب بدهد؛ ولی گفتن سلام به قصد دعا در جواب او مانعی ندارد.

[899] سؤال 248: اگر کسی در بین نماز به صورت غلط به نمازگزار سلام بدهد، آیا جواب سلام او بر نمازگزار واجب است؟

پاسخ: اگر به طوری سلام را غلط بگوید که عرفاً به آن «سلام» گفته نشود،

جواب سلام واجب نیست؛ ولی چنانچه عرفاً به آن «سلام» گفته شود، باید جواب سلام، به صورت صحیح از طرف نمازگزار داده شود و احتیاط این است که جواب را به قصد دعا (طلب سلامت از خدا برای کسی که به او سلام گفته) بگوید.

[900] سؤال 249: آیا گفتن کلمه «سلام» به نمازگزار، بدون این که بعد از آن کلمه «علیکم» یا کلمه «علیک» آورده شود، وظیفه ای بر عهده نمازگزار می آورد؟

پاسخ: اگر نمازگزار علم یا گمان داشته باشد که سلام کننده کلمه «علیک» یا «علیکم» را در تقدیر گرفته و قصد کرده است، جواب سلام او واجب است، وگرنه جواب سلام واجب نیست و احتیاط این است که نمازگزار نیز به گفتن کلمه «سلام» اکتفا کند و «علیک» یا «علیکم» را در تقدیر بگیرد.

به هم خوردن صورت نماز

[901] سؤال 250: اگر ضرورت ایجاب کند که در حال نماز، به بیمار دارو خورانده شود، آیا در صورت امکان اعاده نماز، این کار واجب می شود؟

پاسخ: در فرض سؤال، باید دارو خورانده شود و اگر صورت نماز به هم بخورد، باید نماز را اعاده کند.

[902] سؤال 251: خوردن سهوی در حالی که انسان نماز خود را می خواند و یا به طور تبرّعی یا استیجاری از طرف دیگران نماز می خواند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر صورت نماز به هم نخورد، اشکالی به نماز وارد نمی شود.

[903] سؤال 252: گریه بر سیدالشهداء امام حسین علیه السلام در نماز، چه حکمی دارد؟

پاسخ: گریه بر سیدالشهداء علیه السلام در نماز اشکال ندارد، به شرطی که گریه کننده از صورت نمازگزار خارج نشود.

[904] سؤال 253: آیا احکام شك، فقط مربوط به نمازهای یومیه است یا در نمازهای دیگر هم جاری می شود؟

پاسخ: احکام شك، در نمازهای واجب دیگر هم جاری است.

[905] سؤال 254: در شك در رکعات نماز، گفته شده که بعد از شك کردن باید مقداری تأمل و فکر کرد و اگر شك برطرف نشد، آن وقت به حکم شك عمل نمود. آیا این کار در شك در غیر رکعات هم لازم است؟

پاسخ: بعید نیست که تأمل و فکر کردن در رکعات و غیر رکعات واجب نباشد، اگر چه مطابق با احتیاط است.

[906] سؤال 255: گاهی پس از خواندن حمد، شك می کنیم که سوره را هم خوانده ایم یا نه و سوره را می خوانیم و بعد می فهمیم که سوره را خوانده بودیم و دوباره تکرار کرده ایم یا در موقع سجده، شك می کنیم که يك سجده کرده ایم یا دو سجده و بعد، يك سجده دیگر می کنیم و سپس می فهمیم که با این سجده، تعداد سجده ها سه تا شده است در این موارد و موارد مشابه آن که بر اثر شك، کار زیادی در نماز انجام می دهیم، آیا نماز اشکال پیدا می کند؟

پاسخ: موارد ذکر شده در سؤال، چون از ارکان نیستند، اشکالی به نماز نمی رسانند؛ ولی به تفصیلی که در رساله عملیه و کتاب های فقهی آمده، در بعضی موارد، بعد از نماز، سجده سهو واجب یا سجده سهو مستحب به جا آورده می شود؛ ولی اگر زیادی در ارکان باشد، نماز را باطل می کند.

[907] سؤال 256: با توجه به این که معمولاً برای افراد مختلف، شك و سهو در نماز پیش می آید، آیا نماز کسی که در یاد گرفتن احکام شك و سهو سستی به خرج می دهد، صحیح است؟

پاسخ: اگر بتواند قصد قربت کند و شك هم برایش پیش نیاید و یا اگر شك پیش آمد، مطابق وظیفه خود در باب شك عمل کند، نمازش صحیح است.

[908] سؤال 257: کسی که نمی داند حالتی که در نماز برای او پیدا شده است، حالت شك است یا ظن و گمان، باید به احکام شك رفتار کند یا به احکام ظن و گمان؟

پاسخ: با مقداری تأمل و دقت، معمولاً این حالت مرتفع می شود و شخص می فهمد که دارای حالت ظن و گمان است یا دارای شك؛ ولی اگر باز هم نتوانست تشخیص دهد، چنانچه احراز نکند که دارای حالت ظن است، باید به حکم شك عمل کند.

شك هایی که نباید به آنها اعتنا کرد

شك كثیر الشك

[909] سؤال 258: اگر كثیر الشك، بعد از بی اعتنایی به شك خود و تمام کردن نماز، شكش برطرف شد و علم پیدا کرد که نمازش را ناقص خوانده است، آیا باید به همان نماز خوانده شده اکتفا کند یا نمازش را دوباره بخواند؟

پاسخ: باید به مقتضای علمش عمل کند. اگر علم پیدا کرد که رکنی را ترك نموده، باید نماز را اعاده و یا قضا کند و اگر غیر رکن را ترك کرده، باید موارد قضا کردنی، مثل شهدی را که به جا نیاورده، قضا کند و اگر سجده سهو لازم دارد، به جا آورد.

[910] سؤال 259: کسی که در مورد اصل خواندن نماز، زیاد شك می کند، آیا باید به شك خود توجه کند یا نه؟

پاسخ: احوط این است که اگر در وقت است، نماز خود را بخواند؛ ولی اگر بعد از وقت است، اعتنا نکند. البته اگر شك او به حدّ وسواس برسد، بنا را بر به جا آوردن نماز می گذارد، حتی اگر در داخل وقت باشد.

شك در نماز جماعت

[911] سؤال 260: مأموم در نماز جماعت شك می کند که تکبیرة الاحرام را گفته است یا نه.

آیا نمازش باطل است؟

پاسخ: اگر مشغول به کاری شده باشد که مترتب بر تکبیرة الاحرام است (مثل سکوت و گوش دادن به قرائت امام و امثال آن)، به شك خود توجه نکند، اگر چه احتیاط مستحب آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

شك در نماز مستحبی

[912] سؤال 261: یکی از شك هایی که نباید به آن اعتنا کرد، شك در رکعات نماز مستحبی است. سؤال این است که اگر در نماز مستحبی شك پیش آمد، عمل کردن به چه صورت افضل است؟

پاسخ: اگر بنا گذاشتن بر هر يك از دو طرف شك، موجب بطلان نماز نباشد، افضل و بهتر این است که بنا را بر اقل بگذارد و اگر بنا گذاشتن بر اکثر موجب فساد نماز شود، برای تصحیح نماز، بنا را بر اقل بگذارد.

شك های صحیح

[913] سؤال 262: چرا وقتی در نماز شك می کنیم، باید رکعت بیشتر را اختیار کنیم و سپس نماز احتیاط بخوانیم؟ در صورت امکان، دلیلش را بیان نمایید.

پاسخ: به دلیل روایاتی که در مورد شك در رکعات نماز وارد شده، باید بنا را بر اکثر گذاشت و بعد، نماز احتیاط خواند.

[914] سؤال 263: کسی که در رکعات نماز شك می کند و بعد از مقداری تأمل، شك او تبدیل به گمان می شود و بعد از آن تبدیل به شك دیگری می گردد، کدام يك از شك اول و گمان بعد از آن و شك دوم را باید ملاک عمل خود قرار دهد (مثلاً شك بین سه و چهار می کند و بعد گمان به چهار رکعت پیدا می کند و بعد گمانش تبدیل به شك بین دو و چهار می شود)؟

ص: 228

پاسخ: باید به حکم شك اخير عمل کند.

[915] سؤال 264: نمازگزارى در رکعات نماز شك مى کند و بنا را بر رکعت بیشتر گذاشته، نماز را تمام مى کند؛ ولی بعد از سلام نماز، فراموش مى کند که شك او بین سه رکعت و چهار رکعت بود تا يك رکعت نماز احتیاط بخواند یا شك بین دو و چهار بود تا وظیفه اش خواندن دو رکعت نماز احتیاط باشد. در این موقع، نماز احتیاط را به چه صورتی بخواند تا نمازش صحیح شود؟

پاسخ: اقوی این است که به هر دو وظیفه عمل کند و نمازش صحیح است.

[916] سؤال 265: نمازگزارى که بعد از به جا آوردن دو سجده، بین دو و چهار یا بین سه و چهار و یا بین دو و سه و چهار شك مى کند و بعد از شك خود، گمان پیدا مى کند که چهار رکعت نخوانده است، چه باید بکند؟

پاسخ: در فرض سؤال، در شك بین دو و چهار، بنا را بر دو بگذارد و نمازش را تمام کند و نمازش صحیح است و در شك بین سه و چهار، بنا را بر سه بگذارد و نمازش را تمام کند و نمازش صحیح است و در شك بین دو و سه و چهار، بنا را بر سه بگذارد و به دستور شك بین دو و سه عمل کند.

[917] سؤال 266: کسی که شك در رکعات نماز برای او پیش می آید، ولی بعد از سلام نماز به طور کلی فراموش مى کند که چه شکى برای او پیش آمده بود تا بر طبق آن به وظیفه اش عمل کند، چگونه باید نماز را تمام کند؟

پاسخ: ظاهر، جواز اعاده اصل نماز است، بدون آن که به وظیفه احتیاط عمل نماید و بدون آن که سجده سهو کند.

شك در شرایط و اجزا

[918] سؤال 267: نسبت به شك در احراز بعضی از شرایط لازم برای نماز یا شك در انجام بعضی از افعال نماز، چه طور باید رفتار کنیم؟

ص: 229

پاسخ: اگر شك در بعضی از شرایط، بعد از تمام شدن نماز باشد، نماز خوانده شده، محکوم به صحّت است و برای نماز بعدی باید شرط را احراز نمود و اگر قبل از نماز و یا در اثنای نماز باشد، باید با يك طریق شرعی (اگر چه به وسیله استصحاب و یا اصول دیگر باشد)، شرط را احراز کند تا بتواند نماز را بخواند و یا به آن ادامه دهد و اگر شرط احراز نشد، چنانچه قبل از نماز باشد، نمی تواند نماز بخواند و چنانچه در بین نماز باشد، نماز او محکوم به بطلان است؛ و اگر در بین نماز در فعلی از افعال نماز شك کند، چنانچه داخل فعل بعدی شده است، به شكش اعتنا نکند و اگر داخل نشده، باید آن فعل را به جا آورد، مثل این که اگر در حال قیام شك کند که رکوع را انجام داده یا نه، باید رکوع را انجام دهد و اگر بعد از نماز در فعلی از افعال نماز شك کرد، به آن اعتنا نکند.

[919] سؤال 268: بیماری که رکوع و سجود را با اشاره انجام می دهد، اگر شك کند در حال رکوع است یا سجده، تکلیفش چیست؟

پاسخ: بنا بر این می گذارد که در حال رکوع است و ذکر رکوع را می گوید و بقیه کارهای نماز را ادامه می دهد.

شك در صحّت

[920] سؤال 269: کسی در بین نماز شك می کند کاری را که در نماز انجام داده، صحیح به جا آورده یا نه. آیا این فرد باید به شكّ خود اعتنا کند و وظیفه ای برعهده اش آمده است یا نباید به شكّ خود اعتنا کند؟

پاسخ: در فرض سؤال، چنانچه وارد جزء بعدی شده باشد، لازم نیست به شكّ خود اعتنا کند، وگرنه باید آن جزء را دوباره به نحو صحیح به جا آورد.

ص: 230

[921] سؤال 270: شخصی در نماز ظهر شك می کند و بعد از سلام نماز، به جای خواندن نماز احتیاط، از روی فراموشی مشغول نماز عصر می شود. اگر در بین نماز عصر به یاد آورد که نماز احتیاط را نخوانده است، وظیفه او چیست؟

پاسخ: اگر بعد از نماز ظهر، از او منافی نماز سر نرده باشد، چنانچه از محلّ عدول به نماز احتیاط گذشته باشد (مثل این که نماز احتیاط يك رکعتی بر او واجب بوده و او وارد رکوع رکعت دوم نماز عصر شده باشد)، باید نماز عصر را قطع کند و نماز احتیاط را بخواند و بعد نماز عصر را بخواند، و اگر از محلّ عدول به نماز احتیاط نگذشته باشد، به نماز احتیاط عدول کند و در هر دو صورت، اگر فاصله بین نماز ظهر و نماز احتیاط، به اندازه ای طولانی شده باشد که منافی با انجام دادن نماز احتیاط باشد، خواندن نماز احتیاط لازم نیست و باید نیت خود را به نماز ظهر برگرداند و پس از اتمام آن، نماز عصر را بخواند.

[922] سؤال 271: کسانی که بر اثر بیماری و ناتوانی مجبورند که نشسته نماز بخوانند، در مواردی که در نماز شك می کنند و لازم است نماز احتیاط بخوانند، نماز احتیاطشان را باید مانند نماز احتیاط ایستاده به حساب آورند یا نماز احتیاط نشسته؟

پاسخ: در مواردی که شخص سالم، مخیر بین خواندن نماز احتیاط ایستاده و نماز احتیاط نشسته است، این بیمار چون نمی تواند ایستاده نماز بخواند، باید نماز احتیاط نشسته را به جا آورد و در مواردی که وظیفه شخص سالم، نماز احتیاط ایستاده است، این بیمار به جهت عدم توانایی، این نماز احتیاط ایستاده را مانند اصل نماز، به صورت نشسته می خواند، مثلاً اگر کسی شك بین سه و چهار کند، در شخص سالم حکمش تخیر بین يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نماز احتیاط نشسته است که این بیمار باید دو رکعت

نشسته را انجام دهد و در شك بین دو و چهار که وظیفه شخص سالم خواندن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده است، این بیمار باز هم این دو رکعت را به صورت نشسته به جا می آورد.

[923] سؤال 272: آیا اشکالی دارد که بین سلام نماز و نماز احتیاط که بعد از آن خوانده می شود، فاصله بیفتد؟

پاسخ: اگر فاصله به قدری نباشد که فوریت عرفی از بین برود، اشکال ندارد؛ ولی اگر به وسیله انجام دادن منافیات نماز، بین اصل نماز و نماز احتیاط فاصله بیفتد، باید اصل نماز را اعاده نماید و اگر سهواً حرف بزند، بنا بر احتیاط باید بعد از نماز احتیاط، دو سجده سهو انجام دهد.

[924] سؤال 273: کسی که اشتبهاً در نماز احتیاط، علاوه بر حمد، سوره بخواند یا سهواً رکنی را کم و زیاد کند، چه وظیفه ای دارد؟ و حکم نماز اصلی و نماز احتیاط او چیست؟

پاسخ: اگر رکنی را در نماز احتیاط زیاد و یا کم کند، نماز احتیاط باطل می شود و احتیاطاً باید نماز احتیاط را دوباره بخواند و بعد، اصل نماز را نیز اعاده کند و اگر فعلی از افعال غیر رکنی را کم و یا زیاد کند، نمازش صحیح است؛ ولی اگر آن فعل از افعالی باشد که کم یا زیاد کردن آن در اصل نماز موجب سجده سهو می شود، بنا بر احتیاط باید پس از نماز احتیاط، دو سجده سهو به جا آورد.

[925] سؤال 274: مکلفی پس از شك در نماز و بنا گذاشتن بر رکعت بیشتر و سلام دادن نماز، می ایستد و آماده خواندن نماز احتیاط می شود، اما قبل از شروع به نماز احتیاط، یقین می کند که به اندازه رکعت کمتر، نماز خوانده، مثلاً پس از شك در دو و چهار و آماده شدن برای نماز احتیاط، می فهمد که دو رکعت خوانده نه چهار رکعت. حکم این نماز چیست؟

پاسخ: باید آنچه را که ناقص مانده، انجام دهد و برای سلام بی جا، احتیاطاً دو

سجده سهو بنماید، مگر قبل از آن که بخواهد مقدار ناقص را جبران کند، کاری که منافی نماز است، از او سر زده باشد که در این صورت باید نماز را اعاده نماید.

[926] سؤال 275: کسی که به عنوان مثال برایش در نماز، شك بین سه و چهار پیش می آید و بعد از سلام نماز، مشغول به نماز احتیاط می شود، اگر در بین نماز احتیاط اطمینان یا یقین به یکی از دو طرف شك (سه رکعت یا چهار رکعت) پیدا کند، نمازش را چگونه به پایان برساند؟

پاسخ: اگر در بین نماز احتیاط، برای نمازگزار یقین یا اطمینان حاصل شد که نمازش تمام و صحیح بوده است، جایز است که نماز احتیاط را قطع کند و جایز است آن را به قصد نافله تمام کند و اگر نماز احتیاطش که اکنون می خواهد آن را به قصد نافله تمام کند يك رکعت بوده، می تواند آن را يك رکعتی تمام کند و همچنین می تواند رکعت دیگری به آن اضافه نماید و آن را دو رکعتی به اتمام رساند، و اگر در بین نماز احتیاط، یقین یا اطمینان حاصل نمود که نمازش ناقص بوده، مسأله، صورتهای مختلفی دارد و بنا بر اظهر، در صورتی که بتواند نمازش را با ادامه دادن نماز احتیاط و یا رها کردن آن (در صورتی که وارد رکوع نشده باشد) تکمیل نماید، باید همین کار را بکند و نمازش صحیح است (مانند این که بین دو و سه و چهار شك کند و بعد از خواندن يك رکعت نماز احتیاط ایستاده، متوجه شود که نماز اصلی را دو رکعتی خوانده بود، که در این صورت رکعتی که به عنوان احتیاط خوانده، رکعت سوم نماز او محسوب می شود و نماز خود را با خواندن يك رکعت دیگر کامل می کند و یا مثل این که در شك بین سه و چهار، بعد از سلام مشغول به خواندن نماز احتیاط نشسته شود، سپس قبل از رکوع بفهمد که نمازش را دو رکعتی خوانده که در این صورت باید نماز احتیاط را رها کند و دو رکعت ناقص نماز خود را به صورت ایستاده تکمیل کند) و در صورتی که نتواند نمازش را تکمیل کند، باید

آن را از سر بگیرد.

[927] سؤال 276: بعد از خواندن نماز احتیاط، یقین می کنیم نمازی که خوانده بودیم، کامل بوده و احتیاجی به نماز احتیاط نداشته و یا این که یقین می کنیم نماز مان ناقص بوده و با نماز احتیاط کامل شده است. آیا اکنون وظیفه جدیدی متوجه ما می شود یا همان نماز کافی است؟

پاسخ: در هر دو صورت، تکلیف جدیدی متوجه انسان نیست و همان نماز کافی است.

[928] سؤال 277: اگر هم نماز احتیاط و هم قضای سجده یا تشهد فراموش شده بر نمازگزار واجب شود، کدام يك از آنها را باید زودتر انجام دهد؟

پاسخ: باید اول نماز احتیاط را به جا آورد، مگر این که سجده یا تشهد فراموش شده از رکعت آخر باشد که در این صورت بنا بر احتیاط باید سجده یا تشهد و بقیه افعال بعد از آنها در نماز را تا آخر سلام نماز به قصد «ما فی الذمه» به جا آورد و سپس نماز احتیاط را بخواند و در آخر، بنا بر احتیاط به جهت سلام بی جا در نماز، دو سجده سهو نیز به جا آورد.

[929] سؤال 278: کسی که در يك نماز، هم نماز احتیاط و هم سجده سهو بر او واجب می شود، کدام يك را باید اول به جا آورد؟

پاسخ: اول باید، نماز احتیاط را بخواند.

سجده سهو

[930] سؤال 279: گاهی در نماز، برای انسان پیش می آید که به طور سهوی ذکرهای نماز را جا به جا می گوید، مثلاً به هنگام تشهد، شروع به خواندن تسبیحات اربعه می کند، ولی به محض شروع به تسبیحات، متوجه اشتباه خود می شود و پس از تلفظ تنها دو حرف

ص: 234

«سین» و «باء» از «سبحان الله»، تسبیحات را قطع می کند. آیا گفتن این دو حرف در این جا، کلام بی جا محسوب شده و سجده سهو لازم دارد یا خیر؟

پاسخ: در صورت ذکر شده، سجده سهو لازم نیست.

[931] سؤال 280: اگر در يك نماز، هم سجده سهو و هم قضای سجده یا تشهد فراموش شده بر عهده نمازگزار باشد، کدام يك را مقدم کند؟

پاسخ: باید قضای سجده و تشهد فراموش شده را بر سجده سهو مقدم کند.

قضای سجده و تشهد فراموش شده

[932] سؤال 281: وقتی شك کنیم يك سجده از يك رکعت نماز را فراموش کرده ایم یا دو سجده از يك رکعت را، آیا نمازمان باطل است؟ اگر شك مابین يك سجده از يك رکعت یا دو سجده از دو رکعت باشد، نمازمان چه حکمی دارد؟

پاسخ: در هر دو صورت، بنا را می گذارد که يك سجده را به جا نیاورده و به حکم آن عمل می کند.

[933] سؤال 282: کسی که در رکعت سوم، پس از خواندن تسبیحات اربعه و قبل از رفتن به رکوع می فهمد که يك سجده را فراموش کرده است، ولی نمی داند که آن سجده از رکعت اول بوده یا رکعت دوم، چه حکمی دارد؟

پاسخ: باید بنشیند و يك سجده به جا آورد و بعد از آن نماز را ادامه دهد (برای خواندن رکعت سوم برخیزد) و سپس نماز را تمام کند و بعد از نماز، قضای يك سجده را به جا آورد و سپس بنا بر احتیاط دو سجده سهو انجام دهد و نمازش صحیح است.

[934] سؤال 283: فردی سجده و تشهد را در نمازش فراموش می کند و بعد از اتمام نماز، به جای انجام قضای سجده یا تشهد فراموش شده، مشغول به نماز دیگری می شود. اگر در

بین نماز یادش بیاید که سجده یا تشهد فراموش شده را انجام نداده، وظیفه اش چیست و نمازی که مشغول آن است، چه حکمی دارد؟
پاسخ: باید نماز را قطع نماید و آنها را انجام دهد.

[935] سؤال 284: آیا پس از به جا آوردن تشهد فراموش شده، سلام دادن لازم است؟ و آیا در این حکم، فرقی بین این که تشهد اول فراموش شده باشد یا تشهد دوم وجود دارد؟

پاسخ: اگر تشهد فراموش شده از رکعت آخر نباشد، بنا بر احتیاط قضا دارد و سلام دادن لازم نیست و باید پس از آن، دو سجده سهو به جا آورد و اگر تشهد فراموش شده از رکعت آخر باشد و کاری که نماز را باطل می کند، انجام نداده باشد و موالات نیز به هم نخورده باشد، بنا بر احتیاط تشهد را بدون یت ادا و قضا و به قصد قربت مطلقه بخواند و سلام را نیز رجائاً بدهد و سپس دو سجده سهو به جا آورد و اگر بدون علم و عمد کاری که نماز را باطل می کند، انجام داده و یا موالات به هم خورده باشد، قضای تشهد را بنا بر احتیاط انجام دهد و سلام دادن لازم نیست و پس از آن دو سجده سهو به جا آورد.

[936] سؤال 285: اگر کسی بین قضای سجده یا تشهد فراموش شده و نماز، فاصله زیاد بیندازد و یا کاری که منافی نماز است، به جا آورد، وظیفه اش چیست؟

پاسخ: اگر عمداً و با علم به این که به جا آوردن قضای سجده و یا تشهد، باید بدون فاصله بعد از نماز به جا آورده شود، این کار را انجام دهد، پس از به جا آوردن قضای سجده و یا تشهد فراموش شده و انجام دادن سجده سهو، بنا بر احتیاط باید نماز را نیز دوباره بخواند؛ و در غیر این صورت به جا آوردن قضای سجده و تشهد فراموش شده به همراه سجده سهو کافی است.

[937] سؤال 286: کسی که در حال ایستاده به یاد آورد که تشهد نمازش را نگفته و برای گفتن تشهد بنشیند و نمازش را تمام کند، حکمش چیست؟

پاسخ: اگر می دانسته که وظیفه اش این است که بنشیند و تشهد بخواند و این

کار را نکرده، نمازش را باید دوباره بخواند و همچنین است اگر نمی دانسته، ولی در ندانستن مسأله مقصّر بوده است.

کم و زیاد کردن شرایط و اجزای نماز

[938] سؤال 287: در صورتی که بیمار به خاطر خوف ضرر، نماز را در حالات زیر انجام دهد، ولی بعد از اتمام نماز متوجه شود که خوف او بی مورد بوده، تکلیفش چیست؟

الف. به جای غسل و وضو تیمّم کند.

ب. طهارات ثلاث را به صورت جبیره انجام دهد.

پاسخ: اگر در وقت، کشف خلاف شد، به احتیاط واجب اعاده کند و اگر در خارج وقت، کشف خلاف شد، قضا ندارد.

ج. نماز را در حالت نشسته بخواند.

پاسخ: اگر تکبیرة الاحرام را در حال ایستاده گفته باشد و از حال ایستاده به رکوع رفته باشد، نمازش صحیح است.

د. نماز را با اشاره بخواند.

پاسخ: باید نماز را اعاده یا قضا نماید.

[939] سؤال 288: اگر کسی در اول وقت، با وضوی جبیره ای و یا در موارد تیمّم، با تیمّم نماز بخواند، در حالی که می داند با تأخیر انداختن نماز از اول وقت، می تواند نماز را با وضوی عادی بخواند، آیا نماز اول وقتش صحیح است؟

پاسخ: صحیح نیست و باید به تأخیر بیندازد و با وضوی عادی نماز را انجام دهد، مگر این که با تیمّم یا وضوی جبیره ای نماز بخواند و بتواند قصد قربت کند و تا آخر وقت عذرش برطرف نشود که در این صورت نمازش صحیح است.

[940] سؤال 289: اگر بیماری که در بیمارستان بستری است، برای وضو و تیمّم احتیاج به

نایب داشته باشد، ولی به خاطر کمبود پرستار و پرسنل، نایب گرفتن مشکل باشد، تکلیفش چیست؟ و آیا در این صورت، خواندن نماز بدون طهارت، احتیاج به قضا کردن دارد یا خیر؟

پاسخ: در مفروض سؤال، اگر نایب گرفتن حرجی باشد، نایب گرفتن واجب نیست و چنانچه بدون طهارت نماز خوانده، قضا نماید.

[941] سؤال 290: قبلاً برای وضو گرفتن، ابتدا دو دست را از مچ تا سر انگشتان و سپس صورت و دو دست را از آرنج تا مچ می شستم و آب را تا سر انگشتان دست نمی رساندم و فکر می کردم چون در ابتدای وضو دست را از مچ تا سر انگشتان شسته ام، لذا مجدداً نیازی به رساندن آب تا سر انگشتان نیست و چندین سال بدین منوال وضو می گرفتم و آن را درست می دانستم و به همین خاطر نیازی به سؤال کردن نمی دیدم و هیچ گونه شبهه ای هم در ذهنم نبود. تکلیف نمازهایی که با چنین وضویی خوانده ام، چیست؟

پاسخ: نمازها را تدریجاً قضا کنید.

[942] سؤال 291: نمازهای جاهل قاصری که بعضی از اعمال غسل و وضو را اشتباه انجام می داده، اعاده لازم دارد یا نه؟

پاسخ: آن مقداری را که یقین دارد با وضو یا غسل نادرست به جا آورده، باید اعاده نماید.

[943] سؤال 292: اگر کسی عمداً در واجب غیر رکنی نماز، اخلاص ایجاد کند، ولی دوباره آن را تصحیح کند، آیا نمازش صحیح است؟ مثلاً قرائت یا ذکر را عمداً غلط بخواند و دوباره صحیح آن را بگوید و یا این که هنگام قرائت یا ذکر، بدنش را عمداً حرکت دهد و دوباره در حال آرامش بدن بگوید؟

پاسخ: در فرض ذکر شده، نماز باطل می شود و جبران کردن بعدی، آن را تصحیح نمی کند.

[944] سؤال 293: کسی که دو یا سه روز بی هوش بوده است، آیا نمازهایی که در این مدت نخوانده، قضا دارد یا خیر؟

پاسخ: نمازهایی که در تمام مدت وقت آنها بی هوش بوده، قضا ندارد.

[945] سؤال 294: این که قضای نمازهای واجبی که در زمان حیض خوانده نشده، واجب نیست، آیا مربوط به نمازهای واجب روزانه است یا هر نماز واجب دیگری را نیز شامل می شود؟

پاسخ: اختصاص به نمازهای یومیه دارد و در نمازهای واجب دیگر، احتیاط در قضا کردن آنهاست.

[946] سؤال 295: می دانیم که قضای نمازهای خوانده نشده زن حائض واجب نیست. آیا این عدم وجوب، به معنای عدم مشروعیت است یا تنها به معنی عدم وجوب است که اگر بخواهد قضای این نمازها را بخواند، مانعی نداشته باشد؟

پاسخ: قضای نمازها برای حائض و نفساء مشروع نیست؛ چون از آن نهی شده است.

[947] سؤال 296: شخصی یقین دارد که نماز قضا دارد؛ ولی نمی داند که نماز قضای ظهر و عصر است یا مغرب و عشا. تکلیف او چیست؟

پاسخ: اگر يك نماز چهار رکعتی به نیت قضای ظهر و يك نماز سه رکعتی به نیت قضای مغرب و بعد يك نماز چهار رکعتی به قصد «ما فی الذمه» (اعم از عصر و عشا) بخواند، کافی است و در جهر (بلند خواندن) و اخفات (آهسته خواندن) این نماز چهار رکعتی مخیر است.

[948] سؤال 297: کسی که بعد از اذان ظهر و قبل از اذان مغرب، به مسافرت رفته یا از مسافرت به وطن برگشته و نماز ظهر و عصر او در این روز قضا شده، وظیفه او در

خواندن نماز قضای ظهر و عصر، نماز دو رکعتی است یا چهار رکعتی؟

پاسخ: آنچه که در آخر وقت واجب بوده، آن را باید قضا نماید؛ یعنی اگر در آخر وقت نماز ظهر و عصر مسافر بوده و نمازش فوت شده، باید به صورت شکسته قضا کند و اگر در آخر وقت نماز ظهر و عصر، در وطن بوده و نمازش فوت شده، باید به صورت تمام، قضای آن را به جا آورد، اگر چه احتیاط در جمع بین شکسته و تمام است.

[949] سؤال 298: آیا رعایت ترتیب، در خواندن نمازهای قضا لازم است یا خیر؟ مثلاً اگر اول، تمام نمازهای صبح و بعد تمام نمازهای ظهر و بعد تمام نمازهای عصر را که قضا شده، بخواند و یا این نوع ترتیب را هم رعایت نکند، نمازهای خوانده شده، صحیح است یا خیر؟

پاسخ: در قضا ترتیب شرط نیست، مگر در موردی که ترتیب در ادا شرط باشد (مثل نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا از يك روز که عصر و عشاى يك روز باید بعد از ظهر و مغرب همان روز خوانده شود)؛ ولی اگر ترتیب نمازهای قضا شده را بداند، بهتر است به همان ترتیب، قضای آنها را به جا آورد.

[950] سؤال 299: کسی که وظیفه اش تیمم بدل از وضو یا غسل است، آیا می تواند نمازهای قضای خود را هم با تیمم بخواند؟

پاسخ: ظاهر این است که خواندن نماز قضا با تیمم (برای غیر ضیق وقت) صحیح است و اشکال ندارد، مگر این که علم یا ظن به زوال عذر در زمان نزدیک داشته باشد.

[951] سؤال 300: کارهای مستحبی که زمان مخصوصی برای آنها تعیین شده است (مثل بعضی از نمازها و غسل های مستحبی)، چنانچه وقت آنها گذشت و موفق به انجام دادن آنها نشدیم، آیا می توانیم قضای آنها را انجام دهیم یا خیر؟

پاسخ: به جا آوردن قضای آنها به قصد ورود، احتیاج به دلیل شرعی خاص

دارد؛ ولی به قصد رجا و مطلوبیت اشکال ندارد.

نماز قضای خویشان که بر انسان واجب می شود

[952] سؤال 301: آیا از واجباتی که بر ذمه میت بوده و انجام نداده است، غیر از نماز و روزه، واجب دیگری هم وجود دارد که انجام دادن آن به ولی میت منتقل شود؟

پاسخ: واجبات دیگر بر عهده ولی میت نیست.

[953] سؤال 302: مردی از دنیا رفته و اولین فرزندان او دو پسر دوقلو هستند. نمازهای قضای این مرد، بر عهده کدام يك از این دو پسر است؟

پاسخ: اگر بدانند که یکی از آن دو پسر، زودتر به دنیا آمده و دیگری بعد از او وضع حمل شده و مشتبه شده که کدام يك زودتر به دنیا آمده، بر هیچ کدام از آنها قضای نماز پدرشان واجب نیست، اگرچه احتیاط مستحب آن است که قرعه بزنند و یا تقسیط کنند و اگر هر دو با هم به دنیا آمده اند، قضای نمازهای میت مذکور، به نحو واجب کفایی بر هر دو واجب می شود.

[954] سؤال 303: آیا نماز قضای مادر بر ولی میت واجب است؟

پاسخ: مطابق با احتیاط است؛ ولی بنا بر اقوی واجب نیست.

[955] سؤال 304: پدر و مادری مقید به خواندن نماز بوده اند، ولی نماز را غلط می خوانده اند. آیا قضای نماز آنها بر پسر بزرگ تر واجب است؟

پاسخ: اگر اشکال نماز پدر به گونه ای بوده که قضای آن نمازها بر خود پدر واجب بوده، اکنون بر پسر بزرگ تر واجب است که از طرف او آن نمازها را قضا کند و احتیاط مستحب این است که این حکم، نسبت به نماز قضای مادر هم رعایت شود.

[956] سؤال 305: اگر پسر بزرگ میت، قصد خواندن نمازهای میت را نداشته باشد، آیا

وظیفه ای متوجه دیگر اولاد میّت می شود یا نه؟

پاسخ: در صورت فرض شده، وظیفه ای متوجه دیگر اولاد میّت نمی شود.

[957] سؤال 306: پدری در مدت پنجاه سال، نه نماز خوانده و نه روزه گرفته است و پسر بزرگ علناً به او اعلام می کند که بعد از مرگش قضای نماز و روزه اش را انجام نخواهد داد. آیا پسر بزرگ، بعد از فوت پدرش می تواند به گفته خود عمل نماید؟

پاسخ: در مفروض سؤال، خواندن نمازها و روزه های قضا شده پدر بر پسر بزرگ تر واجب نیست.

[958] سؤال 307: اگر پسر بزرگ تر بعد از مرگ پدرش و قبل از خواندن نمازهای قضای او فوت کند، آیا خواندن نمازهای قضای پدر، به کس دیگری منتقل می شود یا نه؟

پاسخ: بعید نیست وجوب قضای نماز و روزه میّت، برعهده پسر بزرگ تر بعد از آن پسر فوت شده باشد، به شرط آن که پسر فوت شده، قبل از آن که بتواند قضای نمازها و روزه های پدرش را به جا آورد، از دنیا رفته باشد.

[959] سؤال 308: مردی که از دنیا رفته و پسر بزرگ او قبل از فوت او مرتد شده، آیا باز هم خواندن نماز قضای او بر کسی (مثل پسر بعدی) واجب است؟

پاسخ: در فرض سؤال بعید نیست که وجوب قضای نماز و روزه، به غیر پسر مرتد اختصاص داشته باشد.

[960] سؤال 309: قضای نماز میّت، هنگامی که پسر ندارد، آیا از اصل ترکه حساب می شود یا از ثلث آن؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب باید بزرگ ترین مرد از اقارب او که در نزدیک ترین طبقه ارث به میّت قرار دارد، نماز و روزه های قضا شده او را به جا آورد، اگرچه ارث به او نرسد.

[961] سؤال 310: فردی وصیت کرده که يك سال نماز و روزه برای او به جا آورند. آیا

می توان مبلغ لازم برای انجام این کار را به یکی از فرزندان خود میّت (چه پسر بزرگتر و چه غیر او) داد تا این کار را انجام دهد؟

پاسخ: اگر اطمینان وجود دارد که فرزند میّت، نماز و روزه وصیت شده را به نحو صحیح به جا می آورد، دادن مبلغ مذکور به وی اشکال ندارد و جایز است.

[962] سؤال 311: کسی نماز و روزه قضا دارد و وصیت کرده که آنها را از ثلث اموالش به جا آورند و ثلث اموال هم برای این امر کفایت می کند. به این ترتیب، آیا پس از مردن این شخص، پسر بزرگ ترش باز هم وظیفه ای نسبت به نماز و روزه های قضای او دارد یا خیر؟ اگر ورثه به وصیت او عمل نکنند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در صورتی که ثلث مال میّت، برای نماز و روزه ای که وصیت کرده، کافی باشد، پسر بزرگ تر مسؤولیتی ندارد و هر يك از ورثه که مانع از عمل به وصیت شوند، مسؤل هستند.

[963] سؤال 312: دوستی داشتم که قبلاً مسیحی بود و الحمد لله پس از معاشرت نمودن با او شیعه اثناعشری شد. ایشان سؤال می کند که آیا قضا کردن تکالیف پدر و مادرش که مسیحی بوده اند و از دنیا رفته اند، صحیح است؟

پاسخ: صحیح نیست.

نماز قضای استیجاری و تبرعی

[964] سؤال 313: مادر بنده به رحمت ایزدی پیوسته و وصیت نموده که با 13 اموالش برای ایشان به مدت چهل سال نماز و روزه بگیرند و مبلغ مذکور برای این کار کافی نیست. با توجه به این که بنده عائله مند هستم و کار هم ندارم و توانایی انجام این کار را هم دارم، آیا شرعاً مجاز به انجام این کار می باشم؟

پاسخ: اگر احتمال نمی دهید که منظور مادرتان این بوده که روزه و نماز را به دیگری بدهید، می توانید روزه را بگیرید و در صورتی که نمازتان صحیح

ص: 243

باشد، می توانید نماز را هم خودتان بخوانید.

[965] سؤال 314: همسر من در ماه های رمضان نماز می خواند و روزه می گرفت؛ ولی بعد از ماه رمضان، فقط نمازهای صبح را می خواند و گاهی هم نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا را به جا می آورد تا این که از دنیا رفت. آیا جایز است که من مبلغی را پردازم تا بعضی از نمازهای قضا شده او خوانده شود؟ و آیا این کار، نفعی به حال او دارد؟

پاسخ: بلی، جایز است و ان شاء الله به او نفع می رساند.

[966] سؤال 315: آیا می توان کسی را که نمازش را با تیمم یا وضوی جبیره ای یا به طور نشسته و امثال آن برگزار می کند، برای نماز استیجاری اجیر کرد؟

پاسخ: احتیاطاً شخصی را اجیر بگیرند که نماز را با شرایط کامل و صحیح انجام دهد و اجیر گرفتن کسانی که در مورد سؤال ذکر شده، بنا بر احتیاط صحیح نیست.

[967] سؤال 316: کسی که برای خواندن نماز قضای میتی اجیر شده و بعداً جراحاتی در او ایجاد شده که دیگر وضوی عادی نمی تواند بگیرد و وظیفه اش وضوی جبیره ای و یا تیمم است، آیا شرعاً حق دارد به همین صورت، نمازهای میت را بخواند؟

پاسخ: احتیاط در ترك آن است و در صورتی که برای انجام دادن به صورت عادی تمکن پیدا نکرد، احتیاط در این است که اجاره را با اقاله به هم بزنند.

[968] سؤال 317: جوانی که به سن بلوغ نرسیده، آیا می تواند نماز و روزه استیجاری به جا آورد؟

پاسخ: اگر ممیز باشد و بدانند که نماز را به نحو صحیح به جا می آورد، می توانند او را اجیر کنند و نمازهایی که می خواند، کفایت می کند.

[969] سؤال 318: آیا نماز و روزه ای که بچه ممیز به طور صحیح و تبرّعی از طرف میت انجام می دهد، تکلیف را از میت بر می دارد یا خیر؟

پاسخ: در مفروض سؤال، تکلیف از میّت ساقط می شود.

[970] سؤال 319: اگر زنی اجیر شود تا نمازهای قضا شده میّت مرد را بخواند، نمازهای صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند یا آهسته؟ و اگر مردی برای خواندن نماز میّت زن اجیر شود، چگونه بخواند؟

پاسخ: اجیر باید به وظیفه خودش عمل نماید.

[971] سؤال 320: کسی که نماز و روزه استیجاری گرفته تا انجام دهد، اما اسم میّت را فراموش کرده و به هیچ عنوان هم نمی تواند نام او را به دست آورد، به چه نیت نماز و روزه او را به جا آورد؟

پاسخ: اگر به نیت میّتی که پول گرفته تا برای او نماز و روزه انجام دهد، نماز و روزه را به جا آورد، کافی است و دانستن و گفتن اسم، لازم نیست.

[972] سؤال 321: کسی که برای خواندن نماز، اجیر شده است، آیا می تواند به حداقلّ واجبات در نماز اکتفا کند و نماز را بسیار خلاصه و کوتاه بخواند یا نه؟

پاسخ: اگر کیفیت عمل (از جهت انجام دادن به همراه مستحبات)، معین نشده باشد، باید آن را به طور متعارف به جا آورد.

[973] سؤال 322: کسی که برای خواندن مقداری نماز و گرفتن مقداری روزه در زمان معینی اجیر شده است، اگر پس از گذشت زمان معین، تنها بخشی از کار را انجام داده باشد، نسبت به بقیه نمازها و روزه ها چه باید بکند؟

پاسخ: بدون گرفتن اجازه جدید از کسی که او را اجیر کرده، جایز نیست بقیه اعمال را در خارج از آن وقتی که در اجاره، معین شده است، به جا آورد.

[974] سؤال 323: اگر کسی نماز و روزه استیجاری را قبول کرد، در صورتی که برای انجام دادن آنها وقتی معین نشده باشد، تا چه مدت برای انجام آنها فرصت دارد؟

پاسخ: در مفروض سؤال، نباید تأخیر انداختن نماز و روزه، مسامحه محسوب

شود و تا ممکن است آن را زودتر انجام دهد.

[975] سؤال 324: شخصی از دنیا رفته و نماز قضا برعهده او باقی مانده است، آیا شخص دیگری که نماز قضای او را تبرعاً می خواند، می تواند آن را به صورت جماعت (به عنوان امام یا مأموم) به جا آورد یا این که در نماز جماعت، باید نمازی را که بر خود انسان واجب شده است، بخواند؟

پاسخ: در فرض ذکر شده، قضای نماز آن شخص را، چه امام باشد و چه مأموم، می تواند به جا بیاورد.

[976] سؤال 325: با توجه به این که بسیاری از نمازهای استیجاری، از باب احتیاط خوانده می شود، آیا کسی که برای خواندن نمازهای میّت اجیر شده، می تواند این نمازها را به جماعت و در حالی که مأموم است، بخواند؟

پاسخ: اشکالی ندارد، مگر این که شخص اجیرکننده، شرط کرده باشد که اجیر، نماز را به صورت فرادی بخواند.

[977] سؤال 326: فردی به من مراجعه کرد تا برای میّت او یک سال نماز بخوانم و یک ماه روزه بگیرم. پس از قبول کردن، شرایط به من فرصت انجام این عمل را نداد و به همین جهت من آن را به فرد دیگری موکول کردم و اکنون شك دارم که آن را صحیح به جا آورده است یا خیر. لطفاً مرا در مورد وظیفه شرعی ام راهنمایی فرمایید.

پاسخ: اگر اذن و اجازه، برای اجیر کردن شخص دیگر داشته اید و همه شرایطی که در اجیر لازم است، رعایت نموده اید، اشکال ندارد و اگر بدون اذن، این کار را انجام داده اید، باید به صاحب پول رجوع کنید. اگر اجازه داد، اشکال ندارد و اگر اجازه نداد، باید خودتان نماز و روزه را انجام دهید و یا اجاره را اقاله کنید و پول وی را باز پس دهید.

[978] سؤال 327: وکیل مورد اعتمادی شخصی را برای خواندن نماز میّت اجیر نموده؛ ولی

بعداً معلوم می شود که نماز خوانده نشده است. در این صورت کدام يك از وكيل يا اجير ضامن هستند؟

پاسخ: اگر وكيل، مقصر نباشد، ضامن نیست و اجير، ضامن است و خواندن نماز بر عهده اوست.

[979] سؤال 328: آیا نیابت از انسان زنده، چه مرد باشد و چه زن، در نوافل و قرائت قرآن و دیگر مستحبات، صحیح است یا خیر؟

پاسخ: نیابت (تبرعی و استیجاری) از زندگان، در بعضی از مستحبات، مثل حج، عمره، طواف از طرف کسی که در مکه نیست، قرائت قرآن، زیارت قبر معصومین علیهم السلام و توابع آن، مثل نماز زیارت، جایز است و ظاهراً نیابت تبرعی در جمیع مستحبات از طرف افراد زنده، اگر به قصد رجا باشد، اشکالی ندارد؛ اما صحّت اجیر شدن برای غیر از مثل مستحبات ذکر شده، محلّ تأمل است.

[980] سؤال 329: آیا مکلفی که قضای نماز و روزه خودش و یا روزه کفاره و یا قضای نماز و روزه پدر و مادر بر عهده اوست، می تواند

نماز و روزه استیجاری قبول کند یا نمی تواند؟

پاسخ: در صورت وسعت وقت، می تواند نماز و روزه استیجاری را قبول کند.

نماز جماعت

شرایط، وظایف و امور مربوط به امام جماعت

بلوغ

[981] سؤال 330: آیا دانش آموزان ممیز و غیر بالغ، می توانند در مدرسه به عنوان امام جماعت نماز بخوانند؟

پاسخ: احتیاطاً جایز نیست.

ص: 247

[982] سؤال 331: آیا به امام جماعتی که به جهت عذری به جای وضو یا غسل، تیمم یا وضوی جبیره ای نموده است، می توان اقتدا کرد؟

پاسخ: جایز است و اشکالی ندارد.

[983] سؤال 332: اگر مأموم بفهمد که بدن یا لباس امام جماعت نجس است، ولی خود امام جماعت نداند، آیا اقتدا کردن او صحیح است؟

پاسخ: اگر نجاست از مواردی باشد که در نماز بخشوده نشده است، مسأله سه صورت دارد: اول این که مأموم می داند امام جماعت از نجاست بدن یا لباس خود بی خبر است که در این حالت، اقتدا کردن صحیح است؛ دوم این که مأموم می داند که امام جماعت از نجاست باخبر بوده، ولی بعد، فراموش کرده است که در این صورت نمی تواند اقتدا کند؛ و سوم این است که مأموم، چیزی در مورد باخبر یا بی خبر بودن امام نمی داند که در این صورت هم اقتدا کردن اشکال ندارد، اگر چه بهتر است اقتدا نکند.

[984] سؤال 333: مراد از عادل بودن که شرط امام جماعت است، چیست؟

پاسخ: مراد از امام جماعت عادل کسی است که گناه کبیره مرتکب نشود و اصرار بر گناه صغیره ننماید و از کارهایی که نشان دهنده بی مبالاتی در امور دینی است، اجتناب کند.

[985] سؤال 334: فرق بین گناه صغیره و کبیره که در بحث عدالت مطرح می شود، چیست؟

پاسخ: گناه کبیره آن است که در قرآن کریم و یا در احادیث معتبر، آن را کبیره شمرده باشند یا برای آن وعده عذاب داده شده باشد و یا نزد متشرعین گناه بزرگی محسوب شود.

[986] سؤال 335: کسی که خود را عادل نمی داند، اگر او را با اصرار برای امامت جماعت در جلوی صفوف نمازگزاران قرار دهند، چه کند تا نماز خودش و دیگران به طور صحیح برگزار شود؟

پاسخ: اگر خود را عادل نمی داند و دیگران او را عادل می دانند، امام جماعت شدن او اشکال ندارد، اگر چه بهتر است اجتناب کند.

[987] سؤال 336: ما شخصی را واجد شرایط امامت جماعت می دانیم؛ ولی خودش می گوید: «من راضی نیستم که به من اقتدا کنید» یا این که می گوید: «من عادل نیستم». در فرض مذکور، اقتدا به او چه حکمی دارد؟

پاسخ: رضایت امام جماعت، برای اقتدا کردن به او لازم نیست. درباره تشخیص عدالت، در رساله های عملیه، توضیح لازم داده شده است.

[988] سؤال 337: وقتی وارد مسجد جدیدی می شویم که هیچ گونه شناختی از امام جماعت آن نداریم، آیا می توانیم نماز را به جماعت بخوانیم؟

پاسخ: اگر اطمینان حاصل شود که امام جماعت عادل است، اگر چه از کثرت اقتدا کنندگان باشد، اقتدا کردن اشکال ندارد.

قرائت صحیح

[989] سؤال 338: آیا اصالة الصَّحِّه (صحیح بودن فعلی که از مسلمان صادر می شود)، در قرائت امام جماعت نیز جاری می شود یا خیر؟

پاسخ: جاری می شود.

[990] سؤال 339: اگر امام جماعت، مخارج حروف را رعایت نکند، وظیفه مأموم چیست و نمازش چگونه است؟

پاسخ: اگر کلماتی که ادا می کند، مفهوم باشد، ولی با وجود این که سعی بر آموختن قرائت صحیح کرده، باز هم نمی تواند حرف یا کلمه یا لحنی را صحیح

ادا کند، می توان به او اقتدا کرد.

[991] سؤال 340: بعضی از امامان جماعت در قرائت نماز، هم «مَالِك يَوْمَ الدِّينِ» می گویند و هم «مَلِك يَوْمَ الدِّينِ». آیا قرائت دوم صحیح است؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[992] سؤال 341: آیا اقتدا نمودن به امام جماعتی که از خوف تبدیل کسره به یاء (در قرائت نماز)، کسره را به فتحه تبدیل می نماید یا امام جماعتی که ادغام را رعایت نمی کند، صحیح است؟

پاسخ: در مواردی که قرائت امام جماعت به هر جهتی از نظر تکلم عربی، غلط محسوب شود، چنانچه امام جماعت قدرت بر صحیح خواندن داشته باشد، اقتدا به او جایز نیست.

امامت جانباز، معلول و فرد ناتوان

[993] سؤال 342: این جانب روحانی جانبازی هستم که در جنگ تحمیلی، پای چپ من از زیر زانو قطع شده است. اکنون با پای مصنوعی، امور زندگی خود (نظیر راه رفتن و رانندگی با ماشین) را انجام می دهم، حتی نمازهای پنجگانه خود را نیز با پای مصنوعی و ایستاده به جا می آورم. با توجه به این موضوع، آیا مأمومین می توانند به عنوان امام جماعت به من اقتدا کنند یا خیر؟

پاسخ: احتیاطاً جایز نیست.

[994] سؤال 343: امامت جماعت، توسط جانبازان و یا شخص معلولی که یکی از مساجد سبعة خود را فاقد است، چگونه است؟

پاسخ: احتیاطاً جایز نیست.

[995] سؤال 344: آیا امامت کسی که یکی از انگشتان دست یا بیشتر از يك انگشت او قطع شده باشد، جایز است؟

ص: 250

پاسخ: اشکالی ندارد؛ ولی اولی این است که کامل، به ناقص اقتدا نکند.

[996] سؤال 345: کسی که بعضی از انگشتان دستش بسته است و باز نمی شود، ولی کف دست او و دیگر انگشتانش به طور کامل بر روی زمین قرار می گیرد، آیا می تواند امام جماعت شود؟

پاسخ: اولی، ترك آن است.

[997] سؤال 346: اقتدا نمودن به کسی که در حال قیام، به عصا تکیه می کند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اشکال ندارد؛ ولی بهتر است به امام جماعتی که بدون تکیه کردن نماز می خواند، اقتدا شود.

امامت غیر روحانی

[998] سؤال 347: آیا امامت جماعت، توسط فرد غیر روحانی جایز است یا خیر؟ و خواندن نماز جداگانه در هنگام اقامه نماز جماعت (به قصد هتك حرمت یا بدون این قصد)، چه حکمی دارد؟

پاسخ: با حضور روحانی، غیر روحانی امامت نکند و هتك حرمت مؤمن حرام است، و نماز فردی در حال اقامه جماعت اگر عرفاً هتك حرمت مؤمن (امام جماعت) محسوب شود، باطل است، اگرچه قصد هتك نداشته باشد.

[999] سؤال 348: در مدارس و یا ادارات و مؤسسات دولتی و یا غیر دولتی، افرادی به عنوان امام جماعت هستند که روحانی نیستند. نظرتان در این مورد چیست؟

پاسخ: شرایط امام جماعت در توضیح المسائل ذکر شده است و با وجود روحانی، غیر روحانی امامت نکند.

[1000] سؤال 349: این جانب مداح اهل بیت علیهم السلام و مفتخر به نوکری ائمه اطهار علیهم السلام هستم.

بنده در تأسیس و تشکیل بعضی از هیئات مذهبی شرکت داشته‌ام. در مواقعی که روحانی نداریم، اعضای هیئت از این جانب درخواست تشکیل جماعت را می‌کنند و این جانب فقط در موقع نماز جماعت، از لباس مقدّس روحانیت استفاده می‌کنم. آیا از نظر شرعی و عرفی این کار من اشکال دارد یا خیر؟

پاسخ: به طور کلی در صورتی که روحانی در دسترس نباشد و شخص غیر روحانی از نظر اقتدا کنندگان، دارای شرایط امام جماعت (که در رساله ذکر شده است) باشد، می‌تواند به چنین شخصی اقتدا کنند و وی بهتر است موقع امامت، از عبا استفاده نماید و لباس کامل روحانیت نباشد.

امامت بانوان

[1001] سؤال 350: اقامه نماز جماعت ویژه خواهران، به امامت یکی از خواهران متدین، جایز است یا خیر؟

پاسخ: احتیاط واجب آن است که امام جماعت زنان نیز مرد باشد.

[1002] سؤال 351: امامت جماعت توسط بانوان برای بانوان و دانش آموزان دختر در مدارس، چه حکمی دارد؟

پاسخ: به نظر این جانب احتیاطاً جایز نیست.

امور دیگر مربوط به امام جماعت

[1003] سؤال 352: آیا می‌توان به امام جماعتی که در حال خواندن نماز استیجاری برای شخص دیگری است، اقتدا کرد؟

پاسخ: اگر نمازی را که برای شخص دیگری می‌خواند، احتیاطاً به جا می‌آورد و نمی‌داند نمازی از آن شخص قضا شده یا خیر، اقتدا کردن به او محلّ اشکال است؛ ولی اگر دانسته شود که نماز از متوقفاً قضا شده است، می‌توان به او اقتدا نمود و فرق نمی‌کند که در مقابل این نماز، پول گرفته یا نگرفته باشد.

ص: 252

[1004] سؤال 353: جایی نماز جماعت برقرار شده و شخصی وارد می شود که امام جماعت را نمی شناسد. این شخص نسبت به یکی از مأمومین از جهت دارا بودن شرایط امام جماعت آشنایی دارد و به جای امام جماعت، به این مأموم اقتدا می کند. آیا این گونه نماز جماعت، از نظر شرع مقدّس اسلام صحیح است یا خیر؟

پاسخ: جایز نیست کسی به مأموم در حال اقتدا به امام جماعت دیگر اقتدا کند.

[1005] سؤال 354: دو نفر وارد بر نماز جماعت می شوند. یکی از آنها به رکعت سوم امام جماعت می رسد و نفر دوم به رکعت چهارم. بعد از اتمام نماز جماعت، نفر اول بقیه نماز خود را می خواند و تمام می کند؛ ولی هنوز يك رکعت از نماز نفر دوم باقی مانده است.

آیا در این موقع، نفر اول می تواند نماز دیگر خود را به نفر دوم اقتدا کند که در این صورت نفر دوم در يك نماز هم مأموم باشد و هم امام جماعت؟

پاسخ: در مورد سؤال، اگر نفر دوم دارای شرایط امام جماعت باشد، اقتدای به او اشکال ندارد.

[1006] سؤال 355: آیا نماز جماعت در پشت سر امام جماعت اخباری، صحیح است؟

پاسخ: اگر واجد شرایط ذکر شده برای امام جماعت باشد و به علمای اسلام توهین ننماید، مانعی ندارد.

[1007] سؤال 356: نماز خواندن در پشت سر کسی که با ولایت فقیه مخالف است، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در توضیح المسائل، شرایط امام جماعت بیان شده است.

[1008] سؤال 357: اگر به نظر مرجع مأموم، نماز امام باطل باشد، آیا اقتدا کردن به او صحیح است؟

پاسخ: اگر به عقیده مأموم، نماز امام باطل باشد، نمی تواند به او اقتدا کند؛

ولی اگر اخلال، در اجزای غیر رکنی نماز باشد که اخلال جهلی به آنها مضر نیست، می تواند به او اقتدا کند.

[1009] سؤال 358: در بعضی از جماعات دیده می شود با این که اذان نماز از طرف یکی از مأمومین گفته می شود، باز هم اذان از طرف امام جماعت تکرار می شود. لطفاً بفرمایید که این تکرار از چه بابی انجام می شود؟

پاسخ: برای خود امام جماعت هم مستحب است که قبل از نماز، اذان و اقامه بگوید و از این جهت، اشکالی در اذان و اقامه او نیست.

[1010] سؤال 359: امام جماعت قصد بلند شدن از رکوع را دارد و حتی مقدار کمی هم حرکت می کند. مأموم «یا الله» می گوید تا رکوع امام را درک کند. آیا امام می تواند صبر کند تا مأموم اقتدا نماید؟

پاسخ: چنانچه از حد رکوع خارج نشده است، می تواند صبر کند.

[1011] سؤال 360: آیا امام جماعت می تواند يك نماز واجب را دو بار به جماعت اقامه کند؟ به عنوان مثال، در اول وقت، نماز ظهر و عصر را در يك مدرسه و بعد از آن، در مدرسه دیگر و یا با جماعتی دیگر بخواند؟

پاسخ: اشکالی ندارد و بلکه مستحب است.

[1012] سؤال 361: اگر امام جماعت، مثلاً نماز ظهر را چند بار و در چند جای مختلف بخواند، در دفعه دوم و سوم و... نماز ظهر را به چه نیت باید بخواند؟

پاسخ: در مفروض سؤال، اعاده نماز ظهر امام جماعت اشکال ندارد و لازم نیست در نماز، نیت وجوب یا استحباب کند؛ ولی اگر خواست نیت کند، باید به نیت استحباب بخواند.

[1013] سؤال 362: امام جماعتی که يك بار نماز ظهر را خوانده است و می خواهد برای بار دوم (در مکان دیگر)، برای نماز ظهر امامت کند. اگر نماز دوم را با نیت نماز

قضای ظهر بخواند، در حالی که نمازهای قضای دیگر (مثل قضای صبح) را نخوانده، آیا نمازش نماز ظهر محسوب می شود؟

پاسخ: نماز ظهر محسوب می شود و رعایت ترتیب، در خواندن نمازهای قضایی که در ادای آنها ترتیب شرط نیست، لازم نیست.

[1014] سؤال 363: دریافت اجرت برای اقامه نماز جماعت از سوی امام جماعت، چه حکمی دارد؟ اگر اشکال دارد، پرداخت وجهی به عنوان حق ایاب و ذهاب چگونه است؟

پاسخ: چون اجرت، در مقابل اصل نماز نیست، اشکالی ندارد.

[1015] سؤال 364: آیا بدون اذن امام جماعتی که بیش از هفده سال در مسجدی نماز جماعت برپا داشته و اعراض هم ننموده است، شخص دیگری می تواند اقامه جماعت کند؟

پاسخ: در مسجدی که امام جماعت راتب دارد، خوب نیست فرد دیگری در آن جا اقامه جماعت نماید و موجب اختلاف و تشتت گردد. لازم است چنین کارهایی ترك شود.

[1016] سؤال 365: مسجدی دارای امام جماعت راتب است. اگر به هنگام برگزاری نماز، شخصی وارد مسجد شود که از لحاظ علم و معنویت از امام جماعت راتب بالاتر است، کدام يك برای امامت اولویت خواهند داشت؟

پاسخ: امام راتب مقدم است؛ ولی اگر دیگری افضل است، خوب است که امام راتب جای خود را به او واگذار نماید.

شرایط، وظایف و امور مربوط به مأموم

مکان مأموم

[1017] سؤال 366: فردی در مسجد، برای نماز جماعت جا گرفته و بیرون رفته و تا اقامه

ص: 255

نماز جماعت رجوع نکرده است. آیا به محض منعقد شدن نماز جماعت، حق او از آن مکان، ساقط می شود و دیگری می تواند جای او را تصرف کند؟

پاسخ: اگر قصد برگشت دارد، احتیاطاً دیگری در آن مکان تصرف نکند، مگر این که عدم بازگشت او باعث اخلال در صفوف جماعت شود که در این صورت اشکالی ندارد.

[1018] سؤال 367: در رساله های عملیه گفته می شود که اگر مکان مأموم در نماز جماعت از امام بالاتر باشد، اشکالی ندارد. آیا در ساختمان های امروزی، امام می تواند در طبقه اول باشد و مأمومین به ترتیب از طبقه اول تا دهم باشند یا این که مثلاً ساختمان دو طبقه باشد، ولی فاصله طبقه دوم از طبقه اول از حد معمول بیشتر باشد؟

پاسخ: اگر فاصله طبقات در حدی باشد که مأمومین و امام جماعت، يك اجتماع و جماعت محسوب شوند، اشکال ندارد؛ ولی اگر فاصله به قدری زیاد باشد که آنها را يك جماعت حساب نکنند، نماز جماعت صحیح نیست.

[1019] سؤال 368: با توجه به این که تعداد نمازگزاران در اعیاد و ایام روضه و ماه مبارك رمضان، زیاد و جا در مسجد کم می شود، آیا اقتدا کننده می تواند در مکانی پایین تر از امام جماعت قرار بگیرد؟ و مقدار آن چه قدر است؟

پاسخ: اگر پایین تر بودن مأموم کم باشد، به طوری که عرفاً به آن اعتنا نشود، اشکال ندارد.

[1020] سؤال 369: اگر مأموم در بین نماز جماعت، سهواً (ولو با برخورد شخص دیگری با او) از امام جماعت جلوتر قرار بگیرد، ولی بلافاصله به جای خود که عقب تر از امام است برگردد، نماز جماعتش صحیح است یا نه؟

پاسخ: اگر به وظیفه منفرد عمل کند، نماز خودش صحیح است؛ ولی در فرض سؤال، صحّت جماعتش محلّ تأمل است.

[1021] سؤال 370: آیا مأموم می تواند در بین نماز به صف جلو یا عقب برود؟

پاسخ: اگر جایش در صف جماعت تنگ باشد و در صف جلو یا عقب جای خالی وجود داشته باشد، جایز است جلو یا عقب برود، به شرط این که از قبله منحرف نشود و صورت نماز به هم نخورد و احتیاط واجب این است که این تقدّم و تأخّر، در حال قرائت نماز نباشد.

اتصال

[1022] سؤال 371: اگر در بین نماز جماعت، حائلی بین يك مأموم با صفوف جماعت یا بین يك صف با صف دیگر ایجاد شود، این نماز، چه حکمی پیدا می کند؟

پاسخ: اگر حائل، اتصال در جماعت را از بین ببرد، نماز کسی که اتصال او از جماعت قطع شده، حکم منفرد را پیدا می کند و باید به وظیفه منفرد عمل کند.

[1023] سؤال 372: آیا راه رفتن افراد غیر نمازگزار در بین صف های نماز جماعت، ایرادی به جماعت وارد می کند یا خیر؟

پاسخ: اگر غیر نمازگزاران طوری پشت سر هم و متصل به هم باشند که عرفاً حائل بین صفوف جماعت محسوب شوند، برای جماعت اشکال دارد، وگرنه مانعی ندارد.

[1024] سؤال 373: آیا فاصله شدن شخصی که مأموم نیست، می تواند اتصال در نماز جماعت را از بین ببرد و در نماز جماعت اشکال ایجاد کند؟

پاسخ: اگر فاصله او از مأمومینی که در طرف راست یا چپ او قرار دارند بیشتر از يك قدم بزرگ نباشد و همچنین فاصله محل سجده اش از محل ایستادن مأموم جلو یا امام، بیشتر از يك قدم معمولی نباشد، برای جماعت او اشکالی ندارد.

[1025] سؤال 374: آیا بیماری که روی صندلی ویلچر نماز می خواند، موجب بر هم

خوردن اتصال صفوف نماز جماعت نمی شود؟

پاسخ: در اتصال صفوف نماز، اشکالی ایجاد نمی شود.

[1026] سؤال 375: در کتاب «العروة الوثقی» در مسأله 22 از شرایط نماز جماعت آمده است که فاصله شدن بچه ممیز تا وقتی که علم به باطل بودن نمازش نداریم، ضرری برای جماعت ندارد و مرحوم آیت الله گلپایگانی رحمه الله در حاشیه آن کتاب فرموده اند که این امر مشکل است؛ بلکه ظاهر این است که تا بچه بالغ نشده، لازم است که علم به صحت نماز او پیدا کنیم. نظر حضرت عالی در این مورد چیست؟

پاسخ: احتمال صحت نماز بچه ممیز کافی است.

[1027] سؤال 376: آیا فاصله شدن بچه های ممیز در بین مأمومین، ضرری به نماز جماعت می زند یا خیر؟

پاسخ: اگر بطلان نماز آنها معلوم نباشد، به صحت نماز جماعت ضرری نمی زند، اگر چه در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند.

[1028] سؤال 377: آیا مسافر و یا بچه ممیز، می تواند در صف اول نماز جماعت قرار بگیرد؟

پاسخ: فاصله یک بچه ضرری ندارد، اگر چه نمازش باطل باشد و همچنین مسافر هم اگر يك نفر باشد، از نظر اتصال، اشکال ایجاد نمی کند.

[1029] سؤال 378: اگر مأمومین صف اول جماعت، همگی مسافر باشند و در نماز چهار رکعتی، بعد از دو رکعت سلام دهند، نماز صفوف بعدی صحیح است یا باطل؟ و در صورت صحیح بودن، جماعت است یا فردی؟

پاسخ: اگر بعد از سلام دادن نماز، در مکان خود بنشینند، نماز صف های بعدی از جهت جماعت اشکال پیدا می کند و قهراً فردی می شود و باید عمل فردی را انجام دهند؛ ولی اگر زود بایستند و دوباره اقتدا کنند، نماز صف های بعدی به جماعت صحیح است.

[1030] سؤال 379: بعد از تکبیر امام جماعت، شخصی که بین او و امام، پنج نفر فاصله شده اند، تکبیر می گوید و بعد، آن پنج نفر تکبیر می گویند. آیا نماز آن شخص صحیح است؟

پاسخ: اگر افرادی که در آن فاصله اند، آماده برای گفتن تکبیر باشند، ولی تکبیر آنها لحظاتی بعد از تکبیر این شخص صورت بگیرد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر آنها آمادگی برای تکبیر ندارند، اتصال نماز به هم می خورد و نماز او فردی می شود و صحیح است.

[1031] سؤال 380: اگر در یکی از صف های نماز جماعت، فقط از سمت چپ اتصال وجود داشته باشد، در حالات زیر، حکم نماز جماعت افراد صف مزبور چیست؟

الف. اگر بچه ممیزی که نمازش صحیح یا باطل است، در بین صف باشد؟ پاسخ: در نماز جماعت، اتصال از سمت چپ اشکال ندارد و فاصله شدن يك بچه در صف ها، اگر چه نمازش باطل باشد، بی اشکال است، ولی اگر تعداد بیشتری باشند که فاصله زیاد شود و نماز شان باطل باشد، در صف اول و یا در صفوفی که موجب قطع اتصال می شود، نیستند.

ب. کسی در بین صف نماز، تیت فردی کند؟

پاسخ: اگر با قصد فردی کردن، بیشتر از يك قدم بزرگ، فاصله در صف ایجاد شود. نماز آنهایی که بین صف جماعت و آنها فاصله ایجاد شده، فردی می گردد.

ج. به اندازه دو قدم یا بیشتر از این اندازه، در بین صف فاصله وجود داشته باشد؟

پاسخ: فاصله بیشتر از يك قدم بزرگ، مخل به نماز جماعت است.

[1032] سؤال 381: شخصی در نماز جماعت، فقط از يك طرف به نماز جماعت متصل است.

در بین نماز، افرادی که به واسطه آنها به جماعت متصل است، نماز خود را تمام می کنند و می روند و بین این مأموم و صفوف جماعت فاصله ایجاد می شود. در این موقع مأموم

چه باید بکند؟

پاسخ: جماعتش باطل و نمازش منفرد می شود.

[1033] سؤال 382: شنیده ایم که در نماز جماعت اگر مأموم احتمال بدهد که امام جماعت سر از رکوع برمی دارد و نمی تواند به جماعت برسد، می تواند از فاصله دور و بدون اتصال به صفوف جماعت اقتدا کند و به رکوع برود. لطفاً در مورد صحّت این مسأله و کیفیت اعمال و وظایف بعد از رکوع، مطالب لازم را بیان نمایید.

پاسخ: در فرض سؤال، می تواند در همان مکانی که هست، تیت کند و تکبیرة الاحرام بگوید و به رکوع برود و سپس در حال رکوع یا بعد از آن یا در سجده یا بین دو سجده یا بعد از دو سجده یا در حال قیام برای رکعت بعدی می تواند حرکت کند و خود را به صف جماعت ملحق نماید و نمازش صحیح است. البته باید راه رفتن او مستلزم انحراف از قبله نباشد و همچنین مانع دیگری برای جماعت غیر از عدم اتصال، مثل پایین تر بودن مکان مأموم نسبت به مکان امام و امثال آن در کار نباشد و احتیاط این است که راه رفتن در حال قرائت و یا اذکار نماز که خود می گوید و همچنین در حال قرائت امام واقع نشود.

تیت

[1034] سؤال 383: در مکانی دو نماز جماعت تشکیل شده که صفوف دو نماز از کنار هم به یکدیگر وصل شده اند و یک نفر در صف جماعت به طوری واقع شده است که می تواند به هر یک از آن دو امام اقتدا کند و او به یکی از دو امام اقتدا می کند. آیا می تواند در بین نماز، تیت خود را برگرداند و به امام جماعت دیگر اقتدا کند؟

پاسخ: در فرض سؤال، بنا بر احتیاط جایز نیست تیت خود را در اثنای نماز از امام جماعتی که به او اقتدا نموده، به امام جماعت دیگر منتقل نماید.

[1035] سؤال 384: کسی که پس از اقتدا کردن در نماز جماعت، تیت نماز انفرادی می کند و بعد پشیمان شده، میل دوباره به خواندن نماز جماعت پیدا می نماید، آیا جایز است

دوباره نیتش را به جماعت برگرداند؟

پاسخ: احتیاط این است که نیتش را به جماعت برنگرداند، مگر این که قصد انفراد نکرده، بلکه مردّد شده باشد که در این صورت می تواند تردید را برطرف نماید و نیت جماعت را جزمی و قطعی کند.

تکبیرة الاحرام

[1036] سؤال 385: اگر مأوم اشتباهاً زودتر از امام جماعت تکبیرة الاحرام بگوید، نمازش چه صورتی پیدا می کند؟

پاسخ: در فرض مذکور در سؤال، نمازش فرادی می شود و در صورتی که بخواهد در نماز جماعت شرکت کند، اگر وقت کافی بود، نیتش را به نماز نافله برگرداند و نافله را تمام کند و بعد، در جماعت شرکت کند و اگر وقت کافی نبود و با خواندن نافله به نماز جماعت نمی رسید، می تواند نماز فرادای خود را قطع نماید و سپس در جماعت شرکت کند.

قرائت

[1037] سؤال 386: برای امام و مأوم، در رکعت سوم و چهارم نماز، خواندن حمد بهتر است یا تسبیحات اربعه؟ در نماز انفرادی کدام يك بهتر است؟

پاسخ: بعید نیست برای امام، خواندن حمد و برای مأوم، خواندن تسبیحات اربعه افضل باشد و برای کسی که فرادی نماز می خواند، هر دو یکسان است.

[1038] سؤال 387: کسی که وارد نماز جماعت می شود و اقتدا می کند، ولی نمی فهمد که رکعت اول و دوم است یا رکعت سوم و چهارم، نسبت به خواندن حمد و سوره چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: در این صورت، حمد و سوره را به قصد قربت مطلقه می خواند. بعد اگر معلوم شد که رکعت سوم یا چهارم بوده، در محل خودش واقع شده و صحیح است و اگر یکی از دو رکعت اول و دوم بوده، اشکالی به نماز وارد نمی شود.

ص: 261

[1039] سؤال 388: آیا جایز است که مأوم، به همراه امام جماعت حمد و سوره خود را در رکعت اول و دوم نماز بخواند؟

پاسخ: در نمازهای اخفاتی، احتیاط واجب، ترك قرائت است؛ ولی اگر آن را به قصد جزئیت نخواند، اشکال ندارد و در نمازهای جهری، اگر صدای قرائت امام جماعت را بشنود، نباید حمد و سوره را بخواند و بنا بر احتیاط اگر صدای مهممه امام را نیز بشنود، باید قرائت را ترك کند و در این دو صورت، احتیاط واجب این است که مأوم سکوت نماید و ذکر دیگری نیز نگوید؛ اما اگر صدای مهممه امام را هم نشنود، مستحب است قرائت را به جا آورد؛ ولی بهتر است قصد جزئیت نکند.

رکوع و سجود

[1040] سؤال 389: اگر مأوم بعد از این که اشتبهاً زودتر از امام سر از رکوع و سجده برداشت، به جهت متابعت از امام، دوباره رکوع یا سجده را تکرار کرد، ولی به رکوع یا سجده امام نرسید، چه باید بکند؟

پاسخ: باید نماز را ادامه دهد و نمازش صحیح است.

[1041] سؤال 390: دیده شده بعضی از مؤمنین، سجده آخر نمازشان را بیش از امام جماعت طول می دهند. آیا این کار صحیح است؟ در صورت صحیح نبودن، تکلیف نمازهای قبل چیست؟

پاسخ: نماز باطل نمی شود، مگر این که تأخیر آنها از امام جماعت خیلی زیاد باشد که در این حالت، نماز آنها از صورت جماعت خارج و فرادی می شود و نمازهایی که قبلاً به این صورت خوانده شده، صحیح است.

[1042] سؤال 391: زیاد شدن رکوع و سجده به جهت تبعیت از امام جماعت تا چه مقدار جایز است و به نماز صدمه نمی زند؟

پاسخ: در رکوع، مقداری که زیاد شدن آن به جهت متابعت از امام، ضرری به

نماز نمی زند، يك ركوع در هر ركعت است و در مورد سجده، زياد شدن يك سجده برای هر سجده است و اگر در يك ركعت به جهت متابعت، بیش از يك ركوع اضافه شود و یا برای هر سجده بیش از يك سجده زياد شود، صحت نماز خالی از اشکال نیست و بنا بر احتیاط واجب باید پس از اتمام نماز، دوباره نماز خوانده شود.

تشهد

[1043] سؤال 392: مأموم موقعی به نماز جماعت می رسد که امام جماعت در حال خواندن تشهد آخر نماز است. در این حال، اقتدا می کند و می نشیند تا ثواب جماعت را درک کند.

سؤال این است که آیا به صورت معمولی بنشیند یا به حالت تجافی؟ و تشهد را با امام بخواند یا ساکت باشد؟ و موقع سلام دادن امام چه کند؟

پاسخ: به صورت متعارف و معمولی می نشیند و به قصد قربت مطلقه و به تبعیت امام جماعت تشهد را می خواند و سلام را نمی گوید و بعد از سلام امام جماعت بر می خیزد و با شروع کردن به سوره حمد نمازش را ادامه می دهد. آن نشستن، ركعت نماز حساب نمی شود؛ ولی ثواب جماعت را ان شاء الله درک می کند.

سلام

[1044] سؤال 393: آیا انسان عمداً می تواند قبل از امام جماعت، سلام نماز را بگوید؟

پاسخ: سلام گفتن پیش از امام اشکالی ندارد؛ ولی بهتر است پیش از امام نگوید، خصوصاً اگر صدای امام را بشنود.

[1045] سؤال 394: اگر مأموم، نمازش چهار ركعتی و امام، دو ركعتی باشد، بعد از تشهد ركعت دوم، وظیفه مأموم چیست؟ آیا می تواند بنشیند و به سلام امام گوش دهد یا باید تا آخر سلام امام، به حالت تجافی باشد و سلام را گوش دهد یا این که باید بلند شود و به نمازش ادامه دهد؟

ص: 263

پاسخ: می تواند بلند شود و به نمازش ادامه دهد؛ ولی بهتر است تجافی کند و به سلام امام گوش دهد.

تبعیت

[1046] سؤال 395: آیا مأوم می تواند بعضی از افعال نماز را زودتر از امام جماعت انجام دهد؟ و اگر انجام داد، حکم آن چیست؟

پاسخ: ظاهر این است که متابعت در افعال، شرط جماعت است و اگر عمداً متابعت نکند، جماعتش باطل می شود و اگر کارهای نماز فردی را هم انجام ندهد، قهراً نمازش باطل می شود؛ ولی اگر چنین کسی از روی جهل به مسأله وظایف نماز فردی را انجام نداده باشد، چنانچه خللی به ارکان نماز وارد کرده باشد (مثل این که پس از تبدیل وظیفه اش به انفراد به گمان و جوب متابعت از امام، دو بار به رکوع رفته باشد)، نمازش باطل است، وگرنه اشکالی ندارد.

[1047] سؤال 396: آیا زودتر گفتن اذکار و اقوال توسط مأوم نسبت به امام جماعت، خللی در نماز مأوم ایجاد می کند یا نه؟

پاسخ: غیر از تکبیره الاحرام، سایر اقوال را می تواند زودتر از امام جماعت بگوید؛ ولی تکبیره الاحرام را باید بعد از امام بگوید؛ بلکه احتیاط این است که بعد از تمام شدن تکبیره الاحرام امام، مأوم تکبیره الاحرام خود را بگوید.

امور دیگر مربوط به مأوم

[1048] سؤال 397: شخصی اکراه دارد که به عنوان امام جماعت جلو بایستد؛ ولی بعد از شروع به نماز خودش، دیگران به او اقتدا می کنند، حکم نماز مأومین چگونه است؟

پاسخ: اشکال ندارد و در اقتدا کردن، اجازه و رضایت امام جماعت شرط نیست؛ ولی اگر این کار باعث اذیت او می شود، مأومین این کار را نکنند.

[1049] سؤال 398: اگر امام جماعت در بعضی از افعال نماز اشتباه کند (مثل این که در

رکعت اول نماز، قنوت بخواند یا در نماز چهار رکعتی، بعد از رکعت سوم تشهد بخواند یا سلام بدهد، مأموم در این موقعیت، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: در قنوت، اگر مأموم به رکوع رفته و امام مشغول به خواندن قنوت است، مأموم از رکوع به حالت قیام بر می گردد؛ ولی قنوت نمی گیرد و اگر به رکوع نرفته، باز هم قنوت را انجام نمی دهد و در تشهد اشتباهی امام، مأموم می نشیند، ولی تشهد نمی گوید و بقیه نماز را با امام جماعت می خواند و در سلام هم اگر امام متوجه نشد و یادش نیامد، مأموم سلام اشتباهی را نمی گوید و بقیه نماز را می خواند.

[1050] سؤال 399: اگر امام جماعت، سهواً رکعی از نماز را اضافه یا کم کند، مثلاً در يك رکعت دو رکوع کند یا اصلاً رکوع نکند، نماز و وظیفه مأموم، چه صورتی پیدا می کند؟

پاسخ: مأموم باید تبت انفراد نماید و بقیه نماز را خودش بخواند.

[1051] سؤال 400: اگر فتوای مرجع تقلید مأموم این باشد که چنانچه مأموم يك نفر باشد، می تواند مساوی با امام بایستد؛ ولی مرجع تقلید امام جماعت، مساوی ایستادن را اجازه ندهد، آیا مأموم می تواند مساوی با امام بایستد؟

پاسخ: در فرض سؤال، اشکال ندارد.

[1052] سؤال 401: وارد مسجد می شویم و می بینیم که امام جماعت مشغول نماز است؛ ولی نمی دانیم که نافله ظهر را می خواند یا نماز ظهر را. در این صورت آیا می توانیم نماز ظهر را به او اقتدا کنیم و اگر بعداً معلوم شد که نافله بوده، دوباره نماز ظهر را با او بخوانیم؟

پاسخ: در این صورت، اقتدا کردن صحیح نیست.

[1053] سؤال 402: آیا مأموم می تواند هنگامی که امام در حال قنوت است به او اقتدا نماید؟

پاسخ: می تواند.

[1054] سؤال 403: اگر در مسجد، در حالی که امام جماعت در حال خواندن نماز جماعت

است، عده ای عمداً نماز فرادی بخوانند، آیا نمازشان اشکال دارد؟

پاسخ: اگر موجب هتك حرمت یا تفسيق عملی امام جماعت باشد، نمازشان اشکال دارد.

[1055] سؤال 404: کسی بدون آن که قصد توهین به امام جماعت یا خود نماز جماعت را داشته باشد، آیا جایز است که نماز خود را به صورت فردی بخواند؟ و نمازش صحیح است یا خیر؟

پاسخ: منوط به قصد نیست. اگر به نظر عرف، موجب هتك حرمت باشد، نمازش اشکال دارد.

احکام دیگر مربوط به نماز جماعت

[1056] سؤال 405: آیا اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در روز جمعه، به هنگام اقامه نماز جمعه در بلادی که نماز جمعه در آنها اقامه می شود، جایز است؟

پاسخ: نماز جماعت باطل نیست؛ لکن ممکن است در بعضی از شرایط به مصلحت نباشد.

[1057] سؤال 406: آیا دانش آموزان را (چه به سن تکلیف رسیده باشند و چه نرسیده باشند)، می توان جهت اقامه نماز جماعت و شرکت در آن اجبار کرد؟

پاسخ: اجبار، وجهی ندارد؛ ولی تشویق، شایسته است.

[1058] سؤال 407: حکم دست دادن با اطرافیان، بعد از نماز جماعت چیست؟

پاسخ: اشکال ندارد؛ ولی در این مورد دستور خاصی وارد نشده است.

[1059] سؤال 408: حکم تکبیر گفتن در نماز جماعت که معمولاً توسط کودکان و نوجوانان انجام می شود، چیست؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[1060] سؤال 409: شرکت نکردن در نماز جمعه، چه حکمی دارد؟

پاسخ: نماز جمعه افضل افراد واجب تخییری است. اگر کسی نماز جمعه نخواند و به جای آن نماز ظهر بخواند، افضل افراد را ترك کرده است؛ ولی تکلیفش را انجام داده است.

[1061] سؤال 410: آخر وقت نماز جمعه چه موقع است؟

پاسخ: اگر در اوائل عرفی ظهر، نماز جمعه شروع شود و پیش از گذشتن يك ساعت از ظهر شرعی خاتمه یابد، صحیح است.

[1062] سؤال 411: اگر کسی به رکعت دوم نماز جمعه برسد، چگونه نماز بخواند و آیا نماز ظهر از او ساقط می شود؟

پاسخ: اگر به رکوع رکعت دوم امام برسد، اقتدای او صحیح است و در موقع تشهد و سلام امام جمعه تجافی می کند و رکعت دوم را خودش ادامه می دهد و نماز او مجزی از نماز ظهر است.

[1063] سؤال 412: می گویند که صاحب محلّ اقامه نماز جمعه در منطقه ای، راضی به اقامه نماز در آن جا نیست. در این صورت رفتن به نماز چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر زمین، مالک دارد، برای هر گونه تصرفی احراز رضایت مالک (ولو به سبب قرائن) لازم است.

شرایط و وظایف امام جمعه

[1064] سؤال 413: امام جمعه با چه شرایطی حکم دائم السفر را پیدا می کند؟

پاسخ: اگر در هر سه روز يك بار برای انجام امور مربوط به امامت جمعه به محلّ اقامه نماز جمعه سفر می کند، نماز او در آن جا و در بین راه تمام است و

اگر مدتی بگذرد که در آن محل به او مسافر گفته نشود، آن جا برای او حکم وطن را دارد.

[1065] سؤال 414: آیا امام جمعه ای که به مدت سه سال به این سمت منصوب شده و ادامه امامت وی پس از این مدت معلوم نیست و محل اقامه نماز جمعه هم وطن وی نیست، می تواند در این محل قصد توطن نماید؟

پاسخ: برای تمام بودن نماز، قصد توطن ابدی لازم نیست. اگر در این مدت ساکن آن جا باشد و یا به مقداری در آن محل باشد که به او مسافر گفته نشود، آن جا در حکم وطن اوست.

[1066] سؤال 415: آیا امام جمعه ای که در محل اقامه نماز جمعه مسافر محسوب می شود، بدون قصد عشره می تواند نماز جمعه را اقامه نماید؟

پاسخ: خلاف احتیاط است.

[1067] سؤال 416: امام جمعه از مرجعی تقلید می کند که قصد عشره برای اقامه نماز جمعه را شرط نمی داند؛ ولی مرجع مأموم، قصد عشره را شرط می داند. در این فرض، اقتدای به امام جمعه چه صورتی دارد؟

پاسخ: در مفروض سؤال، چنانچه امام جمعه قصد عشره نکرده باشد، اقتدای مأموم به او اشکال دارد.

[1068] سؤال 417: يك روحانی، امام جمعه موقت شهری است که در آن سکونت ندارد و شهری که محل سکونت اوست، امام جمعه موقت ندارد. آیا ایشان می تواند به هنگام نبودن امام جمعه در شهری که ساکن آن است، نماز جمعه را به عنوان امام جمعه موقت اقامه کند؟

پاسخ: کسی که از طرف مجتهد جامع الشرائط جهت اقامه نماز جمعه مأذون است، شرعاً می تواند اقامه نماز جمعه کند؛ اما این که بتواند در محل خاصی

اقامه نماز جمعه کند، تابع مقررات مربوط به آن است.

[1069] سؤال 418: آیا برای امام جمعه، فحص از فتاوی مراجع مأمومین و یا بالعکس لازم است و یا این که هر يك از امام جمعه و مأمومین، موظف به انجام دادن تکلیف خود هستند؟

پاسخ: برای امام جمعه فحص لازم نیست؛ ولی مأمومین باید احراز کنند که امام جمعه واجد شرایطی است که مرجع تقلیدشان آن امور را لازم می داند.

نماز آیات

[1070] سؤال 419: آیا پس لرزه های پس از زلزله، سبب واجب شدن نماز آیات می شوند؟ و آیا شدت و ضعف آنها تأثیری در حکم دارد؟

پاسخ: اگر عرفاً زلزله صدق کند، نماز آیات واجب می شود و شدت و ضعف، تأثیری در حکم ندارد.

[1071] سؤال 420: کسی که اصلاً متوجه خسوف یا کسوف یا زلزله و امثال آن نشده و بعد از مدتی فهمیده که این حوادث در جایی که او بوده است، اتفاق افتاده، نماز آیات را باید بخواند یا نه؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر تمام قرص خورشید یا ماه گرفته شود، باید قضای نماز آیات را به جا آورد و اگر همه قرص گرفته نشود، قضا لازم نیست و در سایر موارد (مثل زلزله) هر وقت فهمید، باید نماز آیات را بخواند.

[1072] سؤال 421: اگر در تعداد رکوع های نماز آیات شك کنیم، چه باید بکنیم؟ اگر در رکعات آن شك کردیم که مثلاً دو رکعت خوانده ایم یا سه رکعت، چه وظیفه ای داریم؟

پاسخ: اگر در شماره رکوع ها شك کند، چنانچه از محل، تجاوز نکرده باشد، باید بنا را بر کمتر بگذارد و اگر از محل، تجاوز کرده باشد، بنا را بر انجام دادن

ص: 269

آن می گذارد و اگر در شماره رکعتها شك کند، چون نماز آیات دو رکعتی است، نمازش باطل می شود.

[1073] سؤال 422: اگر انسان در بین نماز آیاتی که به جماعت برگزار می شود، به نماز برسد، آیا می تواند اقتدا کند؟

پاسخ: اگر پیش از برخاستن امام از رکوع اول در رکعت اول و یا رکوع اول در رکعت دوم باشد، اقتدا کردن و دخول به نماز جماعت، در نماز آیات اشکال ندارد و اگر بعد از برخاستن امام از هر کدام از رکوع های ذکر شده باشد، دخول در نماز جماعت اشکال دارد؛ بلکه ممنوع است.

نماز عید فطر و قربان

[1074] سؤال 423: آیا خواندن دو خطبه پس از نماز جماعت عید فطر و قربان، جزء نماز عید است؟ و چنانچه امام جماعت خطبه را قبل از نماز عید بخواند، آیا نماز عید صحیح است؟

پاسخ: در فرض سؤال، نماز عید صحیح است؛ ولی ورود خطبه، بعد از نماز است.

[1075] سؤال 424: در صورت احساس کسالت امام جماعت، پس از خواندن دو رکعت نماز عید و قبل از ایراد خطبه، حکم چیست؟

پاسخ: نماز عید خوانده شده صحیح است.

[1076] سؤال 425: آیا برای شیعیان و سنی ها شرکت در نماز یکدیگر (نماز عید سعید فطر و قربان) به جهت ایجاد وحدت بین مسلمانان جایز است یا خیر؟

پاسخ: اگر وحدت، بر این کار مترتب شود، اشکال ندارد.

نماز نذری

[1077] سؤال 426: اگر کسی نذر کند که در وقت معینی نمازی را بخواند، چنانچه در آن وقت نتواند وضو یا غسل خود را انجام دهد، آیا نذر خود را با تیمم انجام دهد یا انجام دادن آن را به وقتی که غسل و وضو را به جا می آورد، موکول کند؟

پاسخ: در نذر معین (در فرض مذکور)، با تیمم در همان وقت معین، نماز را انجام دهد و اگر نذر مطلق است، چنانچه امید به زوال عذر دارد، منتظر باشد تا با وضو و یا غسل، نماز مندور را بخواند.

نماز مستحبی

[1078] سؤال 427: آیا می توان نمازهای مستحبی را که دارای وقت معین است (مثل نماز شب)، در صورتی که مانعی برای وضو گرفتن یا غسل کردن وجود داشته باشد، با تیمم به جا آورد؟ نمازهای مستحبی دیگر که وقت معینی ندارد یا قضای نمازهای مستحبی را چه طور؟

پاسخ: نماز شب و نمازهای مستحبی دیگر را خواه ادا باشد و یا قضای آنها و خواه وقت معینی داشته باشد یا نه، اگر عذر شرعی از غسل کردن و یا وضو گرفتن وجود داشته باشد، می شود با تیمم خواند.

[1079] سؤال 428: گفته می شود که ثواب نماز نافله در حالت نشسته، نصف ثواب آن در حال ایستاده است. حال اگر کسی بر اثر خستگی یا علت دیگر، مثلاً نافله صبح را نشسته بخواند، آیا تنها به نیمی از يك امر استحبابی عمل کرده و این عمل مستحبی را به طور کامل به جا نیاورده است یا این که به دستور خواندن نافله نماز صبح به طور کامل عمل کرده، ولی با مرتبه ای پایین تر (مثل خواندن نماز صبح به صورت انفرادی و جماعت که در هر دو صورت، به دستور خواندن نماز صبح به طور کامل عمل شده که در یکی ثواب کمتر و در دیگری ثواب بیشتر وجود دارد)؟

پاسخ: در فرض سؤال، به وظیفه نماز نافله عمل کرده است؛ ولی ثوابش کمتر است و لکن بهتر است به جای هر دو رکعت نافله ایستاده، چهار رکعت نافله نشسته (دو تا دو رکعتی) بخواند تا ثوابش هم کمتر نباشد.

[1080] سؤال 429: آیا می توان مقداری از نماز نافله را ایستاده و مقداری را نشسته به جا آورد؟

پاسخ: جایز است و اشکالی ندارد.

[1081] سؤال 430: آیا می توانیم نافله های شبانه روز را چه با بودن وقت یا نبودن وقت، با حمد تنها و بدون سوره بخوانیم؟

پاسخ: بلی، می توانید.

[1082] سؤال 431: آیا کم و زیاد شدن رکن در نماز مستحبی، موجب بطلان نماز می شود؟

پاسخ: زیاد شدن سهوی ارکان در نماز مستحبی، موجب بطلان نیست؛ ولی زیاد شدن عمدی و کم شدن عمدی و سهوی، موجب بطلان نماز مستحبی است.

[1083] سؤال 432: آیا خواندن سوره سجده دار، در نماز مستحبی جایز است یا نماز را باطل می کند؟

پاسخ: جایز است و بعد از خواندن آیه سجده دار، سجده آن را انجام می دهد و نمازش را ادامه می دهد و تمام می کند و اشکالی ندارد.

[1084] سؤال 433: لطفاً تفاوت نمازهای نافله روز جمعه را با دیگر روزها بیان کنید.

پاسخ: نمازهای نافله صبح و مغرب و عشا در روز جمعه با روزهای دیگر تفاوتی ندارد. نافله ظهر و عصر در روزهای دیگر، شانزده رکعت است که هشت رکعت نافله ظهر، بعد از زوال و قبل از نماز ظهر و هشت رکعت نافله عصر، قبل از نماز عصر خوانده می شود؛ ولی در روز جمعه، نافله ظهر و عصر، تبدیل به بیست رکعت می شود که به یکی از دو صورت زیر می توان آنها را به

جا آورد:

الف. شش رکعت، هنگام گسترده شدن خورشید؛ شش رکعت، وقت بلند شدن و ارتفاع خورشید؛ شش رکعت نزدیک ظهر (قبل از زوال) و دو رکعت، هنگام زوال خورشید.

ب. شش رکعت، هنگام ارتفاع و بلند شدن خورشید، شش رکعت، نزدیک ظهر (قبل از زوال)، دو رکعت، هنگام زوال و شش رکعت، بین نماز ظهر و عصر.

[1085] سؤال 434: در کتاب مفاتیح الجنان، در خصوص نماز امام زمان علیه السلام در مسجد جمکران، به قنوت اشاره ای نشده است. آیا این نماز قنوت دارد؟

پاسخ: استحباب قنوت، از روایاتی که می گوید در هر دو رکعت نافله، یک مرتبه قنوت مستحب است، استفاده می شود.

[1086] سؤال 435: لطفاً کیفیت نماز جعفر طیار و اثرات و ثواب آن را بیان فرمایید.

پاسخ: نماز جناب جعفر طیار، این گونه خوانده می شود:

در این نماز که دو تا دو رکعت با دو سلام است و جمعاً چهار رکعت می شود، در هر رکعت، پس از حمد و سوره، پانزده مرتبه تسبیحات اربعه، یعنی ذکر «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر» خوانده می شود و همین ذکر، در رکوع ده بار و بعد از قیام از رکوع ده بار و در هر سجده ده بار و بعد از بلند شدن از هر سجده هم ده بار و جمعاً در هر رکعت، هفتاد و پنج مرتبه و در مجموع چهار رکعت، سیصد مرتبه خوانده می شود. مضمون یکی از روایاتی که در ثواب این نماز وارد شده، این است که اگر انسان به اندازه ریگ های بیابان و کف های آب دریا گناه داشته باشد، با خواندن این نماز، خداوند آنها را می آمرزد.

[1087] سؤال 436: آیا می توان به جای نماز نافله مغرب، نماز غفيله خواند، بدین صورت

ص: 273

که نماز غفيله خوانده شود و در عين حال به جاي دو رکعت از چهار رکعت نماز نافله مغرب محسوب شود؟

پاسخ: نماز غفيله مستحب است؛ ولي مجزي از نافله مغرب نيست.

[1088] سؤال 437: آيا در نماز غفيله، گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» بعد از حمد و قبل از آيات «وذا النون اذ ذهب...» و «عنده مفتح الغيب...» لازم است يا خير؟ و اگر لازم نيست، آيا جايز است كسي به قصد فاصله انداختن بين حمد و آيات ذكر شده، «بسم الله الرحمن الرحيم» بگويد؟

پاسخ: قبل از آيات نماز غفيله، «بسم الله الرحمن الرحيم» لازم نيست؛ ولي اگر قصد ذكر مطلق كند، اشكالي ندارد.

[1089] سؤال 438: نماز وصيت چه نمازي است و طرز خواندن آن به چه ترتيب است؟

پاسخ: نماز وصيت نمازي دو رکعتي است كه خواندن آن در ميان نماز مغرب و عشا مستحب است و بنا بر احتياط بايد به نيت قربت مطلقه و قبل از برطرف شدن سرخي در سمت مغرب خوانده شود. در رکعت اول، بعد از حمد، سيزده مرتبه سوره «اذا زلزلت الارض» و در رکعت دوم، بعد از حمد، پانزده مرتبه سوره توحيد خوانده مي شود.

[1090] سؤال 439: نماز اول ماه، چه نمازي است و اثر و ثواب آن چيست؟

پاسخ: نمازي است كه مستحب است در روز اول هر ماه خوانده شود و دو رکعت است كه در رکعت اول، بعد از حمد، سي مرتبه سوره توحيد و در رکعت دوم، بعد از حمد، سي مرتبه سوره قدر خوانده مي شود و بعد از خواندن نماز، صدقه دادن به قدر ميسور بهتر است و انسان با اين نماز و صدقه، خودش را بيمه و سلامتي خویش را تا آخر آن ماه تأمين مي كند و داراي ثواب اخروي هم هست و براي تفصيل بيشتري مي توان به كتاب هاي مفصل رجوع كرد.

[1091] سؤال 440: در غیر ایام حیض و نفاس و در مواقع سختی و خطر، مثلاً در جنگ یا در حال غرق شدن یا در حال آتش سوزی یا در مواردی مثل کسی که آب و خاک در دسترسش نیست یا آن دو برای او ضرر دارد یا در حال تقيّه است و یا کسی که فلج است و بر تخت بیمارستان بسته شده یا کسی که حتی با اشاره چشم هم نمی تواند نماز بخواند، آیا ممکن است نماز از مسلمان ساقط شود؟

پاسخ: در هیچ يك از صور فرض شده، نماز ساقط نمی شود، حتی از فاقد الطهورین؛ زیرا او هم باید احتیاطاً در وقت، نماز را بخواند و سپس آن را قضا نماید و شخص ناتوان و بیمار هم (ولو به اشاره قلبی) باید نمازش را بخواند.

[1092] سؤال 441: مریضی که سخته کرده و مدتی بستری بوده و فاقد حس و حرکت و شعور است، آیا نماز از او ساقط است یا نه؟

پاسخ: اگر به طور کلی شعورش را از دست داده، مکلف به نماز نیست و اگر به مقدار درك نماز شعور دارد، باید نمازش را بخواند.

[1093] سؤال 442: بیماری که به دلیل ضربه مغزی دچار از دست دادن حافظه می شود و بعد از مدتی بهبودی می یابد، تکلیف نمازهایی که در این مدت از او فوت شده است، چیست؟

پاسخ: اگر به طوری حافظه اش را از دست داده که از نماز و تکلیف به آن در تمام وقت نماز غافل بوده، نمازهای فوت شده اش قضا ندارد و همچنین است اگر متوجه تکلیف بوده و وظیفه فعلی خود را به جا آورده؛ ولی اگر متوجه تکلیف بوده و وظیفه فعلی خود را انجام نداده، باید نمازهایش را قضا کند.

[1094] سؤال 443: چه باید بکنیم تا نماز ما مورد قبول واقع شود؟

پاسخ: نماز باید با خضوع و خشوع خوانده شود تا مورد قبول واقع شود.

انسان باید حقوق واجب را بپردازد و خود را از صفات رذیله پاک نماید و با توجه به عظمت و هیبت خداوند متعال با او سخن بگوید و بداند در مقابل که ایستاده و با چه کسی سخن می گوید.

[1095] سؤال 444: اگر فردی بخواهد با حضور قلب و دور از افکار پراکنده نماز بخواند، چه باید بکند؟

پاسخ: با آمادگی روحی و قلبی و توجه به این که نماز بالاترین عبادت است و با خواندن نماز در جای خلوت و مناسب و با توجه به معنا و مفهوم نماز و این که انسان در محضر ذات مقدّس پروردگار عالم قرار دارد، می توان به حضور قلب در نماز رسید.

[1096] سؤال 445: اگر لازمه نماز خواندن این باشد که دستور واجبی ترك شود، آیا این گونه نماز خواندن صحیح است یا خیر (مثل وقتی که طلبکار، طلب خود را تقاضا می کند، ولی او مشغول نماز می شود)؟

پاسخ: اگر وقت نماز وسعت دارد، باید نماز را بعد از انجام عملی که واجب فوری است (مثل پرداخت دین یا قرضی که وقت پرداختش رسیده است)، بخواند و چنانچه در این حال، نماز را مقدّم کند، نمازش صحیح است؛ اما معصیت کرده است؛ ولی اگر وقت نماز تنگ باشد، باید نماز را مقدّم بنماید و معصیتی هم در کار نیست. البته اگر بتواند، واجب است در حال نماز دین یا قرض خود را پرداخت کند.

[1097] سؤال 446: کسی که جنب شده، اگر نخواهد غسل جنابت کند، حکم نماز او چیست؟

پاسخ: برای خواندن نماز، باید با طهارت بود و در مفروض سؤال، باید غسل جنابت کند، مگر آن که از موارد تیمّم باشد، مثل این که به قدری تأخیر غسل

طولانی شود که وقت کافی برای غسل و نماز نباشد که در این صورت باید نماز را با تیمّم بخواند؛ ولی به تأخیر انداختن عمدی غسل تا هنگامی که وقت برای غسل و نماز باقی نماند، جایز نیست.

[1098] سؤال 447: این جانب حدود يك سال است که به سنّ تکلیف رسیده ام. در این مدت يك سال، احکام شخص جنب را نمی دانستم و نماز و روزه ام را نیز به جا آورده ام.

تکلیف اعمال گذشته ام چیست؟

پاسخ: هر مقدار نماز را که یقین دارید در حال جنابت به جا آورده اید، قضا نمایید و روزه هایی را که می دانید طلوع فجر را در آنها با حال جنابت درک کرده اید، چنانچه در یادگیری حکم مسأله کوتاهی کرده باشید، قضا نمایید؛ بلکه اگر کوتاهی هم نکرده باشید، احتیاط واجب آن است که آنها را قضا کنید.

[1099] سؤال 448: اگر غسلی به واسطه نذر و عهد و قسم و یا مس نمودن میّت واجب شود، ولی مکلف عمداً یا سهواً آن را ترک نماید، تکلیف نماز و روزه هایش در این مدت چه می شود؟

پاسخ: از جهت ترک عمدی و سهوی غسل نذر، عهد و قسم اشکالی به نماز و روزه وارد نمی شود و نیز ترک غسل مسّ میّت نسبت به روزه ضرری ندارد؛ ولی ترک آن نسبت به نماز، بنا بر احتیاط خلل وارد می کند و باید نمازهایی را که خوانده، احتیاطاً اعاده یا قضا نماید.

[1100] سؤال 449: زنی که طفل مرده ای را به دنیا آورده و مدتی را بدون غسل مسّ میّت گذرانده است، نماز و روزه اش در این مدت چه حکمی دارد؟

پاسخ: غسل مسّ میّت در روزه شرط نیست؛ ولی در مورد نماز، بنا بر احتیاط باید نمازهای خود را قضا نماید.

[1101] سؤال 450: فرموده اید که عبادات بچّه ممیّر صحیح است. آیا نماز بچّه ممیّزی

که مسّ میّت نموده، با وضوی تنها صحیح است یا خیر؟

پاسخ: برای صحتّ نماز، احتیاطاً غسل مسّ میّت کند و سپس بنا بر احتیاط وضو بگیرد و بعد نماز بخواند.

[1102] سؤال 451: شخصی خوابش سنگین است و به دوست خودش که در يك منزل زندگی می کنند، می گوید که من برای نماز صبح خواب می مانم و شما مرا برای نماز بیدار کن؛ ولی دوست او از خواب بیدار می شود و نماز می خواند و این شخص را بیدار نمی کند. آیا نماز او قبول است یا خیر؟ و بیدار نکردن او چه حکمی دارد؟

پاسخ: نماز کسی که دیگری را برای نماز بیدار نمی کند، باطل نیست؛ ولی بیدار نکردن دیگری برای نماز و عدم توجه به درخواست او کار ناپسندی است و اگر تعهّد کرده که وی را بیدار کند، چنانچه عمداً تخلف کند، گناه کرده است.

[1103] سؤال 452: آیا می توان برای یاد دادن نماز یا دیگر احکام شرعی، از کسی پول دریافت کرد؟

پاسخ: ظاهر این است که در مقابل تعلیم حمد و سوره و سایر اجزای نماز، جایز است اجرت گرفته شود.

[1104] سؤال 453: آیا می توان با کسانی که به نماز اهمیت نمی دهند، رفت و آمد نمود؟

پاسخ: حرام نیست، خصوصاً اگر با رفت و آمد، بتواند آنان را به نماز تشویق و ترغیب نماید.

[1105] سؤال 454: دوستی و رفت و آمد در منزل کسی که نماز نمی خواند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر دوستی و رفت و آمد کردن اثر خوب داشته باشد، خوب است و در مواقعی لازم هم می شود و اگر اثر بد داشته باشد، خوب نیست و در بعضی موارد جایز هم نیست و اگر اثر خوب و بد ندارد، دوستی و رفت و آمد جایز

است.

[1106] سؤال 455: بعضی از فامیل، متأسفانه به نماز اهمیت نمی دهند و نماز نمی خوانند.

آیا می توانیم از رفت و آمد با آنها و صله ارحام خودداری کنیم؟

پاسخ: صله رحم امر واجب است؛ اما اگر رابطه با چنین فامیلی موجب جرأت آنها بر ترك نماز شود یا اولاد و عائله شما را تحت تأثیر قرار دهد و باعث ترك نماز آنها شود، در این صورت رابطه با آنها ترك شود.

[1107] سؤال 456: پخش ادعیه و سخنرانی و مراسم سوگواری و جشن ها با صدای بلند از بلندگو که باعث اذیت همسایگان و سالخوردگان مجاور با امام زادگان و مساجد می گردد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اذیت مؤمن حرام است و تا ممکن است، باید خودداری شود.

[1108] سؤال 457: آیا اختصاص دقایق کوتاهی از ساعت آموزشی در مدارس، به نماز که مهمترین وسیله ارتباط انسان با خداوند است، از نظر شرعی منعی دارد؟

پاسخ: این گونه مسائل، مربوط به وزارت آموزش و پرورش است. اگر مقررات، چنین اجازه ای را بدهد، از نظر شرعی منعی ندارد.

ص: 279

[1109] سؤال 1: اگر فقط در قسمت شرقی و یا فقط در قسمت غربی ایران، رؤیت هلال رمضان یا شوال شود، آیا برای تمام مناطق ایران حجّت و دلیل است یا خیر؟

پاسخ: رؤیت هلال ماه رمضان و یا شوال، اگر در شرق باشد، برای همه مناطق ایران حجّت است و اگر در غرب رؤیت شود، برای مشرق حجّت نیست، مگر این که قریب الأفق باشند.

[1110] سؤال 2: اگر در منطقه ای هلال ماه مبارك رمضان یا هلال شوال ثابت شود، آیا برای کسانی که در غرب این منطقه واقع شده اند، هلال ثابت می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر در منطقه غرب ثابت شود که ماه دیده شده، برای شرق آن منطقه ثابت نمی شود، مگر این که افق هر دو منطقه نزدیک به هم باشد و یا این که ثابت شود در افق شرق هم بوده، اگر چه با چشم مسلّح دیده شود، نه با چشم عادی و اگر در منطقه شرق دیده و ثابت شود، برای منطقه غربی همان منطقه هم ثابت می شود.

[1111] سؤال 3: با وجود مراکز مهم رصدخانه ای و ژئوفیزیکی که حلول ماه را ثابت می کند، آیا باز هم اثبات آن باید از طریق رؤیت چشم غیر مسلّح باشد؟ آیا به لحاظ شرعی، مانعی بر سر راه اثبات این امر از طریق علوم جدید وجود دارد؟

پاسخ: ملاک، وجود هلال در افق منطقه است که بارؤیت با چشم غیر مسلّح یا

مسئله ثابت می شود و محاسبات نجومی نوعاً اطمینان آور نیست. البته اگر برای کسی اطمینان به وجود هلال در افق منطقه از هر طریق حاصل شود، باید به اطمینان خود عمل نماید.

[1112] سؤال 4: کسی اول ماه مبارك رمضان در کشورهای خارجی بوده و روز دوشنبه در آن جا رؤیت هلال شده و اول ماه، ثابت گشته و این شخص در آن جا روزه گرفته است (در حالی که در کشور ایران روز سه شنبه، اول ماه رمضان بوده). اگر این شخص، به مدت ده روز در آن کشور بماند و روزه بگیرد و بعد به ایران برگردد و عید فطر ایران، يك روز دیرتر از آن کشور باشد، این شخص، عید فطر خود را باید با کدام يك از کشورها حساب کند؟ اگر با کشور خارج حساب کند، سی روز روزه گرفته و اگر با ایران حساب کند، 31 روز روزه گرفته است. در این صورت وظیفه اش چیست؟

پاسخ: وظیفه آن است که با اثبات وجود هلال رمضان در افق هر منطقه ای که هستید، روزه را شروع کنید و با اثبات وجود هلال شوال نیز در افق هر منطقه ای که باشید، فردای آن را عید فطر قرار دهید و در فرض سؤال، کم و زیاد شدن ایام روزه اشکالی ندارد.

نیت روزه

تبدیل نیت روزه

[1113] سؤال 5: آیا در روزه، جایز است که نیت روزه را به روزه دیگر تبدیل کرد، مثل تبدیل نیت روزه نذری، به روزه کفاره یا روزه قضا، و یا تبدیل نیت روزه مستحبی، به روزه مستحبی دیگر؟

پاسخ: تبدیل نیت روزه ای به روزه دیگر جایز نیست و فرقی ندارد که هر دو روزه واجب باشند یا مستحب یا یکی واجب باشد و دیگری مستحب.

[1114] سؤال 6: کسی که به نیت قضا یا کفاره، روزه می گیرد و قبل یا بعد از اتمام روزه می فهمد که قضا یا کفاره برعهده او نبوده، آیا می تواند آن روز را روزه دیگری غیر از قضا و کفاره به حساب آورد یا نمی تواند؟

پاسخ: در صورت فرض شده، اگر بعد از اتمام روزه باشد، نمی تواند آن را روزه دیگری حساب نماید و اگر در اثنا به یادش بیاید، چنانچه قبل از ظهر متوجه شود، می تواند نیت روزه واجب غیر معین و یا روزه مستحبی کند و اگر بعد از ظهر متوجه شود، می تواند نیت روزه مستحبی کند؛ ولی بنا بر احتیاط نمی تواند نیت روزه واجب غیر معین نماید.

تداخل در روزه

[1115] سؤال 7: آیا صحیح است شخصی که مشغول گرفتن روزه واجب، مثل روزه نذر معین یا غیر معین یا روزه کفاره است و در همان روز، روزه استجابی هم وارد شده، هم نیت روزه واجب کند و هم روزه مستحب تا ثواب بیشتری ببرد؟

پاسخ: در مفروض سؤال، این چنین نیت کردنی، جایز است.

نیت روزه نیابتی

[1116] سؤال 8: کسی که می خواهد تبرّعاً از طرف دیگران روزه نیابتی بگیرد، اگر خودش قصد قربت کند و بعد از اذان مغرب، ثواب روزه را به آنها هدیه کند، کافی است یا نیت دیگری لازم است؟

پاسخ: در روزه نیابتی، واجب است که از اول به قصد نیابت باشد و اهدای ثواب بدون این که از اول قصد نیابت کند، کافی نیست.

[1117] سؤال 9: آیا وقت نیت کردن در روزه واجب یا مستحبی که به نیابت از دیگری انجام می شود، با وقت نیت این روزه ها برای خود انسان تفاوتی دارد؟

پاسخ: در روزه نیابتی، نایب باید پیش از طلوع فجر نیت کند.

شروع و پایان امساك در روزه

[1118] سؤال 10: افطار کردن بعد از مخفی شدن قرص خورشید و قبل از این که سرخی طرف مشرق از بین برود، چه حکمی دارد؟ آیا خواندن نماز مغرب در این وقت صحیح است یا خیر؟

پاسخ: احتیاطاً افطار کردن و خواندن نماز مغرب، پیش از برطرف شدن سرخی طرف مشرق جایز نیست.

[1119] سؤال 11: با توجه به توسعه شهرها و عدم امکان تشخیص دقیق لحظه طلوع فجر، در مورد امساك برای روزه و اقامه نماز صبح، چه باید کرد؟

پاسخ: بهتر است مقداری قبل از اذان، برای روزه امساك کند؛ ولی برای خواندن نماز صبح، صبر کند تا یقین به طلوع فجر حاصل شود.

[1120] سؤال 12: کسی که نمی تواند طلوع فجر را تشخیص دهد، از چه زمانی برای روزه گرفتن باید امساك کند؟ کسی که وقت مغرب را تشخیص نمی دهد، امساك را باید تا چه زمانی ادامه دهد؟

پاسخ: بر چنین شخصی واجب است احتیاط کند، به این که مقدار کمی از شب مانده، نیت روزه نماید و امساك کند تا یقین به امتثال و اطاعت امر شارع در مورد روزه کند و همچنین امساك کند تا یقین و اطمینان پیدا کند که وقت مغرب، محقق شده است.

مبطلات روزه

قصد افطار

[1121] سؤال 13: آیا قصد افطار کردن، مفطر است و روزه را باطل می کند و آیا موجب کفاره می گردد یا خیر؟

ص: 286

پاسخ: قصد افطار، روزه را باطل می کند و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد.

[1122] سؤال 14: روزه داری که تصمیم دارد فعل حرامی را که مبطل روزه است، در شب انجام دهد، ولی آن را در شب انجام ندهد، این تصمیم، چه اثری بر روزه فردای او دارد؟ اگر در شب تصمیم بگیرد که در روز بعد که قصد روزه گرفتن آن را دارد، مرتکب این فعل حرام شود، چه صورتی دارد؟

پاسخ: در صورت اول، روزه اش صحیح است و در صورت دوم، اگر هنگام طلوع فجر یا بعد از آن، این نیت را داشته باشد، روزه اش باطل است و باید آن را قضا نماید و اگر آن کار حرام را انجام دهد، احتیاطاً کفاره جمع نیز بر او واجب می شود.

ارتکاب مفطرات به واسطه جهل به مسأله یا سهو

[1123] سؤال 15: اگر انسان یکی از چیزهایی را که روزه را باطل می کند، نشناسد و در نتیجه به هنگام روزه گرفتن مرتکب آن شود یا در صورت عدم ارتکاب، اصلاً نیت خودداری از آن را به جهت این که نمی داند مبطل است، نداشته باشد، روزه اش صحیح است یا باطل؟

پاسخ: در فرض اول (ارتکاب)، اگر در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده باشد، روزه اش باطل است؛ بلکه اگر کوتاهی هم نکرده باشد، بنا بر احتیاط روزه اش باطل می شود و در فرض دوم (عدم ارتکاب)، چنانچه نیت امساک از تمام مفطرات را به طور کلی داشته و لکن در موردی خاص، به علت جهل، نیت امساک نداشته، روزه اش صحیح است و همان نیت امساک به نحو کلی کافی است.

[1124] سؤال 16: کسی که در ماه مبارك رمضان، سهواً چیزی خورده و خیال کرده با این عمل روزه اش باطل شده و سپس مشغول خوردن چیزهای دیگر شده، وظیفه اش

چیست؟

پاسخ: اگر جاهل مقصّر باشد، روزه اش باطل است و باید آن را قضا نماید و حکم جاهل قاصر نیز بنا بر احتیاط همین است.

[1125] سؤال 17: در روزه مستحبی یا قضای روزه واجب، وقتی مبطل روزه به طور سهوی پیش بیاید، روزه چه صورتی پیدا می کند؟

پاسخ: روزه صحیح است.

خوردن و آشامیدن

[1126] سؤال 18: اگر شخصی در ماه مبارک رمضان از خواب بیدار شود و غذا بخورد، سپس متوجه شود که از وقت اذان صبح گذشته است، آیا روزه اش صحیح است؟

پاسخ: اگر بررسی کامل کرده و مطمئن به عدم طلوع فجر شده باشد، روزه اش صحیح است، وگرنه باید روزه را قضا نماید؛ ولی کفاره ندارد.

[1127] سؤال 19: اگر کسی در روز ماه رمضان چیزی در دهان بگذارد که به حلقوم نرسد، آیا روزه اش باطل است؟

پاسخ: اگر قصد خوردن نداشته باشد، روزه اش باطل نمی شود.

[1128] سؤال 20: اگر به هنگام روزه، حشره ای مثل مگس یا شپش یا چیز دیگری داخل حلق شود، آیا خارج کردن آن واجب است یا خیر؟

پاسخ: اگر به حدی رسیده باشد که به فرو دادن آن خوردن گفته نشود، با بلعیدن آن، روزه باطل نمی شود و اگر به آن حد نرسیده باشد، باید آن را خارج کند، حتی اگر خارج کردن آن متوقف بر قی کردن باشد و اگر قی کرد، روزه باطل می شود و باید آن را قضا کند. البته چیزی که داخل حلق شده، اگر مانند مگس، پشه و... از چیزهایی باشد که خوردن آنها حرام است، حتی اگر به حدی رسیده باشد که به فرو دادن آن خوردن گفته نشود، بنا بر احتیاط در صورت

ص: 288

امکان باید آن را خارج کند، مگر این که خارج کردن آن متوقف برقی کردن باشد که در این صورت نباید قی کند.

[1129] سؤال 21: اگر شخص روزه داری در ماه مبارك رمضان فراموش کند که روزه است و از ما آب یا غذا طلب کند و ما بدانیم که فراموش کرده، آیا برای ما انجام دادن این کار جایز است؟ اگر از روی فراموشی مشغول خوردن شود، آیا لازم است به او تذکر دهیم یا نه؟

پاسخ: در فرض مسأله، انجام دادن آن کار جایز است و تذکر دادن به شخص مذکور لازم نیست.

[1130] سؤال 22: آیا داخل کردن انگشت در حلق، برای شخص روزه دار جایز است؟

پاسخ: جایز است و اشکالی ندارد.

[1131] سؤال 23: اگر شخص روزه داری بدون دعوت شدن، به خانه شخصی برود که خمس نمی دهد و در آن جا افطار نماید، روزه این فرد چگونه است؟

پاسخ: می تواند در آن جا افطار کند و روزه اش درست است و تکلیفی متوجه او نیست.

استعمال دارو و تزریق خون

[1132] سؤال 24: اگر روزه دار، دارو یا چیز دیگری را در بینی خود بریزد که از حلق او پایین برود، حکمش چیست؟

پاسخ: اگر عمداً و با علم به این که اگر دارو یا چیز دیگری را که در بینی می ریزد، از حلق او پایین می رود، این کار را انجام دهد، روزه اش باطل می شود.

[1133] سؤال 25: آیا تزریق آمپول های تقویتی و سرم هایی که برای جلوگیری از ضعف

استفاده می شوند، مبطل روزه است؟

پاسخ: تنها آمپول هایی که مسلّم است اشکال ندارند، آمپولهای زیر جلدی و آمپولهای بی حس کننده هستند؛ اما آمپول های خوراکی و دارویی که زیر جلدی نیستند، تا امکان دارد در شب تزریق شوند و اگر تزریق آنها در روز ضروری باشد، اشکال ندارد؛ ولی احتیاطاً روزه آن روز را قضا نمایند و همچنین است سرم های غذایی و دارویی.

[1134] سؤال 26: اگر کسی بدون استعمال آمپول دارویی یا سرم غذایی در روز، قدرت روزه گرفتن را نداشته باشد، ولی با استعمال آنها قدرت پیدا کند، باید روزه بگیرد یا خیر؟

پاسخ: در صورت ضرر نداشتن روزه، روزه را بگیرد و آمپول و سرم را مصرف کند و احتیاطاً بعد از ماه رمضان، قضای آن را نیز بگیرد.

[1135] سؤال 27: آیا تزریق خون به بدن شخص روزه دار یا گرفتن خون از او روزه را باطل می کند؟

پاسخ: گرفتن خون از وی جایز، ولی مکروه است؛ اما تزریق خون به بدن شخص روزه دار، به جز در موارد ضرورت، بنا بر احتیاط واجب ترك شود و در صورت تزریق خون، بنا بر احتیاط واجب قضای روزه به جا آورده شود.

[1136] سؤال 28: آیا دوا ریختن به بینی در روز، روزه را باطل می کند؟ دوا ریختن به چشم، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر به حلق نرسد، اشکال ندارد.

[1137] سؤال 29: اگر کسی در موقع سحری، دارو یا تریاک به شکل قرص را ببلعد که بعد از دو سه ساعت (در روز) در معده اش باز شود، روزه او صحیح است یا خیر؟

پاسخ: در صورتی که بلعیدن، پیش از طلوع فجر انجام بگیرد، روزه اش صحیح است.

[1138] سؤال 30: برخی از زنان در شب ماه رمضان قرص مصرف می کنند تا عادت نشوند. آیا روزه

آنها صحیح است یا خیر؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[1139] سؤال 31: کسی که برای رفع تنگی نفس ناچار است از دارویی استفاده کند که به صورت بخار و یا به صورت پودر گاز از راه حلق به ریه ها پاشیده می شود، تا راه تنفسی او باز شود، آیا می تواند روزه بگیرد؟

پاسخ: در فرض سؤال، بنابر احتیاط باید روزه اش را به همان ترتیب که در سؤال آمده بگیرد و هر وقت توانست، قضای آن را نیز به جا آورد.

بی هوشی

[1140] سؤال 32: اگر روزه دار، در ماه رمضان در بین روز بی هوش شود، آیا روزه اش صحیح است؟

پاسخ: قضای روزه آن روز، بنا بر احتیاط بر او واجب است و اگر در بین روز به هوش بیاید، احتیاط واجب این است که در بقیه روز نیز امساک نماید.

جنابت، حیض و استحاضه

[1141] سؤال 33: اگر مردی به کیفیت انجام غسل جنابت جاهل باشد و چندین سال، غسل را به همان صورتی که خودش می داند، انجام دهد، حکم نماز و روزه های ماه رمضان او در این مدت چیست؟

پاسخ: اگر در یاد گرفتن مسأله کوتاهی نکرده باشد، روزه های او صحیح است؛ ولی هر مقدار از نمازها را که می داند بدون طهارت خوانده، باید قضا نماید و اگر در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده باشد، روزه های او نیز باطل است و باید آنها را قضا کند.

[1142] سؤال 34: شخصی که در ماه رمضان، قبل از فجر جنب بوده است و قبل از اذان

صبح به حمام رفته، ولی فراموش کرده غسل کند و بیرون آمده و بعد از اذان به خاطر آورده است، آیا باید روزه آن روز را قضا کند یا خیر؟

پاسخ: روزه آن روز باطل است؛ ولی باید در آن روز امساک نماید و بعد از ماه رمضان قضای روزه را هم به جا آورد.

[1143] سؤال 35: مکلفی که در شب، نیت روزه مستحبی یا روزه قضای رمضان یا روزه نذری یا روزه کفاره می کند و می خوابد، ولی بعد از اذان صبح با حالت جنابت بیدار می شود، آیا می تواند در آن روز روزه بگیرد؟

پاسخ: اگر بداند که پیش از طلوع فجر جنب شده، در قضای ماه مبارک رمضان، بنا بر اقوی و در بقیه روزه های واجب غیر معین، بنا بر احتیاط روزه اش باطل است؛ ولی در بقیه موارد، روزه اش صحیح است؛ ولی اگر نداند که پیش از طلوع فجر جنب شده یا بعد از آن یا بداند که بعد از طلوع فجر جنب شده، هر روزه ای که باشد، صحیح است.

[1144] سؤال 36: اگر روزه دار، بدون قصد بیرون آمدن منی با همسرش بازی و شوخی کند و از او منی خارج شود، در صورتی که می دانسته منی از او خارج خواهد شد، حکم روزه او چیست؟

پاسخ: در مفروض سؤال که منی خارج شده و علم داشته که در صورت شوخی با همسر، منی از او خارج می شود، روزه اش باطل است و قضا و کفاره دارد.

[1145] سؤال 37: کسی که در ماه رمضان، بدون قصد خارج شدن منی با همسر خود شوخی و ملاحظه می کند و قبل از این که به مرحله خروج منی برسد، دست از ملاحظه می کشد، ولی بالاخره منی از او خارج می شود، حکم روزه و کفاره آن چیست؟

پاسخ: اگر قصد انزال منی نداشته و عادتش هم جنب شدن با چنین عملی نبوده، به گونه ای که مطمئن بوده منی از او خارج نخواهد شد، روزه اش صحیح

[1146] سؤال 38: اگر کسی در ماه مبارك رمضان در جایی مهمان باشد و هنگام شب محتلم شود و خجالت بکشد که بگوید من محتلم شده ام یا احتیاج به غسل دارم، آیا می تواند تیمم بدل از غسل کند و روزه بگیرد؟

پاسخ: صرف خجالت کشیدن عذر محسوب نمی شود و باید قبل از طلوع فجر غسل کند و چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود و تیمم کند، روزه آن روز را بگیرد و بنا بر احتیاط قضای روزه را نیز به جا آورد.

[1147] سؤال 39: کسی که می داند اگر در شب ماه رمضان مقدار زیادی غذا بخورد و یا این که با همسرش ملاحظه و شوخی کند و یا کار دیگری نماید، در روز ماه رمضان، منی از او خارج می شود، آیا انجام این امور در شب، به روزه اش ضرری می رساند یا نه؟

پاسخ: در فرض سؤال، احتیاط در ترك امور مذکور است، و چنانچه با علم به این جهت، مرتکب این امر گردد، روزه را بگیرد و احتیاطاً قضا نماید.

[1148] سؤال 40: اگر در ماه مبارك رمضان، به سبب دیدن صحنه محرک، جنابت حاصل شود، روزه باطل می شود یا صحیح است؟

پاسخ: اگر در حال غفلت، اتفاقاً جنابت حاصل شده، روزه اش باطل نیست و قضا و کفاره ندارد؛ اما اگر به آن صحنه نگاه کند و بداند که عادتاً جنب می شود و جنب شود، در این صورت روزه اش باطل است و قضا و کفاره هم دارد.

[1149] سؤال 41: آیا وطی کردن حیوان، روزه را باطل می کند؟

پاسخ: اگر با وطی کردن حیوان، انزال شود، روزه باطل می شود و اگر انزال نشود نیز بنا بر احتیاط روزه باطل می شود.

[1150] سؤال 42: فردی که در شب ماه رمضان غسل جنابت برعهده اش می آید، ولی امکان غسل و تیمم بدل از غسل برایش فراهم نمی شود، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: روزه چنین شخصی در ماه رمضان با حالت جنابت، محکوم به صحت است و اشکالی ندارد. البته اگر با علم به این وضعیت، عمداً قبل از طلوع فجر خودش را جنب کرده باشد، بنا بر احتیاط باید پس از گرفتن روزه آن روز، آن را قضا نیز بنماید

[1151] سؤال 43: کسی که در ماه رمضان، قبل از طلوع فجر غسل می کند، ولی به هنگام روز می فهمد که مانعی در بدن او بوده و آب به همه بدن او نرسیده است، روزه اش صحیح است یا باطل؟

پاسخ: در مفروض مسأله، روزه اش صحیح است و فقط باید غسل را اعاده کند و نمازهایی را هم که با آن غسل غیر صحیح خوانده، اگر وقت نماز باقی است، اعاده کند و اگر وقت گذشته است، قضا نماید.

[1152] سؤال 44: کسی که چندین روز با حالت جنابت روزه گرفته است و خودش نمی دانسته که جنب است، آیا روزه اش صحیح است؟ اگر در بین روز بفهمد که جنب بوده، روزه اش چه حکمی دارد؟

پاسخ: در روزه ماه رمضان و هر روزه معین دیگر، در صورتی که به اصل جنابت علم ندارد، روزه هایش صحیح است، و روزه همان روزی که در بین روز علم به جنابت خود پیدا کرده نیز صحیح است و اشکالی ندارد.

[1153] سؤال 45: روزه داری که در شب ماه رمضان جنب می شود و بعد از چند روز شك می کند که غسل جنابت را به جا آورده یا نه، روزه های پس از جنابتش، حکمش چیست؟

پاسخ: اگر به جنابتش یقین دارد و در انجام دادن غسل شك دارد، باید برای روزه های آینده غسل کند و روزه های گذشته محکوم به صحت است.

[1154] سؤال 46: آیا در روز، تفخیز بدون قصد دخول که سهواً منجر به دخول شود، باعث باطل شدن روزه می شود یا خیر؟

پاسخ: در فرض مذکور، روزه باطل نمی شود.

[1155] سؤال 47: کسی که در شب ماه مبارك رمضان جنب شده و یقین دارد که به اندازه غسل کردن وقت دارد و اقدام به غسل می کند، ولی بعد از غسل معلوم می شود که وقت نداشته و مقداری از غسل بعد از طلوع فجر انجام شده است، آیا روزه اش صحیح است یا خیر؟ غسلش چه حکمی دارد؟

پاسخ: در صورت مذکور که یقین به وسعت وقت دارد، روزه و غسل او صحیح است.

[1156] سؤال 48: اگر کسی در ماه مبارك رمضان، قبل از اذان صبح از خواب بیدار شود و در خواب، محتمل شده باشد و امکان غسل کردن نداشته باشد، حکم روزه این فرد در آن روز چیست؟

پاسخ: تیمم کند و بنا بر احتیاط نخواست و اذان صبح را با تیمم درک کند که در این صورت روزه اش صحیح است. البته برای خواندن نماز صبح، اگر بتواند باید غسل جنابت کند.

[1157] سؤال 49: مکلفی که در شب ماه رمضان غسل بر او واجب شده، ولی عذر شرعی دارد و نمی تواند غسل کند و می داند که اگر بخوابد، قبل از اذان صبح بیدار نمی شود، آیا می تواند تیمم بدل از غسل و نیت روزه نماید و بخوابد؟

پاسخ: می تواند تیمم کند و نیت روزه نماید؛ ولی احتیاطاً باید بعد از تیمم بدل از غسل، تا اذان صبح بیدار بماند.

[1158] سؤال 50: کسی که در بسیاری از مواقع، به هنگام بول کردن، منی به همراه بول از او خارج می شود، به هنگام روزه چه باید بکند؟ کسی که در مواقع کمی این مشکل برایش پیش می آید، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: در هر دو صورت، نگهداری خود از ادرار کردن لازم است تا اندازه ای

که به ضرر یا مشقت نیفتد؛ ولی اگر به جایی رسید که نگهداری از ادرار، برایش ضرر یا مشقت دارد، واجب نیست خودش را نگه دارد و در این صورت اگر ادرار کند و منی به همراه آن خارج شود، روزه اش باطل نمی شود.

[1159] سؤال 51: شخصی که بی اختیار منی از او خارج می شود، نماز و روزه اش چه حکمی پیدا می کند؟

پاسخ: اگر در حال نماز، منی بدون اختیار بیرون بیاید، نماز باطل می شود و باید غسل کند و دوباره نماز بخواند و اگر غسل ممکن نشود، تیمم کند و نماز را بخواند و اگر در حال روزه، منی از او بی اختیار بیرون بیاید، روزه اش باطل نمی شود و اگر قبل از طلوع فجر باشد، اگر وقت غسل دارد، باید غسل کند و اگر غسل ممکن نیست، تیمم نماید تا اذان صبح را با طهارت درک نماید و روزه اش صحیح خواهد بود.

[1160] سؤال 52: زوجین در شب ماه مبارك رمضان، بدون قصد دخول ملاحظه می کنند، ولی سهواً دخول بدون انزال واقع و بلافاصله اذان صبح می شود. وضعیت روزه آنها چگونه است و آیا برای دخول بدون انزال، غسل کردن واجب است یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، روزه آن دو صحیح است و قضا ندارد؛ ولی بر هر دو آنها غسل کردن واجب است.

[1161] سؤال 53: زنی به جهت ندانستن مسأله شرعی، مدتی غسل حیض انجام نداده است؛ ولی غسل جنابت را به جا آورده است، حکم نماز و روزه های او در این مدت چیست؟

پاسخ: نمازهایی را که بعد از پاك شدن از خون حیض و قبل از غسل جنابت خوانده است، باید قضا نماید و اما روزه های مستحبی که بدون غسل حیض یا جنابت به جا آورده، محکوم به صحّت است؛ ولی در مورد روزه های واجب، چنانچه در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده باشد، روزه های ماه رمضان را باید قضا کند؛ بلکه بنا بر احتیاط بقیه روزه های واجب (معین یا غیر معین) را نیز

باید قضا نماید و اگر در یاد گرفتن مسأله کوتاهی نکرده باشد، بنا بر احتیاط روزه های رمضان و روزه های واجب دیگر را قضا نماید.

[1162] سؤال 54: زنی برای این که بتواند روزه هایش را بگیرد، قرص مصرف می کند تا حیض نشود؛ ولی با این حال، در ایامی که معمولاً حائض می شد، لکه های خون را به طور متفرقه مشاهده می کند. آیا روزه هایش در این حالت صحیح است؟

پاسخ: خون های متفرقه ای که شرایط حیض را ندارد، محکوم به حیض نیست و احکام آن را ندارد و اگر شرایط استحاضه را داشته باشد و به احکام استحاضه عمل کند، روزه هایش صحیح است.

[1163] سؤال 55: زنی در شب یا در روز ماه مبارك رمضان، خون استحاضه می بیند. چه طور باید عمل کند تا روزه اش صحیح باشد؟

پاسخ: اغسالی که زن مستحاضه برای خواندن نماز صبح و ظهر و عصر باید به جا آورد، احتیاطاً شرط صحت روزه اوست. بنا بر این اگر اغسالی را که برای خواندن نماز صبح یا ظهر و یا عصر بر او واجب است، عمداً ترك نماید، روزه او احتیاطاً باطل است. همچنین برای صحت روزه روز بعد، غسلی که برای خواندن نماز مغرب و عشا لازم است را احتیاطاً باید به جا آورد؛ ولی چنانچه آن غسل را به جا نیاورد، اگر پیش از طلوع فجر به جهتی (مثل نماز شب یا نماز صبح) غسل کند، برای صحت روزه فردا کافی است.

اماله کردن

[1164] سؤال 56: کسی که ناچار است به جهت بیماری، تنقیه کند، چگونه می تواند روزه بگیرد؟

پاسخ: اگر تنقیه با چیز روان باشد، چنانچه مقدور باشد، آن را در شب انجام دهد و اگر مقدور نباشد، می تواند در روز تنقیه کند؛ ولی باید قضای آن روز را

ص: 297

بعداً به جا آورد. البته اگر مایعی که تنقیه شده، به داخل شکم نرسد و فقط در دُبُر داخل شود، بعید نیست که روزه صحیح باشد، اگر چه احتیاط، در ترك آن است.

[1165] سؤال 57: آیا اماله کردن با جامدات، مانند اماله کردن با مایعات، روزه را باطل می کند؟

پاسخ: اماله کردن با جامدات اشکالی ندارد.

[1166] سؤال 58: آیا برای زنان، اماله کردن با مایعات از قُبُل (جلو)، روزه را باطل می کند؟

پاسخ: باطل نمی کند.

[1167] سؤال 59: آیا واریسی داخلی زن از خودش (به وسیله دست یا با وسیله دیگر) باعث ابطال روزه می گردد؟

پاسخ: موجب ابطال نمی گردد.

فرو بردن سر در آب

[1168] سؤال 60: آیا فرو بردن سر در آب مضاف، باطل کننده روزه است؟ فرو بردن سر در آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف، چه حکمی دارد؟

پاسخ: احتیاط واجب این است که سر را در آب مضاف فرو نبرد و در صورت دوم نیز احتیاط این است که اجتناب نماید.

[1169] سؤال 61: فرو بردن سر در زیر آب، در صورتی که يك گوش بیرون بماند، آیا مبطل روزه محسوب می شود؟

پاسخ: در فرض مذکور، مبطل روزه نیست.

[1170] سؤال 62: اگر کسی يك تشت بزرگ آب را طوری روی سرش بریزد که به يك باره

تمام سرش را فرا گیرد، آیا روزه اش باطل می شود؟

پاسخ: روزه اش صحیح است.

استعمال دود

[1171] سؤال 63: آیا روزه، با استعمال دود (سیگار، قلیان و...) باطل می شود؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب رساندن دود به حلق، روزه را باطل می کند.

[1172] سؤال 64: خانه ای در روز ماه مبارک رمضان آتش گرفته و عده ای برای خارج کردن اشیای با ارزش، وارد قسمت آتش گرفته شده اند و در نتیجه دود آتش داخل سینه آنها شده است. آیا روزه آنها باطل شده و قضا و کفاره دارد یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، واجب است از کاری که روزه را باطل می کند، خودداری نمایند و روزه را به اتمام برسانند و بنا بر احتیاط واجب قضای آن را نیز به جا آورند؛ ولی کفاره واجب نمی شود.

دروغ بستن به خدا، پیامبر و ائمه علیهم السلام

[1173] سؤال 65: روزه داری بدون این که کسی حرف او را بشنود، تکلم کرده به خدا یا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت دروغ می دهد، آیا در این صورت روزه اش باطل می شود؟

پاسخ: احتیاط، بطلان روزه است و بنا بر احتیاط باید قضای آن را به جا آورد.

[1174] سؤال 66: شخصی روزه دار است و به خدا و رسول صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نسبت دروغ می دهد؛ ولی بی درنگ پشیمان می شود و توبه می کند. حکم روزه این شخص چیست؟

پاسخ: روزه چنین شخصی بنا بر احتیاط باطل است و پشیمانی و توبه کردن، حکم بطلان روزه را عوض نمی کند.

[1175] سؤال 67: شخصی که به خدا و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت دروغ می دهد، ولی بعد معلوم می شود که این نسبت، دروغ نبوده، روزه اش صحیح است یا باطل؟

پاسخ: اگر می دانسته که دروغ بستن به خدا متعال و پیامبر صلی الله علیه و آله موجب بطلان روزه می شود، بنا بر احتیاط روزه اش باطل است.

[1176] سؤال 68: آیا غلط خواندن قرآن در ماه رمضان برای کسانی که کم سواد هستند و نمی توانند قرآن را به طور صحیح بخوانند، به معنی نسبت دروغ دادن به خداوند است و روزه را باطل می کند؟

پاسخ: در فرض مذکور، نسبت دروغ به خدا نیست و روزه را باطل نمی کند.

[1177] سؤال 69: اگر کسی در ماه مبارك رمضان، بدون این که به کسی اظهار کند، عمداً آیه ای از قرآن را غلط بخواند، آیا دروغ بستن به خداوند محسوب می شود؟

پاسخ: خیر، محسوب نمی شود و در صورت التفات و قدرت بر صحیح خواندن، این کار رانکند.

[1178] سؤال 70: اگر شخص روزه دار روایات ضعیف را از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نقل کند، آیا روزه اش باطل می شود؟

پاسخ: اگر علم به دروغ بودن آنها نداشته باشد، روزه اش باطل نمی شود، اگر چه در برخی از صورت ها نقل روایت ضعیف از معصومین علیهم السلام جایز نیست.

[1179] سؤال 71: کسی که در ماه مبارك رمضان، اشعار و مرثیه هایی می خواند و وقایعی را بیان می دارد که غرضش بیان زبان حال است، ولی این امور، مطابق با واقع نیست، آیا روزه اش باطل می شود؟

پاسخ: اگر اشعار و مرثیه ها به عنوان زبان حال، در مورد مصائب واقع شده ذکر شود و مناسبت هم داشته باشد، عیب ندارد؛ لکن نقل قضایایی که اصلاً واقع نشده، جایز نیست و اگر به امام علیه السلام نسبت داده شود، احتیاطاً مبطل روزه است.

[1180] سؤال 72: شخصی که در ماه مبارك رمضان، برای حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام

مرثیه خوانی می کند، ولی نمی داند مطالبی که می گوید راست است یا دروغ، حکم روزه اش چگونه است؟

پاسخ: اگر سخنی را که مشکوک است، به امام علیه السلام نسبت دهد، جایز نیست، مگر آن که به کتابی نسبت دهد که در آن نوشته شده است؛ ولی در هر حال موجب بطلان روزه نمی شود.

[1181] سؤال 73: آیا دروغ بستن به صلحا و فقها و شهدا و مراجع تقلید و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب امامان معصوم علیهم السلام و امثال آنها روزه را باطل می کند؟

پاسخ: دروغ بستن به اشخاص مذکور، روزه را باطل نمی کند، مگر آن که دروغ بستن به آن اشخاص، به دروغ بستن به خدا و پیامبر و ائمه علیهم السلام برگردد که در آن صورت، بنا بر احتیاط روزه را باطل می کند.

موارد جواز افطار

احتمال ضرر و بیماری

[1182] سؤال 74: کسی که شك دارد روزه برایش مضر است یا نه، آیا باید روزه بگیرد یا باید افطار کند؟

پاسخ: اگر احتمال عقلایی بدهد که روزه برای او ضرر قابل اعتنا دارد، نباید روزه بگیرد.

[1183] سؤال 75: در بعضی موارد، پزشکان در مورد بیماران چنین اظهار نظر می کنند که مثلاً روزه گرفتن برای این فرد، هشتاد درصد مضر است و منظورشان این است که طبق آمار علمی، هشتاد درصد افرادی که با داشتن این بیماری روزه می گیرند، دچار ضرر می شوند. در صورتی که این اظهار نظر برای انسان مسلم باشد، با توجه به این که انسان وضعیت خود را از نظر تطبیق آمار بر خودش نمی داند، حکم روزه او چیست؟

ص: 301

پاسخ: اگر پزشك مورد اعتماد باشد و از گفتهٔ او برای بیمار خوف ضرر قابل اعتنا حاصل شود، نباید روزه بگیرد.

[1184] سؤال 76: آیا توصیه پزشك و پرستار مبنی بر ضرر داشتن روزه یا مضر بودن حرکت دادن اعضای بدن یا ضرر داشتن استعمال آب برای وضو، مجوز شرعی برای بیمار محسوب می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر افراد مذکور، مورد اعتماد باشند و از گفتهٔ آنان خوف ضرر قابل اعتنا حاصل شود، مجوز شرعی محسوب می شود.

[1185] سؤال 77: آیا احتمال ضرر، مجوز خوردن روزه می شود یا این که اطمینان به ضرر لازم است؟ میزان در مقدار ضرر چیست؟

پاسخ: اگر احتمال ضرر، منشأ عقلایی داشته باشد (مثل این که مستند به قول پزشك مورد اعتماد باشد) و ضرر نیز قابل اعتنا باشد، نباید روزه بگیرد.

[1186] سؤال 78: شخصی ناراحتی معده و ورم روده دارد و با وجود این که مایل است روزه بگیرد، در اثر ضعف و عدم توانایی نمی تواند. تکلیف این شخص چیست؟

پاسخ: با احراز عدم توانایی، واجب نیست روزه بگیرد و چنانچه مرض او تا سال آینده ادامه پیدا کند و در طول سال نتواند روزه ها را قضا کند، بایستی برای هر روز، يك مدّ طعام به فقیر بدهد و قضای روزه ها لازم نیست.

بارداری و شیر دادن به بچه

[1187] سؤال 79: حکم روزه گرفتن زنان بارداری که نمی دانند روزه گرفتن برای جنین آنها مضر است یا نه، چیست؟

پاسخ: اگر احتمال عقلایی بدهند که با گرفتن روزه، ضرری به خودشان و یا جنین وارد می شود، نباید روزه بگیرند.

[1188] سؤال 80: آیا برای زن شیرده جایز است که روزه بگیرد و به طفل خود شیر خشک یا شیر گاو بدهد، در حالی که می داند اگر خودش به طفل شیر بدهد، برای او مفیدتر است و گاهی شیرهای دیگر برای طفل مضر است؟

پاسخ: اگر شیر دیگر، ضرری برای بچه ندارد و توانایی خرید آن را دارد، نمی تواند روزه اش را بخورد و اگر شیرهای دیگر برای بچه مضر است، باید خود مادر شیر بدهد و در این صورت، اگر روزه گرفتن او به حال بچه ضرر داشته باشد، روزه اش را بخورد و اشکالی ندارد و بعداً قضا کند.

مشقت و سختی

[1189] سؤال 81: کسانی که به خاطر مشقت، نگرفتن روزه برای آنها جایز است (مثل پیرمردها و پیرزن ها)، آیا اجازه دارند روزه بگیرند؟ و در صورت روزه گرفتن، روزه آنها صحیح است یا نه؟

پاسخ: ظاهر این است که خوردن روزه، برای اشخاص مذکور در سؤال، رخصت است، نه عزیمت. بنا بر این گرفتن روزه، مانند خوردن آن، جایز و صحیح است و اشکالی ندارد، مگر بترسد که روزه گرفتن موجب ضرری شود که تحمل کردن آن ضرر شرعاً جایز نیست.

اضطرار و حرج

[1190] سؤال 82: کارگر نانوايي که در مقابل تنور کار می کند و یا هر کس دیگری که کارش طوری است که روزه گرفتن برای او مشقت دارد، آیا جایز است روزه را افطار نماید و در وقت مناسب دیگر و تا قبل از ماه رمضان بعد، روزه هایش را بگیرد؟

پاسخ: عذر مزبور، مجوز افطار نیست، مگر اضطرار در کار باشد؛ یعنی اگر آن شغل را ترك کند، عائله اش گرسنه بمانند و یا این که مردم نیازمند به شغل او باشند و کس دیگری هم نباشد که کار او را انجام دهد؛ ولی در هر صورت باید

بعداً قضای آن را به جا آورد.

[1191] سؤال 83: کسی کارش این طور است که معمولاً غبار غلیظ وارد حلقش می شود و راه درآمد و کسب دیگری هم ندارد. آیا باز هم روزه بر او واجب است یا حکم دیگری دارد؟

پاسخ: اگر با ترك این کار در ایام رمضان دچار حرج می شود، کارش را انجام بدهد و بعد در روزهایی که این عذر برایش وجود ندارد، آنها را قضا کند.

[1192] سؤال 84: آیا دانش آموزان و دانشجویانی که ماه رمضان، در فصل امتحانات آنها واقع شده و با گرفتن روزه نمی توانند خوب امتحان بدهند، حق دارند در روزهای امتحان، روزه خود را بخورند و بعداً قضای آن را بگیرند؟

پاسخ: عذر مذکور، مجوز خوردن روزه نیست؛ بلکه باید روزه را بگیرند و تا در حرج واقع نشوند، نمی توانند روزه را افطار نمایند؛ بلی می توانند به مسافت شرعی سفر کنند و در سفر، روزه را بخورند و بعداً آن را قضا نمایند.

روزه نذری

عذر و مانع در روزه نذری

[1193] سؤال 85: شخصی نذر کرده که هفته ای يك روز را روزه بگیرد و بعد از نذر کردن، دو ماه روزه کفاره که 31 روز آن باید پی در پی باشد، بر عهده اش ثابت می شود. اکنون تکلیف او نسبت به این دو واجبی که با هم مزاحمت می کنند، چیست؟

پاسخ: اگر نذرش مطلق باشد، یعنی نوع خاصی از روزه مورد نظرش نباشد، بلکه فقط روزه بودن را قصد کرده باشد، باید آن روز را هم به نیت ادای نذر و هم به نیت کفاره، روزه بگیرد و اگر نذرش مطلق نباشد، باید آن روز را به نیت ادای نذر، روزه بگیرد و در روزهای بعد از آن، روزه کفاره را ادامه دهد و در

این صورت اشکالی به پی در پی بودن روزه کفارہ وارد نمی شود و لازم نیست روزه کفارہ را از سر بگیرد.

[1194] سؤال 86: کسی که نذر می کند ده روز معین یا غیر معین را پشت سر هم روزه بگیرد و شروع به آن می کند، اما در بین ده روز عذری (مثل مریضی یا حیض) پیش می آید، آیا لازم است بعد از رفع عذر، روزه ها را از سر بگیرد یا لازم نیست؟

پاسخ: در صورت فرض شده، در روزه معین، از سر گرفتن روزه ها لازم نیست؛ ولی قضای روزه روزهایی را که در آنها معذور بوده باید بگیرد و در روزه غیر معین، اگر احتمال پیش آمدن عذر را نمی داند، بعد از رفع عذر مذکور در سؤال، لازم نیست روزه نذری را از سر بگیرد؛ بلکه بعد از رفع عذر، مقدار باقی مانده را پشت سر هم روزه بگیرد و صحیح است.

[1195] سؤال 87: زنی نذر می کند که در روز معینی روزه بگیرد و در همان روز حیض می شود. تکلیف او در مورد این نذر چه می شود؟

پاسخ: باید بعداً قضای آن را به جا آورد.

[1196] سؤال 88: کسی که نذر کرده تا آخر عمرش را روزه بگیرد، چگونه می تواند روزه رمضان، روزه کفارہ، روزه قضای همین نذر یا قضای رمضان یا روزه قضای پدر را به جا آورد؟

پاسخ: ظاهر این است که صوم یوم الدھر (روزه تمام عمر)، از روزه ماه رمضان و قضای آن و روزه قضای پدر و قضای نذر منصرف است و شامل بقیه روزه ها غیر از آنها می شود و در کفارہ هم باید خصال دیگر را اختیار کند (مانند اطعام مساکین). البته اگر نذر او مطلق باشد، گرفتن این روزه ها منافاتی با روزه نذری مذکور ندارد و حتی روزه کفارہ را نیز می تواند بگیرد؛ یعنی با يك روزه می تواند تیت هر دو را بکند.

[1197] سؤال 89: کسی که نذر کرده يك هفته يا يك ماه يا... را روزه بگیرد، آیا لازم است مدت نذر شده را پشت سر هم روزه بگیرد یا به صورت جدا جدا هم کفایت می کند؟

پاسخ: پشت سر هم گرفتن روزه نذری واجب نیست، مگر در نذر، شرط کند که روزه ها را پشت سر هم بگیرد و یا نذر، منصرف به آن صورت باشد که در این دو صورت باید روزه ها را پشت سر هم بگیرد.

شك در زمان نذر معین

[1198] سؤال 90: کسی که روزه گرفتن يك ماه را نذر کرده، اما بعد از نذر کردن، شك می کند که روزه ماه رجب را نذر کرده یا ماه شعبان را، چه باید بکند؟

پاسخ: باید احتیاط کند به این که هر دو ماه را روزه بگیرد و اگر حرجی شد، عمل به ظن کند؛ یعنی هر ماهی را که احتمال بیشتری می دهد که آن ماه را نذر کرده، همان ماه را روزه بگیرد و اگر گمان هم به یکی از دو ماه ندارد، مخیر است و هر کدام را بگیرد، کافی است.

تداخل در روزه نذری

[1199] سؤال 91: کسی که دو نذر کرده که با هم قابل جمع شدن است، مثل این که نذر کرده غیر از ماه رمضان، يك ماه روزه بگیرد و از طرفی نذر کرده که ماه شعبان را روزه دار باشد، آیا با روزه گرفتن در ماه شعبان، به هر دو نذر عمل کرده یا به يك نذر؟ اگر دو نذر به طور قهری با هم جمع شوند (مثل این که نذر کرده هر جمعه روزه دار باشد و از طرفی نذر کرده که روز پانزدهم هر ماه روزه بگیرد و گاهی روز پانزدهم ماه، روز جمعه است)، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در هر دو مورد، به جا آوردن يك عمل به نیت هر دو کافی است، مگر آن که در مورد اول، نذر به حسب قصد نذر کننده، از روزه ماه شعبان که متعلق نذر معین است، انصراف داشته باشد.

[1200] سؤال 92: شخصی نذر کرده دهه آخر شعبان را روزه بگیرد و آن را به ماه رمضان وصل کند؛ ولی یکی دو روز از آن را موفق به روزه گرفتن نمی شود. لطفاً وظیفه او را از جهت عمل به نذر، روزه قضا و كفارة مربوط به نذر بیان نمایید.

پاسخ: اگر يك روز و یا دو روز را عمداً خورده است، باید آن يك روز و یا دو روز را قضا نماید و كفارة را هم پردازد و كفارة اش برای هر روز، آزاد کردن يك بنده و یا اطعام شصت مسکین و یا دو ماه روزه گرفتن است؛ ولی چنانچه به واسطه عذری نتوانسته باشد روزه بگیرد، فقط باید قضای آن را به جا آورد.

[1201] سؤال 93: شخصی نذر کرده که هفته اول ماه شعبان را روزه بگیرد، اما موفق به انجام دادن این نذر نمی شود، آیا قضای آن واجب است؟ و در صورت وجوب، آیا باید قضای آن را پشت سر هم بگیرد یا به طور متفرق هم کافی است؟

پاسخ: قضای روزه هایی که فوت شده، واجب است و بهتر این است که پشت سر هم بودن را رعایت نماید؛ هر چند مراعات آن واجب نیست.

[1202] سؤال 94: اگر کسی نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، ولی عمداً آن روز را روزه نگیرد، حکمش چیست؟

پاسخ: افطار عمدی روزه نذر معین، علاوه بر قضا، كفارة هم دارد و كفارة آن همانند كفارة قسم است.

روزه استیجاری

[1203] سؤال 95: آیا کسی که نزدیک به بلوغ است، ولی بالغ نشده، می تواند نماز و روزه استیجاری به جا آورد؟ اگر شخص بالغی متکفل انجام دادن نماز و روزه استیجاری شود و انجام مقداری از آن را به کسی که نزدیک بلوغ است، واگذار نماید، صحیح است یا خیر؟

پاسخ: بچهٔ ممیّز نابالغ می تواند نماز و روزهٔ استیجاری به جا آورد؛ ولی اگر شخص بالغ برای به جا آوردن آنها اجیر شده باشد، به شرطی می تواند به جا آوردن آنها را به نابالغ واگذار کند که اجیر کننده اجازه بدهد و یا اجیر بداند که اجیر کننده راضی به این کار است.

[1204] سؤال 96: شخصی که قبول کرده نماز و روزهٔ استیجاری انجام دهد، ولی به جهت پیش آمدن گرفتاری و یا ضعف جسمانی، فعلاً قادر بر این کار نیست، چه کار باید بکند؟

پاسخ: اگر امید به صحّت و سلامتی خود ندارد، باید پول را به صاحبش برگرداند و یا با اجازهٔ او شخص دیگری را برای انجام دادن نماز و روزه اجیر کند.

[1205] سؤال 97: اگر کسی قرائت نمازش صحیح نباشد، آیا می تواند روزهٔ استیجاری بگیرد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

روزهٔ مستحبّی و مکروه

[1206] سؤال 98: شخصی قضا و کفّارهٔ روزه بر او واجب شده و قضا را به جا آورده و کفّاره باقی مانده است. برای ادای کفّاره، مخیر بین اطعام شصت فقیر و یا گرفتن شصت روز روزه است. با توجه به این که به طور معین، گرفتن روزه بر او واجب نشده است، آیا جایز است روزهٔ مستحبّی بگیرد؟

پاسخ: در فرض سؤال، گرفتن روزهٔ استحبّابی مانعی ندارد.

[1207] سؤال 99: روزه گرفتن در روز عاشورا، اگر روزه دار آن را به پایان نرساند، بلکه قبل از غروب آفتاب افطار نماید و قصدش همراهی و همرنگ شدن با کاروان کربلا باشد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر بدون قصد روزه، از خوردن و آشامیدن پرهیز نماید و ساعتی

قبل از اذان مغرب افطار کند، مستحب است؛ اما روزه در روز عاشورا مکروه است.

قضا و کفّاره روزه

قضای روزه

اشاره

[1208] سؤال 100: کسی که روزه يك سال از او فوت شده است، هنگام قضا کردن آنها باید ماه رمضان را 29 روز حساب کند یا سی روز؟

پاسخ: در فرض مذکور، ماه رمضان که روزه اش فوت شده، اگر سی روز بوده، قضایش سی روز است و اگر 29 روز بوده، قضایش هم 29 روز است و اگر فراموش کرده و یا علم ندارد که ماه رمضان، 29 روز بوده یا سی روز، چنانچه احتیاط نماید و سی روز بگیرد، بهتر است.

[1209] سؤال 101: شخصی پنج روز از ماه رمضان سابق، روزه قضا داشته است. با این که کارش سفر نیست و شغلش نیز در سفر نیست، روز بیست و پنجم شعبان به مسافرت می رود. آیا بدون این که قصد اقامه ده روز کند، می تواند در سفر، این پنج روز را روزه قضا بگیرد یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، روزه اش صحیح نیست.

[1210] سؤال 102: به جا آوردن روزه قضا مقدم است یا روزه کفّاره مربوط به آن؟ مثلاً کسی که عمداً در ماه مبارك رمضان آب خورد و روزه اش را باطل کرد، اگر بخواهد بابت کفّاره آن، شصت روز روزه بگیرد، آیا گرفتن يك روز روزه قضا مقدم است یا گرفتن شصت روز روزه کفّاره؟

پاسخ: بین قضای روزه و کفّاره اش ترتیبی نیست. انسان مخیر است هر کدام را مقدم و یا مؤخر به جا آورد، اگر چه ترتیب طبیعی این است که اول قضا و

بعد کفاره را انجام دهد.

[1211] سؤال 103: کسی در غیر ماه رمضان، بعد از طلوع فجر از خواب بیدار می شود، در حالی که محتمل شده است و نمی داند که احتلامش قبل از اذان صبح بوده یا بعد از اذان. آیا او می تواند قضای روزه ماه رمضان را در آن روز به جا آورد؟

پاسخ: می تواند.

[1212] سؤال 104: کسی که روزه قضا برعهده اوست و فعلاً مریض است و امید بهبودی و توانایی بر قضا کردن روزه ها را ندارد، آیا می تواند در حال زنده بودن، برای گرفتن این روزه ها نایب بگیرد؟

پاسخ: در فرض سؤال، نیابت از شخص زنده جایز نیست؛ ولی می تواند به شخص مورد اطمینانی پولی را صلح نماید و در ضمن صلح، شرط کند که بعد از فوت او، خودش برای او روزه استیجاری بگیرد و یا کسی را برای این کار اجیر کند.

روزه قضا میّت

[1213] سؤال 105: آیا کسی که خودش روزه قضا دارد، می تواند قضای روزه واجب میّت را بگیرد؟

پاسخ: می تواند بگیرد؛ ولی بهتر این است که روزه قضای خود را مقدم بدارد.

[1214] سؤال 106: مسلمانی که به سبب سفر، چند روز از ماه مبارک رمضان را روزه نگرفت و در همان ماه رمضان فوت کرد، آیا قضای این روزه ها بر ولی میّت ثابت می شود؟

پاسخ: در صورت فرض شده، قضا بر ولی میّت واجب است.

[1215] سؤال 107: اگر میّت، پسر نداشته باشد، آیا از بابت نماز و روزه، وظیفه ای متوجه دختر بزرگ میّت می شود؟ اگر میّت فرزندی نداشته باشد، حکمی در این باره وجود دارد یا خیر؟

ص: 310

پاسخ: اگر میّت، پسر نداشته باشد، بر بزرگ ترین فرد ذکور از نزدیک ترین طبقه ارث، احتیاطاً لازم است که نماز و روزه او را قضا کند، حتی اگر از او ارث نبرد.

[1216] سؤال 108: انجام نماز و روزه قضا شده میّت که برعهده پسر بزرگ میّت است، آیا وظیفه اختصاصی پسر بزرگ است و باید خودش انجام دهد یا می تواند با اجیر کردن شخص دیگر نیز آن را به انجام برساند؟

پاسخ: پسر بزرگ میّت می تواند خودش روزه و نماز پدرش را قضا کند و می تواند دیگری را اجیر بگیرد تا آنها را انجام دهد، ولی اگر اجیر به جا نیاورد و یا باطل به جا آورد، از ذمه ولی میّت ساقط نمی شود.

کفاره روزه

[1217] سؤال 109: کسی سال ها بدون عذر، روزه نگرفته است. اکنون توبه کرده و روزه می گیرد؛ ولی نمی تواند کفاره روزه هایی را که نگرفته است، پرداخت کند یا روزه کفاره بگیرد. تکلیف این شخص چیست؟

پاسخ: آن مقداری که می تواند و برایش مشقت ندارد، در ادای کفاره کوشش نماید و اگر نتوانست، برای هر روز هر قدر در توان دارد، صدقه بدهد و احتیاطاً استغفار نیز بکند؛ ولی اگر بعداً توانست کفاره را بپردازد یا روزه کفاره بگیرد، بنا بر احتیاط باید این کار را بکند.

[1218] سؤال 110: در موردی کفاره جمع واجب می شود و شارع مقدّس می خواهد که بنده عاصی هر سه جریمه (آزاد کردن بنده، گرفتن شصت روز روزه و طعام دادن به شصت فقیر) را به جا آورد. با توجه به این که در روزگار ما دیگر آزاد کردن بنده، مصداق خارجی ندارد، آیا باید به جای آن، یکی از دو مورد دیگر از جریمه ها را تکرار کند تا به جا آوردن سه جریمه محقق شود یا لازم نیست؟

پاسخ: به جای آزاد کردن بنده، چیز دیگری واجب نیست؛ بلکه ساقط است.

[1219] سؤال 111: شخصی که می خواهد برای کفاره روزه باطل شده، دو ماه پی در پی روزه بگیرد، اگر تعداد روزه های دو ماه، روی هم 58 یا 59 روز شود، کافی است یا حتماً باید شصت روز روزه بگیرد؟

پاسخ: اگر از روز اول ماه، شروع به گرفتن روزه کفاره کند و دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد، لازم نیست حتماً شصت روز روزه بگیرد؛ بلکه همان دو ماه را به اتمام برساند و کافی است، خواه هر دو ماه تمام (30\60 + 30\1) یا یکی تمام و یکی ناقص (29\59 + 30\1) و یا هر دو ناقص (29\58 + 29\1) باشد؛ ولی اگر از روزهای وسط ماه، شروع به روزه کفاره کند، باید احتیاط را مراعات کند و شصت روز روزه بگیرد.

[1220] سؤال 112: آیا صحیح است در مد طعام که به عنوان کفاره روزه پرداخت می شود، به جای طعام، پول آن را به فقیر داد؟

پاسخ: جایز است پول را به فقیر بدهد تا طعام بخرد و اگر فقیر این کار را بکند، کافی است و دهنده پول بریء الذمه می شود.

[1221] سؤال 113: یکی از کفارات در روزه، اطعام نمودن فقراست. آیا لازم است چیزی که برای ادای کفاره تهیه شده، به فقرا خورانده شود یا تسلیم نمودن کفاره به فقیر کافی است، ولو این که بدانیم خودش مصرف نمی کند و مثلاً به فردی غیر فقیر می خوراند؟

پاسخ: اگر فقر آنها از طریق شرعی ثابت شود، تسلیم نمودن کفاره به آنها کافی است و اما این که برای خودش مصرف می کند و یا برای مهمانش و یا کس دیگر، در حکم مسأله تأثیری ندارد.

[1222] سؤال 114: شخصی چندین روز به طور عمد روزه اش را نگرفته و اکنون می خواهد بابت کفاره هر روز به شصت نفر فقیر طعام بدهد. آیا لازم است برای هر روز، شصت

فقیر جداگانه در نظر گرفته شود که کار بسیار مشکلی است یا يك گروه شصت نفری کافی است و كفّاره تمام روزه ها را به همین يك گروه می تواند بدهد؟

پاسخ: كفّاره تمام روزه ها را می توان به يك گروه شصت نفری از فقرا داد؛ ولی باید كفّاره هر روز، حتماً به شصت فقیر برسد و کمتر از آن مجزی نیست.

[1223] سؤال 115: کسی که مشغول گرفتن دو ماه روزه كفّاره است، آیا حق دارد قبل از تمام شدن سی و يك روز، بین روزه ها فاصله بیندازد و بعضی از روزه ها را افطار کند؟

پاسخ: افطار کردن در وسط سی و يك روز مانع شرعی ندارد؛ ولی باید دو ماه روزه را از سر بگیرد و روزه های گرفته شده به حساب نمی آید.

[1224] سؤال 116: زنی که مشغول گرفتن شصت روز، روزه كفّاره است و قبل از تمام شدن 31 روز از آن، عادت ماهانه برایش پیش می آید، تکلیفش چیست؟

پاسخ: فاصله شدن زمان حیض، ضرری به پشت سر هم بودن نمی رساند؛ یعنی اگر روزه هایی را که تا روز قبل از حیض شدن گرفته، با روزه هایی که بلافاصله پس از پاک شدن از حیض گرفته است، روی هم 31 روز شود، صحیح است و مانعی ندارد، هر چند در بین آنها چند روز را حائض شده و روزه نگرفته باشد.

[1225] سؤال 117: اگر کسی نداند که افطار نمودن روزه، موجب كفّاره می شود، آیا افطار کردن او موجب كفّاره می شود؟

پاسخ: جهل به وجوب كفّاره، موجب سقوط آن نمی شود.

[1226] سؤال 118: آیا جایز است مکلفی كفّاره روزه خود را به واجب النفقه خود بپردازد؟

پاسخ: جایز نیست.

[1227] سؤال 119: زنی که به علت عذر شرعی نمی تواند روزه بگیرد و عذر او تا ماه رمضان

بعدی ادامه دارد و باید برای هر روز، يك مدّ طعام پرداخت کند، پرداخت آن برعهده خودش است یا شوهرش؟ و آیا فقیر و غنی بودن زن، تأثیری در حکم این مسأله دارد یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، احتیاطاً جزء نفقه حساب می شود.

[1228] سؤال 120: کسی که قضای روزه های میّتی را به طور استیجاری یا تبرّعی انجام می دهد، اگر بعد از ظهر افطار کند، کفّاره دارد یا خیر؟

پاسخ: اگر با علم و عمد افطار کند، احتیاطاً باید کفّاره بدهد و کفّاره آن، اطعام ده مسکین و برای هر مسکین، يك مدّ طعام است و اگر نتوانست، سه روز روزه بگیرد.

[1229] سؤال 121: کسی که به جهت مریضی نمی تواند روزه بگیرد و می داند که مریضی او تا سال بعد هم ادامه خواهد داشت، آیا می تواند کفّاره روزه خود را قبل از ماه رمضان پرداخت کند؟

پاسخ: نمی تواند کفّاره را پیش از ماه رمضان پرداخت کند.

[1230] سؤال 122: آیا کفّاره روزه های ماه رمضان که پدر به طور عمدی افطار کرده، برعهده پسر بزرگ تر است؟ کفّاره روزه هایی که از روی عذر نگرفته (مدّ طعام)، برعهده چه کسی است؟

پاسخ: کفّاره افطار روزه پدر، بر پسر بزرگ تر واجب نیست، خواه کفّاره افطار عمدی باشد و یا کفّاره افطار عذری؛ ولی اگر کفّاره، متعیّن در روزه باشد، پسر بزرگ تر باید آن را انجام دهد.

[1231] سؤال 123: در صورتی که کفّاره روزه، بر کسی واجب شود و نتواند آن را به صورت کامل به جا آورد و نهایتاً منجر به ذکر استغفار گردد، آیا بعد از مرگ او کفّاره روزه بر پسر بزرگ ترش واجب است؟

پاسخ: اگر در نهایت، کسی وظیفه اش استغفار باشد و استغفار کند و بعد هم قادر بر به جا آوردن کفاره نباشد و فوت کند، ظاهراً چیزی بر عهده ورثه نیست؛ ولی اگر استغفار نکرده، بنا بر احتیاط کفاره از ترکه پرداخت گردد.

[1232] سؤال 124: آیا می توان برای کسی که روزه ماه مبارك رمضان را از روی عمد افطار می کند، علاوه بر کفاره، جریمه دیگری قائل شد؟

پاسخ: اگر مستحل نباشد ولیکن افطار کردن او از روی علم و عمد باشد، علاوه بر کفاره، اصل تعزیر در مورد او ثابت است.

مواردی که نه قضای روزه واجب است و نه کفاره روزه

[1233] سؤال 125: در ابتدای تکلیف که برای خوردن سحری بیدار می شدیم، پدرمان به ما می گفت که تا آخر اذان می توانید غذا بخورید و ما همین طور عمل می کردیم. آیا این روزه هایمان قضا دارد یا خیر؟

پاسخ: اگر نمی دانید که پس از طلوع فجر چیزی خورده اید یا نه، قضا ندارد.

[1234] سؤال 126: مکلفی توانایی روزه گرفتن در روزهای گرم و بلند تابستان را ندارد و گرفتن روزه را به روزهای کوتاه و خنک پاییز و زمستان موکول می کند؛ ولی قبل از رسیدن آن ایام از دنیا می رود. آیا قضا کردن روزه ها از طرف او واجب است یا خیر؟ اگر وصیت کرده باشد که این روزه ها را به نیت قضای روزه ماه رمضان از طرف من به جا آورید، چه حکمی دارد؟

پاسخ: قضای روزه های مذکور در سؤال، اگر قبل از فوت کردن، توانایی روزه گرفتن نداشته، از طرف او واجب نیست؛ اما اگر آن طوری که در سؤال ذکر شده، وصیت کرده باشد، احتیاطاً از ثلث ترکه پرداخت کنند و نیابتاً از طرف او به قصد رجا، روزه گرفته شود.

[1235] سؤال 127: روزه داری که بدون تحریک و لمس و ملاعبه، منی از او خارج شود، آیا

قضا و کفاره بر او ثابت می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر هیچ قصد و اختیاری در بین نبوده، ظاهراً روزه اش باطل نمی شود.

[1236] سؤال 128: کسی که قبلاً در یوم الشک (شک بین روز آخر شعبان و اول رمضان) روزه گرفته و آن را بعد از اذان ظهر باطل کرده و اکنون به یاد ندارد که بعداً یوم الشک جزء رمضان محسوب شد یا نه، اکنون تکلیفش چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال که نمی داند یوم الشک جزء رمضان بوده است یا نه، تکلیفی ندارد.

مواردی که فقط قضای روزه واجب است

[1237] سؤال 129: دختر بچه ای که از سن یازده یا دوازده سالگی شروع به گرفتن روزه می کند و قبل از آن نمی دانسته که روزه بر او واجب است، آیا نسبت به قضا و کفاره روزه های قبلی تکلیفی دارد یا خیر؟

پاسخ: قضای روزه هایی که نگرفته بر او واجب است؛ ولی دادن کفاره لازم نیست، مگر این که در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده و در حین عمل نیز ملتفت بوده؛ یعنی احتمال می داده که روزه بر او واجب باشد که در این صورت کفاره نیز باید بدهد.

[1238] سؤال 130: در نه سالگی که سال اول تکلیفم بود، بنابه گفته مادرم که می گفت تو توانایی گرفتن روزه را نداری، روزه نگرفتم و در آن موقع، خودم هم قدرت تشخیص این امر را نداشتم که توانایی گرفتن روزه را دارم یا خیر. اکنون برای روزه هایی که در آن سال نگرفته ام، چه کار باید بکنم؟

پاسخ: به اندازه ای که یقین دارید بعد از بلوغ روزه نگرفته اید، باید قضا نمایید و در فرض مسأله، کفاره واجب نیست.

[1239] سؤال 131: پزشکی به مریضی گفته که تو دارای یک بیماری هستی که روزه گرفتن

برایت مضر است و او چندین سال روزه نگرفته است؛ ولی بعداً فهمیده که پزشك، در تشخیص خود اشتباه کرده و روزه، ضرری برای او نداشته است. حکم روزه هایی که ترك شده، چیست؟

پاسخ: کفاره بر او واجب نیست؛ ولی قضا لازم است.

[1240] سؤال 132: کسی از خوف ضرر، روزه هایش را افطار کرده و کفاره آن را هم پرداخته است؛ ولی پس از چند سال فهمیده که خوفش بی جا بوده و روزه هیچ ضرری برای او نداشته است. حکم این فرد چیست؟

پاسخ: در صورت مذکور، قضای روزه هایی که نگرفته، واجب است.

[1241] سؤال 133: يك نفر چندین سال مریضی مستمر داشته و روزه نگرفته و کفاره آن را پرداخت کرده است. سپس به پزشك مراجعه می کند و پزشك می گوید که خوب شده ای و می توانی روزه بگیری و مریض شك می کند که احتمالاً در ماه رمضان گذشته هم می توانسته ام روزه بگیرم، ولی خیال می کردم که توانایی آن را ندارم. آیا در این فرض، قضای روزه ماه رمضان گذشته بر او لازم است یا همان کفاره کافی است؟ اگر از گفته پزشك، یقین یا اطمینان عادی پیدا کند که در رمضان گذشته می توانسته روزه بگیرد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در صورت شك در این که در ماه رمضان گذشته، عذرش برطرف شده بود یا نه، قضای روزه لازم نیست و کفاره ای که داده، کافی است؛ ولی اگر بعد از رجوع به پزشك، از گفته او یقین و یا اطمینان پیدا کرد که عذرش در ماه رمضان گذشته برطرف شده بوده است، قضا لازم است؛ ولی کفاره ندارد.

[1242] سؤال 134: شخصی در ماه مبارك رمضان به جهت عسر و حرج، روزه اش را افطار می کند (او کشاورز است و عطش و تشنگی او را مضطرب نموده، بعد از ظهر چیزی می خورد و می آشامد)؛ ولی به اندازه ضرورت اکتفا نمی کند. حال، وظیفه اش چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، نوشیدن به اندازه رفع عطش جایز است؛ ولی بعداً باید

قضای آن را به جا آورد و اگر هنگامی که بیشتر از مقدار لازم برای رفع عطش می نوشد، اعتقادش این باشد که این کار جایز است و احتمال عدم جواز ندهد، کفاره لازم نیست.

[1243] سؤال 135: آیا قضای روزه بر کسی که از روی تقیّه روزه اش را افطار کرده، لازم است یا خیر؟

پاسخ: اگر کسی که از او تقیّه می کند، از غیر مخالفین باشد و یا این که تقیّه در ترك صوم باشد، روزه باطل است و قضا واجب است و اما اگر تقیّه از مخالفین و در چیزی باشد که به فتوای فقهای آنها برمی گردد (مثل افطار کردن قبل از زایل شدن سرخی طرف مشرق)، چنانچه نیت او این باشد که باقی بر روزه باشد، روزه اش صحیح است، هر چند احتیاط مستحب در قضا کردن است.

[1244] سؤال 136: مردی که گمان می کند انزال، سبب باطل شدن روزه است، نه دخول و در هنگام روزه، با همسرش مجامعت و دخول بدون انزال انجام می دهد، تکلیف روزه اش چیست؟

پاسخ: اگر جاهل مقصّر باشد، بنا بر اقوی و اگر جاهل قاصر باشد، بنا بر احتیاط قضای روزه بر او واجب است؛ ولی کفاره ندارد، مگر این که جاهل مقصّر باشد و در هنگام عمل نیز ملتفت باشد؛ یعنی احتمال ابطال روزه را بدهد که در این صورت باید کفاره نیز بدهد.

[1245] سؤال 137: اگر در ماه مبارک رمضان کاری که مکلف احتمال می دهد مبطل روزه باشد، از او سر بزند، ولی بعداً بفهمد که آن کار روزه را باطل نمی کند، روزه اش صحیح است یا باطل؟ اگر گمان کند کاری روزه را باطل نمی کند و مرتکب آن شود و بعد بفهمد که آن کار، مبطل روزه بوده، روزه اش چه حکمی دارد؟

پاسخ: در صورت اول، اگر با احتمال مفطر بودن مرتکب آن کار شده، روزه اش باطل می شود و قضا دارد؛ ولی کفاره ندارد و در صورت دوم نیز اگر

جاهل مقصّر باشد، بنا بر اقوی و اگر جاهل قاصر باشد، بنا بر احتیاط روزه اش باطل است و قضا دارد؛ ولی کفّاره ندارد، مگر این که جاهل مقصّر ملتفت باشد؛ یعنی در یاد گرفتن مسأله کوتاهی کرده باشد و در موقع عمل احتمال بطلان روزه را نیز بدهد که در این صورت کفّاره را هم باید بدهد. همچنین اگر بداند که کاری حرام است، ولی نداند که باعث ابطال روزه می شود یا نه و مرتکب آن شود و آن فعل حرام، مبطل روزه باشد، احتیاطاً کفّاره هم بر او واجب می شود.

[1246] سؤال 138: اگر شخصی روزی را که مردّد بین آخر شعبان و اول رمضان است، افطار کند، از نظر قضا و کفّاره چه حکمی دارد؟ اگر روزی را که مردّد بین آخر رمضان و اول شوال است، افطار کند، حکمش چیست؟

پاسخ: اگر کسی شك کند که امروز، آخر ماه شعبان است یا اول ماه رمضان و افطار کند، چنانچه بعداً معلوم شود اول ماه رمضان بوده است، فقط قضا دارد و اگر معلوم شود آخر ماه شعبان بوده و یا به حالت شك باقی بماند و معلوم نشود که آخر شعبان بوده یا اول رمضان، قضا و کفّاره ندارد و اگر شك کند که آخر ماه رمضان است یا اول شوال و افطار کند و بعداً معلوم شود که آخر ماه رمضان بوده است و یا به حالت شك بماند و معلوم نشود که آخر رمضان بوده یا اول شوال، قضا و کفّاره لازم است و اگر معلوم شود که اول شوال بوده، چیزی از قضا و کفّاره بر عهده او نیست، اگرچه احتیاط مستحب دادن کفّاره است.

[1247] سؤال 139: کسی در شب ماه رمضان چیزی می خورد که می داند موجب قی کردن در فردا می شود، روزه اش از جهت قضا و کفّاره چگونه است؟

پاسخ: در مفروض سؤال، بنا بر احتیاط قضا بر او واجب است؛ ولی کفّاره ندارد؛ اما اگر پس از خوردن، این مطلب را فراموش کند و قصد روزه کند و فردا نیز قی نکند، روزه اش صحیح است.

[1248] سؤال 140: چنانچه روزه دار بداند که اگر به محلّی برود، او را مجبور به افطار می کنند و به آن جا برود، حکم روزه اش از جهت قضا و کفّاره چیست؟ اگر پس از رفتن او را مجبور نکنند، چه طور؟

پاسخ: به مجرد این که روزه دار قصد رفتن به آن جا را بکند، روزه اش باطل می شود، چه او را مجبور به افطار کنند یا نکنند؛ ولی در هر صورت کفّاره ندارد.

مواردی که هم قضای روزه واجب است و هم کفّاره روزه

[1249] سؤال 141: مردی قبل از بلوغ گمانش این بوده که مردان فقط بعد از رسیدن به پانزده سالگی بالغ می شوند و قبل از پانزده سالگی نماز و روزه ای به جا نیآورده است؛ ولی اکنون احتمال می دهد یا می داند که قبل از پانزده سالگی بالغ شده است. در این صورت، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: آن مقداری که یقین دارد بعد از بلوغ شرعی، از نماز و روزه اش ترك شده، قضای آن واجب است و ظاهراً برای روزه های فوت شده، کفّاره لازم نیست، مگر این که جاهل مقصّر باشد و در هنگام ترك روزه، ملتفت مسأله بوده باشد.

[1250] سؤال 142: کسی که پنج سال در ماه مبارك رمضان با داشتن توانایی، روزه نگرفته و به دلیل جهل به مسأله فکر می کرده که بعداً فقط باید قضای روزه ها را بگیرد، نسبت به قضا و کفّاره، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: باید قضا و کفّاره، حتی کفّاره تأخیر قضای روزه ها را ادا کند.

[1251] سؤال 143: شخصی یقین دارد که فردا قبل از اذان ظهر مسافرت می کند و بدین جهت در شب ماه مبارك رمضان خود را جنب می کند و بعد از اذان صبح غسل می نماید و نماز می خواند و سپس به مسافرت می رود. آیا چیزی بر عهده این شخص می آید یا نه؟ اگر با

این فرض، موفق به مسافرت نشود، حکمش چیست؟

پاسخ: در هر دو صورت، قضا بر او واجب است؛ ولی اگر غفلت داشته و یا اعتقادش این بوده که این عمل او اشکال ندارد و در حصول این اعتقاد کوتاهی نکرده، در این صورت کفاره ندارد.

[1252] سؤال 144: کسی که نمی داند استمناء روزه را باطل می کند و مرتکب این کار می شود، روزه اش چه حکمی دارد؟ آیا کفاره هم ثابت می شود یا نه؟

پاسخ: در فرض سؤال که جاهل به مفطر بودن استمناء است، اگر جاهل به حرام بودن آن هم باشد، فقط قضا واجب است؛ و اگر عالم به حرمت آن باشد، احتیاطاً کفاره نیز واجب است و بنا بر احتیاط باید کفاره جمع بپردازد.

[1253] سؤال 145: کفاره شخص روزه داری که استمناء کند، چیست؟ اگر استمناء به سبب شوخی با همسر انجام شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر شخصی به قصد انزال منی استمناء کند، روزه اش باطل است و قضا واجب می شود و اگر عالم به حرمت باشد، احتیاطاً کفاره جمع نیز واجب است؛ اما اگر خروج منی به واسطه ملاعبه با همسر صورت بگیرد، همان حکم را دارد؛ یعنی علاوه بر قضا، کفاره اش کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان است؛ ولی کفاره جمع نیست؛ و اگر قصد انزال منی ننموده و احتمال آمدن منی را هم نمی داده و عادتش هم نبوده، روزه اش صحیح است و چیزی بر او نیست.

[1254] سؤال 146: بیماری زن باردار یا شیرده، سه سال پشت سر هم طول کشیده و در این مدت، روزه نگرفته و اکنون شفا یافته است. آیا قضای روزه ها بر او واجب است یا دادن کفاره کافی است؟

پاسخ: اگر بعد از خوب شدن، تا رسیدن ماه رمضان وقت برای قضای روزه باشد، فقط قضای روزه های سال آخر واجب است و باید برای روزه های

سال های قبل، تنها کفاره بدهد و اگر وقت برای گرفتن روزه های سال آخر وسیع نباشد، به مقداری که وقت وسعت دارد، قضای روزه های سال آخر را به جا آورد و برای بقیه روزه های سال آخر و روزه های سال های قبل، کفاره پردازد.

دیگر احکام روزه

[1255] سؤال 147: در چند سالگی نماز و روزه بر دختر واجب می شود؟ و اگر دختری نُه ساله شد، ولی آثار بلوغ جسمی در او ظاهر نشد، آیا نماز و روزه بر او واجب است یا خیر؟

پاسخ: اگر دختر عاقل، نُه ساله شود، تکالیف بر او واجب می شود و اگر بعضی از آنها مثل روزه ماه رمضان، حرجی باشد، واجب نیست و اگر بتواند يك یا چند روز در میان روزه بگیرد، باید انجام دهد و روزه هایی را که نگرفته تا ماه رمضان سال بعد قضا نماید و اگر ممکن نشد، هر وقت توانست، قضا کند.

[1256] سؤال 148: به چه دلیل دختر بچه نُه ساله ای که به تکلیف رسیده و توانایی انجام دادن نماز را دارد، ولی قدرت روزه گرفتن را ندارد، بعداً باید قضای این روزه ها را به جا آورد؟

پاسخ: ظاهراً وجوب روزه به نحو تعدد مطلوب است؛ یعنی اگر در وقت خاص که ماه رمضان است، قدرت ندارد، در وقت بعد که قدرت پیدا می کند، باید قضا نماید.

[1257] سؤال 149: عطر زدن در ماه مبارك رمضان، چه حکمی دارد؟

پاسخ: بوئیدن بوی خوش، مکروه است؛ ولی عطر زدن و استعمال بوی

خوش، در حال روزه مانعی ندارد.

[1258] سؤال 150: گناهی که در حال روزه انجام می شود، با گناه در حال عادی، یکسان است یا متفاوت؟

پاسخ: گناه در حال روزه، با گناه در حال غیر روزه متفاوت است و در حال روزه شدت پیدا می کند.

[1259] سؤال 151: کسی که در جایی مشغول به کار است و رئیس او بدون داشتن عذر شرعی از وی می خواهد هنگام روزه ماه رمضان

برایش غذا ببرد و در صورت خودداری و نهی از منکر، ممکن است کارش را از دست بدهد، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: تا به حدّ اضطرار نرسد، این کار را نکنند و در صورت اضطرار، معذور است.

[1260] سؤال 152: آیا دادن غذا و یا فروختن آن به کافر، در روز ماه مبارك رمضان جایز است؟

پاسخ: اگر در عرف، هتك احترام ماه مبارك رمضان محسوب شود، حرام است.

[1261] سؤال 153: با عنایت به نیاز مبرم بیماران و مصدومین به خون و فرآورده های خونی، حکم اهدای خون در ماه مبارك رمضان،

در ساعات قبل و بعد از افطار را بیان نمایید.

پاسخ: اهدای خون، جایز و کار پسندیده ای است؛ ولی نباید برای روزه دار ضرر جدّی داشته باشد و یا برای روزه او مشکلی ایجاد کند.

[1262] سؤال 154: خوردن افطاری در مدرسه، با پول بیت المال (پول مدرسه) چگونه است؟

پاسخ: اگر طبق مقرّرات باشد، اشکالی ندارد؛ ولی بهتر است خودداری شود.

[1263] سؤال 155: افطاری دادن یکی از کارهایی است که در بعضی از مدارس به صورت نوبتی در ماه رمضان انجام می شود. بدین ترتیب که از هر کلاس مبلغی جمع آوری می شود تا غذایی تهیه شود. حال اگر بعضی از افراد این پول را با اکراه و یا به جهت خجالت و حیا پردازند و یا این که برای جلوگیری از مورد توجه قرار گرفتن توسط دانش آموزان دیگر، مجبور به پرداخت شوند، آیا برگزاری این مراسم صحیح است یا خیر؟

پاسخ: حکم مسأله به حسب موارد، متفاوت است. اگر واقعاً در موردی جمع آوری پول جهت افطاری، سبب محذورات مذکور در سؤال گردد، کار صحیحی نیست؛ بلکه اگر کسی بداند که دانش آموزی با عدم رضایت پول را پرداخت کرده است، نمی تواند از افطاری که با آن پول تهیه شده، بخورد.

[1264] سؤال 156: با کسی که مسلمان است، ولی به مثل روزه و خمس اعتقادی ندارد، چگونه باید رفتار کرد؟

پاسخ: اگر منکر وجوب روزه و خمس است، به طوری که انکارش به انکار توحید یا رسالت بر می گردد، احکام ارتداد را دارد و اگر این طور نباشد، احکام ارتداد جاری نمی شود و باید به نحو مناسب او را ارشاد نمود.

اعتکاف

صحت اعتکاف

[1265] سؤال 157: آیا اعتکاف کودک ممیز صحیح است؟

پاسخ: اعتکاف بچۀ ممیز، با رعایت شرایط آن، به نظر این جانب صحیح است.

[1266] سؤال 158: آیا «ایمان» از شرایط اعتکاف است یا «اسلام»؟

پاسخ: «اسلام» شرط صحّت و «ایمان» شرط قبول شدن آن در پیشگاه پروردگار است.

نیت اعتکاف

[1267] سؤال 159: زمان نیت اعتکاف، چه موقع است؟ و آیا در اول شب می توان نیت کرد؟

پاسخ: زمان نیت اعتکاف، زمان نیت روزه آن است و چنانچه در اول شب نیت شود و تا اذان صبح استمرار داشته باشد، کافی است.

[1268] سؤال 160: آیا در اعتکاف، نیازی به قصد نمودن عبادات دیگر (علاوه بر قصد و نیت اعتکاف) هم هست؟

پاسخ: در اعتکاف، نیت خود اعتکاف و نیت روزه لازم است.

[1269] سؤال 161: آیا در اعتکاف واجب و مستحب، قصد و جوب یا استحباب لازم است؟

پاسخ: اصل اعتکاف، مستحب است؛ ولی نیت استحباب لازم نیست. البته اگر نذر یا عهد کرده باشد و یا قسم خورده باشد که اعتکاف کند، قصد وفای به نذر و عهد و قسم لازم است.

[1270] سؤال 162: آیا در اعتکاف می توان نیت را از مستحب به واجب یا از واجب به مستحب برگرداند، یا اعتکافی را که از طرف پدر انجام می شود، از طرف مادر قرار داد، یا اعتکافی را که به نیت خودمان شروع کرده ایم، به نیابت از اموات به پایان برسانیم یا به عکس؟ و آیا امثال این موارد جایز است؟

پاسخ: در هیچ يك از صورت های فرض شده، عدول جایز نیست، نه از واجب به واجب یا به مستحب دیگر، و نه از مستحب به مستحب یا واجب دیگر، و نه صورت های دیگری که در سؤال مطرح شده است.

[1271] سؤال 163: آیا تجدید نیت، در روز سوم اعتکاف مستحب لازم است؟

پاسخ: تجدید نیت، در روز سوم لازم نیست، اگر چه بهتر است.

[1272] سؤال 164: آیا در اعتکاف، باید از ابتدا تعداد روزهایی را که می خواهیم معتکف شویم، نیت کنیم یا واجب نیست؟ مثلاً اگر سه روز نیت کنیم و بعد از سه روز، یک روز دیگر به نیت اعتکاف در مسجد بمانیم، صحیح است یا خیر؟

پاسخ: باید از اول، نیت سه روز را بکند و کمتر از آن نباشد؛ ولی بعد از سه روز، اگر یک شب و یک روز هم نیت اعتکاف بکند و در مسجد بماند، اشکال ندارد و اگر دو روز بماند و مجموعاً پنج روز شود، باید روز ششم را هم در مسجد به نیت اعتکاف بماند؛ ولی اگر پس از سه روز بخواهد فقط مقداری از یک روز یا یک شب را به نیت اعتکاف در مسجد بماند، صحّتش خالی از اشکال نیست.

روزه اعتکاف

[1273] سؤال 165: آیا هر گونه روزه، ولو استیجاری، تبرّعی و... برای اعتکاف کافی است؟

پاسخ: هر نوع روزه مشروع برای صحّت اعتکاف کافی است؛ ولی بنا بر احتیاط باید روزه برای همان کسی باشد که اعتکاف برای اوست.

[1274] سؤال 166: اگر شخصی که روزه نذری یا استیجاری برعهده اوست، این روزه ها را در اعتکاف به جا آورد، آیا کفایت از روزه نذری و استیجاری می کند یا خیر؟

پاسخ: روزه هایی که در حال اعتکاف، به قصد به جا آوردن روزه نذری یا استیجاری گرفته است، کفایت از آنها می کند.

[1275] سؤال 167: شخصی که نذر کرده تا در روزهای معینی اعتکاف کند، آیا می تواند در همان روزها، روزه نذری یا استیجاری یا روزه واجب دیگری را که برعهده اوست، به جا آورد و هر دو واجب را از ذمه خود ساقط کند؟

پاسخ: اگر روزه را برای همان کسی انجام دهد که اعتکاف را از طرف او به جا می آورد، مانعی ندارد.

مکان اعتکاف

[1276] سؤال 168: کسی که نیت کرده مثلاً در شبستان مسجد معتکف شود، آیا خارج شدن از شبستان و ورود به حیاط یا دیگر قسمت های مسجد، ضرری برای اعتکاف او دارد یا خیر؟

پاسخ: اگر مکان خاصی از مسجد را در نیت برای اعتکاف معین کند، لغو است و عمل به آن واجب نیست. پس می تواند در حال اعتکاف در هر نقطه ای از مسجد بماند؛ ولی به حیاط و دیگر جاها، اگر جزء مسجد نباشند، غیر از حال ضرورت نباید برود.

[1277] سؤال 169: اعتکاف باید در مسجد جامع انجام شود. سؤال این است که به کدام مسجد، مسجد جامع گفته می شود؟

پاسخ: مسجد جامع، مسجدی است که اقشار مختلف از نواحی گوناگون بلد، در نماز آن شرکت می کنند.

[1278] سؤال 170: با توجه به استقبال فراوان مؤمنین از سنت حسنۀ اعتکاف و محدودیت مکان در مساجد چهارگانه قم (امام حسن عسکری علیه السلام، جامع، اعظم و جمکران)، مستدعی است نظر مبارک خود را در مورد جامع بودن مسجد مدرسۀ مرحوم آیت الله گلپایگانی قدس سره و مجزی بودن اعتکاف در آن مسجد اعلام فرمایید.

پاسخ: این جانب از وضعیت آن جا اطلاع دقیقی ندارم. بنا بر قول بعضی از افراد موثق، جمعیت زیادی از جاهای مختلف به آن جا رفت و آمد می نمایند و در نماز جماعت آن جا شرکت می کنند. اگر چنین باشد و مردم آن جا را مسجد شهر بدانند، اشکال ندارد، و الا احتیاط، در ترك است.

[1279] سؤال 171: آیا اعتکاف در مسجد جامع هر شهری، در ردیف اعتکاف در مساجد چهارگانه اعتکاف است یا باید اعتکاف در مسجد جامع، به امید ثواب و رجای مطلوبیت انجام شود؟

پاسخ: در مسجد جامع هر شهری می توان اعتکاف کرد.

نیابت در اعتکاف

[1280] سؤال 172: آیا می توان به نیابت از شخص دیگری اعتکاف نمود؟

پاسخ: در اعتکاف واجب، نیابت از شخص زنده صحیح نیست؛ ولی در اعتکاف مستحب، نیابت از زنده به قصد رجا اشکالی ندارد و نیابت از غیر زنده در اعتکاف واجب و مستحب، جایز و صحیح است.

[1281] سؤال 173: آیا اعتکاف مستحب را می توان به نیابت از چندین نفر انجام داد؟ و آیا تفاوتی بین زنده یا مرده بودن منوب عنه وجود دارد یا خیر؟

پاسخ: ظاهر این است که به نیابت از چندین نفر نمی شود يك اعتکاف انجام داد و تفاوتی میان مرده و زنده نیست؛ اما اگر يك اعتکاف را انجام دهد و ثوابش را به چند نفر مرده و یا چند نفر زنده و یا چند نفر مرده و زنده اهدا کند، اشکالی ندارد.

محرمات اعتکاف

[1282] سؤال 174: آیا محرمات اعتکاف، مبطل اعتکاف هم هست یا مانند محرمات حج است که بعضی مبطل و بعضی غیر مبطل است؟ و در هر دو صورت، انجام محرمات اعتکاف از روی سهو و اشتباه، چه صورتی دارد؟

پاسخ: محرمات اعتکاف را اگر از روی اشتباه و سهو انجام دهد، مبطل اعتکاف نیست؛ ولی چنانچه از روی عمد انجام دهد و جزء مبطلات روزه باشد و یا در شب جماع کند، اعتکافش باطل می شود و بنا بر احتیاط واجب با

انجام دادن بقیه محرمات اعتکاف نیز اعتکاف باطل می شود.

[1283] سؤال 175: امروزه در مراسم اعتکاف که به صورت دسته جمعی و با شکوه برگزار می شود، معمول است که قبل از شروع مراسم، هر یک از افراد شرکت کننده، محلّی را به خود اختصاص می دهند. اگر هنگام شروع اعتکاف، شخصی محلّی را که دیگری به خود اختصاص داده، اشغال کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟ و اصولاً این گونه اختصاصات که گاهی یکی دو روز قبل از شروع مراسم انجام می شود، حقّی را برای انسان ثابت می کند تا تجاوز به آن، غصب محسوب شود یا حقّی ثابت نمی شود؟

پاسخ: اگر متعارف است که زمانی قبل از شروع به اعتکاف، مکانی را به خود اختصاص دهند و چیزی به عنوان گرفتن جا، در مکانی از مسجد بگذارند، بنا بر احتیاط نباید کسی جای کس دیگری را بگیرد؛ ولی اگر این کار را بکند، بطلان اعتکافش محلّ تأمل است.

احکام دیگر مربوط به اعتکاف

[1284] سؤال 176: آیا جماع کردن در روزه اعتکاف، موجب کفّاره می شود، جماع در شب چه طور؟

پاسخ: کفّاره جماع در روزه اعتکاف، همان کفّاره افطار عمدی روزه ماه رمضان است، با این فرق که در این جا باید ترتیب را رعایت کند؛ یعنی چنانچه بتواند شصت روز روزه بگیرد، نمی تواند اطعام شصت فقیر را به عنوان کفّاره انتخاب کند. البته جماع در اعتکاف، اگر در غیر حال روزه و در شب نیز انجام شود، همین کفّاره را دارد.

[1285] سؤال 177: اگر معتکف با خود شرط کند که هر وقت اراده کرد، بتواند اعتکاف را رها کند، جواز شرعی برای رها کردن اعتکاف محسوب می شود یا خیر؟ و آیا حکم این شرط، در اعتکاف استجابی و اعتکاف وجوبی یکسان است؟

پاسخ: احتیاط این است که این گونه شرط کند که وقتی عارضی پیش آمد، بتواند اعتکاف را رها کند و در این صورت فرقی بین عارض عادی و غیر آن نیست. این گونه شرط، مشروع و جایز است و در این حکم، فرقی میان روز اول و دوم و سوم نیست و باز فرقی میان اعتکاف واجب غیر معین و اعتکاف مستحب نیست؛ ولی در اعتکاف واجب معین نمی شود این گونه شرط کرد.

البته این که شرط کند منافی اعتکاف (مانند جماع) را در حال اعتکاف انجام دهد، صحیح نیست.

[1286] سؤال 178: در مسأله 1843 رساله عملیه فرموده اید که اگر کسی اعتکاف واجب غیر معین را باطل کند، باید آن را دوباره شروع کند و بهتر است آن را تمام کرده، دوباره از سر بگیرد. آیا شروع دوباره اعتکاف، باید فوری و متصل به اعتکاف باطل شده باشد یا می تواند بین آنها فاصله بیندازد؟

پاسخ: شروع دوباره اعتکاف، واجب فوری نیست، اگر چه احتیاط است.

[1287] سؤال 179: آیا زن ها هم می توانند معتکف شوند؟ اگر برای جلوگیری از عادت ماهانه قرص بخورند تا روزه آنها صحیح باشد و بتوانند معتکف شوند، حکمش چیست؟

پاسخ: اعتکاف برای زن نیز مستحب است، مشروط بر این که اگر شوهر دارد، منافی با حقوق شوهرش نباشد؛ و پیشگیری از حیض با خوردن قرص اشکال ندارد.

[1288] سؤال 180: بهترین وقت اعتکاف در روایات شریفه، دهه آخر ماه رمضان است.

آیا ایام البیض ماه رجب (سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه رجب) نیز چنین خصوصیتی دارد؟

پاسخ: اعتکاف در هر وقت، مستحب و مطلوب است و در ماه رمضان استحبابش مؤکد است.

[1289] سؤال 181: معتکفی در حین انجام دادن اعتکافی که به سبب نذر و مانند آن، واجب شده است، می‌میرد. آیا انجام دادن دوباره یا تکمیل این اعتکاف ناتمام، برعهده ولیّ میّت است یا خیر؟

پاسخ: انجام دادن اعتکاف ناتمام، بر ولیّ میّت واجب نیست، اگر چه موافق با احتیاط است؛ اما اگر نذر کرده روزه بگیرد و آن را در حال اعتکاف به جا آورد، چنانچه روزه اش روزه نذر معین بوده و در زمان مقرّر شده برای نذر، اقدام به گرفتن روزه کرده، دیگر ولیّ میّت تکلیفی ندارد و اگر آن را از زمان مقرّر شده به تأخیر انداخته و مشغول به جا آوردن قضای روزه نذر معین بوده، لازم است ولیّ میّت روزه را در حال اعتکاف از طرف میّت قضا کند و اگر روزه نذر غیر معین بوده و بلافاصله پس از انعقاد نذر شروع به گرفتن روزه کرده، بر ولیّ میّت تکلیفی نیست و اگر پس از گذشتن مدت زمانی که می‌توانسته نذر را در آن مدت به جا آورد، شروع به گرفتن روزه کرده، لازم است ولیّ میّت روزه را در حال اعتکاف از طرف میّت قضا کند.

ص: 331

[1290] سؤال 1: با توجه به این که احکام مسافر راهی برای ایجاد تسهیلات برای مسافران و جلوگیری از سختی کشیدن آنهاست و با توجه به این که امروزه با اختراع وسایل جدید، سختی و رنج سفر کم شده است، چرا احکام مسافر تغییر نکرده است؟ و آیا مسلمان می تواند پس از خارج شدن از حدّ ترخص و مسافر محسوب شدن، نماز را به طور کامل بخواند و روزه هم بگیرد؟

پاسخ: اگر چه احکام شرع مقدّس، تابع مصالح و مفاسد است و لکن آنها به طور کامل برای ما روشن نیست و آنچه احیاناً ذکر می شود، بخشی از حکمت های احکام شرعی است، مگر در مواردی خاص که دلیلی اقامه شود که تمام مناط و ملاک حکم، امر معینی است که طبعاً حکم، دایر مدار آن خواهد بود. در مورد مسافرت، دلیل خاصی بر این که سختی سفر، علت تامّه شکسته شدن نماز و باطل شدن روزه باشد، نداریم. بنا بر این در سفر شرعی نماز شکسته می شود و روزه هم صحیح نیست، اگر چه سفر راحت باشد؛ چون دلیل شرعی، اطلاق دارد و شامل سفر راحت هم می شود.

شرایط سفر شرعی

پیمودن هشت فرسخ راه

[1291] سؤال 2: کسی که گمان قوی دارد که مسافت لازم برای شکسته شدن نماز را

طی می کند، ولی یقین به آن ندارد، نمازش را بعد از گذشتن از حدّ ترخّص، کامل بخواند یا شکسته؟
پاسخ: اگر گمانش به سر حدّ اطمینان نرسیده است، باید نمازش را تمام بخواند و حکم مسافر را ندارد.

سفرش سفر معصیت نباشد

[1292] سؤال 3: چنانچه شخصی علم اجمالی یا تفصیلی دارد که سفر به اروپا ملازم است با ارتکاب برخی از گناهان، آیا قصد چنین سفری موجب صدق سفر معصیت و تحقّق احکام سفر معصیت (از جمله اتمام نماز و گرفتن روزه) می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر سفر او ضروری باشد و قصد او از سفر، انجام همان کار ضروری باشد، می تواند به سفر برود؛ ولی باید تلاش کند که دچار معصیت نشود و نمازش نیز قصر است و اگر ضروری نباشد، نباید به این سفر برود و چنانچه رفت، اگر قصد اصلی او از این سفر، عمل مباحی باشد، ولو به تبع آن دچار معصیت شود، نماز او قصر است، وگرنه باید نمازش را تمام بخواند.

[1293] سؤال 4: شخصی می خواهد سفر کند و از این سفر خود دو هدف دارد: یکی زیارت پدر و مادر خود و دیگری فرار از دادن بدهی خود به طلبکار. این شخص، نمازش در سفر قصر است یا تمام؟

پاسخ: اگر محرّک و هدف اصلی او از سفر کردن، قصد اطاعت باشد و قصد معصیت، تبعی باشد، نمازش قصر است و اگر به عکس این باشد، نمازش تمام است و اگر هر دو با هم محرّک و تأثیر گذار باشند نیز باید نمازش را کامل بخواند.

[1294] سؤال 5: کسی که برای انجام معصیتی به سفر می رود و، خدای ناکرده، مرتکب معصیت می شود، در راه بازگشت به وطن، آیا باز هم سفرش سفر معصیت محسوب می شود و نمازش تمام است؟

پاسخ: اگر توبه کند، باید نمازش را شکسته بخواند و اگر توبه نکند، بعید نیست که وظیفه اش تمام خواندن باشد، اگر چه احتیاط، در جمع خواندن است.

[1295] سؤال 6: حکم نماز و روزه کسانی که برای خرید و فروش کالای قاچاق سفر می کنند، چیست؟

پاسخ: این که چنین مسافری نمازش تمام باشد، محلّ تأمل و اشکال است.

[1296] سؤال 7: آیا می توان در سفر معصیت که نماز در آن تمام است، روزه قضا یا روزه نذری و یا روزه مستحبی گرفت یا نمی توان؟

پاسخ: صحیح است و اشکالی ندارد.

شغل او سفر کردن نباشد

[1297] سؤال 8: آیا می شود کسی در شش ماه از هر سال، سفر را شغل خود قرار دهد و شش ماه، ساکن در محل باشد؟ و اگر می شود،

پس از شش ماه سکونت در محلّ خود، در سفر اول حکمش چیست؟

پاسخ: مفروض سؤال، امکان پذیر است و در سفر اول، باید نماز را قصر بخواند.

وطن و جایی که در حکم وطن است

اشاره

[1298] سؤال 9: آیا موطن پدر (در دو صورتی که زادگاه فرزند باشد یا نباشد)، برای فرزند نیز وطن محسوب می شود یا خیر؟ و ملاک

وطن بودن مکانی برای انسان چیست؟

پاسخ: همان جایی که با پدر در آن جا زندگی می کردید و وطن پدر بوده، چه زادگاه شما باشد و چه نباشد، مادامی که از آن جا اعراض

نکرده اید، وطن شما محسوب می شود و همچنین مکانی را که خودتان محلّ زندگی خود قرار داده اید، به طوری که شما در آن جا عرفاً

مسافر حساب نشوید، در حکم وطن شماست.

[1299] سؤال 10: زنی در عقد دائمی شوهری است که وطن او شهرستان دیگری است. آیا قبل از آغاز زندگی مشترک، شهرستانی که وطن شوهر است، وطن زن هم محسوب می شود؟

پاسخ: در فرض سؤال، وطن شوهر، وطن زن محسوب نمی شود.

[1300] سؤال 11: خانمی بعد از ازدواج، برای زندگی به شهر شوهرش منتقل شده است.

آیا نماز این خانم، هنگام سفر به وطن اصلی خود تمام است؟

پاسخ: چنانچه احتمال بازگشتن این زن به وطن اصلی برای زندگی کردن (به همراه شوهر یا به تنهایی) جدی باشد و ضعیف نباشد، نمازش در وطن اصلی خود تمام است و باید روزه اش را هم بگیرد و اگر این احتمال ضعیف باشد، اعراض از وطن اصلی محقق شده است و باید در آن جانمازش را قصر بخواند و روزه اش صحیح نیست.

[1301] سؤال 12: من در حوزه علمیه رضویه لا-مرد تحصیل می کنم و در ماه مبارک رمضان، دور از وطن خود که فاصله آن بیش از چهار فرسخ از محل تحصیل است، به سر می برم.

با توجه به این که سال اول تحصیل من در این حوزه است، آیا این جا وطن دوم من محسوب می شود یا خیر؟ و حکم نماز و روزه ام چیست؟

پاسخ: اگر تصمیم دارید مدتی نسبتاً طولانی در حوزه علمیه مذکور بمانید، از زمانی که در آن محل به شما مسافر نگویند، بر محل مذکور احکام وطن مترتب می شود و نمازتان تمام است و روزه را باید بگیرید.

[1302] سؤال 13: خوابگاه دانشجویی دانشگاه زنجان در داخل شهر زنجان و محل دانشگاه در فاصله پنج کیلومتری زنجان است. با عنایت به این که دانشجویان ساکن این خوابگاه افراد غیر بومی هستند و از اول روز تا غروب در دانشگاه و شب را در خوابگاه به سر می برند، قصد اقامه آنها در خوابگاه و حکم نماز و روزه آنها در دانشگاه چگونه است؟

پاسخ: در فرض سؤال، از زمانی که دانشجویان در آن جا مسافر محسوب

نشوند، نماز و روزه شان در محلّ خوابگاه و تمام شهر زنجان و مسیر دانشگاه و خود دانشگاه، تمام است و احتیاج به قصد ده روز نیست و دانشگاه و شهر زنجان برای آنها در حکم وطن است.

[1303] سؤال 14: تعدادی از نظامیان، برای گذراندن دوره های يك ساله جهت تکمیل دانش نظامی و مکتبی از سراسر کشور به شیراز مسافرت می نمایند و مدت يك سال به طور تمام وقت، مشغول تحصیل هستند. ضمناً خوابگاه این دانشجویان در شهرستان مرودشت است که در فاصله 45 کیلومتری شیراز است و هر روز این مسافت را طی می کنند. با توجه به این که هیچ يك از این دو شهر، وطن آنها نیست، حکم نماز آنها از حیث قصر و اتمام چگونه است؟

پاسخ: وطن بودن لازم نیست، چنانچه به آنها مسافر گفته نشود، کافی است و از زمانی که به آنها مسافر گفته نشود، نمازشان در هر دو شهر و در مسیر بین آنها تمام است و روزه هایشان را هم باید بگیرند.

[1304] سؤال 15: فاصله کارخانه پتروشیمی اراک، از شهر اراک حدود بیست کیلومتر و خانه های سازمانی که محلّ سکونت کارکنان پتروشیمی است، حدود هفت کیلومتر از کارخانه و 27 کیلومتر از شهر اراک فاصله دارد. وطن اصلی بعضی از کارکنان، شهر تهران است. اولاً بفرمایید حکم نماز و روزه این افراد که هر روز فاصله بین کارخانه و محلّ سکونت فعلی (خانه های سازمانی) را طی می کنند، چیست؟ و ثانیاً اگر هر از چندی جهت تهیه ضروریات زندگی و امور دیگر به شهر اراک بروند، حکم آنها در رفت و برگشت چگونه است؟

پاسخ: اگر مدتی از این وضعیت گذشته که دیگر به شما در آن جا مسافر گفته نمی شود، شما در تردد بین کارخانه و محلّ سکونت، حکم مسافر را ندارید و نمازتان در محلّ کار و محلّ سکونت و در مسیر بین آن دو تمام است و روزه هم بگیرید و اگر به محلی در داخل شهر اراک بروید که مجموع مسیر رفت و

برگشت به اندازه هشت فرسخ یا بیشتر باشد و هر يك از مسیر رفت و مسیر برگشت نیز چهار فرسخ یا بیشتر باشد، مسافر هستیید و در راه و در آن محل نمازتان شکسته است و اگر یکی از دو مسیر رفت و برگشت کمتر از چهار فرسخ باشد و مسیر دیگر نیز به اندازه هشت فرسخ نباشد، باید در رفت و برگشت و در آن محل، بنا بر احتیاط واجب نماز را هم شکسته و هم تمام بخوانید و اگر کارخانه در مسیر حرکت به سمت اراک واقع شده باشد، باید ابتدای مسافت را از کارخانه حساب کنید؛ ولی در هر صورت پس از بازگشت به محل کار یا محل سکونت، نمازتان تمام است.

[1305] سؤال 16: در يك منطقه نظامی که در فاصله پنجاه کیلومتری شهر قرار دارد، تعدادی از پرسنل نظامی به همراه خانواده خود زندگی می کنند و مدت اقامت آنها در منطقه، معلوم نیست؛ ولی کمتر از دو سال هم نیست. لطفاً به سؤال های زیر پاسخ دهید.

الف. پرسنل، برای انجام دادن امور اداری، در فاصله کمتر از ده روز، يك یا دو بار به شهر اعزام می گردند و خانواده آنها نیز برای خرید مایحتاج زندگی و تفریح، هر هفته به شهر مسافرت می کنند. وظیفه آنها در منطقه چیست؟

پاسخ: در مفروض سؤال، محل زندگی نظامیان و خانواده آنان از زمانی که در آن جا مسافر محسوب نشوند در حکم وطن آنان محسوب می شود؛ ولی در سفر خود به شهر، مسافر محسوب می شوند و نمازشان قصر است.

ب. بعضی از فرزندان پرسنل، در شهر مشغول به تحصیل هستند و هر روز به شهر می روند. تکلیف آنها در منطقه چیست؟

پاسخ: فرزندان، علاوه بر منطقه، در سفر تحصیلی (در مسیر بین محل تحصیل و خانه و در محل تحصیل)، نمازشان تمام است.

ج. اگر پرسنل و خانواده آنها در محدوده کمتر از حد ترخص مسافرت کنند، وظیفه آنها در منطقه چیست؟

پاسخ: اگر منطقه نظامی خیلی وسیع نباشد، برای خانواده، تمام منطقه و اگر

خیلی وسیع باشد، قسمت مسکونی و توابع آن (حوالی بخش مسکونی) در حکم وطن است و برای نظامیان، علاوه بر قسمت مسکونی، محل کار نیز در حکم وطن است و سفر به کمتر از حدّ ترخّص و یا بیشتر از آن که به حدّ سفر شرعی نرسد، موجب قصر نماز نمی شود.

د. پرسنلی که در ناو خدمت می کنند، به مأموریت دریایی اعزام می شوند و گاهی يك هفته یا بیشتر و یا کمتر در دریا می مانند و معلوم نیست که چند روز در منطقه بمانند و ممکن است در بین ده روز، دو مرتبه هم به دریا اعزام شوند، آیا در مورد این افراد صدق می کند که شغل آنها سفر است و نماز آنها در دریا و منطقه چه حکمی دارد؟

ه. پرسنلی که در منطقه راننده هستند و به شهر ایاب و ذهاب می کنند و یا به مأموریت های خارج از محدوده شهر می روند، حکم نمازشان در سفر و منطقه چیست؟

پاسخ: در مفروض هر دو سؤال که پرسنل به مدت طولانی در منطقه سکونت دارند، اگر بیشتر روزها را در سفر باشند، در منطقه و سفر (غیر از سفر اول)، نمازشان تمام است و صدق می کند که شغل آنها در سفر است؛ ولی اگر ده روز، بدون سفر شرعی در منطقه بمانند، پس از آن در سفر اول نمازشان قصر است.

و. سربازانی که در منطقه هستند و هر هفته برای شرکت در نماز جمعه یا امور شخصی به شهر می روند، وظیفه شان چیست؟

پاسخ: در منطقه، حکم آنها مانند حکم سایر پرسنل است که در پاسخ قسمت «الف» بیان شد و در مفروض سؤال، در مورد سفر به شهر، نمازشان در راه و در مقصد قصر است.

[1306] سؤال 17: آیا محلّ کار ثابت (مانند محلّ خرید و فروش و مغازه که هر روز یا اغلب روزها به آن جا رفت و آمد می شود)، اگر فاصله اش از محلّ زندگی به اندازه مسافت شرعی باشد، حکم وطن را دارد؟

پاسخ: از زمانی که در آن جا به شما مسافر نگویند، حکم وطن را دارد.

[1307] سؤال 18: طلبه ای بیش از ده سال است که مشغول تحصیل در قم است و خانه اش هم در آن جاست، اما مدتی است که محلّ کارش در تهران است و روز شنبه به تهران می رود و پنجشنبه به قم باز می گردد. حکم نماز و روزه اش چیست؟
پاسخ: در فرض سؤال، نمازش در تهران و قم تمام است و روزه اش را باید بگیرد.

[1308] سؤال 19: بعضی از آموزگاران، شش روز از هفته را به جهت شغلشان به منطقه ای دیگر سفر می کنند و يك روز را در وطنشان به سر می برند، تکلیف نماز و روزه این اشخاص چیست؟
پاسخ: نماز آنها در محلّ کار تمام است و باید روزه های خود را بگیرند.

[1309] سؤال 20: اشخاصی که فقط به مدت يك ماه برای آموزگاری یا تبلیغ از وطن به محلّ کار رفت و آمد می کنند و یا منبر می روند، حکم نمازشان در محلّ خدمت چیست؟
پاسخ: اگر بقیه شرایط قصر موجود باشد، حکم نماز آنها قصر است و روزه هم نمی توانند بگیرند.

[1310] سؤال 21: آیا اعراض نمودن از وطن، با مسافرت گاه به گاه به آن و ماندن چندین روز در آن جا منافات دارد؟
پاسخ: منافاتی ندارد.

بلاد کبیره

[1311] سؤال 22: آیا تهران از بلاد کبیره است؟

پاسخ: تهران از بلاد کبیره است؛ ولی بلاد کبیره و غیر کبیره، حکمشان فرقی ندارد.

[1312] سؤال 23: شهر شیراز جزء بلاد کبیره محسوب نشده؛ اما فاصله شمال تا جنوب و شرق تا غرب آن بسیار گسترده و طول مسافت آن بعضاً مثل بلاد کبیره است. حکم نماز

و روزه در این شهر چگونه است؟

پاسخ: بلاد کبیره و صغیره، از نظر احکام تفاوتی ندارند.

چیزهایی که سفر را قطع می کند

قصد ده روز

[1313] سؤال 24: کسی که قصد عشره نموده است، تا چه مسافتی و به چه مدت می تواند از محلی که قصد کرده، خارج شود؟

پاسخ: به اطراف نزدیک محلّ اقامت می تواند برود و رفتن به خارج از حدّ ترخص نیز اگر به حدّ مسافت شرعی نرسد، چنانچه دو سه ساعت باشد، ضرری به اقامه اش نمی زند.

[1314] سؤال 25: مسافر، در حالی که نماز ظهر و عصر را نخوانده است، وارد شهری می شود که می خواهد در آن جا قصد اقامه نماید. در صورتی که از وقت نماز، بیش از چهار رکعت باقی نمانده باشد، آیا می تواند قصد اقامه ده روز نماید، در حالی که با این قصد، نماز ظهرش قضا می شود و باید مشغول نماز عصر شود؟

پاسخ: احتیاط این است که اگر ضرورتی وجود نداشته باشد، قصد اقامه نکند.

[1315] سؤال 26: زنی که به مسافرت رفته و قصدش این است که ده روز در جایی بماند، اگر از ابتدای اقامت ده روزه خود حائض شود و مثلاً پس از هشت روز پاك گردد، در روزهای باقی مانده، نمازش تمام است یا شکسته؟

پاسخ: نمازهایش را باید تمام بخواند.

[1316] سؤال 27: طلبه ای در ایام ماه محرم و صفر جهت تبلیغ از شهر خود به شهر دیگر رفته و قصد ماندن ده روز را نکرده است. آیا می تواند با توجه به این که نمازش شکسته است، در امامت جماعت برای مردم آن منطقه، نمازش را تمام بخواند و نماز خودش را

دوباره به صورت شکسته بخواند؟

پاسخ: نمی تواند نمازش را تمام بخواند. البته می تواند موقع امامت در نماز جماعت، برای این که نمازش تمام باشد، نماز چهار رکعتی را که به طور مسلم از خودش یا میتی قضا شده است، بخواند.

[1317] سؤال 28: طلابی که در ماه مبارك رمضان در يك قریه سکونت اختیار می کنند، ولی از روز اول تصمیم دارند که برای امر تبلیغ به روستاهای دیگر که در فاصله پنج و پانزده کیلومتری هستند، به طور روزانه و بیش از چند ساعت بروند و گاهی هم شب در آن جا بمانند، آیا راهی برای تمام خواندن نماز و گرفتن روزه دارند؟

پاسخ: مسافر هستند و قصد اقامه آنها درست نیست.

[1318] سؤال 29: مسافری که به نیت نماز دو رکعتی، نماز ظهر را شروع می کند، ولی در بین نماز، قصد اقامت ده روز می کند و همچنین کسی که قصد اقامت ده روز کرده، به نیت نماز چهار رکعتی وارد نماز ظهر می شود و در بین نماز، از قصد ده روز بر می گردد، چه باید انجام دهد؟

پاسخ: در فرض اول، اگر وقت وسعت دارد و حداقل به اندازه يك رکعت برای نماز عصر وقت باقی می ماند، نماز ظهر را تمام می خواند و بعد از آن، نماز عصر را می خواند، وگرنه نماز ظهرش باطل است و باید مشغول نماز عصر شود و بعد قضای نماز ظهر را بخواند. در فرض دوم، نماز را باید شکسته بخواند، به شرط آن که داخل رکوع رکعت سوم نشده باشد و اگر داخل شده باشد، نماز باطل است و باید آن را قطع کند و از اول، نماز دو رکعتی بخواند.

[1319] سؤال 30: مسافری بعد از قصد ده روز، يك نماز چهار رکعتی خوانده و از قصد اقامه هم عدول کرده است، ولی نمی داند که آیا عدول، قبل از نماز چهار رکعتی واقع شده یا بعد از آن. وظیفه اش نسبت به نمازهای آینده چیست؟

پاسخ: نمازهای بعدی را باید کامل بخواند، اگرچه احتیاط مستحب این است

که بین قصر و اتمام جمع کند.

[1320] سؤال 31: اگر در سفر، بعد از قصد ده روز، شروع به روزه گرفتن کنیم، ولی بعد از اذان ظهر و قبل از خواندن يك نماز چهار رکعتی، از قصد خود برگردیم، روزه ما در آن روز صحیح است یا خیر؟

پاسخ: روزه آن روز صحیح است.

سی روز توقف به حال تردید

[1321] سؤال 32: بیماری که مدتی طولانی در شهرستانی غیر از وطن خود بستری است و معلوم نیست که چه مدت دیگر درمان او طول بکشد، تکلیفش درباره نماز و روزه چیست؟

پاسخ: اگر از اول بستری شدن، مردّد است و نمی داند در مانش تا چه زمانی طول می کشد، تا سی روز نمازش قصر است و روزه هم نمی تواند بگیرد؛ ولی پس از آن، نمازش تمام است و روزه اش را در صورت نداشتن ضرر باید بگیرد.

مسائل دیگر نماز مسافر

[1322] سؤال 33: گفته شده: «کسی که از روی جهل به حکم شرعی، نمازش را در سفر تمام بخواند، نمازش صحیح است و دوباره خواندن نماز لازم نیست». آیا حکم صحیح بودن نماز، درباره کسی که وظیفه اش تمام خواندن است، ولی از روی جهل به حکم، نمازش را شکسته می خواند نیز صادق است یا خیر؟

پاسخ: حکم صورت قبلی، در این صورت جاری نیست؛ بلکه نمازش باطل است و باید اعاده و یا قضا نماید.

[1323] سؤال 34: آیا بر بچه ممیزی که می خواهد نماز بخواند، شکسته خواندن نماز در سفر و کامل خواندن آن در وطن، لازم است یا خیر؟

پاسخ: اگر می خواهد نماز را صحیح بخواند تا به ثواب آن برسد، چنانچه در

وطن است، باید نماز را تمام بخواند و اگر مسافر است، باید قصر بخواند.

روزه مسافر

روزه کسانی که ناچارند برای شغل خود سفر کنند

[1324] سؤال 35: آیا حکم نماز و روزه کسی که شغلش مسافرت است (مانند راننده) و کسی که مقدمه شغلش سفر است، تفاوتی دارد؟

پاسخ: تفاوتی ندارد.

[1325] سؤال 36: اگر فردی سرباز باشد و نتواند قصد ده روز کند و قبل از ده روز، به خانه برگردد، روزه او قبول است یا خیر؟

پاسخ: اگر سرباز، ده روز در يك محل نمی ماند، مسافر محسوب می شود و روزه اش صحیح نیست و نمازش شکسته است؛ ولی اگر عمده دوران سربازی را در يك محل خدمت کند و به حدی در آن جا بماند که دیگر به او مسافر نگویند، محل خدمت برای او حکم وطن را دارد.

[1326] سؤال 37: کارگرانی که محل کار آنها بیش از مسافت شرعی است و هر روز بعد از خوردن سحری و خواندن نماز صبح به محل کار خود می روند و قبل از ظهر به وطن خود باز می گردند، آیا می توانند روزه بگیرند؟

پاسخ: در مفروض سؤال، نماز و روزه آنها در محل کار و در بین راه، همانند محل سکونت، تمام و صحیح است.

[1327] سؤال 38: کارگرانی که چند روز در کارخانه می مانند و کار می کنند و چند روز را در منزل استراحت می نمایند و فاصله بین کارخانه و محل زندگی آنها بیشتر از مسافت شرعی است، نسبت به نماز و روزه چه تکلیفی دارند؟

ص: 346

پاسخ: اگر تعداد روزهایی که در کارخانه می مانند، بیشتر از روزهایی باشد که در منزل استراحت می کنند، نمازشان در کارخانه کامل است و روزه را هم باید بگیرند و همین حکم را دارند کسانی که تعداد روزهای ماندنش در کارخانه کمتر از تعداد روزهای استراحت در منزل است، ولی در هر سه روز، یک بار به کارخانه رفت و آمد می کنند.

[1328] سؤال 39: این جانب مدت ده سال است که کرج را وطن خود انتخاب نموده ام و سه ماه پیش، در سازمانی در شهر تهران به صورت قرار داد 89 روزه مشغول به کار شدم و اکنون 89 روز تمام شده و قرار داد یک ساله بسته ام و هر روز صبح از کرج به تهران می روم و بعد از ظهر برمی گردم. تکلیف من در مورد نماز و روزه چیست؟

پاسخ: در تهران و کرج و در بین راه، نمازتان تمام است و روزه هم باید بگیرید.

[1329] سؤال 40: سپاه پاسداران به شخصی مأموریت می دهد که به یکی از استان های هم جوار بندر عباس، به مدت پنج روز جهت امور نظامی برود. تکلیف نماز و روزه اش چیست؟ اگر برای امور نظامی به جزایر اطراف برود، تکلیف چیست؟ سربازی که همراه اوست، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: اگر محل کارش بندر عباس است و گاهی به او مأموریت داده می شود و بیش از مسافت شرعی را طی می کند، مسافر محسوب می شود و حکم سرباز نیز همین است.

[1330] سؤال 41: افرادی که شغلشان ورزش است (اعم از بازیکنان یا مربی یا همراهان دیگر) و برای مسابقات به شهرها و کشورهای مختلف اعزام می شوند، آیا حکم نماز و روزه هایشان، حکم نماز و روزه مسافر است؟

پاسخ: اگر هر سه روز، یک بار برای شغلشان سفر کنند و به وطن بازگردند و یا این که تعداد روزهایی که در سفر هستند، بیشتر از تعداد روزهایی باشد که

در وطن هستند، نمازشان در سفر تمام است و روزه هایشان را هم باید بگیرند، وگرنه حکم مسافر را دارند.

[1331] سؤال 42: شخصی محلّ سکونتش در کرج و محلّ کارش هفته ای چند روز در هشتگرد و چند روز در طالقان است و در این مسیر، همیشه در حال ایاب و ذهاب است. این شخص، نماز و روزه اش را به چه صورت باید انجام دهد؟

پاسخ: نماز او تمام است و روزه اش را باید بگیرد، مگر این که ده روز در وطنش بماند و یا در جایی اقامت کند، که در این صورت، در سفر اول، نماز او قصر است.

[1332] سؤال 43: تکلیف نماز و روزه دانشجویی که در شهر دیگری غیر از محلّ زندگی اش درس می خواند و هر روز برای درس به آن شهر می رود، چیست؟ در بین راه، نماز را قصر بخواند یا تمام؟

پاسخ: نماز او در راه و در محلّ درس تمام است و روزه هم باید بگیرد.

[1333] سؤال 44: الف. کسی در محلّی مغازه و فروشگاه دارد، ولی جای خریدش جای دیگری است و مرتّب برای خرید، با ماشین می رود و جنس می آورد و می فروشد یا جنس را به جاهای دیگر می برد و می فروشد و برمی گردد. آیا این شخص، حکم دائم السفر را پیدا می کند؟

ب. تکلیف نماز و روزه اهل منبری که اغلب هفته ها برای وعظ و ارشاد او را به شهرهای دیگر دعوت می کنند، چیست؟

پاسخ: اگر حداقل هر سه روز يك بار و یا هر شش روز دو بار و... سفر کند و یا اگر تعداد سفر او کمتر از این است، تعداد روزهایی که در سفر است بیشتر از تعداد روزهای در وطن باشد، نمازش در سفر کامل است و روزه هم باید بگیرد.

[1334] سؤال 45: راننده ای در خطی کار می کرد که مسافت آن کمتر از مسافت شرعی بود.

اکنون چند ماه است که در خطی کار می کند که مسافت آن به اندازه حد شرعی است؛ ولی ممکن است باز خط عوض شود و در کمتر از مسافت شرعی کار کند. حکم نماز و روزه او چگونه است؟

پاسخ: نمازش تمام است و روزه هم باید بگیرد.

[1335] سؤال 46: مهندسی در کارخانه ای کار می کند و اغلب روزها از خانه به آن کارخانه می رود و بر می گردد و ممکن است يك یا دو روز، کارش تعطیل شود. نماز و روزه این شخص چگونه است؟

پاسخ: نماز این شخص در محل کار و در رفت و برگشت، تمام است و روزه هم باید بگیرد.

[1336] سؤال 47: کسی در محلی کاری پیدا کرده و آن محل، با محل زندگی اش چهار یا پنج فرسخ فاصله دارد و هر روز به آن جا رفت و آمد می کند؛ ولی نمی داند کارش در آن جا دائمی خواهد بود یا موقتی است. تکلیف نماز و روزه این شخص چیست؟

پاسخ: در مفروض سؤال، اگر به مقداری در آن محل، کارش ادامه پیدا کند که دیگر در آن جا به او مسافر گفته نشود، آن محل برایش حکم وطن را پیدا می کند و نیز اگر رفت و آمدش به آن جا برای کار به حدی باشد که بگویند کار و شغل او در سفر است، هم در محل کار و هم در بین راه، نمازش تمام است.

[1337] سؤال 48: فردی به عنوان نیروی رسمی، در سپاه پاسداران مشغول به کار است.

تکلیف وی در موارد ذیل چیست:

الف. سفر، مقدمه شغل اوست؛ یعنی فاصله بین محل کار و شهری که در آن زندگی می کند، به اندازه مسافت شرعی است. اگر او بخواهد هفته ای يك بار بین شهر خود و محل کار رفت و آمد نماید، چه باید بکند؟

ب. اگر ساعت یازده از محل کار خارج شود و در بین راه، اذان گفته شود و بخواهد نماز بخواند، قصر بخواند یا کامل؟

پاسخ: چنانچه مدتی از اشتغال او در آن محل گذشته، به طوری که دیگر در آن جا به او مسافر گفته نمی شود، محلّ کار برای او حکم وطن را دارد و نمازش در محلّ کار تمام است و روزه اش را هم باید در آن جا بگیرد؛ ولی در بین راه نمازش شکسته است؛ اما قبل از گذشتن این مدت از اشتغال، نمازش هم در محلّ کار و هم در بین راه شکسته است و نمی تواند روزه اش را بگیرد، مگر آن که روزهایی که در محلّ کار می ماند، بیشتر از تعداد روزهایی باشد که در منزل می ماند که در این صورت، هم در محلّ کار و هم در بین راه نمازش کامل است.

ج. اگر ساعت یازده از محلّ کار خارج و به منظور کار شخصی، به مقصد شهر دیگری که فاصله اش بیشتر از مسافت شرعی است، حرکت کند، تکلیفش چیست؟

پاسخ: با توجه به پاسخ قسمت «الف» و «ب»، اگر محلّ کار در حکم وطن او باشد، چنانچه به قصد مسافت شرعی از حدّ ترخص محلّ کار خارج شود، باید نمازش را شکسته بخواند و اگر محلّ کار در حکم وطن او نباشد، به محض خروج از محلّ کار نمازش شکسته است.

روزه نذری در سفر

[1338] سؤال 49: آیا انسان می تواند نذر کند که در سفر روزه بگیرد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[1339] سؤال 50: کسی که نذر دارد که روز اول هر ماه را روزه بگیرد، اگر روز اول ماه، مصادف با ایّام مسافرت او شد، آیا باید به نذرش عمل کند یا بعداً قضایش را به جا آورد یا هیچ تکلیفی ندارد؟

پاسخ: اگر نذر کرده که حتی در سفر هم روزه بگیرد، در این صورت باید همان روز را در سفر روزه بگیرد و اگر این طور نذر نکرده، می تواند سفر کند و سپس قضای آن را به جا آورد.

ص: 350

[1340] سؤال 51: آیا انسان در زمانی که در مکه یا مدینه یا شهر دیگری است، می تواند نذر کند که در این شهر و در حال مسافرت روزه بگیرد یا لازم است پیش از رسیدن به آن شهر، نذر کرده باشد؟

پاسخ: در مدینه سه روز روزه گرفتن مستحب است و در سفر، روزه نذری گرفتن اشکال ندارد؛ ولی باید نذر کرده باشد که روزه را در سفر بگیرد و در هر کجا که نذر کرده باشد، نذرش نافذ است.

[1341] سؤال 52: شخصی نیت و نذر کرده که هر دوشنبه را روزه بگیرد و در نیتش این که روزه گرفتن او در روزهای دوشنبه باشد، لحاظ شده و فرقی برایش نمی کند که روزه قضای پدر و مادرش باشد یا روزه قضای خودش یا روزه مستحبی که به واسطه این نذر، واجب شده است. حال اگر در روز دوشنبه مسافر باشد، آیا می تواند روزه قضای خود یا پدر و مادر یا اقوام خود را نیت کند؟

پاسخ: اگر هنگام نذر قصد کرده که حتی اگر در حال سفر هم باشد، روزه بگیرد، در سفر می تواند روزه مستحبی را بگیرد؛ ولی روزه قضای خود یا دیگران را نمی تواند در سفر بگیرد.

[1342] سؤال 53: کسی نذر می کند در روزهای معینی که کمتر از ده روز است و قرار است به مسافرت برود، در سفر روزه بگیرد. اگر برنامه مسافرتش منتفی شود، آیا با توجه به این که نذر کرده بود که در سفر روزه بگیرد، باز هم گرفتن روزه واجب است یا خیر؟

پاسخ: در مفروض سؤال، گرفتن روزه واجب نیست.

[1343] سؤال 54: کسی که نذر کرده تمام ماه شعبان را روزه بگیرد، آیا جایز است در این ماه مسافرت کند؟

پاسخ: اگر نذر کرده که حتی در سفر نیز روزه بگیرد، می تواند به سفر برود و باید روزه اش را در سفر هم بگیرد و اگر نذر نکرده باشد که حتی در حال سفر هم روزه بگیرد، می تواند سفر کند و بعد از مسافرت قضای آن را به جا آورد.

[1344] سؤال 55: گرفتن روزه مستحبی در سفر چه حکمی دارد؟

پاسخ: روزه مستحبی را نمی توان در سفر گرفت، مگر این که نذر کرده باشد که روزه را در سفر بگیرد یا نذر کرده باشد که روز معینی را چه در سفر باشد و چه در حضر، روزه بگیرد که در این صورت اشکال ندارد.

سؤالات دیگر روزه مسافر

[1345] سؤال 56: کسی که در ماه رمضان، قبل از ظهر، به قصد مسافرت شرعی از منزل حرکت می کند، ولی حرکتش را طوری تنظیم می کند که قبل از اذان ظهر از حدّ ترخص خارج نشود، آیا روزه اش صحیح است؟

پاسخ: بنا بر احتیاط باید آن روز را روزه بگیرد و سپس قضا نماید.

[1346] سؤال 57: شخصی یقین دارد قبل از ظهر، در ماه مبارک رمضان مسافرت می کند و بنا بر این از ابتدا نیت روزه آن روز را نمی کند. اگر قبل از شروع سفر با توجه به این که نیت روزه نداشته، افطار کند، جایز است یا نه؟

پاسخ: در صورت فرض شده، جایز نیست افطار کند تا این که از حدّ ترخص بگذرد.

[1347] سؤال 58: کسی که در ماه رمضان، سحری خورده و یقین دارد که قبل از ظهر به وطنش می رسد، آیا باید قبل از اذان صبح، نیت روزه کند یا بعد از رسیدن به وطن؟

پاسخ: نیت کردن برای روزه، در حال سفر صحیح نیست؛ ولی اگر قبل از ظهر به وطن برسد و تا آن زمان، افطار نکرده باشد، باید نیت روزه کند و روزه اش صحیح است.

[1348] سؤال 59: در رساله های عملیه آمده است: «کسی که حکم شکسته شدن نماز در سفر را نمی داند و نمازش را چهار رکعتی می خواند، نمازش صحیح است و اعاده در وقت و

قضای در خارج وقت لازم ندارد». آیا این حکم، در مورد روزه در سفر هم وجود دارد یا خیر؟

پاسخ: اگر جاهل باشد که در مسافرت باید روزه را افطار کند و روزه بگیرد، روزه اش صحیح است و قضا ندارد و همچنین اگر به علت جهل به موضوع یا خصوصیات موضوع روزه بگیرد (مثل این که سفرش به اندازه مسافت شرعی باشد، ولی او نداند که به اندازه مسافت شرعی است)، باز هم روزه اش صحیح است و قضا ندارد.

[1349] سؤال 60: کسی که در ماه رمضان، به مقدار مسافت شرعی به سفر می رود و در همان روز، پیش از اذان ظهر به وطن بر می گردد، اگر چیزی از مفطرات روزه را انجام نداده باشد، آیا می تواند آن روز را روزه بگیرد؟

پاسخ: در فرض سؤال، وقتی به وطن رسید، باید نیت روزه رمضان نماید و روزه اش صحیح است.

[1350] سؤال 61: اگر مسافری در ماه رمضان جنب باشد و پیش از ظهر با حال جنابت به محل سکونت خود برسد، آیا روزه آن روز بر او واجب است؟

پاسخ: اگر قبل از طلوع فجر جنب شده و عمداً تا طلوع فجر بر جنابت باقی مانده یا این که پس از طلوع فجر در سفر عمداً خودش را جنب کرده باشد، آن روز را نمی تواند روزه بگیرد و باید بعد از رمضان قضای آن را به جا آورد و اگر پس از طلوع فجر بدون اختیار جنب شده باشد (مثل این که در خواب محتمل شده باشد)، باید آن روز را روزه بگیرد و روزه اش صحیح است و اگر پیش از طلوع فجر جنب شده باشد، ولی بقای بر جنابت او تا طلوع فجر عمدی نباشد (مثل این که در خواب، پیش از طلوع فجر محتمل شود و بعد از اذان صبح از خواب بیدار شود)، احتیاط واجب این است که آن روز را روزه بگیرد و بعد از رمضان نیز آن را قضا نماید.

[1351] سؤال 62: مسافری در حال روزه ماه رمضان، نزدیک غروب در هواپیما می نشیند و به سوی مغرب حرکت می کند. اگر هنوز در هواپیما آفتاب را ببیند و آفتاب غروب نکرده باشد، ولی در مبدئی که از آن حرکت کرده، قدری هم از غروب آفتاب گذشته باشد، آیا می تواند روزه خود را بخورد؟

پاسخ: مادامی که آفتاب برای آن شخص غروب نکرده است، افطار جایز نیست، هر چند در شهری که او بوده، آفتاب غروب کرده باشد.

[1352] سؤال 63: کسی که در ماه رمضان هر شب از حدّ ترخص محلّ اقامت خود و به مقدار کمتر از مسافت شرعی خارج می شود و در همان شب یا بعد از اذان صبح و قبل از زوال باز می گردد، روزه اش صحیح است یا خیر؟

پاسخ: اگر به محلی که می رود، جزء توابع محلّ اقامت مثل مزارع و بساتین و...

و ملحق به محلّ اقامت باشد، به طوری که رفتن به آن جا منافی با صدق عرفی اقامه در بلد نداشته باشد و یا اگر این طور نیست، زمان خروج از محلّ اقامه بیش از یکی دو ساعت نباشد، اشکال ندارد، وگرنه تحقّق اقامه مشکل است.

[1353] سؤال 64: تعدادی از ایرانیان در ماه مبارك رمضان عازم سوریه می شوند و مایلند قصد ده روز کنند و روزه بگیرند. زائران معمولاً در منطقه زینبیه یا دمشق مستقر می شوند و هر روز بین این دو مکان تردد دارند و فاصله میدان مرجه در مرکز دمشق تا زینبیه، حدود سیزده کیلومتر است و هم اکنون تقریباً دمشق و زینبیه به هم متصل شده اند. آیا زائران می توانند در یکی از این دو مکان، قصد ده روز نموده، روزه بگیرند و روزها بین این دو مکان تردد نمایند؟

پاسخ: اگر به طوری به هم متصل یا نزدیک باشند که مجموعاً يك شهر محسوب شوند یا آن که منطقه زیارتگاه، جزء حومه و توابع شهر باشد و عرفاً رفت و آمد و توقف در آن جا منافی با اقامت در آن شهر محسوب نشود، می توانند قصد اقامت کنند و نمازشان تمام و روزه هایشان صحیح است.

[1354] سؤال 65: اگر به یکی از چهار مکانی سفر کنیم که در مسافرت می توان نماز را در آن مکان ها هم قصر و هم تمام خواند و قصدمان این باشد که نمازمان را تمام بخوانیم، آیا می توانیم در این صورت در مکان های ذکر شده، روزه هم بگیریم یا نه؟

پاسخ: روزه گرفتن در آن چهار مکان صحیح نیست، مگر آن که مانند دیگر جاهایی که به آنها سفر می کنید، قصد ده روز نماید و یا اگر قصد ده روز نمی کنید، سی روز به حال تردید بمانید که پس از گذشت سی روز می توانید روزه بگیرید. البته می توان برای برآورده شدن حاجات، در شهر مدینه بدون قصد ده روز، سه روز روزه مستحبی گرفت و احتیاط این است که در روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه باشد.

[1355] سؤال 66: این جانب به اتفاق همسر و سه نفر از دوستان، در روز اول ماه مبارك رمضان، زیارت عتبات عالیات عراق نصیبمان شده است. با توجه به این که نمی توان در موقع زیارت روزه گرفت، رفتن به این سفر، چه طور است؟
پاسخ: اشکالی در این سفر نیست و ان شاء الله ثواب هم دارد.

[1356] سؤال 67: مردی شغلش سفر کردن است و همسرش هم در سفر او را همراهی می کند؛ ولی شغل همسرش سفر کردن نیست؛ بلکه می خواهد صرفاً همراه شوهرش باشد و یا به قصد خدمت کردن به شوهر، او را همراهی می کند. حکم نماز و روزه این زن چگونه است؟

پاسخ: در فرض مذکور، در هر دو صورت باید نمازش را قصر بخواند و روزه اش را افطار نماید و اشکالی ندارد.

اعتکاف مسافر

[1357] سؤال 68: بسیاری از زائران خانه خدا، خواهان اعتکاف در مسجد الحرام هستند.

با توجه به فرصت معنوی و لزوم روزه گرفتن برای اعتکاف و مسافر بودن زائران در مکه

ص: 355

مکرمه، آیا می توانند پس از حضور در مکه مکرمه با نذر کردن، به اعتکاف پردازند؟

پاسخ: با نذر می توانند در سفر روزه بگیرند؛ بنا بر این اعتکاف آنان مانعی ندارد.

[1358] سؤال 69: کسی که مسافر است و دوست دارد در مراسم اعتکاف شرکت کند، چه باید بکند؟

پاسخ: اگر نذر کند که در حال سفر روزه بگیرد، مشکل اعتکاف از ناحیه روزه رفع می شود و می تواند در حالی که مسافر است، معتکف شود.

[1359] سؤال 70: شخصی نذر کرده در ایام البیض ماه رجب، در مسجد مقدّس جمکران معتکف شود و نذر کرده که در صورت مسافر بودن، روزه هم بگیرد. آیا نذر و اعتکاف او در صورت مسافر بودن صحیح است؟

پاسخ: نذر و اعتکاف مذکور، اشکال ندارد.

ص: 356

خمس

اشاره

ص: 357

[1360] سؤال 1: خمس و زکات، به عین اموال مکلف تعلق می گیرد یا بر ذمه او می آید؟

پاسخ: خمس و زکات، هر دو حقی هستند که به مالیت اموال تعلق می گیرند، نه به عین اموال و قابلیت انتقال به ذمه را دارند.

[1361] سؤال 2: با توجه به این که خمس از ضروریات دین است و منکر آن، مرتد محسوب می شود، اگر شخصی اعلام نماید سهم امام علیه السلام که نصف خمس است، در زمان غیبت امام علیه السلام نباید پرداخت شود، آیا این شخص، منکر ضروری دین محسوب می شود و حکم کافر بر او جاری است یا خیر؟

پاسخ: انکار نمودن چیزی از طرف منکر، با اعتقاد به این که آن چیز جزء دین است و انکارش باعث انکار توحید و نبوت می شود، موجب کفر و ارتداد است، وگرنه موجب کفر و ارتداد نمی شود.

[1362] سؤال 3: حکم شخصی که خمس خود را نمی دهد و یا در پرداخت آن سستی به خرج می دهد، از نظر خدا و رسول او چیست؟

پاسخ: معصیت نموده و تصرفش در مالی که خمس آن را نداده، جایز نیست، مگر این که به ذمه خود بگیرد که خمس را بدهد که در این صورت، تصرف در آن مال جایز است.

[1363] سؤال 4: عده ای گمان می کنند که سادات نباید خمس پرداخت کنند و فقط خمس را دریافت می کنند. آیا این مطلب، صحیح است یا خیر؟

پاسخ: سادات و غیر سادات در مسأله وجوب پرداخت خمس فرقی ندارند.

[1364] سؤال 5: شروع وجوب خمس از چه زمانی است؟

پاسخ: از زمان حصول ربح و درآمد برای مکلف، خمس به آن تعلق می گیرد و برای پرداخت تا يك سال فرصت دارد، مگر این که در طول سال آن را در مؤونه مصرف کرده باشد که در این صورت پرداخت خمس آن واجب نیست.

[1365] سؤال 6: اگر فردی از مرجعی تقلید می کرده که خمس بعضی از چیزها را واجب نمی دانسته و اکنون از مرجعی تقلید می کند که خمس آن چیزها را واجب می داند، وظیفه فعلی او چیست؟

پاسخ: اگر عین مال مذکور موجود باشد و جزء مؤونه محسوب نشود، باید خمس آن را طبق تقلید فعلی بپردازد و آنچه در سابق بوده و مصرف شده، اکنون نسبت به آن، تکلیف ندارد.

خمس اموال و هزینه های گوناگون

درآمد حاصل از معدن

[1366] سؤال 7: چیزهایی مثل گچ، آهک، نفت و نمک که از زمین استخراج شده است، اگر معلوم باشد که خمس آنها داده نشده است، آیا لازم است خمس آنها داده شود؟ و آیا استخراج کردن توسط دولت یا اشخاص، اثری در حکم دارد یا خیر؟

پاسخ: اگر معدن توسط افراد استخراج شود، باید خمس آن پرداخت شود و اگر توسط دولت استخراج شود، مؤمنین مجاز به تصرف در آنها می باشند و لازم نیست خمس بپردازند.

[1367] سؤال 8: حکم پرداخت خمس، در خصوص معادن دولتی چیست؟

پاسخ: اگر معادن به نحو مشروع در اختیار افراد قرار گرفته، ولو به صورت اجاره باشد، باید خمس مقداری را که استخراج کرده اند، بپردازند، وگرنه مؤمنین مجار به تصرف در آنها می باشند و لازم نیست خمس بپردازند.

[1368] سؤال 9: آیا معدن سنگ هم در پرداخت خمس، حکم سایر معادن را دارد؟

پاسخ: در معدن، اگر بعد از کسر هزینه های استخراج، مقدار آن به حد نصاب رسید، خمس واجب است و نصاب آن به مقدار پانزده مثقال طلا است. حکم معدن سنگ نیز همانند حکم سایر معادن است.

[1369] سؤال 10: مستأجری زمینی را که در آن معدن واقع شده است، اجاره می کند و به استخراج معدن می پردازد. پرداخت خمس منافع معدن، بر عهده مالک است یا مستأجر؟

پاسخ: خمس، بر عهده مستأجر است.

[1370] سؤال 11: اگر مقداری از درآمد حاصل از معدن که پس از استخراج، خمس آن داده شده، تا سر سال باقی بماند، آیا باید دوباره خمس آن داده شود؟

پاسخ: يك بار خمس دادن کافی است و لازم نیست در سر سال خمسی، دوباره خمس آن را بپردازد.

[1371] سؤال 12: معادنی مثل گچ و سنگ که پس از استخراج، خمس به آنها تعلق گرفته و خمس آنها پرداخت نشده و محصول آنها در اماکن عمومی به کار رفته است، حکمش چیست؟ نماز در آنها چه صورتی دارد؟

پاسخ: شخصی که معدن گچ و سنگ را استخراج نموده و خمس آنها را نداده و به مصرف اماکن عمومی رسانده است، باید خمس آنها را بپردازد و یا از مرجع تقلیدش اجازه بگیرد که در آن صورت، اشکال برطرف می شود و در هر

حال، مؤمنینی که در این گونه اماکن نماز می خوانند، تکلیفی ندارند و نمازشان صحیح است.

[1372] سؤال 13: معدنی متعلق به يك شرکت تعاونی با تعدادی عضو است. آیا خود شرکت باید قبل از پرداخت سود معدن به اعضای تعاونی، خمس معدن را بپردازد یا بر خود اعضا واجب است که خمس خود را از محل سود دریافتی بپردازند؟

پاسخ: پس از کسر هزینه ها، هر کس سهمش به اندازه نصاب در معدن (پانزده مثقال طلا) برسد، خمس آن بر او واجب است و اگر به اندازه نصاب نباشد، خمس واجب نیست.

مالی که از غواصی به دست آید

[1373] سؤال 14: اگر شخصی به هنگام غواصی در دریا اشیای با ارزشی را که در دریا افتاده است، پیدا کند، حکمش چیست؟

پاسخ: حکم لقطه را دارد، مگر این که بداند صاحب آن مال از آن اعراض کرده است که در این فرض، غواص مالک آن می شود؛ ولی از باب این که این مال از راه غواصی به دست آمده، خمس به آن تعلق نمی گیرد.

مال حلال مخلوط به حرام

[1374] سؤال 15: کسی که مال حرام با اموالش مخلوط شده و صاحبش را نمی شناسد و می داند که مقدار مال حرام، کمتر یا بیشتر از يك پنجم کل اموال است، ولی مقدار دقیق آن را نمی داند، آیا با دادن خمس، بقیه اموالش حلال می شود یا کار دیگری باید انجام دهد؟

پاسخ: بعید نیست که وجوب دادن خمس، به صورتی منحصر باشد که نمی داند حرام زیادترو یا کمتر از خمس همه مال است؛ ولی اگر می داند حرام، کمتر از خمس همه مال است، بعید نیست که اگر قدر متیقن را اخراج کند، کافی

باشد، گرچه احتیاط، در اخراج خمس است، و اگر اجمالاً می داند که حرام، زیادتر از خمس همه مال است، واجب است بعد از دادن خمس، مقداری را هم علاوه بر خمس، به قدر متیقن پردازد و احتیاط این است که مقدار زاید بر خمس را نیز در مصارف خمس هزینه کند.

[1375] سؤال 16: اگر مال حلالی که به آن خمس تعلق گرفته، با مال حرام مخلوط شود و مقدار مال حرام و صاحب آن مجهول باشد، چگونه باید عمل کرد؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر علم به بیشتر یا کمتر بودن مال حرام از يك پنجم کل مال مخلوط نداشته باشد، ابتدا خمس همه مال مخلوط را به جهت پاك شدن از حرام بدهد و سپس از مال باقی مانده، مقداری را که یقین دارد مال حلال است، خمسش را پردازد.

[1376] سؤال 17: اگر کسی با مال حلال مخلوط به حرام که وظیفه اش در مورد آن، پرداخت خمس است، قبل از پرداختن خمس، معامله و خرید و فروش کند، حکم وضعی و تکلیفی آن چیست؟

پاسخ: اگر برای تصرف در آن مال اجازه نگرفته و پرداختن خمس را هم به عهده نگرفته باشد، از نظر تکلیفی جایز نیست؛ اما از جهت حکم وضعی، معامله صحیح است و باید به جای پرداخت خمس، قدر متیقن از مقدار حرام را پردازد.

[1377] سؤال 18: کسی که حق دیگران بر ذمه اوست، نه در عین اموال او، آیا باید مثل کسی که اموالش با حرام مخلوط شده است، خمس بدهد یا وظیفه اش چیز دیگری است؟

پاسخ: در صورت مذکور، خمس واجب نیست. اگر مقدار یا ارزش آن را می داند، ولی صاحبش را نمی شناسد و یا می داند صاحب آن در بین افراد غیر محصور است، با اجازه حاکم شرعی از طرف صاحبش صدقه بدهد و یا به

خود حاکم شرع برساند و اگر می داند که صاحب آن در بین افراد محصور است، در صورت عدم امکان راضی کردن آنها، بین آنها توزیع کند و چنانچه مقدار و ارزش آن را نمی داند و تردید بین مقدار کمتر و مقدار بیشتر دارد، اگر مقدار کمتر را بپردازد، کافی است.

سرمایه، ابزار و وسایل کسب و کار

[1378] سؤال 19: آیا به سرمایه خمس تعلق می گیرد یا به سود حاصل از آن یا حکم مسأله به صورت دیگری است؟

پاسخ: اگر با سرمایه فقط مؤونه زندگی حاصل شود، خمس ندارد و اگر بیش از آن به دست آید، باید به نسبت زیادی، خمس آن پرداخت شود و منافع حاصل از آن، چنانچه در مؤونه سال مصرف نشود، خمس دارد.

[1379] سؤال 20: آیا به ابزار کسب و کار انسان که از درآمد بین سال آن را تهیه می کند، خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: اگر با آن ابزار فقط تحصیل مؤونه زندگی خود را می کند، خمس ندارد؛ ولی اگر زیادت از مؤونه زندگی را به دست می آورد، باید به نسبت زیادی، خمس آن ابزار را بپردازد.

[1380] سؤال 21: شخصی مقلد مرجعی بوده که خمس سرمایه و ابزار کار را واجب نمی دانسته و سال ها بدین صورت گذشته و احیاناً در طول این سال ها مقداری از سرمایه و ابزار و آلاتی که خمس آنها داده نشده، از بین رفته است. اکنون پس از فوت آن مرجع بزرگوار، مقلد مرجع دیگری شده که خمس سرمایه و ابزار کار را واجب می داند. آیا حالا نسبت به سرمایه و ابزار باقی مانده و از بین رفته، تکلیفی دارد؟

پاسخ: در مورد سرمایه و ابزار و آلاتی که عین آنها باقی مانده است، باید بر طبق فتوای مرجع تقلید فعلی اش عمل نماید و نسبت به سرمایه و ابزار و

وسایل از بین رفته، وظیفه ای ندارد.

[1381] سؤال 22: آیا خمس سرمایه و وسایل کسب و کار را باید موقع شروع به کسب و کار پرداخت کرد یا پس از گذشتن سال؟ اگر پس از گذشتن يك سال واجب می شود، باید يك سال تمام از آن بگذرد یا با رسیدن سال خمس باید پرداخت شود؟

پاسخ: خمس سرمایه هم مانند خمس سایر منافع است؛ یعنی گذشتن يك سال تمام، ارفاق است و اگر بعد از يك سال تمام، خمس آن را بدهد، تکلیف خود را انجام داده است و اگر سال خمس دارد و وقت آن زودتر می رسد، چنانچه خمس سرمایه را در این وقت هم بدهد، بی اشکال است و اگر هنگام شروع به کسب و کار هم پرداخت کند، صحیح است.

[1382] سؤال 23: کسی که يك میلیون تومان سرمایه دارد و خمس آن را داده است، اگر در بین سال، مقدار زیادی از سرمایه او از بین برود، ولی تا پایان سال، دوباره مقدار زیادی سود کند و کسری سرمایه جبران شود، آیا لازم است خمس این مقدار را بپردازد؟ اگر تمام کسری جبران نشود، آیا جایز است از درآمد سال بعد، کسری سرمایه جبران شود؟

پاسخ: اگر بعد از حصول اولین سود، ضرری به سرمایه او وارد شود، می تواند آن را از درآمد آن سال کسر نماید؛ ولی ضرر سال قبل را نمی تواند از منافع سال بعد جبران کند، مگر این که در صورت عدم جبران، در مضیقه بیفتد.

[1383] سؤال 24: شخصی يك میلیون تومان سرمایه دارد و در پایان سال خمس دویست هزار تومان را به عنوان خمس می پردازد. آیا در پایان سال بعدی، سرمایه مخمس را که دیگر لازم نیست خمس آن را بدهد، هشتصد هزار تومان حساب کند یا يك میلیون تومان؟

پاسخ: سرمایه مخمس، هشتصد هزار تومان است.

[1384] سؤال 25: کسی که از درآمد بین سال خود، آلات و ابزار کسب تهیه نموده و در آخر سال می خواهد خمس آنها را به عنوان سرمایه حساب کند، آیا باید قیمت فعلی آنها را در نظر بگیرد یا قیمت وقت خرید را؟ لازم به ذکر است که گاهی قیمت ابزار آلات بالا می رود و گاهی تنزل پیدا می کند.

پاسخ: قیمت فعلی را حساب نماید.

[1385] سؤال 26: کسی که خمس ابزار و آلات کسب و کارش را پرداخته است و در آخر سال خمسی قیمت ابزار و آلات زیاد شده است، آیا خمس جدیدی بر عهده اش آمده یا دیگر چیزی بر عهده اش نیست؟

پاسخ: ترقی قیمت آن ابزار و وسایل، تا فروخته نشده، خمس ندارد.

[1386] سؤال 27: حکم خمس وسایل مصرفی پزشکی (مثل لوازم پانسمان و تزریق و...) که پزشکان برای بیماران استفاده می کنند، چیست؟

پاسخ: اگر در پایان سال خمسی چیزی از آنها باقی مانده باشد، به آنها خمس تعلق می گیرد.

[1387] سؤال 28: پزشکان برای معاینه و معالجه بیمار، نیاز به وسایل پزشکی دارند.

در صورت خرید این وسایل، حکم خمس موارد ذیل چگونه است؟

الف. در صورتی که وسایل را به طور نقد خریداری کرده باشند.

ب. در صورتی که وسایل را به طور اقساطی خریداری کرده باشند و به تدریج در ظرف چند سال، اقساط آنها را بپردازند.

ج. در صورتی که مبلغی را وام گرفته و این وسایل را خریده باشند و ماهانه اقساط وام را بپردازند.

پاسخ: چنانچه آن وسایل را به صورت نقد خریده اند، اگر با آن وسایل، فقط مؤونه زندگی خود را تحصیل می کنند، نه بیش از آن را، به آن وسایل خمس تعلق نمی گیرد و اگر بیش از مؤونه زندگی را به دست می آورند، به نسبت

زیادی، خمس به آن وسایل تعلق می‌گیرد و چنانچه وسایل پزشکی را به صورت قسطی و یا با گرفتن وام خریده‌اند، آن نسبتی از وسایل که قسط آن را پرداخته‌اند، اگر با آن کمتر و یا به اندازه مؤونه زندگی به دست می‌آورند، خمس ندارند و اگر بیش از مؤونه به دست می‌آورند، به نسبت زیادی به آنها خمس تعلق می‌گیرد و به آن نسبتی از وسایل که هنوز قسط آنها پرداخت نشده، خمس تعلق نمی‌گیرد، ولی درآمد حاصل از آن، چنانچه در مؤونه صرف نشود، خمس دارد.

[1388] سؤال 29: چنانچه قسمتی از لوازم زندگی مورد نیاز خود را بفروشیم و با آن ابزار کار تهیه نماییم. آیا به پول آن خمس تعلق می‌گیرد؟

پاسخ: اگر با ابزار کسب مذکور، فقط به اندازه مؤونه زندگی و یا کمتر از آن را به دست می‌آورید، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

[1389] سؤال 30: کسی که با سرمایه قرضی به کسب و کار می‌پردازد، آیا لازم است خمس سرمایه خود را بدهد؟

پاسخ: تا قرض را ادا نکرده است، خمس ندارد؛ ولی وقتی که قرض را ادا کرد، به نسبت ادای قرض، سرمایه را محاسبه می‌کند، اگر با آن مقدار از سرمایه فقط مؤونه زندگی اش را به دست می‌آورد، خمس ندارد و اگر بیش از مؤونه را تحصیل می‌کند، باید به نسبت زیادی، خمس آن مقدار از سرمایه را بپردازد.

[1390] سؤال 31: شخصی است که اگر خمس سرمایه اش را بدهد، دیگر نمی‌تواند امرار معاش کند، تکلیفش چیست؟

پاسخ: دادن خمس لازم نیست.

[1391] سؤال 32: چنانچه کالاهای هدیه داده شده، تبدیل به پول نقد شود و به عنوان سرمایه مورد استفاده قرار گیرد، مشمول خمس می‌شود یا حکم سرمایه مخمس را

پاسخ: هدیه، اگر مقدار آن به قدری نباشد که بتواند بخشی از زندگی انسان را اداره کند، خمس ندارد و اگر بتواند بخشی از زندگی را اداره کند، چنانچه قبل از گذشتن سال در مؤونه صرف شود، باز هم خمس ندارد و یکی از موارد صرف در مؤونه این است که آن را سرمایه قرار دهد و با آن فقط به اندازه مخارج زندگی و یا کمتر از آن به دست آید؛ ولی اگر هدیه را سرمایه خود قرار دهد و با آن بیش از مخارج زندگی را به دست آورد، باید به نسبت زیادی، خمس آن را پرداخت کند.

سهام شرکت ها

[1392] سؤال 33: اگر شخصی با درآمد بین سال سهام بخرد و مدتی پس از گذشتن سال خمسی، بدون این که خمس آنها را پرداخته باشد، با سود آنها را بفروشد، آیا باید فوراً خمس اصل سرمایه و سود حاصل از آن را بدهد یا خیر؟

پاسخ: باید فوراً خمس بالاترین قیمت سهام را از سر سال خمسی تا زمان فروش بپردازد.

[1393] سؤال 34: کسی که منزل شخصی ندارد و از درآمد خود، سهامی از شرکت های دولتی یا خصوصی خریداری کرده، آیا به سهام او خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: به سهام، خمس تعلق می گیرد، مگر این که برای تحصیل مؤونه زندگی، با درآمد خود به خرید و فروش سهام بپردازد و چیزی زیادت از مؤونه عاید او نگردد.

[1394] سؤال 35: کسی که سهام شرکت های دولتی یا غیر دولتی را خریده و چند سال از این موضوع گذشته و در طی این چند سال، به طور مرتب ارزش و قیمت این سهام بالا و پایین رفته و در طی این مدت، خمس سهام را پرداخت نکرده است، چگونه باید

خمس آنها را حساب کند؟

پاسخ: باید خمس بالاترین قیمت از سر سال خمسی اول تا زمان پرداخت را بدهد.

[1395] سؤال 36: شخصی خمس سهامی را که خریداری کرده، پرداخت نموده و پس از آن، ارزش سهام او بسیار بالا رفته است، آیا باز هم چیزی بدهکار است یا نه؟

پاسخ: باید سر هر سال خمسی، خمس ترقی واقعی قیمت سهام را بپردازد.

[1396] سؤال 37: شرکتی تأسیس شده که متعلق به رزمندگان یکی از لشکرهاست. هر فرد برابر اساسنامه شرکت، مقداری سهام خریداری نموده که بخشی از پول آن را به صورت نقد پرداخته و بقیه را لشکر از طرف او پرداخت و سرمایه گذاری نموده و به تدریج از حقوق او در طی چند سال کسر می کند و تا زمانی که تمام مبلغ پرداخت شده از طرف لشکر از حقوق فرد کسر نشود، آن فرد حق برداشت و انتقال به غیر را ندارد. آیا سرمایه ای را که لشکر گذاشته است، خمس دارد؟

پاسخ: تا اقساط به پایان نرسیده و نمی تواند در آن تصرف نماید، اصل سرمایه، متعلق خمس نیست؛ ولی پس از پایان اقساط، باید خمس ارزش فعلی سهام را بپردازد.

مغازه

[1397] سؤال 38: مغازه ای که جهت کسب خریداری می شود، خمس دارد یا خیر؟

پاسخ: اگر با کسب در آن مغازه، فقط تحصیل مؤونه زندگی شود، خمس ندارد.

[1398] سؤال 39: کسی خانه ای ساخته و در آن چند مغازه هم احداث کرده است تا علاوه بر سکونت خود، از راه اجاره مغازه ها گذران زندگی نماید. آیا مغازه ها مانند خود خانه مسکونی جزء مؤونه حساب می شود و خمس ندارد یا حساب جداگانه دارد؟

ص: 369

پاسخ: اگر با اجاره مغازه ها فقط به اندازه مؤونه زندگی به دست می آید و نه بیشتر از آن، مشمول خمس نمی شوند.

[1399] سؤال 40: آیا خمس مغازه را می توان از درآمد همان مغازه پرداخت کرد؟

پاسخ: بلی؛ ولی باید به مقدار يك چهارم ارزش مغازه باشد.

[1400] سؤال 41: شخصی مغازه ای جهت کسب و کار خریده است. اکنون قیمت مغازه زیاد شده و این شخص قدرت پرداخت

خمس مغازه به قیمت فعلی را ندارد. تکلیف او در این رابطه چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر مغازه را با درآمد بین سال خریده و با آن بیش از مؤونه زندگی را به دست نمی آورد، به آن مغازه خمس تعلق نمی گیرد، هر چند قیمت آن مغازه ترقی کرده باشد و اگر بیش از مؤونه را به دست می آورد، باید به نسبت زیادی، خمس بالاترین قیمت از سر سال خمسی اول تا کنون را پردازد و در صورت عدم قدرت بر پرداخت خمس، با مراجعه حضوری مشکل خود را حل نماید و اگر مغازه را با پول مخمس یا پولی که متعلق خمس نیست، خریده باشد، مادامی که مغازه را فروخته، ترقی قیمت آن خمس ندارد و وقتی که فروخت، چنانچه پول آن را در مؤونه سال مصرف نکند، باید خمس ترقی قیمت آن را پردازد.

[1401] سؤال 42: آیا مخارجی چون تعمیر مغازه و یا خرید لوازمی چون پنکه، تلفن، یخچال و... که مورد نیاز محل کسب است،

خمس دارد یا خیر؟

پاسخ: اگر با مغازه و وسایل مورد نیاز در آن، به قدر مؤونه تحصیل مال می شود، هیچ کدام خمس ندارند و اگر زیاده از مؤونه به دست می آید، باید به نسبت زیادی، خمس آنها پرداخت شود. در مورد مخارج تعمیرات مغازه، آن نواقصی که بر اثر استفاده کسبی یا در زمان استفاده به طور طبیعی پیش آمده (در حدی که استفاده مناسب از مغازه متوقف بر آن تعمیرات است)، پرداخت

سرقفلی

[1402] سؤال 43: آیا سرقفلی، جزء مؤونه حساب می شود یا جزء سرمایه؟ در صورت افزایش ارزش سرقفلی، حکم آن چیست؟

پاسخ: نوعی از سرقفلی که غالباً در بازار رایج است و مالیت آن محفوظ است (به طوری که اگر صاحب سرقفلی، عین مورد اجاره را به مستأجر جدید منتقل کند، به اندازه ارزش سرقفلی از او پول می گیرد)، سرمایه محسوب می شود و سرمایه کسب دو نوع حکم دارد: 1 - می خواهد به وسیله سرمایه فراهم شده، کسب درآمد و منفعت کند و با آن به اندازه مؤونه زندگی و یا کمتر از آن به دست می آورد که این گونه سرمایه خودش جزء مؤونه محسوب می شود و خمس ندارد؛ 2 - می خواهد با سرمایه فراهم آمده، کسب درآمد و تحصیل منفعت کند و بیش از مؤونه زندگی را با آن به دست می آورد که باید به نسبت زیادی، خمس سرمایه را در هر سال خمسی پردازد و پس از دادن خمس در هر سال اول، چنانچه سرمایه افزایش قیمت واقعی پیدا کند، تا آن را نفروخته، دادن خمس افزایش قیمت لازم نیست.

[1403] سؤال 44: کسی که سرقفلی مغازه ای را برای کسب و کار به مبلغ یک میلیون تومان خریده و در هر سال، خمس سرقفلی را هم پرداخته است، اگر بعد از چند سال، سرقفلی مغازه را به ده میلیون تومان بفروشد، آیا باید خمس مازاد (نه میلیون تومان) را پردازد؟

پاسخ: اگر ترقی قیمت، واقعی باشد، نه بر اثر تورم و کاهش ارزش پول، چنانچه پول حاصل از فروش سرقفلی را در مؤونه سال مصرف نکند، باید خمس ترقی قیمت را پردازد.

[1404] سؤال 45: شخصی زمینی را می خرد و سال بر آن می گذرد و در سال دوم، خمس آن زمین را از درآمد سال دوم که خمس آن را پرداخته است، می پردازد. آیا این شخص، خمس کامل زمین را پرداخت کرده است یا باز هم بدهی دارد؟

پاسخ: در آخر سال دوم خمس، باید خمس مبلغی را که به عنوان خمس زمین پرداخته نیز از پول مخمس و یا پولی که خمس به آن تعلق نمی گیرد، پردازد.

[1405] سؤال 46: پدری به فرزندش قطعه زمینی به قیمت یکصد و پنجاه هزار تومان فروخت، حال آن که قیمت واقعی زمین، بیش از یک میلیون تومان است. آیا در این صورت باید خمس یکصد و پنجاه هزار تومان را بدهد یا خمس قیمت واقعی زمین را؟

پاسخ: چنانچه پدر زمین را از درآمد بین سال تهیه کرده و سال بر آن نگذشته باشد و چنین معامله ای که در حقیقت نوعی کمک به فرزند است، در شأن پدر باشد، نسبت به پدر، فقط مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان متعلق خمس واقع می شود.

[1406] سؤال 47: به کسی از طرف دولت و حکومت، بدون گرفتن مبلغی زمینی داده شده است و او به جهت نداشتن پول تا چندین سال نتوانسته خانه ای برای خود بنا کند. آیا به زمینی که به او داده شده، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

پاسخ: زمین هایی که از طرف دولت به مستحقین داده شده، قبل از ساخت و فروش، متعلق خمس نیست؛ ولی بعد از ساخت یا فروش، ممکن است حکم مسأله در صورت های مختلف متفاوت باشد.

[1407] سؤال 48: تهیه خانه مورد نیاز برای شخصی مقدر نیست. آیا می تواند از درآمد امسال خود زمین یا مقداری از لوازم (مانند مصالح ساختمانی و آهن) را خریداری کند تا در سال بعد خانه بسازد؟

پاسخ: بلی، می تواند و پرداخت خمس آنها واجب نیست.

[1408] سؤال 49: اگر کسی از درآمد بین سال، زمینی را برای احداث خانه بخرد، ولی در همان سال، زمین را بفروشد و با پول آن خانه ای تهیه کند، آیا باید خمس بدهد؟ آیا گران تر فروختن زمین نسبت به قیمت خرید، تأثیری در حکم مسأله دارد یا خیر؟

پاسخ: در فرض مذکور، دادن خمس واجب نیست، هر چند زمین را گران تر از قیمت خرید آن بفروشد.

[1409] سؤال 50: کسی با مال مخمس زمینی را خریده است تا خانه ای برای سکونت خود بسازد و قیمت این زمین، ترقی کرده است. صاحب زمین نیز از ساختن خانه منصرف شده است. آیا اضافه قیمت، خمس دارد یا خیر؟

پاسخ: تا زمین را نفروخته، لازم نیست خمس اضافه قیمت را بپردازد.

[1410] سؤال 51: کسی پنج میلیون تومان پول داشته و خمس آن (یک میلیون تومان) را پرداخت نموده است و با بقیه آن زمینی خریداری کرده و پس از گذشت چند سال، قیمت زمین چند برابر شده است. اگر بخواهد زمین را بفروشد، آیا باز هم باید خمس آن را پرداخت نماید؟

پاسخ: اگر قصدش تجارت و فروش زمین بوده و در هر سال، امکان فروش داشته، باید خمس مازاد را در هر سال بدهد، ولو آن را نفروخته باشد و چنانچه در هر سال اول خمسی، خمس زمین را پرداخت نکرده که فرض سؤال هم همین است، باید خمس بالاترین قیمت از هر سال خمسی اول تا زمان فروش را نسبت به مازاد بپردازد و اگر قصدش تجارت نبوده، بلکه می خواسته برای مؤونه زندگی، مثل تفریح و استراحت و امثال آنها مورد استفاده قرار دهد، چنانچه قیمت، ترقی واقعی (غیر تورمی) کرده، مادامی که زمین را نفروخته، ترقی قیمت آن خمس ندارد و وقتی زمین را فروخت و پول به دستش آمد، اگر از مخارج سالانه زیاد بیاید، خمس مازاد را باید بپردازد.

[1411] سؤال 52: فردی زمینی را خریده و قیمت آن زمین رشد کرده و با همین زمین،

مستطیع شده است. اکنون که زمین را فروخته و می خواهد به حج مشرف شود، آیا باید پول زمین را تخمیس کند؟

پاسخ: اگر اصل زمین، متعلق خمس نباشد (مانند این که آن را از پول خمس داده خریده) و برای کسب و استفاده از ترقی قیمت، آن را نخریده، در این صورت آنچه را که فعلاً فروخته و صرف رفتن به حج می نماید، خمس ندارد؛ ولی اگر اصل زمین و یا پولش متعلق خمس باشد و یا برای استفاده از ترقی قیمت خریده و از ترقی قیمت يك سال گذشته باشد، خمس دارد و باید بپردازد و چنانچه بعد از پرداخت خمس، باز هم مستطیع بود، باید به حج برود.

[1412] سؤال 53: شخص ذمی، زمینی را از مسلمانی می خرد و قبل از پرداخت خمس آن، مسلمان می شود، آیا باز هم خمس زمین بر او واجب است؟

پاسخ: در این فرض، خمس از شخص ذمی، بعد از مسلمان شدن ساقط نمی شود و در مواردی که مالک شدن متوقف بر قبض کردن است، اگر کافر ذمی، بعد از عقد و قبل از قبض کردن، مسلمان شود، مسأله محل اشکال است.

خانه

[1413] سؤال 54: کسی که چند ماه از سال را در شهر و چند ماه دیگر را در روستا زندگی می کند، اگر يك خانه در شهر و خانه ای دیگر در روستا بخرد، آیا به آنها خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: اگر هر دو خانه برای سکونت مورد استفاده باشد و در شأن او نیز باشد و از درآمد بین سال و یا درآمد غیر مشمول خمس تهیه شده باشد، خمس به آن تعلق نمی گیرد.

[1414] سؤال 55: کسی که خانه ای بیشتر از نیاز و شأن خود تهیه می کند و در آن ساکن می شود، چگونه باید خمس آن را حساب کند؟

پاسخ: باید خمس مقداری را که زاید بر شأن اوست، پردازد.

[1415] سؤال 56: کسی به خانه یا ماشین احتیاج دارد و می تواند مطابق شأن خود آنها را تهیه کند؛ ولی اگر خانه یا ماشین با قیمت پایین تر هم تهیه کند، منافات با شأن او ندارد. آیا آنچه مطابق شأن اوست، جزء مؤونه محسوب می شود و خمس ندارد یا باید ملاحظه مقدار کمتر را بکند؟

پاسخ: ماشین و خانه ای که مطابق شأن خود خریده است، خمس ندارد.

[1416] سؤال 57: فردی که دارای خانه است و نیازمند به خانه بزرگ تری است و مجبور است در طی چند سال پول های خود را پس انداز نماید و در پایان، خانه بزرگ تری تهیه نماید و یا به تدریج با پس انداز، خانه بزرگ تری بسازد، پول های اضافه بر مخارج سالانه را که برای تهیه خانه بزرگ تر کنار می گذارد، خمس دارد یا خیر؟

پاسخ: اگر زندگی در خانه ای که دارد و یا منزل غیر ملکی، موجب مضیقه برای او شود و نتواند خانه جدید را با درآمد يك سال تهیه کند، اگر خانه را به تدریج بسازد، خمس ندارد و اگر پول آن را ذخیره کند، چنانچه با پرداخت خمس آن پول، خانه دار شدن او به تأخیر بیفتد و یا نتواند خانه تهیه کند، باز هم لازم نیست خمس پردازد؛ ولی اگر با پرداخت خمس، مشکلی برای او ایجاد نمی شود، بنا بر احتیاط واجب باید خمس پول پس انداز شده را بدهد.

[1417] سؤال 58: کسی منزلی تهیه می کند که بیشتر از حد نیاز اوست؛ ولی در آینده ای نزدیک، به واسطه بزرگ تر شدن و زیادتر شدن اولاد، به آن محتاج خواهد شد و اساساً به همین جهت خانه بزرگ تر را تهیه کرده است. آیا خمس مقدار زاید بر نیاز فعلی او واجب است یا خیر؟

پاسخ: اگر در شرف استفاده از آن خانه است و نمی تواند در سال مورد نیاز، خانه مطابق با نیاز خود تهیه نماید، به آن خمس تعلق نمی گیرد.

[1418] سؤال 59: چنانچه خانه مسكونی وسیعی به علت كثرت عائله در شأن کسی باشد، آیا ازدواج كردن اولاد و عدم نیاز به چنین خانه ای باعث می شود كه خانه مشمول خمس گردد؟

پاسخ: تا خانه را نفروخته است، مورد تعلق خمس نیست.

[1419] سؤال 60: دو باب آپارتمان دارم كه با توجه به شئونات كاری و تحصیلی خود، هیچ كدام را مناسب سكونت خود نمی بینم. اکنون قصد فروش هر دو و خرید يك واحد مناسب تر را دارم؛ ولی با پرداخت خمس، از این اقدام باز می مانم. لطفاً مرا راهنمایی نمایید.

پاسخ: اگر هیچ يك از دو ساختمان، قبل از فروش، متعلق خمس نباشد، چنانچه آنها را بفروشید و در همان سال، مسكن مناسب تهیه نمایید، خمس تعلق نمی گیرد و اگر هر دو یا یکی از آنها قبل از فروش، متعلق خمس باشد و با پرداخت خمس، جهت تهیه مسكن مناسب دچار مشكل شوید، می توانید با مراجعه حضوری مشكل خود را مطرح و حل نمایید.

[1420] سؤال 61: جوانی كه نمی تواند بلافاصله پس از ازدواج، منزل مسكونی تهیه كند، اگر قبل از ازدواج در طی چند سال به تدریج خانه ای تهیه نماید (ابتدا زمین را بخرد و سپس به تدریج خانه را بسازد)، آیا این خانه متعلق خمس است؟

پاسخ: اگر به هنگام تهیه منزل در شرف ازدواج بوده، متعلق خمس نیست.

[1421] سؤال 62: این جانب قبل از رسیدن سال خمسی، برای فرزندانم كه سن آنها كمتر از یازده سال است، خانه ای تهیه نمودم و به آنها هدیه كردم. آیا به این خانه خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: اگر دادن این منزل مطابق شأن شما باشد، بر شما خمس واجب نیست و بر فرزندان شما هم اگر بالغ نباشند، خمس لازم نیست.

[1422] سؤال 63: پدری خانه ای را به پسرش می بخشد و چون پسر در خارج از شهر خود مشغول تحصیل است، نمی تواند برای سکونت از آن خانه استفاده کند؛ ولی برای امرار معاش و خرج تحصیل خود، خانه را اجاره می دهد و از پول اجاره استفاده می کند. آیا پسر باید خمس این خانه را بپردازد؟

پاسخ: اگر این هبه مقدارش خیلی زیاد هم باشد؛ ولی فرزند نیاز به اسکان در آن منزل داشته باشد و به جهتی فعلاً نتواند در آن ساکن شود و با اجاره این منزل، هزینه منزل مسکونی خود را تأمین کند، در این صورت دادن خمس منزلی که پدر به فرزند داده، لازم نیست.

[1423] سؤال 64: چنانچه شخصی منزل مسکونی مورد نیازش را اجاره دهد و با پول آن منزل دیگری اجاره کند، آیا منزل نخست مشمول خمس است؟

پاسخ: چنانچه به جهتی نمی تواند از خانه خود استفاده کند و مجبور است که آن را اجاره دهد و منزل دیگری اجاره کند، مشمول خمس نیست.

[1424] سؤال 65: پدری که اهل خمس دادن است، در بین سال خانه ای برای پسرش می خرد.

آیا به این خانه خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

پاسخ: اگر پدر از درآمد وسط سال، خانه ای را برای فرزندش بخرد و به او ببخشد و این بخشش در شأن پدر باشد و اسراف محسوب نشود، دادن خمس بر پدر واجب نیست؛ و اما پسر، اگر تا يك سال پس از بخشش، از آن خانه استفاده کند و آن را مؤونه زندگی خود قرار دهد، خمس بر او نیز واجب نیست و اگر خانه را مؤونه زندگی خود قرار ندهد، در سر سال، باید خمس خانه توسط پسر، در صورتی که بالغ باشد، پرداخت شود؛ ولی اگر پدر، خانه را به پسرش نبخشد، دو صورت پیدا می کند: یکی این که تا بعد از گذشتن سال، فرزند در آن ساختمان ساکن نشود که در این صورت باید پدر، خمس خانه را بدهد و دوم این که در بین سال، فرزند به خانه نیازمند شود و آن را محلّ

سکونت خود قرار دهد و در اختیار فرزند قرار دادن مسکن نیز خارج از شأن پدر نباشد که در این صورت خمس ندارد.

[1425] سؤال 66: شخصی برای پسرش که هنوز ازدواج نکرده و تحت تکفل اوست، خانه ای می خرد که مقداری از پول آن غیر محسوس است. تکلیف خمس در این مورد چگونه است؟

پاسخ: اگر بخشش و دادن این خانه در شأن پدر باشد، بخشی که از درآمد بین سال تهیه شده، جزء مؤونه وی محسوب می شود و خمس ندارد؛ ولی چنانچه بر بخشی از پول خانه، سال گذشته بوده، باید خمس آن پول توسط پدر پرداخت شود.

[1426] سؤال 67: اگر پدری برای آینده فرزندان، اقدام به ساختن طبقه دوم منزل خود کند، با این که تا چند سال دیگر به طبقه دوم نیازمند نمی شود، آیا پرداخت خمس آنچه برای طبقه دوم هزینه کرده، واجب است؟

پاسخ: اگر تهیه مسکن برای آینده فرزندان به حسب عرف منطقه از وظایف پدر تلقی شود و فرزندان در شرف استفاده از مسکن باشند و پدر قادر به تهیه آن در سال مورد نیاز نباشد و پرداخت خمس موجب سختی و سلب قدرت یا تأخیر در انجام وظیفه عرفی از زمان مورد نیاز شود، خمس ندارد.

[1427] سؤال 68: کسی خانه شخصی مسکونی دارد و برای مدتی سرایدار مدرسه یا کارخانه یا مؤسسه ای می شود و در آن جا منزلی برای سکونت به او می دهند. آیا لازم است خمس خانه خودش را بدهد یا خیر؟

پاسخ: اگر خانه ای را که در مدرسه و امثال آن به او می دهند، موقتی باشد، لازم نیست خمس خانه خودش را بدهد؛ ولی اگر مدت آن طولانی است، به طوری که اطمینان پیدا می کند که دیگر به خانه خودش برای سکونت احتیاج ندارد، در این صورت، خانه خودش از مؤونه بودن خارج می شود؛ ولی تا آن را

ن فروخته است، لازم نیست خمس آن را بدهد، مگر آن که غرض او از نگه داشتن خانه، تجارت با آن باشد که در این صورت، خمس به آن تعلق می گیرد.

[1428] سؤال 69: شخصی خانه نیمه سازی داشته و در اثنای ساخت، منزلی از طرف مؤسسه محل خدمت در اختیار وی قرار می گیرد (جهت استفاده در طول خدمت). اکنون که ساخت خانه به پایان رسیده است، آیا لازم است خمس خانه را پردازد؟

پاسخ: اگر به زودی به آن خانه نیاز پیدا نمی کند، خمس آن را پردازد.

[1429] سؤال 70: شخصی در اداره ای به کار مشغول است، از طرف اداره مذکور خانه ای در اختیار وی گذارده شده است؛ ولی چون خانه شخصی ندارد، از درآمد سال خود خانه ای تهیه کرده تا پس از بازنشستگی از آن استفاده کند. آیا به این خانه خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: خمس تعلق می گیرد، مگر آن که در شرف بازنشستگی و استفاده از آن خانه باشد و نتواند در سال مورد نیاز آن را تهیه کند و با پرداخت خمس، تهیه خانه ممکن نشود و یا از زمان نیاز به تأخیر افتد.

[1430] سؤال 71: وظیفه کسی که خانه ای ساخته و سالی چند روز در آن ساکن می شود، چیست؟

پاسخ: اگر داشتن آن خانه در شأن او باشد (مثل کسی که خانه مسکونی داشته باشد و در جای دیگری مثل زیارتگاه یا تفریحگاه، منزل دیگری تهیه کند و با توجه به خصوصیات او داشتن چنین منزلی برای استفاده در بعضی از مواقع توسط خودش یا افراد مربوط به او خلاف شأن او نباشد) و خانه را نیز به قصد تجارت نخریده باشد، خانه خمس ندارد، وگرنه باید خمس آن را پردازد.

[1431] سؤال 72: کسی که يك خانه دارد و بخشی از آن خانه را اجاره داده است، آیا باید بخش اجاره ای را جزء سرمایه خود محسوب کند یا خیر؟

ص: 379

پاسخ: باید آن را جزء سرمایه حساب کند؛ اما سرمایه ای که با آن فقط مؤونه زندگی به دست می آید، خمس ندارد.

[1432] سؤال 73: فردی در وسط سال خمسی خود، مشغول ساختن خانه ای برای سکونت خود می شود و تا آخر سال فقط مقداری از خانه ساخته می شود که قابل سکونت نیست و مقدار زیادی هم مصالح ساختمانی (مانند گچ و سیمان و آجر و تیرآهن) باقی می ماند که هنوز در ساختمان به کار نرفته است. لطفاً طریقه محاسبه خمس را در مورد مذکور بیان کنید.

پاسخ: اگر شخص مذکور، قدرت و توانایی ساختن خانه مسکونی را در يك سال ندارد و تدریجاً وسایل و ابزار ساختمان را می خرد و آن را بنا می کند، در این صورت خمس ندارد؛ ولی اگر می تواند در طول يك سال ساختمان را بنا کند و نیازی به بنای تدریجی بیش از يك سال ندارد و خودش تأخیر کرده، در این صورت، در سر سال خمسی باید خمس ابزار و وسایلی را که در ساختمان به کار برده و همچنین مصالح ساختمانی که باقی مانده و در ساختمان هنوز به کار برده نشده است، بپردازد.

[1433] سؤال 74: آیا مصالح ساختمانی که شخص به علت نداشتن قدرت مالی نتوانسته است آنها را در تعمیر یا نوسازی منزل خود استفاده کند و سال خمسی او فرا رسیده، خمس دارد؟

پاسخ: اگر در اولین فرصت در تعمیر و نوسازی منزل مسکونی خود از آن استفاده کند، خمس ندارد.

[1434] سؤال 75: اگر کسی جهت پیش خرید مسکن مورد نیاز، مقداری پول به مؤسسه مربوط پرداخت کند و به طور متناوب نیز اقساطی بپردازد، آیا با فرا رسیدن سال خمسی، پرداخت خمس پول های پرداخت شده واجب می شود؟

پاسخ: اگر نمی تواند در يك سال مسکن مورد نیاز را تهیه کند و برای تهیه

مسکن باید از چنین راه هایی استفاده نماید و با پرداخت خمس، تهیه مسکن از زمان مورد نیاز به تأخیر می افتد و یا ممکن نمی شود، خمس واجب نیست.

[1435] سؤال 76: در یکی از مراکز تحقیقاتی، عده ای از اساتید متدین دانشگاه ها در طول چند سال، اندک اندک مبلغی را با قصد خرید مسکن پس انداز نموده اند. با فرض نداشتن مسکن و عدم امکان خرید مسکن از غیر این طریق، بفرمایید.

الف. آیا به پس انداز ویژه مسکن، خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: اگر توانایی تهیه مسکن در يك سال را ندارند و دادن خمس باعث تأخیر در تهیه مسکن و یا عدم امکان تهیه مسکن می شود، پس انداز آنها خمس ندارد؛ ولی اگر دادن خمس مشکلی برای تهیه مسکن آنها ایجاد نمی کند، احتیاطاً خمس آن را بپردازند.

ب. اگر از این مبلغ پس انداز شده، گاهی برای هزینه های مناسب شأن خود مقداری را مصرف کرده باشند، آیا به این مقدار مصرف شده، خمس تعلق می گیرد یا نه؟

پاسخ: اگر بعد از گذشتن سال، برای هزینه زندگی مصرف کند، خمس دارد؛ ولی قبل از گذشتن سال، خمس ندارد.

[1436] سؤال 77: اگر کسی خانه بزرگ خود را با خانه دیگری تعویض کند و مقداری پول نیز دریافت کند، آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: اگر در مؤونه صرف شود، پرداخت خمس واجب نیست.

[1437] سؤال 78: شخصی منزل مسکونی مورد نیاز خود را می فروشد و پول آن را به عنوان تضمین قرار داد خرید خانه می گذارد و یا نزد خود نگه می دارد تا در موقع مناسب خانه مناسب با شأن خود بخرد. آیا این پول متعلق خمس می شود؟

پاسخ: اگر در طول سال، در مؤونه مصرف نشود، خمس تعلق می گیرد، مگر آن که برای تهیه منزل مناسب، اقدامات مذکور لازم باشد و راه دیگری نیز برای خرید خانه نداشته باشد و پرداخت خمس نیز موجب عدم قدرت در تهیه

خانه جدید و یا تأخیر در تهیه آن از وقت نیاز شود.

[1438] سؤال 79: کارکنانی که خانه خودشان را می فروشند و تبدیل به پول می نمایند، آیا منتظر سر سال باشند تا خمس آن را پرداخت نمایند یا به محض فروختن خانه و تحویل گرفتن پول، خمس به آن تعلق می گیرد؟

پاسخ: اگر پولی که با آن خانه خریده اند، قبل از خریدن خانه خمس نداشته، الان هم که فروخته اند تا سال نگذشته، خمس دادن لازم نیست و چنانچه قبل از گذشتن سال، آن را در مؤونه مصرف کنند، خمس ندارد؛ ولی اگر پول بماند و سال بر آن بگذرد، خمس دارد.

[1439] سؤال 80: شخصی خانه مسکونی خود را با پول مخمس خریداری کرده است و یا این که خمس خانه را پس از خرید خانه پرداخته است و پس از چند سال، آن را به قیمت بالاتری فروخته است. آیا به مازاد قیمت، خمس تعلق می گیرد؟ در صورت تعلق خمس، بلافاصله پس از فروش یا پس از رسیدن سال خمسی؟

پاسخ: چنانچه پس از فروش تا يك سال مازاد قیمت واقعی را در مؤونه مصرف نکند، باید خمس آن را پرداخت نماید؛ ولی اگر زیادی قیمت، واقعی نباشد و بر اثر تورّم و کاهش ارزش پول اتفاق افتاده باشد، خمس به آن تعلق نمی گیرد.

[1440] سؤال 81: کسی که با پول خمس داده خانه ای خریده و بعد به قیمت بالاتری فروخته و به جهت این که منزل مسکونی ندارد، خانه دیگری برای سکونت خریده، آیا لازم است خمسی پرداخت کند یا خیر؟

پاسخ: اگر خانه اول را برای سکونت خریده باشد، نه به قصد تجارت و پس از فروش، تا يك سال پول آن را در مؤونه مصرف کند (مثلاً خانه دیگری برای سکونت بخرد)، لازم نیست خمس بدهد.

[1441] سؤال 82: خانه ای با مالی که خمس آن داده نشده، ساخته شده است. آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟ در صورت تعلق، آیا خمس قیمت فعلی باید محاسبه شود یا قیمت زمان ساخت آن؟

پاسخ: اگر خانه برای سکونت مورد نیاز است و از درآمد بین سال ساخته شده، خمس ندارد و اگر از مالی که از سال های قبل بوده و خمس به آن تعلق گرفته و خمس آن پرداخت نشده، ساخته شده، خمس همان مبلغ کافی است.

[1442] سؤال 83: شخصی منزلی خریداری کرد و چون سند آن آماده نبود، مبلغی از پول را به عنوان گرو نزد خود نگه داشت تا سند آماده شود؛ ولی سند آماده نشد و سال خمسی او فرا رسید. آیا به این مقدار خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: به این مقدار از پول خمس تعلق می گیرد، مگر این که به زودی و بدون تأخیر عرفی پرداخت کند. البته اگر احتمال جدی می دهد که پرداخت خمس موجب مشکلات شود، برای تأخیر در پرداخت خمس باید اذن بگیرد و ممکن است با او مصالحه شود.

[1443] سؤال 84: این جانب دارای خانه ای هستم که آن را اجاره داده ام، آیا پولی که صرف تعمیرات منزل می کنم، متعلق خمس است؟

پاسخ: اگر تعمیر در حدی است که استفاده مناسب از خانه بر آن متوقف است، خمس ندارد.

[1444] سؤال 85: فردی که ملکی را خریده و قیمت آن تنزل پیدا کرده است، آیا موقع حساب کردن خمس در سر سال خمسی، باید قیمت زمان خرید را حساب کند یا قیمت فعلی را؟

پاسخ: اگر بر پولی که در مقابل ملک داده، سال گذشته بوده، خمس پول را باید بدهد و اگر سال بر آن نگذشته بوده، خمس قیمت فعلی ملک کافی است.

[1445] سؤال 86: آیا به ماشینی که مربوط به کسب و کار انسان است، خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: اگر تمام درآمد حاصل از آن در مؤونه زندگی مصرف می شود، خمس ندارد؛ ولی اگر بیش از مؤونه زندگی از آن حاصل می شود، به نسبت زیادی، باید خمس ماشین پرداخت شود.

[1446] سؤال 87: وسیله نقلیه مانند وانت که گاهی برای استفاده شخصی و گاهی برای باربری و کسب و کار است، آیا خمس دارد؟

پاسخ: اگر با کسب و کار با وسیله نقلیه بیشتر از مخارج زندگی به دست نمی آید، خمس به آن تعلق نمی گیرد؛ ولی اگر بیشتر از مخارج زندگی از آن به دست می آید، راه حساب کردن خمس آن بدین ترتیب است: به نسبتی که از ماشین استفاده شخصی می شود، جزء مؤونه محسوب می شود و خمس ندارد و به نسبتی که از آن استفاده کاری می شود، جزء سرمایه است و در این قسمت که جزء سرمایه است، بخشی از آن که با آن به اندازه مخارج زندگی حاصل می شود، باز هم خمس ندارد و بخشی که با آن مقدار بیشتر از مخارج زندگی حاصل می شود، باید خمسش پس از گذشتن سال پرداخت شود.

[1447] سؤال 88: کسی که وسیله نقلیه، مانند موتور یا ماشین سواری، برای خودش تهیه می کند، ولی به جهت مانعی، تا يك سال نمی تواند از وسیله نقلیه استفاده کند، آیا باید خمسش را بدهد؟

پاسخ: در فرض سؤال، در صورتی که داشتن وسیله نقلیه در شأن او باشد، خمس واجب نیست.

[1448] سؤال 89: کسی که ماشینی برای انجام کارهای خود و خانواده اش و برای رفت و برگشت به محل کارش خریده است، آیا در مورد خمس آن وظیفه ای دارد؟

پاسخ: در مفروض سؤال که از ماشین در مؤونه زندگی استفاده می کند، خمس

[1449] سؤال 90: شخصی وسیله نقلیه ای را از درآمد بین سال یا به صورت اقساط می خرد و پس از چند سال آن را می فروشد. اگر وسیله نقلیه دیگری تهیه نکند، خمس باید بدهد یا خیر؟ در صورتی که وسیله نقلیه جدید بخرد، چه طور؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر وسیله نقلیه ای که خریده، جزء مؤونه باشد و پس از فروش، پول آن در مخارج زندگی مصرف شود، خمس به آن تعلق نمی گیرد.

[1450] سؤال 91: شخصی است که داشتن ماشین از امور ضروری زندگی اوست و با يك ماشین معمولی نیاز او برطرف می شود. اگر برای فرار از خمس، ماشینی گران قیمت تر بخرد، چه حکمی دارد؟ اگر بدون قصد فرار از خمس، این کار را بکند، چه طور؟

پاسخ: اگر داشتن ماشین گران قیمت تر، مطابق شأن او باشد، خمس ندارد و اگر زیادتر از شأن او باشد، باید خمس مقدار زاید بر شأنش را پرداخت کند و قصد فرار از خمس، تأثیری در حکم مسأله ندارد.

[1451] سؤال 92: شخصی ماشینی سواری را جهت کسب و کار و با پول خمس داده می خرد و پس از مدتی آن را با سود می فروشد. آیا برای سود آن باید خمس بدهد یا خیر؟

پاسخ: اگر تا سر سال خمسی، مقدار زاید واقعی (سود واقعی که ناشی از تورّم نیست) را در مؤونه مصرف نکند، باید خمس مقدار زاید را بپردازد و مقدار زاید غیر واقعی (تورّمی) خمس ندارد.

[1452] سؤال 93: شخصی اتومبیل وانت خود را که جهت کار و کسب استفاده می کرده، به فروش رسانده تا خانه مورد نیاز خود را بخرد. آیا به پول آن خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: اگر به وانت خمس تعلق نگرفته باشد، در وقت فروش آن و خریدن ساختمان مورد نیاز خمس ندارد و اگر خمس به آن تعلق گرفته و خمس آن را نداده باشد، اکنون واجب است خمس آن را بپردازد.

[1453] سؤال 94: شخصی يك دستگاه ماشین خرید و آن را به يك نفر داده تا برایش کار کند که هم هزینه های نگهداری ماشین تأمین شود و هم کمک خرجی برای زندگی باشد.

آیا به این ماشین خمس تعلق می گیرد؟ به درآمد حاصل از کارکرد آن چه طور؟

پاسخ: اگر با ماشین فقط مخارج زندگی خود را به دست آورد و نه بیشتر، به خود ماشین و هزینه های لازم برای استفاده مناسب از ماشین خمس تعلق نمی گیرد؛ و درآمد حاصل از ماشین که در مؤونه زندگی مصرف می شود، خمس ندارد و اگر مقداری از درآمد تا آخر سال به مصرف نرسید، خمس آن پرداخت شود.

[1454] سؤال 95: این جانب مقداری پول جهت خرید اتومبیل سواری مورد نیازم به حساب شرکت اتومبیل سازی واریز کردم و پس از دو سال به من اتومبیل دادند. آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: اگر ماشین را خریده و پول آن را پرداخت کرده، چنانچه در سال خرید و سال تحویل، داشتن مثل آن ماشین در شأن او بوده، ظاهراً به این پول خمس تعلق نمی گیرد؛ ولی اگر نخریده و فقط پولی را پرداخت کرده تا بعداً ماشینی را به او بفروشند، مسأله صورت های مختلفی پیدا می کند و حکم آن متفاوت می شود.

[1455] سؤال 96: شخصی منزل اضافی داشته و آن را فروخته و برای پسرش ماشین سواری خریده تا با آن امرار معاش کند. آیا این ماشین خمس دارد؟

پاسخ: اگر به منزل اضافی خمس تعلق گرفته و خمس آن داده نشده، پدر باید خمس آن را بپردازد که در این صورت خمس ماشینی را که با این پول تهیه کرده و به پسرش داده، پرداخته است و تکلیفی نسبت به ماشین ندارد و اگر به منزل اضافی خمس تعلق نگرفته و خریدن ماشین سواری برای پسر نیز در شأن پدر بوده، پرداخت خمس بر پدر واجب نیست؛ اما نسبت به پسر، چنانچه بالغ و

عادل باشد (که ظاهر سؤال چنین است) و برای امرار معاش از ماشین استفاده کند، اگر با آن فقط به اندازه مخارج زندگی و یا کمتر از آن را به دست می آورد، نسبت به خمس ماشین وظیفه ای ندارد.

حقوق حقوق بگیران

[1456] سؤال 97: طریقه حساب کردن خمس، برای کارمندان، کارگران کارخانجات بزرگ، معلّمان و یا هر شخص دیگری که حقوق خود را به طور ماهانه دریافت می کند، چگونه است؟

پاسخ: این اشخاص می توانند برای خود يك سال خمسی برای تمام درآمدها قرار دهند که در این صورت، مبدأ سال آنها زمان دریافت اولین حقوق آنهاست و نیز می توانند برای هر يك از حقوق های ماهانه خود سال جداگانه قرار دهند.

[1457] سؤال 98: بنده در استخدام دولت هستم، ماه به ماه حقوق مرا در بانک به حساب من می ریزند و من در موقع احتیاج، از بانک می گیرم و خرج می کنم و غالباً مقداری اضافه می ماند. آیا در آخر سال لازم است از بانک پرسم و خمس آن را بدهم یا تا نگرفته ام، دادن خمس لازم نیست؟

پاسخ: وقتی که حقوق شما به حسابتان در بانک واریز شد، درآمد شما حساب می شود و چنانچه در آخر سال چیزی از آن باقی بماند، دادن خمس آن لازم است.

[1458] سؤال 99: در بعضی از ادارات و مؤسسات، حقوق کارکنان مستقیماً به حساب آنها در بانک ریخته می شود و قابل برداشت از حساب است و در بعضی ادارات دیگر، در آخر ماه چکی به کارکنان داده می شود که با مراجعه به بانک می توانند پول دریافت کنند و در حساب آنها چیزی موجود نیست. آیا این دو دسته از کارکنان، از حیث پرداخت خمس

حقوق خود، تفاوتی با یکدیگر دارند؟

پاسخ: پس از ریختن پول به حساب و یا گرفتن چك، میان این دو دسته از کارکنان از نظر پرداخت خمس فرقی وجود ندارد.

[1459] سؤال 100: کسی که حقوق او به وسیله چك پرداخت می شود و او با مراجعه به بانک مبلغ چك را دریافت می کند، اگر چك را بدون تبدیل کردن به پول، در نزد خود نگه دارد تا سال خمسی اش فرا رسد، آیا باید خمس مبلغ مذکور در چك را بپردازد یا به اعتبار این که چك، پول نیست، لازم نیست خمس بدهد؟

پاسخ: در فرض مذکور، اگر سال خمسی اش رسیده باشد، خمس واجب است.

[1460] سؤال 101: کارمندی که سرسال خمسی آنها در پایان ماه اسفند است و حقوق خود را پنج روز زودتر از سر سال خمسی دریافت می کنند، آیا پرداخت خمس آن واجب است؟

پاسخ: می توانند برای هر دریافت خود سال جداگانه قرار دهند، و در صورتی که روز معینی را به عنوان سر سال برای تمام درآمدهای خود قرار داده اند، چنانچه در سر سال در همان روز، پس اندازی از دریافتی های آنان باقی مانده باشد، باید خمس آن را بپردازند.

[1461] سؤال 102: در يك کارخانه هر ماه مقداری از حقوق کارکنان کسر می شود و مجموع آنها پس از چند ماه به کارکنان پرداخت می شود. اگر این پول بعد از سال خمسی دریافت شود، از درآمد سال دریافت حساب می شود یا از درآمد سال کسر حقوق؟

پاسخ: از درآمد سال دریافت حساب می شود، مگر آن که در سال کسر حقوق قابل دریافت بوده و خودش به تأخیر انداخته و دریافت نکرده باشد.

[1462] سؤال 103: اگر حقوق کارمند با تأخیر پرداخت شود و در این مدت، سال خمسی او فرا رسد، آیا این حقوق از درآمد سال قبل حساب می شود یا از درآمد سال دریافت؟

پاسخ: از درآمد سال قبل به حساب می آید.

[1463] سؤال 104: مقداری اضافه کار در مهر و آبان داشته ام و حقوق آن را در اسفند داده اند. با توجه به این که سال خمسی این جانب اول دی ماه است، آیا هنگام دریافت حقوق اضافه کاری باید خمس آن را بدهم؟

پاسخ: اگر قرار بوده در سال قبل به شما پرداخت شود و نشده است و با تأخیر پرداخت شده، جزء درآمد سال قبل است و اگر قرار بوده در اسفند پرداخت شود، جزء درآمد سال بعد است.

[1464] سؤال 105: افراد بازنشسته که همچنان حقوق ماهانه دریافت می کنند، آیا باید خمس حقوقی را که در طول سال دریافت می کنند، بپردازند؟

پاسخ: اگر چیزی از آن باقی بماند و در مؤونه سال مصرف نشود، باید خمس آن را بپردازند.

[1465] سؤال 106: خانمی همسر کارمند دولت بوده و آن کارمند فوت کرده است و اکنون حقوق وظیفه یا مستمری را این خانم دریافت می کند. آیا این حقوق، متعلق خمس است یا ارث محسوب می شود؟

پاسخ: اگر به عنوان مزد بخشی از کار گذشته کارمند است که به او پرداخت نشده و اکنون وصول می شود، حکم ارث را دارد، وگرنه درآمد محسوب می شود.

[1466] سؤال 107: کسی که برای شرکت دولتی کار می کند با کسی که برای شرکت خصوصی کار می کند، با توجه به این که حقوق یکی از بیت المال و حقوق دیگری از اموال شخصی افراد پرداخت می شود، چه فرقی از نظر پرداخت خمس دارند؟

پاسخ: فرقی میان این دو مورد از نظر پرداخت خمس نیست؛ زیرا به نظر این جانب دولت نیز مالک است.

اشاره

[1467] سؤال 108: در منطقه بلتستان، امر معاش مردم با اراضی و اشجار و حیوانات اداره می شود. با غرس اشجار از میوه و چوب آن و با پرورش حیوانات از گوشت و پوست و پشم آنها در حاجات زندگی استفاده می کنند و مازاد بر احتیاج را در معرض بیع قرار می دهند. آیا در چنین بلادی که زندگی مردم از راه نگهداری اشجار مثمره و غیر مثمره و حیوانات اداره می شود، به اموال آنها خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

پاسخ: هر مقدار از موارد ذکر شده که خود آنها در مؤونه زندگی مصرف می شود و یا به وسیله آنها فقط به اندازه مؤونه زندگی تحصیل می شود، خمس ندارد و مواردی که به وسیله آنها منافی به دست می آید که بیشتر از مؤونه زندگی است، به نسبت زیادی، باید خمس آنها پرداخت شود و در مورد منافع نیز آن مقداری که اضافه بماند و سال بر آنها بگذرد و مصرف نشود، باید خمسش پرداخت شود.

[1468] سؤال 109: کسی که در سر سال، خمس قیمت گوسفندان یا درختان خود را می دهد و تا سال بعد، قیمت گوسفندان و درختان رشد می کند و ارزش آنها بسیار بیشتر می شود، آیا باید دوباره خمس بدهد؟

پاسخ: در فرض مسأله، اگر گوسفندان و درختان را به جهت تجارت با آنها و ترقی قیمت آنها تهیه کرده است، چنانچه ترقی قیمت آن در اثر کاهش ارزش پول نباشد و امکان فروش داشته باشد، به گونه ای که در نظر مردم، سود موجود محسوب شود، خمس ترقی قیمت را باید پردازد؛ ولی اگر قصد او تجارت با منافع حاصل از آنها باشد، نه با خود آنها، تا وقتی آنها را نفروخته، ترقی قیمت آنها خمس ندارد و اگر بفروشد، چنانچه ترقی قیمت به جهت افزایش قیمت بازار باشد، نه به خاطر کاهش ارزش پول و از مخارج سالانه نیز زیاد بیاید، باید خمس آن را پردازد. البته در هر حال، نمای متصل و منفصل آنها چنانچه در مؤونه سال مصرف نشود، باید خمسش پرداخت شود.

[1469] سؤال 110: گوسفند و بز و برّه و گاو، در چه صورتی خمس دارند؟

پاسخ: آن مقدار از آنها که خودشان در مؤونه زندگی مصرف می شوند و یا به وسیله آنها تنها مؤونه زندگی به دست می آید، خمس ندارند؛ ولی آن مقدار از آنها که بیشتر از مؤونه زندگی از آنها حاصل می شود، هم خمس خودشان و هم خمس منافع آنها که زاید بر مؤونه سال است، باید پرداخت شود.

[1470] سؤال 111: شخصی تعدادی حیوان اهلی جهت استفاده از خود آنها و یا مزایای آنها (شیر، تخم مرغ و...) در منزل نگهداری می کند. آیا با فرارسیدن سال، اصل این حیوانات مشمول خمس می گردد؟

پاسخ: در فرض سؤال که منافع حیوانات در مؤونه زندگی مصرف می شود، خمس به این حیوانات و منافع آنها تعلق نمی گیرد.

[1471] سؤال 112: آیا مقدار رشد و نمو گاو و بز و گوسفندی که مورد احتیاج خود شخص است و از آنها در مؤونه زندگی خود استفاده می کند، خمس دارد یا خیر؟

پاسخ: اگر با منافع آنها بیش از مؤونه زندگی به دست نمی آید، خمس آنها واجب نیست.

[1472] سؤال 113: کسی که تعدادی گوسفند دارد و باید در سر سال خمسی، خمس آنها را بدهد و از این گوسفندها تعدادی برّه هم متولد شده است، چگونه باید خمس را حساب کند؟

پاسخ: اگر يك سال برّه ها تمام شده، گوسفندها و برّه ها را يك جا حساب می کند و خمس آنها را می دهد و اگر يك سال برّه ها تمام نشده، می تواند مانند صورت قبل، يك جا خمس همه را بدهد و می تواند برّه ها را جدا نماید و در سر سال خمسی، خمس گوسفندان را پردازد و بعد از کامل شدن يك سال برّه ها،

خمس برّه ها را بدهد.

[1473] سؤال 114: کسی که تعدادی گوسفند مخمس دارد و تا سال بعد بر تعداد آنها افزوده نمی شود، ولی بعضی از آنها عوض می شود، آیا برای گوسفندهای عوض شده، باید خمس بدهد یا خیر؟

پاسخ: به جهت تعویض، دوباره خمس واجب نمی شود.

[1474] سؤال 115: شخصی تعدادی گوسفند دارد که خمس آنها را داده است. سال بعد تعداد گوسفندان همین مقدار است؛ ولی قیمت آنها دو برابر شده است. آیا باید خمس بدهد؟

پاسخ: اگر سرمایه خود را عدد گوسفندان قرار داده باشد، خمس تعلق نمی گیرد و اگر قیمت آنها را سرمایه قرار داده، باید خمس مازاد واقعی را بپردازد و اگر ترقی قیمت به جهت تورّم بوده، خمس ندارد.

[1475] سؤال 116: شخصی تعدادی گوسفند برای استفاده زندگی خود دارد. اگر از بچه و پشم گوسفندان در غیر مؤونه استفاده کند، آیا خمس گوسفندان را باید بپردازد؟

پاسخ: نسبت منافی از گوسفندان که در مؤونه مصرف نمی شوند را به کلّ منافع آنها حساب می کند و سپس به همان نسبت از عین گوسفندان را تخمیس می نماید.

[1476] سؤال 117: بچه های گاو و گوسفند که نگهداری می شوند تا مثلاً پس از دو سال، از خود آنها یا منافع آنها در مؤونه زندگی استفاده شود، آیا متعلق خمس قرار می گیرند؟

پاسخ: خیر.

[1477] سؤال 118: آیا گاو و گوسفندی که در بین سال خمسی فروخته می شوند، خمس دارند؟

پاسخ: اگر جزء مؤونه زندگی هستند، چنانچه تا سر سال خمسی، پول آنها در مؤونه مصرف نشود، باید خمس پول آنها پرداخت شود.

ص: 392

[1478] سؤال 119: کسی که از درآمد سال خود تعدادی گاو و گوسفند که بیشتر از حدّ نصاب زکات است بخرد، آیا باید هم زکات و هم خمس آنها را بدهد؟

پاسخ: در فرض مسأله، بعد از دادن خمس، اگر به مقدار نصاب زکات، از آن گاوها و گوسفندها باقی بماند، با وجود سایر شرایط، باید زکاتشان را هم بدهد.

[1479] سؤال 120: آیا صاحبان گوسفند می توانند قیمت علوفه مصرف شده در زمستان را از نموّ گوسفندان کسر کنند و خمس باقی مانده را بپردازند؟

پاسخ: اگر پولی که صرف علوفه گوسفندان کرده اند، مخمس بوده و یا پولی بوده که خمس به آن تعلق نمی گیرد، می توانند آن را کسر کنند و خمس باقی مانده را بدهند.

وسایل نگهداری دام

[1480] سؤال 121: در روستاها که معمولاً محلی برای نگهداری گاو و گوسفند یا اسب و الاغ خود دارند، این محل را باید جزء سرمایه خود حساب کنند یا جزء لوازم زندگی خود؟

پاسخ: اگر خود حیوانات، جزء مؤونه است، آغل و محلّ نگهداری آنها نیز جزء مؤونه است و اگر حیوانات، جزء سرمایه است، آغل و محلّ نگهداری آنها نیز جزء سرمایه حساب می شود.

کشاورزی

زمین کشاورزی

[1481] سؤال 122: آیا زمین های کشاورزی خمس دارند یا خیر؟

پاسخ: به زمین کشاورزی خمس تعلق می گیرد، مگر این که منافع حاصل از زمین، در معیشت و مؤونه زندگی صرف شود که در این صورت خود زمین نیز جزء مؤونه محسوب می شود و خمس ندارد.

[1482] سؤال 123: شخصی زمین زراعی یا غیر زراعی خریداری کرده تا پس از ترقی قیمت بفروشد. آیا با فرا رسیدن سال خمسی، با این که فعلاً قصد فروش ندارد، تخمیس زمین لازم است؟ در صورت لزوم، به قیمت خرید یا قیمت فعلی؟

پاسخ: تخمیس به قیمت فعلی لازم است.

[1483] سؤال 124: عده ای زمین زراعی را با درآمد بین سال و برای زراعت خریده اند و پس از چند سال فروخته اند. خمس آن چگونه محاسبه می شود؟

پاسخ: اگر در سر سال خمسی اول، خمس ارزش زمین را پرداخته باشند، تا زمانی که زمین را نفروخته اند، لازم نیست خمس ارزش اضافی آن را پردازند و چنانچه نپرداخته باشند، خمس بالاترین قیمت از سر سال خمسی اول تا زمان فروش زمین را باید پردازند.

[1484] سؤال 125: این جانب از دریای عام و بدون مانع، با پول قرضی و یا از منافع بین سال، آب به زمین موات می رسانم و زراعت می کنم. آیا خمسی برعهده من می آید یا خیر؟

پاسخ: اگر از زمین موات احیا شده و حق آب و آبراه و احیاناً وسایلی که به کار برده شده (مثل لوله یا پمپ آب)، پس از کسر مخارجی که در این راه متحمل شده اید، بیشتر از مخارج زندگی خود به دست می آورید، باید به نسبت زیادی، خمس آن را پرداخت کنید، وگرنه خمس ندارند و منافع حاصل از آن که در طول سال برای مخارج زندگی صرف نشده، باید خمسش پرداخت شود.

محصولات کشاورزی

[1485] سؤال 126: کسی که سال خمسی دارد و چند روز قبل از رسیدن سال، محصول گندمش را به دست می آورد، آیا لازم است خمس گندم ها را هم بدهد؟

پاسخ: در صورتی که برای تمام درآمد خود، یک سال داشته باشد و این گندم تا آخر سال به مصرف مؤونه نرسد، باید خمس آن را بدهد. البته می تواند برای زراعت خود، سال جداگانه قرار دهد.

[1486] سؤال 127: کسی که جو یا گندم کاشته است، آیا خمس محصول و زراعت را باید بدهد یا خمس بذر را؟

پاسخ: این مسأله سه صورت دارد:

1 - بذر، مخمس باشد یا از چیزهایی باشد که خمس به آن تعلق نمی گیرد و یا پرداخت خمس بذر را از مال دیگر خود به ذمه گرفته باشد که در این موارد مقدار بذر، از محصول کسر می شود و بقیه محصول، درآمد امسال حساب می گردد.

2 - بذر، از درآمد بین سال باشد و متعلق خمس نباشد که در این صورت، کل محصول، درآمد امسال محسوب می شود.

3 - به بذر، خمس تعلق گرفته باشد و پرداخت خمس آن را به ذمه هم نگرفته باشد که در این صورت باید مقدار بذر، از محصول جدا و خمس آن پرداخت شود و باقی مانده محصول، درآمد امسال به حساب می آید، مثلاً اگر ده کیلوگرم بذر کاشته و صد کیلوگرم محصول بدست آورده است، ابتدا ده کیلوگرم از محصول (به مقدار بذر) را جدا می کند و دو کیلوگرم آن را به عنوان خمس می پردازد و نود کیلوگرم باقی مانده، درآمد امسال محسوب می شود، هر چند احتیاط مستحب این است که علاوه بر دو کیلوگرم ذکر شده، مقدار هجده کیلوگرم دیگر را نیز به عنوان خمس پرداخت کند (به جهت این که مقدار خمس بذر، یعنی همان دو کیلوگرم رشد کرده و نه برابر دیگر، یعنی هجده کیلوگرم به آن اضافه شده است) و در این صورت، هفتاد و دو کیلوگرم دیگر را به عنوان درآمد امسال به حساب آورد.

[1487] سؤال 128: آیا جو، گندم، ذرت، لوبیا و نخود خمس دارند یا خیر؟ اگر دارند، کیفیت آن را بیان فرمایید.

پاسخ: این موارد، خصوصیت ندارند و حکم سایر اموال را دارند و چنانچه اضافه بر مؤونه سال باشند، باید خمس آنها را بدهند.

ص: 395

[1488] سؤال 129: کسی در کشاورزی خود احتیاج به ماشین آلات جدید (مثل تراکتور) دارد، آیا خمس این وسایل باید حساب شود یا نه؟

پاسخ: چنانچه بیش از مؤونه زندگی خود را به دست آورد، باید به نسبت زیادی، خمس آنها را بدهد.

[1489] سؤال 130: در زمین ملکی خود، چاه عمیقی از منافع بین سال احداث کردم که آب زیادی از آن به دست آمد، آیا خمس دارد یا خیر؟

پاسخ: مقداری از آب چاه که در تحصیل مؤونه زندگی از آن استفاده می شود و به همان نسبت از ارزش چاه، مشمول خمس نیست و زاید بر این مقدار از آب چاه و ارزش چاه مشمول خمس است.

باغداری

باغ

[1490] سؤال 131: کسی که باغی را فقط برای مصرف خانوادگی خود می خرد و چیزی از محصولات آن را نمی فروشد، بلکه همه محصول را صرف در مؤونه خود می کند، آیا لازم است خمس زمین و باغ را بدهد؟

پاسخ: اگر باغ را به همین قصد و با پول مخمس یا با درآمد بین سال یا با پولی که خمس به آن تعلق نمی گیرد، خریده باشد، خود باغ و محصول آن خمس ندارند؛ چون هر دو آنها مؤونه محسوب می شوند و چنانچه به حسب اتفاق مقداری از محصول باغ در سر سال زیاد آمد، خمس مقدار زاید پرداخت شود؛ ولی اگر باغ را به این قصد خریده که قیمت آن بالا رود و با فروش آن سود کند، باید در سر سال، خمس قیمت سر سال باغ را بپردازد، هر چند تمام محصول آن را صرف در مؤونه عیال خویش نماید.

[1491] سؤال 132: شخصی زمینی را جهت تجارت به باغ تبدیل کرده است، پس از فرارسیدن

سال خمسی، با این که درختان به ثمر نرسیده اند، آیا فقط تخمیس زمین لازم است یا تخمیس زمین و درختان؟ در سال های بعد، تخمیس افزایش قیمت لازم است یا خیر؟

پاسخ: تخمیس زمین و درختان به قیمت آنها در سر سال خمسی و همچنین افزایش قیمت در سال های بعد لازم است.

محصول باغ

[1492] سؤال 133: باغداری که سال خمسی اش فرا رسیده، ولی وقت چیدن میوه هایش نرسیده است، آیا این میوه های نرسیده، جزء درآمد سال گذشته محسوب می شود و خمسش واجب است؟ یا پس از رسیدن، جزء درآمد امسال است و هنوز خمسش واجب نشده است؟

پاسخ: میوه های نرسیده، اگر در سر سال خمسی ارزش و قیمتی دارد، باید خمس همان ارزش و قیمت داده شود و اگر در آن موقع ارزش و قیمتی ندارد، خمس هم ندارد.

اسباب و وسایل زندگی

[1493] سؤال 134: بر کدام يك از اثاث منزل و مواد خوراکی مورد استفاده در منزل، خمس متعلق می شود و کدام يك خمس ندارد؟

پاسخ: اثاث منزل جزء مؤونه است و خمس ندارد؛ ولی مواد خوراکی، اگر سال بر آن بگذرد و مصرف نشود، باید خمس آن پرداخت شود.

[1494] سؤال 135: آیا لوازم مورد نیاز منزل در صورتی که تا رسیدن سال خمسی مورد استفاده قرار نگرفته باشد، مشمول خمس است؟

پاسخ: خیر.

[1495] سؤال 136: برای این که به شیء خریداری شده (مثل فرش)، خمس تعلق نگیرد، آیا باید تا فرا رسیدن سال خمسی (که ممکن است چند روز بعد از خرید باشد)، از آن

ص: 397

استفاده کرد یا استفاده تا يك سال پس از زمان خرید نیز باعث عدم وجوب خمس می شود؟

پاسخ: اگر داشتن شیء خریداری شده، مثل فرش، مطابق با شأن خریدار باشد و احتمال عقلایی استفاده از آن نیز وجود داشته باشد، خمس ندارد، هر چند فعلاً از آن استفاده نکند.

[1496] سؤال 137: اشخاصی که سرمایه آنها غیر مخمس بوده است و از درآمد آن، لوازم مورد نیاز زندگی خود را خریداری کرده اند، آیا به این لوازم زندگی نیز خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: به لوازم مذکور خمس تعلق نمی گیرد؛ ولی چنانچه سرمایه مشمول خمس بوده، باید خمس آن بدون تأخیر پرداخت شود.

[1497] سؤال 138: اگر کسی قبل از فرارسیدن سال خمسی، وسایل ضروری زندگی خود را خریداری کند و تصمیم داشته باشد بعد از فرارسیدن سال خمسی آنها را بفروشد، آیا باید خمس آنها را بپردازد؟

پاسخ: وسایل مذکور در سؤال خمس ندارد و پس از فروش آنها اگر پول آنها را در مؤونه سال خود مصرف نکند، باید خمس آن را بپردازد.

[1498] سؤال 139: لباس یا کفشی را که انسان در طول سال، فقط یکی دو بار می پوشد یا ماشینی که یکی دو بار سوار می شود، خمس دارد یا خیر؟

پاسخ: اگر داشتن کفش و لباس و ماشین مذکور، در شأن آن شخص باشد، خمس ندارد.

[1499] سؤال 140: این جانب حدود چهار سال قبل ازدواج نمودم و کل اموال ما مقداری جهیزیه و پول و طلای متعلق به خانم بنده است که اگر بخواهیم آنها را بفروشیم، زندگی ما فلج می شود، و بیش از دو میلیون تومان از ما نمی خرد؛ ولی اگر بخواهیم آنها را

دوباره تهیه کنیم، چندین برابر، باید پول پرداخت کنیم. اکنون ما قدرت پرداخت خمس این اموال را نداریم. برای این که این اموال، طیب و حلال و پاک شود، چه باید بکنیم؟

پاسخ: اگر این اموال جزء مؤونه زندگی شما باشد، خمس به آنها تعلق نمی گیرد.

[1500] سؤال 141: کسی که چیزی را می خرد و به آن چیز در زندگی احتیاج دارد، ولی تاریخ تحویل آن پس از سال خمسی اوست، آیا موقع رسیدن سال خمسی، به جهت این که پول را پرداخت کرده است، ولی هنوز چیزی تحویل نگرفته، باید خمس آن پول را بپردازد؟

پاسخ: لازم نیست خمس بدهد.

[1501] سؤال 142: آیا تلفن و موبایل از موارد تعلق خمس است؟

پاسخ: اگر موبایل و تلفن برای کارهای شخصی و منزل لازم باشد و خریداری شود، جزء مؤونه است و خمس ندارد و اگر برای کسب و کار و تجارت و شغل لازم باشد و خریداری شود، حکم سرمایه را دارد.

[1502] سؤال 143: اگر کسی وسیله ای را چون موبایل، جهت استفاده مشترك (شخصی و شغلی) خریداری کرده باشد، مشمول خمس است یا خیر؟

پاسخ: به نسبتی که برای امور شخصی استفاده می شود، جزء مؤونه است و خمس ندارد و به نسبتی که مورد استفاده شغلی قرار می گیرد، اگر با آن فقط مؤونه زندگی به دست آید، باز هم خمس ندارد و اگر بیش از مؤونه زندگی با آن تحصیل شود، به نسبت زیادی، مشمول خمس می شود.

[1503] سؤال 144: کسی که به لباس نیازمند است و برای تهیه لباس، پارچه ای خریداری می کند، ولی با آن پارچه تا موقع محاسبه خمس، لباس نمی دوزد، آیا باید خمس پارچه را بدهد؟

پاسخ: چنانچه برای دوختن آن اقدام کرده یا در شرف اقدام باشد، خمس ندارد.

[1504] سؤال 145: اسباب و اثاثیه منزل و همچنین لباس هایی که قبلاً مورد استفاده قرار گرفته و اکنون به هر دلیلی مورد استفاده نمی باشند، آیا مشمول خمس هستند؟

پاسخ: تا فروخته نشده، خمس ندارد و پس از فروختن، چنانچه تا سر سال خمسی در مؤونه صرف نشود، باید خمس آن پرداخت شود.

[1505] سؤال 146: منفعتی که در بین سال به دست می آید، اگر به صورت نقد تا آخر سال باقی نماند و تبدیل به اموال غیر نقدی مثل زمین، ماشین، مغازه و امثال آن شود، آیا می توان تا زمان فروش این اموال، پرداخت خمس را به تعویق انداخت؟

پاسخ: اگر تبدیل به وسایل و مؤونه زندگی نشده باشد و یا با آن مؤونه زندگی تحصیل نشود، باید خمس آن اموال غیر نقدی در سر سال خمسی پرداخت شود.

جهیزیه دختر و لوازم زندگی آینده پسر

[1506] سؤال 147: دختری که جهیزیه اش را خودش تهیه می کند یا پول آن را پس انداز می کند، باید خمس بدهد یا نه؟

پاسخ: اگر رسم محل آنها تهیه جهیزیه در سال های قبل باشد، به نحوی که عدم تهیه آنها عیب محسوب شود، خمس ندارد و همچنین اگر در شرف ازدواج باشد و در سال مورد نیاز نتواند جهیزیه را تهیه کند و با پرداخت خمس، تهیه جهیزیه به تأخیر بیفتد و یا ممکن نشود، باز هم خمس ندارد.

[1507] سؤال 148: اگر وسیله ای را که به عنوان جهیزیه برای یکی از دختران تهیه می کنند، در منزل باقی بماند و به دختر بعدی داده شود، خمس دارد یا نه؟

پاسخ: اگر دختر دوم در معرض ازدواج باشد و نتواند تمام جهیزیه او را در

سالی که جهیزیه مورد نیاز است، تهیه کنند و با پرداخت خمس، در تهیه جهیزیه با مشکل روبرو می شوند، آن جنس خمس ندارد.

[1508] سؤال 149: دختری که پدرش سال خمسی نداشته و برای او جهیزیه تهیه کرده است، آیا لازم است خمس جهیزیه خود را بدهد؟

پاسخ: دادن خمس جهیزیه بر دختر لازم نیست.

[1509] سؤال 150: اگر زنی که به خانه شوهر رفته، مقداری از جهیزیه اش را که پدرش به او داده، بفروشد، باید خمس پول به دست آمده را بدهد یا خیر؟

پاسخ: لازم نیست خمس آن را بدهد، مگر این که مقدار آن بسیار زیاد باشد و آن را در مؤونه زندگی صرف نکند.

[1510] سؤال 151: چیزهایی که به عنوان جهیزیه به دختر داده می شود، ولی بعداً در زندگی او مورد استفاده قرار نمی گیرد، آیا متعلق خمس قرار می گیرد؟

پاسخ: در فرض سؤال، پرداخت خمس بر دختر واجب نیست.

[1511] سؤال 152: اگر پدری برای پسرش (به مانند دخترش که جهیزیه تهیه می کند) وسایلی برای زندگی آینده اش تهیه کند، حکم جهیزیه دختر را دارد یا حکمش متفاوت است؟

پاسخ: اگر این گونه مخارج پسر بنا بر عرف محل، بر عهده پدر باشد، حکم جهیزیه را دارد.

[1512] سؤال 153: اگر جوانی آن چه را که در آینده به آن نیاز خواهد داشت، مانند یخچال و... از درآمد خود بخرد و کنار بگذارد، به آن خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: چنانچه در شُرُف استفاده از این وسایل باشد و نتواند آن را در سالی که به آن احتیاج پیدا می کند، تهیه نماید و پرداخت نمودن خمس باعث تأخیر در تهیه آن وسایل و یا عدم تهیه آنها شود، لازم نیست خمس آنها را پردازد.

[1513] سؤال 154: آیا بر زنی که به جز مهریه خود، مالک چیز دیگری نیست، ولی مهریه او به دفعات زیادی تغییر و تبدیل پیدا کرده است، خمس واجب است؟

پاسخ: در مهریه، خمس واجب نیست؛ ولی اگر مقدار مهریه به قدری زیاد باشد که بتواند بخشی از معیشت او را اداره کند، چنانچه در مؤونه مصرف نشود، باید خمس آن را بپردازد و چنانچه با مهریه خود، کسب منفعت کند، با وجود شرایط وجوب خمس، بر منافع حاصل از مهریه خمس تعلق می گیرد.

[1514] سؤال 155: اگر مهریه و ارث به فروش برسد، آیا پول آنها هم همانند اصل آنهاست؟

پاسخ: ثمن مهریه و ثمن ارث، مثل اصل آنهاست.

[1515] سؤال 156: کسی که می خواهد مهریه همسرش را بپردازد و تاکنون خمس نداده است، آیا باید بعد از محاسبه خمس، مهریه را بدهد، یا قبل از خمس هم می تواند مهریه را پرداخت کند و سپس خمس بقیه اموال را بدهد؟

پاسخ: اگر بخواهد مهریه را از منفعی که سال بر آن گذشته بپردازد، ابتدا باید مقدار خمس را محاسبه کند و پس از پرداختن خمس و یا به ذمه گرفتن آن، مهریه را پرداخت کند و اگر بخواهد از منفعی که سال بر آن نگذشته مهریه را بدهد، می تواند بدون دادن خمس، مهریه را از آن پرداخت کند.

[1516] سؤال 157: مردی به اندازه مهریه همسرش پول کنار می گذارد تا به همسرش بپردازد، ولی زن قبول نمی کند و می گوید که هر وقت از تو طلب کردم، مهریه ام را بپرداز. آیا مرد می تواند در پایان سال، این پول را که به عنوان مهریه از اموالش جداست، به حساب نیاورد و خمس بقیه اموال را بدهد؟

پاسخ: چنانچه زن، پول را قبول نکند، پول در ملک مرد باقی می ماند و باید خمس آن را هم مانند خمس بقیه اموال، با وجود سایر شرایط خمس بپردازد.

[1517] سؤال 158: آیا به پولی که برای ازدواج کردن پس انداز می شود، خمس متعلق می شود یا خیر؟ اگر پول را برای مخارج ازدواج فرزند خود (غیر از جهیزیه) پس انداز کنیم، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر ازدواج، برای شخصی مورد حاجت باشد و درآمد سالی که می خواهد در آن سال ازدواج کند، برای ازدواج کفایت نکند و دادن خمس، موجب تأخیر در ازدواج یا ایجاد مشکل در امر ازدواج شود، در این صورت به ذخیره پول، خمس تعلق نمی گیرد؛ ولی اگر با پرداخت خمس مشکلی برای او به وجود نمی آید، احتیاط آن است که خمس آن را بپردازد و همچنین اگر مخارج ازدواج فرزند عرفاً برعهده پدر باشد، با شرایط ذکر شده قبلی، به پول ذخیره شده از طرف پدر خمس تعلق نمی گیرد؛ ولی چنانچه درآمد پدر و فرزند در سال ازدواج، بر روی هم برای ازدواج کفایت کند و خمس دادن، موجب تأخیر و یا ایجاد مشکل نگردد و پدر نیز در تأمین مخارج مشارکت کند، در این صورت به ذخیره ای که سال بر آن گذشته، خمس تعلق می گیرد.

[1518] سؤال 159: کسی که احتیاج به ازدواج کردن دارد، اگر پرداخت خمس اموالش مانع از ازدواج او شود، آیا باز هم دادن خمس واجب است؟

پاسخ: لازم نیست خمس بدهد.

طلا، جواهر و زینت آلات

[1519] سؤال 160: با پولم مقداری سکه طلا خریده ام تا پس اندازی برایم باشد و با کاهش ارزش پول، قدرت خریدم پایین نیاید. آیا در سر سال خمسی بابت این سکه ها باید خمس بپردازم یا لازم نیست؟

پاسخ: اگر سکه ها را با پولی که خمس به آن تعلق گرفته، خریده اید، باید خمس بدهید و اگر با پول خمس داده و یا پولی که خمس به آن تعلق نمی گیرد،

خریده اید، خمس آن واجب نیست و در هر دو صورت، چنانچه قبل از گذشت سال، سکه ها را به قیمت بالاتر بفروشید و افزایش قیمت سکه ها واقعی باشد (نه بر اثر تورّم و کاهش ارزش پول) و سود به دست آمده را در مؤونه سال مصرف نکنید، در سر سال باید خمس سود آن را هم بدهید.

[1520] سؤال 161: زنی طلای مشمول خمس دارد و درآمدی هم ندارد. آیا پرداخت خمس برعهده شوهر اوست؟

پاسخ: وجوب خمس برعهده زن است و چنانچه در پرداخت خمس مشکلی دارد، می تواند با مراجعه حضوری مشکل خود را مطرح و حل نماید.

[1521] سؤال 162: آیا به سکه طلایی که برای زینت استعمال می شود، خمس تعلق می گیرد؟ اگر برای زینت کردن نباشد، چه طور؟

پاسخ: اگر برای زینت استفاده کند و استعمال آن در شأن او باشد، خمس ندارد، وگرنه باید خمس آن را بپردازد.

[1522] سؤال 163: خانمی مقداری طلا و زیور آلات خریداری کرده و از آن استفاده کرده و بعد از چند سال آنها را فروخته است. آیا به محض فروش، باید خمس آنها را بپردازد؟

پاسخ: خیر؛ اگر پول آن را در مؤونه مصرف نکند و از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بپردازد.

[1523] سؤال 164: جواهر آلاتی که شوهر برای همسرش تهیه می کند، خمس دارد یا نه؟

پاسخ: اگر خرید آن جواهرات در شأن آنهاست و زن نیز برای زینت از آنها استفاده می کند، خمس آن واجب نیست، مگر آن که با پولی خریداری شده باشد که خمس به آن تعلق گرفته و پس از گذشت سال، خمس آن پرداخت نشده باشد و اگر جواهرات برای ذخیره کردن خریداری شده باشد، نه برای زینت کردن، خمس به آن تعلق می گیرد.

[1524] سؤال 165: اگر شخصی برای همسرش از درآمد سال، طلا و جواهرات بخرد و آن جواهرات در شأن آنها باشد و دو سال بعد جواهرات را بفروشد و مجدداً بخواهد جواهرات دیگری خریداری نماید، آیا باید خمس جواهراتی را که فروخته است، پرداخت نماید؟
پاسخ: اگر تا قبل از رسیدن سال خمسی جدید، جواهرات دیگری خریداری کند، خمس ندارد.

[1525] سؤال 166: همسر مقداری طلا دارد. گاهی به مناسبتی به طلافروشی مراجعه می‌نمایم و آنها را با طلای نو معاوضه می‌کنیم. لطفاً حکم شرعی آن را بیان نمایید.

پاسخ: معامله طلا با طلا شرایط خاصی دارد؛ ولی آن طور که معمول و رایج است که طلای قبلی را با پول می‌خرند و طلای بعدی را به پول می‌فروشند، اشکال ندارد و چنانچه طلاهای مورد استفاده زن به عنوان زینت قرار می‌گیرد، متعلق خمس نیست، مگر این که از اول از پول متعلق خمس تهیه شده باشد و خمس آن را نداده باشند.

[1526] سؤال 167: آیا سکه‌های بهار آزادی مشمول زکات می‌گردد؟ و آیا پس از پرداخت زکات، پرداخت خمس نیز واجب است؟
پاسخ: سکه‌های مذکور زکات ندارند؛ ولی اگر پس انداز شوند و در مؤونه مصرف نشوند، خمس به آنها تعلق می‌گیرد.

درآمد زنی که ازدواج کرده

[1527] سؤال 168: زن و شوهری هر دو کارمند هستند و درآمد دارند، آیا به درآمد زن هم خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟
پاسخ: در زاید بر مؤونه سال، خمس واجب است، خواه مقدار زیادی، از درآمد مرد باقی مانده باشد و یا از درآمد زن.

[1528] سؤال 169: اگر زن با سرمایه شوهر قالی بافی کند، آیا باید خمس درآمد خود را بپردازد؟

پاسخ: در صورتی که درآمد خود را پس انداز کند و در مؤونه سال مصرف نکند، باید خمس درآمد خود را بپردازد.

[1529] سؤال 170: زنی از درآمد خود بعضی از اوقات مواد خوراکی و پوشاک می خرد و به منزل شوهرش می آورد. اگر خوراک یا پوشاک در آخر سال، زیادی باشد، خمس به آن تعلق می گیرد یا خیر؟ و زن باید خمس آن را بپردازد یا شوهر؟

پاسخ: اضافه، خمس دارد و اگر خوراک و یا پوشاک خریده شده با پول شوهر زیاد بیاید، شوهر باید خمس آن را بپردازد و اگر آنچه که زن با پول خودش خریده، زیاد بیاید، زن باید خمس آن را بدهد.

[1530] سؤال 171: زنی که دارای درآمد است و شوهرش نیز توانایی پرداخت نفقه او را دارد، اگر از شوهر خود نفقه نگیرد و از درآمد خود، در مخارج زندگی خود صرف نماید، آیا باید خمس مبالغی را که در مخارج زندگی خود صرف کرده است، بپردازد یا خیر؟
پاسخ: دادن خمس آن مخارج لازم نیست.

[1531] سؤال 172: زنی که دارای کسب و درآمد است و تمام درآمد خود را به شوهرش می دهد، آیا بابت پرداخت خمس وظیفه ای دارد؟

پاسخ: اگر زن در بین سال، درآمد خود را به شوهر ببخشد و این بخشش در شأن زن باشد، خمس بر زن واجب نیست؛ ولی اگر به عنوان قرض بدهد، بعد از پس گرفتن از شوهر، پرداخت خمس به عهده زن است.

[1532] سؤال 173: زنی که درآمد مستقل دارد و شوهرش نمی گذارد تا خمس اموالش را بپردازد، تکلیفش چیست؟

پاسخ: به هر نحوی که برایش محذور نداشته باشد، ولو به صورت مخفی و یا

با تأخیر، خمس را پرداخت کند و برای تأخیر اجازه بگیرد.

مخارج تحصیل و خرید کتاب

[1533] سؤال 174: پولی را که برای تحصیل خود یا فرزندانمان کنار می گذاریم، متعلق خمس قرار می گیرد یا خیر؟

پاسخ: اگر از درآمد کسب باشد و سال بر آن بگذرد، خمس دارد، مگر این که مخارج تحصیل خودش باشد و تحصیل نیز برای او لازم باشد و با پرداخت خمس، در امر تحصیل او اختلال ایجاد شود که در این صورت، خمس آن لازم نیست و چنانچه با پرداخت خمس مشکل ایجاد نشود، بنا بر احتیاط خمس دارد و همین طور است اگر این پول برای مخارج تحصیل فرزندش باشد و عرفاً یا شرعاً مخارج تحصیل فرزند بر عهده او باشد.

[1534] سؤال 175: کتاب هایی فعلاً مورد نیاز نمی باشند، ولی امکان تهیه آنها در آینده نیست و از هم اکنون به مرور تهیه می شوند، مانند کتب سال های آتی دانشگاه برای دانشجویان. آیا پس از گذشت سال به این کتاب ها خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: در مفروض سؤال، چنانچه در شُرْف استفاده باشند، پرداخت خمس لازم نیست، مشروط بر این که با پرداخت خمس نتواند آن کتاب ها را تهیه کند و یا تهیه آنها از وقت حاجت به تأخیر افتد.

[1535] سؤال 176: خرید کتاب یا هر وسیله دیگری که در آینده از آنها استفاده خواهد شد و جزء احتیاجات انسان می شود، اما هم اکنون مورد استفاده نیست، خمس دارد یا نه؟ آیا حکم مسأله در صورتی که اگر الان آن وسیله را تهیه نکند، به هنگام نیاز نمی تواند آن را تهیه کند، با صورتی که به هنگام نیاز، قادر بر تهیه است، متفاوت است یا خیر؟

پاسخ: در صورتی که در شُرْف استفاده از آن وسایل باشد و در وقت نیاز نتواند آنها را تهیه کند و دادن خمس باعث شود که تهیه آن از وقت حاجت به

تأخیر بیفتد یا ممکن نشود، خمس ندارد، و در غیر این صورت باید خمس آن پرداخت شود.

[1536] سؤال 177: کتبی خریداری می شود، لکن برخی ممکن است هرگز مورد استفاده قرار نگیرد. آیا در این صورت مشمول خمس می شود؟

پاسخ: اگر داشتن این کتب در حدّ شأن خریدار باشد که اگر احیاناً مورد نیاز شد، در دسترس باشد، خمس به آن تعلق نمی گیرد.

[1537] سؤال 178: آیا به کتاب هایی که قبلاً مورد نیاز بوده، ولی اکنون مورد استفاده نیست، خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: تا فروخته نشده، خمس واجب نیست.

[1538] سؤال 179: کتبی که طلاب و فضلا از طریق شهریه می خرنند، مشمول خمس می شود یا خیر؟

پاسخ: خیر؛ مشمول خمس نمی شود.

[1539] سؤال 180: چیزهایی مثل کتاب، دفتر، کفش و لباس، اگر يك سال بدون استفاده بمانند، خمس دارند یا نه؟

پاسخ: اگر داشتن اشیا ذکر شده، جزء شئون صاحب آنها باشد که احیاناً در صورت لزوم از آنها استفاده کند، ولو این که موردی برای استفاده کردن پیش نیاید، خمس ندارد، وگرنه باید خمس آنها را پردازد.

هزینه حج و سفرهای زیارتی

[1540] سؤال 181: کسی که می خواهد به حج برود و خمس مقداری از اموالش را نداده است، آیا اگر خمس اموالی را که برای حج مورد استفاده قرار می دهد، پرداخت کند، کافی است یا باید خمس بقیه اموال را هم حساب کند؟

پاسخ: اگر چه پرداخت خمس همه اموال شرط صحّت حج نیست؛ ولی تأخیر در پرداخت خمس و سایر وجوهات واجب شرعی، بدون مجوّز شرعی جایز نیست و باید توجه داشت که به جا آوردن این گونه واجبات تأثیر به سزایی در قبولی حج و سایر عبادات و اعمال و ترتّب ثواب بر آنها دارد.

[1541] سؤال 182: کسی حسابی را افتتاح کرده و آن را مخصوص امر زیارت قرار داده و با توجه به وضعیت شغلی و مالی، امکان پرداخت يك جای هزینه مثلاً حجّ تمتّع را ندارد؛ ولی ممکن است به مرور زمان از این طریق مستطیع شود. با این فرض، پاسخ سؤالات زیر را بیان کنید.

الف. آیا به این حساب او خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: خمس تعلق می گیرد.

ب. در صورت تعلق خمس، زمان پرداخت آن چه موقع است؟ آیا هنگام سر رسید سال خمسی یا هنگام گذشت يك سال از افتتاح این حساب یا هنگام سفر زیارتی؟

پاسخ: هنگام سر رسید سال خمسی پرداخت شود و یا با گذشت يك سال از به دست آوردن پول.

ج. در صورت تعلق خمس به این وجوه، آیا خمس به همه آن تعلق می گیرد یا به مقداری که برای سفر مورد نیاز است؟

پاسخ: به همه آنها خمس تعلق می گیرد.

د. در صورت فوت صاحب حساب، آیا به پول باقی مانده در این حساب که به ورثه منتقل شده است، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

پاسخ: وراثت باید خمس آن را بدهند.

[1542] سؤال 183: آیا به هزینه سفر زیارتی کربلا و یا حج و عمره واجب یا مستحب که به حساب واریز کرده ایم و قبل از تشرّف، به سال خمسی برخورد کرده، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

پاسخ: نسبت به اعمال مستحبی، چنانچه سال بر آن بگذرد، باید خمس آن را بپردازید؛ ولی نسبت به حج و عمره واجب و یا سفرهای دیگر زیارتی که بر شما واجب شده، چنانچه طریق دیگری غیر از ثبت نام نداشته باشید و یا راه دیگر مشقت داشته باشد، خمس واجب نمی شود، ولو این که نوبت شما پس از پایان سال خمسی باشد، مگر این که ثبت نام و واریز کردن پول، فقط به معنی حق اولویت باشد و پول در ملکیت شما باقی بماند که در این صورت پس از گذشت سال، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بپردازید.

[1543] سؤال 184: آیا پولی که قبل از ثبت نام حج برای همین منظور جمع آوری می شود، خمس دارد؟

پاسخ: اگر سال بر آن بگذرد، خمس دارد.

[1544] سؤال 185: آیا هزینه سفرهای زیارتی به عتبات عالیات و عمره مفرده و حج مستحبی، جزء مخارج سال حساب می شود یا خمس به آن تعلق می گیرد؟

پاسخ: جزء مؤونه است و خمس ندارد.

[1545] سؤال 186: کسی که برای عمره یا حج مستحبی مبلغی را برای ثبت نام پرداخت کرده و پس از يك سال یا بیشتر از دنیا رفته است، آیا پرداخت خمس بر ورثه او واجب است؟

پاسخ: در مفروض سؤال، ورثه باید خمس آن را از ترکه بدهند.

[1546] سؤال 187: کسی که با پول قرضی به مکه مکرمه می رود، آیا باید به هنگام پرداخت دین خود، خمس آن را هم بدهد؟

پاسخ: حکم قرض کردن برای مؤونه را دارد.

[1547] سؤال 188: آیا هزینه سفر حج واجب زن که توسط شوهرش پرداخت می شود، جزء مخارج سال شوهر حساب می شود و از خمس معاف است یا خیر؟ اگر زن، خودش مستطیع باشد و شوهرش مخارجش را بدهد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر پرداخت کردن هزینه حجّ زوجه، مطابق شأن زوج باشد، جز مؤونه مرد محسوب می شود و خمس ندارد، وگرنه جزء مؤونه مرد نیست.

[1548] سؤال 189: کسی که اول سال خمسی او روز اول ماه ذی الحجّه است و در ماه ذی القعدة عازم سفر حج می شود و سفرش تا اواخر ذی الحجّه طول می کشد، آیا مخارج سفر وی از روز اول ذی الحجّه به بعد، جزء مخارج سال قبل محسوب می شود که خمس ندارد یا باید خمس آن را حساب کند؟

پاسخ: معیار، شروع کردن به سفر است و بنا بر این مخارج او از اول ذی الحجّه الحرام تا رسیدن به منزلش، جزء مؤونه سال قبل است و خمس ندارد.

[1549] سؤال 190: شخصی مقداری پول جهت خرج سفر، خرید قربانی، سوغات و دیگر مخارج سفر حج به همراه خود برداشته است و در اثنای سفر، سال خمسی او فرامی رسد. آیا پرداخت خمس این پول لازم است یا این که جزء مؤونه سال قبل محسوب می شود؟

پاسخ: جزء مخارج سال قبل (سال شروع حج) است و خمس ندارد.

[1550] سؤال 191: کسی که حساب سال ندارد و به کربلا و مشهد و دیگر عتبات مقدسه مسافرت می کند، آیا لازم است پول سفر خود را تخمیس کند؟

پاسخ: چنین شخصی باید تمام اموال خود را محاسبه نماید و به هر کدام از اموال که خمس تعلق گرفته، پرداخت نماید و مسافرت نمودن به عتبات عالیات، مانع از محاسبه اموال و پرداخت خمس نمی گردد.

اموال شخص غیر مکلف

[1551] سؤال 192: نابالغی که دارای اموالی است، اگر به سنّ بلوغ رسید، آیا باید خمس اموالش را بلافاصله بعد از بلوغ بدهد؟ آیا بین اموالی که چندین سال در زمان نابالغی

مالك آنها بوده با اموالی که سال بر آنها نگذشته، فرقی هست یا خیر؟

پاسخ: اموالی را که قبل از رسیدن به بلوغ مالك شده است، با رسیدن به سنّ بلوغ خمس به آن تعلق نمی گیرد؛ ولی اگر يك سال از زمان بلوغ او گذشت و آن اموال در دست او بود، باید مانند مکلفین دیگر به وظیفه خود در مورد خمس عمل کند.

[1552] سؤال 193: بر ارباح مکاسبی که متعلق به طفلی است، سال گذشته است. ولی طفل خمس را پرداخت نکرده و ارباح مکاسب را نیز برای طفل مصرف کرده و چیزی از آن باقی نمانده است. آیا این طفل، پس از رسیدن به بلوغ، باید خمس داده نشده را پردازد یا خیر؟

پاسخ: پرداخت خمس ارباح مکاسب کودک، قبل از بلوغ و همچنین بعد از رسیدن به بلوغ واجب نیست، مگر این که يك سال از زمان بلوغ بگذرد و در مؤونه مصرف نشود که در این صورت باید خمس آن پرداخت شود. بنا بر این در فرض مسأله، تکلیفی متوجه طفل و ولی او، چه قبل از بلوغ و چه بعد از بلوغ نیست.

[1553] سؤال 194: آیا پرداخت خمس اموال کسی که بالغ نشده، بر ولی او واجب است یا مستحب؟

پاسخ: دادن خمس اموال غیر مکلف، بر ولی شرعی او جایز نیست؛ ولی اگر ذمی، زمینی را از مسلمان خریده باشد، باید خمس آن را بدهد، اگر چه بالغ نباشد.

[1554] سؤال 195: آیا خمس به پولی که به بچه به عنوان جایزه داده می شود، تعلق می گیرد؟

پاسخ: به اموال بچه نابالغ خمس تعلق نمی گیرد.

[1555] سؤال 196: اگر کسی به فرزند شیرخوار من هدیه ای بدهد، آیا پرداخت خمس آن بر من واجب است؟

پاسخ: اموال فرد نابالغ خمس ندارد.

[1556] سؤال 197: آیا پرداخت خمس اموال مجنون برعهده ولیّ اوست و آیا خمس را از اموال خود بپردازد یا اموال مجنون؟

پاسخ: اموال مجنون مشمول خمس نیست. اگر پس از خوب شدن، اموالی داشته باشد، با وجود سایر شرایط، لازم است خودش خمس آنها را پرداخت کند.

هبه، هدیه و جایزه

اشاره

[1557] سؤال 198: فرق هبه و هدیه و جایزه و صدقه چیست؟

پاسخ: هدیه و جایزه از عقود نیستند؛ ولی هبه از عقود جایز است و قبض و اقباض، شرط صحّت هبه است. هبه در بعضی موارد، عقد جایز نیست؛ بلکه عقد لازم است (مانند هبه بر فامیل و خویشاوندان و هبه معوضه) و اما صدقه، اظهر این است که از عقود نیست و قصد قربت در آن معتبر است. صدقه بر دو قسم است: قسم اول، صدقه واجب است، مانند زکوات و کفّارات و مظالم عباد و قسم دوم، صدقه مستحب است که به غیر از صدقات واجب گفته می شود.

گرفتن هبه، هدیه و جایزه

[1558] سؤال 199: آیا هبه و هدیه، حتی اگر يك چیز خیلی کم قیمت باشد، خمس دارد؟

پاسخ: هبه و هدیه، اگر مقدارش قابل توجه نباشد، خمس ندارد.

[1559] سؤال 200: آیا جایزه ای که دریافت می کنیم، خمس دارد؟

پاسخ: حکم خمس جایزه، همان حکم خمس هبه و هدیه است.

[1560] سؤال 201: آیا عیدی و پاداشی که دولت به کارمندان می دهد و به صورت پول نقد و یا سکه طلاست، خمس دارد؟

پاسخ: اگر عیدی و پاداش در مقابل کار آنها باشد، حکم درآمد کسب را دارد و چنانچه در مؤونه سال مصرف نشود، باید خمس آن پرداخت شود و اگر عیدی و پاداش در مقابل کار آنها نباشد، حکم هدیه را دارد.

[1561] سؤال 202: آیا دختر یا پسر بالغی که هیچ درآمدی جز پولی که پدرش به او می دهد، ندارد، آیا لازم است خمس این پول را بپردازد؟

پاسخ: هبه و هدیه ای که پدر به آنها می دهد، اگر در مؤونه سال آنها مصرف شود و یا مقدارش خیلی زیاد نباشد، خمس ندارد.

[1562] سؤال 203: مبلغی را که بنیاد شهید به خانواده معظم شهدا می پردازد، در صورت باقی ماندن تا پایان سال، مشمول پرداخت خمس می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر به جهت زیاد بودن مقدار آن و یا به جهت استمرار آن، به گونه ای باشد که بتوانند با آن بخشی از زندگی خود را اداره کنند، چنانچه در مؤونه سال مصرف نشود، به آن خمس تعلق می گیرد.

[1563] سؤال 204: چنانچه یکی از کارمندان و مسئولین ادارات، در طول سی سال خدمت خود، در نهایت دلسوزی انجام وظیفه نماید و در پایان خدمت، هدیه ای از طرف ارباب رجوع و صاحبان صنعت و حرف مختلف و با نظارت وزارتخانه و طی نامه ای با امضای معاون وزیر و توأم با قدردانی از زحمات، از طریق رئیس اداره به این کارمند تحویل گردد و این کارمند از نام و مشخصات هدیه دهندگان مطلع نباشد و دیگر در آن پست و سمت هم نباشد که بخواهد از کار کسی گره گشایی کند، آیا قبول هدیه و تصرف در آن، و جاهت شرعی دارد؟ و اگر در بین سال مالی، آن را برای مصرف کردن به فروش برساند، آیا مشمول وجوهات شرعی از قبیل سهم سادات و سهم امام علیه السلام می شود یا خیر؟

پاسخ: اخذ این هدیه به نحو مذکور اشکال ندارد و اگر آن را در بین سال به مصرف مؤونه برساند و یا مقدار آن خیلی زیاد نباشد، خمس به آن تعلق نمی گیرد.

[1564] سؤال 205: آیا مبالغی که در عروسی ها به عنوان هدیه جمع می شود، متعلق خمس است یا خیر؟

پاسخ: اگر هدیه، قابل توجه و خیلی زیاد نباشد، خمس آن واجب نیست، اگرچه احتیاط مستحب این است که اگر از مؤونه سال زیاد بیاید، خمس آن پرداخت شود.

[1565] سؤال 206: شخصی دو باب منزل مسکونی دارد و یکی از آنها مورد نیاز خودش است.

اگر منزلی را که به آن احتیاج ندارد، به همسرش هدیه کند، خمس آن واجب است یا خیر؟

پاسخ: چنانچه سال بر آن نگذشته باشد و این بخشش مطابق شأن آنها باشد، دادن خمس بر مرد واجب نیست؛ ولی بر زن با وجود سایر شرایط خمس واجب می شود.

[1566] سؤال 207: هدیه ای دریافت کرده ایم و پس از دریافت، قیمت آن بالا رفته است.

آیا ترقی قیمت آن خمس دارد؟

پاسخ: اگر هدیه را سرمایه خود قرار داده باشید و ارتفاع قیمت آن واقعی باشد، نه به جهت تورّم، در سر سال خمسی، خمس زیادی قیمت آن را بپردازید و اگر آن را سرمایه قرار نداده اید و بالا رفتن قیمت آن هم واقعی است، پس از فروش، چنانچه در مؤونه سال مصرف نشود، خمس زیادی قیمت را بدهید.

[1567] سؤال 208: کسی که در طول سال چند هدیه دریافت می کند که مقدار هر يك از آنها زیاد نیست، ولی در آخر سال اگر هدیه ها را روی هم بگذارد، مقدار زیادی خواهد شد،

آیا باید خمس آنها را بدهد؟

پاسخ: در فرض سؤال، دادن خمس واجب نیست.

[1568] سؤال 209: آیا پذیرفتن هدیه از کسی که یقین داریم خمس اموالش را نمی پردازد، جایز است؟ در صورت جواز، پرداخت خمسش واجب است یا نه؟

پاسخ: جایز است و در صورتی که به عین مال هدیه داده شده خمس تعلق گرفته باشد، دادن خمس آن بر عهده هدیه دهنده است و چیزی بر عهده هدیه گیرنده نیست.

[1569] سؤال 210: اگر بدانیم در عین مال هدیه داده شده، خمس واجب است، دادن خمس بر عهده کیست؟

پاسخ: بر عهده هدیه دهنده است.

[1570] سؤال 211: اگر چیزی در آخر سال خمسی باقی مانده باشد که نمی دانیم هدیه ای است که خمس ندارد یا سود کسب است که متعلق خمس است، چه باید بکنیم؟

پاسخ: مواردی که تعلق خمس به آن مشکوک است، پرداخت خمسش لازم نیست، گرچه دادن خمس مطابق با احتیاط مستحب است.

[1571] سؤال 212: آیا حکم خمس هبه معوضه با هبه غیر معوضه یکی است؟

پاسخ: در هبه معوضه، چون هبه در مقابل هبه است، هر کدام از هبه ها همان حکم خمس هبه غیر معوضه را دارد.

دادن هدیه

[1572] سؤال 213: کسی که قبل از سال خمسی خود به سفر می رود و هدایایی برای فامیل و آشنایان تهیه می کند و بعد از سال خمسی به آنها می دهد، آیا خمس این هدایا را باید بپردازد؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر فاصله بین خرید هدایا و دادن آنها به مقدار

متعارف باشد، خمس ندارد.

[1573] سؤال 214: پدری که دو خانه مسکونی دارد و به یکی از آنها نیازمند است، اگر خانه دیگر را به پسر خود که در آستانه ازدواج است، هدیه کند، آیا خمس به آنها تعلق می گیرد؟

پاسخ: اگر بر خانه ای که پدر به آن نیاز ندارد، سال نگذشته باشد و هدیه دادن خانه در حدّ شأن پدر باشد و در سال ازدواج و نیاز به مسکن، پسر نتواند مسکن مورد نیاز خود را تهیه کند، خمس به آن تعلق نمی گیرد.

[1574] سؤال 215: اگر کسی هدیه ای بدهد یا مخارجی کند که مطابق شأن و منزلت او باشد، این گونه مخارج، خمس ندارد و جزء مؤونه شخصی حساب می شود. سؤال این است که ملاک در تشخیص شأن افراد چیست؟

پاسخ: معیار در تشخیص شأن افراد، عرف است، مثل این که اگر انسان هدیه ای داد، عرف، او را به جهت دادن این هدیه سرزنش نکند.

[1575] سؤال 216: مردی زنی را برای خود عقد می کند و پس از مدتی او را طلاق می دهد و طلا و هدایایی که به او داده است، پس می گیرد. با توجه به این که طلا و هدایا را در سال قبل خریداری کرده است، آیا به آنها خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: اگر مال را به زن بخشیده، احتیاطاً پس گرفتن آنها جایز نیست؛ ولی اگر از طرف زن پس داده شود، چنانچه در مؤونه سال مصرف نکند، خمس دارد.

طلب

[1576] سؤال 217: پولی از کسی طلب داریم و قرار بوده آن را امسال به ما پس بدهد؛ ولی پول را اصلاً پس نمی دهد یا پس از گذشتن سال خمسی و بر خلاف وعده معین شده پس می دهد. آیا خمس این پول بر قرض دهنده واجب است؟

پاسخ: اگر بدهکار، پول شما را اصلاً پس نمی دهد، در حکم تلف شدن است و

چنانچه پول شما را، ولو با مطالبه کردن، تا سر سال خمسی پس نمی دهد، ولی بعد از سال خمسی پس می دهد، در سر سال، خمس آن واجب نیست؛ اما بعد از سال خمسی، وقتی که پول به دست شما رسید، به شرط این که در زمان وصول، نیاز فوری برای مصرف نمودن در مؤونه نداشته باشید، باید خمس آن را فوراً بدهید.

[1577] سؤال 218: به کسی پولی را قرض داده ایم و در سال بعد آن را پس می گیریم. این پول جزء درآمد امسال ما محسوب می شود یا درآمد سال بعد؟

پاسخ: از درآمد سالی که در آن سال قرض داده اید، حساب می شود و چنانچه در سر سال، قابل وصول نباشد، به محض وصول کردن، اگر مورد نیاز فوری برای مؤونه نباشد، باید خمس آن را پرداخت کنید.

[1578] سؤال 219: خانمی که طلا و زینت آلات خود را فروخته و به دیگری قرض داده و شرط کرده که بعداً به همان وزن، طلا و زینت آلات برای او خریداری شود، آیا خمس متوجه او شده است یا خیر؟

پاسخ: صورت فرض شده در سؤال، ربا و حرام است؛ ولی اگر عین طلاها و جواهرات را بدهد و بگوید که سال آینده به همان وزن، طلا و جواهرات به او بدهد، اشکال ندارد و چنانچه بعد از پس گرفتن، به عنوان مؤونه از آن استفاده کند، خمس به آن تعلق نمی گیرد.

[1579] سؤال 220: مغازه داری که حساب سال او رسیده و مقداری پول در دست اوست و مقداری هم طلب دارد، چگونه باید خمس خود را حساب کند؟

پاسخ: پول نقد، جزء درآمد سال است و طلب نیز اگر به طوری است که با مطالبه دریافت می گردد و مانند نقد به حساب می آید، باید جزء درآمد سال حساب شود و خمس آن پرداخت گردد.

[1580] سؤال 221: پولی را به مدت پنج سال یا کمتر و یا بیشتر در بانك می گذارند و هر ماهه مبلغی را از بانك دریافت می کنند. خواهشمندم حکم آن را بیان فرمایید.

پاسخ: گرفتن مبلغ زاید، چنانچه تحت عنوان یکی از عقود صحیح شرعی باشد، اشکال ندارد و اگر مبلغی را که ماهانه از بانك می گیرد، در مخارج زندگی اش صرف کند، اصل پولی که در بانك گذاشته خمس ندارد، وگرنه باید خمس آن را بپردازد.

[1581] سؤال 222: کسانی که باید پولی را به طور سپرده واریز کنند تا بعداً به آنها جنسی، مانند اتومبیل یا موبایل تحویل دهند و قبل از تحویل جنس، سال خمسی آنها برسد، آیا باید خمس سپرده خود را بدهند؟

پاسخ: اگر معامله به این صورت باشد که مشتری جنسی را می خرد و پول آن را پرداخت می کند، ولی موعد تحویل کالا پس از فرارسیدن سال خمسی اوست، چنانچه آن جنس یا کالا را جهت استفاده در مؤونه خریده باشد (مانند این که ماشین را خریده تا خود و خانواده اش از آن استفاده کنند)، در این صورت خمس ندارد و اگر برای مؤونه زندگی نخریده باشد، باید سر سال خمسی، قیمت آن کالا را در بازار با شرایطی که دارد (مانند تأخیر در تحویل آن)، حساب کند و خمس آن را پرداخت نماید و اگر معامله صورت نگرفته، بلکه پرداخت پول به جهت تعهد فروشنده به فروش بعدی است، دهنده پول باید خمس ارزش فیزی را که در دست دارد، بپردازد.

پس انداز

[1582] سؤال 223: کسی درآمد چند سال خود را پی در پی پس انداز می کند تا موجودی نقدی او افزایش یابد و در آخر کار خمس موجودی را یکباره بپردازد، آیا این کار جایز است؟

ص: 419

پاسخ: حساب درآمد هر سال را باید همان سال حساب نمود، مگر این که حاکم شرع اذن در تأخیر دهد.

[1583] سؤال 224: شخصی برای تهیه خانه و مانند آن از مؤونه لازم زندگی، مجبور است درآمد چند سال خود را پس انداز کند. آیا با گذشت چند سال از این پس انداز، خمس به آن تعلق می گیرد یا خیر؟

پاسخ: چنانچه نتواند مؤونه لازم زندگی را از درآمد يك سال تهیه نماید و با پرداخت خمس پول پس انداز شده، تهیه مؤونه ممکن نشود و یا به تأخیر بیفتد، به پولی که پس انداز کرده، خمس تعلق نمی گیرد؛ ولی اگر با پرداخت خمس مشکلی برای او پیش نیاید، احتیاط آن است که خمس پول پس انداز شده را بپردازد.

[1584] سؤال 225: آیا به حساب های قرض الحسنه در بانک ها خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: با وجود شرایط، خمس به آن تعلق می گیرد.

[1585] سؤال 226: کسانی که در يك اداره دولتی کار می کنند (مثل این که معلّم آموزش و پرورش، و یا کارمند اداره دیگری هستند) و دولت از حقوق ماهانه آنها حدود ده درصد کم و پس انداز می کند و بعد از اتمام خدمتشان (مثلاً 30 یا 40 سال بعد)، همه پول های پس انداز شده را يك جا به آنها می دهد، آیا این پول ها خمس دارد یا نه؟

پاسخ: با وجود سایر شرایط، خمس به آنها تعلق می گیرد.

[1586] سؤال 227: مردی که مخارج خانه خود را به طور روزانه به زن پرداخت می کند، ولی آن را به زن تملیک نمی کند و زن با صرفه جویی کردن، مقداری از آن را تا آخر سال پس انداز می نماید، آیا لازم است خمس این مبلغ داده شود؟ پرداخت آن بر عهده زن است یا مرد؟

پاسخ: در مورد سؤال، خمس واجب است و مرد باید خمس را بپردازد.

[1587] سؤال 228: کسی از درآمد بین سال منزلی را رهن می نماید و سال به سال رهن همان خانه را تجدید می کند و یا این که به خانه دیگری منتقل می شود و این پول را دوباره به عنوان قرض الحسنه به صاحب خانه جدید می دهد. آیا این پول جزء مؤونه حساب می شود یا خیر؟ نماز و روزه و عبادت در این منزل چگونه است؟

پاسخ: از مؤونه حساب می شود و خمس ندارد و نماز و روزه و عبادت در آن منزل بی اشکال است.

[1588] سؤال 229: آیا به مبلغی که به عنوان ودیعه مسکن در اختیار صاحب خانه قرار دارد، خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: به این پول خمس تعلق نمی گیرد؛ ولی اگر صاحب خانه با آن معامله یا کار دیگری انجام دهد، به منافع آن اگر در مؤونه سال مصرف نشود، خمس تعلق می گیرد.

قرض و دین

[1589] سؤال 230: آیا به قرضی که انسان گرفته، خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: به عین قرض و بدل آن، خمس تعلق نمی گیرد.

[1590] سؤال 231: کسی وامی گرفته است و در مدت چند سال، اقساط آن را می پردازد.

اگر بر پول وام گرفته شده سال بگذرد، خمس دارد یا خیر؟

پاسخ: به آن مقدار از پول که اقساطش پرداخت شده و در مؤونه صرف نشده، و همچنین به بدل آن مقدار از پول، اگر در مؤونه مصرف نشده باشد، خمس تعلق می گیرد.

[1591] سؤال 232: کسی که از بانک وام گرفته تا خانه بسازد و پس از گذشتن سال، هنوز خانه نساخته است، آیا لازم است خمس وامی را که در دست اوست، پردازد؟

پاسخ: عین پول وام هر قدر بماند، خمس ندارد؛ ولی اگر مبلغی از وام را در بین سال از پول های دیگر ادا کرده و عین پول وام باقی است، چنانچه بدون وجود مانع از ساخت منزل، به زودی اقدام به ساخت منزل نکند و با پرداخت خمس دچار مشکل برای ساخت منزل نشود، باید به اندازه مقدار ادا شده تخمیس شود و بقیه پول وام که در مقابل آن چیزی به بانک پرداخت نشده، خمس ندارد.

[1592] سؤال 233: کسی که جنسی را قبل از سال خمسی خود می خرد و پول آن را پس از سال خمسی می پردازد، آیا در پایان سال خمسی که هنوز پول آن جنس را پرداخت نکرده، باید خمس آن جنس را حساب کند؟

پاسخ: خیر، لازم نیست؛ ولکن پس از پرداخت دین در سال های بعد، به هر نسبت که از دین ادا شود، به همان نسبت از جنس مذکور، منفعت آن سال شمرده می شود.

[1593] سؤال 234: کسی که بدهی اقساطی دارد و اقساط او چند سال طول می کشد، آیا می تواند همه بدهی را که پرداخت بخشی از آن مربوط به امسال و پرداخت بقیه آن مربوط به سال های آینده است، از درآمد امسال پرداخت نماید؟

پاسخ: مانعی ندارد و هر مقدار از اقساط را که پرداخت نماید، از مؤونه سال پرداخت محسوب می شود.

[1594] سؤال 235: فردی بدهکار است و برای پرداخت بدهی هم مهلتی معین نشده است و طلبکار گفته است که هر وقت خواستی بدهی خود را پرداز. این شخص با این که توانایی پرداخت بدهی خود را داشته، پس از چند سال اقدام به پرداخت آن کرده است.

آیا این پرداخت از مخارج سالی که بدهی خود را در آن داده محسوب می شود؟ و آیا مشمول خمس می گردد یا نه؟

پاسخ: در فرض سؤال، جزء مؤونه سال پرداخت بدهی است و خمس ندارد.

[1595] سؤال 236: حکم خمس، در مورد معامله نسیه ای که ثمن آن در سال بعد پرداخت می شود، چیست؟

پاسخ: نسبت به خریدار، در هر سال به هر مقدار که از ثمن را پرداخت کند، به همان نسبت از آن جنس، درآمد آن سال او شمرده می شود؛ و نسبت به فروشنده، به مقدار قیمت نقدی جنس، از درآمد سال فروش حساب می شود؛ اما مثل طلبی است که بعداً به دست او می رسد و اگر به خاطر نسیه فروختن، قیمت آن از قیمت نقدی بیشتر شده باشد، مقدار زیادی، از درآمد سال وصول محسوب می گردد.

[1596] سؤال 237: آذوقه ای که با پول قرضی تهیه شده و قرض آن هنوز پرداخت نشده و در آخر سال، مقداری از آن باقی مانده است، خمس دارد یا نه؟

پاسخ: خمس ندارد.

اجرتی که در مقابل آن کاری انجام نشده است

[1597] سؤال 238: کسی که سال خمسی او فرا رسیده و فقط مقداری پول بابت نماز و روزه استیجاری در دست اوست، آیا باید خمس آنها را بدهد یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، مقدار پولی که نماز و روزه آن را هنوز به جا نیاورده، خمس ندارد و مقدار پولی که نماز و روزه آن را به جا آورده، اگر در مؤونه صرف نشده باشد، خمس دارد.

[1598] سؤال 239: شخصی برای انجام کاری اجیر شده و طبق قرار داد، پس از چند سال که کار تمام شد، اجرتش را دریافت می کند. آیا اجرت همه سالهای قرار داد، متعلق خمس است یا فقط خمس اجرت سال آخر برعهده اوست؟

پاسخ: در فرض سؤال، مقداری از درآمد که در مقابل کاری است که در سال های قبل انجام شده، حکم طلب سال های قبل را دارد که امسال وصول

شده است و اگر در نیاز فوری مؤونه صرف نشد، باید خمس آن به هنگام وصول پرداخت شود و آن مقدار از درآمد که در مقابل کار امسال است، درآمد امسال محسوب می شود؛ ولی اگر اجرت در مقابل کل کار پرداخت شده باشد و جزء جزء کار در نظر گرفته نشده باشد، به طوری که اگر کار را نیمه تمام بگذارد، مستحق هیچ مقدار از اجرت نخواهد بود، در این صورت تمام اجرت دریافتی، درآمد همان سالی است که در آن سال آن را دریافت کرده است.

[1599] سؤال 240: شخصی مبلغی پول از کسی گرفته تا برای او کاری انجام دهد و سال خمسی او فرا رسیده، در حالی که مقداری از پول ها باقی مانده و هنوز در مقابل آن کار نکرده است، آیا به پول باقی مانده خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: به آن مقدار پولی که دریافت کرده اید، ولی عمل آن در سال های آینده انجام می گیرد، خمس تعلق نمی گیرد.

کفن، قبر و مجلس ترحیم

[1600] سؤال 241: شخصی خمس کفن خریداری شده برای خود را پرداخت کرده است، آیا در صورت افزایش قیمت کفن، لازم است در سال های بعد، خمس مازاد قیمت را محاسبه کند؟

پاسخ: در فرض سؤال که کفن را برای استفاده خودش خریده، نه برای تجارت و سود بردن، خمس ندارد، مگر این که کفن را بفروشد که در این صورت خمس افزایش قیمت را با وجود سایر شرایط بپردازد.

[1601] سؤال 242: آیا کسی که قبری را می خرد تا بعد از مُردن در آن دفن شود، باید خمس آن را بپردازد؟

پاسخ: چنانچه به علت مریضی و امثال آن، احتمال عقلایی بدهد که در همین سال فوت می کند و قبری در شأن خودش تهیه کند و در همان سال فوت نماید

و در همان قبر نیز دفن شود، خمس آن قبر لازم نیست، وگرنه خمس دارد.

[1602] سؤال 243: آیا لازم است قبری که خمسش پرداخت شده، در سال های بعد، خمس ترقی قیمت آن پرداخت شود؟

پاسخ: تا فروخته نشده، لازم نیست خمس آن پرداخت شود، مگر این که از اول به قصد تجارت و فروش آن را خریده باشد.

[1603] سؤال 244: برای جلسات ترحیم، گاهی تاج گل هایی می برند که خیلی گران قیمت است و پس از مدت کوتاهی از بین می رود.

الف. آیا بردن چنین تاج گل هایی اسراف محسوب می شود یا خیر؟

ب. آیا خرید چنین تاج گل هایی جزء هزینه سال محسوب می شود یا به آن خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: خرید تاج گل در مراسم عزا، اگر معمول محل باشد، اشکال ندارد و از مؤونه حساب می شود و خمس ندارد؛ ولی اگر خیلی گران قیمت و بیش از شأن خریدار و مجلس عزا باشد، مقدار زاید بر شأن، از مؤونه سال حساب نمی شود و باید خمس مقدار زاید بر شأن را بدهد.

ترکه، ارث و مال وصیت شده

[1604] سؤال 245: شخصی دارای سال خمسی است. اگر در بین سال خمسی فوت کند، آیا ورثه او می توانند قبل از پرداخت خمس او، از ترکه او در تجهیز و تکفین و سایر مخارج میت مصرف کنند؟

پاسخ: خرج کفن از اصل ترکه برداشته می شود و اگر ورثه به ذمه بگیرند که بعداً خمس ترکه را بپردازند، می توانند سایر مخارج میت را نیز از ترکه بردارند و بعد خمس را بپردازند، اگرچه بهتر این است که خمس را بدهند و سپس از ترکه خرج کنند.

ص: 425

[1605] سؤال 246: شخصی فوت کرده است و مقداری دین برعهده اوست و خمس هم بدهکار است و ترکه او برای ادای هر دو کافی نیست. وظیفه وراثت چیست؟

پاسخ: باید ترکه را به نسبت دین و خمس تقسیم کنند.

[1606] سؤال 247: میتی خمس بدهکار است و دارای وارث صغیر است. آیا باید خمس او پرداخت شود یا باید صبر کرد تا وارث او کبیر شود؟

پاسخ: اگر وارث صغیر ولی داشته باشد، خمس را از اصل ترکه با صلاحدید او بر می دارند و می پردازند و همچنین است اگر وصی نسبت به دیون میت وجود داشته باشد و یا قیمی برای او تعیین شده باشد؛ و در صورتی که هیچ کدام نباشند، با اذن حاکم شرعی خمس را بر می دارند و بقیه ترکه مال ورثه است.

[1607] سؤال 248: زمین ارثی و مهریه زن، خمس دارد یا خیر؟

پاسخ: ارث خمس ندارد. مهریه زن نیز خمس ندارد، مگر آن که مقدار مهریه به قدری زیاد باشد که بتواند بخشی از معیشت زن را اداره کند.

[1608] سؤال 249: شخصی که خمس اموالش را داده و در وسط سال فوت کرده است، آیا باز هم خمسی به اموال او تعلق می گیرد تا ورثه پرداخت کند یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، منافی که بعد از دادن خمس تا زمان فوت کردن به دست او آمده است، باید خمسش داده شود.

[1609] سؤال 250: اگر کسی مقید به پرداخت خمس نباشد و بمیرد، آیا به پول و املاک او خمس تعلق می گیرد؟ اگر خمس تعلق می گیرد، از چه چیز باید پرداخت شود؟

پاسخ: در صورتی که ورثه بدانند به اموال یا ذمه میت خمس تعلق گرفته است، باید خمس آن را از اصل ترکه میت جدا نمایند و بپردازند.

[1610] سؤال 251: شخصی جنسی داشته و خمس به آن تعلق گرفته و آن را پرداخت نکرده و از دنیا رفته است. اکنون که وارث می خواهد خمس آن را بدهد، آیا به قیمت روز بدهد یا به قیمت زمانی که خمس آن واجب شده بود؟

پاسخ: وارث باید خمس بالاترین قیمت را از سر سال خمسی (آخرین مهلتی که مورث باید خمس جنس را حساب می کرد و می پرداخت) تا زمان پرداخت خمس بپردازد.

[1611] سؤال 252: عینی که متعلق خمس است، ولی سال بر آن نگذشته و به ارث رسیده، آیا برای پرداخت خمس، باید قیمت فعلی آن را حساب کرد یا قیمت زمان فوت مورث را؟

پاسخ: چنانچه تأخیر عرفی در پرداخت خمس نباشد، قیمت زمان فوت مورث باید ملاک محاسبه خمس قرار گیرد، وگرنه باید خمس بالاترین قیمت از زمان فوت مورث تا زمان پرداخت خمس داده شود.

[1612] سؤال 253: شخصی در زمان حیات خود ملکی را خریده بود و اکنون برای ورثه معلوم نیست که خمس آن را داده است یا نه. آیا ملك مذکور خمس دارد؟

پاسخ: در صورتی که ملك مذکور، جزء مؤونه میت نبوده، باید خمس آن پرداخت شود.

[1613] سؤال 254: میتی خمس اموال خود را نداده است. خمس این اموال، چگونه پرداخت می شود؟

پاسخ: خمس باید از اصل ترکه داده شود و سپس بقیه اموال تقسیم گردد.

[1614] سؤال 255: شخصی از دنیا رفته و بر ذمه او خمس باقی مانده است؛ ولی اموال باقی مانده از او خمس ندارد. آیا ورثه باید خمسی را که بر ذمه او بوده است، بپردازند؟

پاسخ: پرداخت خمس لازم است.

[1615] سؤال 256: اگر ارث افزایش قیمت پیدا کند، زیادی قیمت آن خمس دارد یا نه؟ اگر اموال موروثه را با چیز دیگری معاوضه کنیم و آن چیز ارتفاع قیمت پیدا کند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: مالی که به ارث رسیده، خمس ندارد و اگر آن را مؤونه زندگی خود قرار داده باشد، مثل این که با آن منزل مسکونی تهیه کرده باشد، افزایش قیمت آن هم خمس ندارد و اگر آن را سرمایه کسب قرار داده باشد و با آن به اندازه مؤونه زندگی خود به دست آورد، نه بیشتر، باز هم افزایش قیمت آن خمس ندارد؛ چون این گونه سرمایه خودش جزء مؤونه زندگی محسوب می شود و اگر با چیز دیگری معاوضه شده باشد نیز همین حکم را دارد و اگر ارث را نه مؤونه قرار دهد و نه سرمایه و از افزایش قیمت آن يك سال بگذرد، در وقت فروش آن، خمس زیادی قیمت را بدهد.

[1616] سؤال 257: بعد از فوت پدرم مبلغ چهار و نیم میلیون تومان به عنوان سهمیه من از فروش خانه پدری به دستم رسید و مقداری نیز قرض کردم و منزلی برای خود تهیه نمودم. این نقل و انتقالات در مدت دو ماه انجام شد. آیا به مبلغ چهار و نیم میلیون تومان ارث پدری، خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: خمس به آن تعلق نمی گیرد، مگر این که یقین داشته باشید که خانه پدری متعلق خمس قرار گرفته و ندانید خمس آن پرداخت شده است یا نه که در این صورت باید خمس آن را به نسبت سهم الارث خود پرداخت نمایید.

[1617] سؤال 258: اگر ترکه میت از اموال حلال و حرام تشکیل شده باشد، ورثه چه تکلیفی دارند؟

پاسخ: اگر صاحب مال حرام و مقدار آن معلوم نیست، واجب است خمس همه مال مخلوط به حرام را بدهند و اگر می دانند که اموال حلال او نیز متعلق خمس بوده و خمس آن پرداخت نشده است، لازم است نسبت به بقیه مال

(چهار پنجم باقی مانده)، هر چه قدر را که یقین دارند مال حلال است، خمسش را بدهند.

[1618] سؤال 259: اگر وارث شك داشته باشد که تركه ميّت با مال حرام مخلوط شده است، آیا لازم است خمس آن را بپردازد؟

پاسخ: لازم نیست خمس بپردازد.

[1619] سؤال 260: زنی که شوهرش فوت کرده و می داند که شوهرش خمس اموالش را نداده و خوف این را دارد که فرزندانش خمس را

پرداخت نکنند، آیا بدون اجازه آنها می تواند خمس را پرداخت کند یا خیر؟

پاسخ: اگر زن می داند که شوهرش خمس بدهکار است و می داند که ورثه، خمس را نمی دهند، در این صورت با اذن حاکم شرعی،

خمس را از آن مالی که زیر دست و در تصرف اوست، بپردازد، مگر آن که برای وی حرجی ایجاد شود.

[1620] سؤال 261: فردی يك شرکت تجارتي با شراکت دوستش تأسیس می کند که هر کدام صاحب نصف سرمایه شرکت هستند. بعد

از چند سال، یکی از دو شريك فوت می کند و نصف سرمایه شرکت به ورثه او منتقل می شود و سپس این شرکت، تبدیل به شرکت

سهامی می شود و بعضی از ورثه می خواهند که سهم الارث آنها به صورت سهام در شرکت باقی بماند تا از آن سود ببرند. با توجه به این

که سهم الارث خود را در تجارت به کار انداخته اند، آیا باید خمس آن و خمس سودی را که به دست می آورند بدهند یا نه؟

پاسخ: اگر مالك اول (ميّت) خمس سرمایه اش را پرداخت کرده، خمس اصل سرمایه واجب نیست؛ ولی هر مقدار از افزایش قیمت واقعی

سهام و سود آنها که در مؤونه سال مصرف نشود، باید خمسش پرداخت شود.

[1621] سؤال 262: اگر شخصی از دنیا برود، آیا بعضی از فرزندان آن شخص می توانند

ص: 429

بدون اجازه وراثت دیگر، پول آن شخص را بردارند و بابت خمس پردازند؟

پاسخ: نمی توانند و باید با توافق وراثت دیگر این کار را انجام دهند و اگر بقیه توافق نمی کنند، هر کس در پرداخت خمس، نسبت به سهم خود اقدام نماید؛ ولی اگر بعضی از وراثت بدانند که ورثه دیگر خمس سهم خود را نمی دهند، در این صورت با اجازه حاکم شرعی می توانند به این کار اقدام نمایند.

[1622] سؤال 263: آیا مالی که به وسیله وصیت به انسان می رسد، حکم ارث را دارد یا حکمش جداست؟

پاسخ: حکم ارث را ندارد؛ بلکه اگر مقدار آن به حدی باشد که بتواند با آن بخشی از معیشت خود را اداره کند، باید خمس آن را پردازد، وگرنه خمس ندارد.

[1623] سؤال 264: شخصی وصیت کرده که بعد از مرگش، خمس اموال او پرداخت شود.

تعدادی از ورثه او بر این باورند که او قبل از مرگش، خمس اموالش را پرداخته است و تعداد دیگر بر خلاف این را می گویند. اکنون وظیفه شرعی ورثه چیست؟

پاسخ: ورثه ای که عقیده دارند میّت خمس خود را پس از وصیت کردن پرداخته است، نسبت به سهم خود وظیفه ای ندارند؛ ولی بقیه ورثه باید برای پرداخت خمس، نسبت سهم خودشان اقدام کنند.

[1624] سؤال 265: کسی در وصیت نامه اش نوشته که خمس اموالم را نداده ام و آن را پردازید و همچنین ثلث اموالش را برای خودش وصیت نموده تا صرف عبادات از طرف او شود. در این صورت، خمس اموال را باید از اصل مال او حساب کرد و برداشت نمود یا از ثلث مال؟

پاسخ: در این فرض، باید خمس را از اصل ترکه خارج کنند و پس از آن، ثلث باقی مانده را در مواردی که میّت وصیت نموده، مصرف نمایند.

ص: 430

[1625] سؤال 266: آیا باید مال مشخصی را که میّت به عنوان ثلث اموالش وصیت کرده تا برایش مصرف شود، تخمیس کرد؟

پاسخ: اگر به اموال میّت خمس، زکات و یا دینی تعلق گرفته است، ابتدا باید آنها را از اصل ترکه بردارند و سپس چنانچه قیمت مالی که به آن وصیت شده، کمتر یا مساوی با ثلث باقی مانده اموال باشد، آن را در مورد وصیت میّت به مصرف برسانند و در صورتی که قیمت آن مال از ثلث باقی مانده اموال بیشتر باشد، نفوذ وصیت در مقدار بیشتر، موقوف به اذن ورثه است.

[1626] سؤال 267: اگر پدری به فرزندش بگوید که بعد از من برایم از پول خودت اجیر بگیر تا برایم نماز استیجاری بخواند، آیا اجرت این نمازها جزء مؤونه محسوب می شود یا باید خمس اجرت نمازها محاسبه شود؟

پاسخ: در فرض مذکور، خمس ندارد.

مال نذر شده

[1627] سؤال 268: کسی که نذر کرده، مثلاً پنج درصد از درآمد خود را برای رفتن به زیارت ائمه معصومین علیهم السلام کنار بگذارد، آیا در سر سال، باید خمس آن را بدهد؟

پاسخ: در مفروض سؤال، اگر قبل از رفتن به زیارت، سال خمسی او فرا برسد، باید ابتدا خمس اموال خود را پرداخت نماید و سپس پنج درصد از باقی مانده درآمد خود را صرف رفتن به زیارت نماید.

[1628] سؤال 269: کسی که مبلغ معینی را ماهانه نذر حضرت سید الشهداء و حضرت ابوالفضل علیهما السلام نموده و آن را کنار گذاشته و در سر سال، مقداری از آن باقی مانده است، آیا باید خمس آن را بدهد؟

پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه غرض از نذر، تملیک بوده و با کنار گذاشتن، آن را تعیین کرده، باقی مانده مذکور خمس ندارد و باید صرف در نذر شود.

[1629] سؤال 270: خمسی که سادات می گیرند، در صورتی که از مخارج سال آنها اضافه بیاید، خمس دارد یا نه؟

پاسخ: نباید اضافه بگیرند و اگر اضافه آمد، باید با اجازه مجتهد جامع الشرائط مصرف شود.

[1630] سؤال 271: اگر به فردی از باب ردّ مظالم یا کفّاره یا خمس و یا زکات چیزی بدهند و از خرج سال او زیاد بیاید، آیا لازم است خمس زیادی را پرداخت کند یا خیر؟

پاسخ: در موارد مذکور، اگر به عنوان فقر به او داده شده، نباید مخارج بیش از يك سال خود را بگیرد و در مازاد آن باید از مجتهد اجازه بگیرد؛ ولی اگر منافی از آن وجوه شرعی حاصل شود و در مؤونه مصرف نشود، خمس دارد.

[1631] سؤال 272: اگر کسی صدقه مستحیی دریافت کند و از مخارج سالش زیاد بیاید، آیا حکم خمس آن، مانند حکم خمس هدیه ای است که انسان دریافت می کند؟

پاسخ: حکمشان یکی است.

[1632] سؤال 273: آیا به شهریه طلاب که در اول هر ماه به آنها پرداخت می شود، خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: خیر.

[1633] سؤال 274: کسی که سهم امام علیه السلام دریافت کرده و با آن چیزی خریده و يك سال از آن گذشته است، در صورتی که آن چیز جزء مؤونه زندگی او محسوب نشود، خمسش واجب است یا خیر؟

پاسخ: اگر کسی وجوه شرعی را از باب فقر بگیرد، نمی تواند آن را در غیر مؤونه سال خود مصرف نماید و برای مصرف در غیر مؤونه باید از مجتهد

جامع الشرائط اذن یا اجازه بگیرد و اگر وجوه شرعی را در مقابل کار خود و اجرت عملش دریافت می کند، حکم سایر اجرت ها را دارد و اگر با عنوان صحیح دیگری غیر از فقر و یا اجرت کار، مثل تبلیغ و ترویج احکام و معارف دینی بگیرد، مازاد از مخارج سال آن خمس ندارد.

[1634] سؤال 275: آیا کسی که مقداری درآمد دارد و از سهم مبارك امام عليه السلام هم استفاده می کند، اگر در آخر سال، چیزی برایش باقی ماند، لازم است خمسش را بدهد؟

پاسخ: اگر به جهت فقر، سهم امام عليه السلام را می گیرد، با توجه به درآمد خودش، فقط مقداری می تواند وجوهات بگیرد که از مؤونه سال او اضافه نیاید و اگر نمی داند که مال باقی مانده از کدام مال است، لازم نیست خمس بدهد.

اموال هیئت ها، صندوق ها و انجمن های خیریه

[1635] سؤال 276: آیا اموال هیئت های عزاداری و امثال آن از امور خیریه عمومی، شامل خمس می شود؟

پاسخ: در اموال مذکور، خمس واجب نیست.

[1636] سؤال 277: صندوق قرض الحسنه ای است که افراد عضو آن می شوند و در آن پول می گذارند و به نوبت به اعضای متقاضی، وام بدون بهره داده می شود. آیا لازم است اعضای صندوق، خمس پول خود را که در صندوق گذاشته اند، بدهند؟

پاسخ: اگر طوری است که اختیار پول هر کسی به دست خودش است، به طوری که هر وقت خواست، می تواند پولش را برداشت کند، باید خمس پول خود را پردازد و اگر این طور نباشد، تا وقتی پولشان به دستشان نرسیده، لازم نیست خمس آن را بدهند.

[1637] سؤال 278: صندوق خیریه ای که پول های افراد خیر در آن جمع شده و بر آن پول ها سال گذشته است، از نظر خمس، چه حکمی دارد؟

ص: 433

پاسخ: اگر صاحبان پول ها، آن پول ها را به صندوق خیریه تمليك کرده اند، خمس ندارد؛ ولی اگر تمليك نکرده اند و پول ها را به طور امانت در صندوق خیریه گذاشته اند و هر وقت خواستند می توانند پولهایشان را بردارند، در این صورت پول ها در سر سال خمس دارد و صاحبان پول ها باید خمس آنها را پردازند؛ ولی اگر نمی توانند هر وقت که خواستند پولشان را برداشت کنند، تا وقتی پول به دستشان نرسیده، پرداخت خمس آن واجب نیست.

[1638] سؤال 279: در بعضی از مؤسسات و ادارات، مبلغ مختصری از حقوق کارکنان، تحت عنوان «رفاه» یا عنوان دیگر برداشته می شود و این مبلغ برای آنها در صندوقی پس انداز می شود و از محلّ این صندوق، خدمات رفاهی (مانند خرید لوازم زندگی یا پرداخت وام) برای کارکنان صورت می گیرد. البته هر يك از کارکنان که بخواهند، می توانند مبلغ پس انداز شده را پس بگیرند و از صندوق رفاه خارج شوند که معمولاً به جهت محروم شدن از خدمات، این کار را نمی کنند. آیا به این پول پس انداز شده، با توجه به این که در دست کارکنان نیست، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

پاسخ: چنانچه مبلغ مذکور، را در طول سال در مؤونه مصرف نکنند، خمس آن را باید پردازند.

مالیات حکومتی

[1639] سؤال 280: آیا لازم است خمس مالیاتی که دولت از افراد دریافت می کند، از طرف مالیات دهنده پرداخت شود؟

پاسخ: مالیات پرداخت شده، جزء مؤونه است و خمس ندارد.

[1640] سؤال 281: در شرکتی کار می کنم که هر ماه بین هشت تا ده هزار تومان به عنوان مالیات از حقوق ما کسر می کنند. آیا می توانیم این پول را از خمس خودمان حساب کنیم؟

پاسخ: مالیات حکومتی، به جای خمس کفایت نمی کند.

[1641] سؤال 282: با توجه به این که این جانب وجوهات شرعی، مثل خمس را پرداخت می کنم، آیا شرعاً می توانم از پرداخت مالیات خودداری نمایم؟

پاسخ: چنانچه بر حسب مقررات ملزم به پرداخت مالیات شده باشید، لازم است آن را بپردازید.

پولی که به بیمه داده یا از بیمه گرفته می شود

[1642] سؤال 283: مبلغی را که شرکت ها و یا ادارات از حقوق کارکنان خود به عنوان حق بیمه کسر می کنند و به شرکت بیمه می پردازند تا در مقابل آن، شرکت بیمه متعهد انجام خدماتی برای کارکنان شود، آیا لازم است تخمیس شود یا جزء مخارج محسوب می شود و خمس آن واجب نیست؟

پاسخ: مبلغ مذکور که به شرکت بیمه تملیک می شود، جزء مخارج است و خمس ندارد.

[1643] سؤال 284: اخیراً نوعی خاص از بیمه، تحت عنوان «بیمه عمر و پس انداز» طراحی شده که بر اساس آن، بیمه گزاران می توانند با پرداخت های مستمر ماهانه، علاوه بر برخورداری از پوشش های بیمه عمر، برای رفع نیازهای آینده خود، نظیر تهیه تجهیزات، هزینه تحصیلی فرزندان و... سرمایه لازم را نیز فراهم آورند. خواهشمند است حکم خمس سرمایه این نوع بیمه (بیمه عمر و پس انداز) را بیان نمایید؟

پاسخ: پرداختی های ماهانه یا سالانه که از طرف بیمه گزار به قصد تملیک به شرکت بیمه داده می شود که طبق قرار داد عمل کند، جزء مخارج بیمه گزار است و خمس ندارد و مبالغی که از طرف شرکت بیمه به بیمه گزار پرداخت می شود، جزء درآمد آن سال حساب می شود.

[1644] سؤال 285: آیا به پولی که به عنوان بیمه عمر از طرف شرکت بیمه به وراثت پرداخت می شود، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

پاسخ: با وجود سایر شرایط، خمس تعلق می گیرد.

[1645] سؤال 286: شخصی در محل کار خود دچار حادثه شده و از طرف شرکت بیمه مبلغی به او پرداخت شده است. آیا باید خمس این مبلغ را بپردازد؟ اگر در بین سال، آن را مصرف کند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر مبلغی را که شرکت بیمه پرداخت می کند، به اندازه خسارت وارد شده باشد، خمس ندارد؛ ولی اگر بیش از مقدار خسارت باشد، در زیادی آن حکم هبه و هدیه را دارد.

دیه

[1646] سؤال 287: پولی که انسان به عنوان دیه یا ارش الجنایه دریافت می کند، آیا خمس دارد؟

پاسخ: دیه و ارش الجنایه، خمس ندارند.

امور دیگر مربوط به خمس

شك در تعلق و پرداخت خمس

[1647] سؤال 288: آیا با شك به تعلق خمس، پرداخت خمس واجب می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر در احکام خمس شك دارد، به رساله عملیه یا کسی که مسائل را می داند، مراجعه نماید و اگر در موضوع، شك دارد، فحوص واجب نیست، مگر این که به جهت عدم رسیدگی به حساب سال خود، این شك به وجود آمده باشد که در این صورت رسیدگی به حساب سال لازم است.

[1648] سؤال 289: آیا خمس پولی را که نمی دانیم خمس آن را داده ایم یا خیر، باید بپردازیم؟

پاسخ: اگر می دانید که قبلاً خمس به آن تعلق گرفته و شك دارید که خمس آن را داده اید یا نه، خمس آن را پرداخت نمایید.

[1649] سؤال 290: مدت دو سال است که خمس نداده ام و می دانم که بر بعضی از اموالم سال گذشته است؛ ولی نمی دانم که کدام يك از اموال است. چگونه خمس خود را حساب کنم؟

پاسخ: احتیاطاً باید در مورد اموالی که جزء مؤونه شما نیست و احتمال گذشتن سال بر آنها را می دهید، با مراجعه حضوری مصالحه نمایید.

سال خمسی و زمان محاسبه خمس

[1650] سؤال 291: کسی که درآمدش به اندازه مخارجش نیست، آیا لازم است سال خمسی برای خود تعیین کند؟

پاسخ: تعیین سال خمسی برای شخص مذکور لازم نیست. البته اگر کسی بر خودش سخت بگیرد و درآمدش را در مؤونه صرف نکند و سال بر آن بگذرد، باید خمسش را پردازد.

[1651] سؤال 292: آیا در سال خمسی، تبدیل سال شمسی به قمری یا به عکس آن جایز است یا خیر؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[1652] سؤال 293: تعیین ابتدای سال برای پرداخت خمس چگونه است؟

پاسخ: تعیین روزی از ماه معینی در سال برای حساب درآمد، در اختیار خود انسان است و هر روزی را تعیین کند، اشکال ندارد، مگر این که زمان به دست آمدن سود معلوم باشد که در این صورت همان روز را ابتدای سال خمسی خود قرار دهد.

[1653] سؤال 294: آیا تعیین ابتدای سال خمس به دست خود ماست؟ و کسی که ابتدای شروع به کار و کسب و درآمد خود را نمی داند، چه باید بکند؟

پاسخ: ابتدای سال، از وقت به دست آوردن منافع محسوب می شود. در مثل تجارت و کسب که فواید آن به تدریج حاصل می شود، باید زمان به دست آوردن اولین منفعت، ابتدای سال خمس قرار داده شود و نیز می تواند در بین سال که مشغول کسب شده، فواید خود را تخمیس نماید و در سال بعد، پس از گذشتن يك سال تمام از خمس دادن اول، فواید يك ساله خود را تخمیس کند. در مثل کارمندان و دیگر حقوق بگیران، زمان گرفتن اولین حقوق، اول سال خمس محسوب می شود و در مثل زراعت و امثال آن که فوایدش دفعی است، مبدأ سال خمس، موقع حصول فایده است و چنانچه مبدأ کسب و به دست آوردن منفعت را ندانند، به قدر متیقن عمل نمایند.

[1654] سؤال 295: آیا می توان سال خمس را تغییر داد؟

پاسخ: می توان سال خمس را تغییر داد؛ ولی اگر مستلزم گذشت بیش از يك سال از درآمد خاصی باشد، خمس آن را باید جداگانه حساب کرد.

[1655] سؤال 296: کسی دارای سال خمس بوده و چند سال به جهت این که قرضش بسیار بیشتر از اضافه درآمد در سر سال بوده، گمان می کرده که وظیفه ای برای خمس دادن ندارد. آیا اکنون وظیفه ای دارد یا خیر؟ و سال خمس او تغییر کرده یا نه؟

پاسخ: اکنون وظیفه چنین شخصی رسیدگی به حساب خودش است که می تواند این کار را با مراجعه به فرد آگاه به مسائل شرعی انجام دهد و اگر بعد از رسیدگی معلوم شد که خمس بدهکار است، باید آن را بپردازد؛ ولی با ندادن خمس، مبدأ سال خمس به خودی خود عوض نمی شود، هر چند می تواند اکنون به حساب خود رسیدگی کند و آن را سر سال خمس جدید خود قرار دهد.

[1656] سؤال 297: هنگام سر رسید سال خمسی، آیا هر چیز اضافی در منزل (اعم از خوراکی، پوشاکی، شوینده ها و...) را باید حساب کرد یا خمس به موارد خاصی تعلق می گیرد؟

پاسخ: در فرض سؤال، خمس چیزهایی که در طول سال مصرف نشده اند، باید پرداخت شود.

[1657] سؤال 298: آیا ملاک در وجوب خمس ارباح مکاسب، رسیدن سال خمسی است یا گذشتن يك سال از سود مشخصی که مثلاً در يك معامله عاید او شده است؟

پاسخ: مکلف می تواند برای هر درآمد خود يك سال قرار دهد و قرار دادن يك سال خمسی برای تمام درآمدها، برای تسهیل در محاسبه خمس است.

[1658] سؤال 299: پولی به مدت هشت ماه در دست مکلفی بوده و پس از گذشت هشت ماه با آن جنسی خریده است. آیا پس از گذشت يك سال از خریدن جنس، خمس آن واجب می شود یا پس از گذشتن چهار ماه که با اضافه کردن هشت ماه قبلی، يك سال تمام می شود؟

پاسخ: يك سال پس از به دست آوردن پول، اگر در مؤونه مصرف نشود، خمس آن واجب است، ولو این که به جنس دیگری تبدیل شده باشد.

[1659] سؤال 300: آیا غیر از محاسبه خمس در پایان سال خمسی، می توان مثلاً خمس را در پایان هر روز یا هر ماه و یا پس از هر معامله یا پس از چند معامله حساب کرد یا خیر؟ در صورت جایز بودن، آیا سال خمسی از بین می رود یا باید در پایان سال خمسی، دوباره به حساب خمس رسیدگی کرد؟

پاسخ: حساب کردن و پرداخت نمودن خمس منافع، در بین سال و یا هر ماه و یا هر روز و یا بعد از هر معامله و یا بعد از چند معامله جایز است و تأخیر انداختن خمس منافع، تا آخر سال نیز اشکالی ندارد و اگر در بین سال خمسی، خمس همه منافع را داده، دیگر در آخر سال خمسی، دادن خمس منافی که

خمس آنها را در بین سال پرداخت کرده، لازم نیست؛ ولی اگر خمس بعضی از منافع را نداده باشد، در سر سال خمسی، باید خمس آنها را بپردازد.

خمس را به چه کسی تحویل بدهیم؟

[1660] سؤال 301: شخصی با يك مرجع، حساب سال نموده و رقمی معادل پنجاه میلیون تومان بدهکار است و قبل از پرداخت، آن مرجع به رحمت خدا رفته است. سپس از مجتهد حئی فاقد رساله (فقط در مسأله بقا بر میت) تقلید نموده است. آیا می تواند جوهری را که به آن مرجع بدهکار بوده، به این مجتهد حئی بپردازد یا باید به اعلم از احیا پرداخت نماید و اگر به همان مجتهد حئی بدون رساله تسلیم نماید، بریء الذمه می شود یا خیر؟

پاسخ: به مجتهد اعلم مراجعه نماید.

[1661] سؤال 302: آیا انسان با پرداخت خمس به مرجع تقلید خودش بریء الذمه می شود یا این که باید آن را به ولی امر مسلمین پرداخت کند؟

پاسخ: هر کس باید وجوه شرعی خود را به مرجع تقلید خود یا مجتهد جامع الشرائط دیگری که نظرش در مورد مصرف آنها مانند مرجع تقلید خودش است، بدهد.

[1662] سؤال 303: آیا پرداخت خمس به ولی فقیه از طرف مقلدان مجتهد دیگر جایز است؟

پاسخ: به نظر این جانب مقلدان دو مرجع واجد شرایط که نظرشان در مصرف خمس یکی باشد، می توانند خمس را به هر يك از این دو مرجع بدهند.

[1663] سؤال 304: کسی که در بین فتوای چند مرجع تقلید احتیاط می کند، وجوهاتش را باید به کدام مرجع بپردازد؟

پاسخ: اگر فتوای آنها در مورد مصرف وجوهات یکسان است، می تواند وجوهات خود را به هر يك از آنها و یا مجتهد جامع الشرائط دیگری که

ص: 440

فتوای او در مورد مصرف، با آنها مطابق است، بپردازد؛ ولی اگر فتوای آنها در مورد مصرف متفاوت است، وجوهات خود را به مرجع اعلم و یا مرجع دیگری که فتوای او در مورد مصرف، با فتوای مرجع اعلم یکسان است، بدهد و اگر مجتهدین مساوی باشند، می تواند به هر يك از آنها پرداخت کند.

[1664] سؤال 305: آیا جایز است خمس را به کسی که از طرف مرجع تقلید ما وکیل در گرفتن خمس نیست، بدهیم تا او به دست مرجع تقلید یا وکیل او برساند؟

پاسخ: اگر اطمینان دارید که پول را به مرجع تقلید و یا وکیل او می رساند، اشکالی ندارد؛ ولی اگر به دست مرجع تقلید و یا وکیل او نرسد و یا در موردش مصرف نگردد، بریء الذمه نمی شوید.

[1665] سؤال 306: آیا روحانیونی که وجوه شرعی مردم را دریافت می کنند، می توانند آن را به غیر مرجع تقلید پرداخت کنندگان تحویل دهند؟

پاسخ: اگر نظر مجتهد دیگر در مصرف وجوه شرعی با نظر مرجع تقلید پرداخت کننده وجوه یکی باشد، مانعی ندارد؛ ولی اگر نظر آنها در مصرف وجوه شرعی متفاوت باشد، نمی توانند وجوه شرعی را به مجتهد دیگر بپردازند و اگر دهنده وجوه، به شخص معینی نظر داشته باشد، نمی شود آن را به دیگری داد.

وظیفه کسی که تاکنون خمس نداده

[1666] سؤال 307: این جانب با دو برادر دیگرم کار می کردیم و در آخر هفته، حقوقمان را به پدرمان که درآمدی نداشت، می دادیم و زندگی ما به طور مشترك اداره می شد. این رویه تا چند سال بعد از ازدواج من و برادرم نیز ادامه داشت و بنده دخل و تصرفی در امور زندگی مان به تنهایی نداشتیم. تکلیف بنده که احکام خمس را نمی دانستم، نسبت به آن ایام و درآمدهایم چیست؟

پاسخ: اگر پول ها را به پدرتان تمليك کرده باشید، چون از ملكيت شما خارج شده، خمسى بر عهده شما نيست؛ ولى اگر پول ها در ملكيت شما باقى مانده باشد و بدانيد كه بر مقدارى از آنها سال گذشته و در مؤونه مصرف نشده، خمس آنها بايد پرداخت شود.

[1667] سؤال 308: كسى كه تاكنون خمس نداده و مى خواهد خمس اموالش را حساب كند، نسبت به اموالى كه در گذشته به مصرف رسانده، ولى نمى داند كه سال بر آنها گذشته بوده است يا نه، چه وظيفه اى دارد؟

پاسخ: در مورد اموال ذكر شده در سؤال، تكليفى نسبت به خمس ندارد.

[1668] سؤال 309: كسى كه تاكنون خمس نداده و مى خواهد خمس اموالش را محاسبه كند و چند روز قبل، پولى به دستش رسيده است، آيا خمس اين پول را هم حساب كند يا تا گذشتن يك سال، لازم نيست محاسبه نمايد؟

پاسخ: مى تواند خمس اين پول را نيز همان موقع بدهد و يا اين كه براى آن، سال جداگانه قرار دهد.

[1669] سؤال 310: كسى كه سال خمسى نداشته است، مقدارى پول از درآمد كسب خود را صرف ساختمان مسجد، حسينيه، بيمارستان، حمام و آسفالت خيابان نموده است. آيا به اين پول ها خمس تعلق مى گيرد؟

پاسخ: اگر نداند از زمان به دست آوردن درآمدهاى ذكر شده در سؤال، تا زمان مصرف كردن آنها يك سال گذشته يا نه، خمس ندارد.

[1670] سؤال 311: وظيفه ورثه اى كه مورث آنها هيچ وقت خمس نداده، چيست؟

پاسخ: اگر مى دانند كه مورث خمس بدهكار است و آن را پرداخت نكرده يا نمى دانند كه پرداخت کرده يا نه، بايد هر کدام از ورثه براى پرداخت خمس، نسبت به سهم الارث خود اقدام كنند.

گرفتن خمس مال کسی که خمس نمی دهد

[1671] سؤال 312: گاهی در پایان سال خمسی، اجناسی در منزل باقی می ماند که اضافه بر مخارج آن سال است. در صورتی که شوهر، اقدام به پرداخت خمس نکند، آیا وظیفه ای متوجه همسر یا دیگر اعضای خانواده می شود یا خیر؟

پاسخ: در موردی که پرداخت خمس لازم باشد، اگر مرد از ادای خمس امتناع کند، چنانچه مفسده ای در کار نباشد، زن و یا اولاد، با اجازه گرفتن از حاکم شرعی خمس را بپردازند و اشکالی ندارد.

[1672] سؤال 313: شخصی که خمس اموال خود را نمی دهد، آیا مسئول امور مالی او می تواند بدون اجازه او به طوری که او متوجه نشود، خمس اموال را بپردازد؟

پاسخ: اگر صاحب مال از دادن خمس امتناع کند، مسئول مذکور، با اذن مجتهد جامع الشرائط می تواند خمس اموال مذکور را بدهد.

شراکت با کسی که خمس نمی دهد

[1673] سؤال 314: شخصی که اهل خمس دادن است با اشخاصی که خمس نمی دهند، در اموالی که برای کسب و تجارت از آن استفاده می کنند، شریک است. آیا این گونه شراکت، صحیح است یا خیر؟ اگر این شخص بدون اجازه شرکای خود از اموالی که شریکند، خمس آنها را بدهد، جایز است یا خیر؟ و پس از انجام این کار، ادامه شراکت چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر شریکی که خمس نمی دهد، ممتنع نباشد و شریک دیگر را وکیل کند که به هر نحوی که خواست عمل نماید و او با قصد قربت، خمس را ادا نماید و یا این که شریک دیگر با اجازه مجتهد جامع الشرائط از مال او خمسش را بپردازد، کافی است؛ ولی به هر حال عدم پرداخت خمس موجب

عدم جواز شراکت با وی نیست و شریکی که خمس می دهد، می تواند در مال مشترک تصرف کند.

[1674] سؤال 315: آیا کسی که مقداری پول دارد و خمس آن را داده است، می تواند با کسانی که خمس پول خود را نداده اند، کار شریکی انجام دهد؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[1675] سؤال 316: در يك شرکت تعاونی با تعدادی عضو که مالک يك معدن است، اگر بعضی از اعضا، خمس سهم خود را که به حدّ نصاب شرعی رسیده است، ندهند، آیا ادامه شراکت جایز است؟

پاسخ: در فرض مذکور، شراکت باطل نیست و خلاف شرع هم نیست.

[1676] سؤال 317: کسی که شرکایی دارد که خمس نمی دهند و حاضر به جداسازی سرمایه هم نیستند، چه کار می تواند بکند؟

پاسخ: تصرف کسی که خمس می پردازد، در مال مشترک جایز است.

پرداخت خمس از درآمد سال های بعد

[1677] سؤال 318: کسی که در آخر سال خمسی خود مقداری مواد خوراکی اضافه آورده و می خواهد خمس این مواد را از درآمد کسب سال بعد پردازد، چگونه باید خمسش را محاسبه کند؟

پاسخ: در فرض سؤال، باید به اندازه ربع (يك چهارم) قیمت مواد خوراکی پردازد.

[1678] سؤال 319: شخصی در آخر سال، بابت خمس خود چند چك می دهد که به تدریج از درآمد سال آینده وصول گردد. آیا این کار صحیح است؟

ص: 444

پاسخ: اشکال ندارد؛ ولی در فرض مذکور، باید خمس از مال غیر مشمول خمس پرداخت شود، وگرنه باید به اندازه ربع (یک چهارم) مال متعلق خمس چک بدهد.

[1679] سؤال 320: اگر از سال های قبل، خمس به مالی تعلق گرفته باشد، آیا می توان آن را از درآمد بین سال پرداخت نمود؟

پاسخ: اشکال ندارد؛ ولی باید به مقدار ربع (یک چهارم) مال متعلق خمس پرداخت شود.

تصرف در خمس و مالی که خمسی داده نشده

[1680] سؤال 321: اگر پولی را که برای پرداخت خمس، قرض یا وجوهات دیگر کنار گذاشته شده، برداریم و خرج کنیم و سپس پول دیگری به جای آن بگذاریم، اشکال دارد یا خیر؟

پاسخ: در غیر زکات، اشکال ندارد.

[1681] سؤال 322: اگر فردی خمس مالش را به کسی داد تا به مجتهد برساند، آیا شخص گیرنده خمس می تواند در آن تصرف کند و مثل آن را به جای آن بگذارد؟

پاسخ: باید از دهنده خمس اجازه بگیرد، مگر این که بداند دهنده خمس راضی به تصرف و جایگزین کردن پول دیگر است.

[1682] سؤال 323: در رساله توضیح المسائل جناب عالی آمده که به ذمه گرفتن، موجب جواز تصرف در مالی که متعلق خمس است، می گردد. معنی به ذمه گرفتن چیست؟

پاسخ: معنی و مفهوم آن این است که شخصی با قصد جدی متعهد شود که خمس مالی را از همان مال یا اموال مباح دیگر خود بپردازد؛ ولی نمی تواند پرداخت آن را به تأخیر بیندازد و برای تأخیر انداختن در پرداخت خمس، لازم

است اجازه بگیرد.

[1683] سؤال 324: وقتی که مجتهد یا وکیل او در دسترس ما نیست و سال خمسی ما فرارسیده و لازم است که در اموال خود تصرف کنیم، آیا می‌توانیم بدون جدا کردن خمس، در بقیه مال تصرف کنیم؟

پاسخ: می‌توانید خمس را به ذمه بگیرید و در اموال خود تصرف کنید؛ ولی باید خمس را هر چه زودتر به مرجع تقلید و یا وکیل او برسانید و تأخیر در پرداخت خمس، بدون عذر جایز نیست.

[1684] سؤال 325: آیا می‌توان خمس را جدا کرد و در بقیه مال تصرف نمود؟

پاسخ: اگر واقعاً بر عهده بگیرد که پول جدا شده را در اولین فرصت بابت خمس پردازد، تصرف در بقیه پول اشکال ندارد.

[1685] سؤال 326: کسی که سال خمسی او فرا رسیده و برای پرداخت خمس اموال خود، پول نقد در دست ندارد و تهیه پول در زمان کوتاه برایش مشکل است، چه باید بکند؟ آیا در این موارد می‌تواند پرداخت خمس اموال را تا تبدیل مقداری از آن به پول به تأخیر انداخت؟

پاسخ: باید جهت تعیین تکلیف مراجعه حضوری نماید و هر گونه تأخیر در پرداخت خمس، بدون گرفتن اجازه جایز نیست.

[1686] سؤال 327: مادری که توسط فرزندش سرپرستی می‌شود و می‌داند که فرزندش خمس اموالش را نمی‌پردازد، چه کار باید بکند؟

پاسخ: مادر می‌تواند در این اموال تصرف کند و از این جهت مانعی ندارد.

[1687] سؤال 328: کسی است که باید خمس بدهد و نمی‌دهد و زن و بچه او هم از این موضوع اطلاع دارند. با توجه به این که زن و بچه او نان خور او هستند، چه وظیفه‌ای

ص: 446

پاسخ: تکلیفی متوجه زن و فرزندان او از این جهت نیست و می توانند در آن اموال تصرف کنند.

[1688] سؤال 329: شخصی خانه ای را با پول خمس نداده خریده است. آیا مستأجری که از این موضوع آگاهی دارد، حق تصرف در آن خانه را دارد یا خیر؟

پاسخ: تصرف در آن خانه برای مستأجر مانعی ندارد.

[1689] سؤال 330: اگر بدانیم صاحب خانه از پولی که خمس آن را نداده، غذا تهیه کرده است، خوردن این غذا چه حکمی دارد؟ و کسی که خانه ای را از پول خمس نداده خریده و در آن غسل می کند و نماز می خواند، حکم غسل و نمازش چیست؟

پاسخ: خوردن غذا برای میهمان جایز است و صاحب خانه نیز می تواند از آن غذا بخورد و یا در آن منزل نماز بخواند و یا غسل کند؛ ولی خمس را باید بدون تأخیر پردازد. البته چنانچه صاحب خانه اصلاً بنای بر پرداخت خمس نداشته باشد و معامله را نیز به نحو شخصی انجام داده باشد، تصرفش در آن غذا و یا منزل جایز نیست.

[1690] سؤال 331: حکم نماز در لباسی که مشمول خمس شده است، چیست؟

پاسخ: اگر خود لباس مشمول خمس شده باشد، چنانچه پرداخت خمس به عهده گرفته شود، نماز و تصرفات دیگر بی اشکال است و اگر به عهده گرفته نشود، نماز و تصرفات دیگر اشکال دارد.

[1691] سؤال 332: اگر کسی مالی را که خمس آن داده نشده، خریداری کند، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: مالک اصلی باید خمس آن را پردازد و چیزی بر عهده خریدار

نیست.

[1692] سؤال 333: اگر برای کسی که مطمئن هستیم اهل خمس دادن نیست، کار کنیم، حکم اجرتی که دریافت می کنیم، چیست؟

پاسخ: اشکال ندارد.

تلف شدن خمس یا مال متعلق خمس

[1693] سؤال 334: مالی در دست شخصی است و خمس به آن تعلّقی گرفته و بنا دارد که خمس آن را بدهد؛ ولی قبل از پرداخت خمس، مال تلف می شود. آیا باز هم دادن خمس واجب است؟ اگر خمس مالش را جدا کند و قبل از پرداخت، مقدار خمس جدا شده تلف شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در صورت اول (از بین رفتن تمام مال متعلق خمس)، اگر در حفظ و یا رساندن خمس به مستحق، مسامحه نموده و تقصیر کرده، ضامن خمس است و اگر در حفظ و رساندن خمس، تقصیر ننموده، ضامن نیست و بهتر است با حاکم شرعی مصالحه کند؛ ولی در صورت دوم (از بین رفتن خمس جدا شده)، اگر در حفظ و یا رساندن خمس جدا شده به مستحق کوتاهی کرده باشد، باید دوباره به همان مقدار خمس بدهد؛ ولی اگر مسامحه نکرده باشد، فقط باید خمس بقیه مال باقی مانده را بدهد.

[1694] سؤال 335: مالی که پرداخت خمسهش واجب بوده و خمسهش پرداخت نشده و سپس تلف شده و قیمت و ارزش آن برای ما معلوم نیست، چگونه خمسهش محاسبه می شود؟

پاسخ: باید خمس بیشترین قیمت از سر سال خمسی تا زمان تلف را که اطمینان دارد ارزش جنس به آن قیمت رسیده، پردازد.

ص: 448

[1695] سؤال 336: آیا می توان پول مخمس و پولی را که بر آن سال نگذشته در يك حساب قرار داد یا باید در دو حساب جداگانه باشند؟

پاسخ: اشکالی ندارد که هر دو پول در يك حساب باشند و چنانچه بخواهد برداشت های او از این حساب از پول های غیر مخمس محسوب شود، باید موجودی این حساب هیچ گاه کمتر از مقدار پول مخمس نباشد.

[1696] سؤال 337: مقداری از اموالی که خمس آنها پرداخت شده، با اموالی که خمسش ادا نشده است، مخلوط شده و سال خمسی فرا رسیده است و اندازه هیچ کدام هم معلوم نیست. حالا چه طور باید خمس را محاسبه کرد؟

پاسخ: مقداری را که یقین دارد متعلق خمس است، باید خمسش را بدهد و نسبت به بیشتر از آن تکلیفی ندارد.

جبران نمودن پولی که خمسش داده شده

[1697] سؤال 338: چنانچه از اموال مخمس در طول سال خرج شود، آیا می توان از درآمد همان سال، به مقدار خرج شده جایگزین نمود؟

پاسخ: اگر مال مخمس جدا از اموال دیگر باشد و آن را خرج کرده باشد، نمی تواند اموال غیر مخمس را به جای آن بگذارد.

[1698] سؤال 339: شخصی مقداری پول دارد که خمس آن را پرداخته است. در سال بعد، مقداری از آن را مصرف می کند. آیا در آخر سال خمسی، می تواند کسری آن مال مخمس را جبران کند؟

پاسخ: جایز نیست.

[1699] سؤال 340: ماشینی که سرمایه شخصی است و با آن امرار معاش می کند، نیاز به تعمیر دارد. بدین منظور، یکصد هزار تومان از پول مخمس خرج کرده است. آیا می تواند

از درآمد سال، آن را کسر کند؟

پاسخ: نمی تواند.

[1700] سؤال 341: کسی که آخر سال اول، خمس خود را می پردازد و در بین سال دوم، تمام اموال خمس داده را به مصرف می رساند، آیا در پایان سال دوم، باید فقط خمس مقداری را که بیشتر از مال خمس داده سال اول بوده، پرداخت کند یا خمس تمام اموال را؟

پاسخ: در مفروض سؤال، باید خمس تمام اموال مصرف نشده را پردازد.

مبنای قیمت اموال در محاسبه خمس

[1701] سؤال 342: در صورت تعلق خمس به چیزی و اختلاف قیمت خرید با قیمت فعلی، کدام قیمت میزان است؟

پاسخ: میزان برای دادن خمس، قیمت وقت حساب سال و پرداخت خمس است، نه قیمت زمان خرید.

[1702] سؤال 343: اگر در سر سال بخواهد خمس تراکتور، موتور آب، زمین، منزل و وسایل نقلیه را که در بین سال به قیمت ارزان خریداری شده است و اکنون قیمت آنها افزایش یافته است، حساب کند، آیا باید به قیمت فعلی حساب کند یا به قیمت قبلی؟

پاسخ: آنچه که جزء مؤونه است، خمس ندارد و آنچه که جزء وسایل کسب و کار است و با آن به اندازه مؤونه زندگی را به دست می آورد، باز هم خمس ندارد و در بقیه موارد که خمس به آنها تعلق می گیرد، خمس قیمت فعلی آنها را پردازد.

[1703] سؤال 344: کسانی که شغلشان طلا-فروشی و زرگری است، گاهی در اول سال يك کیلوگرم طلا و در آخر سال نیم کیلوگرم دارند؛ ولی به جهت افزایش بی رویه قیمت ها، قیمت این نیم کیلوگرم طلا از قیمت يك کیلوگرم در اول سال بیشتر شده است.

ص: 450

آیا این افراد می توانند خود طلا را سرمایه قرار دهند و میزان در محاسبه سود و زیان، خود طلا باشد و به قیمت آن کاری نداشته باشند؟

پاسخ: هم می توانند خود طلا را سرمایه قرار دهند و هم می توانند قیمت آن را سرمایه قرار دهند؛ ولی بر زیادی قیمت که رشد واقعی محسوب نمی شود و بر اثر تورّم حاصل شده است، خمس تعلق نمی گیرد.

[1704] سؤال 345: با توجه به این که در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پول رایج، مسکوک بوده است و خمس نیز بر مبنای آن تعیین می شده است، آیا می توان هم اکنون درآمد سالانه خود را بر مبنای برابری ارزشش با طلا سنجید و پس از احتساب ارزش واقعی پول، خمس آن را پرداخت کرد؟

پاسخ: مقایسه صحیح نیست. اکنون پول رایج، پول کاغذی است و با طلا محاسبه نمی شود؛ ولی فردی مثل طلا فروش می تواند خود طلا را سرمایه قرار دهد.

[1705] سؤال 346: اجناسی که به صورت کوپنی یا با بُن کارمندی با قیمتی نازل تر از قیمت بازار و با یارانه دولت تهیه می شود، در صورتی که از مصرف سال زیاد بیاید، خمس آنها چگونه حساب می شود؟

پاسخ: به قیمت واقعی (قیمت بازار آزاد) محاسبه می شود.

[1706] سؤال 347: جنسی در سر سال زیاد آمده و صاحبش می خواهد خمس آن را بپردازد ولی قیمت آن در بازار مشخص نیست و قیمت های متفاوتی برای آن ذکر می شود. خمس این جنس را چگونه باید حساب کنند؟

پاسخ: اگر برای يك قیمت، حجّت شرعی داشته باشد، باید همان را مبنای محاسبه خمس قرار دهد و اگر حجّت ها با هم متعارض بودند، ساقط می شوند و حدّ میانه قیمت ها ملاک محاسبه قرار می گیرد و اگر حجّت شرعی در کار نبود و صرف احتمال بود، خمس قیمت کمتر را بدهد و احوط، مصالحه با حاکم

شرعی است، اگر چه احتیاط مستحب دادن خمس قیمت بیشتر است.

[1707] سؤال 348: تعیین قیمت کالاهای موجود در مغازه هنگام موعد سال خمسی مشکل است. آیا با تخمین محاسبه شود یا احتیاج به مصالحه دارد؟

پاسخ: احتیاج به مصالحه دارد.

کاهش ارزش پول

[1708] سؤال 349: کالایی بر اثر تورّم و کاهش ارزش پول، بر قیمتش افزوده می شود. آیا به مقدار زیاد شده، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

پاسخ: اگر مقدار تورّم را بشود تشخیص داد، آن مقدار از ترقی قیمت که به سبب تورّم است، مشمول خمس نیست.

تأخیر در پرداخت خمس

[1709] سؤال 350: کسی که بدون علت، دادن خمس را به تأخیر می اندازد، حکمش چیست؟ اگر با عذر موجّه این کار را کند، چه طور؟

پاسخ: تأخیر انداختن پرداخت خمس از وقت آن، جایز نیست؛ ولی در صورت داشتن عذر موجّه عقاب ندارد.

[1710] سؤال 351: تأخیر پرداخت خمس تا سال آینده چه حکمی دارد؟

پاسخ: بدون اخذ اجازه جایز نیست.

مصالحه

[1711] سؤال 352: در پرداخت خمس، در بعضی از موارد شبّه، از طرف نماینده ای که دارای اجازه از طرف مرجع تقلید است، اقدام به مصالحه می شود. آیا این کار جایز است؟

ص: 452

پاسخ: عمل به مصالحه، با شرایطش جایز است.

[1712] سؤال 353: مردم منطقه ای خمس خود را به شخص معینی که مورد اعتماد است، می دهند تا به دفاتر مراجع بزرگوار تقلید برسانند؛ ولی این شخص از طرف مراجع تقلید برای این کار وکالت ندارد. آیا جایز است در موارد مبهم و مشکوک در محاسبه خمس که لازم به مصالحه با مرجع تقلید یا وکیل او در این کار است، با این شخص مورد اعتماد، مصالحه کرد یا خیر؟

پاسخ: در مفروض سؤال، خمس دهنده نمی تواند با او مصالحه یا دستگردان نماید؛ بلکه باید با کسی مصالحه یا دستگردان کند که از طرف مرجع تقلیدش دارای اجازه است.

[1713] سؤال 354: وظیفه کسی که از سال های قبل خمس بدهکار است، ولی هم اکنون قدرت پرداخت آن را ندارد، چیست؟

پاسخ: با مراجعه حضوری مهلت بگیرد یا مصالحه کند.

[1714] سؤال 355: زمانی که مکلف، قادر به ادای خمس نباشد، چنانچه مستحق خمس راضی شود که به عنوان خمس بگیرد و دوباره به او ببخشد، آیا این عمل جایز است یا خیر؟

پاسخ: مستحق خمس، اگر خمس را گرفت و به صاحبش بخشید، اشکال ندارد، مشروط بر این که مقدار بخشش، متناسب با حال بخشنده باشد. این عمل، در سهم سادات جایز است؛ اما در سهم امام علیه السلام احتیاطاً باید اجازه گرفته شود.

دستگردان

[1715] سؤال 356: کسی که خمسش را پیش یکی از نمایندگان مراجع تقلید حساب کرده و با او دستگردان نموده و اکنون بدهکار است، آیا می تواند بدهی خود را به نماینده دیگر همان

ص: 453

پاسخ: اگر نماینده مرجع، فقط به عنوان وکالت از طرف مجتهد دستگردان کرده باشد، اشکال ندارد؛ ولی اگر به عنوان وکیل مأذون (مأذون از مجتهد باشد که از طرف خودش قرض بدهد) دستگردان کرده باشد، بدون اجازه وکیل مأذون جایز نیست وجوهات را به دیگری بدهد.

[1716] سؤال 357: شخصی از یکی از مراجع، تقلید می کرده و مقداری از وجوهایش را به ایشان پرداخته و مقداری را نیز دستگردان نموده است. اکنون که مرجع تقلیدش را تغییر داده است، وجه دستگردان شده را به مرجع اول باید بپردازد یا مرجع دوم؟

پاسخ: با فرض دستگردان کردن با مرجع اول، باید به خود او داده شود و یا با اجازه او در موردش مصرف گردد.

[1717] سؤال 358: شخصی توسط مرجع تقلید خود یا نماینده اش، بدهکاری خمس خود را دستگردان کرده است و فعلاً آن مرجع از دنیا رفته است. وظیفه مدیون چیست؟

پاسخ: وظیفه او مراجعه به مجتهد زنده اعلم و در صورت تساوی مجتهدین، رجوع به یکی از آنهاست.

[1718] سؤال 359: اگر سهم سادات را با سیدی مستحق دستگردان کرده و به گردن گرفته باشد، آیا هنگام پرداخت باید به همان سید بدهد یا به سید دیگر هم می تواند بدهد؟

پاسخ: دستگردان صحیح با سید فقیر به این صورت است که سهم سادات را به او تمليك نماید و از او قرض بگیرد. بنا بر این باید به خود او برگرداند، نه به شخص دیگر.

[1719] سؤال 360: شخصی مبلغ زیادی را به عنوان خمس بدهکار بوده و پول آن را دستگردان کرده است؛ ولی قبل از پرداخت آن، قدرت خرید پول، به طور چشمگیری پایین آمده است. آیا وی همان مبلغ دستگردان شده را بدهکار است یا قدرت خرید آن

را در زمان دستگردان شدن؟

پاسخ: چنانچه پس از دستگردان کردن، قدرت خرید پایین بیاید، اگر بدون تأخیر و در موقع تعیین شده پرداخت نماید، ظاهراً ضامن تفاوت نیست؛ چون کسی که دستگردان می نماید (مرجع تقلید یا نماینده او) توجه به تورّم دارد.

البته اگر تورّم، فوق حدّ انتظار و مقدار پیش بینی شده باشد، در مقدار بیشتر از تورّم معمول یا باید مصالحه شود و یا قدرت خرید ملاك قرار گیرد و در فرض تأخیر در پرداخت نیز حکم همین است.

[1720] سؤال 361: آیا دستگردان نمودن وجوه شرعی، با چك مدت دار یا چكي که تاریخ وصول آن رسیده است، صحیح است؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[1721] سؤال 362: کسی که خمس مالش را دستگردان کرده و مقداری بدهکار است، آیا می تواند مقدار بدهی را در سال بعد، از منافع آن سال پرداخت کند یا از مال خمس داده شده باید بپردازد؟

پاسخ: اگر از مال مخمس و یا مالی که به آن خمس تعلق نمی گیرد بپردازد، صحیح است؛ ولی اگر بخواهد از منافع سال بعد بدهد، باید خمس آن مبلغی را که به عنوان خمس پرداخته است نیز در پایان سال خمسی جدید از مال خمس داده یا مالی که به آن خمس تعلق نمی گیرد، بپردازد.

مصرف خمس

اشاره

[1722] سؤال 363: آیا می توان وجوه شرعی واجب را به شیعه غیر امامی محتاج داد؟

پاسخ: دادن سهم سادات به غیر شیعه دوازده امامی جایز نیست و سهم امام علیه السلام تابع تشخیص و نظر مجتهد است؛ ولی می توان از باب «سبیل الله» به آنها زکات داد و دادن حقوق غیر واجب نیز جایز است.

ص: 455

[1723] سؤال 364: آیا جایز است وجهی را که به مبلغ دینی می دهند، از بابت وجوهات شرعی حساب نماید؟

پاسخ: در غیر سهم امام علیه السلام چنانچه به عنوان اجرت نباشد و خود مبلغ نیز مانعی از دریافت وجوه شرعی نداشته باشد، اشکال ندارد و در سهم امام علیه السلام علاوه بر شرایط فوق، احتیاطاً اجازه مجتهد نیز لازم است.

[1724] سؤال 365: آیا مصرف خمس برای تجهیز و ساخت مسجد جایز است؟ شهری که فعالیت های فرهنگی و مذهبی مناسب برای جوانان در آن وجود ندارد و بستر مناسبی برای قاچاق مواد مخدر و به اعتیاد کشاندن جوانان شده و جای روحانیان و مبلغان خوش ذوق، در آن جا خالی است، اختصاص دادن وجوهات به ساخت مسجد چه صورتی دارد؟

پاسخ: سهم سادات را باید به سادات فقیر پرداخت کرد و بنا بر احتیاط مصرف نمودن سهم امام علیه السلام در ساختن مسجد و امور فرهنگی و... به طور موردی احتیاج به اخذ اجازه دارد و شایسته است همه مؤمنین در امر مبارزه با مواد مخدر تلاش نمایند.

[1725] سؤال 366: شخصی که مستحق خمس یا زکات است، پس از دریافت کردن آنها، آیا فقط باید در موارد خاصی، مثل خوراک و ضروریات اولیه زندگی، آنها را مصرف کند یا در تمام مواردی که نیاز دارد، می تواند به مصرف برساند؟

پاسخ: در مخارج حلال متعارفی که دارد، می تواند مصرف نماید و مصرف مازاد بر شأن، موجب ضمان است.

[1726] سؤال 367: آیا اجازه می فرمایید سهمین را برای ساختن مسجد، حسینیه و سایر امور عام المنفعه مصرف کرد؟

پاسخ: سهم سادات، باید به خود آنها پرداخت شود. برای سهم امام علیه السلام، پس از مراجعه کردن، ممکن است به حسب مورد، بخشی از آن اجازه داده شود.

[1727] سؤال 368: آیا می توان خمس را در مجالس سوگواری ائمه اطهار علیهم السلام به مصرف رساند؟

پاسخ: سهم سادات، باید به فقرای سادات داده شود و سهم امام علیه السلام بنا بر احتیاط باید به حسب مورد، با اذن مجتهد مصرف شود.

[1728] سؤال 369: چیزی را که انسان بابت خمس به کسی می دهد، آیا لازم است به او بگوید که خمس است؟

پاسخ: لازم نیست.

سهم سادات

سیادت

[1729] سؤال 370: با وجود معروفیت آباء و اجدادم به سیادت و اشتهاار به سید بودن در موطن اجدادی، شجره نامه ای در دست نداریم و برای ما محرز نیست که نسب ما به کدام امام معصوم علیه السلام می رسد. در این صورت وظیفه ما چیست؟

پاسخ: داشتن شجره نامه و انتساب به يك امام معین، برای اثبات سیادت لازم نیست و معروفیت و مشهوریت به سیادت در محل، اگر مورد تردید و شك جمعیت قابل توجهی نباشد، کافی است.

[1730] سؤال 371: اگر مادر یا مادر پدر یا مادر مادر یا پدر این جانب از سادات باشند، آیا بنده سید محسوب می شوم؟ آیا صدقه و کفارات بر من و اولادم حرام است؟ آیا بنده و اولادم می توانیم از عمامه سیاه استفاده کرده، خمس (سهم سادات) دریافت کنیم؟

پاسخ: سید کسی است که نسبت او از طریق پدر به هاشم (جد بزرگوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) برسد و دیگران احکام سید را ندارند و نباید عمامه سیاه بگذارند، هر چند به سبب این انتساب، دارای شرافت هستند.

[1731] سؤال 372: فردی که پدرش از سادات نیست، ولی مادرش از سادات حسینی است،

آیا از نوادگان حضرت فاطمه علیها السلام محسوب می شود و به آن حضرت محرم است؟

پاسخ: در فرض سؤال، از نوادگان حضرت زهرا علیها السلام است و محرم آن حضرت خواهد بود.

مصرف سهم سادات

[1732] سؤال 373: آیا سهم سادات را فقط باید به سادات فقیر داد؟

پاسخ: سهم سادات را یا باید به ساداتی که مستحق شرعی هستند داد و بنا بر احتیاط مستحب از مجتهد جامع الشرائط نیز اجازه گرفت و یا به دست مجتهد جامع الشرائط رساند تا به مصرف برساند و در هر دو صورت مجزی و صحیح است.

[1733] سؤال 374: کسی که سیّد یتیمی را سرپرستی می کند و او را به فرزندی خود پذیرفته است، آیا می تواند سهم سادات را چه از اموال خودش یا از اموال دیگران به مصرف این سیّد برساند؟

پاسخ: می تواند از سهم سادات خود یا دیگران برای او مصرف کند.

[1734] سؤال 375: آیا جایز است سیّد غنی، سهم سادات خود یا دیگران را به فرزند فقیرش بدهد یا خیر؟

پاسخ: برای نفقه واجب او نمی تواند از سهم سادات خود یا دیگران به او بدهد؛ ولی اگر مخارجی داشته باشد که پرداخت آنها بر پدر واجب نباشد، می تواند سهم سادات خود یا دیگران را برای آن مخارج به فرزند خود بدهد.

[1735] سؤال 376: اگر کسی همسرش سیّده باشد و او برادران و خواهران فقیری داشته باشد، آیا می تواند خمس آل محمد علیهم السلام را به همسرش بدهد که صرف در معاش آنها بکند؟

پاسخ: دادن سهم سادات اشکال ندارد، به شرطی که قصد تملیک آن را به

همسرش ننماید؛ بلکه او را وکیل خود کند که به مصرف معاش برادران و خواهرانش برساند؛ اما دادن سهم امام علیه السلام احتیاطاً محتاج به اجازه مجتهد است.

[1736] سؤال 377: آیا جایز است خمس را به نزدیکان خود که محتاج هستند، پرداخت کنیم یا خیر؟

پاسخ: اگر واجب النفقه شما نباشند و دارای شرایط دریافت سهم سادات باشند، سهم سادات را به سادات از آنها می توانید بدهید؛ ولی برای مصرف سهم امام علیه السلام به احتیاط واجب، به طور موردی باید اجازه بگیرید.

[1737] سؤال 378: آیا به زنی هاشمی که شوهرش بدون عذر، نفقه واجب او را نمی دهد، می توان خمس داد؟ و آیا او می تواند خمس را خرج بچه های غیر سیّد خود کند؟

پاسخ: چنانچه گرفتن نفقه با مراجعه به حاکم شرع ممکن نباشد و زن، استحقاق شرعی سهم سادات را داشته باشد و شوهر، خرج زن و بچه را ندهد و بچه ها هم نیازمند باشند، و تأمین مخارج بچه ها خارج از حدّ شأن زن نباشد، زن می تواند به اندازه مخارج خود و بچه ها سهم سادات بگیرد و برای خود و بچه ها مصرف کند.

[1738] سؤال 379: آیا جایز است به کسی که فقیر است و از سادات نیست، به جهت این که همسر او از خانم های سیّده است، خمس داد؟

پاسخ: اگر شوهر قادر بر ادای نفقه زوجه سیّده خود نیست، مانعی ندارد که به زوجه او در صورتی که دارای سایر شرایط باشد، سهم سادات بدهند؛ ولی به شوهر نمی شود سهم سادات داد و برای غیر نفقات واجب زوجه که در حدّ شأن زن است نیز می توان سهم سادات را به زوجه واجد شرایط پرداخت نمود و اگر وضعیت آنها طوری است که مخارج شوهر جزء شئون عرفی زن محسوب می شود، زن می تواند برای مخارج شوهرش نیز سهم سادات بگیرد.

[1739] سؤال 380: آیا برای زن جایز است که خمس اموالش را به شوهرش که مستحق است بدهد و سپس شوهر آن را صرف همسر و زندگی خود کند؟

پاسخ: اگر شوهر مستحق سهم سادات است، زن می تواند سهم سادات اموالش را به شوهرش بدهد و برای شوهر جایز است که آن را بگیرد و در نفقه خود و عیالش در حدّ متعارف مصرف نماید؛ ولی در سهم امام علیه السلام بنا بر احتیاط واجب اجازه مجتهد لازم است.

[1740] سؤال 381: اگر سیّد فقیری بخواهد خانه ای مانند اغنیای دیگر برای خود بنا کند، آیا جایز است از سهم سادات برای بنای این خانه به او کمک کرد؟

پاسخ: بیش از مقداری که مناسب با شأن اوست، نمی توان به وی پرداخت کرد.

[1741] سؤال 382: سیّد فقیری که قادر به تهیه منزل مسکونی برای خود نیست، آیا جایز است با دریافت سهم سادات در طول چندین سال، اقدام به ساخت یا خرید مصالح و لوازم ساخت خانه کند؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[1742] سؤال 383: به سیّد فقیری که اظهار فقر نمی کند و اگر پولی به عنوان خمس به او داده شود، با این که حقّ اوست، قبول نمی کند، چگونه می توان کمک کرد؟

پاسخ: می توانید سهم سادات را با عنوان هدیه به او بدهید، مگر این که بدانید واقعاً حاضر به گرفتن سهم سادات نیست که در این صورت پرداخت آن صحیح نیست.

[1743] سؤال 384: آیا جایز است سهم سادات را به سیّد مستحقی داد، تا صرف امور مستحب، مانند زیارت و عمره و حجّ مستحبی بنماید؟

پاسخ: اگر این گونه امور مطابق شأن او باشد و زیاده روی محسوب نشود،

[1744] سؤال 385: اگر سید فقیری که مستحق شرعی سهم سادات است، به ما بدهکار باشد و از دنیا برود، آیا جایز است بدهی او را بابت سهم سادات حساب کنیم؟

پاسخ: اگر ترکه ای از او باقی نمانده و یا اگر باقی مانده، بچه های فقیری دارد که به آن محتاج هستند، می توانید طلب خود را بابت سهم سادات حساب کنید.

[1745] سؤال 386: خانواده ای که در جایی مشهور به سید بودن هستند، ولی هیچ گونه مدرکی در این رابطه وجود ندارد، آیا مجاز به گرفتن خمس هستند یا خیر؟ در صورت پرداخت خمس به آنها، آیا پرداخت کننده بریء الذمه می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر در منطقه خود، معروف و مشهور به سیادت باشند، در صورت احتیاج می توانند خمس بگیرند و در فرض مذکور، دهنده خمس بریء الذمه می شود.

[1746] سؤال 387: فرزندان حضرت علی علیه السلام که از نسل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیستند، آیا می توانند سهم سادات دریافت کنند؟ حکم دادن صدقه به آنها چگونه است؟

پاسخ: احکام سادات، مخصوص ساداتی است که از طرف پدر به هاشم (جد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم) برسند و مستحق باشند. بنا بر این کسانی که از طرف پدر از اولاد امیر المومنین علیه السلام محسوب می شوند، مانند فرزندان حضرت ابوالفضل علیه السلام به شرط مستحق بودن، می توانند سهم سادات را دریافت کنند و در صدقه نیز منظور از سید همین است و سید می تواند به سید دیگر صدقه بدهد؛ ولی صدقه واجب غیر سید باید به غیر سید داده شود؛ اما دادن صدقه مستحبی از طرف غیر سید به سید مانعی ندارد.

[1747] سؤال 388: آیا لازم است کسی که خمس یا زکات را دریافت می کند، خود را مستحق آن بداند یا همین که دهنده خمس و زکات او را مستحق بداند، کافی است، ولو

این که گیرنده، خودش را مستحق نداند؟

پاسخ: لازم است گیرنده، خودش را مستحق بداند و اگر خودش را مستحق نمی داند، حق گرفتن وجه شرعی را ندارد، هر چند دهنده خمس و زکات در صورتی که استحقاق گیرنده را احراز کند، دیگر تکلیفی ندارد، مگر آن که خلاف آن احراز شود.

[1748] سؤال 389: آیا دادن سهم سادات، احتیاج به اذن مجتهد دارد؟

پاسخ: خیر، ولی احتیاط مستحب است.

[1749] سؤال 390: آیا جایز است بدون اجازه حاکم شرع، تمام خمس را به سید فقیر پردازیم یا خیر؟

پاسخ: احتیاط لازم این است که سهم امام علیه السلام با اذن حاکم شرعی به مصرف برسد و نسبت به سهم سادات، این احتیاط، مستحب است.

سهم مبارك امام عليه السلام

اشاره

[1750] سؤال 391: کسی که سهم امام علیه السلام را دریافت می کند، آیا مالک آن می شود یا فقط حق تصرف در آن را دارد؟ اگر با سهم امام علیه السلام چیزی بخرد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: کسی که به جهت فقر، سهم امام علیه السلام را می گیرد، به اندازه خرج يك سال خود می تواند بگیرد و مالک می شود و چیزی را هم که با آن می خرد، مالک می شود؛ ولی لازم است سهم امام علیه السلام را در مصارف مجاز و در حد شأن خود صرف نماید؛ و اگر به عنوان اجرت کار بگیرد، مالک آن می شود و حکم سایر اجرت ها را دارد؛ و چنانچه دریافتش به جهت تبلیغ و ترویج احکام و معارف دینی باشد، مالک آن می شود و زیادی آن در آخر سال، خمس ندارد.

مصرف سهم مبارك امام عليه السلام و بعضی وجوهات شرعی دیگر

[1751] سؤال 392: طلابی که در مدارس دینی مشغول تحصیل هستند و نیاز مبرم به کتاب

ص: 462

و مخارج دیگر دارند، آیا می توان سهم امام علیه السلام را شخصاً به آنها پرداخت نمود؟

پاسخ: بدون اخذ اجازه احتیاطاً جایز نیست.

[1752] سؤال 393: غیر سیّدی که فقیر و مقروض است و توانایی پرداخت قرض خود را ندارد، آیا برای طلبکار جایز است که قرض او را بابت سهم امام علیه السلام محاسبه نماید؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب از مجتهد اذن بگیرد.

[1753] سؤال 394: افراد خیری به انجمن حمایت از زندانیان که يك مؤسسه غیر دولتی است، جهت آزادی زندانیان بی بضاعتی که به علت بدهکاری و یا دیه در زندان هستند، کمک می کنند. خواهشمند است بفرمایید آیا می توان این کمک ها را از وجوهات محسوب نمود؟

پاسخ: از بابت سهم امام علیه السلام محسوب نمی شود، مگر این که پرداخت کننده به طور موردی اجازه بگیرد.

[1754] سؤال 395: آیا جایز است سهم امام علیه السلام را بدون اجازه مجتهد، در جای خودش مصرف کنیم و بعداً از مجتهد اجازه بگیریم؟

پاسخ: احتیاط این است که قبل از مصرف نمودن در محلّ خودش اجازه بگیرد.

[1755] سؤال 396: وقتی می دانیم مجتهد به مصرف کردن سهم امام علیه السلام در موردی راضی است، آیا باز هم لازم است برای مصرف در آن مورد، از او اجازه بگیریم؟

پاسخ: احتیاط، در گرفتن اجازه است.

[1756] سؤال 397: آیا می توان از سهمین، مظالم، زکات، زکات فطره، صدقات، نذورات، موقوفات عامّه و اموال مجهول المالك و هر آنچه که تصرف در آن منوط به اجازه حاکم شرع است، برای کارهای فرهنگی در جهت افزایش دانش دینی، سیاسی، فرهنگی و حقوق فردی و اجتماعی مردم با تشخیص صاحب وجه و یا وکیل او استفاده

پاسخ: موارد مصرف بعضی از امور ذکر شده در سؤال (مثل سهم سادات، زکات، زکات فطره و...)، در رساله عملیه ذکر شده است و باید در همان موارد مصرف شود و در بعضی از موارد، مثل موقوفات عامه و نذورات، مصرف، تابع نظر واقف و نذر کننده است و در بعضی از موارد دیگر که احتیاج به اجازه مجتهد جامع الشرائط است (مثل سهم امام علیه السلام)، باید اجازه گرفته شود و ممکن است به حسب مورد و مصلحت، مقداری از آن اجازه داده شود.

[1757] سؤال 398: در مساجد شهر ما به مناسبت ایام محرم و رمضان، مرسوم است که هیئت امنای مساجد برای واعظ و مبلغ از مردم مبالغی را به عنوان مال امام جمع آوری می نمایند و بنا بر تحقیقات به عمل آمده 95 درصد مردم با این نیت که این پول به امام جماعت و مبلغ تعلق دارد، آن را پرداخت می نمایند و خرج مسجد را هم جداگانه می پردازند. آیا هیئت امنای مساجد مجاز هستند پولی را که به عنوان مال امام جمع آوری می نمایند، در امورات دیگر (مثل مخارج مربوط به مداح، کفشدار، آشپز، راننده، تعمیر و تکمیل مسجد و کمک به فقراي محل) صرف نمایند؟

پاسخ: چنانچه وجوه مذکور، سهم امام علیه السلام نباشد، مصرف آن، تابع نیت پرداخت کننده آن وجوه است.

[1758] سؤال 399: آیا می توان اموال مجهول المالك را به سادات داد؟

پاسخ: احتیاط این است که به سادات داده نشود.

[1759] سؤال 400: مظالم عباد یعنی چه و در چه طریقی باید به مصرف برسد؟

پاسخ: مظالم عباد به دیونی گفته می شود که بر ذمه اشخاص باشد و صاحبان آنها معلوم نباشد. کسی که مدیون مظالم عباد است، اگر غیر سید است، مظالم را به فقیر غیر سید بدهد و اگر سید است، می تواند به سید فقیر بدهد.

[1760] سؤال 401: آیا برای ردّ مظالم به فقرا، باید از مجتهد اجازه بگیریم یا خیر؟

پاسخ: احتیاط، در اجازه گرفتن است.

دیگر مسائل خمس

[1761] سؤال 402: این جانب پولی را که خمسش را پرداخت کرده ام و باقی مانده آن مثلاً صد هزار تومان شده، در حساب بانکی خود گذاشته ام. با توجه به این که پول بنده در اختیار بانک است و دست به دست می گردد و پولی که از بانک می گیرم، عین پول خودم نیست و ممکن است پولی باشد که خمس آن پرداخت نشده باشد، لطفاً بفرمایید.

الف. آیا به این صد هزار تومان، خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: پولی که خمس آن داده شده، دیگر خمس ندارد، ولو چند سال بر آن گذشته باشد و در بانک هم عوض شده باشد.

ب. در صورتی که هیچ وقت موجودی حساب، کمتر از صد هزار تومان نشده باشد، آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: خیر.

[1762] سؤال 403: شخصی خمس اموالش را داده و سپس چند سال خمس نداده و اکنون می خواهد دوباره خمس بدهد. آیا می تواند به مقدار اموالی که قبلاً خمس آنها را داده، کنار بگذارد و خمس بقیه را بدهد؟

پاسخ: اموالی که خمس آن پرداخت شده و باقی مانده باشند، خمس ندارند.

[1763] سؤال 404: آیا فرزند می تواند از مال خودش از طرف پدرش که خمس بدهکار است، خمس را پرداخت کند؟

پاسخ: جایز است.

[1764] سؤال 405: بعضی ها اظهار می دارند ما عشریه پرداخت می کنیم و خیلی هم دقت دارند که تأخیر نشود. آیا عشریه، وجهه اسلامی دارد و کفایت از خمس می کند یا خیر؟

ص: 465

عشریّه به چه کسانی تعلّق می گیرد؟

پاسخ: در اسلام، چیزی بنام عشریّه نداریم. بعضی از فرق صوفیه آن را معمول کرده اند و آن نه خمس محسوب می شود و نه بدهی دیگر، و باید خمس آن مبلغی را که به عنوان عشریّه خرج می کنند، نیز بدهند؛ زیرا جزء مؤونه حساب نمی شود.

ص: 466

زکات

اشاره

ص: 467

[1765] سؤال 1: آیا در وجوب پرداخت خمس یا زکات، غنی بودن پرداخت کننده خمس و زکات شرط است یا نه؟

پاسخ: در وجوب پرداخت زکات، غنی بودن دهنده آن شرط نیست. پس اگر کسی فقیر است، ولی گندم و یا جو او به حدّ نصاب رسیده است، باید زکات آن را بپردازد و چنانچه خودش استحقاق دریافت زکات را داشته باشد، می تواند از دیگری زکات بگیرد؛ ولی خمس به اموال کسی که مؤونه سال خود را ندارد، تعلق نمی گیرد؛ مگر این که مالی را نگهدارد و در مؤونه صرف نکند و سال بر آن بگذرد که در این صورت باید خمس آن را بپردازد.

نیت زکات

[1766] سؤال 2: اگر کسی زکات مالش را بدون قصد قربت بپردازد، آیا واجب است دوباره زکات را با قصد قربت بدهد یا تنها معصیت کرده و دوباره دادن زکات واجب نیست؟

پاسخ: اگر زکات را با اختیار خود و بدون قصد قربت بدهد، مجزی نیست و باید دوباره با نیت قربت زکاتش را بپردازد.

[1767] سؤال 3: کسی که زکاتش را نمی دهد و حاکم شرع به اجبار از او می گیرد، با توجه به این که قصد قربت نکرده است، آیا بریء الذمّه شده است یا نه؟

پاسخ: بعد از ثبوت ولایت حاکم شرعی بر اخذ زکات از شخص ممتنع، از جهت عدم قصد قربت، اشکالی ندارد و مبرئ ذمّه است.

اموالی که زکاتشان واجب است

زکات غلات

[1768] سؤال 4: کشاورزی که تاکنون زکات نداده است، چه باید بکند تا از نظر شرعی بدهی نداشته باشد؟ وظیفه کشاورزی که جاهل به حکم مسأله بوده و زکات نداده و اکنون مسأله را یاد گرفته، چیست؟

پاسخ: هر مقدار که یقین دارد که به عنوان زکات بر او واجب شده، باید بپردازد و اگر نمی تواند همه را يك جا بدهد، می تواند به تدریج بپردازد و در مقدار بیشتر از آن که شك در وجوب آن دارد، چیزی بر او واجب نیست.

[1769] سؤال 5: آیا راه چاره ای برای زارعی که زکات خود را پرداخت نکرده و مقدار زیادی زکات بدهکار است و فعلاً هم توانایی پرداخت آن را ندارد، وجود دارد؟

پاسخ: با مراجعه حضوری مشکل خود را حل نماید.

[1770] سؤال 6: کشاورزی هستم که سالیان درازی کشاورزی کرده ام و اکنون یقین ندارم که تمام زکات هایی که بر من واجب شده، پرداخته ام یا نه. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

پاسخ: مقداری را که یقین دارید پرداخت نکرده اید، ادا کنید و پرداختن زاید بر آن مقدار یقینی (مقدار مشکوک)، واجب نیست.

[1771] سؤال 7: محصولی از بذری که زکات آن پرداخت شده، به دست آمده است و محصول دیگر از بذری که زکاتش را نداده اند، حاصل شده است. آیا مقدار زکات این دو محصول با یکدیگر متفاوت است یا یکسان؟

پاسخ: بذر از مخارج زراعت محسوب می شود. اگر زکاتش داده شده است، بذر، زکات ندارد و محصول (مقدار باقی مانده پس از کسر کردن مقدار بذر) اگر به حد نصاب برسد، زکات دارد و اگر بذر، زکاتش داده نشده است، باید زکات تمام محصول به دست آمده، چنانچه به حد نصاب برسد، داده شود.

[1772] سؤال 8: تفاوت زکات به هنگامی که زمین زراعتی، اجاره ای باشد با زمانی که ملکی باشد، چه قدر است؟

پاسخ: فقط فرقی این است که در زمین اجاره ای، علاوه بر کسر مخارج، وجه اجاره زمین هم با مخارج دیگر کسر می شود و بعد از کسر مخارج و وجه اجاره، اگر بقیه محصول به حد نصاب برسد، زکات واجب است.

[1773] سؤال 9: زارعی علاوه بر کشت گندم در زمین های خودش، در زمین های همسرش هم گندم کشت می کند و اختیار کامل زمین ها در دست اوست و زنش هیچ گونه دخالتی در این کار ندارد. آیا این کشاورز باید زکات تمام محصول را بدهد یا زکات محصول زمین های خودش را؟

پاسخ: اگر زراعت مذکور به طور مزارعه است، سهم هر يك از مالك زمین و زارع که به حد نصاب رسید، زکات بر او واجب می شود و اگر زمین به طور رایگان در اختیار زارع قرار گرفته است، در صورتی که مجموع زراعت به حد نصاب رسید، زکات فقط بر زارع واجب است.

[1774] سؤال 10: کارگری در فصل درو به مزرعه ای مراجعه می کند و در آن مشغول به درو می شود و در پایان کار به عنوان دست مزد، مقداری گندم به او می دهند که از مقدار نصاب وجوب زکات بیشتر است. آیا زکات این گندم را باید پرداخت کند؟

پاسخ: زکات بر دست مزد دروگر تعلق نمی گیرد.

[1775] سؤال 11: آیا زکات گندمی که با کشیدن آب به وسیله سطل از چاه، آبیاری شده،

با زکات گندمی که با کشیدن آب توسط موتور آب از چاه آبیاری شده، تفاوت دارد؟

پاسخ: در هر دو فرض مذکور، در مقدار زکات فرقی نیست و مقدار آن، يك بیستم است.

[1776] سؤال 12: آبیاری با آب چاه، آب قنات، آب چشمه یا آب رودخانه، در مقدار زکات مؤثر است یا خیر؟

پاسخ: اگر برای رساندن آب به زراعت یا به پای درخت از وسیله ای (مثل دلو و موتور آب) استفاده می شود، مقدار زکات محصول، يك بیستم است و اگر آب به خودی خود بر اثر جریان و یا بارش باران و یا مرطوب بودن زمین و مانند آن به زراعت یا درخت می رسد، مقدار زکات محصول، يك دهم است.

[1777] سؤال 13: کسی در سال گذشته مقداری گندم به دست آورده؛ ولی به حدّ نصاب نرسیده و زکات آن واجب نشده است. امسال

نیز محصول گندمش مانند سال گذشته است؛ ولی مجموع دو گندم به حدّ نصاب می رسد. آیا باید زکات پرداخت کند یا خیر؟

پاسخ: در فرض مذکور، پرداخت زکات واجب نیست.

[1778] سؤال 14: اگر جو و گندم به صورت مخلوط کاشته و درو شود و روی هم به حدّ نصاب برسد، زکات دارد یا خیر؟

پاسخ: اگر هر يك از گندم و جو به حدّ نصاب نرسد، زکات واجب نیست، هر چند هر دو بر روی هم به حدّ نصاب برسند.

[1779] سؤال 15: کشاورزی که در زمینی زراعت گندم و در زمین دیگر زراعت جو دارد، آیا برای به حدّ نصاب رسیدن و دادن زکات،

هر يك را باید جداگانه حساب کند یا این که گندم و جو يك محصول است و روی هم حساب می شود؟

پاسخ: هر يك جداگانه حساب می شود و هر کدام به تنهایی به حد نصاب برسد، زکاتش واجب است.

[1780] سؤال 16: انگوری که کشمش آن مرغوب نیست و اگر تبدیل به کشمش شود، ارزشی ندارد و کسی آن را نمی خرد، آیا زکاتش واجب است؟

پاسخ: اگر با تبدیل نمودن انگور به کشمش، مقدار کشمش به حد نصاب برسد، باید زکات انگور، ولو به کشمش تبدیل نشود، پرداخت شود.

[1781] سؤال 17: اگر سازمان یا ارگانی اقدام به کشت گندم یا جو کند، آیا موقع برداشت محصول، باید زکات آن پرداخت شود؟

پاسخ: زکات تعلق نمی گیرد.

زکات دام

[1782] سؤال 18: اگر زارع یا دامدار، قبل یا بعد از زمان وجوب زکات و قبل از پرداخت آن بمیرد، تکلیف ورثه او درباره پرداخت زکات چیست؟

پاسخ: اگر زارع یا دامدار، پس از تعلق وجوب زکات بمیرد، واجب است زکات از ترکه او پرداخت شود و اگر پیش از تعلق وجوب زکات بمیرد، ترکه او از جمله اعیان زکوی به ورثه او منتقل می شود و هر يك از ورثه که سهمش از اعیان زکوی به حد نصاب برسد و دارای سایر شرایط پرداخت زکات باشد، واجب است زکات بدهد.

[1783] سؤال 19: کسی نذر کرده که گوسفندان خود را صدقه بدهد و قبل از عمل به نذر، گوسفندان متعلق زکات شده اند. اکنون وظیفه او چیست؟

پاسخ: در مسأله مذکور، باید به نذر خود عمل کند و بنابر احتیاط واجب، به اندازه زکات گوسفندان، پول به عنوان زکات آنها بپردازد، مگر این که پس از نذر کردن و قبل از تعلق زکات به گوسفندان، آنها را تملیک کرده، ولی تحویل

ص: 473

نداده باشد که در این صورت فقط عمل به نذر لازم است.

[1784] سؤال 20: ما تعدادی زیادی گوسفند داریم که در بیشتر سال از علف صحرا و بیابان تغذیه می کنند و چند ماهی را هم به آنها علوفه می دهیم، آیا به این گوسفندان زکات یا خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: در مورد مذکور، زکات به آن گوسفندان تعلق نمی گیرد؛ ولی خمس، اگر شرایطش موجود باشد، واجب است.

زکات طلا و نقره

[1785] سؤال 21: آیا در حال حاضر، زکات طلا و نقره، فرض تحقق دارد یا خیر؟ و آیا طلا و نقره های ساخته شده، مانند دست بند، گردن بند و سکه های بهار آزادی، متعلق زکات هستند؟

پاسخ: اگر موضوع زکات طلا و نقره موجود شود، دادن زکاتش واجب است و موضوع طلا و نقره زکوی در رساله ها به طور مشروح بیان شده است.

[1786] سؤال 22: آیا در این زمان، با توجه به شرایط به وجود آمده در معاملات، دیگر به طلا و نقره زکات تعلق نمی گیرد؟

پاسخ: اگر طلا و نقره اکنون هم شرایط وجوب زکات را داشته باشند، بر مالک آنها واجب است زکات آنها را بپردازد.

[1787] سؤال 23: آیا طلا و نقره مصنوعی، مورد زکات واقع می شوند؟

پاسخ: طلا و نقره مصنوعی، حکم طلا و نقره طبیعی و واقعی را ندارند.

[1788] سؤال 24: آیا به اسکناس و سکه های رایج در معاملات این زمان که غیر از طلا و نقره است، زکات تعلق می گیرد؟

پاسخ: اسکناس و پول های دیگر که غیر از نقدین (طلا و نقره) هستند، زکات ندارند.

صرف کردن زکات بدون اجازه مجتهد

[1789] سؤال 25: آیا زکات را خودمان می توانیم بدون اجازه مجتهد، به مصارف معین شده در شرع برسانیم؟

پاسخ: بلی، زکات را بدون اذن مجتهد هم می شود در موارد بیان شده در رساله به مصرف رساند؛ ولی بهتر است از مجتهد اذن گرفته شود.

زکات را در چه راه هایی می توان صرف نمود؟

[1790] سؤال 26: لطفاً فرق صدقه با هدیه را بیان کنید و بفرمایید که آیا بین هدیه به فقیر و صدقه فرقی هست یا خیر؟ و آیا صدقه را فقط به

فقیر می دهند یا به غنی هم می توان صدقه داد و آیا صدقه دادن به سادات جایز است یا خیر؟

پاسخ: در صدقه، علاوه بر بلوغ و عقل و رشد عقلی و مجبور نبودن، قصد قربت لازم است؛ ولی در هدیه، قصد قربت لازم نیست و شرط هم نیست. در صدقه، بعد از قبض و اقباض، رجوع جایز نیست؛ ولی در هدیه، در صورت باقی ماندن عین هدیه، به جز در مواردی، رجوع جایز است. صدقه و هدیه، هر دو خوب هستند؛ ولی صدقه بهتر است و ثواب بیشتری دارد. صدقه واجب، مثل زکات مال و زکات فطره را نمی توان به شخص غنی داد؛ ولی صدقه مستحبی را می توان داد؛ اما بهتر است که به فقیر داده شود. زکات مال و زکات فطره غیر سید را نمی توان به سید داد و بنا بر احتیاط بقیه صدقات واجب، مثل صدقه نذری و ردّ مظالم و کفّارات واجب غیر سید را نیز نمی توان به سید داد؛ ولی صدقه مستحب غیر سید را می توان به سید داد؛ اما سید می تواند هم صدقه واجب و هم صدقه مستحب خود را به سید بدهد.

[1791] سؤال 27: آیا گرفتن صدقه بر سید حرام است؟

پاسخ: زکات واجب (زکات مال و زکات فطره) غیر هاشمی را نمی توان به

هاشمی داد و بنا بر احتیاط سایر صدقات واجب هم همین حکم را دارد؛ ولی دادن صدقه مستحب مانعی ندارد.

[1792] سؤال 28: آیا گرفتن صدقه بر کسی که مادر او سیّده است، حرام است؟

پاسخ: کسی که مادرش سیّده است، ولی پدر او از سادات نیست، گرفتن زکات و صدقه واجب و مستحب بر او حرام نیست.

[1793] سؤال 29: آیا انسان می تواند زکات مالش را جهت ازدواج فرزندان خود به مصرف برساند؟

پاسخ: چنانچه فرزندان، مستحق باشند و مخارج عروسی از محلّ دیگری تأمین نشود، اشکالی ندارد. البته چنانچه احتیاج آنان به ازدواج به گونه ای باشد که مخارج آن جزء نفقات واجب بر پدر به حساب آید، نمی تواند آن را از زکات پرداخت کند.

[1794] سؤال 30: آیا جایز است زکات را به عروس یا داماد یا دختر یا پسر خود و یا فرزندان آنها داد؟

پاسخ: دادن زکات به داماد در صورتی که فقیر واجد شرایط باشد، جایز است و دادن زکات به عروس واجد شرایط در صورتی که پسر نتواند مخارج او را بدهد نیز جایز است. پدر می تواند زکات خود را به پسر و یا دختر و یا نوه های خود که واجد شرایط باشند، در غیر از نفقه واجب آنها بدهد.

[1795] سؤال 31: مردی با زنی ازدواج می کند که از شوهر دیگرش دارای دختر و پسر است، آیا این مرد می تواند زکات خود را به این دختر و پسر بدهد؟

پاسخ: اگر فقیر باشند، و به جهتی (مثل شرط ضمن عقد) نفقه آنها بر او واجب نشده باشد، دادن زکات به آنها جایز است و اشکال ندارد.

[1796] سؤال 32: شخصی توانایی کسب و کار و تحصیل درآمد را دارد؛ ولی راه های کسب

درآمد، مطابق شأن و موقعیت او نیست و به آبروی او لطمه وارد می کند. آیا می توانیم به او زکات بدهیم تا مجبور به کسب درآمد از این راه ها نباشد؟

پاسخ: دادن زکات به چنین شخصی اشکال ندارد و گرفتن او هم جایز است.

[1797] سؤال 33: آیا به کسی که در خواندن نماز سستی به خرج می دهد و گاهی نمازش فوت می شود و یا به کسی که اهل گناه است، می توان زکات داد؟

پاسخ: اگر اهل نماز است، فوت شدن گاه به گاه نماز، مانع پرداختن زکات به او نمی شود؛ ولی احتیاطاً به متجاهر به فسق به مثل ترك نماز و خوردن شراب، نباید زکات داد و همچنین بنا بر اقوی به فقیری که آن را در معصیت مصرف می کند، زکات ندهند.

[1798] سؤال 34: اگر احتمال دهیم زکاتی را که به فقیر می دهیم، در راه معصیت خرج می کند، آیا می توانیم به او زکات بدهیم؟

پاسخ: در صورت وجود سایر شرایط، صرف احتمال مصرف در معصیت، مانع دادن زکات نمی شود، مگر این که احتمال قوی بدهید که در معصیت مصرف می کند.

[1799] سؤال 35: خانواده ای هستند از سادات که یتیم و فقیر هستند؛ ولی هیچ کدامشان نماز نمی خوانند و روزه نمی گیرند. با توجه به این که کسی نیست تا سرپرستی و مخارج آنها را به عهده بگیرد، آیا دادن زکات واجب و یا خمس به آنها صحیح است؟ لازم به توضیح است که مادر آنها از غیر سادات است.

پاسخ: در فرض سؤال، اگر بچه غیر بالغی در این خانواده وجود داشته باشد، می توان از زکات و همچنین از خمس (سهم سادات) به او پرداخت نمود؛ ولی به بقیه افراد خانواده، بنا بر احتیاط واجب نمی توان از این وجوه پرداخت کرد.

[1800] سؤال 36: مستحقی به ما بدهکار است، آیا می توانیم وجوه شرعی یا مظالم و کفاراتی

را که برعهدهٔ ماست به جای آن بدهی حساب کنیم و از مستحق چیزی نگیریم؟

پاسخ: جایز است بدهی او را از وجوه شرعی ذکر شده حساب کنید و چیزی از او نگیرید.

[1801] سؤال 37: آیا می توان زکات را به جای دادن به فقیر، در راه های دیگری که مورد رضایت خداوند است، مصرف نمود؟

پاسخ: اگر مصلحت عامه داشته باشد، در راه خدا می شود زکات را مصرف کرد؛ ولی دادن زکات به فقیر شیعه، بهتر از همهٔ مصارف است.

[1802] سؤال 38: حمام محلّهٔ ما حدود ده سال است که خراب شده و مردم از یاری مسئولان و متولیان، برای مرمت و بازسازی آن نا امید شده اند. آیا برای بازسازی حمام جهت رسیدگی به بهداشت اهالی محلّه، می توان از وجوه شرعی استفاده نمود؟

پاسخ: مصرف نمودن صدقات مستحبّی و زکات واجب و موقوفاتی که برای امور خیریه هستند، اشکالی ندارد.

[1803] سؤال 39: آیا جایز است برای تبلیغ امور دینی و برگزاری مجالس دینی و خرید کتب دینی از زکات استفاده کرد؟

پاسخ: خریدن کتاب دینی از زکات مال خود مکلف، برای خودش جایز نیست؛ ولی در مورد خریدن کتاب دینی برای دیگران از زکات، چنانچه کتاب را برای استفاده اشخاص معین بخرد، اگر مستحقّ زکات باشند و احتیاج به آن کتاب ها داشته باشند، جایز است؛ ولی چنانچه برای استفادهٔ عموم (مانند کتابخانه های عمومی) می خرد، می تواند از سهم «سبیل الله» آنها را بخرد.

همچنین برای برگزاری مجالس مذهبی و تبلیغ امور دینی میتوان از زکات به عنوان سهم «سبیل الله» استفاده نمود.

[1804] سؤال 40: آیا جایز است زکات را صرف ساختن مسجد و درمانگاه و مدرسه

پاسخ: دادن زکات به عنوان سهم «سبیل الله» به مسجد و خرج کردن برای آن و همه کارهای عام المنفعه که نفع آن به عموم مسلمانان می رسد، مانند ساختن و اصلاح راه، درمانگاه ها، بیمارستان ها، مدارس و امثال آن اشکال ندارد.

چه مقدار از زکات را می توان به فقیر داد؟

[1805] سؤال 41: آیا به کسی که هم فقیر باشد و هم بدهکار، می شود بیشتر از خرج يك سال زکات داد؟

پاسخ: به اندازه ای می شود به او زکات داد که بدهی خود را بدهد و خرج يك سال را هم داشته باشد.

[1806] سؤال 42: آیا جایز است به فقیر آن قدر زکات داد که به طور کلی غنی شود، به طوری که در سال های بعد هم نیاز به دریافت زکات نداشته باشد؟

پاسخ: در فرض سؤال، دادن زکات به فقیر در صورتی که برای مصرف کردن باشد، بنا بر احتیاط جایز نیست؛ ولی اگر می دهد تا به کسب مشغول شود و از گرفتن زکات بی نیاز شود، اشکالی ندارد.

دیگر احکام زکات

اشاره

[1807] سؤال 43: آیا مالی که زکات آن پرداخت شده است، امکان دارد که دوباره مشمول پرداخت زکات شود یا خیر؟

پاسخ: در نقدین (طلا- و نقره) و انعام ثلاثه (گوسفند، گاو و شتر) همین گونه است؛ یعنی امسال که زکات آنها پرداخت شد، اگر تا سال آینده مقدار آنها از نصاب کمتر نشده باشد، با وجود سایر شرایط وجوب زکات، باید دوباره زکات آنها پرداخت شود.

[1808] سؤال 44: کسی بدهکار وجوه شرعی است؛ ولی نمی داند که مثلاً زکات بدهکار

است یا مظالم عباد برعهده اوست یا کفاره باید پردازد. آیا می تواند وجوه را به مستحق بدهد و این طور تیت کند که هر کدام از اینها بود، همان حساب شود؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر به همان ترتیب، تیت نماید و به کسی بدهد که مستحق دریافت همه این وجوه شرعی است، اشکال ندارد.

گرفتن زکات از کسی که زکات نمی دهد

[1809] سؤال 45: آیا حاکم شرع می تواند از کسی که مدعی عدم وجوب زکات بر اوست و یا مدعی است که زکات مالش را پرداخته؛ ولی دلیل و مدرکی ارائه نمی دهد، زکات بگیرد؟

پاسخ: قول مالک، قبول است و نیازی به بیّنه و یمین و مدرک ندارد، مگر علم بر خلاف ادعای او در بین باشد و در موردی که مالک، متهم باشد، تفتیش جایز است؛ ولی نباید به گونه ای باشد که موجب اذیت مالک و یا اهانت به او گردد.

[1810] سؤال 46: آیا فقیر می تواند از مال کسی که زکاتش را نمی پردازد، بدون اجازه او بردارد؟

پاسخ: بدون اجازه حاکم شرعی جایز نیست.

زکات اموال وقفی

[1811] سؤال 47: آیا در اموال موقوفه، زکات واجب می شود یا خیر؟

پاسخ: در عین موقوفه، زکات واجب نیست، خواه وقف عام باشد و یا وقف خاص، و در نما و منفعت وقف عام هم زکات نیست؛ ولی در نمای وقف خاص حصه هر يك از موقوف علیهم که به حد نصاب برسد، در صورت وجود سایر شرایط، باید زکات آن را بدهد.

زکات طلب

[1812] سؤال 48: آیا بر طلبکار واجب است که زکات طلب خود را پردازد؟

ص: 480

پاسخ: مادامی که طلبکار، طلب خود را وصول نکند و متمکن از تصرف در آن نباشد، زکات آن بر او واجب نیست.

زکات مستحب

[1813] سؤال 49: آیا مواردی وجود دارد که پرداختن زکات آنها مستحب باشد؟

پاسخ: در چهار مورد، دادن زکات مستحب است:

الف. حبوباتی که مکیل یا موزون است، مانند برنج، نخود، ماش، عدس و امثال آنها و همین طور میوه ها، مانند سیب، زرد آلو، گلابی و مانند آنها؛ ب. مال التجاره؛ ج. اسب های مادیان؛ د. املاکی که منظور از نگهداری آنها منفعت بردن از آنها است، مانند باغ و بستان و مغازه و هتل و امثال آنها.

تصرف در مالی که زکاتش داده نشده

[1814] سؤال 50: آیا تصرف در مالی که متعلق زکات واقع شده و هنوز زکاتش پرداخت نشده، جایز است؟

پاسخ: اگر به عهده بگیرد که زکات را پرداخت نماید، مانع ندارد.

تصرف در زکات جدا شده

[1815] سؤال 51: پولی را که به جهت زکات، از اموال خود جدا کرده و کنار گذاشته ایم، آیا جایز است آن را مصرف کنیم یا با پول یا مال دیگر خود عوض نماییم؟

پاسخ: زکات را پس از جدا کردن، نمی توان مصرف و یا تبدیل نمود.

زکات فطره

پرداخت زکات فطره بر عهده چه کسی است؟

[1816] سؤال 52: شرط واجب شدن زکات فطره، غنی بودن است. به چه کسی غنی

گفته می شود؟ کسی که در يك سال گذشته غنی بوده و یا در يك سال آینده غنی خواهد بود یا کسی که در سال خمسی خود غنی است، ولو این که عید فطر در وسط سال خمسی او واقع شده باشد یا کسی که در سال جاری شمسی یا سال جاری قمری غنی محسوب می شود؟

پاسخ: میزان، داشتن بالفعل و یا بالقوه مخارج خود و عائله اش تا يك سال دیگر است.

[1817] سؤال 53: آیا کسی که غنی است، ولی فعلاً اموالش در دسترسش نیست، واجب است برای ادای زکات فطره قرض کند؟

پاسخ: با تمکّن از قرض کردن، لازم است که قرض نماید و فطره را در وقت خود ادا کند، مگر این که قرض کردن برای او حرجی باشد.

[1818] سؤال 54: فطره پسران یا دخترانی که در شهری دور از وطن خود هستند و درس می خوانند، ولی با پول پدرشان زندگی می کنند و جزء عیال او حساب می شوند، بر عهده خودشان است یا پدرشان؟

پاسخ: فطره، بر پدر واجب است، نه بر فرزندان.

[1819] سؤال 55: کسی که قبل از غروب شب عید فطر از دنیا برود، زکات عیال او که به هنگام غروب، نان خور او حساب نمی شوند، بر عهده کیست؟

پاسخ: زکات فطره عیال این شخص، بر عهده خودشان است، به شرط آن که نان خور کس دیگری نباشند و در هر حال بر ترکه میت چیزی نیست.

[1820] سؤال 56: آیا فطره میهمانی که قبل از غروب آفتاب در شب عید فطر وارد شده، ولی غذای خود را به همراه خود آورده است، بر صاحب خانه واجب است یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، احتیاط واجب آن است که هم میزبان فطره میهمان را

بپردازد و هم خود میهمان فطریه خودش را بدهد، مگر این که میهمان قصد داشته باشد که مدتی در پیش میزبان بماند، به طوری که عرفاً جزء عائله او محسوب شود که در این صورت فطریه میهمان بر عهده میزبان است.

[1821] سؤال 57: میهمانی که در شب عید فطر و قبل از غروب آفتاب خانه میزبان خود را ترك می کند و پس از مغرب دوباره به خانه میزبان باز می گردد، فطریه اش بر عهده خودش است یا میزبانش؟

پاسخ: اگر هنگام ترك منزل، قصد بازگشت داشته، به طوری که هنگام مغرب میهمان او محسوب می شود، فطریه اش بر عهده میزبانش خواهد بود و اگر قصد بازگشت نداشته و تصادفاً یا به هر دلیل دیگری بازگشته است، فطریه اش بر عهده خودش خواهد بود.

[1822] سؤال 58: آیا فطریه کارگرانی که غذایشان را در کارخانه می خورند و یا سربازانی که در پادگان غذا می خورند و یا کارمندان و کارگرانی که اداره یا مؤسسه ای به آنها غذا می دهد و شب عید فطر نیز در آن محل غذا می خورند، به عهده کارخانه یا پادگان یا اداره و مؤسسه است یا بر عهده خودشان؟ حکم کارگر و خادم و راننده خانه در فرض قبلی چیست؟

پاسخ: اگر غذایی که می خورند، جزء حقوق آنها محسوب شود، فطریه آنها بر عهده خودشان است و اگر جزء حقوق آنان نباشد نیز بنا بر احتیاط خودشان فطریه را پرداخت کنند. خادم و راننده و کارگر خانه، در فرض سؤال، جزء عیالات صاحب خانه به حساب می آیند و فطریه آنها بر عهده صاحب خانه است.

واسطه در پرداخت زکات فطره

[1823] سؤال 59: در روز عید سعید فطر، کمیته امداد به طور وسیعی اقدام به جمع آوری

فطریه از افراد می کند تا به دست مستحقین برساند. آیا کسانی که فطریه خود را این گونه می پردازند و خودشان مستقیماً به دست فقیر نمی رسانند، بریء الذمه می شوند یا خیر؟

پاسخ: موارد استحقاق زکات فطره در رساله معین شده است. شخص باید فطره را یا خودش به مستحق برساند و یا به واسطه ای که اطمینان دارد به مستحق فطره می رساند، بدهد و تشخیص موضوع و اطمینان داشتن و یا نداشتن، با خود مکلف است.

[1824] سؤال 60: آیا صحیح است زکات فطره را به امام جماعتی که از طرف مجتهد وکیل نیست بدهیم تا به دست فقیر برساند؟

پاسخ: اگر یقین دارید که آن را به دست فقیر می رساند، اشکالی ندارد.

[1825] سؤال 61: آیا برای مسئولان مدارس جایز است فطریه کسانی را که مایل هستند، جمع آوری نمایند و به خانواده دانش آموزانی که شرعاً مستحق هستند، برسانند؟

پاسخ: برای مسئولان مدرسه، چنانچه آشنا به مسائل شرعی باشند و مستحق شرعی را بشناسند، اشکال ندارد و پرداخت کننده فطریه باید مطمئن باشد که فطریه برای افرادی که مستحق شرعی هستند، هزینه می شود.

دادن جنس دیگر و یا پول به جای زکات فطره

[1826] سؤال 62: آیا برنجی که با کوپن خریداری شده است را می توان به عنوان فطریه داد؟ در صورتی که جواب مثبت باشد، اگر بخواهد قیمت برنج را بدهد، باید قیمت برنج کوپنی را بدهد یا قیمت برنج آزاد را؟

پاسخ: در فطریه، باید قیمت جنس آزاد را ملاک قرار داد، اگر بخواهد خود جنس کوپنی را بدهد، اشکال ندارد؛ ولی اگر بخواهد پول بدهد، قیمت جنس کوپنی کفایت نمی کند.

[1827] سؤال 63: آیا می توان هم ارزش با سه کیلو گرم گندم، جو، برنج و یا خرما، جنس دیگری را (مثل کتاب یا کفش یا لباس) به مستحقّ زکات فطره داد؟

پاسخ: بنا بر احتیاط در صورتی که بخواهد ارزش موارد مذکور (گندم، جو و...) را بپردازد، باید پول آنها را بدهد و نمی تواند جنس دیگری بدهد، مگر این که مستحقّ زکات، جنس دیگر را به جای زکات قبول کند.

مصرف زکات فطره

[1828] سؤال 64: آیا می توان زکات و فطره را به سادات فقیر داد یا خیر؟ در صورت مثبت بودن جواب، به چه صورت باید پرداخت شود؟

پاسخ: پرداخت زکات مال و فطره به سادات جایز نیست، مگر این که زکات دهنده سیّد باشد.

[1829] سؤال 65: در شب عید فطر، قبل از غروب، سیّدی به عنوان میهمان بر غیر سیّد وارد می شود یا غیر سیّدی بر سیّد وارد می شود. در این دو صورت، آیا می توان فطریه میهمان را که برعهده صاحب خانه است به سیّد فقیر داد یا باید به غیر سیّد داده شود؟
پاسخ: در هر دو صورت، بنا بر احتیاط فطره را به غیر سیّد بپردازند.

[1830] سؤال 66: آیا زن سیّده فقیر، می تواند به اعتبار این که شوهرش فقیر و غیر سیّد است، زکات فطره از غیر سیّد دریافت کند؟

پاسخ: در فرض مذکور، زن سیّده نمی تواند برای مصرف خودش از زکات فطره بگیرد؛ ولی دهنده فطره می تواند فطره را به آن زن بدهد که به شوهر غیر سیّدش برساند تا وی آن را برای خود و عیالش به مصرف برساند.

[1831] سؤال 67: آیا دادن زکات فطره به فقیر بی نماز یا معصیت کار صحیح است؟

پاسخ: احتیاط این است به کسانی که آشکارا مرتکب گناهانی چون

ترك نماز و شرابخواری می شوند، فطره ندهند و همچنین به کسی که فطره را در معصیت مصرف می کند، نمی شود فطره داد.

[1832] سؤال 68: آیا شرعاً می توان به فقیر معتادی که اگر فطره بگیرد، در اعتیاد مصرف می کند، فطره داد؟

پاسخ: جایز نیست و کفایت نمی کند.

[1833] سؤال 69: خواهشمند است نظر مبارك خود را در خصوص پرداخت زکات فطره مؤمنین، به مؤسسه حمایت از بیماران نیازمند و صعب العلاج که توسط جمعی از روحانیان معظم، جهت مداوای مریضان بی پناه و درمانده تشکیل گردیده است، اعلام نمایید.

پاسخ: اگر شرعاً مستحق باشند، می توان هزینه خوراك و داروی آنان را از زکات فطره پرداخت نمود؛ ولی باید مراقب باشید که در مصرف آن تأخیر صورت نگیرد و پرداخت کننده فطره باید مطمئن باشد که فطره برای افرادی که مستحق شرعی هستند، هزینه می شود.

دیگر مسائل زکات فطره

[1834] سؤال 70: اگر کسی به عنوان مهمانی وارد خانه ای شود و در آن جا شام صرف کند، کسی نمی گوید که این مهمان با خوردن يك شام در منزل میزبان، جزء عائله او شده است و در عرف مردم، فقط اطلاق مهمان بر این فرد می شود نه عائله. پس چگونه است که با ورود مهمان، قبل از غروب شب عید فطر بر میزبان، مهمان را جزء عائله میزبان محسوب می کنیم و می گوئیم زکات فطره مهمان برعهده میزبان است، در حالی که عائله محسوب شدن مهمان، بر خلاف فهم عرفی است؟

پاسخ: ظاهراً در این مسأله، خلطی میان عائله و نانخور بودن شخصی نسبت به شخص دیگر، و از اهل و عیال او بودن، واقع شده است. در زکات فطره،

ص: 486

معیار این است که مهمان قبل از غروب وارد شود و نانخور صاحب منزل حساب شود، نه این که از اهل و عیال او محسوب گردد.

[1835] سؤال 71: آیا زکات فطره را باید يك جا پرداخت کرد یا می توان مقداری از آن را در روز عید فطر و مقداری را نیز بعداً پرداخت نمود؟

پاسخ: تأخیر انداختن زکات فطره از ظهر روز عید فطر برای کسی که نماز عید نمی خواند و بنا بر احتیاط تأخیر انداختن از نماز عید فطر برای کسی که نماز عید می خواند، جایز نیست؛ ولی چنانچه زکات فطره را در وقت خود از مالش جدا کند، می تواند تمام یا بعضی از آن را بعداً به فقیر پرداخت کند.

[1836] سؤال 72: شخصی شب عید فطر، زکات فطره را کنار گذاشته است؛ ولی همسرش در همان شب یا در روز عید، فطره را (بدون این که بداند زکات فطره است) برداشته و خرج کرده است. اکنون تکلیف چیست؟ آیا دوباره باید فطره را جدا کند و به مستحق بدهد؟ در موقع دادن، نیت ادا کند یا قضا؟

پاسخ: مجدداً باید فطره را بدهد و قصد ادا یا قضا لازم نیست.

حج

اشاره

ص: 489

[1837] سؤال 1: کسی که حَجَّةُ الْإِسْلَام به جا نیاورده و در ماه های حج، برای انجام عمره مفرده به مکه رفته، آیا لازم است در مکه باقی بماند و مراسم حج را به جا آورد و سپس به وطنش بازگردد؟

پاسخ: ماندن در مکه برای به جا آوردن حج، بر او واجب نیست، مگر این که در آن سال مستطیع باشد و یا از قبل مستطیع بوده و به حج نرفته است و تنها راه انجام دادن حج این است که بماند و حج را انجام دهد که در این صورت واجب است در مکه بماند و مراسم حج را به جا آورد.

[1838] سؤال 2: بنده تاکنون سه بار به عنوان مبلّغ زبانندان به مکه معظمه مشرف شده ام و هر سه بار، مأموریت کاری محسوب شده است و علاوه بر مخارج سفر، مبلغی هم به عنوان حق مأموریت دریافت کرده ام. با توجه به این که در آن سه بار، مستطیع نبوده ام و اکنون مستطیع شده ام، آیا باید باز هم حج واجب را به جا آورم و اگر به حج تمتع مشرف شدم، نیت این جانب چه باید باشد؟ حج واجب، مستحبی یا ما فی الذمه؟ پاسخ: در مفروض سؤال، اگر در سفرهای قبلی قصد حَجَّةُ الْإِسْلَام و یا قصد وظیفه فعلی کرده باشید و وظایف مأموریت، با انجام مناسک حج منافاتی نداشته و صحیح انجام شده باشد، از حَجَّةُ الْإِسْلَام کفایت می کند و اگر قصد حَجَّةُ الْإِسْلَام نداشته اید، بنا بر احتیاط پس از استطاعت، قصد «ما فی الذمه» کنید.

[1839] سؤال 3: شخصی يك بار به حج مشرّف می شود؛ ولی می گوید: «حج را آن طور که دلخواه من باشد، انجام ندادم» و اراده می کند که حج را برای بار دوم انجام دهد. آیا در بار دوم، باید نیت احتیاط کند یا نیت «ما فی الذمه»؟

پاسخ: هر دو نیت صحیح است.

[1840] سؤال 4: شخصی در سالی که مستطیع شده است، قبل از فرا رسیدن ماه های حج، قصد توطن در مکه معظمه را می نماید. آیا وی به جای حج تمتع باید حج افراد به جا آورد؟

پاسخ: در فرض مذکور، حج تمتع واجب است.

[1841] سؤال 5: کسی که وظیفه اش حج افراد است، اگر از روی جهل به حکم مسأله، حج تمتع انجام دهد، چه باید بکند؟

پاسخ: باید حج را اعاده کند.

[1842] سؤال 6: برای این که کسی حکم مجاور خانه خدا را پیدا کند، باید چه مدت در مکه بماند؟ و آیا لازم است در این مدت، قصد و نیت مجاورت هم داشته باشد یا خیر؟ پس از تحقق حکم مجاورت، اگر بخواهد حج انجام دهد، کدام نوع حج را به جا آورد؟

پاسخ: کسی که دو سال تمام در مکه به قصد مجاورت بماند و وارد سال سوم شود و پس از دو سال مستطیع شود، وظیفه او حج قران یا افراد است.

[1843] سؤال 7: زنی بر اثر خوف از مقارنت عمره تمتع او با ایام حیض، در مسجد شجره به قصد حج افراد مُحرم شده است؛ ولی پس از ورود به مکه مکرمه حیض نمی شود. آیا با همان احرام باید حج افراد انجام دهد یا عمره تمتع؟

پاسخ: در فرض مذکور که پس از ورود به مکه، کشف خلاف شده است، باید نیت خود را به عمره تمتع برگرداند و تجدید احرام لازم نیست.

[1844] سؤال 8: کسی که مدت ده سال از دیگران ربا گرفته است و اکنون توبه کرده و می خواهد به حج برود، چه باید بکند؟

پاسخ: باید مقداری را که مطمئن است از راه ربا به دست آورده، به صاحبانش بازگرداند و رضایت آنها را به دست آورد و اگر آنها را نمی شناسد، با مراجعه حضوری مشکل خود را مطرح کرده و اموال خود را حساب کند و پس از آن، اگر مستطیع بود، واجب است به حج برود، وگرنه واجب نیست.

[1845] سؤال 9: شخصی می خواهد به حج برود و اموالش با حرام مخلوط شده است؛ چون مشروب فروشی می کرده است. آیا رفتن به حج، با این اموالی که از راه حرام به دست آورده، صحیح است؟

پاسخ: چنانچه با اخراج اموال حرام، با بقیه اموال مستطیع شود و لباس احرام و قربانی او از مال حلال تهیه شده باشد، حج او صحیح است.

[1846] سؤال 10: اگر انسان، اثاث منزل و مایحتاج خود از کتاب و غیر آن را بفروشد و در راه حج مصرف کند، آیا مجزی از حجة الاسلام است یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، مجزی از حجة الاسلام نیست، مگر آن چه را که فروخته، زاید بر حاجت او باشد.

[1847] سؤال 11: کسی که وقت گرفتن طلبش از بدهکار نرسیده و یا اگر زمانش فرارسیده، اکنون بدهکار طلب او را پس نمی دهد. در صورتی که مقدار طلبش آن قدر است که مستطیع می شود و پس از ایام حج نیز می تواند طلب خود را دریافت کند، آیا لازم است که اکنون قرض کند و به حج برود یا هنوز مستطیع محسوب نمی شود؟

پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه قرض کردن به مقدار هزینه سفر برای او مشکل نباشد، مستطیع است.

[1848] سؤال 12: کسی به واسطه داشتن ملك بزرگی مستطیع شده، ولی فعلاً کسی ملك او را نمی خرد تا به مكه برود. آیا لازم است برای رفتن به مكه قرض کند تا در فرصت مناسب ملك خود را به فروش رساند و قرضش را ادا کند یا می تواند تا زمان فروش ملك، رفتن به حج را به تأخیر اندازد؟

پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه قرض کردن برای او مشکل نباشد و پس از بازگشت بتواند به آسانی آن را پرداخت کند، مستطیع است و باید قرض کند و تأخیر حج جایز نیست.

[1849] سؤال 13: کسی مالی دارد که به وسیله آن مستطیع می شود؛ ولی آن مال در دسترس او نیست. وظیفه این فرد در مورد حج چیست؟

پاسخ: چنانچه مطمئن است که مال مذکور قابل تحصیل است، مستطیع است و موظف است در صورتی که قرض گرفتن برای او مشکل نباشد و به آسانی بتواند آن را بپردازد، قرض بگیرد و حج را انجام دهد، و الا لازم نیست.

[1850] سؤال 14: آیا کسی که با قرض کردن حج به جا می آورد، کفایت از حجة الاسلام می کند یا خیر؟

پاسخ: اگر مستطیع نباشد و برای حج قرض کند، حج او مجزی از حجة الاسلام نیست، هر چند بتواند به سهولت قرض خود را ادا نماید و اگر بدون قرض کردن، مستطیع باشد، ولی قرض کند و با پول قرضی حج را به جا آورد، مجزی از حجة الاسلام است.

[1851] سؤال 15: اگر کسی که برای حج مستطیع شده، قبل از رفتن به حج، همسرش مهریه خود را مطالبه نماید و با پرداخت مهریه او از استطاعت خارج شود، آیا باز هم رفتن به حج بر او واجب است یا خیر؟

پاسخ: اگر در سال های قبل مستطیع بوده و می توانسته به حج برود و نرفته و حج بر او مستقر شده و سپس همسرش از او طلب مهریه نموده، چنانچه امکان

ادای مهریه، بعد از حج وجود داشته باشد و همسرش راضی به تأخیر در پرداخت باشد، باید به حج برود، وگرنه اگر راه دیگری برای رفتن به حج، ولو با زحمت و مشقت نداشته باشد، بین انجام حج و ادای مهریه مختار است، گر چه پرداخت مهریه اولی است و اگر امسال مستطیع شده و قبل از وقت حج، همسرش مهریه را طلب کرده و او نمی تواند هم به حج برود و هم مهریه را پرداخت کند، در این صورت، حج بر او واجب نیست.

[1852] سؤال 16: اگر زمان وجوب پرداخت زکات یا خمس، مقارن با ایام حج شود، چنانچه با پرداخت زکات یا خمس از استطاعت برای حج خارج شود، رفتن به حج مقدم می شود یا پرداخت زکات و خمس؟

پاسخ: اگر رفتن کاروان به حج، با تمام شدن سال، مقارن هم باشند و یا حرکت کاروان پس از تمام شدن سال باشد، زکات را باید بدهد و چون بنا بر فرض سؤال، با پرداخت زکات از استطاعت خارج می شود، حج بر او واجب نیست و اگر تمام شدن سال، بعد از حرکت کاروان حج باشد، باید به حج برود و چنانچه تا تمام شدن سال، نصاب زکات باقی می ماند، باید زکات را بپردازد و اگر باقی نمی ماند، زکات واجب نیست. راجع به خمس نیز مسأله به همین ترتیب است، با این تفاوت که در خمسی که بعد از گذشتن سال واجب می شود، دیگر نصاب مطرح نیست.

[1853] سؤال 17: کسی دین و قرض مدت دار دارد و از طرفی مالی دارد که اگر آن را در امر حج صرف کند، نمی تواند دین و قرض خود را در وقت معین شده بپردازد. آیا به جهت این که فعلاً مستطیع است، باید مالش را در راه حج صرف کند یا باید آن را صرف پرداخت دین و قرض خود نماید یا این که مخیر بین دو کار است؟

پاسخ: در فرض سؤال، مستطیع نیست.

[1854] سؤال 18: کسی که برای ساختن یا خرید و یا تعمیر خانه از بانک وام گرفته و در

همان موقع، ایام حج فرا رسیده است، آیا باید به حج برود؟

پاسخ: اگر با قطع نظر از این وام، مستطیع نباشد، با گرفتن وام مستطیع نمی شود.

[1855] سؤال 19: شخص بدهکاری که وقت پرداخت بدهی او رسیده و طلبکار هم طلب خود را از او می خواهد، آیا حق دارد به حج برود؟ در صورت رفتن، حجّش صحیح است یا باطل؟

پاسخ: در فرض مذکور، بر بدهکار واجب است بدهی خود را بپردازد و مجاز به رفتن به حج نیست؛ ولی چنانچه به حج رفت، گرچه بر اثر ترك ادای دین معصیت کرده؛ ولی حجّ او صحیح است و چنانچه در صورت پرداخت بدهی خود، با بقیه اموالش مستطیع باشد، حجّ او مجزی از حجّه الاسلام است.

[1856] سؤال 20: شخصی که «ردّ مظالم» بر عهده اوست و از طرفی برای حج مستطیع شده است، آیا باید مالی را که در نزد اوست، در حج صرف کند یا اقدام به ردّ مظالم نماید؟

پاسخ: اگر علاوه بر مقدار مالی که برای ردّ مظالم واجب لازم است، به اندازه مخارج حج مال نداشته باشد، مستطیع محسوب نمی شود، مگر این که مجتهد جامع الشرائط اجازه تأخیر در ادای حق را بدهند و او بداند که بعد از حج، قدرت ادای آن را دارد.

[1857] سؤال 21: کسی که اهل خمس دادن نیست و در ماه شوال حقوق خود را دریافت کرده و می خواهد با آن به حج مشرف شود، آیا لازم است خمس این پول را بدهد؟

پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه از قبل، بر ذمه او بدهی از بابت خمس بوده و نپرداخته، تصرف در مبلغ مذکور، بدون کسب اجازه اشکال دارد؛ ولی چنانچه از قبل، بدهی از بابت خمس بر ذمه او نبوده، مصرف کردن مبلغ مذکور برای

حج اشکالی ندارد.

[1858] سؤال 22: شخصی که پول های خود را پس انداز می کند تا منزل مسکونی خود را به منزلی بزرگ تر تبدیل کند تا بتواند راحت تر زندگی کند، چنانچه قبل از تبدیل خانه بتواند با آن پول ها به حج مشرف شود، کدام يك از رفتن به حج یا تبدیل منزل را مقدم نماید؟

پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه منزل موجود، پایین تر از شأن عرفی اوست، رفتن به حج بر او واجب نیست و می تواند وجوه مذکور را در تبدیل منزل صرف کند.

[1859] سؤال 23: خانمی پس از عقد ازدواج، مهریه خود را که مقدارش وافی به حج است، از شوهرش می گیرد؛ لکن نیازمند به جهیزیه است و از طرفی ایام حج هم فرارسیده است. آیا او مستطیع شده و واجب است به حج برود یا می تواند با مهریه خود جهیزیه تهیه کند؟

پاسخ: در فرض مذکور، جهیزیه متناسب با شأن زن، جزء مؤونه او محسوب می شود و لذا مستطیع نشده است و حج بر او واجب نیست.

[1860] سؤال 24: زنی مقداری طلا و زیور آلات دارد و از آنها استفاده می کند و مال دیگری ندارد. اگر زیور آلات خود را بفروشد، می تواند حج به جا آورد. آیا این زیور آلات، مستثنای از استطاعت محسوب می شود یا واجب است آنها را بفروشد و با پول آنها حج به جا آورد؟

پاسخ: اگر داشتن و استفاده از این مقدار از زیور آلات، فوق شأن او نباشد، لازم نیست برای حج آنها را بفروشد و مستطیع محسوب نمی شود.

[1861] سؤال 25: زنی مستطیع است؛ اما اگر دارایی خود را برای حج به مصرف برساند، به جهت این که شوهرش نمی تواند تمام مخارج منزل را فراهم نماید، پس از بازگشت از

حج، زندگی این زن و شوهر دچار مشکل می شود. آیا این زن باید به حج برود یا مخیر بین رفتن و ماندن است یا اصلاً حق رفتن به حج را ندارد؟

پاسخ: اگر با صرف نمودن دارایی خود برای حج، اداره زندگی او پس از بازگشت از حج حرجی می شود، حج بر او واجب نمی شود و اگر به حج برود، حَجَّة الاسلام به حساب نمی آید، گر چه رفتن به حج بر او حرام نیست.

[1862] سؤال 26: آیا حج بر زنی که شوهرش مدیون است و ماهانه مبلغ زیادی را از بابت دیون خود می پردازد، واجب است یا خیر؟

پاسخ: اگر زن، مستطیع باشد و دیون شوهرش موجب حرج بر زن نگردد، حج بر او واجب است.

[1863] سؤال 27: پدری که به اندازه هزینه حج مال دارد، ولی فرزندش ازدواج نکرده یا مریض است و احتیاج به درمان دارد، باید حج را مقدم کند یا ازدواج و درمان فرزندش را؟

پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه هزینه ازدواج فرزند و معالجه او، از مخارج عرفی پدر محسوب می شود، مستطیع نشده است و حج بر او واجب نیست.

[1864] سؤال 28: اگر بچه یا دیوانه ای برای انجام حج استحبابی به مکه برود و در حج، بچه نابالغ، بالغ شود و یا دیوانه، عاقل شود، آیا برای این که حج آنها مجزی از حَجَّة الاسلام باشد، استطاعت شرط است یا خیر؟

پاسخ: در بعضی از صورت ها کفایت از حَجَّة الاسلام می کند، به شرط آن که شرایط استطاعت را نسبت به بقیه اعمالی که بعد از بلوغ یا عاقل شدن انجام می دهد، دارا باشد.

[1865] سؤال 29: کسی که مقداری مال دارد و برای انجام دادن حج، بدون احتساب پول قربانی کافی است و می تواند به جای قربانی کردن روزه بگیرد، آیا مستطیع محسوب می شود؟

پاسخ: در فرض سؤال، مستطیع نیست.

[1866] سؤال 30: اگر کسی از وجوه شرعی، نظیر خمس و زکات ارتزاق می کند، اگر از آن وجوه مقداری اضافه بیاید که به اندازه مخارج حج باشد، آیا با وجود سایر شرایط، این شخص مستطیع محسوب می شود یا خیر؟

پاسخ: اگر کسی که حق پرداخت و تملیک این گونه وجوه را دارد، به او تملیک نماید و سایر شرایط استطاعت را نیز دارا باشد، مستطیع محسوب می شود.

[1867] سؤال 31: اگر کسی با پول خمس نداده به حج برود، حجّش چه حکمی دارد؟

پاسخ: حجّش صحیح است؛ ولی باید فوراً خمس را پرداخت نماید، مگر این که با عین پولی که خمس آن را نداده، لباس احرام و یا قربانی خریده باشد و بنای پرداخت خمس را نیز نداشته باشد، که در این صورت حجّش اشکال دارد.

حجّ بذلی

[1868] سؤال 32: زن و شوهر آبرومندی فقیر نیستند؛ ولی توانایی برای به رفتن حج را ندارند. چنانچه از طرف خواهر زن که متمکن است، پیشنهاد رفتن به حج به آنها داده شود؛ ولی به علت مناعت طبع این زن و شوهر، قبول این پیشنهاد برای آنها سخت و ناگوار باشد، آیا می توانند این پیشنهاد را رد کنند یا خیر؟

پاسخ: قبول حجّ بذلی واجب است، مگر این که واقعاً موجب حرج باشد.

[1869] سؤال 33: زن و شوهری فقیر هستند و پسر آنها قصد دارد که مادر را به حج ببرد؛ ولی پدر راضی به این امر نیست. آیا با عدم رضایت شوهر، حج بر زن واجب می شود؟

پاسخ: در فرض مذکور، با تحقق حجّ بذلی برای زن، حج بر او واجب می شود و عدم رضایت شوهر او شرعاً مانع وجوب حج بر زن نمی شود.

[1870] سؤال 34: آیا بر کسی که بدهی دارد و مالی به او بخشیده شده است و وقت پرداخت بدهی رسیده است و طلبکار نیز پول خود را می خواهد، پرداخت بدهی واجب

پاسخ: چنانچه بخشنده، مال مذکور را برای صرف در خصوص حج به او بخشیده، مستطیع نیست و حج بر او واجب نمی شود.

[1871] سؤال 35: کسی که خمس و زکات بدهکار است و مالی را به او می بخشند، آیا رفتن به حج را باید مقدم کند یا پرداخت خمس و زکات را؟ در صورتی که پس از حج بتواند خمس و زکات را پرداخت کند، حکمش چیست؟

پاسخ: در فرض مذکور، مستطیع نیست و بر او واجب است بدهی مربوط به خمس و زکات را بپردازد، مگر این که برای تأخیر در پرداخت آنها اجازه بگیرد و متمکن از پرداخت در وقت مقرر باشد.

[1872] سؤال 36: کسی که خمس بدهکار است و مالی به او بذل می شود تا با آن حج به جا آورد، آیا می تواند به حج برود؟ و آیا حجش، حَجَّة الاسلام محسوب می شود؟

پاسخ: بلی، حج بر او واجب می شود و مجزی از حَجَّة الاسلام است.

[1873] سؤال 37: حکم شرع اسلام در مورد کسی که مالی برای به جا آوردن حج به او بخشیده شده و با آن حج به جا آورده و سپس فهمیده که آن مال از راه حرام به دست آمده بوده، چیست؟

پاسخ: حجّ مزبور کفایت از حَجَّة الاسلام نمی کند، هر چند حجّ او صحیح است و اگر قربانی را با این عین این پول خریده باشد، نه به صورت معامله کلی، قربانی او نیز کفایت نمی کند و باید در سال بعد، در روز عید قربان در منی، خودش و یا نایبش قربانی کنند و نسبت به اموالی که در این راه خرج کرده، ضامن است.

[1874] سؤال 38: کاروان داری که حجّاج را به مکه معظمه می برد، به شخصی می گوید که توده نفر از حجّاج را برای قافله و کاروان من آماده کن و من هم در عوض تو را مجاناً به حج

می برم. با توجه به این که این کاروان دار، در حقّ حجّاج اجحاف می کند، آیا رفتن این شخص با این روش به حج که سبب اجحاف در حقّ حجّاج شده، شرعی است و کفایت از حجّة الاسلام می کند؟

پاسخ: اگر عمل او اجحاف در حقّ حجّاج محسوب شود، جایز نیست و اگر به سبب آن به حج برود، صحّت حجّش محلّ اشکال است.

استطاعت بدنی

[1875] سؤال 39: کسی که مایوس از به دست آوردن استطاعت بدنی است و برای خود، جهت انجام دادن حج نایب می گیرد و بعدها استطاعت بدنی پیدا می کند، آیا دوباره لازم است حجّة الاسلام را خودش به جا آورد یا خیر؟

پاسخ: با عدم استطاعت بدنی، چنانچه قبلاً حج بر او مستقر نشده باشد، نایب گرفتن برای حج، واجب نیست و در صورتی که استطاعت بدنی برای او حاصل شود، چنانچه استطاعت مالی و طریقی او باقی باشد، بر او واجب است حج انجام دهد و چنانچه حج بر او مستقر شده بوده و سپس استطاعت بدنی را از دست داده و نایب گرفته است و بعداً استطاعت بدنی پیدا کرده، چنانچه استطاعت مالی هم داشته باشد، به احتیاط واجب خودش حجّة الاسلام به جا آورد؛ ولی اگر استطاعت مالی نداشته باشد، وجوب انجام دادن حج بر او معلوم نیست.

[1876] سؤال 40: کسی که بعد از انجام عمره تمتّع و قبل از مُحرم شدن برای حج، بر اثر سگته یا تصادف بی هوش می شود و او را با همان حال به وطنش بر می گردانند و بعد از ماه ذی الحجّه به هوش می آید، آیا تکلیفی دارد یا خیر؟

پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه اولین سال حصول استطاعت او بوده، چون قدرت بدنی نداشته، حج بر او واجب نبوده است و هر گاه در آینده، سایر شرایط استطاعت او باقی باشد و سلامتی خود را نیز باز یابد، باید حج به جا

آورد، وگرنه تکلیفی ندارد؛ ولی اگر حج از سال های قبل بر او مستقر شده باشد، باید به هر نحوی که می تواند، در آینده حج را به جا آورد و اگر خودش نمی تواند و از بهبودی خود نیز ناامید است، باید نایب بگیرد و در هر حال، احتیاط مستحب این است که در صورت توانایی، خود شخص و در صورت عدم توانایی، نایب او طواف نساء به جا آورد.

استطاعت طریقی و زمانی

[1877] سؤال 41: شخصی اگر از سایر ورثه اجازه بگیرد، می تواند با استفاده از فیش میّت به حج مشرف شود. آیا اجازه گرفتن از سایر ورثه به عنوان مقدمه، مثل ثبت نام و تهیه بلیط و امثال آن واجب است یا خیر؟ و با فرض اجازه نگرفتن، چنانچه با همان فیش به حج برود و سایر شرایط را داشته باشد، حجّ او صحیح است و کفایت از حَجّة الاسلام می کند یا نه؟

پاسخ: اجازه گرفتن از سایر ورثه واجب است و اگر بدون اجازه آنان با استفاده از آن فیش به حج برود، صحّت حجّش خالی از اشکال نیست.

[1878] سؤال 42: شخصی برای حج، استطاعت مالی و بدنی داشته؛ ولی راه برای رفتن باز نبوده و الآن که نوبت رفتن او شده است، دیگر توانایی مالی و بدنی برای رفتن به حج را ندارد. آیا او حق دارد نوبت خود را به فرزندش بدهد تا او به حج برود؟

پاسخ: در فرض سؤال، جایز است.

[1879] سؤال 43: اگر تمام شرایط وجوب حج برای کسی فراهم باشد، به جز زمان کافی و یا باز بودن راه، آیا لازم است استطاعت مالی خود را تا سال بعد حفظ کند یا خیر؟

پاسخ: در صورت تنگ بودن وقت برای حج، حفظ استطاعت مالی تا سال بعد لازم است؛ و در مورد باز نبودن راه، چنانچه باز شدن راه در سال آینده، بسته به این باشد که در همان سال حصول استطاعت مالی، هزینه حج را پردازد یا در ثبت نام و قرعه کشی شرکت کند، لازم است اقدام کند و اگر اقدام نکرد، حفظ

رجوع به کفایت

[1880] سؤال 44: شخصی که پس از روانه شدن به حج، «مخارج عائله» یا «رجوع به کفایت» او از بین برود، حجش چه حکمی دارد؟

پاسخ: چنانچه پیش از احرام، رجوع به کفایت از بین برود، در صورت احرام بستن کفایت از حَجَّة الاسلام نمی کند؛ ولی اگر پس از پایان اعمال باشد، حج او کفایت از حَجَّة الاسلام می کند؛ بلکه چنانچه در بین اعمال نیز باشد، بعید نیست کفایت کند.

[1881] سؤال 45: چنانچه شرکت بیمه با دریافت مبلغ اندکی از حجاج، متعهد شود که اگر در طول سفر برای حاجی حادثه ای پیش آید که منجر به فوت یا نقص عضو او گردد و یا پس از بازگشت از سفر، قادر به کار کردن نباشد و یا شرایط اقتصادی به گونه ای شود که کسب و کارش از رونق بیفتد، در مقابل، شرکت بیمه مقرری ماهانه ای به این حاجی و یا خانواده او تا مدت يك سال بدهد، آیا این گونه بیمه شدن، سبب حصول «رجوع به کفایت» که یکی از شرایط وجوب حج است، می شود؟

پاسخ: اگر تردید در «رجوع به کفایت» از ناحیه امور مذکور در سؤال باشد، با بیمه معتبر حاصل می شود، به شرط آن که تضمین (از نظر مقدار و زمان)، متناسب با حادثه و خسارت باشد.

مسائل دیگر استطاعت

[1882] سؤال 46: شخص ناشنوایی که به تنهایی نمی تواند سفر کند، اگر استطاعت مالی پیدا کند، حج بر او واجب می شود یا خیر؟ اگر به فرزندش بگوید که از طرف من حج به جا بیاور، آیا نیابت از طرف او صحیح است؟

پاسخ: ناشنوایی، به تنهایی عذر شرعی محسوب نمی شود، مگر این که سفر کردن برای حج، موجب حرج برای او شود و کسی هم نباشد که او را در سفر

همراهی کند و متکفل امور او شود و چنانچه از این که در آینده نیز توانایی رفتن به حج را پیدا کند، مأیوس باشد، نایب گرفتن شخص دیگر صحیح و موافق با احتیاط استحبابی است؛ ولی اگر بعداً بتواند به حج برود و شرایط دیگر استطاعت نیز باقی باشد، خودش باید حج به جا آورد.

[1883] سؤال 47: شخص بالغی دیوانه شده و گاهی برای مدت بسیار کوتاهی حالش خوب می شود؛ ولی اکثر اوقات در حالت جنون به سر می برد. در صورتی که پس از دیوانه شدن استطاعت مالی پیدا کند، حکم شرعی درباره اش چیست؟
پاسخ: وظیفه ای بر عهده او یا ولیش نیست.

[1884] سؤال 48: آیا کسی که ایام حج با زمان امتحانات او مصادف شده و اگر به حج برود، نتیجه یک سال زحمات او از بین می رود، می تواند رفتن به حج را ترك کند؟ در صورتی که ترك حج برای او جایز باشد، وظیفه بعدی او چیست؟
پاسخ: در فرض سؤال، به جا آوردن حج برای او در آن سال واجب نیست؛ ولی باید استطاعت خود را حفظ کند و در سال بعد، حج به جا آورد.

[1885] سؤال 49: خدمه حج که عمره تمتع را به جا آورده اند و سپس به خاطر مأموریت، از انجام حج منع شده اند، چه تکلیفی دارند؟
پاسخ: با عدم تمکن از انجام حج، وظیفه دیگری ندارند؛ ولی احتیاط مستحب این است که طواف نساء انجام دهند.

استقرار حج

[1886] سؤال 50: شخصی مقداری مال داشته که برای انجام حج کافی بوده؛ ولی او نمی دانسته و پس از این که مالش از بین رفته، متوجه این موضوع شده است. آیا بر این شخص، حج مستقر شده است یا خیر؟
پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه عدم علم او به استطاعت، بر اثر تقصیر و

کوتاهی از فحوص بوده، حج بر او مستقر شده و اگر قاصر بوده و کوتاهی نکرده، حج بر او مستقر نشده است.

[1887] سؤال 51: آیا کسانی که در سال های گذشته فیش سفر حج را خریده اند، ولی به خاطر تراکم متقاضیان نتوانسته اند به حج مشرف شوند و امروز نیز استطاعت لازم را ندارند، حج بر آنها مستقر شده است یا اصلاً مستطیع محسوب نمی شوند و می توانند فیش خود را به دیگران واگذار نمایند؟

پاسخ: اگر از قبل، حج بر آنان مستقر نشده باشد و در سال اول استطاعت، فیش خریده باشند، اکنون واگذار نمودن فیش به دیگران بلا مانع است، وگرنه نمی توانند فیش را واگذار کنند، بلکه به هر نحوی باید به حج بروند، گرچه اکنون مستطیع نباشند.

[1888] سؤال 52: حکم شرعی نسبت به کسی که حج بر او مستقر شده و انجام نداده و سپس دیوانه شده است، چیست؟

پاسخ: با عارض شدن جنون، خود او تکلیفی ندارد؛ ولی پس از فوت، باید از ترکه وی برای او نایب بگیرند تا به نیابت از او حج انجام دهد و انجام دادن حج نیابی برای او، اگر امید به خوب شدن او وجود ندارد، در حال زنده بودن او هم صحیح است.

[1889] سؤال 53: کسی که حج بر او مستقر شده و انجام نداده و اکنون انجام دادن حج برای او غیر مقدور و یا موجب عسر و حرج است، چه باید بکند؟

پاسخ: در فرض مذکور، حج بر ذمه اوست و تا می تواند باید انجام دهد، ولو متسکعاً باشد و اگر به علت پیری یا بیماری یا عذری که امید به برطرف شدن آن نیست، نتواند خودش به حج برود، واجب است دیگری را نایب بگیرد و کسی که حج بر او مستقر شده است، چنانچه تا موقع مرگ، خودش حج را به جا نیاورد و یا اگر وظیفه اش نایب گرفتن بوده، نایب نیز نگرفته باشد، بر ورثه

واجب است اگر مالی از او به جا مانده باشد، از طرف او حج انجام دهند.

حج نذری

[1890] سؤال 54: آیا در حج نذری هم لازم است نذر کننده، استطاعت شرعی داشته باشد تا عمل به نذر بر او واجب شود؟

پاسخ: اگر حَجَّة الاسلام را نذر کرده، باید استطاعتی را که شرط وجوب حَجَّة الاسلام است، داشته باشد و چنانچه فاقد استطاعت باشد، باید جهت تحصیل آن کوشش نماید، مگر این که نذر او مقید به حصول استطاعت باشد و اگر غیر از حَجَّة الاسلام را نذر کرده، استطاعت، شرط وجوب وفای به نذر نیست؛ ولی باید حرجی نباشد.

[1891] سؤال 55: در تراحم بین حج نذری و حَجَّة الاسلام، کدام يك مقدم است و باید زودتر انجام شود؟ اگر در همان سالی که نذر کرده، مستطیع شود چه باید بکند؟

پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه قصد نذر کننده به هنگام انشای نذر این بوده که حج مستقلی جدای از حَجَّة الاسلام به جا آورد، حَجَّة الاسلام مقدم است، و چنانچه قصد او اعم از حَجَّة الاسلام و غیر آن بوده، می تواند با انجام يك حج، هر دو را قصد کند.

[1892] سؤال 56: شخصی نذر کرده تا عمره به جا آورد و پس از نذر کردن، مستطیع شده است. آیا عمره تمتع او کفایت از نذر هم می کند؟

پاسخ: اگر در قصد نذر کننده، عمره به صورت مطلق نذر شده و مقید به مفرده بودن نشده است، می تواند با انجام دادن عمره تمتع، قصد وفای به نذر هم بنماید.

[1893] سؤال 57: شخصی دو نذر کرده است، يك نذر برای انجام دادن حج تمتع و نذر دیگر

برای به جا آوردن عمره مفرده در ماه رجب؛ ولی اکنون توانایی مالی برای انجام دادن هر دو را ندارد. در این صورت کدام يك را باید مقدّم کند؟ و آیا نسبت به نذر دیگر که توانایی انجام دادش را ندارد، تکلیفی دارد یا نه؟

پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه مستطیع نبوده، هر يك از دو نذر را که زمان به جا آوردن مورد آن جلوتر است، باید مقدّم بدارد و به نذر دیگر پس از تمكّن عمل کند.

[1894] سؤال 58: اگر کسی نذر کند که امسال يك عمره مفرده در ماه رمضان به جا آورد و همچنین به جا آوردن حجّ تمتّع در همین سال را نیز نذر کرده باشد و قدرت مالی برای انجام دادن هر دو را در امسال نداشته باشد، وظیفه اش چیست؟ اگر یکی را مطلق و دیگری را مقید به امسال نذر کرده باشد، حکمش چیست؟

پاسخ: در فرض اول، باید عمره مفرده در ماه رمضان را انجام دهد و در فرض دوم، نذری که مقید به امسال است، باید به جا آورده شود و نذر دیگر را بعداً انجام دهد.

حجّ استحبابی

[1895] سؤال 59: افرادی هستند که حَجَّة الاسلام را به جا آورده اند و سال های بعد به عنوان حجّ استحبابی یا به نیابت از معصومین علیهم السلام و یا به عنوان حجّ تبرّعی از طرف بعضی از مؤمنین حجّ به جا می آورند. با توجه به این که ذبح و قربانی در کشتارگاه فعلی، خارج از منی است و حجّ افراد قربانی ندارد، آیا برای افراد فوق، احوط، انجام دادن حجّ افراد است؟

پاسخ: مورد مذکور در سؤال، موجب احتیاط برای به جا آوردن حجّ افراد نمی شود و اشخاص مذکور می توانند هر يك از اقسام سه گانه حج را انجام دهند، بلکه به جا آوردن حجّ تمتّع افضل است.

[1896] سؤال 60: آیا تکرار حج در هر سال، برای مردان و زنان مستحب است یا در این مسأله تفصیل وجود دارد، خصوصاً در این سال ها که ترك تکرار حج، موجب اعطای فرصت به کسانی می شود که حج به جا نیاورده اند؟

پاسخ: تکرار حج در هر سال، اگر از راه خلاف شرع حاصل نشود، مستحب است؛ ولی آن حجّ مستحبی که سبب تأخیر و یا عدم توفیق انجام دادن حج برای کسانی که حج بر آنها واجب شده است، می گردد، ترك كردنش به جهت ایجاد فرصت برای آنان امر مطلوبی است.

[1897] سؤال 61: شخصی که وظیفه اش حجّ تمتّع است و آن را به جا می آورد و در سال بعد با احرام عمره مفرده وارد مکه می شود و پس از به جا آوردن عمره مفرده، اراده حج افراد به عنوان حجّ استحبایی می نماید، آیا حقّ این کار را دارد؟ و در صورت صحیح بودن، در مکه مُحرم شود یا در غیر مکه؟

پاسخ: در فرض سؤال، این کار جایز است و قدر متیقن، احرام بستن در یکی از میقات های پنجگانه است.

وصیت به حج

[1898] سؤال 62: اگر کسی وصیت کند که فرزند بزرگش از جانب او حج انجام دهد، آیا زاد و راحله و مصارف سفر، از اصل ترکه برداشته می شود یا از ثلث آن؟

پاسخ: اگر وصیت به ادای حَجَّة الاسلام کرده، از اصل ترکه او برداشته می شود، وگرنه از ثلث ترکه اش باید مصرف شود.

[1899] سؤال 63: کسی در زمان حیاتش حَجَّة الاسلام را انجام داده و بعد وصیت کرده که از طرف او حج به جا آورند و معلوم نیست به جهت این که حَجَّة الاسلام خود را باطل می دانسته، وصیت کرده یا احتیاط نموده یا حجّ نذری برعهده اوست یا مرادش انجام

حجّ استحبّابی است. در این صورت، حجّ او را به چه نیتی باید انجام دهند؟

پاسخ: چنانچه قرینه ای که دال بر نوع حج است، همراه وصیت مذکور نباشد، باید حج را به قصد آنچه در نیت وصیت کننده است، انجام داد.

[1900] سؤال 64: شخصی وصیت کرده که وقتی نوبت حجّش فرا رسید، عالمی دینی از طرف او حج انجام دهد؛ ولی بعد از فوت او قانونی وجود ندارد که بتوان نوبت را به فرد اجنبی دیگری منتقل نمود. بنا بر این ورثه تصمیم گرفتند که یکی از آنها از نوبت استفاده کند. آیا وارثی که از نوبت استفاده می کند، جایز است برای خودش حج انجام دهد و برای میت نایب بگیرد؟

پاسخ: اگر با اجازه وراث باشد، اشکالی ندارد؛ ولی کسی را که برای پدرش به عنوان نایب انتخاب می کند، باید دارای شرایطی که در وصیت پدرش ذکر شده است، باشد.

[1901] سؤال 65: کسی پس از استقرار حج بر او از دنیا رفته و وصیت کرده که شخص معینی از طرف او حج انجام دهد؛ ولی آن شخص، امسال برای کس دیگری اجیر شده است. آیا باید شخص دیگری را اجیر کنند یا صبر کنند تا سال بعد، همین شخص حج را انجام دهد و یا این که باید از او درخواست کنند تا اجاره اش را با دیگران فسخ کند و از طرف این میت، در همین سال، حج به جا آورد؟

پاسخ: با عدم تمکّن از استتباب شخص مذکور از این که در سال اول، حجّ نیابتی برای موصی انجام دهد، وصیت نسبت به انجام گرفتن حج توسط آن شخص باطل است و واجب است شخص دیگری برای انجام دادن حج اجیر شود.

[1902] سؤال 66: میت وصیت کرده که شخص معینی را برای انجام دادن حجّ استحبّابی، در سال اول پس از فوت او نایب بگیرند و یا از مکان معینی در سال اول پس از فوت، نایب گرفته شود. اگر عمل به وصیت ممکن نشد، چه باید کرد؟

پاسخ: با عدم تمکّن از استتبابه شخص معین و رعایت مکان معین، نایب گرفتن ساقط نمی شود و واجب است شخص دیگر و از مکان دیگر برای انجام دادن حج، نایب گرفته شود، مگر این که با توجه به قرائن و شواهد قطعی اطمینان حاصل شود که حجّ وصیت شده، مقید به شرایط مذکور بوده که در این صورت، وصیت باطل است.

[1903] سؤال 67: میّتی مبلغی را برای انجام دادن حج، وصیت کرده که کمتر از ثلث اموالش و بسیار بیشتر از هزینه حج است. ورثه نسبت به مازاد از هزینه حج چه باید بکنند؟

پاسخ: چنانچه غرض موصی از صرف کردن مبلغ مذکور در حج، این بوده که فقط يك حج انجام شود، مقدار زاید، ملك ورثه است؛ ولی چنانچه غرض او این بوده که تمام مبلغ مذکور، صرف در امر حجّ نیابی او شود، باید مطابق غرض میّت عمل شود و اگر مقصود او به هیچ وجه روشن نیست، نایبی که به واسطه داشتن امتیازاتی اجرتش از دیگر نایب ها بیشتر است، به نیابت گرفته شود و مازاد بر اجرت او برای میّت در امور خیر به مصرف برسد.

نیابت در حج

[1904] سؤال 68: مادری برای حجّ ثبت نام کرده و قبل از این که نوبت او برای اعزام به حج برسد، فوت کرده است. این مادر به فرزند معلول خود که از برخی اعمال حج معذور است، وصیت کرده تا برایش حجّ به جا آورد و او پس از رسیدن نوبت مادرش با استفاده از فیش ثبت نام مادر و با دادن مبلغی بیشتر از آنچه مادرش پرداخته بود، به حج می رود. حکم این مسأله چیست؟

پاسخ: عمل به وصیت مذکور واجب است و حجّ نیابی فرزند معلول از طرف مادرش صحیح است، مگر این که احراز شود حجّ از قبل، بر مادر واجب شده که در این صورت وصیت مادر نسبت به انجام دادن حجّ توسط فرزند باطل است

و باید شخص غیر معذوری را برای حجّ او اجیر کنند.

[1905] سؤال 69: اگر دست یا پای فردی قطع باشد و سبب نقص در وضو و سجده گردد، آیا جایز است که از طرف فرد دیگری نایب در حج شود؟

پاسخ: صحّت نیابت و مجزی بودن از حَجّة الاسلام، محلّ اشکال است؛ ولی نیابت در حج استحبایی مانعی ندارد.

[1906] سؤال 70: زنی که به عنوان نیابت از شخص دیگری به حج رفته و قادر بر رمی جمرات نیست، آیا نیابتش صحیح است؟

پاسخ: اگر هنگام نایب شدن، قادر بر رمی جمرات نبوده یا می دانسته که تا قبل از رمی نمودن، از انجام دادن آن عاجز خواهد شد، نیابت او باطل است؛ ولی اگر بعد از قبول نیابت، عاجز شود، ضرری به نیابت وارد نمی شود.

[1907] سؤال 71: اگر نایب از روی عصیان، رمی در روز را ترك کند، نیابت او چه حکمی پیدا می کند؟ اگر به تصوّر این که می تواند به منی برگردد، به مکه برود و روز دوازدهم نتواند برای رمی به منی برگردد، نیابتش چه حکمی دارد و وظیفه اش چیست؟

پاسخ: در هر دو صورت، باید رمی را قضا کند و نیابتش صحیح است. البته اگر رمی جمره عقبه را در روز دهم با علم و عمد، ترك کرده باشد، چنانچه اخلال عمدی در ترتیب اعمال پیش آید، از این جهت اشکال پیدا می کند.

[1908] سؤال 72: نایب می داند برای حجّ تمتّع اجیر شده است؛ اما نمی داند برای حَجّة الاسلام نایب شده یا حجّ نذری یا حجّ مستحب. اگر نیت کند که «حجّ تمتّع به جا می آورم برای منوبّ عنه» یا «حجّی به جا می آورم که برای آن اجیر شده ام»، آیا کافی و صحیح است؟

پاسخ: کافی است.

[1909] سؤال 73: کسی که با دریافت مبلغی پول، انجام حجّ نیابتی را پذیرفته است، ولی

از رفتن به حج منع شده و نتوانسته شخص دیگری را هم به جای خود، برای انجام دادن حج نیابتی بفرستد، آیا جایز است که در سال بعد، این حج را انجام دهد؟

پاسخ: اگر پرداخت کننده پول، راضی به این کار باشد، صحیح است، وگرنه صحیح نیست.

[1910] سؤال 74: کسی با احرام عمره مفرده وارد مکه شده و پس از به جا آوردن عمره مفرده خودش، به جهت انجام دادن حج تمتع از طرف شخص دیگری نایب شده است؛ ولی به دلیل ممانعت مأمورین نمی تواند برای احرام عمره تمتع نیابتی به میقات برود. آیا می تواند از ادنی الحل برای عمره تمتع نیابتی مُحرم شود؟

پاسخ: نیابت او اشکال ندارد و می تواند از ادنی الحل مُحرم شود.

[1911] سؤال 75: کسی که حج بر او مستقر شده و سپس استطاعت خود را از دست داده است، آیا جایز است که نایب شخص دیگری در حج شود؟

پاسخ: جایز نیست، مگر این که انجام دادن حج در آن سال از طرف خودش به هیچ وجه مقدور نباشد که در این صورت، نیابت جایز است.

[1912] سؤال 76: اگر پدری وصیت کند که فرزندش از طرف او حج استحبابی انجام دهد و سپس خود فرزند مستطیع شود، آیا جایز است با استفاده از نوبت پدرش، برای خودش حج به جا آورد و برای پدرش نایب بگیرد؟ و آیا در این حال، حج فرزند، حجة الاسلام محسوب می شود؟

پاسخ: اگر فرزند از راه دیگری غیر از استفاده از نوبت پدرش بتواند حج به جا آورد، باید از طرف خودش حج انجام دهد و نمی تواند نایب پدرش شود، وگرنه چنانچه بداند که نظر پدرش این نبوده که فقط این فرزندش حج را از طرف او به جا آورد، بلکه نظرش انجام شدن مطلق حج از طرف او بوده، اگر باقی ورثه اجازه دهند، با استفاده از نوبت پدرش برای خودش حج انجام دهد و برای پدرش نایب بگیرد.

[1913] سؤال 77: شخصی نفر دیگری را برای انجام دادن حج، نایب گرفته و پس از آن، خود نایب مستطیع شده است. در صورتی که نایب، منوبّ عنه را شناسد، وظیفه اش چیست؟

پاسخ: اگر استطاعت او به واسطه دریافت پول اجاره نیابت در حج حاصل شده باشد، باید حجّ نیابتی را به جا آورد و سال بعد، اگر استطاعت او باقی بود، برای خودش حج به جا آورد، وگرنه اجاره او باطل است و باید حَجّة الاسلام خود را به جا آورد و اگر صاحب پول را نمی شناسد، احتیاط این است که با نظر حاکم شرعی شخص دیگری را برای انجام دادن حجّ نیابتی اجیر بگیرند و یا با نظر حاکم شرعی خودش در سال بعد حجّ نیابتی را انجام دهد.

[1914] سؤال 78: آیا جایز است که حاجی يك حجّ مستحبّی را هم از طرف خودش و هم از طرف دیگران انجام دهد؟

پاسخ: جایز است.

[1915] سؤال 79: اگر کسی بخواهد به نیابت از میّتی که مستطیع نبوده، حجّ تمتّع انجام دهد، باید قصد وجوب بنماید یا استحباب؟

پاسخ: اگر می خواهد وجوب یا استحباب را معین کند، قصد استحباب نماید؛ ولی باید توجه داشت که در فرض سؤال، قصد حجّ تمتّع کافی است و قصد وجوب و استحباب لازم نیست.

[1916] سؤال 80: شخصی به نیابت از مادرش برای عمره تمتّع مُحرم می شود و عمره را به جا می آورد و سپس از طرف خودش، نه به نیابت از مادرش، برای حجّ تمتّع مُحرم می شود. حکم این مسأله چیست؟

پاسخ: احرام از طرف خودش برای حج، باطل است و باید با احرام مجدد به نیابت از مادرش حج را تمام کند.

[1917] سؤال 81: مقداری از مال کسی پیش شخص دیگری است و این مقدار مال برای انجام دادن حجّی که بر عهده صاحب مال است، کافی است. کسی که مال پیش اوست، می داند که اگر مال را به ورثه بدهد، حج را انجام نمی دهند. در این صورت وظیفه اش چیست؟

پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه مال مزبور به عنوان امانت نزد اوست، واجب است از طرف صاحب مال، حج انجام دهد؛ ولی چنانچه مال مذکور به عنوان امانت نیست؛ بلکه به عنوان دیگری در نزد اوست، در این صورت به احتیاط واجب باید پس از مراجعه حضوری و اخذ اجازه، از طرف صاحب مال، حج انجام دهد.

[1918] سؤال 82: جوانی هر دو پایش صدمه خورده و از زیر زانو، پای مصنوعی دارد. اگر با این حال، نتواند مناسک حجّ و عمره را به جا آورد، چگونه باید آن را تمام کند؟

پاسخ: در هر موردی که خودش نتواند اعمال را به جا آورد، نایب می گیرد، مگر در وقوفین که واجب است خودش انجام دهد و نایب گرفتن مجزی نیست و تفصیل بحث در کتاب مناسک حج آورده شده است.

[1919] سؤال 83: حکم حجّ به نیابت از طرف چهارده معصوم علیهم السلام و بخصوص از طرف حضرت صاحب العصر والزمان علیه السلام چیست؟

پاسخ: صحیح است.

[1920] سؤال 84: آیا کسی که برای اعمال عمره یا حج یا خصوص طواف، از طرف شخصی اجیر شده است، می تواند به نیابت از نفر دوم، به صورت تبرّعی یا استیجاری قرآن تلاوت کند؟

پاسخ: اگر قرائت قرآن او منافاتی با انجام اعمالی که برای آنها از طرف شخص اول، نایب شده، نداشته باشد، اشکالی ندارد.

[1921] سؤال 85: اگر کسی از طرف شخص زنده یا مرده ای حجّ نیابتی به جا آورد، ثواب حج، برای کسی است که حج را انجام داده یا برای کسی که حج برای او انجام شده است؟

پاسخ: خداوند متعال به هر دو ثواب عطا می کند، ان شاء الله.

[1922] سؤال 86: آیا لازم است منوبّ عنه، خمس پولی را که به نایب برای انجام دادن حج می دهد، بپردازد؟

پاسخ: اگر مبلغ مذکور را از درآمد بین سال خود پرداخته است، خمس ندارد.

میقات

احرام قبل از میقات

[1923] سؤال 87: آیا احرام بستن از میقات بهتر است یا احرام بستن به واسطه نذر، قبل از رسیدن به میقات؟

پاسخ: احرام بستن از میقات، افضل و احوط است.

[1924] سؤال 88: کسی که با حالت احرام به جدّه می آید و بعد وسایل سفر به مدینه منوره برایش فراهم می شود و احرام خود را باطل می نماید و به مدینه می رود و تصمیم می گیرد که در بازگشت به سوی مکه در مسجد شجره مُحرم شود، حکمش چیست؟

پاسخ: اگر قبل از رسیدن به جدّه به طور صحیح مُحرم شده باشد (مانند مُحرم شدن با نذر)، تا انجام دادن اعمال عمره و تقصیر کردن، بر احرامش باقی است و احرامش با نیت و در آوردن لباس احرام، باطل نمی شود؛ ولی اگر احرام قبل از جدّه او به هر دلیلی صحیح نبوده، احرام او از مسجد شجره صحیح و برای انجام دادن اعمال کافی است.

[1925] سؤال 89: عده ای بدون نذر کردن در هواپیما مُحرم شده اند، حکم آن چیست؟

پاسخ: احرامشان صحیح نیست.

[1926] سؤال 90: اگر کسی برای انجام دادن عمره، به واسطه نذر، در خانه اش مُحرم شود و پس از اعمال متوجه شود که نذرش منعقد نشده بوده، حکم حجّش چیست؟

پاسخ: اگر بعد از اعمال حج یا در بین اعمال حج متوجه شود، عمره اش صحیح است و همچنین است اگر بعد از اتمام عمره تمتّع متوجه شود و وقت اعاده عمره را نداشته باشد و اگر بعد از عمره و قبل از اعمال حج متوجه شود و وقت اعاده داشته باشد، باید به همان ترتیبی که در مسأله 212 مناسک حج آمده، مُحرم شود و عمره تمتّع را اعاده کند؛ ولی اگر قبل از اتمام عمره تمتّع متوجه شود، در صورت وسعت وقت، به همان ترتیب مسأله 212 مناسک حج مُحرم شود و عمره تمتّع را اعاده کند و اگر وقت تنگ است، عمره تمتّع او باطل است و برای حج، باید به نیت حج افراد مُحرم شود و مجزی است.

میقات عمره تمتّع و عمره مفرده

[1927] سؤال 91: آیا می توان در حال اختیار، برای عمره تمتّع از حدیبیه یا جعرانه یا تنعیم مُحرم شد و به جُحفه رفت؟

پاسخ: در حال اختیار و با امکان رفتن به یکی از میقات های پنجگانه، احرام بستن از محل های ذکر شده صحیح نیست؛ بلکه باید به یکی از مواقیت پنجگانه رفت و از آن جا برای عمره تمتّع احرام بست.

[1928] سؤال 92: آیا زائرین می توانند با نذر از داخل شهر مکه و یا مسجد الحرام برای انجام عمره مفرده مُحرم شود؟

پاسخ: نمی توانند و برای احرام عمره مفرده باید به ادنی الحل بروند.

[1929] سؤال 93: کسانی که در ایام عمره به زیارت بیت الله مشرف می شوند، گاهی می شود

که در اواخر ماه قمری، عمره مفرده انجام می دهند و در هفته بعدی که ماه قمری دیگری داخل شده، به عنوان زیارت دوره به عرفات که خارج از حرم است، می روند. برخی از مراجع معظّم تقلید قائل به این هستند که اگر کسی بخواهد در خارج از حرم مُحرم شود، باید به یکی از مواقیت معروف برود. آیا نظر جناب عالی هم همین طور است یا از ادنی الحل (مثل مسجد تنعیم) نیز می توان مُحرم شد؟

پاسخ: در فرض مذکور، رفتن به یکی از مواقیت معروف لازم است و احرام بستن از ادنی الحل کافی نیست.

[1930] سؤال 94: اگر کسی در ماه ذی الحجّه عمره تمتّع خود را به جا آورد و سپس از مکه خارج شود، آیا می تواند در خارج از مکه با نذر برای حجّ تمتّع مُحرم شود؟

پاسخ: نمی تواند و باید برای حجّ تمتّع از مکه مکّرّمه مُحرم شود.

میقات مسجد شجره

[1931] سؤال 95: آیا احرام بستن در خارج مسجد شجره، در منطقه «ایبار علی» صحیح است؟ و اگر جواب منفی است، اگر اخیراً وصل شده باشد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر منطقه «ایبار علی» در محاذات مسجد شجره باشد، احرام بستن در آن کافی است، وگرنه واجب است به «ذوالحلیفه» بازگردد و در مسجد شجره یا در دو طرف آن مُحرم شود.

[1932] سؤال 96: آیا می توان به مسجد شجره رفت و مُحرم شد و به مدینه بازگشت و سپس به وسیله هواپیما برای انجام دادن اعمال حجّ از مدینه خارج شد؟

پاسخ: اشکال ندارد؛ ولی پس از مُحرم شدن، نباید کاری کند که مستلزم استظلال باشد.

[1933] سؤال 97: اگر زن حائض در داخل مسجد شجره مُحرم شود، احرامش صحیح است یا باطل؟

پاسخ: در صورتی که زن حائض، در حال عبور از داخل مسجد شجره احرام ببندد، اشکال ندارد و احرام او صحیح است و در صورتی که در حال مکث نمودن مُحرم شود، چنانچه جاهل به حکم یا غافل از آن باشد، احرامش صحیح است و در صورتی که از روی علم و عمد، در حال مکث کردن احرام ببندد، گرچه مرتکب معصیت شده است، ولی باز هم احرامش صحیح است.

میقات یلملم

[1934] سؤال 98: اگر نیت ما در ابتدا زیارت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سپس مرور از «یلملم» باشد، آیا بر ما واجب است که در «یلملم» مُحرم شویم یا در مدینه منوره (مسجد شجره)؟

پاسخ: چنانچه نیت شما رفتن از مدینه به مکه باشد، باید در مسجد شجره مُحرم شوید؛ ولی اگر قصد شما این باشد که از مدینه به محل دیگری غیر از مکه بروید و سپس از آنجا به مکه بروید و یلملم در مسیر شما باشد، می توانید احرام را تا میقات یلملم به تأخیر بیندازید.

احرام از وادی السیل

[1935] سؤال 99: کسی که در مسجد میقات وادی السیل مُحرم می شود و بعد، برای تنظیم راه، حدود پانصد متر در جهت خلاف مکه مکرّمه به عقب بر می گردد و دوباره به طرف مکه حرکت می کند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: بازگشتن به جهت عکس مکه مکرّمه، بعد از احرام در میقات و سپس بازگشت به سوی مکه اشکالی ندارد؛ ولی در این که وادی السیل، همان قرن المنازل (یکی از مواقیات) باشد، باید به اهل خبره موثّق مراجعه نمود.

احرام از جدّه و رابغ

[1936] سؤال 100: آیا مُحرم شدن در شهر جدّه، به سبب نذر کردن جایز است؟ در

صورت جواز، صیغۀ نذر چگونه است؟

پاسخ: اگر احراز شود که جدّه قبل از محاذی میقات است، احرام به سبب نذر در جدّه صحیح است و صیغۀ آن، اظهار کردن مفاد «برای خداوند است بر من که مُحرم شوم از فلان مکان» است و در صیغۀ نذر، عربی بودن شرط نیست.

[1937] سؤال 101: کسی که می توانسته به یکی از مواقیت برود، ولی در جدّه مُحرم شده و عمره مفرده به جا آورده است، آیا عمره اش صحیح است و محرّمات احرام پس از انجام دادن این عمره بر او حلال می شود؟

پاسخ: صحّت عمره مذکور، در صورتی که احراز کند جدّه محاذی میقات است، بعید نیست؛ ولی احراز آن مشکل است و در هر صورت محرّمات احرام، پس از انجام این عمره، بر او حلال است.

[1938] سؤال 102: من از اهالی کشور مصر هستم و در کشور سعودی مشغول به کار می باشم و مقیم شهر جدّه هستم. چند سال قبل که می خواستم حَجّة الاسلام به جا آورم، به گمان این که شهر «رأبغ» میقات است، در آن جا مُحرم شدم. آیا حجّ تمتّعی که به جا آورده ام، صحیح است؟

پاسخ: اگر علم حاصل شود که شهر «رأبغ» محاذی جُحفه است، اشکالی ندارد، وگرنه احرام از آن جا صحیح نیست؛ ولی در فرض مسأله، اگر بعد از اتمام مناسک حجّ تمتّع بفهمد که احرام عمره اش صحیح نبوده، حجّ او صحیح است.

احرام از مکه

[1939] سؤال 103: اگر مجتهد اعلم نسبت به احرام از مکه قدیم احتیاط واجب داشته باشد، ولی مجتهد فالأعلم چنین احتیاطی نداشته باشد، و مقلّد مجتهد اعلم از مکه جدید مُحرم شود و بعد از اعمال حج بفهمد که مجتهد اعلم چنین احتیاطی داشته است،

ص: 519

آیا عملش صحیح است یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، عملش مجزی است و اشکالی ندارد.

احرام از غیر میقات

[1940] سؤال 104: کسی که اشتبهاً از محلّی غیر از میقات مُحرم شده است و بعد از عمره تمتّع متوجه اشتباه خود می شود، چه کار باید بکند؟

پاسخ: اگر بعد از عمره تمتّع و قبل از اعمال حج متوجه شود، واجب است به یکی از میقات های پنجگانه برود و از آن جا مُحرم شود و اگر از رفتن به آن جا معذور است، لازم است به بیرون حرم برود و به احتیاط واجب هر چه می تواند به طرف میقات برگردد و از آن جا مُحرم شود و اگر وقت، ضیق است، از همان جا که هست، باید احرام ببندد و اعمالی را که انجام داده، اعاده نماید؛ ولی چنانچه فرصت اعاده نداشته باشد یا در بین اعمال حج یا پس از اعمال حج بفهمد، عمره اش صحیح است.

[1941] سؤال 105: کسی از محلّی غیر از میقات، به گمان این که میقات است، مُحرم می شود و عمره مفرده به جا می آورد و به شهرش باز می گردد. آیا عمره مفرده او صحیح است؟ و آیا وظیفه دیگری دارد؟

پاسخ: در فرض مذکور، چنانچه احرام از محاذی میقات هم نبوده است، صحّت عمره مفرده او ثابت نیست و در هر صورت، چنانچه عمره مفرده ای که انجام داده است، بر او واجب نبوده، فعلاً وظیفه ای ندارد.

[1942] سؤال 106: يك بار هنگام بازگشت از کشور آلمان تصمیم گرفتم که عمره مفرده انجام دهم و در جدّه مُحرم شوم؛ ولی تعیین نکردم که به سبب نذر مُحرم شوم یا خیر. در هواپیما یکی از ساکنان مکه را دیدم که به من گفت: میقات کسانی که مسیر آنها از طرف کشور مصر و از راه دریاست در داخل دریاست. من چون با هواپیما از طریق آسمان مصر

ص: 520

و بالای دریا حرکت می‌کردم و مکان میقات را نمی‌شناختم، از وسط دریا نیت خود را تکرار کردم تا این که به جدّه رسیدم. آیا صحیح است که در دریا میقاتی برای کسانی که از مصر و سودان می‌آیند، وجود دارد و آیا عمره من صحیح است؟

پاسخ: در دریا میقاتی وجود ندارد و در فرض سؤال که احرام، بدون نذر انجام شده است، صحیح نیست و آثار احرام بر آن مترتب نمی‌شود و صحّت این عمره محلّ اشکال است.

اعمال عمره و حج

احرام

مستحبات و واجبات احرام

غسل احرام

[1943] سؤال 107: آیا می‌توان قبل از میقات، غسل احرام را انجام داد، ولی غسل را تمام نکرد؛ مثلاً بخشی از دست چپ را نشوید و لباس مخیط بپوشد و به میقات بیاید و در آن جا بقیه دست چپ را بشوید و لباس احرام بپوشد؟ آیا این نحوه غسل احرام، صحیح است؟ پاسخ: ظاهراً اشکالی ندارد؛ ولی بهتر است به این صورت انجام ندهد.

نیت احرام

[1944] سؤال 108: کسی قصد عمره مفرده می‌کند و می‌داند که مرتکب محرمات احرام می‌شود، مثل این که قصد عمره می‌کند و با نذر از شهر خودش یا در داخل هواپیما محرم می‌شود که موجب تظلیل است. آیا نیت ارتکاب محرمات احرام، به قصد قربت در احرام ضرر نمی‌زند؟

پاسخ: اگر بداند که مرتکب محرماتی مثل تظلیل می‌شود که حج و عمره را

باطل نمی‌کند، در این صورت، ضرری برای صحّت احرام ندارد؛ ولی محرّماتی مثل جماع که گاهی حج و عمره را باطل می‌کند، قصد ارتکاب آنها مبطل احرام است؛ بلکه منافی با یتّ احرام است.

[1945] سؤال 109: شخصی جاهل به احکام حج است؛ ولی اجمالاً می‌داند که اعمال حج، مشتمل بر عمره و حج است و تصمیم می‌گیرد که به حج برود و به نزدیکی یکی از مواقیت و محاذی با آن می‌آید و می‌گوید: «مُحَرَّم می‌شوم برای عمره و حج» و سپس تلبیه می‌گوید و بعد داخل مکه می‌شود و طواف و سعی را به جا می‌آورد و در روز عرفه به سرزمین عرفات می‌رود. در صورتی که نتواند به یکی از مواقیت برگردد، بلکه نتواند از عرفات خارج شود، وظیفه اش چیست؟

پاسخ: اگر با رعایت شرایط، در میقات یا محاذی با آن، به قصد وظیفه فعلی احرام بسته و لبیک گفته و مانند بقیه مردم شروع به عمل عمره نموده، احرامش صحیح است، هر چند گفته باشد که برای عمره و حج احرام می‌بندم و خیال کرده باشد که یک احرام برای هر دو عمل عمره و حج کافی است؛ و در فرض ذکر شده، اگر اعمال عمره، غیر از تقصیر را به جا آورد و برای حج مُحَرَّم نشود و وقت وقوف اختیاری در عرفات تنگ شود، باید تقصیر کند و از همان مکانی که هست، برای حج مُحَرَّم شود و مناسک حج را به جا آورد و اگر وقت تنگ نشده باشد، تقصیر کند و به مکه برگردد و در مکه برای حج احرام ببندد؛ ولی اگر قبل از تقصیر، برای حج احرام ببندد، وظیفه اش به حج افراد تبدیل می‌شود و پس از اعمال حج، باید عمره مفرده به جا آورد.

[1946] سؤال 110: شخصی که به خاطر ندانستن مسأله، در موقع احرام عمره تمتّع، یتّ احرام حج تمتّع کرده و بعد، اعمال عمره را به جا آورده و از احرام خارج شده، آیا لازم است عمره خود را تکرار کند یا خیر؟

پاسخ: اگر در نظرش این بوده که آنچه وظیفه اوست، انجام دهد، ولی گمان

می کرده نام بخش اول حج، حجّ تمتّع است و نیت آن را کرده است، عمل او صحیح و عمره اش عمره تمتّع است؛ ولی اگر گمان می کرده که حجّ تمتّع بر عمره تمتّع مقدم است و لذا قصد احرام برای حج نموده، عملش باطل است و باید مجدداً به میقات برگردد و برای عمره تمتّع احرام ببندد.

لباس احرام

[1947] سؤال 111: اگر لباس احرام مرد کوتاه تر از مقداری باشد که در شرع مقدّس اسلام تعیین شده است، احرامش صحیح است یا نه؟

پاسخ: کوتاه بودن لباس احرام از مقدار واجب، در صورت جهل، اشکالی به احرام وارد نمی کند و در صورت علم و عمد نیز گرچه معصیت کرده است، ولی احرام او صحیح است.

[1948] سؤال 112: اگر مردی بدون درآوردن لباس های دوخته خود، لباس احرام را بر روی آنها بپوشد و تلبیه بگوید، احرامش صحیح است یا خیر؟

پاسخ: احرامش صحیح است و در صورت عمد، کار حرام مرتکب شده و کفّاره (یک گوسفند) بر او واجب است.

[1949] سؤال 113: در مسأله 266 مناسک حجّ جناب عالی آمده است که اگر کسی عمداً در لباس دوخته مُحرم شود، صحّت احرامش اشکال دارد و در مسأله 271 مناسک آمده که اگر در پیراهن مُحرم شود، همین که آن را بیرون آورد و لباس احرام بپوشد، کافی است و احرامش صحیح است، جمع بین این دو مسأله چگونه است؟

پاسخ: مسأله 266 نظر به صورت تعمّد بر مُحرم شدن در لباس دوخته دارد؛ ولی مسأله 271 نظر به صورت غیر عمد دارد.

[1950] سؤال 114: اگر در غیر از حالت احرام بستن و طواف و نماز طواف، لباس احرام حاجی نجس شود، آیا برای احرام یا حجّ او مضر است؟

ص: 523

پاسخ: در فرض سؤال، گرچه تطهیر و یا تبدیل لباس احرام لازم است (به جز مواردی از نجاست که در نماز بخشیده شده است)؛ ولی اگر تطهیر و یا تبدیل ترك شود، ضرری به احرام و حجّ او نمی رسد.

[1951] سؤال 115: این جانب به همراه برخی از همکاران، به عنوان شرکت در نمایشگاه انواع سنگ ها به حجاز آمدیم. در ماه ذی القعدة به مکه رفتیم و عمره مفرده انجام دادیم.

اکنون برای انجام مناسك حجّ تمتّع قصد داریم از مسجد شجره مُحرم شویم؛ ولی شنیده ایم کسانی که گذرنامه آنها مربوط به حج نیست، مجاز نیستند با لباس احرام وارد مکه شوند و در بازرسی ها از ورود آنها به مکه جلوگیری می شود. آیا ما می توانیم عمره مفرده را به عنوان عمره تمتّع به حساب آوریم و بدون لباس احرام وارد مکه شویم و از آنجا برای حجّ تمتّع مُحرم شویم؟

پاسخ: در فرض مذکور که پس از انجام دادن عمره مفرده از مکه خارج شده اید، نمی توانید عمره مفرده مزبور را عمره تمتّع قرار دهید؛ ولی می توانید در مسجد شجره برای عمره تمتّع مُحرم شوید و در مراکز بازرسی و غیره که احساس ضرورت می کنید، لباس احرام را درآورده، لباس دوخته بپوشید و در این صورت، واجب است يك گوسفند كفّاره بدهید.

[1952] سؤال 116: در عربستان قانونی وجود دارد که مسلمانان خود عربستان هر پنج سال يك بار مجازند به حج بروند و چنانچه قبل از گذشتن پنج سال مُحرم شوند، آنان را برمی گردانند. آیا راهی برای مُحرم شدن و انجام دادن اعمال حج برای آنان وجود دارد؟

پاسخ: در فرض مذکور، می توانند در یکی از مواقیت حج، احرام ببندند و در مواردی که ضرورت داشته باشد، لباس احرام را درآورند و لباس دیگری بپوشند؛ ولی واجب است برای پوشیدن لباس دوخته، كفّاره بدهند.

[1953] سؤال 117: کسی که خمس لباس احرام خود را نداده و اعمال عمره و حج را به جا آورده، حکم عمره و حج او در حالات علم و عمد یا جهل و نسیان چیست؟

پاسخ: اگر به خود لباس خمس تعلّق گرفته باشد خمس آن را نداده باشد، ولی دادن خمس را به عهده و ذمه گرفته باشد، حجّش صحیح است؛ ولی مدیون مستحقّین خمس باقی می ماند و اگر دادن خمس را به عهده و ذمه نگرفته باشد، در حالت علم و عمد و جهل تقصیری، چنانچه وقت جبران باقی نمانده باشد، عمره و حج او باطل است و در صورت نسیان و جهل قصوری، صحیح است.

[1954] سؤال 118: آیا واجب است هنگام داخل شدن به مکه مکرمه، به بچه نابالغ لباس احرام پوشاند؟

پاسخ: واجب نیست؛ اما اگر ولی بچه نابالغ او را مُحرم کند، لازم است بچه را از محرّمات احرام باز دارد و او را وادار به انجام واجبات و مناسک عمره و حج نماید.

تلبیه (لبیک گفتن)

[1955] سؤال 119: کسی که گمان می کرد تلبیه گفتن يك امر مستحب است که حجّاج انجام می دهند و در موقع احرام عمره تمتّع یا احرام حجّ تمتّع یا در هر دو احرام، تلبیه نگفت و پس از پایان اعمال متوجه و جوب تلبیه به هنگام احرام شد، حجّش صحیح است یا باطل؟

پاسخ: در مفروض سؤال که پس از تمام شدن اعمال، متوجه شده تلبیه را نگفته است، اعمال او صحیح است.

[1956] سؤال 120: اگر زن تلبیه را با صدای بلند بگوید، آیا احرام او باطل می شود؟

پاسخ: خیر، ضرری برای احرام او ندارد.

محرّمات احرام

اشاره

[1957] سؤال 121: کسی می داند که اگر برای انجام عمره مفردة استحبایی به مکه برود،

ص: 525

مجبور می شود که مرتکب بعضی از محرمات احرام شود. آیا جایز است با این وضعیت، عمره را انجام دهد؟

پاسخ: در مفروض سؤال، اشکال ندارد.

مسائل زناشویی

[1958] سؤال 122: زنی در حال احرام، مجنون می شود. نزدیکی زوج با زوجه مجنون که مُحرم است، چه حکمی دارد؟

پاسخ: با جنون کشف می شود که احرام از ابتدا باطل بوده و بنا بر این زن مُحرم نیست.

[1959] سؤال 123: آیا بوسیدن همسر در حال احرام، بدون شهوت و لذت، جایز است؟

پاسخ: جایز نیست و کفاره آن بنا بر احتیاط واجب يك گوسفند است و دادن شتر، احوط است.

استعمال بوی خوش

[1960] سؤال 124: آیا برای مُحرم جایز است سیگاری را که دارای بوی خوش است، بکشد؟

پاسخ: اگر کشیدن این نوع سیگار، عرفاً استعمال بوی خوش محسوب شود، جایز نیست؛ بلکه در صورت عمد، بعید نیست کفاره داشته باشد.

[1961] سؤال 125: کسی که حس بویایی ندارد یا به علت سرما خوردگی بویی را احساس نمی کند، برای او استعمال عطر یا چیزی که بوی خوش دارد و گرفتن بینی از بوی بد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: استعمال عطر یا چیزی که بوی خوش دارد، حرام است؛ ولی گرفتن بینی از بوی بد اگر تأثیری در عدم استشمام آن بو نداشته باشد، حرام نیست.

مالیدن روغن به بدن

[1962] سؤال 126: آیا در عمره و حج، می توان کرم به صورت مالید؟ استعمال چیزی که زایل

کننده عرق بدن است و بو ندارد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: استفاده از کرم جایز نیست؛ چون در حکم روغن است؛ ولی زایل کننده عرق، اگر روغنی نباشد، مانعی ندارد.

زینت کردن

[1963] سؤال 127: در کتاب مناسک آمده است که بر زن در حال احرام، پوشیدن زیور آلات حرام است، مگر زیور آلاتی که پیش از احرام به استفاده کردن از آنها عادت داشته است. آیا زیاد یا کم بودن زیور آلاتی که به آنها عادت داشته است، تأثیری در حکم دارد یا خیر؟
پاسخ: فرقی بین آن دو (زیاد بودن یا کم بودن) نیست.

[1964] سؤال 128: عدسی های رنگی که در چشم کار گذاشته می شود (لنز)، با توجه به این که گاهی استفاده از آن به خاطر ضعف چشم است و عینک محسوب می شود و گاهی برای مجرد زیبایی چشم ها از آن استفاده می گردد، آیا برای مرد یا زن مُحرم جایز است و در صورت عدم جواز، کفاره دارد یا نه؟
پاسخ: اگر به قصد جمال و زینت باشد، استفاده از آن جایز نیست؛ ولی موجب کفاره نمی شود.

نگاه کردن در آینه

[1965] سؤال 129: اگر مُحرم، به موی زن نامحرم در آینه نگاه کند، حکمش چیست؟
پاسخ: حرام است؛ ولی موجب کفاره نمی شود.

جدال

[1966] سؤال 130: زنی در مراسم حج، در حالت احرام با شوهرش مشاجره کرده و بین آنها جدال و داد و فریاد به وجود آمده است. آیا حج آنها باطل است و اعاده لازم دارد؟
پاسخ: به صرف مشاجره کردن، جدال گفته نمی شود؛ بلکه جدال عبارت است

از قسم خوردن به مثل «لا-والله» و «بلی والله» برای اثبات یا رد کردن مطلبی و با این که جدال از محرّمات احرام است؛ ولی موجب بطلان حج نمی شود؛ اما با شرایطی که در کتاب مناسک حج آمده، موجب کفّاره می گردد.

پوشیدن لباس دوخته

[1967] سؤال 131: کسی که از روی فراموشی یا ندانستن مسأله یا خجالت کشیدن، در حال احرام بستن، شورت دوخته را در نیاورده و به همین صورت به مکه آمده، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر در نیاوردن لباس دوخته به هنگام احرام بستن از روی علم و عمد نباشد، اشکالی ندارد و کفّاره نیز واجب نیست؛ اما به محض التفات باید لباس دوخته را در آورد و اگر از روی علم و عمد این کار را کرده باشد (مثل این که با علم به مسأله به جهت خجالت کشیدن لباس دوخته را در نیاورده باشد)، صحّت احرامش محلّ اشکال است.

[1968] سؤال 132: آیا جایز است حاجیان برای حفظ خود از سرما، در عرفات و مشعر و منی بر روی خودشان ملحفه یا پتوی دوخته شده بکشند؟

پاسخ: انداختن ملحفه و پتوی دوخته بر روی خود در حال دراز کشیدن، چنانچه به صورت لباس نباشد، اشکال ندارد و موجب کفّاره هم نیست و در حال نشستن و ایستادن، بر دوش خود نیندازند، مگر این که ضرورت داشته باشد؛ ولی انجام دادن این کار در حال ضرورت هم موجب کفّاره است.

[1969] سؤال 133: اگر حاجی، همیان را به قصد محکم شدن لنگ بر کمر ببندد، نه برای حفظ پول خود، آیا این کار، بخصوص هنگامی که همیان دوخته شده باشد، جایز است؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[1970] سؤال 134: استفاده از ماسک بهداشتی برای مردان در حج - با توجه به این که

بعضی از ماسک‌ها دوخته شده است و نخی دارد که برای نگهداری ماسک بر روی صورت، باید نخ را به پشت گوش و یا پشت سر انداخت - چه حکمی دارد؟ و استفاده از آن برای زنان، با توجه به پوشیده شدن صورتشان حکمش چیست؟ و چنانچه به خاطر حفظ بهداشت و جلوگیری از امراض، استفاده از آن حرام نباشد، آیا کفاره دارد یا خیر؟

پاسخ: استفاده از ماسک دوخته، برای مرد اشکال ندارد و موجب کفاره نیست؛ ولی برای زن، با عدم ضرورت جایز نیست و در حال ضرورت اشکال ندارد؛ ولی در هر صورت اگر با علم و عمد صورت خود را بپوشاند، بنا بر احتیاط باید يك گوسفند کفاره بدهد.

پوشاندن تمام روی پا

[1971] سؤال 135: جوانی هر دو پایش صدمه خورده و از زیر زانو، پای مصنوعی دارد و بر روی پای مصنوعی، جوراب پارچه ای دوخته شده قرار دارد و نمی تواند جوراب دوخته شده را از پا درآورد. این جوان می خواهد عمره و حج به جا آورد. حکم پوشیدن جوراب مذکور که نمی تواند از پا درآورد، چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، اشکالی ندارد.

[1972] سؤال 136: آیا در حال احرام، پوشیدن جوراب برای زنان جایز است یا باید مانند مردان روی پای خود را بپوشانند؟

پاسخ: پوشیدن جوراب برای زنان جایز است؛ بلکه واجب است تمام بدن خود حتی پاها را (به جز وجه و کفین) از مرد اجنبی بپوشانند.

پوشاندن سر

[1973] سؤال 137: در موقع سر تراشیدن در حج، مقداری خمیر مخصوص تراشیدن مو را بر روی سر خود گذاشتم و سرم را تراشیدم. آیا کفاره بر من واجب شده است؟

پاسخ: احوط این است که از پوشاندن سر با چیزی مثل خمیر مخصوص تراشیدن مو اجتناب شود و اگر عالم به حکم باشید، کفاره آن يك گوسفند

ص: 529

است و اگر استعمال بوی خوش بر آن صدق کند، با علم به حکم، کفّاره آن نیز يك گوسفند است و با عدم علم، کفّاره آن سیر کردن يك مسکین و استغفار است.

[1974] سؤال 138: اگر به جهت ضرورتی پوشاندن سر در حالت احرام جایز شود، آیا لازم است پارچه ای که با آن سر را می پوشانند، مانند لباس احرام، دوخته نباشد؟

پاسخ: در فرض مذکور، با امکان استفاده از پارچه دوخته نشده، واجب است از آن استفاده شود و در صورت عدم امکان، استفاده از پارچه دوخته شده اشکال ندارد.

[1975] سؤال 139: اگر مرد مُحرم به غیر مُحرم بگوید که وقتی به خواب رفتم، پتورا بر روی سرم بینداز، حکمش چیست؟ و اگر او به این درخواست عمل کند، کفّاره واجب می شود یا خیر؟

پاسخ: حرام است و بنا بر احتیاط کفّاره واجب می شود و کفّاره آن بر عهده مُحرم است.

[1976] سؤال 140: آیا برای کسی که خودش مُحرم نیست، جایز است چیزی را روی سر شخص مُحرم بیندازد؟ و چنانچه مُحرم باشد، چه حکمی دارد؟

پاسخ: حرام نیست، مگر این که موجب اذیت وی شود.

پوشاندن صورت

[1977] سؤال 141: صورت که پوشاندن آن در حال احرام بر زن حرام است، از نظر شرعی، مقدار و حدّ آن چیست؟

پاسخ: حدّ صورت، آن چیزی است که عرفاً صورت بر آن صدق می کند.

[1978] سؤال 142: شخصی به خانمی گفته که صورت زن در حال احرام باید باز باشد و از باب مقدمه علمیه باید مقداری از مو هم معلوم باشد تا یقین حاصل شود که تمام

صورت باز بوده است. این خانم، اعمال حج و حتی طواف و نماز آن را با همین وضع انجام داده است. حجّ او صحیح است یا خیر؟

پاسخ: چنانچه در حال انجام طواف ها و نمازهای آن، جاهل به وظیفه بوده یا اعتقاد داشته وظیفه اش همین است، حجّ او محکوم به صحّت است.

سایه بر سر قرار دادن

[1979] سؤال 143: اگر مُحرم در ماشین سقف دار، سر خود را بیرون از ماشین نگه دارد، آیا باز هم کفّاره دارد یا خیر؟

پاسخ: صرف بیرون بودن سر از ماشین، کافی نیست و در مواردی که موجب کفّاره می شود، باید کفّاره پرداخت کند.

[1980] سؤال 144: آیا مُحرم می تواند در شب، از ماشین سقف دار، بدون قصد تحقّق از باد و باران استفاده کند؟ و در صورت جواز، اگر باد و باران گرفت، تکلیفش چیست؟

پاسخ: می تواند استفاده کند و اگر باد بوزد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر باران بیارد و امکان رفع سقف و یا نگه داشتن ماشین نباشد، باید گوسفندی به عنوان کفّاره قربانی نماید.

[1981] سؤال 145: آیا برای مُحرم جایز است که با ماشین سقف دار به مسجد الحرام برود؟

پاسخ: هنگام آفتابی بودن هوا و هنگام باران، احتیاط واجب در ترك آن است.

[1982] سؤال 146: ما کارگرانی هستیم که در محلی مشغول به کار هستیم. سعودی ها تعدادی از ما را به عمره بردند و بعد از مُحرم شدن در میقات، ما را سوار بر اتوبوس ها کردند و به مکه بردند. هیچ يك از ما نمی دانست که تظلیل در حالت احرام، حرام است و کسی هم به ما تذکر نداد و بر فرض تذکر هم ترك تظلیل ممکن نبود؛ چون سفر باید با شرایط آنها انجام می شد. آیا در این صورت کفّاره دادن يك گوسفند بر عهده ما آمده است یا خیر؟

در صورتی که عمره ما باطل شده باشد، آیا کفاره ساقط است؟

پاسخ: اگر تظلیل از روی علم و عمد نباشد، چیزی بر عهده شما نیست و چنانچه از روی علم و عمد باشد، موجب کفاره می گردد، هر چند عمره به جهتی باطل شود.

حمل سلاح

[1983] سؤال 147: می دانیم که حمل سلاح در حال احرام جایز نیست. آیا به همراه داشتن چاقویی که حاجی به آن احتیاج پیدا می کند، از این مورد محسوب می شود یا بی اشکال است؟

پاسخ: این گونه ابزار، سلاح شمرده نمی شود و همراه داشتن آن در حال احرام اشکال ندارد.

کشتن حیوانات

[1984] سؤال 148: اگر مُحرم پشه ای را بکشد، حکمش چیست؟

پاسخ: اگر موذی باشد، کشتن آن اشکال ندارد.

مسائل دیگر احرام

[1985] سؤال 149: خانمی برای عمره مفرده مُحرم شده است و قبل از انجام اعمال عمره، حیض می شود و به جهت این که قبل از پاك شدن از حیض کاروان آنها بر می گردد، خودش نمی تواند اعمال را انجام دهد و از طرفی نتوانسته نایب بگیرد و همین طور به وطن خود بازگشته است. حکم شرعی او چیست؟

پاسخ: در فرض مذکور، زن بر احرام خود باقی است و واجب است به مکه برگردد و اعمال عمره مفرده را انجام دهد و اگر نمی تواند، باید نایب بگیرد تا اعمال عمره را به نیابت از او انجام دهد؛ ولی تقصیر را باید خود او انجام دهد.

[1986] سؤال 150: بعضی از حجّاج، بعد از انجام عمره مفرده یا بعد از اتمام مناسک حج

از مکه خارج می شوند. آیا وقتی که بخواهند وارد مکه شوند، واجب است احرام ببندند؟ و اگر حکم مسأله را ندانند، کفاره برعهده آنها می آید یا خیر؟

پاسخ: اگر در همان ماهی که عمره را انجام داده اند به مکه بازگردند، مُحرم شدن لازم نیست؛ ولی اگر در ماه بعد برگردند، لازم است که در میقات مُحرم شوند و اگر احرام نبندند، چه در صورت علم به مسأله که معصیت کرده اند و چه در صورت جهل به مسأله، کفاره برعهده آنها نمی آید.

[1987] سؤال 151: فردی از روی غفلت یا فراموشی، بدون احرام وارد مکه می شود و سپس میل پیدا می کند که در مکه باقی بماند. آیا جایز است به همین صورت در مکه بماند یا باید خارج شود؟ اگر واجب است که خارج شود، آیا می تواند پس از خروج از مکه به وطنش باز گردد یا حتماً باید در میقات مُحرم شود و عمره به جا آورد؟

پاسخ: احتیاط واجب این است که از مکه خارج شود؛ ولی چنانچه قصد بازگشت به مکه را ندارد، واجب نیست برای انجام عمره در یکی از مواقیع مُحرم شود.

[1988] سؤال 152: کسی که عمداً و بارها بدون احرام وارد مکه شده، آیا فعلاً وظیفه ای شرعی بر عهده اش هست یا خیر؟ و آیا امور زناشویی بر او حلال است یا حرام؟

پاسخ: گرچه شخص مذکور، مرتکب معصیت شده است و باید از آن توبه کند، ولی وظیفه ای برعهده او نیست و هیچ يك از محرمات احرام و از آن جمله امور زناشویی بر او حرام نیست.

[1989] سؤال 153: آیا می توان بچه ممیّر را بدون احرام، وارد مکه نمود؟

پاسخ: جایز است.

کفارات

[1990] سؤال 154: گوسفندی را که به عنوان کفاره می دهند، آیا می توان تنها به يك فقیر

ص: 533

داد؟ و آیا فروش آن برای فقیر جایز است یا نه؟

پاسخ: جایز است بعد از ذبح، تمام گوسفند را به يك فقیر بدهند و فروش آن نیز برای فقیر جایز است.

[1991] سؤال 155: در جایی که کفّاره، ذبیحه ای است که باید به فقرا داده شود، اگر دهنده کفّاره بداند که فقیر پس از گرفتن ذبیحه پاهای آن را دور می اندازد، آیا جایز است که پاهای ذبیحه را به فقیر ندهد؟ و در صورت ندادن، ضامن است یا خیر؟

پاسخ: لازم است کفّاره را به طور کامل به فقیر بدهد و اگر چیزی از آن را کم کند، باید عوض آن را به فقیر بدهد.

طواف

شرایط و واجبات طواف

پاك بودن از حدث اكبر و اصغر

[1992] سؤال 156: شخصی انزال را سبب وجوب غسل می دانسته نه دخول را، نماز و روزه رمضان و حجّ او چگونه است؟

پاسخ: نمازهای واجب را که می داند در حال جنابت خوانده است، باید قضا کند. در مورد روزه رمضان، اگر جاهل مقصّر باشد، بنا بر اقوی و اگر جاهل قاصر باشد، بنا بر احتیاط، قضای روزه هایی که می داند با حال جنابت طلوع فجر را در آنها درك کرده بر او واجب است؛ ولی کفّاره ندارد، مگر این که جاهل مقصّر باشد و در هنگام عمل نیز ملتفت باشد؛ یعنی احتمال ابطال روزه را بدهد که در این صورت باید کفّاره نیز بدهد. برای طواف و نماز آن، اگر می داند که آنها را در حال جنابت به جا آورده و زمان تدارك آن گذشته است، حجّ او باطل است.

[1993] سؤال 157: سه سال قبل به حج رفتم و نمی دانستم که زن هم مانند مرد محتمل می شود

ص: 534

و این حالت در عرفات برای من پیش آمد و من جاهل به حکم بودم و از این که در حال احرام، این مسأله برایم پیش آمد، متأثر شدم و سعی کردم که غسل کنم؛ ولی در عرفات نتوانستم غسل نمایم و در مقابل خیمه تیمم کردم و پس از چند روز مسئول کاروان ما را برای طواف آورد. اکنون نمی دانم که وظیفه ام را انجام داده ام یا خیر؟

پاسخ: در مفروض سؤال، چنانچه در صورت علم به این که غسل بر شما واجب بوده نیز نمی توانسته اید غسل کنید تا بتوانید طواف و نماز آن را پس از غسل به جا آورید، حجّ شما صحیح است، وگرنه حجّتان خالی از اشکال نیست.

[1994] سؤال 158: اگر خانمی در حین طواف شك کند که حیض شده است یا نه، چه باید بکند؟

پاسخ: با شك در عروض حیض، می تواند بنا را بر پاك بودن بگذارد.

[1995] سؤال 159: زنی به تصوّر این که مستحاضه است، در میقات مُحرم شده و با انجام وظایف مستحاضه، اعمال عمره تمتّع را به جا آورده و پس از اعمال متوجه شده که حائض بوده است. وظیفه او نسبت به اعمال عمره و حج چیست؟

پاسخ: اگر پس از اعمال عمره تمتّع بفهمد که طواف و نماز آن را در حال حیض انجام داده، باید طواف و نماز آن و بنا بر احتیاط سعی و تقصیر را اعاده کند؛ ولی اگر تا هنگامی که وقت برای احرام حج تنگ می شود، طهارت برای او حاصل نمی شود، نیت خود را به حجّ افراد باز گرداند و با همان احرام، حجّ افراد به جا آورد و پس از حج، عمره مفرده انجام دهد و اگر قبل از حج، طهارت حاصل شود، ولی وقتی متوجه مسأله شود که دیگر وقتی برای اعاده طواف و نماز آن ندارد، باید احتیاطاً به نیت اعم از تمتّع و افراد برای حجّ مُحرم شود و پس از اعمال حج، علاوه بر اعاده طواف عمره تمتّع و نماز آن، يك عمره مفرده نیز به جا آورد.

[1996] سؤال 160: زنی دارای عادت وقتیه است و با خوردن قرص از عادت شدن جلوگیری کرده؛ ولی در ایّام عادت خود در هر روز لحظاتی را خون می بیند. آیا او می تواند طواف و نماز آن را در این حال انجام دهد؟

پاسخ: در فرض مذکور، مستحاضه است و با انجام وظائف مستحاضه، طواف و نماز او صحیح است.

[1997] سؤال 161: آیا بر مستحاضه کثیره واجب است که یک غسل برای طواف و یک غسل برای نماز طواف کند یا یک غسل برای هر دو کافی است؟ و آیا می تواند نماز فریضه را بعد از اتمام نماز طواف، با همان غسل بخواند؟

پاسخ: برای هر یک از طواف و نماز طواف، غسل جداگانه لازم است، مگر آن که از وقت شروع غسل برای طواف تا آخر نماز طواف، خون، در داخل نیز قطع شده باشد که در این صورت یک غسل برای هر دو کافی است و می تواند نمازهای بعدی را هم با این غسل بخواند، به شرط این که تا پایان نماز، این حالت ادامه داشته باشد.

[1998] سؤال 162: شخص مسلوس و یا مبطونی، اگر خودش طواف کند، مقدار زیادی بول یا غائط از او خارج می شود و اگر با چرخ ویلچر و یا تخت روان طواف داده شود، مقدار کمی بول یا غائط خارج می شود و یا هیچ خارج نمی شود. آیا چنین شخصی برای طواف، باید خودش طواف کند یا باید طواف داده شود و یا این که وظیفه اش گرفتن نایب است؟

پاسخ: در صورتی که با استفاده از چرخ ویلچر و یا تخت روان بتواند طواف را با حفظ وضو انجام دهد، باید این چنین طواف کند و در صورتی که استفاده از ابزار مذکور، موجب کمتر شدن خروج بول و غائط شود، احوط این است که با استفاده از آنها طواف کند و احتیاط این است که نایب هم بگیرد.

[1999] سؤال 163: کسی بنا دارد تا آخر ذی الحجّه در مکه بماند و پس از اتمام اعمال حج متوجه می شود که وضویش به هنگام طواف حج باطل بوده است. در این صورت چه باید بکند؟

پاسخ: در فرض مذکور، واجب است طواف حج و نماز آن را اعاده کند و نیز به احتیاط واجب، سعی و طواف نساء را نیز اعاده کند و حج او صحیح است.

پاك بودن بدن و لباس از نجاست

[2000] سؤال 164: شخصی در حال طواف، بچه ای را در بغل دارد که نجس شده است، آیا ضرری به طواف او می رسد؟

پاسخ: مادامی که نجاست از بچه به بدن یا لباس طواف کننده سرایت نکرده است، اشکالی ندارد.

ستر

[2001] سؤال 165: آیا طواف کردن با لنگ تنها و بدون داشتن ردا صحیح است؟

پاسخ: طواف در حالت مذکور صحیح است، گرچه خلاف احتیاط است.

بیرون بودن از کعبه و اجزای آن

[2002] سؤال 166: اگر طواف کننده به هنگام طواف، دست خود را بر روی دیوار خانه کعبه بگذارد و مقداری از طواف را با این حالت انجام دهد، طوافش صحیح است یا خیر؟

پاسخ: اگر در حال توقف، دست بر روی دیوار کعبه بگذارد، اشکال ندارد و اگر در حال راه رفتن دست بر آن گذارد، در صورتی که در قسمت هایی که شاذروان است، این کار را کند، بنا بر احتیاط واجب باید آن مقدار را اعاده نماید.

[2003] سؤال 167: شخصی بعد از اتمام اعمال عمره مفرده و به جا آوردن طواف نساء، می فهمد که در محل طواف و در شاذروان، نباید دست به دیوار خانه کعبه بگذارد و یقین دارد که در یکی از دو طواف عمره یا نساء، این کار را کرده است. اکنون وظیفه اش چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، يك طواف به نیت «ما فی الذمه» به جا آورد و وظیفه دیگری ندارد.

گردیدن به دور حجر اسماعیل

[2004] سؤال 168: آیا تماس با دیواره حجر اسماعیل، در حال طواف جایز است؟

پاسخ: تماس بدن با دیوار حجر اشکال ندارد؛ ولی گذاشتن دست بر بالای

دیوار حجر، به احتیاط و جویی باید ترك شود و اگر دست گذاشت، باید احتیاطاً همان مقدار را اعاده کند.

هفت دور طواف کردن

[2005] سؤال 169: اگر حاجی بعد از تمام شدن طواف، يك يا دو دور دیگر به احتمال کمبود دورهای طواف و جبران نمودن آنها به دور خانه خدا بگردد، آیا اشکالی دارد یا خیر؟

پاسخ: چنانچه اطمینان دارد طواف را به طور کامل انجام داده، انجام شوطهای بعدی مضر به صحّت طواف نیست؛ ولی چنانچه شك دارد طواف را به طور کامل انجام داده و دورهای بعدی را به قصد تکمیل مقدار مشکوک به جا آورده، طوافش باطل است.

[2006] سؤال 170: دختری شش یا هفت ساله، در دور ششم طواف یا سعی، از ادامه آن خودداری می کند. حکم آن چیست؟

پاسخ: ولیّ او تکلیفی ندارد و برای خروج از احرام، احتیاطاً تقصیر کند.

[2007] سؤال 171: زن و شوهری با هم شروع به طواف حج یا طواف نساء می کنند. یکی از آنها یقین دارد که هفت دور تمام شده و طواف را تمام می کند و دیگری یقین دارد که شش دور تمام شده و يك دور دیگر اضافه می کند و طواف را تمام می نماید. آنها نسبت به طواف و نسبت به یکدیگر چه وظیفه ای دارند؟

پاسخ: طواف هر دو آنها که بر حسب اعتقاد خود، صحیح انجام شده، مجزی است و وظیفه دیگری ندارند.

مستحبات طواف

اشاره

[2008] سؤال 172: آیا خواندن دعاهایی که به هنگام طواف خوانده می شود، واجب است یا مستحب؟

پاسخ: مستحب است.

ص: 538

[2009] سؤال 173: آیا «هروله» در طواف هم مانند سعی مستحب است؟

پاسخ: هروله در طواف استحباب ندارد، بلکه افضل این است که در حال طواف، به طور متعارف قدم بردارد.

حدّ مطاف

[2010] سؤال 174: اخیراً دولت سعودی از طواف افراد ناتوان با تخت روان و یا ویلچر در صحن مسجد الحرام ممانعت به عمل می آورد و آنها را برای طواف به طبقه دوم هدایت می کند. وظیفه این افراد برای طواف و نماز طواف چیست؟

پاسخ: وظیفه این گونه افراد این است که نایب بگیرند تا طواف را در مطاف، به نیابت از آنها انجام دهد و پس از انجام دادن طواف توسط نایب، باید خود آنها نماز طواف را در پشت مقام ابراهیم بخوانند و انجام طواف در طبقه بالا توسط خود آنها واجب نیست، گرچه موافق احتیاط مستحب است.

شك در طواف

[2011] سؤال 175: اگر حاجی پس از انجام طواف و قبل از نماز طواف، در طواف شك کند، چه وظیفه ای دارد؟

پاسخ: اگر پس از انجام دادن و انصراف از طواف، شك کند که صحیح انجام داده یا نه، محکوم به صحّت است.

انجام دادن کارهای حرام در حال طواف

[2012] سؤال 176: حکم حمل کردن چیز غصبی در حال احرام و در حال طواف عمره یا طواف حج و یا طواف نساء چیست؟ در حال نماز طواف چه طور؟

پاسخ: حمل شیء غصبی در حال احرام، مخلّ به احرام نیست؛ ولی در حال طواف و نماز طواف، در صورتی که با حرکت طواف کننده و یا نمازگزار، آن شیء حرکت می کند، به احتیاط واجب باید حمل آن ترك شود.

ص: 539

[2013] سؤال 177: آیا فعل حرام در بین طواف (مثل دروغ و غیبت و نگاه حرام)، موجب باطل شدن طواف است؟

پاسخ: گناه کردن در بین طواف، گرچه حرام است؛ ولی موجب بطلان طواف نمی شود.

[2014] سؤال 178: آیا ریا کردن در ادعیه طواف، مبطل طواف است؟

پاسخ: ریا کردن در ادعیه طواف، حرام است؛ ولی طواف را باطل نمی کند.

مسائل دیگر طواف

[2015] سؤال 179: جوانی هر دو پایش صدمه خورده و از زیر زانو، پای مصنوعی دارد.

آیا طواف و سعی او با تخت روان و صندلی چرخدار مجزی است؟ و آیا این گونه طواف و سعی کردن افضل است یا نایب گرفتن؟

پاسخ: اگر می تواند به گونه مذکور، طواف و سعی کند، مقدّم بر نایب گرفتن است و اگر نمی تواند، واجب است نایب بگیرد.

[2016] سؤال 180: اگر طواف حج یا طواف نساء به جهتی باطل باشد، قضای آن باید در ماه ذی الحجّه باشد یا در هر وقت دیگری

کفایت می کند؟

پاسخ: طواف نساء را هر وقتی می توان به جا آورد، ولی طواف حج را باید در ماه ذی الحجّه انجام دهد و اگر عمداً آن را تا پایان ذی الحجّه به جا نیاورد، حجّ او باطل است؛ اما چنانچه پس از گذشتن ماه ذی الحجّه متوجه شود که طواف حجّ او باطل بوده، اگر به جهت جهل به مسأله طوافش باطل شده است، حجّش اشکال دارد، ولی چنانچه به جهت فراموشی و یا از روی سهو، طوافش باطل شده بوده، باید خودش آن را قضا نماید و در این صورت به جا آوردن طواف حج پس از ماه ذی الحجّه اشکال ندارد و چنانچه خودش نتواند به مکه بازگشته و آن را قضا کند، باید کسی را وکیل کند که از طرف او قضای آن را به جا آورد.

[2017] سؤال 181: عمره مفرده ای به نیابت از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

انجام دادم و بعد از بازگشت به وطن متوجه شدم که طوافم صحیح نبوده است. به همین خاطر کسی را نایب گرفتم تا طواف و نماز آن را به نیابت از من به جا آورد. آیا این کار صحیح است؟

پاسخ: اشکال ندارد.

[2018] سؤال 182: آیا می توان پس از انجام دادن طواف و نماز آن و قبل از سعی بین صفا و مروه، از طرف شخص دیگری طواف انجام داد؟

پاسخ: به احتیاط واجب ترك شود؛ ولی چنانچه انجام داد، ضرری به عمره یا حجّ او نمی زند.

[2019] سؤال 183: طواف کننده ای در شوط هفتم از طواف، رکن یمانی را می بوسد، آیا این کار ضرری به طواف می رساند؟

پاسخ: بوسیدن رکن یمانی ضرری به طواف نمی رساند؛ ولی واجب است طواف را با شرایط آن از محلی که برای بوسیدن قطع کرده است، ادامه بدهد.

[2020] سؤال 184: به هنگام طواف، به سبب ازدحام شدید جمعیت، مقام ابراهیم علیه السلام در مقابل من قرار گرفت و مقداری به طرف راست رفتم تا از مقام دور شدم و بعد بقیه طواف را تکمیل کردم، آیا طوافم صحیح است؟

پاسخ: طواف شما صحیح است.

[2021] سؤال 185: اگر حاجی بعد از يك روز یا بیشتر بفهمد که سعی او باطل بوده است و جاهل به حکم بوده، آیا واجب است که طواف را هم اعاده کند یا خیر؟

پاسخ: اعاده طواف واجب نیست.

[2022] سؤال 186: در حال طواف، خواندن نماز مستحب، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر به گونه ای نباشد که صورت طواف به هم بخورد، اشکال ندارد.

[2023] سؤال 187: اگر حاجی اعمال حج، مثلاً طواف نساء را به مانند دیگر اعمال حج که حاجیان با راهنمایی روحانی کاروان انجام می دهند به جا آورد، ولی نیت طواف نساء نکند، آیا طوافش صحیح است؟

پاسخ: اگر عمل را به قصد آنچه وظیفه فعلی اوست، انجام دهد، مجزی است و نیت تفصیلی، شرط نیست.

[2024] سؤال 188: اگر کسی با علم و عمد، طواف نساء را ترك کند و با زنش نزدیکی نماید و بچه دار شود، آیا عملش زنا محسوب می شود و این بچه زنازاده است؟

پاسخ: گرچه عمل حرامی مرتکب شده است؛ ولی این عمل، زنا محسوب نمی شود و بچه هم زنا زاده نیست.

[2025] سؤال 189: کسی به حج رفته و طواف نساء انجام نداده و پس از بازگشت از حج ازدواج کرده است. آیا ازدواجش باطل است یا فقط حق استمتاع از همسر خود را ندارد؟

پاسخ: در فرض مذکور، عقد ازدواج او صحیح است؛ ولی استمتاع از همسر برای او تا زمانی که طواف نساء را خودش و در صورت تعدد، نایش انجام نداده، جایز نیست.

[2026] سؤال 190: آیا به کسی که نماز طوافش صحیح نیست، بعد از انجام دادن طواف نساء می توان زن داد یا زنی را برایش عقد کرد؟

پاسخ: اگر مُحرم، به وظیفه فعلی خودش عمل کرده باشد، کافی است و ازدواج با او و عقد کردن برای او اشکال ندارد.

[2027] سؤال 191: فردی مناسک حج را انجام می دهد و تنها طواف نساء باقی می ماند.

آیا جایز است قبل از طواف نساء، به نیابت از شخص دیگری عمره مفرده به جا آورد؟

پاسخ: جایز است.

[2028] سؤال 192: شروع کردن عمره مفردة دوم، قبل از انجام دادن طواف نساء در عمره مفردة اول و سپس انجام دادن دو طواف نساء، صحیح است یا خیر؟

پاسخ: اشکالی ندارد.

نماز طواف

شرایط و واجبات نماز طواف

مکان نماز طواف

[2029] سؤال 193: آیا لازم است نماز طواف در پشت مقام ابراهیم علیه السلام و در نزدیکی مقام باشد؟ اگر کسی با اختیار خود، حدود سی یا چهل متر از مقام فاصله بگیرد و نماز بخواند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: نماز طواف واجب را در جایی که عرفاً پشت مقام، صدق کند، باید انجام داد و بهتر است نزدیک تر به مقام باشد؛ ولی نماز طواف مستحبی را در هر جای مسجد الحرام می توان خواند.

[2030] سؤال 194: در هنگام ازدحام و یا تشکیل صفوف نماز صبح، مأمورین مسجد الحرام از خواندن نماز طواف در پشت مقام، به ویژه برای خانم ها ممانعت می کنند. در چنین شرایطی، نماز خواندن در محدوده مقابل رکن حجر تا مقابل رکن عراقی کافی است یا خیر؟

پاسخ: اگر طواف واجب باشد، نماز طواف باید پشت مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود، ولو این که از مقام فاصله داشته باشد؛ ولی بهتر است تا جایی که ممکن است نماز را نزدیک تر به مقام بخواند و نماز طواف مستحبی، در هر جای مسجد الحرام که خوانده شود، مجزی است.

قرائت در نماز طواف

[2031] سؤال 195: قرائت شخصی صحیح نبوده و به همان صورت نماز طواف را خوانده و کسی را هم که نمی دانسته قرائتش صحیح است یا نه، نایب گرفته و برایش نماز خوانده

ص: 543

است. اکنون که به وطنش بازگشته، آیا وظیفه ای برعهده اش باقی مانده یا خیر؟

پاسخ: چنانچه با سعی کردن در تصحیح قرائت خود، متمکن از تصحیح کامل آن نشود، نماز او صحیح است و استنابه لازم نیست، گرچه موافق با احتیاط است.

[2032] سؤال 196: آیا می توانیم برای این که خیالمان راحت باشد، نماز طواف را به روحانی کاروان که اطمینان به قرائت صحیح او داریم، اقتدا نماییم؟

پاسخ: صحت جماعت در نماز طواف، محل اشکال است.

موالات بین طواف و نماز طواف

[2033] سؤال 197: وقتی هفت دور طواف را تمام کردم، شروع به پیدا کردن جایی که نزدیک تر به مقام ابراهیم علیه السلام باشد، کردم تا نماز طواف را در آن جا بخوانم و این جستجو حدود پانزده دقیقه طول کشید و سپس نماز طواف را خواندم، حکم این نماز چیست؟

پاسخ: صحیح است.

[2034] سؤال 198: اگر نایب، نماز طواف منوبّ عنه را با فاصله از طواف انجام دهد، حکم آن چیست؟

پاسخ: چنانچه منوبّ عنه، نماز طواف را خوانده و نماز نایب که با فاصله از طواف انجام شده، به صورت احتیاط بوده، اشکال ندارد؛ ولی چنانچه نایب، در اصل طواف و نماز آن نیابت داشته، در صورتی که عمداً فاصله انداخته و به موالات اخلاص وارد شده است، احتیاطاً طواف و نمازش را اعاده کند.

شک در نماز طواف

[2035] سؤال 199: اگر کسی در اثنای سعی یا بعد از آن شک کند که نماز طواف خوانده یا نه، چه حکمی دارد؟

پاسخ: به شك خود اعتنا نکند و اعاده نماز طواف لازم نیست.

[2036] سؤال 200: کسی که به نیابت از جماعتی عمره مفرده انجام می دهد، آیا در این حال، يك نماز طواف کفایت می کند؟

پاسخ: يك نماز به نیابت از آن جماعت کفایت می کند.

[2037] سؤال 201: آیا کسی که برای نماز طواف نایب شده است، جایز است خواندن نماز را تا وقتی که منوب عنه، سعی بین صفا و

مروه را تمام می کند، به تأخیر اندازد؟

پاسخ: جایز نیست و باید مراعات ترتیب بین نماز طواف و سعی بین صفا و مروه بشود.

مسائل دیگر نماز طواف

[2038] سؤال 202: آیا نماز طواف، واجب نفسی است، یا واجب غیري که صحت طواف به صورت شرط متأخر، متوقف بر آن است؟

پاسخ: گر چه نماز طواف، واجب نفسی است؛ ولی چنانچه بین نماز و طواف، فاصله انداخته شود، به طوری که موالات عرفی از بین برود،

احتیاطاً طواف و نماز آن اعاده شود.

[2039] سؤال 203: مردی پس از طواف، در پشت مقام ابراهیم علیه السلام نماز می خواند و ازدحام جمعیت زیاد است و موقع نماز

طواف، زنی در کنار یا در جلو او مشغول نماز خواندن است. آیا در این صورت، اشکالی به نماز طواف و حج او وارد می شود؟

پاسخ: اشکالی ندارد.

[2040] سؤال 204: کسی که بعد از انجام دادن اعمال عمره و تقصیر کردن و خارج شدن از احرام، به یادش می آید که نماز طواف را

نخوانده است، آیا نماز را باید با لباس احرام بخواند یا لباس معمولی و آیا وظیفه دیگری به جز خواندن نماز طواف دارد؟

پاسخ: به جا آوردن نماز طواف کافی است و اعاده سایر اعمال لازم نیست،

هر چند احتیاط مستحب است که آنها را اعاده کند و پوشیدن لباس احرام در حال نماز نیز لازم نیست، هر چند مطابق با احتیاط مستحب است.

[2041] سؤال 205: آیا درست کردن حلقه ای از افراد که مزاحم طواف کنندگان است و خواندن نماز در آن حلقه صحیح است؟ و اگر دیدیم که حلقه ای تشکیل شده، آیا در صورت امکان، خواندن نماز در آن حلقه بر ما واجب است؟

پاسخ: مزاحمت برای طواف کنندگان جایز نیست؛ ولی اگر در آن حلقه نماز خوانده، نمازش باطل نیست.

[2042] سؤال 206: فردی شروع به نماز طواف می کند، لکن ازدحام جمعیت مانع از استقرار و آرامش بدن او می شود و نماز را به هم زده، دوباره شروع به نماز می کند و با سختی و به قدر امکان دو رکعت نماز می خواند و بعد از تمام شدن نماز، برای بار سوم نماز می خواند. آیا خواندن بیش از يك بار نماز، ضرری به حج می زند یا خیر؟

پاسخ: در فرض سؤال، تکرار نماز، ضرری برای حج ندارد.

[2043] سؤال 207: کسی که به علت ازدحام جمعیت نمی تواند نماز طواف را نزدیک به مقام ابراهیم علیه السلام بخواند و آن را در پشت مقام و در فاصله دورتر می خواند، اگر قبل از انجام دادن سعی بین صفا و مروه بتواند نزدیک به مقام نماز بخواند، آیا تکرار نماز لازم می شود؟

پاسخ: تکرار نماز طواف لازم نیست.

[2044] سؤال 208: خواندن نماز طواف در طواف مستحبی، مستحب است یا واجب؟ و اگر کسی نماز طواف را در طواف مستحبی نخواند، آیا به مستحب عمل کرده و ثوابی می برد یا مانند این است که در نماز دو رکعتی مستحبی، بعد از خواندن يك رکعت، نماز را رها کند؟

پاسخ: بعید نیست ترك نماز طواف مستحب، از روی عمد جایز باشد؛ ولی ترتب ثواب بر طواف مستحب بدون نماز، معلوم نیست.

[2045] سؤال 209: آیا نماز طواف مستحب را می توان در حال حرکت خواند؟

پاسخ: جایز است.

سعی

[2046] سؤال 210: اگر مُحرم در حال سعی، در ارابه به خواب برود، حکمش چیست؟

پاسخ: از همان جا که به خواب رفته بوده، قصد سعی کند و آن را اعاده نماید و اگر معیناً جای خواب را نمی داند، لازم است احتیاط کند و به هر مقداری که احتمال می دهد در خواب بوده، برگردد و نیت کند از همان جا که به خواب رفته است، محسوب شود.

[2047] سؤال 211: کسی بعد از شوط چهارم در سعی، به جهت رفع حاجت برادر مؤمن خود، سعی را ترك کرده و موالات در سعی از بین رفته است و بعد برگشته و بقیه سعی را انجام داده است. آیا در سعی نیز تفصیلاتی که در ترك کردن طواف گفته شده، وجود دارد؟ در رمی چه طور؟

پاسخ: تفصیلی که نسبت به موالات در طواف گفته شده، در سعی و رمی وجود ندارد؛ ولی در سعی، هنگامی که آن را در شوط اول ترك کند و موالات عرفی از بین برود، احتیاطاً باید سعی را دوباره از اول انجام دهد.

[2048] سؤال 212: حاجی در سعی بین صفا و مروه، اشتبهاً معتقد به وجوب هروله در بین دو مناره است و بعد از فراغ از سعی، می فهمد که در یکی از شوطها از روی غفلت هروله را انجام نداده و در این حال برای جبران آن، يك شوط از صفا به همراه هروله انجام می دهد و دوباره در صفا تمام می کند. با توجه به این که به اعتقاد او این دو شوط زاید، صحیح است، آیا سعی او صحیح انجام شده است یا خیر؟

پاسخ: اگر بعد از فراغ از سعی بوده، اشکالی ندارد و سعی او صحیح است.

[2049] سؤال 213: کسی می دانسته سعی را باید از صفا شروع کند؛ ولی اشتبهاً خیال کرده که

ص: 547

مروه همان صفا است و در نتیجه سعی خود را از مروه شروع کرده و قبل از اتمام هفت دور سعی، متوجه شده و برای تصحیح اشتباه خود، يك دور دیگر هم به سعی اضافه نموده تا در نتیجه، سعی در مروه تمام شود. آیا سعی او صحیح است؟

پاسخ: در فرض مذکور، سعی او صحیح است.

[2050] سؤال 214: اگر مادر از فرزندش تقاضا کند که سعی بین صفا و مروه را از طرف او اعاده کند، آیا اعاده سعی توسط فرزند، به نیابت از مادر مجزی است؟

پاسخ: انجام دادن سعی توسط فرزند و یا هر نایب دیگری به نیابت از مادر مجزی نیست، مگر این که عاجز باشد و حتی با چرخ و کالسکه هم نتواند سعی کند و یا این که در مکه نباشد و نتواند به مکه بیاید.

[2051] سؤال 215: در کتاب مناسک آمده که اگر کسی در روز طواف کند، تا آخر شب برای انجام دادن سعی بین صفا و مروه مجاز است. مراد از آخر شب در این جا، طلوع فجر است یا طلوع آفتاب؟ و اگر کسی در شب طواف کند، تا چه مقداری می تواند سعی را به تأخیر بیندازد؟ و چنانچه کسی در هر دو صورت مذکور، سعی را تا روز بعد به تأخیر بیندازد، وظیفه اش چیست؟

پاسخ: مقصود از آخر شب، همان طلوع فجر است و تأخیر سعی در هر دو فرض سؤال، تا طلوع فجر اشکال ندارد و چنانچه تا روز بعد سعی را به تأخیر بیندازد، انجام دادن سعی کافی است و اعاده طواف لازم نیست، هر چند تأخیر عمدی سعی تا روز بعد جایز نیست.

[2052] سؤال 216: کسی طواف را فراموش کرده و در مکه به یاد می آورد؛ ولی به علت بیماری یا عذر دیگری نمی تواند طواف کند و برای طواف نایب می گیرد. آیا در این صورت، اعاده سعی هم لازم است یا خیر؟

پاسخ: در فرض مذکور، به احتیاط واجب باید خودش و در صورتی که نمی تواند، نایب، سعی را هم انجام دهد و منوبّ عنه (در صورتی که طواف

مربوط به عمره مفرده یا عمره تمتع بوده) پس از سعی، بنا بر احتیاط تقصیر نماید.

مسائل بین عمره تمتع و حج تمتع

[2053] سؤال 217: آیا جایز است حجّاج پس از انجام دادن عمره تمتع و قبل از شروع حجّ تمتع، به جهت درك فیوضات معنوی به عرفات و مشعر و منی بروند؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب، خارج شدن از مکه پس از عمره تمتع و قبل از حجّ تمتع جایز نیست و در صورت ضرورت، باید برای حجّ مُحرم شوند و با حالت احرام از مکه بیرون بروند.

[2054] سؤال 218: اگر کسی بعد از انجام دادن عمره تمتع، عمداً مکه را ترك کند و بقیه اعمال را انجام ندهد، حکمش چیست؟

پاسخ: بر او واجب است به مکه برگردد و پس از احرام، اعمال حجّ تمتع را انجام دهد و چنانچه برنگردد تا وقت حجّ فوت شود، معصیت کرده است و عمره تمتع او باطل است؛ ولی احوط این است که يك طواف نساء به قصد «ما فی الذمه» انجام دهد.

[2055] سؤال 219: آیا پس از انجام دادن عمره تمتع، خروج از مکه مکرمه و داخل نشدن به مکه تا پایان ماهی که عمره تمتع را در آن ماه انجام داده، عمره تمتع را باطل می کند؟ آیا انجام دادن عمره دیگری پس از ورود به مکه، در غیر ماهی که عمره تمتع را در آن انجام داده است، مبطل عمره تمتع است؟

پاسخ: در نزد این جانب، باطل شدن عمره تمتع، ولو با انجام دادن عمره دیگر، ثابت نشده است؛ ولی اگر در غیر ماهی که عمره تمتع را انجام داده، به مکه بازگردد، واجب است به نیت «ما فی الذمه» مُحرم شود و بعد از انجام عمره، طواف نساء به جا آورد.

[2056] سؤال 220: شخصی در ماه شوال یا ذی القعدة عمره تمتع به جا می آورد و به مدینه برمی گردد و در ماه جدید دوباره به مکه می رود. وظیفه او نسبت به احرام در مسجد شجره چیست؟ عمره مفرده یا عمره تمتع مجدد یا عمره به قصد «ما فی الذمه»؟

پاسخ: به قصد «ما فی الذمه» احرام ببندد و طواف نساء و نماز آن را نیز بدون این که معین کند برای عمره اول است یا دوم، به جا آورد.

[2057] سؤال 221: کسی که در ماه ذی القعدة عمره تمتع به جا می آورد و در ماه ذی الحجّه به محلی خارج از مکه می رود، ولی از حرم خارج نمی شود، آیا برای بازگشت به مکه باید مُحرم شود؟ اگر لازم است مُحرم شود، از کجا مُحرم شود؟ به یکی از مواقیت عمره تمتع برود یا به ادنی الحل؟ و به چه نیتی احرام ببندد؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر قبل از به جا آوردن اعمال حج تمتع از مکه خارج شود و بخواهد دوباره به مکه باز گردد، باید به نیت «ما فی الذمه» از یکی از مواقیت عمره تمتع مُحرم شود و طواف نساء و نماز آن را نیز بدون این که معین کند برای عمره اول است یا دوم، به جا آورد؛ ولی در فرض سؤال، اگر بعد از اعمال حج تمتع از مکه خارج شود و بخواهد دوباره به مکه باز گردد، باید از ادنی الحل مُحرم شود و عمره مفرده به جا آورد.

تقدیم اعمال مکه

[2058] سؤال 222: معذورین، مانند زنان و بیماران و افراد ناتوان، می توانند در شب عید قربان جمره عقبه را رمی کنند. اگر این افراد خوف این را داشته باشند که بر اثر ازدحام جمعیت نتوانند اعمال مکه را به جا آورند، آیا جایز است در شب عید، بعد از رمی به مکه بروند و اعمال خود را انجام دهند و به منی برگردند؟ آیا این افراد باید اعمال مکه را بر وقوفین مقدم کنند یا بین تقدیم اعمال مکه بر وقوفین و انجام دادن اعمال مکه در شب عید، پس از رمی جمره عقبه مخیرند؟

پاسخ: در فرض مذکور که خوف دارند پس از اعمال منی نتوانند اعمال مکه

را انجام دهند، می توانند قبل از وقوف در عرفات اعمال مکه را به جا آورند و انجام دادن اعمال مکه در شب عید، مجزی نیست.

[2059] سؤال 223: به سبب ازدیاد تعداد حجّاج در سال های اخیر، موانعی برای ادای اعمال پیش آمده است و از آن جمله است به جا آوردن اعمال مکه بعد از اعمال منی. آیا به جهت رعایت صحّت اعمال حجّاج، جایز است حجّاج بعد از رمی جمره عقبه و قبل از قربانی و حلق و تقصیر، اعمال مکه را انجام دهند؟ اگر برای همه جایز نیست، آیا برای کسانی مثل خائف، زنانی که خوف از حیض شدن دارند، کسی که مسئول آب و غذای حجّاج است، پیر مردان، زنان، مریض ها، بچه ها، پرستاران مریض، پزشکان و... جایز است؟

پاسخ: تقدیم اعمال مکه، بعد از وقوفین و قبل از اعمال منی، یا در بین اعمال منی جایز نیست و فقط بعد از احرام و قبل از وقوفین، برای چهار گروه که در کتاب مناسک آمده، جایز است.

[2060] سؤال 224: کسی که وظیفه اش این است که اعمال مکه را بعد از وقوفین انجام دهد، ولی به جهت ندانستن مسأله، اعمال مکه را قبل از وقوفین انجام داده است، چه حکمی دارد؟

پاسخ: چنانچه ماه ذی الحجّه باقی است، باید اعمال مکه را تدارک کند و حجّ او صحیح است؛ ولی در صورتی که ذی الحجّه گذشته است و اعمال را تدارک نکرده، حجّ او باطل است و باید يك شتر به عنوان کفّاره قربانی کند و در سال آینده حج را اعاده نماید.

عرفات، مشعر الحرام و منی

[2061] سؤال 225: آیا سرزمین های عرفات و مشعر و منی، جزء حرم مکه محسوب می شوند و احکام حرم را دارند؟

ص: 551

پاسخ: عرفات، جزء حرم نیست و احکام آن را ندارد؛ ولی مشعر و منی جزء حرم هستند.

[2062] سؤال 226: آیا حدودی که فعلاً برای مشاعر مقدّسه، مثل عرفات و منی معین شده، معتبر است و می توان بر آن اعتماد کرد؟

پاسخ: در این موضوع، برای حصول اطمینان باید به اهل خبره موثق رجوع شود.

[2063] سؤال 227: اگر احتمال دهیم که در حدّ عرضی مشعر الحرام کوه وجود داشته و به جهت توسعه مشعر الحرام آن را از بین برده اند، آیا این احتمال منجز است و موجب احتیاط می شود؟

پاسخ: صرف احتمال از بین بردن کوه و توسعه موقوف، منجز نیست و موجب احتیاط نمی شود.

[2064] سؤال 228: آیا ارتفاعات و کوه های محیط به منی، جزء منی محسوب می شوند یا خیر؟ آیا ذبح قربانی در روز عید در ارتفاعات و کوه های مذکور، حکم ذبح در منی را دارد یا خیر؟

پاسخ: حدود منی از طرف وادی مُحَسَّر و جمره عقبه روشن است؛ ولی کوه ها و ارتفاعات طرفین، ظاهراً جزء منی نیستند و ذبح در آن مکان ها احتیاطاً کفایت نمی کند، مگر در دامنه ارتفاعات. در بعضی از نقشه ها که در مکه می فروشند، بعضی از ارتفاعات را از منی محسوب داشته اند؛ ولی ثبوت مطلب با این نقشه ها خالی از اشکال نیست.

[2065] سؤال 229: آیا حدّ منی، جمره عقبه است یا خود عقبه که گردنه بزرگی است؟

پاسخ: قدر متیقّن حدّ منی، جمره عقبه است.

[2066] سؤال 230: وقتی که هلال ماه ذی الحجّه برای ما ثابت نشود، ولی قاضی مکه حکم

به ثبوت هلال کند، چه باید کرد؟ به این جهت، در مراسم حج برای تعیین روز عرفه و وقوف در عرفات برای ما مشکل پیش آمد و از این بابت نمی دانیم که آیا واجبات حج را درست انجام داده ایم یا خیر و آیا این حج را حَجَّة الاسلام قرار دهیم یا نه؟

پاسخ: اگر قاضی مکه مکرمه، حکم به ثبوت هلال کرد، تبعیت از او لازم است، ولو این که علم به خلاف وجود داشته باشد و حج هم صحیح است.

[2067] سؤال 231: پس از وقوف در عرفات، آیا حاجی مجاز است در شب عید به مشعرالحرام نرود، مثلاً چند ساعتی به مکه برود و پیش از اذان صبح یا پیش از نیمه شب خود را به مشعر برساند یا باید مستقیم به مشعر برود؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب باید مستقیم به مشعرالحرام برود و شب را به قصد قربت در مشعر بگذراند.

[2068] سؤال 232: اگر معذور پس از وقوف اضطراری مشعر الحرام، از مشعر خارج شد و پیش از طلوع فجر عذر او برطرف شد، آیا بازگشت به مشعر الحرام برای درك وقوف اختیاری لازم است؟

پاسخ: باید برای درك وقوف اختیاری به مشعر باز گردد.

[2069] سؤال 233: مسئولین حج در عرفات و منی، منطقه ای را بین حجّاج تقسیم می کنند و هر گروهی دارای جای مخصوصی می شود. آیا اختصاص مکان خاصی به يك گروه، برای آنها حقی ایجاد می کند؟ و آیا قرار گرفتن در مکان مخصوص دیگران، برای وقوف مضر است یا خیر؟

پاسخ: چنانچه با وقوف در مکان خاصی که دیگران به آن سبقت گرفته اند، حق دیگران تضییع شود، احوط ترك وقوف در آن جاست؛ ولی وقوف، صحیح است.

[2070] سؤال 234: چند تن از خدمه کاروانی مقداری از اثاثیه کاروان را از عرفات به

مکه معظمه می بردند و سپس از مکه به مشعر باز می گردند و تا صبح در مشعر باقی می مانند. آیا در این صورت حجشان صحیح است؟

پاسخ: در فرض مذکور، حج آنها صحیح است؛ ولی چنانچه خروج آنها از عرفات قبل از غروب بوده، معصیت کرده اند و به ترتیبی که در کتاب مناسک حج آمده، باید کفاره بدهند.

[2071] سؤال 235: خارج شدن از مکه و منی و مثلاً رفتن به جدّه، طائف و مدینه در موارد ذیل چگونه است؟

الف. پس از اعمال روز عید قربان و پیش از اعمال مکه؛

ب. در روز یازدهم، پس از رمی جمرات؛

ج. پس از بیتوته نیمه اول شب یازدهم یا دوازدهم؛

د. پس از اعمال ایام تشریق و پیش از اعمال مکه.

پاسخ: در تمام موارد مذکور جایز است.

[2072] سؤال 236: حاجیانی که به سبب قربانی کردن، بدن و لباس احرامشان خونی و نجس می شود و گاهی تا بازگشت به مکه نیز

امکان تطهیر و پاکیزگی برای آنها نیست، چه کار باید کنند؟ و نمازی که با این حالت در منی می خوانند، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر تطهیر یا تبدیل لباس احرام، ولو با رفتن به مکه، حرجی نباشد، باید تطهیر یا تبدیل کنند و اگر حرجی باشد، تأخیر آن تا بازگشت

به مکه و نماز با آن حالت اشکال ندارد.

واجبات منی

رمی

[2073] سؤال 237: آیا رمی جمرات را می توان از روی پلی که نزدیک جمرات ساخته شده است انجام داد و این عمل مجزی است؟

ص: 554

پاسخ: رمی جمرات از روی پُل مانع ندارد و مجزی است؛ ولی باید از رسیدن سنگ ها و اصابت آنها به جمرات، اطمینان حاصل کند.

[2074] سؤال 238: جمرات از شکل سابق آن خارج شده و تغییر کرده و به صورت دیواری با طول و عرض زیادتر نسبت به قبل درآمده است. آیا رمی جمرات فعلی مجزی است؟

پاسخ: رمی کلّ دیوار مجزی است. البته در جمره عقبه اگر بخشی از دیوار، خارج از منی واقع شده باشد، باید قسمتی از آن رمی شود که در داخل منی واقع شده است.

[2075] سؤال 239: شخصی در بعد از ظهر عید قربان که جمره عقبه خلوت است، خودش می تواند رمی کند؛ ولی دیگر نمی تواند قربانی را در روز عید انجام دهد. آیا برای این که بتواند قربانی را در روز عید انجام دهد، جایز است برای رمی جمره، در صبح روز عید نایب بگیرد؟ اگر چندین سال در صبح روز عید نایب گرفته باشد، حکمش چیست؟

پاسخ: باید خودش در عصر روز عید رمی کند و اگر با توانایی از رمی در عصر، در صبح نایب گرفته باشد، عمل نایب باطل است و باید خودش آن رمی ها را قضا کند و اگر نمی تواند، نایب بگیرد.

[2076] سؤال 240: پرستار مریضی که به همراه مریض خود، شبانه به منی می رود، آیا می تواند مانند مریض، در همان شب دهم ذی الحجه (شب عید قربان) رمی را انجام دهد؟

پاسخ: اگر پرستار مریض، زن باشد، چون برای زن ها حتی در حال اختیار هم رمی در شب دهم جایز است، برای او نیز جایز است و اگر پرستار، مرد باشد، چنانچه نتواند در روز، رمی کند، برای او نیز رمی در شب جایز است؛ ولی چنانچه از رمی در روز معذور نباشد، باید در روز، رمی کند.

[2077] سؤال 241: جوانی هر دو پایش صدمه خورده و از زیر زانو، پای مصنوعی دارد. آیا باید برای رمی نمودن، نایب بگیرد و به هنگام رمی نایب، حضور او در آن جا لازم است؟

پاسخ: اگر خودش قادر بر رمی کردن نیست، نایب بگیرد و احتیاط مستحب آن است که در صورت امکان، هنگام رمی نمودن نایب، در محل رمی حاضر شود.

[2078] سؤال 242: زنان که در شب عید قربان به صورت اختیاری می توانند رمی جمره عقبه را انجام دهند، چنانچه از رمی در شب عید معذور باشند، آیا جایز است مردی را نایب بگیرند تا در شب عید از طرف آنها رمی جمره عقبه را انجام دهد؟
پاسخ: رمی مردی که نایب شده، در شب اشکال دارد و مجزی نیست.

[2079] سؤال 243: با توجه به این که بانوان می توانند رمی روز دهم را در شب انجام دهند، آیا لازم است رمی آنها در شب عید باشد یا در شب یازدهم نیز جایز است؟ و در فرض جواز، در صورتی که زن در اعمال حج، نایب دیگری باشد، چه حکمی دارد؟
پاسخ: با فرض توانایی از رمی در شب عید یا روز آن، رمی در شب یازدهم جایز نیست.

[2080] سؤال 244: آیا کسی که برای رمی جمرات نایب شده است، می تواند قبل از انجام دادن رمی خودش، برای منوب عنه رمی کند؟
پاسخ: بلی، جایز است.

[2081] سؤال 245: آیا جایز است رمی جمرات روز یازدهم ذی الحجّه را در شب قبل آن (شب یازدهم) انجام داد؟
پاسخ: برای کسی که نتواند در روز، رمی کند، جایز است.

[2082] سؤال 246: هنگام رمی یا پیش از آن، يك ریگ مستعمل در کیسه ریگ ما می افتد و با ریگ های بکر، مخلوط و مشتبه می شود. آیا همین که هشت ریگ به جمره

بزنیم و اجمالاً علم پیدا کنیم که هفت ریگ بکر به جمره زده ایم، کافی است یا علم تفصیلی لازم است؛ یعنی به هنگام رمی باید بدانیم که کدام ریگ بکر و کدام مستعمل است؟

پاسخ: اگر اجمالاً یقین به زدن هفت ریگ بکر به جمره داشته باشید، کافی است.

[2083] سؤال 247: مردی به هنگام رمی جمره عقبه، در تعداد سنگ های برخورد کرده که باید به هفت عدد برسد، بسیار شك می کند، به طوری که 21 سنگ پرتاب می نماید.

آیا پرتاب این تعداد کافی است یا باید اطمینان حاصل کند؟

پاسخ: اگر قبل از رمی، قصد پرتاب بیش از هفت سنگ را نداشته، اشکالی ندارد، هر چند بعد از آن، به جهت احتیاط، بیشتر از هفت عدد پرتاب کند؛ ولی باید از اصابت و برخورد هفت سنگ به جمره مطمئن شود؛ اما اگر شك او به حدّ وسواس برسد، نباید به شك خود اعتنا کند.

[2084] سؤال 248: در روز عید، به هنگام رمی جمره عقبه اطمینان پیدا نکردم که هفت سنگ به جمره برخورد کرده و به همین جهت، چهار بار رمی جمره را تکرار کردم؛ ولی باز هم یقین پیدا نکردم و در بار چهارم، قسم خوردم که دیگر رمی را تکرار نکنم و بعد، اعمال حج را به پایان رساندم. آیا حجّ من صحیح است یا باطل؟ و کفّاره قسمی که خورده ام چیست؟

پاسخ: در مفروض سؤال، حجّ شما صحیح است و چیزی بر شما لازم نیست.

قربانی

اشاره

[2085] سؤال 249: اگر کسی عمداً در مراسم حج، قربانی نکرده باشد، وظیفه او چیست؟

پاسخ: اگر نمی دانسته که بین ذبح و حلق، ترتیب، شرط است و با جهل به این موضوع، حلق کرده و بقیه اعمال را به جا آورده، حجّ او صحیح است؛ ولی باید در سال آینده در روز عید قربان در منی یا در جایی که حجّاج، گوسفند ذبح

ص: 557

می کنند، خودش یا نایبش گوسفندی را قربانی کنند.

وقت قربانی

[2086] سؤال 250: بر اساس تحقیقات به عمل آمده، عمل به وظیفه قربانی در منی و یا نزدیک ترین نقطه به آن، تنها در کشتارگاه های تحت پوشش بانک توسعه اسلامی که همگی خارج از منی هستند، امکان پذیر است. این بانک با سرمایه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی تأسیس شده تا پس از انجام دادن وظیفه قربانی توسط حجّاج، ذبیحه آنها را آماده و منجمد سازد تا به تدریج به کشورهای مختلف، جهت توزیع بین نیازمندان و فقیران ارسال شود. حال به دلیل محدودیت مکانی، زمانی و روند رو به افزایش تعداد حجّاج و مشکلاتی از این قبیل، امکان ذبح تمامی قربانی ها در روز اول مقدور نیست. آیا می توان برای دستیابی به این امر مهم و عدم اتلاف ذبیحه ها تعدادی از قربانی ها را در روز دوم انجام داد؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب قربانی باید در روز دهم انجام گیرد و اگر ذبح در روز دهم برای حاجی مقدور نشد، بنا بر احتیاط باید تا روز دوازدهم قربانی کند و اگر تا این وقت هم انجام نداد، در روز سیزدهم قربانی کند و اگر نتوانست، در بقیه ماه ذی الحجه انجام دهد و اگر کسی قربانی را به تأخیر اندازد، باید حلق یا تقصیر را هم به تأخیر اندازد و پس از ذبح، آن را انجام دهد.

[2087] سؤال 251: شخصی با اعتقاد به این که قبل از ساعت نه صبح روز عید می تواند رمی جمره را انجام دهد، عده ای را برای قربانی کردن از طرف خود در ساعت نه صبح روز عید، وکیل کرده است؛ ولی بعد، غافل شده یا فراموش می کند و یا این که برای رمی کردن اقدام می کند، اما نمی تواند قبل از ساعت نه صبح رمی کند و رمی در ساعت یازده صبح انجام می شود و نمی تواند به قربانی کنندگان نیز خبر دهد که قربانی کردن را به تأخیر بیندازند و قربانی در ساعت نه صبح انجام می شود. حکم این مسأله چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، اشکال ندارد.

ص: 558

شرایط حیوان قربانی

[2088] سؤال 252: اگر قربانی، ماده باشد و احتمال بارداری آن برود، حکم این قربانی چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال، اگر قربانی، واجد سایر شرایطی که برای آن ذکر شده است، باشد، اشکال ندارد.

[2089] سؤال 253: آیا ذبح کردن گوسفندی که شیرش خشک شده، به عنوان قربانی حج جایز است؟

پاسخ: اگر دارای شرایط ذکر شده در کتاب مناسک حج باشد، خشک شدن شیر ضرری ندارد.

نیابت در قربانی

[2090] سؤال 254: اگر نایب، در حج نیابتی از طرف خودش قربانی کند و از روی نسیان یا جهل، نیت نکند که قربانی از طرف منوب

عنه است، حکمش چیست؟

پاسخ: اگر قصد نیابت، ولو ارتکازی داشته باشد که نوعاً نیز چنین است، کافی است، وگرنه باید اعاده کند.

[2091] سؤال 255: اگر حاجی برای قربانی کردن شخصی را نایب بگیرد، ولی بعداً بفهمد که یا قربانی را انجام نداده و یا ذبح او صحیح

نبوده، چه باید بکند؟

پاسخ: در فرض مذکور، واجب است قربانی را ولو تا آخر ذی الحجه انجام دهد و حج او صحیح است و چنانچه پس از ذی الحجه متوجه

شد که نایب قربانی نکرده یا ذبح او صحیح نبوده، واجب است در سال آینده در روز عید، در منی یا خودش یا دیگری به نیابت از او قربانی

را انجام دهد.

مصرف قربانی

[2092] سؤال 256: اگر حاجی به جای يك سوم از قربانی حج که باید به فقیر صدقه بدهد

ص: 559

و نتوانسته این کار را بکند، يك قربانی کامل دیگر به فقیر بدهد، کافی است؟

پاسخ: اگر از دادن صدقه معذور بوده یا صدقه دادن حرجی بوده، تکلیف او ساقط است و واجب نیست که قربانی دیگری به جای آن بدهد و این کار، اگر چه کار نیکویی است، ولی بدل از قربانی حج محسوب نمی شود.

مسائل دیگر قربانی

[2093] سؤال 257: آیا جایز است به جای قربانی کردن در منی، قیمت آن را در راه خیر مصرف نمود؟

پاسخ: صرف قیمت به جای قربانی در مصارف دیگر مجزی نیست.

[2094] سؤال 258: می دانیم که در موقع ذبح کردن، حیوان باید رو به قبله باشد. اگر حیوان را به طرف راست یا چپ بخوابانند و یا ایستاده به طرف قبله آن را ذبح کنند، حکمش چیست؟

پاسخ: در فرض هر يك از حالات مذکور، چنانچه حیوان رو به قبله باشد، حلال و مجزی است.

[2095] سؤال 259: آیا در کشتارگاه های صنعتی که ذابح آن شیعه نیست، می توان قربانی کرد؟

پاسخ: اگر ذابح، مسلمان باشد، کفایت می کند، هر چند شیعه نباشد.

حلق و تقصیر

وقت حلق و تقصیر در حج

[2096] سؤال 260: اگر حاجی کسی را برای قربانی کردن، نایب خود قرار دهد و تا غروب روز عید، خبری از نایب به او نرسد، آیا می تواند سر خود را تراشد؟

پاسخ: تا از قربانی مطمئن نشود، سر تراشیدن جایز نیست.

[2097] سؤال 261: می دانیم که مقدم کردن حلق و تقصیر بر ذبح جایز نیست. حال اگر برای

ص: 560

کسی ذبح کردن میسر نباشد و ماندن در احرام نیز مستلزم عسر و حرج باشد، تکلیفش چیست؟

پاسخ: در صورتی که به هر دلیلی قربانی از روز عید تأخیر بیفتد، بنا بر احتیاط نباید حلق یا تقصیر کند و از احرام بیرون بیاید؛ ولی چنانچه ماندن در احرام، مستلزم عسر و حرج باشد، می تواند با حلق یا تقصیر و قبل از قربانی کردن از احرام خارج شود.

مکان حلق و تقصیر در حج

[2098] سؤال 262: کسی به خاطر جهل به مسأله و یا غفلت و نسیان، حلق و تقصیر را در غیر سرزمین منی انجام داده؛ ولی هنوز اعمال مکه را به جا نیاورده است. آیا با وجود فرصت، تکرار حلق و تقصیر در منی لازم است یا خیر؟

پاسخ: حلق و تقصیر باید در منی باشد و اگر از باب جهل به مسأله و یا غفلت و نسیان، در غیر منی حلق و تقصیر نماید، عمل او صحیح و مجزی است و مستحب است موی حلق شده خود را به منی بفرستد و در آن جا دفن شود.

مسائل دیگر حلق و تقصیر در حج و عمره

[2099] سؤال 263: اگر وظیفه شخصی حلق نمودن باشد نه تقصیر، و حلق نمودن، باعث خونریزی شود، تکلیفش چیست؟

پاسخ: در صورتی که بتواند بدون خونریزی، سر را با ماشین ته زنی که با استعمال آن عرفاً حلق صدق می کند، بتراشد، تیغ زدنی که موجب خونریزی است، اشکال دارد و در صورت عدم امکان، به احتیاط واجب باید سر را با تیغ بتراشد.

[2100] سؤال 264: کسی که هنوز حلق یا تقصیر نکرده، سر حاجی دیگر را می تراشد.

آیا برای این کار باید کفاره بدهد یا نه؟ و آیا این سر تراشیدن، برای کسی که سرش تراشیده شده، کافی است یا خیر؟

پاسخ: گرچه عمل او جایز نیست، ولی کفاره ندارد و اکتفا کردن به حلق یا تقصیری که توسط چنین کسی انجام شده، محل اشکال است.

[2101] سؤال 265: من خیلی وقت پیش، دو بار عمره به جا آوردم و در آن موقع با واجبات عمره به درستی آشنا نبودم. در عمره اول، تقصیر را انجام دادم؛ ولی در عمره دوم نمی دانم که تقصیر را به جا آورده ام یا نه؛ اما می دانم که اعمال عمره را به همراه راهنمایی که آشنای به مسائل شرعی بود، انجام دادم. اکنون سؤال این است که عمره دوم، چه حکمی دارد؟

پاسخ: در مفروض سؤال، عمره شما صحیح است و تقصیر کردن لازم نیست.

[2102] سؤال 266: آیا می توان پس از پایان سعی عمره تمتع در ماه ذی الحجه و پیش از تقصیر نمودن، از مکه خارج شد و مثلاً به جدّه رفت و در جدّه تقصیر نمود و پس از چند روز و نزدیک به اعمال حج تمتع به مکه آمد؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

[2103] سؤال 267: کسی که در عمره مفرده، از روی جهل یا فراموشی، تقصیر را بعد از طواف نساء انجام داده است، آیا عمره اش صحیح است؟

پاسخ: در فرض مذکور، عمره اش صحیح است؛ ولی احتیاطاً باید طواف نساء و نماز آن را اعاده کند و اگر خودش نمی تواند برگردد، باید کسی را نایب بگیرد تا آنها را از جانب او انجام دهد.

بیتوته در منی

[2104] سؤال 268: آیا بیتوته در منی و رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم ذی الحجه از اعمال و مناسک حج است یا از واجبات مستقل؟ و اگر کسی از ابتدا نسبت به اعمال غیر رکنی حج و یا واجبات مستقل آن، قصد واجب غیر رکنی و یا واجب مستقل نکند، حجش صحیح است یا خیر؟

ص: 562

پاسخ: بیتوته در منی و رمی جمرات از واجبات حج است؛ ولی ترك عمدی آنها موجب بطلان حج نیست و در خصوص بیتوته، ترك عمدی آن موجب كفّاره است و هنگام احرام بستن برای حج، باید قصد انجام آنها را (ولو به صورت اجمالی) داشته باشد.

[2105] سؤال 269: کسی که بعد از ظهر روز دوازدهم از منی کوچ کرده، اگر به جهتی مجدداً از روی جهل یا سهو یا عمد به منی برگردد و غروب شب سیزدهم را در منی درك کند، آیا بیتوته آن شب در منی یا رمی روز سیزدهم بر او واجب است؟

پاسخ: بیتوته و رمی بر او واجب است.

[2106] سؤال 270: شخصی در شب دوازدهم ذی الحجّه به جای بیتوته در منی به مکه آمده و تا صبح در آن جا عبادت می کند و قصد دارد جهت رمی روز دوازدهم، بعد از ظهر روز دوازدهم به منی برود و رمی را انجام دهد. آیا واجب است قبل از ظهر روز دوازدهم در منی باشد و بعد از زوال، نَفَر انجام دهد یا لازم نیست؟

پاسخ: در فرض مذکور، بازگشت به منی جهت نَفَر (کوچ کردن) لازم نیست.

مسائل دیگر مربوط به عمره تمتّع، عمره مفرده و حج

[2107] سؤال 271: آیا خروج از مکه معظمه را در اثنای عمره تمتّع و عمره مفرده جایز می دانید؟ و آیا تفاوتی بین مسافت نزدیک و دور وجود دارد؟

پاسخ: در عمره مفرده با علم به این که توان بازگشتن را دارد، مطلقاً جایز است؛ ولی خارج شدن از مکه در بین عمره تمتّع احتیاطاً جایز نیست.

[2108] سؤال 272: کسی که عمره مفرده نیابتی انجام داده و در مکه تا یوم الترویّه (روز هشتم ذی الحجّه) باقی مانده و اراده انجام دادن حج را برای خود یا حجّ نیابتی از طرف شخص دیگری را دارد، آیا عمره مفرده او به عمره تمتّع تبدیل می شود؟ اگر عمره مفرده را برای خود انجام داده باشد و بخواهد حجّ نیابتی به جا آورد، حکمش چگونه

ص: 563

پاسخ: در فرض های ذکر شده در سؤال، عمره مفرده به عمره تمتع تبدیل نمی شود.

[2109] سؤال 273: آیا کسی که برای اولین بار و برای حج تمتع مشرف می شود، می تواند در ماه ذی الحجه و قبل از عمره تمتع، عمره مفرده انجام دهد و بعد دوباره به یکی از میقات ها برگردد و برای عمره تمتع محرم شود؟

پاسخ: اشکالی ندارد.

[2110] سؤال 274: آیا انجام دادن بیش از يك عمره مفرده در يك ماه قمری، به قصد ورود، جایز و صحیح است؟ خواه عمره ها از طرف خود انسان باشد یا از طرف فرد یا افراد دیگر؟

پاسخ: احوط آن است که در يك ماه قمری برای يك نفر، بیش از يك عمره مفرده انجام نشود؛ ولی به نیابت از افراد مختلف اشکال ندارد.

[2111] سؤال 275: شخصی که از قبل، حج بر او واجب شده و هنوز حجش را به جا نیاورده است، آیا می تواند قبل از انجام حج واجب خود، عمره مفرده انجام دهد؟

پاسخ: چنانچه انجام عمره مفرده او مزاحمتی برای انجام حج واجب او نداشته باشد، اشکال ندارد.

[2112] سؤال 276: آیا زائر بیت الله الحرام می تواند بعد از پایان یافتن اعمال حج تمتعش، بلا فاصله يك عمره مفرده به جا آورد؟

پاسخ: اشکالی ندارد.

[2113] سؤال 277: کسی که مشغول حج تمتع استحبایی است و عمره تمتع را به جا آورده، آیا جایز است نیت خود را به عمره مفرده برگرداند و پس از انجام طواف نساء از مکه بیرون برود؟ در صورتی که در وطن، کاری ضروری برایش پیش آمده که باید به آن جا

بازگردد، مسأله چه حکمی پیدا می کند؟

پاسخ: در فرض عدم ضرورت خروج از مکه، واجب است حج تمتع را انجام دهد و در فرض ضرورت خروج، تکمیل حج تمتع واجب نیست؛ ولی به احتیاط مستحب يك طواف نساء انجام دهد.

[2114] سؤال 278: آیا قاعده تجاوز، در اعمال عمره و حج جاری می شود یا خیر؟

پاسخ: قاعده تجاوز، همچون قاعده فراغ، در اعمال عمره و حج جاری است.

[2115] سؤال 279: اگر برای مقلدین شما در مثل عرفات و منی مسأله ای شرعی پیش آمد و نتوانستند فتوای جناب عالی را به دست آورند، چه باید بکنند؟

پاسخ: اگر برای به دست آوردن فتوا تأخیر ممکن نیست، معیّر هستند که احتیاط کنند و یا به مجتهد مساوی رجوع نمایند و در صورت نبودن مجتهد مساوی و یا در دسترس نبودن او به مجتهد دیگر با رعایت الأعلّم فالأعلّم رجوع نمایند.

[2116] سؤال 280: زنی که عمر او از پنجاه سال گذشته و مدت يك سال و نیم است که خون نمی بیند، ولی در عرفات، خون مشاهده می کند، آیا صحیح است که در یائسه شدن خود تردید کند؟ و در هر حال، وظیفه اش چیست؟

پاسخ: اگر زن قرشیه نباشد و بداند که سنّش از پنجاه سال گذشته است، یائسه است و باید به وظیفه استحاضه عمل کند.

[2117] سؤال 281: اگر در مکه مکرمه، بعضی از سنّی ها از شیعیان در مورد احکام حج سؤال کنند، آیا باید بر طبق مذهب آنها جواب داد یا بر طبق احکام شیعه؟

پاسخ: پاسخ گفتن بر اساس مذهب امامیه جایز است.

[2118] سؤال 282: آیا استحباب سه روز روزه مستحبی در مدینه منوره برای برآورده شدن حاجات، اختصاص به مسافر دارد یا برای اهالی مدینه و کسی که قصد عشره دارد

نیز مستحب است؟

پاسخ: برای کسی که قصد اقامت ده روز کرده نیز مستحب است؛ ولی معلوم نیست که این حکم، شامل اهالی مدینه هم بشود.

[2119] سؤال 283: کسی که کارهای حج را به حاجیان آموزش می دهد، آیا می تواند در مقابل آن پول دریافت کند یا نه؟

پاسخ: فی نفسه اشکال ندارد، گرچه اولی ترك آن است، مگر این که مقررات خاصی در میان باشد.

[2120] سؤال 284: در برخی موارد زائران بیت الله الحرام یا سایر مسافران، در وقت نماز در هواپیما هستند. با توجه به این که نماز در هواپیما معمولاً مانع استقرار و طمأنینه نیست، در صورتی که سایر شرایط، مثل قیام و قبله و رکوع و سجود مراعات شود، آیا در صورت احتمال یا علم به این که پیش از اتمام وقت نماز به مقصد می رسند و می توانند نماز را پس از پیاده شدن از هواپیما بخوانند، نماز در هواپیما کفایت می کند یا خیر؟ و در صورتی که نماز را در آن حال بخوانند و پیش از اتمام وقت نماز پیاده شوند، اعاده نماز لازم است یا نه؟

پاسخ: اگر نماز را با شرایط آن بخوانند، جایز است و اعاده لازم نیست.

[2121] سؤال 285: کسی که چندین سال نماز و روزه قضا بدهکار است و حج به جا آورده، آیا پس از بازگشت از حج، باید قضای نماز و روزه ها را به جا آورد یا بخشیده می شود و دیگر چیزی بر عهده او نیست؟

پاسخ: به جا آوردن حج، هر چند موجب آمرزش گناهان می گردد، ولی موجب سقوط قضای نماز و روزه و دیگر واجباتی که بر عهده و ذمه حاجی است، نمی شود.

[2122] سؤال 286: مدیر کاروان، پول قربانی همه زوار خود را جهت دریافت فیش قربانی،

ص: 566

به بانک برده است؛ ولی قبل از پرداخت، از او سرقت شده است. آیا او ضامن است؟

پاسخ: اگر در حفظ وجوه مذکور، کوتاهی نکرده باشد و از طرف زائرنانی که صاحب پول هستند نیز شرط ضمان نشده باشد، ضامن نیست.

[2123] سؤال 287: ما از طرف جماعتی در حج به مسلخ رفتیم تا ذبح گوسفندان را از طرف حجّ انجام دهیم و یقین داریم که به تعدادی که لازم بوده، گوسفند سر بریده ایم؛ ولی به اندازه پول سه گوسفند در دست ما باقی مانده و اکنون مطمئن هستیم که پول صاحب گوسفندان را به طور کامل پرداخت نکرده ایم. حالا چه وظیفه ای داریم؟

پاسخ: باید پول گوسفندان را به صاحب گوسفندان بدهید و در صورتی که او را نمی شناسید، از طرف او صدقه بدهید.

[2124] سؤال 288: گفته می شود که زیارت امام رضا علیه السلام اجر و ثواب چندین حج و چندین عمره را دارد. آیا دلیلی بر افضلیت زیارت امام رضا علیه السلام بر حجّ مستحبّی وجود دارد؟ و اگر حجّ مستحبّی افضل است، پس معنای اعطای ثواب چند حج و عمره به زائر امام رضا علیه السلام چیست؟

پاسخ: احتمال دارد به حسب شرایط و موارد مختلف، بتوان قائل به فرق و تفاوت شد.

مساجد مکه و مدینه و نماز در آنها

[2125] سؤال 289: آیا استحباب غسل و ورود به مسجد الحرام تنها برای قادم و کسی است که اعمال عمره به جا می آورد یا برای هر مرتبه رفتن به مسجد الحرام نیز مستحب است؟

پاسخ: استحباب غسل کردن مخصوص به کسی که اعمال عمره به جا می آورد، نیست.

[2126] سؤال 290: حاجی اگر بخواهد به استحباب وارد شدن با غسل به مسجد الحرام یا

حرم مطهر نبوی صلی الله علیه و آله و سلم عمل کند، با عنایت به این که در شبانه روز گاهی چندین بار مشرف می شود، آیا لازم است که برای هر بار، غسل جداگانه کند؟

پاسخ: يك غسل در اول روز، برای روز و در اول شب، برای شب کافی است؛ بلکه کفایت کردن غسل شب، برای آن شب و روز بعد و کفایت کردن غسل روز، برای آن روز و شب بعد متصل به آن هم خالی از قوت نیست.

[2127] سؤال 291: آیا نماز جماعت که به صورت دایره ای در مسجد الحرام خوانده می شود، صحیح است؟

پاسخ: صحیح است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، امام جماعت باید بر حسب دایره از مأموم جلوتر و به خانه کعبه نزدیک تر باشد.

[2128] سؤال 292: خروج از مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم هنگام اقامه نماز جماعت که گاهی موجب وهن است، چه صورتی دارد؟

پاسخ: اگر موجب وهن باشد، خروج از مسجد، حرام است و در غیر این صورت نیز بهتر است در هنگام نماز از مسجد خارج نشود.

[2129] سؤال 293: آیا تقدّم زن بر مرد، در حال نماز جایز است؟ اگر جایز نیست، در مسجد الحرام که رعایت این امر، قریب به محال است، تکلیف چیست؟

پاسخ: بنا بر احتیاط تقدّم زن بر مرد، در حال نماز جایز نیست؛ ولی در مسجد الحرام اشکال ندارد.

[2130] سؤال 294: آیا خواندن نماز واجب و مستحب در حجر اسماعیل علیه السلام جایز است؟ در صورت جواز، نماز خواندن در حجر اسماعیل علیه السلام افضل است یا در دیگر نقاط مسجد الحرام؟

پاسخ: خواندن نماز واجب و مستحب در حجر اسماعیل علیه السلام جایز است و افضلیت آن از جاهای دیگر مسجد الحرام ثابت نیست.

[2131] سؤال 295: وضو گرفتن از آب های خنك مسجد الحرام و اطراف آن که برای آشامیدن اختصاص داده شده، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر از وضو گرفتن با آن آب ها منع شده باشد، ظاهراً وضو با آنها صحیح نیست.

[2132] سؤال 296: در صورتی که لباس نمازگزار از پنبه یا کتان باشد، در جایی که بر فرض تقیّه سجده بر فرش صحیح است، چنانچه بتواند بدون محذور، بر لباس خود سجده کند، آیا سجده بر فرش که از پشم یا مواد پلاستیکی است، مجزی است؟

پاسخ: اگر بتواند بدون محذور بر چیزی که سجده بر آن صحیح است، سجده کند، سجده بر فرش مجزی نیست.

ص: 569

آب جاری: آبی که جریان دارد و از زمین می جوشد، مثل آب چشمه و قنات و یا متصل به ماده ای مانند برف است که عرفاً جریان آن مستمر محسوب می شود.

آب قلیل: آبی که از کُر کمتر است و از زمین هم نمی جوشد، مثل آبی که داخل آفتابه قرار دارد.

آب کُر: مقدار آبی است که اگر آن را در ظرفی بریزند که طول و عرض و عمق آن، هر کدام سه وجب باشد، آن ظرف را پر کند و اگر بخواهند آن را با وزن اندازه بگیرند، بنا بر احتیاط تقریباً 384 کیلوگرم است.

آب مضاف: آبی که آن را از چیزی بگیرند، مثل آب هندوانه و گلاب یا با چیزی مخلوط شده باشد که دیگر به آن آب نگویند، مثل آبی که با خاک مخلوط شده باشد.

آب مطلق: آب خالص، آبی که مضاف نباشد.

آیات الهی: نشانه های خداوند؛ آیه های قرآن.

آیه سجده: چهار آیه در قرآن که پس از خواندن یا گوش کردن به آنها، مکلف باید فوراً سجده کند (آیه 15 سوره سجده، آیه 37 سوره فصلت، آیه آخر سوره نجم و آیه آخر سوره علق). در قرآن کریم تعداد دیگری نیز آیه وجود دارد که پس از خواندن یا گوش کردن به آنها سجده کردن مستحب است.

اباحه: جایز بودن، مباح بودن.

ابتلا: مبتلا شدن، سروکار پیدا کردن با چیزی.

اتقی: با تقواتر.

اتمام نماز: به پایان رساندن و تمام کردن نماز؛ کامل خواندن نمازهای چهار رکعتی.

اتیان: به جا آوردن، انجام دادن.

ص: 573

اجتهاد: کوشش و تلاش کردن؛ کوشش و تلاش مجتهد برای استخراج احکام شرعی (--> مجتهد).

اجزا و شرایط (جزءها و شرطها): هر امری که نبودن آن به اصل يك چیز لطمه وارد کند، جزء آن محسوب می شود و هر امری که نبودن آن، صفت چیزی را تغییر دهد، شرط آن محسوب می شود، مثلاً به جا نیاوردن رکوع، به اصل نماز لطمه می زند، ولی نداشتن طهارت، صحّت نماز را از بین می برد.

اجماع: اتفاق مجتهدان یا مسلمانان بر يك حکم شرعی. اجماع یکی از منابع چهارگانه استنباط احکام شرعی است و در صورتی حجّت است که کاشف از رأی معصوم علیه السلام باشد.

اجماع اهل فن: اتفاق نمودن اهل يك رشته و فن بر روی يك حکم مربوط به آن رشته.

اجنبی: بیگانه، نامحرم.

اجیر: کسی که طبق قرارداد اجاره، در مقابل اجرت، انجام دادن کاری را به عهده می گیرد.

احتمال عقلایی: احتمالی که انسان های عاقل به آن توجه دارند و آن را نادیده نمی گیرند.

احتلام: خارج شدن منی از انسان در خواب.

احتیاط: اگر در حکم شرعی کلمه «احتیاط» به کار رفته باشد، بدین معنی است که رعایت کردن آن، موجب اطمینان انسان نسبت به انجام دادن تکلیفش می شود. اگر به همراه احتیاط (بدون قید واجب یا مستحب) فتوایی از مجتهد در مورد آن ذکر نشده باشد، به معنای احتیاط واجب است و اگر قبل یا بعد از احتیاط، فتوایی در مورد آن ذکر شده باشد، به معنای احتیاط مستحب است.

احتیاط استحبابی --> احتیاط مستحب.

احتیاط لازم --> احتیاط واجب.

احتیاط مستحب: اگر احتیاط در موردی باشد که مجتهد در آن مورد دارای فتواست، به آن احتیاط مستحب گفته می شود که رعایت کردن آن واجب نیست، هر چند رعایت آن خوب و مطلوب است.

احتیاط واجب: به احتیاطی گفته می شود که مجتهد در مورد آن فتوا نداده است. در این موارد مقلّد می تواند یا به این احتیاط و یا به فتوای مجتهد دیگر با رعایت الأعلّم فالأعلّم عمل نماید.

احراز: به دست آوردن، دریافتن.

إحرام: داخل شدن در حرمت و عهد خداوند؛ اولین عملی که حج یا عمره با آن شروع می شود و آن عبارت است از: «تیت کردن به همراه پوشیدن لباس مخصوص احرام و لبیک گفتن» که با انجام دادن آن، تمامی محرّمات حج یا عمره بر انسان حرام می شود.

احکام... بر آن جاری است: حکم های... را دارد.

احکام ظاهری: حکم هایی که به هنگام جهل به حکم واقعی ثابت است، مثل حکم به طهارت ظرف در وقتی که نجاستش برای ما معلوم نیست و حکم به خواندن نماز در مورد کسی که در

ص: 574

داخل وقت نماز است و شك دارد نمازش را خوانده یا نه که در واقع ممکن است آن ظرف نجس باشد و این فرد نیز نمازش را خوانده باشد و تکلیفی نداشته باشد.

احکام واقعی: احکامی که در واقع و حقیقت امر، شارع مقدّس آنها را وضع کرده است. این اصطلاح در مقابل احکام ظاهری به کار برده می شود.

احوط: مطابق با احتیاط.

إخبار از حس: خبر دادن و آگاه نمودن به واسطه حس کردن، مثل این که چیز دیدنی را خودش ببیند و از آن خبر دهد و دیگران را آگاه نماید و یا چیز شنیدنی را خودش بشنود و از آن خبر دهد، به خلاف اخبار از حدس که با حدس زدن مطلبی از آن خبر می دهد و یا اخبار از روی بیّنه که به واسطه گفتن دو نفر عادل به چیزی پی می برد و از آن خبر می دهد.

إخفات: آرام و آهسته خواندن قرائت نماز.

إخفات در نماز ظهر و عصر، بر مرد و زن واجب است.

ادا:

1 - به جا آوردن واجب در وقت معینی که برای آن تعیین شده است، مانند خواندن نماز صبح در بین طلوع فجر و طلوع آفتاب. در مقابل آن «قضا» قرار دارد که انجام دادن واجب در خارج وقت معین شده برای آن است.

2 - پرداختن دینی که بر عهده انسان است، مثل ادای خمس، ادای کفّاره، ادای قرض و... .

ادنی الحّلّ: نزدیک ترین نقطه خارج از حرم به حرم که در برخی از موارد از آن جا احرام بسته می شود.

اذان اعلام: اذانی که به وسیله آن از داخل شدن وقت نماز خبر داده می شود.

اذکار و اقوال (در نماز): ذکرها و کلماتی است که در نماز گفته می شود. اذکار و اقوال، در مقابل افعال نماز، مثل رکوع و سجده به کار برده می شود.

إذن: اجازه قبل از عمل.

إذن صریح: اجازه ای که به آن تصریح شده و آشکار و روشن باشد.

إذن فحوی: اذن و اجازه ای که صریح نباشد و از قرائن و شواهد به دست آید.

ارباح مکاسب: هرگونه منافع و درآمدهای که از طریق کسب و تجارت و یا کارها و حرفه های گوناگون عاید انسان شود.

ارتداد: از دین برگشتن، کافر شدن پس از مسلمانی.

ارتفاع قیمت: بالا رفتن قیمت.

ارتکاز: بودن و جا گرفتن چیزی در ذهن.

ارتماس: فرو بردن در آب.

ارکان: رکن ها؛ ارکان نماز: واجباتی در نماز که کم و زیاد شدن آنها چه عمدی باشد و چه سهوی، موجب بطلان نماز می گردد.

از شمول... قاصر است... را شامل نمی شود.

ازالۀ نجاست: برطرف کردن نجاست.

ص: 575

اسامی مبارکه، اسامی متبرکه، اسامی مقدّس، اسماء مبارکه، اسماء متبرکه: اسم هایی که مردم به آنها تبرّک می جویند و آنها را با برکت و مقدّس می شمارند، مثل اسامی خداوند متعال و چهارده معصوم علیهم السلام.

إسباغ [در وضو]: انجام دادن واجبات و مستحبات وضو؛ شاداب شستن مواضع وضو.

استبراء از بول: عمل مستحبی که بعد از بول کردن انجام می شود و تفصیل آن در توضیح المسائل (مسأله 244) آمده است.

استبراء از منی: ادرار کردن بعد از خروج منی تا منی در مجرا باقی نماند که به آن، استبراء به بول هم گفته می شود.

استبراء حیوان نجاستخوار: دور نگه داشتن حیوان نجاستخوار از نجاست و دادن غذای پاک به آن حیوان، به مدتی که در شرع تعیین شده تا دیگر نجاستخوار بر آن حیوان صدق نکند.

استبراء به بول --> استبراء از منی.

استحاضه: یکی از انواع خون هایی است که زنان می بینند (غیر از حیض و نفاس) و بر سه قسم است:

استحاضه قلیله، که مقدار خون در آن کم است.

استحاضه کثیره، که مقدار خون در آن زیاد است.

استحاضه متوسطه، که مابین دو حالت قبلی است.

استحاله: تبدیل شدن جنس يك چیز به طوری که چیز دیگر به حساب آید، مثل تبدیل شدن سگ در نمکزار به نمک و تبدیل شدن چوب نجس به خاکستر پس از سوختن.

استحاله یکی از مطهّرات است؛ ولی اگر جنس چیز نجس عوض نشود، پاک نمی شود، مثل آرد شدن گندم نجس.

استحباب: یکی از احکام تکلیفی پنجگانه است و منظور از آن ترجیح انجام دادن فعل است، نه الزام آن؛ یعنی انجام دادنش ثواب دارد، ولی ترک کردنش گناه و عقاب ندارد، مثل خواندن نماز شب.

استحباب نفسی: اگر انجام فعلی به خودی خود استحباب داشته باشد، می گویند آن فعل استحباب نفسی دارد، بر خلاف فعلی که خودش رجحان ندارد، بلکه به خاطر این که مقدمه فعل دیگری است که مطلوب شارع است، انجام داده می شود که در این صورت دارای مطلوبیت غیري است نه مطلوبیت نفسی.

استخاره: از خداوند طلب خیر و راهنمایی نمودن به آن کاری که بهتر است. این امر با درخواست خیر نمودن به وسیله دعا کردن و یا به وسیله قرآن، تسبیح و یا رقع حاصل می شود.

استدبار: پشت کردن به قبله یا پشت به قبله بودن.

استصحاب: بنا گذاشتن بر حالت سابق در جایی که به حالت سابق یقین و نسبت به وضعیت فعلی شك وجود دارد، مثل این که یقین به گرفتن وضو وجود داشته باشد و اکنون شك ایجاد شود که آن وضو باطل شده است یا نه که

ص: 576

در این صورت وضوی سابق استصحاب می شود و می توان با آن نماز خواند.

استطاعت: توانایی؛ استطاعتی که شرط وجوب حج است، عبارت است از: استطاعت مالی، بدنی، طریقی، زمانی و رجوع به کفایت.

استطاعت بدنی: توانایی بدنی برای رفتن به حج و به جا آوردن اعمال حج.

استطاعت زمانی: داشتن زمان کافی برای رسیدن به مکه و انجام دادن اعمال حج در وقت مقرر و تعیین شده برای آن.

استطاعت طریقی: باز بودن راه به حسب حال مکلف برای رفتن به مکه مکرمه به جهت انجام دادن اعمال حج.

استطاعت مالی: داشتن مرکب و توشه راه برای رفتن به مکه مکرمه برای به جا آوردن اعمال حج یا داشتن پولی که بتوان با آن مرکب و توشه را تهیه کرد.

استظلال: در سایه قرار گرفتن؛ استظلال به تفصیلی که در کتاب مناسک حج بیان شده است، یکی از محرمات احرام محسوب می شود.

استغفار: طلب مغفرت و بخشش کردن از خداوند.

استقبال: رو کردن به قبله یا رو به قبله بودن.

استقرار در نماز: آرام و بی حرکت بودن بدن.

استقرار حج: مستقر و ثابت شدن حج بر کسی. چنانچه کسی حج بر او واجب شود و از رفتن به حج خودداری کند، حج برعهده او ثابت می شود و باید بعداً آن را به جا آورد، ولو این که استطاعت خود را نیز از دست بدهد.

استمناء: انجام عملی (غیر از دخول) که باعث خروج منی شود.

استنابه: نایب گرفتن.

استنباط: به دست آوردن معانی دقیق از متون، و به همین معناست استنباط حکم شرعی.

استنجاء: برطرف ساختن نجاست از مخرج بول و غائط و پاک کردن آنها.

استهلاک: متفرق شدن و از بین رفتن اجزای یک چیز در چیز دیگر به طوری که اصلاً معلوم نباشد، مثل مخلوط و معدوم شدن خون مختصر لثه در آب دهان.

استیذان: طلب اجازه، اجازه خواستن.

اسراف و تبذیر: اسراف عبارت است از افراط و زیاده روی در صرف مال در موردی که مورد نیاز و احتیاج انسان است و تبذیر صرف کردن مال در موردی است که مورد احتیاج انسان نیست.

اسم جلاله: اسم پروردگار متعال.

اسم ظاهر: «اسم ظاهر» در مقابل «ضمیر» قرار دارد، ضمیر به جای اسم می نشیند و از به کار بردن و تکرار اسم جلوگیری می کند، مثلاً کلمه «الله» اسم ظاهر برای خداوند متعال است، ولی در «بسمه تعالی» (به نام او که بلند مرتبه است)، «ه» در «بسمه» که به معنای «او» است، ضمیر است که به خداوند متعال اشاره می کند و به جای اسم ظاهر به کار رفته است.

ص: 577

اسماء الهی: اسماء خداوند متعال، مثل الله، رحمان، رحیم و....

اسماء حُسنی: نام های نیکو؛ عنوانی برای نام های خداوند تعالی است، مانند الله، جبار، خالق، رحمان و....

اسماء مبارکه --> اسماء مبارکه.

اسماء متبرکه --> اسماء متبرکه.

اشخاص حقوقی: جمع شخص حقوقی (--> شخصی حقوقی).

اشخاص حقیقی: جمع شخص حقیقی (--> شخصی حقیقی).

اشکال دارد: جایز نیست (در حکم تکلیفی)؛ صحیح نیست (در حکم وضعی).

اصالة الصحه: اصلی که بر طبق آن بر صحّت افعالی که از مکلفین صادر شده است، حکم می شود، مثل این که کسی عقد ازدواج را خوانده و بعد شك حاصل می شود که صحیح خوانده است یا نه که در این صورت بر طبق اصالة الصحه، حکم به صحّت عقد می شود.

اصل تزکه: تمام اموالی که از میّت باقی مانده، قبل از آن که به عنوان دیون میّت و یا وصیت میّت در آن تصرفی شود و یا بین ورثه تقسیم گردد.

اصول دین: اعتقاداتی که پایه و اساس دین محسوب می شوند، مثل توحید، نبوت و....

اضطرار: حالتی که فرد با قرار گرفتن در آن، ناچار به انجام دادن یا ترك کردن کاری می شود.

اطراف شبهه: مواردی که مورد تکلیف در بین آنها قرار دارد، مثل این که يك ظرف نجس با دو ظرف پاك مخلوط شده و معلوم نباشد که کدام يك نجس و کدام يك پاك است. در این حالت هر سه ظرف که احتمال نجس بودن در آنها می رود، اطراف شبهه نامیده می شوند.

اطمینان: آرامش و سکون؛ در اصطلاح عبارت است از گمانی که حدّ آن بالا و نزدیک به علم باشد و به دلیل این که نفس در این حالت، سکون و آرامش پیدا می کند، به آن، اطمینان گفته می شود.

اظهر: ظاهرتر، روشن تر؛ حکم شرعی که کلمه «اظهر» در مورد آن به کار برده شده، فتواست و مقلّد باید بر طبق آن عمل کند.

اعاده: تکرار کردن عملی که شخص قبلاً آن را انجام داده است؛ ولی گاهی فقط به معنای تکرار عمل در وقت معین آن است، مثل نمازی که در وقتش خوانده شده و قبل از تمام شدن وقت، دوباره خوانده می شود.

اعتکاف: عمل مستحبّی است که از عبادات محسوب می شود و عبارت است از: ماندن حدّاقبل سه روز در بعضی از مساجد خاص به قصد قربت، همراه با گرفتن روزه. تفصیل احکام آن در توضیح المسائل آمده است.

اعتکاف واجب معین: اعتکافی که به سببی مانند نذر کردن واجب شده و روزهایی که انسان باید اعتکاف را در آن روزها به جا آورد، به

واسطهٔ سبب و جوب آن، معین و مشخص شده است، مثل این که نذر کند در دههٔ آخر ماه

ص: 578

رمضان در سال معینی اعتکاف به جا آورد.

اعراض از وطن: تصمیم انسان بر روی گردان شدن از وطن خود، بدین معنی که دیگر آن جا محلّ زندگی او نباشد، همراه با عملی کردن این تصمیم به گونه ای که دیگر آن جا محلّ زندگی او محسوب نشود.

اعلم: مجتهدی که در فهمیدن حکم خداوند از ادله شرعی و تطبیق آنها بر موضوعات خارجی، از همه مجتهدان زمان خود استادتر باشد.

الأعلم فالأعلم: اگر مجتهدین زنده در يك زمان را به ترتیب اعلمیت در نظر بگیریم، به مجتهدی که از همه مجتهدین دیگر بالاتر است، «اعلم» گفته می شود و مجتهدی که در رتبه بعد از وی قرار دارد، نسبت به او «فالأعلم» محسوب می شود و همین طور مجتهد بعدی نسبت به نفر دوم و به همین ترتیب. در مسائلی که مجتهد اعلم فتوا ندارد و احتیاط کرده است، می توان به فتوای فالأعلم پس از او مراجعه کرد.

اعلمیت: اعلم بودن (--< اعلم).

اعمال عبادی: عبادات (--< عبادات).

ایمان زکوی: اموالی که در صورت رسیدن به حدّ نصاب و داشتن شرایط دیگری که در شرع برای آنها معین شده، زکات به آنها تعلق می گیرد، مثل گوسفند، گندم، طلا و....

اغراض عقلائی: جمع غرض عقلائی (--< غرض عقلائی).

اغسال ثلاثه: غسل های سه گانه میّت مسلمان با آب سدر، آب کافور و آب خالص که قبل از کفن کردن میّت انجام داده می شود.

إفتاء: فتوا دادن، بیان حکم شرعی در مورد عملی از طرف مجتهد.

افضل: برتر و بالاتر.

افطار: شکستن و باز کردن روزه.

اقاله: فسخ عقد و معامله با رضایت دو طرف عقد و معامله.

اقامه:

1 - برپا داشتن و به جا آوردن، مثل اقامه نماز که به معنی برپا داشتن و خواندن نماز است.

2 - الفاظ مخصوصی که در شرع وارد شده و گفتن آنها بعد از اذان و قبل از تکبیرة الاحرام مستحب است.

3 - اقامه --< قصد اقامه.

اقباض: دادن؛ قبض و اقباض: گرفتن و دادن.

اقل: کمتر.

اقوی این است؛ اقواست: بیان فتواست و مقلد باید بر طبق آن عمل کند.

اکثر: بیشتر.

اکل و شرب: خوردن و آشامیدن.

امارات: جمع اماره (اماره).

اماره: علامت و نشانه؛ راهنمایی و دلالت کننده.

اماله کردن --> تنقیه کردن.

امام جماعت راتب: امام جماعت دائم و

ص: 579

ثابت؛ امام جماعتی که به طور مرتب نماز جماعت را در يك جا اقامه کند.

امثال امر خدا: اطاعت و فرمانبرداری از دستور خداوند.

امر به معروف: امر کردن و واداشتن افراد به انجام کارهایی که از نظر خداوند پسندیده است (واجبات و مستحبات).

امساک: امتناع و خودداری، مثل امساک در روزه که عبارت است از خودداری کردن از خوردن و آشامیدن و دیگر مبطلات روزه از طلوع فجر تا غروب خورشید.

امعاء داخلی: روده ها، اجزایی که در داخل شکم قرار دارد.

انتصاب: راست و صاف بودن پشت (هنگام ایستادن یا نشستن).

انزال: بیرون ریختن منی.

انصراف: بازگشت.

انطباق: برابر و یکسان شدن، برابر شدن چیزی با چیز دیگر.

انفراد --> نماز فرادی.

انقلاب: عوض شدن صفات و خاصیت يك چیز، مثل تبدیل شدن شراب به سرکه.

أولی: بهتر و سزاوارتر.

اولیا: جمع ولیّ (--> ولیّ).

اهل خبره --> خبره.

اهل ذمه --> ذمی.

اهل کتاب: یهودی و نصرانی و زرتشتی و اقسام آنها.

اهلیت: صلاحیت.

ایام تشریق: روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجّه.

ایام عادت: روزهایی که زن در عادت ماهانه (حیض) به سر می برد، ایام حیض.

ایام و لیالی معتدله: روزها و شب های متعادل، روزها و شب هایی که نه بسیار کوتاه و نه بسیار بلند باشند.

ایمان: اعتقاد به امامان دوازده گانه علیهم السلام، شیعه دوازده امامی بودن.

باطل: آنچه در اصل، مشروع نیست و صلاحیت مترتب شدن آثار شرعی بر آن را ندارد، مثل نمازی که بدون رعایت کردن شرایط آن (مانند وضو گرفتن) خوانده شود که در این صورت باطل محسوب می شود و در نتیجه تکلیف خواندن نماز را از مکلف ساقط نمی کند؛ و مثل عقد ازدواجی که باطل باشد که در نتیجه از آن، زوجیت (زن و شوهر شدن) که اثر شرعی عقد ازدواج است، حاصل نمی شود.

باطن بدن: قسمت هایی از بدن که دیده نمی شود، مثل داخل گوش، حلق و داخل شکم.

بدل: عوض، چیزی که جایگزین چیز دیگر شود.

بر ذمه اوست: بر عهده اوست (باید حقی را ادا کند یا کاری را انجام دهد).

ص: 580

بریء الذمه: کسی که تکلیف از او برداشته یا ساقط شده باشد، مثل کسی که دین خود را ادا کرده و نسبت به پرداخت دین، بریء الذمه شده است.

بطلان: باطل شدن (--> باطل).

بعید است: دور از ذهن است؛ فتوا بر آن منطبق نیست.

بعید نیست: دلالت بر فتوای مرجع تقلید می کند و باید بر طبق آن عمل کرد.

بقای بر تقلید: ادامه دادن تقلید از مرجع تقلیدی که از دنیا رفته است.

بلاد اسلامی: سرزمین های مسلمانان.

بلاد صغیره: شهرها و مناطقی که بلاد کبیره نباشند (--> بلاد کبیره).

بلاد کبیره: شهرهای بسیار بزرگ و خارق العاده.

بلاد کفر: سرزمین های غیر مسلمانان.

بلد اخراج: محل و منطقه ای که در آن جا زکات مال را جدا و خارج کرده اند.

بلوغ: بالغ شدن، رسیدن به مرحله تکلیف.

بودایی: پیرو آیین بودا.

بول: ادرار.

به ذمه او می آید: به عهده او می آید (باید حقی را ادا کند یا کاری را انجام دهد).

به ذمه گرفتن: به عهده گرفتن ادا کردن حقی یا انجام دادن عملی، مثل به ذمه گرفتن پرداختن خمس؛ یعنی متعهد می شود که خمس را بپردازد.

بهایی: پیرو فرقه بهائیت.

بیت الله الحرام: خانه کعبه.

بیت المال: مکانی که اموال عمومی مسلمانان در آن جمع آوری و برای مصالح مسلمانان مصرف می شود و گاهی به خود آن اموال نیز بیت المال گفته می شود.

بیتوته: ماندن در جایی به هنگام شب، مثل بیتوته در منی که از واجبات حج محسوب می شود.

بینه: [گواهی] دو شاهد عادل.

بیمه: قراردادی است بین بیمه شونده و بیمه کننده که در مقابل پرداخت مبالغی (مثلاً اقساط ماهانه) از طرف بیمه شونده، بیمه کننده متعهد می شود که تمام یا قسمتی از خسارت وارد شده بر بیمه شونده را جبران نماید و گاهی عهده دار ارائه خدمات دیگری غیر از جبران خسارت به بیمه شونده می گردد.

تأدیه: ادا کردن حقوق شرعی، مثل خمس یا حقوق دیگران، مثل قرض.

تذیر --> اسراف و تبذیر.

تبرّعی، تبرّعی: کاری را بدون اجرت برای کسی یا از طرف کسی انجام دادن.

تبعیت:

1 - یکی از مطهّرات است و عبارت است از پاک شدن چیز نجس به تبع پاک شدن چیز نجس دیگر، مثل پاک شدن ظرف شراب به

ص: 581

واسطه سرکه شدن شراب.

2 - پیروی کردن مأموم از امام جماعت در افعال نماز.

تبعیض در تقلید: تقلید کردن در بعضی از احکام شرعی از يك مرجع تقلید و در بعضی احکام دیگر از مرجع تقلید دیگر.

تجافی: نیم خیز نشستن مأموم در هنگام تشهد خواندن و یا سلام دادن امام جماعت.

تجاوز از محل: گذشتن از محل، مثلاً کسی که مشغول خواندن سوره شده، از محل خواندن حمد گذشته است و یا کسی که وارد سجده شده، از محل رکوع گذشته است. تجاوز از محل یکی از موارد عدم اعتنا به شك است و نمازگزار اگر در اجزای قبلی که از آنها گذشته، شك کند، نباید به شك خود اعتنا نماید.

تجدید: نو و تازه کردن؛ انجام دوباره چیزی، مانند تجدید وضو.

تجوید: نیکو کردن، نیکو گفتن؛ علم نیکو تلفظ کردن حروف و کلمات قرآن مجید، فن صحیح خواندن قرآن.

تجهیز میّت: غسل و حنوط و کفن و نماز و دفن میّت.

تحت ید --> ید.

تخلّی: بول و غائط کردن (دفع ادرار و مدفوع).

تخمیس: خارج و جدا کردن خمس (يك پنجم) مال، پرداختن خمس مال.

تخیر: دادن اختیار به مکلف برای انتخاب و عمل به هر يك از دو یا چند طرف تکلیف شرعی، مثل تخیر در ادای کفّاره افطار عمدی روزه ماه رمضان.

تداخل: کفایت نمودن يك عمل از تکالیفی که به واسطه موجبات و موضوعات متعدّد بر عهده مکلف آمده است، مانند تداخل در غسل، بدین صورت که بتوان به جای چند غسل يك غسل نمود و آن يك غسل کفایت از همه آنها بکند، مانند زنی که در روز جمعه از حیض پاک شده و میّتی را نیز مس نموده که يك غسل را به نیت غسل جمعه، غسل مس میّت و غسل حیض انجام دهد و کفایت از هر سه غسل کند.

تدارك: جبران کردن، اصلاح کردن.

تذکيه: ذبح کردن و کشتن؛ کشتن حیوان به روش شرعی.

ترتیبی: --> غسل ترتیبی.

ترتیبی: --> وضوی ترتیبی.

ترکه: ما ترك، اموال مرده که پس از مرگش باقی مانده است.

تروك حیض: کارهایی که زن در موقع حیض، واجب است ترك کند، مثل جماع و دست زدن به خط قرآن.

تسبیحات اربعه: ذکرهای چهارگانه «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر» که در رکعت سوم و چهارم نماز خوانده می شود.

تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام: عبارت است از:

«34 مرتبه الله اكبر و 33 مرتبه الحمد لله و 33

ص: 582

مرتبه سبحان الله» و گفتن این تسییحات بعد از هر نماز مستحب است و ثواب هزار رکعت نماز را دارد.

تشریح [اعضای انسان]: کالبد شکافی، شکافتن و جدا کردن اعضای بدن انسان.

تضییق: سخت گرفتن، در تنگنا قرار دادن.

تطهیر: پاک ساختن.

تطهیر از حَدَث: تحصیل پاکی و برطرف کردن حدث با به جا آوردن غسل، وضو و تیمم.

تطهیر از خَبَث: پاک ساختن چیزی از نجاست.

تظلیل --> استظلال.

تعارض بیّنه ها: در مقابل هم قرار گرفتن بیّنه ها (دو شاهد عادل چیزی بگویند و دو شاهد عادل دیگر بر خلاف آن بگویند).

تعزیر: مجازات و تنبیهی که حاکم شرعی تعیین می کند و مقدار آن کمتر از حدّ شرعی است.

تفاوت فاحش: تفاوتی که از حد گذشته باشد، تفاوت زیاد.

تفحص: جستجو کردن.

تفسیق: نسبت فسق و عدم پابندی به احکام دین به کسی دادن.

تقصص: تاوان گرفتن، معامله به مثل نمودن.

تقصیر: کوتاه کردن.

1 - تقصیر در حج: کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن.

2 - تقصیر در نماز: نماز چهار رکعتی را دو رکعت خواندن.

تقلید: التزام به پیروی از فتوای مجتهد در هنگام عمل.

تقلید ابتدایی از میّت: تقلید کردن مقلّد از مرجع تقلیدی که از دنیا رفته، در حالی که در زمان زنده بودن آن مرجع از او تقلید نمی کرده است.

تقیّه: خودداری کردن از اظهار عقیده و مذهب یا تظاهر بر خلاف عقیده.

تکبیره الاحرام: «الله اکبر» در اول نماز که از ارکان نماز است و با گفتن آن، نماز شروع می شود.

تکفین: کفن کردن مرده.

تکلیف: الزام به احکام الهی که با شرایط آن (مثل بلوغ و عقل) محقق می شود.

تکثف: در نماز يك دست را بر روی دست دیگر قرار دادن.

تکلیف ساقط است: دیگر تکلیفی ندارد.

تلبیه: گفتن «لبيك اللهم لبيك...» که از واجبات احرام حج است.

تمام: کامل بودن؛ تمام بودن نماز (تمام خواندن نماز): کامل خواندن نماز چهار رکعتی.

تمکن: توانایی.

تملیک: به ملکیت در آوردن، چیزی را ملك کسی قرار دادن.

ص: 583

تنجیس: نجس کردن.

تعیم: نام مسجدی است در خارج حرم مکه و یکی از مصادیق ادنی الحل است.

تنقیه: اماله کردن، داخل کردن مایعات در امعاء و احشاء از منخرج غائط برای پاک کردن معده و روده و رفع یبوست.

تورک: نشستن بر روی ران چپ، به طوری که روی پای راست بر کف پای چپ قرار بگیرد.

این گونه نشستن در نماز مستحب است.

تورّم: بالا رفتن مستمر میانگین قیمت اجناس و پایین آمدن ارزش و قدرت خرید پول.

توصّلی: عملی که در آن قصد قربت و امتثال امر شارع، شرط صحّت آن نیست و بدون قصد قربت نیز مجزی و کافی است، مانند امر به معروف و نهی از منکر. توصّلی در مقابل تعبّدی قرار دارد.

تیّم: مسح کردن پیشانی و پشت دو دست به صورت مخصوص با خاک و مثل آن، به قصد طهارت. تیّم در شرایط خاصّی جانشین غسل یا وضو می شود.

تیّم بدل از غسل: تیّمی که جانشین غسل شود.

تیّم بدل از وضو: تیّمی که جانشین وضو شود.

تیّم جبیره ای: تیّم در حالی که جبیره در اعضای تیّم وجود داشته باشد و نحوه انجام دادن آن در توضیح المسائل آمده است.

ثقه: فرد مورد اعتماد و اطمینان.

ثُلث ترکه: 13 اموال باقی مانده از میّت، پس از برداشتن چیزهایی که از اصل ترکه برداشته می شود. وصیت میّت در ثُلث ترکه نافذ است.

ثمن: قیمت و بهای کالا. ثمن در برابر مثن (کالایی که خریداری می شود) قرار دارد.

جاهل به حکم: کسی که حکم شرعی چیزی را نمی داند.

جاهل به موضوع: کسی که نسبت به موضوع خارجی جاهل دارد، مثل این که نمی داند مایعی که در دست اوست، شراب است تا نجس و خوردن آن حرام باشد یا آب است تا پاک و خوردنش حلال باشد.

جاهل قاصر: کسی که جاهل و ندانستن او به سبب کوتاهی کردن خود او نباشد.

جاهل مقصّر: کسی که جاهل و نادانی او به سبب کوتاهی کردن خود او باشد.

جبیره: چیزی که با آن زخم، دمل یا عضو شکسته را می بندند و دارویی که روی آنها می گذارند.

جدال: از محرمات حج است و آن سوگند خوردن برای اثبات یا ردّ مطلبی است به گفتن مثل «لا والله» و «بلی والله».

جرح، جراحت: زخم، بریدگی و آسیب در بدن.

جروح: جمع جرح (---> جرح).

جعرانه: نقطه ای است خارج از حرم مکه و

ص: 584

یکی از مواقیت است.

جلسه استراحت: نشستن بعد از سر برداشتن از سجده دوم در رکعت اول و سوم و قبل از برخاستن برای رکعت بعدی.

جمره عقبه: آخرین جمره از جمرات سه گانه که در سرزمین منی واقع شده اند. حجّاج در روز عید قربان تنها این جمره را رمی می کنند.

جنابت: حدث اکبری که به واسطه نزدیکی و آمیزش و یا خارج شدن منی به وجود می آید و با غسل جنابت رفع می شود.

جُنُب: کسی که جنابت بر او عارض شده است.

جواز: جایز بودن فعلی از نظر شارع، اباحه.

جهاد: جنگ کردن برای دین خدا.

جهر: بلند کردن صدا؛ جهر در نماز: بلند خواندن قرائت نماز.

جهل به حکم: ندانستن حکم شرعی چیزی، مثل ندانستن این که خوردن گوشت خوک حرام است.

جهل به موضوع: ندانستن موضوع (--> جاهل به موضوع).

چشم غیر مسلّح: چشمی که مسلّح نباشد (--> چشم مسلّح).

چشم مسلّح: چشمی که برای دیدن از وسایلی مثل تلسکوپ و دوربین کمک می گیرد و می تواند چیزهایی را ببیند که چشم غیر مسلّح (عاری از آن وسایل) نمی تواند ببیند.

حاکم، حاکم شرع، حاکم شرعی: مجتهد جامع الشرائط، کسی که حکمش بر اساس موازین شرعی نافذ است.

حائض: زنی که در حال حیض است (--> حیض).

حجّ افراد: یکی از اقسام سه گانه حج (تمتّع، افراد و قران) است که در آن پس از حج، عمره مفرده به جا آورده می شود و در آن قربانی واجب نیست. کسانی که فاصله آنها از مکه مکرمه کمتر از شانزده فرسخ شرعی (حدود 90 کیلومتر) است، وظیفه آنها در حجة الاسلام، به جا آوردن حجّ افراد یا حجّ قران است.

حجّ بذلی: حجّی که به واسطه بخشش و بذل کردن دیگران بر فردی که استطاعت مالی ندارد، با شرایطی واجب می شود.

حجّ تمتّع: یکی از اقسام سه گانه حج (تمتّع، افراد و قران) است که در آن قبل از حج، عمره تمتّع به جا آورده می شود و کسانی که فاصله آنها از مکه مکرمه شانزده فرسخ شرعی (حدود 90 کیلومتر) یا بیشتر باشد، وظیفه آنها برای انجام دادن حجة الاسلام، به جا آوردن حجّ تمتّع است.

حجّ قران: یکی از اقسام سه گانه حج (تمتّع، افراد و قران) است که در آن بعد از حج، عمره مفرده به جا آورده می شود و از هنگام احرام

برای حج، مُحْرَم باید قربانی را به همراه خود داشته باشد. کسی که در مکه و حوالی آن (کمتر از شانزده فرسخ شرعی) زندگی می کند، برای انجام دادن حَجَّة الاسلام، وظیفه اش به جا

ص: 585

آوردن حجّ قرآن یا حجّ افراد است.

حُجَّت: آنچه اعتماد و عمل کردن بر طبق آن جایز است و با عمل به آن، مکلف در پیشگاه خداوند معذور است.

حَجَّة الاسلام: حجّی که به واسطه وجود شرایط استطاعت، در تمام عمر يك بار بر مکلف واجب می شود.

حِجْر اسماعیل: به دیوار کوتاه قوسی شکل که در سمت غربی خانه کعبه قرار دارد و مکان محصور بین این دیوار قوسی و دیوار غربی خانه کعبه (که دو طرف آن رکن عراقی و رکن شامی است) گفته می شود.

حَجْر الاسود: سنگی که در رکن شرقی که نزدیک در کعبه است قرار دارد و بوسیدن و دست کشیدن بر آن مستحب است و طواف خانه خدا از مقابل آن شروع و به آن ختم می شود.

حجّیت: حجّت بودن (--> حجّت).

حجّیت تعبّدی: حجّت بودن يك چیز به واسطه آن که شارع مقدّس آن را برای ما حجّت قرار داده و ما هم به جهت اطاعت و تعبّد نسبت به شارع مقدّس آن را حجّت می دانیم.

حدّ (شرعی): مجازاتی که از نظر شرع مقدار آن معین شده است، مثل حدّ زنا، حدّ دزدی و حدّ شربخواری.

حدّ ترخّص: مقدار مسافتی که وقتی مسافری که قصد مسافت شرعی را کرده و محلّ اقامت خود را ترك نموده، به آن جا رسید، لازم است آثار سفر، مثل شکسته خواندن نماز را رعایت نماید و همچنین در بازگشت از سفر با رسیدن به آن جا از حال سفر خارج می شود. میزان در حدّ ترخّص بنا بر احتیاط نشیندن اذان محلّ اقامت و ندیدن دیوارهای آن است.

حدّ سفر شرعی --> مسافت شرعی.

حدّ نصاب --> نصاب.

حدّث: حالتی که به جهت از بین رفتن طهارت در انسان ایجاد می شود و گاهی به خود سببی که طهارت را از بین می برد (مثل خروج بول و منی) نیز اطلاق می شود.

حدّث اصغر: حالتی که به سبب پیش آمدن آنچه که موجب وضو می شود (مثل خروج بول و غائط)، در انسان ایجاد می شود.

حدّث اکبر: حالتی که به واسطه پیش آمدن آنچه که موجب غسل می شود (مثل جماع و حیض)، در انسان ایجاد می شود.

حدود: جمع حد (--> حدّ شرعی).

حدیبیه: حدّ غربی حرم مکه است که حدود 48 کیلومتر با مسجد الحرام فاصله دارد.

حرام: کاری که شرعاً ممنوع است و باید ترك شود و انجام دادن آن گناه محسوب می شود و انجام دهنده آن مستحق عقاب است، مثل

خوردن شراب.

حرج: مشقت و سختی و دشواری شدید.

حرج شخصی: مشقت و سختی شدید برای شخص معین.

حرج نوعی: مشقت و سختی شدید برای

ص: 586

غالب افراد.

حرجی: آنچه که موجب حرج باشد.

حرم [مکه]: مکه و اطراف آن که از شمال به تنعیم و از جنوب به اضاءة لبن و از شرق به جعرانه و از غرب به حدیبیه منتهی می شود.

حرمت:

1 - آبرو، عزت، احترام؛ هتك حرمت: از بین بردن احترام چیزی.

2 - یکی از احکام پنجگانه تکلیفی که به معنی ترك الزامی کاری است و چنانچه کسی مرتکب آن کار شود، مستحق عقاب خواهد شد، مثل حرمت خوردن شراب.

حصه: نصیب و بهره، سهم.

حضر: شهر و منزل و وطن؛ مخالف سفر.

حق الناس: حق انسان ها (مثل طلب و ارث) که جز با اجازه صاحب حق ساقط نمی شود، ولی حق الله (حق خداوند) در بعضی از حالات به وسیله حاکم شرعی یا توبه و استغفار ساقط می شود.

حکم، حکم شرعی: قانونی که خداوند متعال برای انسان ها قرار داده است و بر دو قسم (حکم تکلیفی و حکم وضعی) است.

حکم (در برابر فتوا): آن چیزی است که مجتهد بر طبق مصالح وقت صادر می کند و از قبیل انشاء است و بر همه لازم است به آن عمل نمایند، به خلاف فتوا که بیان حکم کلی شرعی و از قبیل اخبار است و بر مجتهد و مقلدین او لازم است که از آن تبعیت کنند.

حکم تکلیفی: به پنج حکم وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه گفته می شود.

حکم ظاهری --> احکام ظاهری.

حکم واقعی --> احکام واقعی.

حکم وضعی: به هر حکم شرعی که غیر از حکم تکلیفی باشد، گفته می شود، مثل صحت، فساد، جزئیت و شرطیت.

حکمت: فایده ای که برای وضع کردن حکم شرعی مورد نظر بوده است، ولی حکم شرعی، دایر مدار آن نیست، به خلاف علت که حکم شرعی دایر مدار آن است.

حلال: کاری که حرام نباشد، هر عملی که اقدام به آن مجاز باشد، مباح.

حلق: تراشیدن؛ یکی از واجبات حج است (در روز عید قربان، پس از رمی جمرة عقبه و قربانی کردن، بر برخی از حاجیان لازم است سر خود را بتراشد و با این کار از احرام خارج می شوند).

حنوط: از واجبات مربوط به تجهیز میت است و آن عبارت است از مالیدن کافور به هفت موضع سجده میت (پیشانی، کف دو دست، سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پا).

حی: زنده.

حیض: قاعدگی، عادت ماهانه زنان؛ خونی که غالباً در هر ماه چند روز از رحم زن ها خارج می شود و زن را در موقع دیدن خون حیض، حائض گویند.

ص: 587

خالی از اشکال نیست --> محلّ اشکال است.

خالی از قوّت نیست: نوعی از بیان فتواست و مقلّد باید بر طبق آن عمل نماید.

خَبَث: نجاست.

خبر عدل واحد: خبری که توسط يك نفر عادل داده شود.

خبره: آزموده بودن در کاری، دانایی و بینایی به حقیقت چیزی.

خمس: يك پنجم چیزی؛ يك پنجم چیزهایی مثل معدن، گنج، سود کسب و کاری که يك سال از آن بگذرد و... که باید از اموال جدا شده و به مصارف مخصوص خود برسد. نیمی از خمس، سهم امام علیه السلام و نیم دیگر آن سهم سادات فقیر است.

ختی: کسی که مرد یا زن بودن او مشخص نیست.

ختنای مشکل: خنثایی که نتوان او را به گروه مردان یا گروه زنان ملحق نمود. ختنای غیر مشکل، دارای نشانه هایی است که به وسیله آن نشانه ها می توان او را به مردان یا زنان ملحق کرد.

خوارج: اصطلاحاً به گروهی گفته می شود که در جنگ صفین، پس از قضیه حکمیت از بیعت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خارج شدند و با آن حضرت به مخالفت برخاستند و جنگ نهروان را به وجود آوردند و سرانجام ایشان را به شهادت رساندند؛ به تمام کسانی که بر امام معصوم علیه السلام خروج کنند نیز خوارج گفته می شود.

دائم السفر: کسی که به خاطر شغل خود همیشه یا در بیشتر ایام در سفر باشد یا لااقل هر سه روز يك بار یا شش روز دو بار یا نه روز سه بار و به همین ترتیب، سفر به اندازه مسافت شرعی انجام دهد.

داعی به فعل: انگیزه انجام فعل.

دایر مدار: وابسته و منوط.

دَبّاعی: پاك کردن و پرداختن پوست حیوانات.

دُبُر: پشت، مقعد، منخرج غائط.

در حکم... است: حکم... را دارد.

دستگردان: راه شرعی است برای تبدیل بدهی شرعی (مثل خمس) به بدهی به حاکم شرعی. پس از دستگردان مکلف نسبت به شارع بریء الذمه می شود و نسبت به حاکم شرعی ذمه اش مشغول می گردد.

دفن: به خاک سپردن.

دلیل: راهنما؛ چیزی یا کسی که انسان را به مطلبی راهنمایی و هدایت کند.

دلیل شرعی: چیزی که به وسیله آن می توان احکام شرعی را به دست آورد که عبارت اند از:

کتاب، سنت، اجماع و عقل.

دم سائله: خون جهنده، خون حیوانی که موقع سر بریدن خونس با جهش خارج می شود، مانند گوسفند.

دمل: زخم و ورمی که در پوست بدن پیدا شود و از آن چرك و خونابه بیرون آید؛ آبسه.

ص: 588

دین: بدهی، مثل مالی که با عقد یا با از بین بردن چیزی یا قرض گرفتن بر عهده کسی ثابت می شود.

دیون: جمع دین (---> دین).

دیه: مالی که به جهت تلف کردن جان انسان و یا وارد کردن نقص بدنی، پرداخت می شود و مقدار آن را شارع معین فرموده است.

ذاتی: آن چیزی که جزء حقیقت چیزی است و در مقابل آن عرضی قرار دارد.

ذبح: کشتن و سر بریدن حیوان.

ذبیحه: حیوان ذبح شده.

ذراع: از آرنج تا انتهای انگشت وسطی دست، یکی از واحدهای اندازه گیری طول که حدود نیم متر است.

ذکر: خدا را یاد کردن، کلامی که به قصد یاد خداوند گفته شود.

ذکر مطلق: ذکری که قصد جزء بودن آن برای چیز دیگر نشده باشد و یا امثال امر خاصی به وسیله آن نشده باشد، مثل این که در بین نماز

ذکری را بگوید و قصد نکند که این ذکر جزء نماز باشد.

ذمه: عهده.

ذمه او مشغول است: بر عهده اوست (باید حقی را ادا کند یا کاری را انجام دهد).

ذمه خود را بریء کند: با ادا کردن حقی یا انجام دادن عملی که بر عهده او بوده، تکلیف را از خود بردارد.

ذمی: اهل کتابی (مسیحی، یهودی و زرتشتی) که در سرزمین مسلمانان زندگی می کند و ملتزم به شروط ذمه است و این شروط در کتاب

های فقهی ذکر شده است.

ذوالحلیفه: میقات مسجد شجره.

ذو الید ---> ید.

ذهاب ثلثین: ثلثان شدن؛ کم شدن 23 آب انگور به وسیله جوشاندن.

راحله: مرکبی که فرد با آن به حج می رود (داشتن راحله از شرایط استطاعت حج است).

رافع: رفع کننده، برطرف کننده.

ربا: زیادی یکی از دو مال همجنس بر دیگری بدون عوض، مثل ربای در قرض که مالی را قرض بدهد به شرط این که مقدار بیشتری پس

بگیرد و به آن قرض ربوی می گویند و از نظر شرعی حرام است.

ربح: منفعت و سود.

ربوی: چیزی که مشتمل بر ربا باشد، مثل قرض ربوی (ـ> ربا).

رجائاً، رجای مطلوبیت، قصد رجا: این که فردی عملی را به امید این که مطلوب خداوند باشد، انجام دهد. این گونه نیت کردن در اموری که مطلوب بودن فعل یا ترك آن در نزد شارع چندان روشن نیست، نافع است، مثلاً فرد به امید مطلوب بودن در نزد شارع چیزی را که استحبابش چندان روشن نیست، انجام دهد و یا چیزی که کراهتش چندان معلوم نیست، ترك نماید.

ص: 589

رجحان: ترجیح داشتن.

رجوع به کفایت: یکی از شرایط وجوب حج است، بدین معنا که به سبب رفتن به حج، سرمایه یا ملک یا محلّ کسب یا شغلی که زندگی انسان با آن تأمین می شود، از بین نرود، به نحوی که پس از بازگشت از حج در تأمین معیشت خود دچار مشکل شود.

رخصت: در مورد واجب یا مستحبی که در بعضی از شرایط، امر وجوبی یا استحبابی آن برداشته شده باشد، ولی انجام دادن آن باز هم جایز و کافی باشد، گفته می شود که برداشته شدن وجوب یا استحباب، رخصت است، مثل وضو گرفتن در هوای بسیار سرد که ضرر نداشته، ولی مشقّت داشته باشد که در این صورت حکم وضو گرفتن برداشته شده و به جای آن، تیمّم قرار داده شده است، ولی اگر کسی در این شرایط هم وضو بگیرد، وضویش صحیح است. در مقابل رخصت، عزیمت قرار دارد.

ردّ مظالم: بازگرداندن و دادن مظالم به فقرا (--> مظالم).

رشد: ملکه نفسانی که به سبب آن می توان منافع و مصالح و ضرر و زیان را تشخیص داد و باعث می شود در امور مالی، انسان از صرف مال در مواردی که از نظر عقلاً نامناسب است و باعث هدر رفتن آن می شود، خودداری کند.

رشد در مقابل سفاهت قرار دارد.

رکن حَجَر: به هر يك از چهار گوشه (محلّ اتصال دو دیوار) خانه کعبه رکن گفته می شود و به آن گوشه ای که «حجر الاسود» در آن قرار دارد و محل شروع طواف است، رکن حجر یا رکن حجر الاسود می گویند.

رکن شامی: یکی از چهار گوشه خانه کعبه که در موقع طواف، قبل از رکن یمانی قرار دارد.

رکن عراقی: یکی از چهار گوشه خانه کعبه است و در موقع طواف، بعد از رکن حجر واقع شده است.

رکن نماز --> ارکان نماز.

رکن یمانی: یکی از چهار گوشه خانه کعبه است که به هنگام طواف نمودن، قبل از رکن حجر قرار می گیرد.

رمی جمرات: پرتاب سنگریزه به جمره های سه گانه در سرزمین منی که از واجبات حج محسوب می شود.

روز عرفه: روز نهم ذی الحجه که حاجیان از ظهر آن روز در سرزمین عرفات وقوف می نمایند.

روژه استیجاری: روزه ای که انسان اجیر می شود تا آن را به نیابت از شخص دیگری به جا آورد و به واسطه اجیر شدن، روزه بر او واجب می شود.

روژه کفّاره: روزه ای که به عنوان جریمه از طرف شارع مقرّر شده است، مثل کفّاره افطار عمدی روزه رمضان، که عبارت است از شصت روز روزه (و یا اطعام شصت فقیر و یا آزاد کردن يك بنده).

روژه نذری: روزه ای که به واسطه نذر کردن

واجب شده باشد.

روژه واجب معین: روژه ای که به سببی مانند نذر یا عهد بر انسان واجب شده و به واسطه همان سبب، زمان به جا آوردن آن معین شده باشد، بر خلاف روژه واجب غیر معین که زمان خاصی برای انجام دادن آن معین نشده است.

رؤیت هلال: دیدن ماه نو.

رهن: گرو؛ عین یا مالی که به عنوان وثیقه دین قرار داده می شود تا اگر دین ادا نشد، از آن عین یا مال استیفا شود.

ریا: انجام دادن عمل به قصد این که مردم آن را ببینند و به انجام دهنده آن گمان خیر برند؛ عدم اخلاص در نیت به سبب شریک کردن غیر خداوند در نیت.

زاد: طعام و نفقه ای که فرد برای رفتن به حج و بازگشتن از حج به آن احتیاج دارد (داشتن زاد از شرایط استطاعت حج است).

زرتشتی: پیرو آیین زرتشت.

زکات: مقدار معینی از بعضی از اموال انسان که با رسیدن به حد نصاب و داشتن شرایط دیگر، باید در موارد مشخص شده از طرف شارع مصرف شود. اموالی که پرداخت زکات آنها واجب است، عبارت اند از: گندم، جو، کشمش، خرما، گاو، گوسفند، شتر، طلا و نقره.

زکات فطره، فطره، فطریه: یک صاع (حدود سه کیلوگرم) گندم، جو، ذرت و... یا قیمت آن که باید شخص از طرف خودش و همچنین از طرف هر فردی که هنگام غروب در شب عید فطر تحت تکفل اوست، به فقرا پرداخت کند و یا صرف موارد تعیین شده دیگر نماید.

زمین احیا شده: زمینی که با تغییراتی مثل کشت و زرع و ساختمان و... از حالت موات و غیر قابل استفاده بودن خارج گشته و زنده شده و آماده بهره برداری شده باشد.

زمین موات: زمین مرده و احیا نشده.

زوال آفتاب: متمایل شدن خورشید از وسط آسمان (بالای سر) به طرف مغرب که وقت اذان ظهر است و آن وقتی است که سایه شاخص (میله ای که به طور عمودی روی زمین نصب شده باشد) به کوتاه ترین مقدار خود برسد و دوباره شروع به بلند شدن کند.

زوج: شوهر.

زوجه: همسر (زن).

سابّ الائمّه: کسی که - نعوذ باللّه - به ائمه اطهار علیهم السلام دشنام دهد.

سابّ النبی: کسی که - نعوذ باللّه - به نبی اکرم صلی الله علیه و آله دشنام دهد.

ساتر: پوشش، پوشاننده عورت.

سادات: جمع سید (==> سید).

سال شمسی: يك سال تمام که مکلف در آخر آن سال، مقدار در آمد و مخارج خود در طی آن سال را برای پرداخت خمس حساب می کند و ابتدا و شروع آن می تواند هر يك از روزهای سال شمسی و یا سال قمری باشد.

سال شمسی: به سالی گفته می شود که مدت

ص: 591

آن به اندازه يك بار گردش زمین به دور خورشید است و در کشور ایران شروع آن با ماه فروردین است و با ماه اسفند پایان می یابد.

سال قمری: به سالی گفته می شود که مدت آن به اندازه دوازده بار گردش ماه به دور زمین است و با ماه محرم شروع می شود و به ماه ذی الحجه ختم می گردد. سال قمری حدود یازده روز از سال شمسی کمتر است.

ستر: پوشاندن.

سجده: پیشانی بر زمین نهادن برای ستایش خداوند و اظهار خضوع و فروتنی در برابر پروردگار.

سجده سهو: دو سجده که نمازگزار به جهت برخی اشتباهاتی که در نماز از او سر زده، بعد از نماز به جا می آورد و چگونگی و شرایط و موارد آن در توضیح المسائل آمده است.

سجده شکر: سجده به جهت سپاسگزاری از نعمت های الهی و یا دفع بلاها.

سجده واجب قرآن: سجده ای که واجب است پس از خواندن و یا گوش کردن به چهار آیه از آیات قرآن کریم انجام شود (--- آیه سجده).

سرمایه: پول یا کالا یا ابزار و وسایلی که اساس کسب و تجارت قرار گیرد، رأس المال.

سرقفلی: پول یا عوضی که به جهت خالی کردن محل کسب و تجارت و واگذار کردن آن به دیگری دریافت می شود و مالیت آن محفوظ است، به طوری که مثلاً اگر مستأجری که به سبب پرداخت مبلغی (سرقفلی) به مالک، محل کسب در اختیار او قرار گرفته، بخواهد آن را تخلیه کند و به مستأجر دیگری واگذار نماید، بتواند برای این کار از او مبلغی (سرقفلی) بگیرد.

سعی (بین صفا و مروه): از واجبات عمره و حج است و آن پیمودن هفت بار مسیر بین دو کوه صفا و مروه است و از صفا شروع و به مروه ختم می شود.

سفر معصیت: مسافرتی که خودش معصیت باشد (مثل سفری که باعث اذیت و آزار پدر و مادر است و فرزند را از آن نهی کرده اند) یا به قصد معصیت انجام شود (مثل سفر به شهر دیگر برای دزدی کردن).

سنت: یکی از منابع چهارگانه استخراج احکام الهی است و به قول، فعل و تقریر چهارده معصوم علیهم السلام گفته می شود؛ طریقه و روش مشروع در دین (ضد بدعت)؛ مفرد سُنن که به معنای مستحبات و آداب است.

سَنی: مسلمانی که قائل به خلافت چهار خلیفه پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد که اول آنان ابوبکر و آخر آنان علی علیه السلام است.

سوره سجده دار: چهار سوره ای که مشتمل بر آیه سجده هستند (--- آیه سجده).

سهم الارث: مقداری از ترکه میت که به هر يك از وارثان می رسد، سهم الارث هر يك از آنان محسوب می شود.

سهم امام علیه السلام: نیمی از خمس است که در

ص: 592

زمان غیبت، امر آن به دست مجتهد جامع الشرائط است (--< خمس).

سهم سادات: نیمی از خمس است که به مصرف سادات فقیر واجد شرایط رسانده می شود (--< خمس).

سهمین: به سهم امام علیه السلام و سهم سادات که روی هم خمس را تشکیل می دهد، سهمین (دو سهم) گفته می شود (--< خمس).

سهوی، سهواً: از روی اشتباه و غفلت.

سید، سیده: مرد و زنی که از طریق پدر از اولاد هاشم بن عبد مناف (یکی از اجداد بزرگوار رسول الله صلی الله علیه و آله) باشند.

سیره: روش.

سیره عقلا: اتفاق عقلا بر انجام دادن یا ترك کردن امری از جهت این که عاقل هستند، مانند اخذ به ظاهر کلام.

سیره مشرعه: اتفاق مشرّعين از زمان حاضر تا عصر تشریح بر انجام دادن یا ترك کردن امری به دلیل پای بند بودن به شریعت اسلام.

شاذروان: به برآمدگی هایی گفته می شود که در پایین دیوار کعبه وجود دارد و جزء کعبه است و طواف کننده باید بیرون از آن طواف کند.

شارع: کسی که احکام را ابتدائاً وضع می کند و آن خداوند متعال است و گاهی بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز اطلاق می شود.

شان: حال و وضعیت، منزلت.

شاهد حال: قرائن و شواهدی که چیزی را به ما می فهماند، بدون این که اذن صریح یا اذن فحوی در کار باشد، مثل خصوصیات زمانی، خصوصیات مکانی (مانند عرف محل)، خصوصیات شخصی يك فرد و امثال آنها.

شبهه: مشابهت، پوشیدگی امر، عدم وضوح.

شبهه حکمیه: مشتبه بودن و عدم وضوح حکم شرعی در يك موضوع.

شبهه غیر محصوره --< شبهه محصوره.

شبهه محصوره: اگر شبهه دارای جوانبی باشد که همه آنها مورد ابتلائی مکلف باشد و در آن، احتمال انطباق معلوم بالا جمال، با فرد مختار، به جهت کثرت اطراف شبهه، ضعیف باشد، به گونه ای که عقلا به آن اعتنا نکنند، شبهه غیر محصوره نامیده می شود، وگرنه شبهه محصوره است. در شبهه محصوره، باید از تمام اطراف شبهه اجتناب شود؛ ولی در شبهه غیر محصوره، ارتکاب فرد مختار، جایز است.

شبهه موضوعیه: عدم وضوح و مشتبه بودن موضوع خارجی، مثل این که ندانیم مایعی که در خارج موجود است، سرکه است یا شراب.

شبهه ناک: آلوده به شبهه؛ چیزی که احتمال حرام بودن در آن وجود دارد.

شخص حقوقی: شخص اعتباری که دارای حق و تکلیف است، بدون این که شخص معین خارجی باشد، مانند شرکت ها، دولت ها و... .

شخص حقیقی: شخص انسانی معین خارجی (تک تک افراد انسان).

ص: 593

شرایط و اجزا --> اجزا و شرایط.

شرط --> اجزا و شرایط.

شرط متأخر: شرطی که صحّت فعل، منوط به تحقق آن شرط بعد از انجام دادن فعل است.

شرع: شریعت، دین، آیینی که از طرف خداوند برای بندگان آمده است.

شغله السفر: کسی که شغل و کار او خود سفر کردن است، مثل راننده.

شغله فی السفر: کسی که کار و شغل او در سفر انجام می شود و سفر مقدمه شغل اوست، مثل کاسب دوره گرد یا معلّمی که برای تدریس کردن مسافت شرعی را طی می کند.

شوط: يك بار گردیدن به دور خانه كعبه از حجر الاسود تا حجر الاسود؛ يك بار سعی کردن بین صفا و مروه.

شهادت: گواهی دادن.

شهادت ثالثه: شهادت و گواهی دادن بر ولایت حضرت علی علیه السلام.

شهادتین: شهادت دادن بر وحدانیت خداوند متعال و رسالت پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله.

شهرت: رواج و انتشار چیزی؛ آشکار شدن مطلبی برای همه افراد.

شیاع: شایع شدن، همگانی شدن.

شیعه: مسلمانی که معتقد به خلافت بلافضل علی بن ابی طالب و اولاد آن حضرت علیهم السلام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

صحّت: درستی عمل، مطابق بودن عمل با حکم شرعی که باعث می شود آثار شرعی بر آن عمل بار شود؛ صحّت از احکام وضعی محسوب می شود.

صدق عرفی: صدق کردن در نزد عامه مردم.

صدق کردن: تطبیق يك عنوان بر يك چیز خارجی یا يك عمل، مثلاً تطبیق متجاهر به فسق بر کسی که آشکارا شراب می خورد که در این صورت می گویند متجاهر به فسق بر این فرد صدق می کند.

صدقه: بخششی که مشروط به قصد قربت است.

صغیر: غیر بالغ.

صفا: کوه معروفی که در مکه در نزدیک خانه کعبه قرار دارد و حاجی، سعی را که یکی از واجبات عمره و حج است، بین این کوه و کوه مروه انجام می دهد.

صفات رذیله: صفاتی که نشانه پستی و بدی دارنده آن صفات است.

صلح، مصالحه: سازش دو طرف؛ عقدی که در آن شخصی با شخص دیگر سازش می کند تا در مقابل عوضی، مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملك او کند یا از طلب یا حق خود بگذرد.

صلة رحم: پیوستگی و نیکی و احسان با خویشاوندان و نزدیکان.

صوفی: پیرو طریقه تصوف.

ص: 594

صوری: ظاهری، نه واقعی.

صوم: روزه.

صوم یوم الدهر: روزه تمام عمر.

ضامن: متعهد، عهده دار.

ضروری دین: آنچه نزد مسلمانان، بدون تردید جزء دین اسلام است، مثل وجوب نماز و روزه.

ضروری مذهب: آنچه نزد شیعیان، بدون تردید جزء مذهب حقه امامیه است.

ضمان: تعهد، عهده دار شدن.

ضمایر: جمع ضمیر (--> ضمیر).

ضمیر: کلمه ای که به جای اسم قرار می گیرد و دلالت بر شخص یا شیء می کند، مثل «من، تو، او، شما» در زبان فارسی و مثل «هو، هما، أنت، نحن» در زبان عربی.

ضمیر تثنیه و جمع: اگر ضمیری بر دو نفر دلالت کند، ضمیر تثنیه نامیده می شود، مثل «هما» (آن دو) و اگر بر بیشتر از دو نفر دلالت کند، ضمیر جمع نامیده می شود، مثل «هم» (آنها).

ضمیر مذکر: ضمیری که دلالت بر مرد و جنس نر داشته باشد، مثل «هو».

ضمیر مؤنث: ضمیری که دلالت بر زن و جنس ماده داشته باشد، مثل «هی».

ضیق وقت: تنگی وقت.

طاهر: پاک. هم به چیز غیر نجس گفته می شود و هم به شخصی که وضو و غسل و تیممی که بر عهده اش بوده، به جا آورده و می تواند نماز بخواند.

طریق شرعی: راه و روشی که مورد تأیید شرع است.

طریقیت: چیزی که خودش اصل و هدف نباشد، بلکه طریق و راهی برای رسیدن به چیز دیگری باشد، گفته می شود که آن چیز دارای طریقیت است نه موضوعیت.

طلوع فجر: ظاهر شدن سپیدی صبح (آن سپیدی که در افق پهن می شود و به آن فجر صادق نیز گفته می شود) که شروع وقت نماز صبح است.

طواف: هفت دور گردیدن به دور خانه کعبه است که از حجر الاسود شروع و به حجر الاسود نیز ختم می شود و از واجبات عمره و حج

است.

طواف نساء: طوافی است که با به جا آوردن آن اعمال زناشویی که به واسطه احرام بر مُحرم حرام شده بوده، بر وی حلال می شود.

طهارت: پاکی.

طهارت از حَدَث: پاکی و برطرف شدن حدث با به جا آوردن وضو، غسل و تیمم.

طهارت از خَبَث: پاک شدن چیزی از نجاست.

ظاهر: آشکار، در مقابل باطن، مثل ظاهر بدن.

ظاهر... است، ظاهر این است، ظاهراً: بیان فتواست و مقلد باید طبق آن عمل نماید.

ص: 595

ظن: حالت نفسانی بین قطع و شك متساوی الطرفین، یعنی از شك بالاتر و از یقین و قطع پایین تر.

ظنّ مطلق: ظن از هر راهی که به دست آمده باشد.

ظنّ معتبر: ظنی که اعتماد کردن به آن شرعاً جایز است و حجّت شرعی محسوب می شود، مثل ظن در رکعات نماز.

ظنون خاصّه: ظنون معتبر، ظن هایی که شارع آنها را معتبر می داند، ظن هایی که حجّت هستند.

عادل: کسی که مرتکب گناه کبیره نشود و اصرار بر گناه صغیره نکند و از کارهایی که نشان دهنده بی مبالاتی در امور دینی است، اجتناب کند.

عبادات: جمع عبادت (--> عبادت).

عبادت: عملی که مربوط به بندگی انسان نسبت به خداوند است و در آن قصد قربت و امتثال امر پروردگار شرط است، مثل نماز و روزه و چنانچه بدون این قصد انجام شود، مجزی نیست و کفایت نمی کند.

عتبات عالیات: --> مشاهد مشرفه.

عُجب: خودبینی، خودپسندی.

عدالت: صفتی که شخص عادل آن را داراست (--> عادل).

عدول:

1 - بازگشت از يك تیت و تصمیم به تیت و تصمیم دیگر، مثل عدول در تیت نماز که تیت را از نمازی که مشغول به آن است به نماز دیگری بر می گرداند، مانند عدول از نماز عصر به نماز ظهر و یا مثل عدول در تقلید که تقلید از يك مرجع را ترك می کند و از مرجع دیگر تقلید می نماید.

2 - جمع عادل، مثل عدول مؤمنین که به معنای شیعیان عادل است.

عذر شرعی: سبب و علتی که شرعاً مجوّز ترك کردن واجب و یا انجام دادن فعل حرام است، مثل عذرهایی که به سبب آنها می توان روزه واجب را افطار کرد.

عرضی: غیر اصلی، آن چه که جزء اصل و ذات شیء نباشد و بر شیء عارض شود. عرضی در مقابل ذاتی قرار دارد.

عرف: عادت و روش و فرهنگ عموم مردم.

عرفات: بیابانی در بیرون مکه که حجّاج از ظهر روز نهم ذی الحجّه در آن جا وقوف می کنند.

عرفی: منسوب به عرف (--> عرف).

عزیمت: اگر وجوب یا استحباب کار واجب یا مستحبی در بعضی از مواقع ساقط شود و دیگر آن کار جایز نباشد، گفته می شود که سقوط آن عزیمت است، مثل ساقط شدن نماز چهار رکعتی در سفر و جایگزین شدن نماز دو رکعتی به جای آن و یا ساقط شدن نافله های نمازهای ظهر و عصر در سفر. در مقابل عزیمت، رخصت قرار دارد.

ص: 596

عسر و حرج: تنگنا و سختی و مشقت زیاد.

عقد: گره و پیوند، عهد و پیمان؛ قرارداد دو طرف بر این که ملتزم به عمل کردن به مفاد آنچه توافق کرده اند، باشند. در عقد باید ایجاب و قبول وجود داشته باشد، مثل عقد بیع و عقد نکاح.

عقود: جمع عقد (---< عقد).

عقود صحیح شرعی: قراردادهای دو طرفه ای که شرع مقدّس آنها را صحیح و جایز می داند، مثل بیع، ازدواج، اجاره، مصالحه و...

علت تامّه: سببی که با موجود شدن آن، معلول نیز ایجاد می شود و در مقابل آن علت ناقصه قرار دارد. در احکام شرعی نیز به سببی گفته می شود که با فرض وجود آن، حکم شرعی وجود داشته باشد.

علم: اعتقاد قطعی، یقین.

علم اجمالی: دانستن چیزی بدون آگاهی داشتن از تفصیل آن، مثل دانستن این که یکی از دو ظرف نجس است، اما معلوم نباشد که کدام یک از آن دو است. علم اجمالی در مقابل علم تفصیلی قرار دارد.

عمدی: کار قصد شده، کاری که از روی قصد و نیت و التفات انجام می شود، نه از روی تصادف و یا غفلت. در مقابل عمدی، سهوی قرار دارد.

عمره تمتّع: بخش اول از مناسک حجّ تمتّع است که شامل پنج عمل (احرام از میقات، طواف، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه و تقصیر) است. عمره تمتّع باید در ماه های حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) انجام شود.

عمره مفرده: عمره ای است که در تمام طول سال می توان آن را انجام داد. اعمال عمره مفرده، مانند عمره تمتّع است، با این تفاوت که در آخر عمره مفرده، باید طواف نساء و نماز آن هم به جا آورده شود.

عمل به احتیاط: این که شخص به گونه ای عمل نماید که یقین کند وظیفه شرعی اش را انجام داده است، مثلاً اگر عده ای از مجتهدین عملی را واجب و عده دیگری مستحب دانستند، آن عمل را به جا آورد و اگر عده ای از مجتهدین عملی را حرام و عده دیگری مکروه دانستند، آن را ترك کند.

عوض و معوّض: عوض به بدل در عقود می گویند، مثل ثمن در بیع و اجرت در اجاره.

معوّض آن چیزی است که عوض در مقابل آن پرداخت می شود، مثل مثنی (جنس فروخته شده) در بیع و منفعت عین و کار در اجاره.

عهد: ملزم شدن به انجام دادن یا ترك کردن فعلی در برابر خداوند به این صورت که فرد بگوید: «با خداوند عهد کردم که فلان کار را انجام دهم یا فلان کار را ترك نمایم». وفای به عهد مانند وفای به سوگند و نذر لازم است و مخالفت با آن جایز نیست و کفّاره دارد.

عیال: کسانی که نفقه آنها بر عهده سرپرست خانواده است، مانند زن و فرزندان نسبت به مرد خانواده.

عیدین: عید فطر و عید قربان.

ص: 597

عین: ذات و نفس هر چیز.

عین مال: ذات و نفس مال، خود مال.

عین موقوفه: مالی که وقف شده باشد.

غائط: مدفوع انسان.

غایت: مقصود، مقصد و نهایت.

غرامت: جریمه و تاوان.

غرض عقلایی: هدفی که افراد عاقل به آن توجه و عنایت دارند و در نزد آنان قابل قبول و معتبر است.

غسل: شستن تمام بدن به همراه قصد قربت که به دو صورت انجام می شود:

1 - غسل ارتماسی: یک باره تمام بدن را زیر آب فرو بردن.

2 - غسل ترتیبی: ابتدا شستن سر و گردن و سپس طرف راست بدن و بعد از آن شستن طرف چپ بدن.

غسل جبیره ای --> جبیره.

غسل مسّ میّت: غسلی که به سبب تماس بدن شخص زنده با بدن مرده (بعد از سرد شدن بدن مرده و قبل از اتمام غسل میّت) بر شخص زنده واجب می شود.

غساله: آبی که از چیز شسته شده خود به خود یا با فشردن خارج شود.

غنی: کسی که مخارج سال خود را (بالفعل یا بالقوه) دارد.

غیبت کبری: به زمان بعد از غیبت صغرای امام دوازدهم علیه السلام تا زمان ظهور آن حضرت گفته می شود، مانند زمان فعلی که ما در آن زندگی می کنیم.

فاقد الطهورین: کسی که نتواند هیچ یک از دو نوع طهارت با آب (غسل و وضو) و با خاک (تیمّم) را تحصیل نماید.

فتوا: حکم کلی شرعی که توسط فقیه بیان می شود.

فتوا به احتیاط: فتوای به احتیاط در مورد علم به تکلیف و شکّ در مکلفّ به و شکّ در سقوط تکلیف قطعی است و مقلّد باید به آن احتیاط عمل نماید، برخلاف احتیاط در فتوا (احتیاط واجب) که مقلّد می تواند به مجتهد دیگر رجوع نماید.

فحص: جستجو.

فردای --> نماز فردای.

فَرَج: عورت انسان (قُبُل و دُبُر).

فرسخ [شرعی]: واحد اندازه گیری مسافت است و مقدار آن از فرسخ معمولی و متعارف (شش کیلومتر) کمتر است و هشت فرسخ شرعی حدود 45 کیلومتر است.

فروع دین: به مسائل و احکام فرعی و عملی دین، مانند نماز، روزه و... گفته می شود.

فضیلت: برتری.

فطره --> زکات فطره.

فطریه --> زکات فطره.

فقیر: کسی که به اندازه مخارج سال خود را نه بالفعل دارد و نه بالقوه.

ص: 598

فقیه جامع الشرائط: مجتهدی که بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، حلال زاده، زنده، عادل و حریص به دنیا نباشد، به گونه ای که منافات با عدالت او داشته باشد و همچنین بنا بر مشهور باید مرد باشد.

فی سبیل الله: در راه خدا؛ مصرف «فی سبیل الله» (در زکات): هر کار خیری که نفعش به عموم مسلمانان برسد، مانند ساختن مسجد، بیمارستان، جاده و پل.

فی نفسه: به خودی خود.

قابل تذکیر: حیوانی که اگر به روش شرعی کشته شود، میتة و مردار محسوب نمی شود.

قاعده تجاوز: قاعده ای فقهی است و مفاد آن عبارت است از بنا را بر صحّت جزء مشکوک گذاشتن پس از عبور از آن جزء و ورود به جزء دیگر، مثل شك کردن به هنگام رکوع در صحّت قرائت و یا شك در اصل به جا آوردن قرائت نماز که در این صورت اعتنایی به آن نمی شود و بنا بر صحیح به جا آوردن قرائت گذاشته می شود.

قاعده فراغ: قاعده ای فقهی است و مفاد آن این است که اگر کسی پس از تمام کردن و فارغ شدن از کاری در صحّت آن شك کرد، بنا را بر صحّت آن می گذارد و به شك خود توجه نمی کند، مثل این که پس از اتمام وضو شك می کند که اعمال وضو را درست به جا آورده یا خیر که در این صورت به شك خود اعتنا نمی کند.

قبض و اقباض: گرفتن و دادن.

قُبُل: جلو، آلت تناسلی مرد و زن.

قدر متیقن: مقدار یقینی، مثلاً کسی که شك دارد دو روز روزه قضا بر عهده اش است یا چهار روز، قدر متیقن روزه های قضا شده برای او دو روز است.

قدرت خرید پول: مقدار کالایی که در مقابل واحد مشخصی از پول می توان تهیه کرد، قدرت خرید پول نامیده می شود. هر قدر مقدار کالا بیشتر باشد، قدرت خرید پول بیشتر است و هر قدر مقدار کالا کمتر باشد، قدرت خرید پول کمتر است.

قرائت [نماز]: خواندن حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز.

قرائن: جمع قرینه (== قرینه).

قربانی [در حج]: یکی از واجبات حج تمتع و قران است و عبارت است از ذبح کردن گوسفند یا گاو یا شتر در روز عید قربان در سرزمین منی.

قربةً الى الله == قصد قربت.

قَرَح: دمل، جراحی که چرك و فساد در آن پیدا شود.

قرشیّه: زنی که نسب او از طرف پدر به نصر بن کنانه (یکی از اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله) برسد، بنا بر این زنانی که سیده هستند، قرشیه هم هستند.

قرن المنازل: مکانی است که در سر راه طائف به مکه قرار دارد و میقات مردم طائف و کسانی است که از آن جا به سوی مکه می روند.

ص: 599

قُرُوح: جمع قَرَح (--< قرح).

قرینه: علامت و نشانه ای که قرین و همراه چیزی است و انسان را برای پی بردن به مطلب راهنمایی می کند.

قَسَم: سوگند؛ سوگند به یکی از اسماء خداوند برای انجام دادن یا ترك کردن کاری که به سبب آن، انجام دادن یا ترك کردن آن کار بر انسان واجب می شود. شکستن قسم موجب کفاره است.

قصد: نیت، تصمیم و اراده.

قصد اقامه: تصمیم و نیت مسافر برای ماندن ده روز یا بیشتر در يك محلّ واحد.

قصد انفراد: نیت فرادی، قصد نماز گزار بر این که نماز او فرادی باشد نه جماعت.

قصد تشریح: انجام دادن عملی با این قصد که آن عمل جزء شریعت، یعنی از دستورات شارع است، با علم انجام دهنده به این که آن عمل از دستورات شارع نیست و یا با شكّ انجام دهنده به این که آیا جزء شریعت است یا خیر، مثل شستن بار سوم صورت و دست در وضو به صورتی که ذکر شد. انجام دادن عمل با قصد تشریح حرام است.

قصد توطن: نیت و تصمیم شخص بر این که محلّی را وطن خود قرار دهد.

قصد جزئیت: نیت مکلف مبنی بر این که چیزی جزء عملی باشد مثل نیت جزئیت سوره حمد نسبت به نماز.

قصد ده روز --< قصد اقامه.

قصد رجا --< رجا.

قصد عشره --< قصد اقامه.

قصد قربت: کار را به نیت اطاعت و امثال امر الهی انجام دادن، تصمیم برای نزدیک شدن به درگاه الهی با انجام دادن کار، مثل خواندن نماز و گرفتن روزه.

قصد قربت مطلقه: قصد امثال امر و فرمانبری از خداوند، بدون این که امر معینی که از طرف شارع آمده، قصد شود.

قصد ندب: نیت استحباب.

قصد الوجه: قصد عنوان حکم خاصّ عمل، مثل قصد وجوب در نیت نمازهای یومیه و قصد استحباب در نیت نماز شب.

قصر: کوتاه، شکسته؛ دو رکعتی خواندن نمازهای چهار رکعتی.

قضا: انجام دادن عمل در خارج از وقت آن برای جبران آنچه از دست رفته است، مثل قضای نمازی که در وقتش خوانده نشده است.

قضا در مقابل ادا قرار دارد.

قطب شمال و جنوب: دو طرف محور کره زمین، شمالی ترین و جنوبی ترین نقاط کره زمین نسبت به خط استوا.

قنوت [در نماز]: دعا و ذکر که همراه بالا آوردن دو دست، بعد از حمد و سوره رکعت دوم نماز و قبل از رکوع به جا آورده می شود و از مستحبات نماز است.

قوی است: عبارتی جهت بیان فتواست و

ص: 600

مقلد باید بر طبق آن عمل نماید.

قیم: کسی که برای حفظ مال و مصالح فرد محجور (ممنوع از تصرف) متصدی و سرپرست او شده است.

کافر: کسی که مسلمان نیست؛ یعنی خدا یا توحید و یا نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله را قبول ندارد.

کاهش ارزش پول: کم شدن قدرت خرید پول (--> قدرت خرید پول).

کبیر: بزرگ، کسی که به بلوغ شرعی رسیده است.

کتاب: قرآن کریم.

کتابی: کسی که از اهل کتاب باشد (--> اهل کتاب).

کتب اربعه: به چهار کتاب اصلی حدیثی شیعه گفته می شود که نام آنها چنین است:

«کافی»، «من لایحضره الفقیه»، «تهذیب الاحکام» و «استبصار».

کثیر السفر --> دائم السفر.

کراهت: یکی از احکام پنجگانه تکلیفی است و آن عبارت است از رجحان داشتن ترك کاری که انجام دادن آن جایز است و عقاب ندارد.

کشف خلاف: آشکار شدن چیزی بر خلاف آنچه که قبلاً تصور می شد، مثل این که تصور کند وضو برای او ضرر داشته و تیمم کند و بعد بفهمد که وضو ضرر نداشته است.

کفّارات: جمع کفّاره (--> کفّاره).

کفّاره: انجام دادن عملی مثل آزاد کردن بنده، اطعام فقرا، روزه و ذبح حیوان که از طرف شارع تعیین شده و مکلف به خاطر جبران نمودن بعضی از اعمالی که نباید انجام می داد و یا جبران نمودن ترك بعضی از اعمال که باید انجام می داد، آن را به جا می آورد.

کفّاره افطار عذری [در روزه رمضان]: کفّاره کسی که ماه رمضان را به دلیل مریضی روزه نگرفته و مریضی او تا ماه رمضان بعد ادامه پیدا کرده است. بر چنین شخصی دیگر قضای روزه واجب نیست؛ بلکه به عوض روزه هر روز، يك مدّ طعام باید بپردازد.

کفّاره افطار عمدی [در روزه رمضان]: آزاد کردن يك بنده یا گرفتن شصت روز روزه و یا طعام دادن به شصت فقیر.

کفّاره تخلف از نذر: همان کفّاره قسم است، مگر این که به هنگام نذر کردن، برای تخلف از نذر، برای خود جریمه دیگری تعیین کرده باشد که در این صورت، هنگام تخلف از نذر، همان جریمه را باید به جا آورد.

کفّاره جمع: به «آزاد کردن يك بنده و گرفتن دو ماه روزه و طعام دان به شصت فقیر» بر روی هم کفّاره جمع گفته می شود.

كفارة قسم: سير کردن يا پوشاندن ده فقير يا آزاد کردن يك بنده و چنانچه توان انجام دادن هيچ کدام را نداشته باشد، بايد سه روز روزه بگيرد.

ص: 601

كُفْن: كَفْن کردن مِيت مسلمان.

كُفْن: سه قطعه پارچه (پیراهن، لنگ و سرتاسری) که مِيت مسلمان را پس از غسل دادن و حنوط کردن به نحو خاصی با آنها می پوشانند.

گمان --> ظن.

گناه صغیره: گناه غیر کبیره (--> گناه کبیره).

گناه کبیره: گناهی که در قرآن کریم یا احادیث معتبر آن را کبیره شمرده باشند یا برای آن وعده عذاب داده باشند و یا نزد مشرّعین گناه بزرگی محسوب شود.

لباسِ احرام: لباسی که پوشیدن آن به هنگام مُحرم شدن، برای مردان واجب است و دارای دو جزء است. یکی لنگ که به کمر بسته می شود و دیگری ردا که به دوش انداخته می شود.

لغو: بیهوده، بی فایده.

لُقْطه: مالی پیدا شده ای که از غیر حرز به دست آمده و صاحب آن معلوم نیست.

لیالی مقمره: شب های مهتابی.

ما ترک --> تَرَک.

ما فی الذمّه: آنچه که واقعاً بر عهده مکلف است، مثلاً مکلف از خواب بیدار می شود و نمی داند که آفتاب طلوع کرده یا نه و نماز صبح را به نیت ما فی الذمّه می خواند، یعنی اگر آفتاب طلوع نکرده، نماز ادا باشد و اگر طلوع کرده، نماز قضا باشد.

مال: چیزی که در نزد عقلا دارای ارزش است و به ملکیت در می آید.

مال زکوی --> اعیان زکوی.

مالیات، مالیات حکومتی: خراج، پول هایی که حکومت به جهت تأمین مخارج از مردم می گیرد.

مالیت: ارزش (--> مال).

ماه های حج: ماه های شوال، ذی القعدة و ذی الحجه.

مأثور: آن چه که از طرف معصومین علیهم السلام وارد شده است، مثل ادعیه ای که از طرف ایشان به ما رسیده است.

مأذون: کسی که دارای اذن و اجازه است.

مأموم: کسی که در نماز، به امام جماعت اقتدا می کند.

مؤونه: مخارج و هزینه.

مباح: جایز، حلال، مشروع.

مبری ذمه: بریء کننده ذمه، کاری که تکلیف را از عهده مکلف برمی دارد.

مبطل: باطل کننده، مثل پشت کردن به قبله در بین نماز که باطل کننده نماز است (--> باطل).

مبطون: کسی که نمی تواند باد یا غائط خود را کنترل نماید و بدون اختیار از مخرج غائط او خارج می شود.

متابعت: پیروی، تبعیت.

متجاهر به فسق: کسی که کار حرام را به صورت علنی و آشکار مرتکب می شود.

ص: 602

متسکعاً: با زحمت و مشقت؛ کسی که حج بر او واجب شده و به حج نرفته، بعداً باید حج را به جا آورد، ولو این که متسکعاً باشد.

متعارف: معمول.

متعاملین: دو طرف معامله، مثل فروشنده و خریدار در بیع.

متعلق خمس: چیزی که خمس به آن تعلق بگیرد.

متفق علیه: چیزی که بر روی آن اتفاق نظر وجود دارد.

متنجس: چیزی که در اصل خود پاک بوده و نجاست از چیز دیگری به آن سرایت کرده است، مثل آب پاک قلبی که نجاست با آن ملاقات کرده است.

متولی: سرپرست؛ اختیاردار در وقف و امور خیریه.

متهم: کسی که کار بدی به او نسبت داده شده و قرینه ای بر صحت این نسبت وجود دارد.

مُثْمَن: مبیع و کالایی که فروشنده می دهد و در مقابل آن ثمن را دریافت می کند.

مجاورت: همجوار بودن؛ مجاورت با خانه خدا: ماندن دو سال تمام در مکه به قصد هم جوار بودن با خانه خدا و وارد شدن به سال سوم. به چنین کسی مجاور گفته می شود و وظیفه او در حجة الاسلام، حج قران یا افراد است، نه حج تمتع.

مجتهد: کسی که به مرتبه اجتهاد رسیده است؛ یعنی توان علمی او به حدی است که می تواند با کوشش و سعی خود، احکام دین را از منابع آن (قرآن، سنت، اجماع و عقل) استخراج کند.

مجتهد اعلم --> اعلم.

مجتهد جامع الشرائط --> فقیه جامع الشرائط.

مجرا: محل جریان، مثل مجرای بول.

مُجْزِي: کفایت کننده، عملی که تکلیف را ساقط می کند و در نتیجه وظیفه دیگری متوجه مکلف نیست.

مجوز: [شرعی] --> عذر شرعی.

مجهول المالك: مالی که مالکش معلوم نیست و یا در بین افراد غیر محصور است و لقطه (مال گم شده ای که کسی آن را پیدا کرده)، نیز به حساب نمی آید.

مجهول الهوية: بی نام و نشان، ناشناس، گمنام.

محاذات: موازات، هم سمت بودن.

محاذی: موازی، هم سمت؛ محاذی میقات:

به نقطه ای گفته می شود که اگر انسان در حال حرکت به سمت مکه از آن نقطه خطی به میقات که در سمت چپ یا راست اوست، رسم کند، بر خطی که از آن نقطه به مکه وصل می شود، عمود باشد و چنانچه از آن نقطه بگذرد، میقات متمایل به پشت او شود.

محارم: جمع مَحْرَم (--- مَحْرَم).

ص: 603

محاكم صالحه: محکمه ها و دادگاه هایی که صلاحیت شرعی برای رسیدگی به دعاوی را دارند.

محتلم: کسی که در خواب از او منی خارج شود.

محتمل الأعلمیة: مجتهدی که احتمال اعلم بودن او نسبت به مجتهدان دیگر وجود دارد.

محبور: کسی که به دلیل عدم بلوغ یا سفاهت و یا ورشکستگی و مانند آنها از طرف شارع از تصرف در اموالش منع شده است.

محدور: مانع، آنچه از آن پرهیز شده است.

محرّم: به همسر و همچنین به تمام کسانی که ازدواج با آنها به واسطه رابطه نسبی یا سببی یا رضاعی، حرام ابدی باشد، گفته می شود.

مُحرّم: کسی که برای حج یا عمره احرام بسته باشد.

مُحرّمات احرام: کارهایی که در حال احرام حج یا عمره، حرام است، مثل نگاه کردن در آینه.

مُحرّمات اعتکاف: کارهایی که در حال اعتکاف، بر فرد اعتکاف کننده حرام است، مانند جماع با همسر.

مُحرّمات حج -- < مُحَرّمات احرام.

محصور: کسی که پس از مُحرم شدن، به علّت بیماری و مانند آن (مثلاً شکستگی اعضای بدن یا مجروح شدن) نتواند حج یا عمره را به پایان برساند.

محکوم به... است: حکم... را دارد.

محلّ اشکال است، محلّ تأمّل است، مشکل است، خالی از اشکال نیست: بیان تأمّل و تردید در فتوا از طرف مجتهد است که نتیجه آن احتیاط و جویی در عدم صحّت و عدم کفایت عملی است که با این عبارات بیان شده است (مقلّد می تواند در این مسأله به مجتهد دیگر رجوع کند).

محلّ تأمّل است -- < محلّ اشکال است.

محلّ عدول در نماز: محلّ بازگشت از يك نیت به نیت دیگر در نماز، مثلاً عدول از نماز ادای چهاررکعتی به نماز قضای چهاررکعتی در هر جای نماز امکان دارد؛ ولی عدول نمودن از نماز ادای چهاررکعتی به نماز قضای سه رکعتی پس از رکوع رکعت چهارم صحیح نیست؛ زیرا از محلّ عدول گذشته است.

مخارج حروف: محلّ خروج و ایجاد حروف الفبا و ظاهر شدن آنها، به طوری که از حروف دیگر متمایز باشند، مثل حروف حلقی که محلّ ایجاد شدن آنها حلق است.

مختار: دارای اختیار.

مخرج بول و غائط: محلّ خروج ادرار و مدفوع.

مخل: چیزی که اخلاص و اشکال ایجاد می کند.

مخمس: تخمیس شده، مالی که خمس آن داده شده است.

مخیر است: دارای اختیار است و می تواند به

ص: 604

هر يك از دو يا چند طرف تكليف شرعى عمل نمايد، مثلاً در كفّاره افطار عمدى روزه ماه رمضان مخير است كه يك بنده آزاد كند يا شصت روز روزه بگيرد و يا به شصت فقير طعام بدهد.

مُد: پيمانه اى كه ظرفيت آن 14 صاع باشد.

مدعى: ادعا كننده.

مديون: بدهكار.

مذكى: حيوانى كه به دستور شرع ذبح و يا صيد شده باشد و ميته محسوب نشود.

مذى: آبي كه پيش از خروج منى و بر اثر ملاعبه و امثال آن از انسان خارج مى شود و پاك است.

مرجّح: ترجيح دهنده؛ مطلبى كه كارى يا چيزى را نسبت به كار يا چيز ديگر برتر و بالاتر قرار مى دهد و باعث ترجيح دادن و انتخاب آن چيز يا كار در مقابل چيزى يا كار ديگرى مى شود.

مرجع تقليد: مجتهد جامع الشرائطى كه از او تقليد مى شود.

مرتد: كسى كه از دين اسلام خارج شود.

مرتد فطرى: كسى كه از هنگام انعقاد نطفه وى تا هنگام تولدش، پدر و مادرش و يا يكي از آنها مسلمان باشد و در دروه قبل از بلوغ، تحت تربيت اسلامى بوده و پس از بلوغ نيز اظهار اسلام کرده باشد و سپس اسلام را انكار نمايد.

مرتد ملى: كسى كه از اسلام خارج شده و مرتد فطرى نباشد.

مرفق: آرنج.

مروه: كوه كوچكى در نزديكى خانه كعبه كه حاجى سعى را بين آن كوه و كوه صفا، به جا مى آورد.

مزارعه: قرار داد بين مالك زمين و زارع كه به موجب آن، مالك زمين را براى مدت معينى به زارع مى دهد كه در آن زراعت كند و حاصل را تقسيم كنند.

مزدلفه --> مشعر.

مزكى: مالى كه زكات آن پرداخت شده باشد.

مس: لمس كردن، تماس بدن با چيزى بدون واسطه، مثل مسّ ميت.

مسائل اجماعى: مسائلى كه همه فقها بر روى آنها اتفاق نظر دارند.

مسائل ضروری --> ضروری دین و ضروری مذهب.

مسائل مورد ابتلاء: مسائلی که معمولاً مکلف با آنها سر و کار پیدا می کند که لازم است حکم شرعی آنها را یاد بگیرد.

مساجد چهارگانه: چهار مکان که مسافر در آنها منخیر است نماز را شکسته و یا کامل بخواند (مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام).

مساجد چهارگانه اعتکاف: مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه و مسجد بصره.

ص: 605

مساجد سبعة: هفت جای بدن که به هنگام سجده با زمین تماس پیدا می کند (پیشانی، کف دو دست، دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پا).

مسافت شرعی: مقدار مسافتی که در تحقق سفر شرعی باید طی کردن آن را قصد نمود و مقدار آن هشت فرسخ شرعی (حدود 45 کیلومتر) است.

مسامحه: آسان گرفتن، سهل انگاشتن.

مسأله دارای تفصیل است: مسأله دارای صورت های مختلفی است که هر کدام حکم مخصوص به خود را دارد.

مستثنیات دین: چیزهایی ضروری زندگی انسان، مانند خانه مسکونی، اثاثیه خانه و وسیله لازم برای رفت و آمد که در مجبور کردن بدهکار برای فروش اموال خود جهت ادای دین، استثنا شده اند.

مستحاضه: زنی که خون استحاضه دیده باشد.

مستحاضه قلیله: زنی که استحاضه او استحاضه قلیله باشد (--< استحاضه قلیله).

مستحاضه کثیره: زنی که استحاضه او استحاضه کثیره باشد (--< استحاضه کثیره).

مستحاضه متوسطه: زنی که استحاضه او استحاضه متوسطه باشد (--< استحاضه متوسطه).

مستحب: کاری که انجام دادن آن، همانند ترك کردن آن جایز است، ولی انجام دادن آن بهتر است و ثواب دارد، مثل خواندن نمازهای نافله.

مستحب مؤکد: مستحبی که در شرع بر روی آن تأکید شده است.

مستحل: غیر مسلمانی که کار حرامی (مثل خوردن گوشت میت) را حلال می شمارد.

مستطیع: کسی که استطاعت شرعی برای رفتن به حج را دارا باشد.

مستقر شدن حج --< استقرار حج.

مستلزم: چیزی که چیز دیگری را به همراه و دنبال خود می آورد، مثلاً گفته می شود که این کار مستلزم عسر و حرج است؛ یعنی انجام دادن این کار مشقت و سختی زیادی را به همراه خود دارد.

مستنبطات ادله شرعیه: چیزهایی که مجتهد از روی دلایل شرعی استنباط می کند و به دست می آورد.

مستند:

1 - چیزی که به آن استناد کنند، مدرک و سند، مثل مستند حکم شرعی که دلیل یا قاعده یا اصلی است که حکم شرعی را از آن به دست آورند.

2- امری که به کسی یا چیزی نسبت داده می شود، منتسب، مثلاً گفته شود که قتل، مستند به زید است.

مستهجن: زشت، قبیح، ناپسند.

مستهلك: استهلاك شده، از بین رفته (→ استهلاك).

ص: 606

مسجد جامع: مسجد بزرگی که اقشار مختلف مردم از نواحی گوناگون بلد برای نماز در آن شرکت می کنند.

مسجد الحرام: مسجدی که خانه کعبه در آن قرار دارد و مهمترین مسجد جهان اسلام است.

مسجد شجره: مسجدی که در میقات ذوالحلیفه در نزدیکی مدینه منوره و در سر راه مدینه به مکه قرار دارد.

مسجد النبی صلی الله علیه و آله: مسجدی که توسط نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در شهر مدینه ساخته شد و هم اکنون این مسجد، قبر شریف آن حضرت را در بر گرفته است.

مُسکر: مست کننده.

مسلوس: کسی که قادر به کنترل بول (ادرار) خود نیست.

مشاع: شایع و منتشر؛ ملك و مال مشاع:

چیزی که ملکیت آن متعلق به بیش از يك نفر است و سهم هر يك از آنها در اجزای آن چیز پراکنده است و معین و جدا نشده و بنا بر این هر جزء آن چیز متعلق به تمام مالکان است.

مشاهد مشرفه: قبور و حرم های مطهر حضرت معصومین علیهم السلام و گاهی بر حرم های دیگر نیز اطلاق می شود.

مشرك: کسی که برای خداوند متعال شريك قرار دهد.

مشروط: چیزی که متوقف بر شرطی باشد، مثل صحت نماز که متوقف و مشروط بر طهارت است.

مشروعیت: شرعی بودن چیزی، جایز بودن چیزی از نظر شارع.

مشعر، مشعر الحرام، مزدلفه: بیابانی است در شرق شهر مکه که از يك سو متصل است به عرفات و از سوی دیگر به منی. یکی از اعمال حج، وقوف در مشعر الحرام است.

مشکل است --> محل اشکال است.

مصالحه: --> صلح.

مصدق: چیزی که عنوانی بر آن منطبق باشد، مصداق آن عنوان نامیده می شود، مثلاً آبی که در يك ظرف وجود دارد، مصداق عنوان «آب» است.

مصدود: کسی که پس از مُحرم شدن، دشمن و مانند آن مانع انجام دادن حج یا عمره او شود و نتواند حج یا عمره را به پایان برساند.

مصلحت عامه: صلاح و منفعت عموم مردم.

مضطرب: کسی که در حال اضطراب واقع شده است (--> اضطراب).

مطاف: مکان طواف به دور خانه کعبه.

مطلق، مطلقاً: بدون قید.

مظالم، مظالم عباد: دیونی که بر ذمه و عهده اشخاص باشد و صاحبان آنها معلوم نباشد.

مظنون الأعلمیة: مجتهدی که گمان می رود اعلم از مجتهدین دیگر باشد.

معاد: روز قیامت، روز بازگشت انسان ها برای حسابرسی به اعمال آنها.

معاملات: معاملات در يك اصطلاح در

ص: 607

مقابل عبادات به کار برده می شود که به مسائل غیر از طهارت، نماز، روزه، زکات، خمس و حج گفته می شود.

معامله فضولی: معامله ای که بدون اجازه کسی که صاحب اختیار در معامله است، انجام شده و برای صحت آن، اجازه صاحب اختیار لازم است.

معامله کلی: در معامله ای که مبیع (جنس فروخته شده) یا ثمن (قیمت و پول جنس فروخته شده) یا هر دوی آنها عین مشخص خارجی (مثل همان کیسه برنجی که در مقابل ما قرار دارد یا همان پولی که در دست مشتری است) نباشد، بلکه به عهده و ذمه گرفته شود (مثل این که فروشنده تعهد کند که یک کیسه برنج بدهد و یا این که خریدار متعهد شود که پول آن را پرداخت کند)، معامله نسبت به هر یک از آنها (مبیع یا ثمن و یا هر دو آنها) که به ذمه و عهده گرفته شده، معامله کلی محسوب می شود.

معتکف: اعتکاف کننده (---> اعتکاف).

معدن: چیزهای باارزشی که به طور طبیعی در زیر یا روی زمین وجود دارد، مثل آهن، مس، گچ، نمک، نفت و...

معدور: کسی که عذر شرعی دارد (---> عذر شرعی).

معرکه جنگ: میدان جنگ، محل نبرد و زد و خورد در جنگ.

مُعسر: نیازمند، تنگدست، کسی که قدرت پرداخت دین خود را ندارد.

معسور: سخت و دشوار، مخالف میسور.

معلوم بالاجمال: چیزی که از یک جهت معلوم و از جهت دیگر مجهول است، مثل ظرفی که نجاستش معلوم و یقینی است، ولی بین دو ظرف مشتبه شده است و معلوم نیست که کدام یک از دو ظرف، همان ظرف نجس است.

مفتوح به عنوه: سرزمین و مکانی که با قهر و غلبه فتح شده باشد.

مفطرات: چیزهایی که روزه را باطل می کند، مثل خوردن، آشامیدن و جماع.

مقام ابراهیم علیه السلام: سنگی که حضرت ابراهیم علیه السلام برای ساختن خانه کعبه و یا برای اعلام و دعوت مردم برای حج بر روی آن ایستاده و اثر قدمهای آن حضرت بر آن مشهود است و اکنون در حدود 13/5 متری خانه کعبه در داخل محفظه ای قرار داد.

مقدار متیقن ---> قدر متیقن.

مقدمه علمیه: انجام کاری به عنوان مقدمه تا انسان یقین کند که وظیفه شرعی خود را انجام داده است، مثل شستن مقداری بالاتر از آرنج در وضو تا یقین کند که از آرنج تا سرانگشتان را شسته است.

مقصّر: کسی که برای عمل اشتباهی که انجام داده، عذری ندارد، مثل کسی که بر اثر ندانستن حکم شرعی، بر خلاف حکم شرعی عملی را انجام داده باشد و برای ندانستن حکم، عذری نداشته باشد و در یاد گرفتن آن کوتاهی کرده

باشد.

مقطع العضو: کسی که عضوی از بدنش، مثل دست یا پا قطع شده باشد.

مقلد: تقلید کننده، کسی که در احکام شرعی از مجتهد جامع الشرائط تقلید می کند.

مقیّد: چیزی که دارای قید است و در مقابل آن مطلق قرار دارد، مثلاً «بنده» چون قیدی ندارد به آن مطلق گفته می شود ولی اگر قید «مؤمن» به آن اضافه شود (بنده مؤمن)، به آن مقیّد می گویند.

مکروه: کاری که کراهت دارد (--> کراهت).

مکلف: کسی که ملزم به انجام دادن تکالیف و وظایف شرعی است.

مکلف به: چیزی که مکلف، به آن تکلیف شده است، مثل نماز و روزه.

مکیل: چیزی که با کیل (پیمانه) اندازه گیری می شود، مثل آب و بنزین.

ملاعبه: با یکدیگر بازی و شوخی کردن.

ملحق: چیزی که از نظر موضوع غیر از چیز دیگر است، ولی حکمش با آن چیز یکی است، ملحق به آن محسوب می شود، مثل قطعه جدا شده از بدن انسان زنده که احتیاطاً حکمش همان حکم قطعه جدا شده از بدن مرده است.

مماثل: مثل هم؛ زن مماثل زن و مرد مماثل مرد است.

ممتنع: امتناع و خودداری کننده.

ممیز: بچه ای که بالغ نشده، ولی خوبی و بدی را تشخیص می دهد. برای ممیز شدن سنّ خاصّی تعیین نشده است و به سبب اختلاف افراد، سنّ تمیز هم فرق می کند.

منافی: چیزی که با چیزی دیگر ناسازگار است و در آن اخلال ایجاد می کند، مثل پشت کردن به قبله در بین نماز که منافی با نماز است.

مندور: چیزی که نذر کننده آن را نذر کرده است، مثل خواندن نماز یا دادن صدقه.

منفرد: کسی که نماز فرادی می خواند (--> نماز فرادی).

منفعت محلّله: نفعی که از نظر شرعی حلال محسوب شود.

منوبّ عنه: کسی که دیگری به نیابت از او کاری را انجام می دهد، مثل کسی که به نیابت از او حجّ به جا آورده می شود.

منی: آبی که هنگام شدت گرفتن شهوت خارج می شود و خروج آن باعث جنابت می گردد.

مِنِي: سرزمینی که بین وادی محسّر و جمره عقبه قرار دارد و جمرات سه گانه در آن واقع شده و در روز عید قربان حاجی ها از مشعر الحرام وارد آن جا می شوند تا اعمالِ مِنِي را به جا آورند.

مواضع سجده: هفت موضع از بدن که به هنگام سجده بر روی زمین قرار می گیرد (==> مساجد سبعة).

موارد شبهه: جمع «مورد شبهه» (==> مورد شبهه).

ص: 609

مورد ابتلا: چیزی که مکلف با آن سر و کار پیدا کند و به آن مبتلا شود.

موضع سجده: مکانی که پیشانی به هنگام سجده بر آن قرار می گیرد.

موافقت: جمع میقات (== میقات).

موالات: پی در پی و پشت سر هم انجام دادن اجزای يك کار، مثل موالات در وضو و نماز.

مورث: ارث گذارنده، کسی که میراث از خود باقی گذارد.

مورد شبهه: چیزی که انسان نسبت به آن دچار شبهه و تردید شود.

موزون: چیزی که برای اندازه گیری کردن، آن را وزن می کنند، مثل پنبه.

موصی: وصیت کننده.

موضوع: چیزی که حکم برای آن تشریح می شود، مثل به جا آوردن نماز که حکم وجوب دارد و خوردن شراب که حکم حرمت دارد.

موقوف علیهم: کسانی که چیزی برای آنها وقف شده و منافع وقف به آنها تعلق دارد.

موقوفات عامه: موقوفاتی که برای فرد یا افراد معین و مشخصی (مانند فرزندان انسان) وقف نشده اند، مثل وقف بر مسلمانان یا وقف بر فقراء.

میته: مردار.

میسر: آسان، آماده و فراهم.

میسور: سهل و آسان، مخالف معسور.

میقات: مکانی که برای احرام بستن در حج و عمره تعیین شده است.

ناسی: فراموش کننده.

ناصبی: کسی که با اهل بیت علیهم السلام دشمنی و عداوت بورزد.

نافذ: چیزی که دارای نفوذ و اثر است و ترتیب اثر بر آن منوط به چیز دیگری نیست، مانند عقد نافذ که آثار صحّت بر آن مترتب است و موقوف به چیز دیگری نیست.

نافله: زیاده (زیادتی بر واجب)، نماز مستحبی.

نافله ظهر: نماز مستحبی که قبل از نماز ظهر خوانده می شود و هشت رکعت است (چهار نماز دورکعتی به نیت نافله ظهر).

نامحرّم: کسی که محرم نباشد (---> محرم).

نایب: جانشین و قائم مقام، کسی که کاری را به نیابت از دیگری انجام می دهد، مانند کسی که به نیابت از دیگری عمل حج را به جا می آورد.

نیش قبر: شکافتن قبر به طوری که جسد میت ظاهر شود.

نجاست، نجس: پلیدی و کثافت. چیزی که شرع آن را پلید بشمارد و بودن آن در بدن و لباس، مانع نماز گردد، مانند بول، غائط، خون و مردار.

نذر: ملتزم شدن به انجام دادن و یا ترك کاری برای خداوند که با خواندن صیغه نذر محقق می شود، مثل این که بگوید: «لله علیّ أن

ص: 610

أفعل كذا؛ یعنی برای رضای خداوند بر من است که فلان کار را انجام دهم» که در این صورت آن کار بر او واجب می شود.

نذر مطلق:

1 - نذری که در آن، خود نذر مشروط به واقع شدن چیزی (مثل خوب شدن مریض یا بازگشتن مسافر) نباشد.

2 - نذری که در آن، مورد نذر شده مقید به چیزی نباشد، مثل این که نذر کرده روزه بگیرد، بدون این که به هنگام نذر کردن روزه خاصی مثل روزه مستحبی یا روزه قضای رمضان و یا روزه های خاصی را برای روزه گرفتن معین کرده باشد.

نذر معین: مثل نذر روزه گرفتن در روز معین و مشخص و یا نذر اعتکاف در ایامی مشخص.

نذورات: جمع نذر (--> نذر).

نسیان: فراموش کردن.

نصاب: مقداری که اگر مال به آن مقدار برسد، حقوق شرعی به آن تعلق می گیرد، مانند نصاب زکات که اگر مال زکوی به آن حد برسد، با وجود سایر شرایط، زکات آن باید پرداخت شود.

نصب: ناصبی بودن (--> ناصبی).

نصرانی: مسیحی.

نفاس: از وقتی که اولین جزء بیچه از شکم مادر بیرون می آید، هر خونی که می بیند اگر پیش از ده روز یا سرده روز قطع شود، خون نفاس است و به زن در این حالت، نفساء گفته می شود.

نفر: کوچ کردن؛ یَوْمُ النَّفْرِ: روز دوازدهم ذی الحجه که حاجی ها از منی به سمت مکه کوچ می کنند.

نفساء: زنی که در حال نفاس به سر می برد (--> نفاس).

نقعه: هزینه و مخارج زندگی؛ هزینه و مخارج لازم و ضروری زندگی زن که بر شوهر واجب است و در برخی شرایط، هزینه و مخارج لازم و ضروری اولاد و پدر و مادر نسبت به یکدیگر.

نقدین: سکه طلا و نقره.

نماز آیات: نمازی که به هنگام حوادثی چون خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی و زلزله واجب می شود و دو رکعت است.

نماز احتیاط: نماز بدون سوره که برای جبران رکعات مورد شك در نمازی که شك صحیح در رکعات آن واقع شده، بلافاصله پس از آن نماز خوانده می شود و يك یا دو رکعت است.

نماز اخفای: نمازی که واجب است حمد و سوره آن آهسته خوانده شود و آن نماز ظهر و عصر است و در مقابل آن نماز جهری قرار دارد.

نماز انفرادی --> نماز فرادی.

نماز اول ماه: دو رکعت نماز مستحبی است که در روز اول ماه قمری خوانده می شود. در رکعت اول، بعد از حمد، سی مرتبه سوره توحید و در رکعت دوم، بعد از حمد، سی مرتبه سوره

ص: 611

قدر خوانده می شود و بعد از نماز، صدقه دادن به قدر میسور بهتر است. انسان با این نماز، سلامتی خودش را تا آخر ماه تأمین می کند و ثواب اخروی هم دارد.

نماز جعفر طیار: چهار رکعت نماز مستحبی (دو تا دورکعت با دو سلام) است که در هر رکعت بعد از حمد و سوره پانزده مرتبه تسبیحات اربعه و در رکوع و بعد از بلند شدن از رکوع و در هر سجده و بعد از بلند شدن از هر سجده، ده مرتبه تسبیحات اربعه گفته می شود که روی هم در یک رکعت هفتاد و پنج مرتبه و در مجموع چهار رکعت سیصد مرتبه تسبیحات اربعه خوانده می شود. این نماز فضیلت و ثواب بسیار زیادی دارد و در پاک شدن گناهان و برآورده شدن حاجات مؤثر است.

نماز جمعه: دو رکعت نماز با کیفیت خاص که در ظهر روز جمعه به جای نماز ظهر و به صورت جماعت برگزار می شود و با کمتر از پنج نفر قابل برپا شدن نیست و قبل از آن دو خطبه توسط امام جمعه خوانده می شود.

نماز جهری: نمازی که بر مرد واجب است حمد و سوره آن را بلند بخواند. نماز صبح و مغرب و عشا نماز جهری است. در مقابل نماز جهری، نماز اخفاتی قرار دارد.

نماز فردای: به نمازی گفته می شود که به جماعت خوانده نشود و نمازگزار به تنهایی نماز را بخواند.

نماز وصیت: نماز دورکعتی که خواندن آن در میان نماز مغرب و عشا مستحب است. در رکعت اول، حمد و سیزده مرتبه سوره زلزال و در رکعت دوم، حمد و پانزده مرتبه سوره توحید خوانده می شود.

نماز یومیّه: نماز روزانه؛ نمازهای واجب در شبانه روز که مجموعاً هفده رکعت است.

نمای متصل: افزونی و زیادی چیزی که به آن متصل است و از خود آن محسوب می شود، مثل چاقی گوسفند.

نمای منفصل: افزونی و زیادی چیزی که از آن منفصل و جداست، مثل بچه ای که از گوسفند به دنیا می آید.

نوافل یومیّه: نمازهای مستحبی که در شبانه روز وارد شده و 34 رکعت است که چنین اند:

دورکعت نافله صبح، هشت رکعت نافله ظهر، هشت رکعت نافله عصر، چهار رکعت نافله مغرب، دو رکعت نافله عشا که نشسته خوانده می شود و یک رکعت محسوب می شود و یازده رکعت نافله شب.

نهی از منکر: نهی کردن و بازداشتن افراد از کاری که شرع آن را ناپسند شمرده است (حرام و مکروه).

نیابت: انجام دادن کاری از طرف شخص دیگر به گونه ای که شخصی که کار را انجام می دهد، خودش را به جای کسی که کار از طرف او انجام می شود، قرار دهد و یا کار خود را به جای کار او قرار دهد.

نیابتی - نیابتی: کاری که به نیابت از طرف شخص دیگری انجام می شود، مثل حج نیابتی

(--> نیابت).

نیت: تصمیم و قصد.

نیت رجا --> رجا.

نیت قربت --> قصد قربت.

واجب: کاری که مکلف باید آن را انجام دهد و ترك آن گناه محسوب می شود و عقاب دارد، مثل خواندن نماز.

واجب تخییری: واجبی که بدل و جانشینی برای آن وجود دارد و مکلف در انجام دادن هر کدام اختیار دارد، مثل اختیار بین تقصیر یا حلق نمودن در حج برای مردی که پس از حجة الاسلام، دوباره حج به جا می آورد.

واجب رکنی نماز: واجبی که کم و زیاد شدن عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند و آن، پنج چیز است: نیت، تکبیرة الاحرام، قیام (هنگام تکبیرة الاحرام و قبل از رکوع)، رکوع و دو سجده.

واجب غیری: واجبی که ذاتاً واجب نیست، بلکه به تبعیت از واجب دیگر واجب می شود مثل وضو که نسبت به نماز واجب غیری محسوب می گردد.

واجب نفسی: واجبی که ذاتاً خودش واجب است، مثل نماز. در مقابل آن واجب غیری قرار دارد.

واجب النفقه: کسی که مخارج لازم او بر عهده شخص دیگری باشد، واجب النفقه آن شخص محسوب می شود، مثل زن نسبت به شوهر.

واجبات استحاضه: کارهایی که واجب است زن در موقع استحاضه انجام دهد، مثل تطهیر و یا غسل های لازم برای خواندن نماز.

واجبات مستقل (در حج): واجباتی که ترك کردن عمدی آنها نیز موجب باطل شدن حج نمی شود، مثل طواف نسا.

وادی محسّر: سرزمینی که میان مشعر الحرام و منی واقع شده است.

وارث: کسی که از مرده ارث می برد و مال مرده به او منتقل می شود.

وجوب: یکی از احکام پنجگانه تکلیفی است و آن حکمی است که مکلف باید بر طبق آن عمل کند و عمل نکردن بر طبق آن عقاب دارد، مثل وجوب نماز و روزه.

وجوهات شرعی: اموالی که با عناوین مختلف معین شده در شرع پرداخت می شود و در مصارف مشخص شده آن مورد استفاده قرار می گیرد، مثل خمس، زکات و کفارات.

وجه و کفین: صورت و دو دست از مچ تا نوک انگشتان.

وجهی ندارد: مستند نیست؛ مدرکی ندارد.

وَدُی: آبی که گاهی بعد از ادرار خارج می شود و پاك است.

وَدُی: آبی که گاهی بعد از منی بیرون می آید و پاك است.

وَرَاث: جمع وارث (--- وارث).

وسوسه: وسواس پیدا کردن، دودلی و شك و

ص: 613

تردید که مانع تصمیم‌گیری می‌شود و انسان را به کارهای غیر متعارف وامی‌دارد.

وصایا: جمع وصیت (---> وصیت).

وصل به سکون: حرکت آخر کلمه ای را انداختن و بدون وقف نمودن آن را به کلمه بعد چسبانیدن.

وصیت: سفارش؛ توصیه‌هایی که انسان برای کارهای پس از مرگش می‌نماید.

وضو: شستن صورت و دو دست از آرنج تا نوک انگشتان و مسح سر و روی دو پا با قصد قربت.

وضوی ارتماسی: وضویی که در آن، اعضای شستنی وضو، به واسطه فرو بردن در آب شسته می‌شود.

وضوی تجدیدی: وضوی جدیدی که بدون باطل شدن وضوی قبلی گرفته می‌شود.

وضوی ترتیبی: وضویی که در آن، اعضای شستنی وضو، بدون فرو بردن در آب شسته می‌شود.

وضوی جبیره: وضویی که با وجود جبیره در اعضای وضو گرفته می‌شود و نحوه آن در توضیح المسائل آمده است.

وطن: مکانی که انسان برای اقامت و زندگی کردن اختیار کرده است.

وطی: جماع، نزدیکی کردن.

وظیفه ظاهری ---> احکام ظاهری.

وقت فضیلت نماز: وقتی که خواندن نمازهای یومیه در آن افضل است و ثواب بیشتری دارد، مثل وقت فضیلت نماز صبح که از طلوع فجر تا به وجود آمدن سرخی طرف مشرق است و یا وقت فضیلت نماز مغرب که از اذان مغرب تا از بین رفتن سرخی طرف مغرب است.

وقف: وقف آن است که انسان ملکی را ثابت نگه دارد و منافع آن را برای شخص یا اشخاصی یا برای کار یا مصرفی تعیین نماید، مثل وقف زمین برای فقرا یا مسجد.

وقف خاص: وقف برای افراد خاص، مثل وقف چیزی بر اولاد.

وقف عام: وقف برای امور خیریه و یا عناوین عامه، مثل وقف بر فقرا.

وقف به حرکت: حرکت آخر کلمه ای را ادا کردن و چسبانیدن آن کلمه به کلمه بعدی به هنگام قرائت.

وقوف: توقّف؛ توقّف کردن و ماندن در عرفات و مشعر با قصد قربت.

وقوفین: دو وقوف (وقوف در عرفات و وقوف در مشعر الحرام).

وکالت: عقدی است که به موجب آن انسان کار خود را که مباشرت در آن لازم نیست، به دیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد.

وکیل: کسی که به موجب عقد وکالت، عهده دار انجام دادن کاری از طرف شخص دیگر (موکل) شده است.

ولد الزنا: کسی که از راه زنا و غیر مشروع متولد شده باشد.

ص: 614

ولی: سرپرست و اختیاردار؛ کسی که به دستور شرع سرپرست شخص دیگری است، مثل پدر و جد پدری.

ولی میّت: کسی که امور میّت به دست اوست.

وهّابی: کسی که پیرو وهّابیت است.

وهّابیت: مذهب فرقه ای که در عربستان سعودی توسط محمد بن عبدالوهّاب در اواخر قرن 12 ق و اوایل قرن 13 ق تشکیل شد. به عقیده این فرقه بسیاری از اعمال سایر مسلمانان (سنّی و شیعه) بدعت و ضلالت است.

هاشمی: سید، کسی که از طرف پدر منسوب به هاشم بن عبد مناف (از اجداد گرامی رسول الله صلی الله علیه و آله) است.

هبه: بخشش.

هتک، هتک حرمت: بی احترامی کردن، حرمت چیزی را شکستن.

هدیه: بخشش و عطا کردن بدون عوض، به قصد اکرام کردن فرد.

هروله: نوعی تند راه رفتن که بین راه رفتن معمولی و دویدن است. در سعی بین صفا و مروه، هروله در بین مناره و بازار عطاران که در زمان کنونی با چراغ های سبز مشخص شده، مستحب است.

هندو: طایفه ای از مردم هندوستان که مذهب مخصوصی دارند.

یائسگی: رسیدن زن به سنّی که دیگر خون حیض نمی بیند که در زنان معمولی پنجاه سال قمری و در زنان قرشیه شصت سال قمری است و در بین پنجاه تا شصت سالگی، زنان قرشیه احتیاطاً باید بین تروک حیض و اعمال استحاضه را جمع کنند.

یائسه: زنی که به سن یائسگی رسیده است (--> یائسگی).

ید: دست؛ در اصطلاح به معنی «سلطه» است. تحت ید: چیزی یا کسی که در اختیار و زیر سلطه شخص دیگری است. ذو الید: شخصی که چیزی یا کسی در اختیار اوست و بر آن سلطه دارد.

یقین: قطع و جزم و علم، حالت نفسانی که در آن شك و تردید نسبت به امری وجود نداشته باشد.

یلملم: کوهی است در جنوب مکه و میقات کسانی است که از طرف یمن به سوی مکه می روند.

یمین:

1 - سوگند و قسم.

2 - راست (در مقابل چپ).

يوم الترويه: روز هشتم ماه ذى الحجه.

ص: 615

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

